

---

# هزارواژه علوم گیاهی

(۱)

---



---

## هزارواژه علوم گیاهی

(۱)

---

مجموعه واژه‌های علوم گیاهی و گیاهان دارویی

برگرفته از فرهنگ واژه‌های مصوب

فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۳-۱۴۰۰

---

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

گروه واژه‌گزینی

پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی

---

نشر آثار / تهران ۱۴۰۰



## فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار
نُه	مقدمه
سیزده	همکاران علمی
شانزده	نشانه‌های اختصاری
۱-۲۱۷	فرهنگ واژه‌های مصوّب علوم گیاهی و گیاهان دارویی به ترتیب الفبای فارسی
1-65	فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی
66-127	فهرست واژه‌ها براساس گروه یا شاخه به ترتیب الفبای لاتینی



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## پیشگفتار

هزارواژه نام عمومی فرهنگ‌هایی تخصصی است که از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر می‌شود. ممارست طولانی در کار واژه‌گزینی که به یافتن و ساختن ده‌ها هزار واژه فارسی در برابر لغات و اصطلاحات بیگانه انجامیده است، گروه واژه‌گزینی را قادر ساخته تا دفترهایی با بیش از هزار واژه مصوّب در بعضی از رشته‌های علمی انتشار دهد.

امید است انتشار این دفترها دسترسی استادان و پژوهشگران و نویسندگان و مترجمان هر رشته را به معادل‌های فارسی و لغات و اصطلاحات بیگانه همان رشته آسان‌تر سازد و الگویی به دست آنان دهد تا خود نیز به همین سبک و سیاق واژه‌گزینی کنند. همچنین امید است با انتشار هزارواژه‌ها، پاسداری از زبان فارسی در عرصه علم و فناوری و اهتمام به یافتن معادل‌های فارسی به صورت یک فرهنگ درآید تا همگان به یاری فرهنگستان بشتابند.

فرهنگستان آرزومند است روزی فرارسد که زبان فارسی، زبان علم شود و این آرزوی محالی نیست. بی‌گمان اگر بخواهیم می‌توانیم، چنان‌که تاکنون خواسته‌ایم و توانسته‌ایم.

غلامعلی حداد عادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

و مدیر گروه واژه‌گزینی

اردیبهشت هزار و چهارصد





## مقدمه

گروه واژه‌گزینی در طول بیش از بیست‌وشش سال فعالیت خود افزون بر شصت‌هزار واژه را در حوزه‌های مختلف علمی به تصویب رسانده است. در طی این سال‌ها متخصصان بسیاری با گروه همکاری داشته‌اند که در بعضی از حوزه‌ها این همکاری همچنان ادامه دارد. در این مدت تعداد واژه‌های مصوب برخی از کارگروه‌های تخصصی از مرز هزار واژه فراتر رفت و تدوین فرهنگ‌های موضوعی واژه‌های مصوب در این حوزه‌ها ضروری می‌نمود. از این رو، گروه واژه‌گزینی در صدد برآمد تا فرهنگ‌هایی موضوعی با عنوان **هزارواژه** تدوین و به جامعه علمی عرضه کند. نخستین فرهنگ **هزارواژه** در برخی حوزه‌ها شامل بیش از هزار واژه است، زیرا حاصل چند سال تلاش گروه‌های واژه‌گزینی تخصصی است که اکنون در یک مجلد منتشر می‌شود. گروه واژه‌گزینی بنا دارد از این پس، با گذشتن مصوبات هر حوزه از مرز هزار واژه، فرهنگ آن را منتشر کند. شیوه کار واژه‌گزینی در فرهنگستان در مقدمه دفترهای مختلف فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان توضیح داده شده و در دفترک اصول و ضوابط واژه‌گزینی نیز شرح داده شده است.

همان‌طور که در فرهنگ‌های واژه‌های مصوب فرهنگستان ذکر شده است، واژه‌های مصوب مندرج در هر فرهنگ در زمان انتشار، مصوب مقدماتی تلقی می‌شوند و برای مدت تعیین شده از سوی شورای عالی فرهنگستان، از طریق دفتر ریاست جمهوری به مؤسسات و مراکز دولتی ابلاغ می‌شوند. برخی از واژه‌های فرهنگ حاضر نیز هنوز به تصویب

نهایی نرسیده است و چنانچه پیشنهاد بهتری از سوی متخصصان و صاحب نظران عرضه شود، فرصت بررسی و تغییر آنها وجود دارد. امیدواریم اهل فن، با راهنمایی‌ها و پیشنهادهای خود ما را در این راه یاری دهند.

ذکر چند نکته در مورد این فرهنگ ضروری است. اختصاص واژه‌ها به کارگروه‌های تخصصی در فرهنگ‌های واژه‌های مصوب فرهنگستان براساس روند تشکیل گروه‌ها یا زمان بررسی واژه‌ها در مقاطع مختلف بوده است. از این رو، خاستگاه برخی از واژه‌های این مجموعه ممکن است رشته‌های دیگر باشد. همچنین، برای افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی در وقت و هزینه، معمولاً واژه‌های مشترک چند حوزه مرتبط فقط از طریق یکی از کارگروه‌های تخصصی در شورای واژه‌گزینی مطرح می‌شود و در فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان با برچسب همه گروه‌های مرتبط می‌آید. این واژه‌ها در فرهنگ‌های موضوعی هریک از این گروه‌ها به تنهایی نیز درج می‌شود.

فرهنگ حاضر حاصل تلاش چند کارگروه تخصصی واژه‌گزینی بوده است. در ابتدا کارگروهی با عنوان کارگروه زیست‌شناسی فعالیت داشت که به همه واژه‌های عمومی زیست‌شناسی، اعم از گیاهی و جانوری و ژن‌شناسی می‌پرداخت. بعدها این گروه به چند کارگروه مستقل تقسیم شد که هر یک به‌طور مشخص به واژه‌های حوزه خاص خود پرداخت. اعضای متخصص این کارگروه‌ها که در مجموعه حاضر دخیل بوده‌اند، به تفکیک نام کارگروه در فهرست همکاران علمی آمده است.

فرهنگستان در برابر برخی از واژه‌های بیگانه، ضمن پذیرفتن لفظ بیگانه، معادل فارسی نیز در کنار آن به تصویب رسانده است، به این امید که این معادل فارسی به تدریج جای لفظ بیگانه را بگیرد. برخی از

حوزه‌های علمی واژه فارسی را پذیرفته‌اند و برخی همچنان اصرار بر به کار بردن لفظ بیگانه دارند. در مواردی که لفظ فارسی پذیرفته شده است، در تعریف‌ها صرفاً همان معادل به کار رفته و در مواردی که نپذیرفته‌اند، لفظ بیگانه در کنار لفظ فارسی آمده و با خط مورب از هم جدا شده‌اند.

همکارانی که نام آنها در فهرست همکاران علمی فرهنگستان آمده است در تصویب همهٔ واژه‌ها مشارکت نداشته‌اند، اما از آنجاکه این واژه‌ها از دفتر اول تا دفتر هفدهم در یک‌جا گرد آمده است، لازم دیده شد نام تمامی کسانی که با ما در مقاطع مختلف همکاری داشته‌اند در کنار هم ذکر شود. استادان و همکاران ما در شوراهای هماهنگی در هماهنگی و یکدست کردن واژه‌های هر حوزه زحمات بسیاری متقبل شده‌اند که به دلیل تنوع این شوراها از ذکر نام ایشان خودداری شده است. این استادان هر یک نمایندهٔ یک گروه تخصصی هستند و نام آنها در ردیف اعضای کارگروه‌های تخصصی آمده است.

حاصل کار اعضای کارگروه‌های تخصصی و همکاران ما در گروه واژه‌گزینی به همت همکاران بخش تدوین و حروف‌نگاری گروه واژه‌گزینی مدون شده است که خالصانه و صمیمانه با ما همکاری کرده‌اند. امید است با تمهیداتی که صورت گرفته است بتوانیم چندین هزار واژه در حوزه‌های مختلف در هر سال به جامعهٔ علمی کشور عرضه کنیم.

**گروه واژه‌گزینی**

**اردیبهشت هزار و چهارصد**



## همکاران علمی

اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی (شورای فرهنگستان):  
مرحوم استاد عبدالمحمد آیتی، استاد موسی اسوار، مرحوم دکتر قیصر امین پور، دکتر حسن انوری، دکتر نصرالله پورجوادی، مرحوم دکتر یدالله ثمره، مرحوم دکتر حسن حبیبی (رئیس فرهنگستان از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ و مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷)، دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ و از ۱۳۸۷ تا کنون)، استاد بهاءالدین خرمشاهی، مرحوم دکتر محمد خوانساری، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر حسن رضائی باغبیدی\*، دکتر علی رواقی، مرحوم دکتر بهمن سرکاراتی، مرحوم استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر محمود عابدی، استاد کامران فانی، مرحوم دکتر حمید فرزام، مرحوم دکتر بدرالزمان قریب، دکتر فتح‌الله مجتبائی، دکتر مهدی محقق، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر محمدعلی موحد، مرحوم استاد ابوالحسن نجفی، مرحوم دکتر سلیم نیساری، دکتر محمدجعفر یاحقی

---

\* از اعضای پیشین کارگروه‌ها یا شوراهای همکاران سابق گروه واژه‌گزینی فرهنگستان هستند.

## اعضای شوراهای واژه‌گزینی:

**اعضای پیوسته:** مرحوم دکتر حسن حبیبی (مدیر گروه و رئیس شورای واژه‌گزینی از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷)، دکتر غلامعلی حداد عادل (مدیر گروه و رئیس شورای واژه‌گزینی از ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ و از ۱۳۸۷ تاکنون)، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، مرحوم استاد ابوالحسن نجفی

**سایر اعضا:** دکتر ژاله آموزگار (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر حسن ابراهیم‌زاده\*، دکتر محمدابراهیم ابوکاظمی، مهندس محمدرضا افضلی، مهندس محمدرضا بهاری، نسرين پرویزی، مرحوم مصطفی کمال پورتراب، دکتر علی پورجوادی، مرحوم دکتر عباس حرّی، دکتر محمدرضا خواجه‌پور\*، دکتر علی درزی\*، دکتر محمدتقی راشد‌محصل، دکتر مهدی رحیمیان\*، دکتر هوشنگ رهنما (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر زهره زرشناس، دکتر قطب‌الدین صادقی، دکتر علاء‌الدین طباطبایی (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر لطیف کاشیگر\* (عضو وابسته فرهنگستان)، سیامک کاظمی، مهندس علی کافی، دکتر ایران کلباسی، دکتر رضا منصور (عضو وابسته فرهنگستان)، مهندس ابراهیم نقیب‌زاده مشایخ، دکتر مهشید میرفخرایی، دکتر شهین نعمت‌زاده، مرحوم دکتر اسماعیل یزدی **هیئت فنی:** نسرين پرویزی (معاون گروه)، دکتر سیدمهدی سمائی\*، دکتر علاء‌الدین طباطبایی، دکتر شهین نعمت‌زاده\* (مشاوران گروه)

## مسئول تدوین فرهنگ و ویراستار: مهدی حریری

**پژوهشگران گروه واژه‌گزینی:** مژگان اجدادی، دکتر سعید حسامی تکلو\*، دکتر رضا عطاریان\*، مهرآذر فارسی\*، سمانه ملک‌خانی\*، اسلام هورن، دکتر فرشید سمائی\* (نماینده فرهنگستان در شورای هماهنگی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹)، محمود ظریف (نماینده فرهنگستان در شورای هماهنگی از سال ۱۳۸۹)، شکوه‌السادات میرفارسی (نماینده فرهنگستان

در شورای هماهنگی از سال ۱۳۸۵)، مهنوش نشاط مبینی تهرانی\*  
(نماینده فرهنگستان در شورای هماهنگی تا سال ۱۳۸۵).

### اعضای گروه‌های تخصصی:

**زیست‌شناسی:** دکتر حسن ابراهیم‌زاده\*، دکتر سعید حسامی تکلّو\*  
(دبیر کارگروه)، مرحوم دکتر جمشید درویش، دکتر پروین رستمی\*،  
دکتر شایسته سپهر\*، دکتر علی فرازمنند\*، دکتر محمود کرمی\*، دکتر  
وحید نیکنام

**علوم گیاهی:** دکتر محمدرضا رحیمی‌نژاد\*، دکتر شاهین زارع، دکتر  
مرتضی عطری، دکتر فرخ قهرمانی‌نژاد، دکتر ولی‌الله مظفریان، دکتر  
علی‌اصغر معصومی، دکتر وحید نیکنام

**گیاهان دارویی** (برون‌پذیر - کارگزار کارگروه: انجمن علمی گیاهان دارویی ایران):  
دکتر غلامرضا امین، دکتر کامکار جایمند، دکتر زیبا جمزاد، دکتر نادر  
حسن‌زاده، دکتر محمدباقر رضایی، دکتر عباس قمری‌زارع

### همکاران فنی

نسخه‌پرداز: فتانه نادری

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: اکرم زرمحمدی

## نشانه‌های اختصاری

صورت اختصاری واژه فارسی	. اخت.
مترادف واژه فارسی	. مت.
واژه مشترک علوم گیاهی و گیاهان دارویی	مشترک
صورت اختصاری واژه بیگانه	<i>abbr.</i>
مترادف واژه بیگانه	<i>syn.</i>
توضیح	*
کارگروه برون‌پذیر	←



فرهنگ واژه‌های مصوّب

علوم گیاهی

به ترتیب الفبای فارسی



# آ ، ا

hydrophily **آب‌گرده‌افشانی**  
[ع. گیاهی] گرده‌افشانی با آب

hydrochory **آب‌برافشانی**  
[ع. گیاهی] پراکنده شدن میوه با آب

**آخرین نیای مشترک**  
most recent common ancestor  
[ع. گیاهی] جدیدترین فردی که همهٔ اندامگان‌های خویشاوند در مجموعه به‌طور مستقیم از آن به وجود آمده‌اند  
/ختت . آنیم  
MRCA

hydrophyte,  
hygrophyte<sup>1</sup> **آب‌رُست**  
[ع. گیاهی] گیاهی که در شرایط مرطوب یا در آب رشد می‌کند  
**آبکش** ← بافت آبکش

arrangement **آرایش**  
[ع. گیاهی] نحوهٔ قرارگیری یک قطعه نسبت به قطعات همسان

secondary phloem **آبکش پسین**  
[ع. گیاهی] آبکش به‌وجودآمده از بُن‌لاد آوندی در گیاهانی که رشد پسین دارند

taxon **آرایه**  
[ع. گیاهی] هریک از سطوح نام‌گذاری شده در رده‌بندی موجودات زنده

primary phloem **آبکش نخستین**  
[ع. گیاهی] آبکش به‌وجودآمده از پیش‌بُن‌لاد در پیکر نخستین گیاه

taxonomy **آرایه‌شناسی**  
[ع. گیاهی] رده‌بندی موجودات زنده برای شناسایی و توصیف و نام‌گذاری آنها

hydrotropism **آب‌گرایی**  
[ع. گیاهی] رشد جهت‌مند گیاه برای رسیدن به رطوبت

leaf primordium	آغازۀ برگ	farinaceous	آردآلود
[ع. گیاهی] ابتدایی‌ترین ساختار در مرحلهٔ نمو برگ		[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با دانه‌های ریز آردمانند	
bud primordium	آغازۀ جوانه	free	آزاد
[ع. گیاهی] ابتدایی‌ترین ساختار در مرحلهٔ نمو جوانه		[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که قطعات ناهمسان آن از هم فاصله دارند و طبیعتاً الحاقی صورت نگرفته است	
root primordium	آغازۀ ریشه	open pollinated	آزادگرده‌افشان
[ع. گیاهی] ابتدایی‌ترین ساختار در مرحلهٔ نمو ریشه		[ع. گیاهی] ویژگی گل یا گیاهی که باروری آن به‌طور طبیعی صورت می‌گیرد	
primordia	آغازه‌ها	open pollination	آزادگرده‌افشانی
[ع. گیاهی] ابتدایی‌ترین ساختارها در مراحل اولیهٔ نمو		[ع. گیاهی] گرده‌افشانی ناشی از انتشار آزاد یا طبیعی گرده در میان گیاهان یک گونه	
<i>Sambucus</i>	آقطی	Azollaceae	آزیریان
[ع. گیاهی] سرده‌ای از آقطیان با حدود ده گونهٔ عمدتاً درختچه‌ای یا درختی کوتاه که اغلب گونه‌های آن بومی جنگل‌های معتدل یا نیمه‌گرمسیری هر دو نیمکرهٔ زمین هستند؛ این گیاهان به‌دلیل داشتن درختچه‌های زینتی و گیاهان جنگلی و میوه‌های سبته از اهمیت خاصی برخوردارند		[ع. گیاهی] تیره‌ای از سرخس‌سانان آبی که پهنک‌های آنها تقسیمات زیادی دارد	
Caprifoliaceae	آقطیان	easy-to-root	آسان‌ریشه‌زا
[ع. گیاهی] تیره‌ای از خواجه‌باشی‌سانان، به‌صورت علفی یا درختچه‌ای، دارای گل‌های دوتایی بر روی دُمگل بلند		[ع. گیاهی] ویژگی قلمه‌ای که به‌آسانی ریشه دهد	
<i>Ranunculus</i>	آلاله	primordium	آغازه
[ع. گیاهی] سرده‌ای بزرگ از آلاله‌ایان با حدود ۶۰۰ گونهٔ غالباً علفی چندساله یا گاهی یک یا دوساله که دارای گل‌های زرد براق یا سفید یا به‌ندرت قرمز هستند		[ع. گیاهی] اندام یا یاخته یا گروهی از یاخته‌های تمایز یافته در اولین مرحلهٔ نمو	
		primordial	آغازه‌ای
		[ع. گیاهی] مربوط به آغازه	

**آمیزه پرورد<sup>۱</sup>** mixotroph

[ع. گیاهی] اندامگانی که برای رشد خود به ترکیبی از مواد آلی و معدنی نیاز دارد

**آمیزه پرورد<sup>۲</sup>** mixotrophic

[ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که برای رشد خود به ترکیبی از مواد آلی و معدنی نیاز دارد

**آمیزه پروردگی** mixotrophy

[ع. گیاهی] فرایند رشد اندامگان با استفاده از ترکیب مواد آلی و مواد معدنی

**آمیزه** chimera

[ع. گیاهی] موجود زنده یا بافت یا مولکولی که از ترکیب اجزایی با خاستگاه‌های ژنی متفاوت به وجود آمده باشد

**آناناس** Ananas

[ع. گیاهی] سرده‌ای از آناناسیان با گیاهان بارده که بومی مناطق گرمسیر و نیمه‌گرمسیر امریکاست، اما در دیگر مناطق نیز دیده می‌شود؛ براساس مطالعات زیست‌شناسی مولکولی جدید این سرده فقط یک گونه دارد

**آناناسیان** Bromeliaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از چمن‌سانان به صورت علفی چندساله و به‌ندرت درختچه‌ای و دارای برگ‌های رنگی

آنیم ← آخرین نیای مشترک

**آلاله‌ایان** Ranunculaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از آلاله‌سانان اغلب علفی با حدود ۶۲ سرده و ۲۲۵۲ گونه که به‌طور گسترده‌ای در تمام نواحی معتدل و نیمه‌گرمسیر پراکنده‌اند؛ برگ‌های آنها معمولاً متناوب و ساده یا منقسم با قاعده‌ای غلاف‌مانند و گل‌هایشان دارای تقارن شعاعی یا نامنظم است و معمولاً دو تا پنج کاسبرگ و گلبرگ جداازهم دارند، اما گاهی تعداد گلبرگ‌ها بی‌شمار است؛ مادگی و پرچم‌هایشان نیز معمولاً بی‌شمار و همیشه از قطعات مجزا تشکیل شده است

**آلاله‌سانان** Ranunculales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌های علفی با هشت تیره و حدود ۳۲۰۰ گونه که کاسبرگ اغلب آنها بیش از دو تا و پرچم‌هایشان زیاد و برچه‌های آنها جدا از هم و گرده‌های آنها سه‌دریچه‌ای است

**آلی پرورد<sup>۱</sup>** organotroph

[ع. گیاهی] اندامگانی که انرژی موردنیاز خود را از دگرگشت مواد آلی تأمین می‌کند

**آلی پرورد<sup>۲</sup>** organotrophic

[ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که انرژی موردنیاز خود را از دگرگشت مواد آلی تأمین می‌کند

**آلی پروردگی** organotrophy

[ع. گیاهی] فرایندی که در آن اندامگان انرژی موردنیاز خود را از دگرگشت مواد آلی تأمین می‌کند

[← ک. دارویی] گونه‌ای آویشن به‌شکل بوته‌ای با ساقه‌های خیزان و بسیار منشعب و شاخه‌های گل‌دهنده به طول ۸ تا ۱۸ سانتی‌متر و در زیر گل‌آذین پوشیده از کرک‌های نسبتاً کوتاه و خمیده و برگ‌های تخم‌مرغی یا تخم‌مرغی-سه‌گوش به طول ۸ تا ۱۴ و به عرض ۴ تا ۷ میلی‌متر و با کرک‌های مژه‌ای پراکنده در قاعده و رگبرگ‌های برجسته و ضخیم و کاسه گل استکانی باریک با دندان‌های زبرین و مژه‌دار در حاشیه و جام گل سفید

### آویشن شیرازی *Zataria*

[← ک. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهانی بوته‌ای با ساقه‌های منشعب و شاخه‌های متعدد نازک و برگ‌های کوچک تقریباً دایره‌ای و با حاشیه صاف و بی‌دُمبرگ و پوشیده از شمار فراوانی غده ترش‌حی و گل‌آذین متشکل از چرخه‌های متعدد بیضوی یا کروی گل‌های کوچک و سفید و چهار عدد پرچم و فندقچه تخم‌مرغی با سطح صاف

### آویشن شیرازی پُرگل

*Zataria multiflora*,

*Zataria bracteata*,

*Zataria multiflora* var. *elatior*

[← ک. دارویی] گونه‌ای آویشن شیرازی به‌شکل بوته‌ای به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتی‌متر و با شاخه‌های زبرین چوبی و بسیار منشعب و بی‌برگ و سفید و با کرک‌های ساده و متراکم و برگ‌های تخم‌مرغی-دایره‌ای و دایره‌ای و چرخه‌های گل اغلب دور از هم و دارای ۸ تا ۱۰ گل و با جام گل به طول ۳ میلی‌متر

### آوند چوبی *vessel*

[ع. گیاهی] لوله ممتد عمودی در برخی گیاهان که از یاخته‌های نسبتاً پیشرفته‌تری مانند تشکیل شده است و شیره خام در آن جریان دارد  
متن: چوب‌آوند

### آوندداران *Tracheophytes*

[ع. گیاهی] گروهی از گیاهان خشکی‌زی که دارای سامانه آوندی برای هدایت شیره خام و پرورده‌اند  
متن: گیاهان آوندی *vascular plants*

### آویخته ← رأسی<sup>۱</sup>

### آویزبر *cremocarp*

[ع. گیاهی] نوعی میوه چاک‌بر حاصل دو برچه پیوسته که پس از رسیدن به دو واحد یک‌دانه‌ای تقسیم می‌شود

### آویشن *Thymus, thyme*

[← ک. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان علفی یا بوته‌ای معطر با ساقه‌های خوابیده یا خیزان یا راست و با برگ‌هایی در شکل‌ها و اندازه‌های گوناگون و با حاشیه صاف یا گاه دندان‌دار و کاسه گل با حلقه کرک در محل گلو و دندان‌های زبرین با کرک‌های مژه‌ای و با جام گل سفید یا صورتی یا یاسمنی و لوله کوتاه و دولبه

### آویشن آذربه

*Thymus kotschyanus*,

*Thymus eriophorus*,

*Thymus hircanus*,

*Thymus arthroclados*

<b>Canna</b>	<b>اختر</b>	<b>آهک‌رست</b>	<b>calciphyte</b>
ع. گیاهی] تنها سردهٔ اختریان با حدود ۵۰ گونه که بومی مناطق جنوبی امریکای شمالی است		ع. گیاهی] گیاهی که در خاکِ دارای کلسیم زیاد رشد می‌کند	
<b>Cannaceae</b>	<b>اختریان</b>	<b>آبرگونه</b>	<b>superspecies</b>
ع. گیاهی] گیاهانی چندساله و دارای زمین‌ساقه با برگ‌های قاعده‌ای به‌هم‌پیچیده که به شکل ساقه‌ای راست و کاذب درآمده‌اند		ع. گیاهی] گروهی از گونه‌هایی با نیای مشترک و زادگاه‌های متفاوت که تفاوت ریختی آنها بیش از آن است که بتوان آنها را در یک گونه جای داد	
	<b>ارزش ثابت ← ارزش سی</b>	<b>آبرگونه‌ای</b>	<b>superspecific</b>
		ع. گیاهی] مربوط به آبرگونه	
<b>C value</b>	<b>ارزش سی</b>	<b>ابریشمی</b>	<b>seriseous</b>
ع. گیاهی] مقدار دِنای موجود در ژنگان تک‌لاد یک یاختهٔ هوسته‌ای مت. ارزش ثابت		ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده از کرک‌های بلند و خوابیده و ابریشم‌مانند	
<b>Cercis</b>	<b>ارغوان</b>	<b>اتصال همسایه‌ها</b>	<b>neighbour joining</b>
ع. گیاهی] سرده‌ای از ارغوانیان درختچه‌ای بلند یا درختی کوتاه خزان‌دار با شش تا ده گونهٔ بومی امریکای شمالی و اروپای جنوبی و آسیا که به‌دلیل داشتن گل‌های بهارهٔ زیبا فراوان کشت می‌شوند؛ برگ‌های ساده و دایره‌ای یا قلبی‌شکل این گیاهان و همچنین گل‌های ارغوانی آنها که در اوایل بهار بر روی ساقه‌های برهنه و بدون برگ ظاهر می‌شوند از ویژگی‌های بارز آنهاست		ع. گیاهی] روشی در بازسازی درخت‌های تبارشناختی و محاسبهٔ طول شاخه‌های آنها که در آن، در هر مرحله، نزدیک‌ترین دو گره درخت را انتخاب می‌کنند و آنها را همسایه به شمار می‌آورند	
		<b>اثر بنیان‌گذار</b>	<b>founder effect</b>
		ع. گیاهی] اصلی که براساس آن فراوانی ژنی یا ژن‌نمودی افراد یک جمعیت کوچک به جمعیت نیایی بزرگی، که از آن جدا شده‌اند، وابسته است	
<b>Caesalpinaceae</b>	<b>ارغوانیان</b>	مت. اصل بنیان‌گذار	<b>founder principle</b>
ع. گیاهی] تیره‌ای از باقلاسانان، به‌شکل درخت و درختچه، با گل‌های نامنظم و به‌ندرت منظم و ده پرچم مجزا			

شمال افریقا و بخش‌هایی از آسیا هستند، اما در جاهای دیگر نیز پراکندگی گسترده دارند؛ چندین گونهٔ آن از گیاهان باغی معروف است

### اسپرکیان Resedaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از کلم‌سانان با شش سرده و ۷۰ گونه، شامل گیاهان غالباً علفی یک یا دوساله یا چندساله که در نواحی معتدل تا نیمه‌گرمسیر اروپا و غرب آسیا و نیز در خاورمیانه و امریکای شمالی و افریقای جنوبی پراکنده‌اند

### اسپند Peganum

[ع. ک. دارویی] سرده‌ای از قیچیان شامل گیاهانی چندساله با برگ‌های متناوب و با بریدگی‌های نامنظم و عمیق و دارای گوشوارک کوچک و گل‌های نر و ماده و ۴ تا ۵ عدد گلبرگ و کاسبرگ و ۱۲ تا ۱۵ عدد پرچم در دو ردیف و میوه پوشینه‌ای کروی با ۳ دریچهٔ شکوفا

### اسپند معمولی

*Peganum harmala*,  
persian rue, wild rue, Espand

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای اسپند به شکل گیاه علفی چندساله به ارتفاع حداکثر ۶۰ سانتی‌متر بی‌کرک و با برگ‌های نوک‌تیز به طول حداکثر ۶ سانتی‌متر و دارای بریدگی شانه‌مانند و با تقسیمات خطی و گوشوارک‌های کوچک و خطی و اغلب خمیده برگشته و گل‌آذین انتهایی و دیهیم تنک با گل‌های منفرد سفید و میوهٔ کروی به قطر حداکثر ۱۰ میلی‌متر

### اُرمکیان Ephedraceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از بازدانگان که ظاهری جارومانند و برگ‌های تحلیل‌رفته و برچه‌های نیمه‌بسته دارند

### اره‌ای serrate

[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌ی دارای حاشیه‌ای با دندان‌های کوچک تیز که نوک آنها به سمت رأس باشد

### آریخت ← جهش آریخت

### اُزملک Smilax

[ع. گیاهی] سرده‌ای از اُزملکیان بالاروندهٔ چوبی یا خاردار با ۳۰۰ تا ۳۵۰ گونه که در نواحی معتدل و گرمسیر و نیمه‌گرمسیر می‌رویند

### اُزملکیان Smilacaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از سوسن‌سانان علفی یا بالاروندهٔ چوبی، دارای زمین‌ساقه با سه سرده و حدود ۳۷۰ گونه و برگ‌های ساده با آرایش متناوب و گاهی با بافت چرمی که ساقه و حاشیهٔ برگ‌های آنها اغلب تیغ‌دار و گل‌آذین آنها چتری است

### اسپرزه ← بارهنگ تخم‌مرغی

### اسپرزۀ سیاه ← بارهنگ سیاه‌دانه

### اسپرک Reseda

[ع. گیاهی] سرده‌ای علفی و درختچه‌ای از اسپرکیان با حدود ۶۰ گونه که بومی اروپا و





اصلاح نباتات ← بهنژادی گیاهی

اصلاح نژاد ← بهنژادی

اصل بنیان‌گذار ← اثر بنیان‌گذار

پوست جداشده از تنه و برگ‌های سبز و خاکستری یا آبی و خاکستری سرنیزه‌ای یا تخم‌مرغی پهن یا به شکل قلب و گل‌هایی زرد کم‌رنگ به طول ۲ سانتی‌متر

### اکالیپتوس کامالدول

*Eucalyptus camaldulensis*,  
river red gum

[← ک. دارویی] گونه‌ای اکالیپتوس درختی به ارتفاع ۳۰ تا ۶۰ متر با پوست ساقه صاف و خاکستری که به صورت لایه‌های نازک از تنه جدا می‌شود و می‌ریزد و با برگ‌های سرنیزه‌ای باریک و گل‌هایی به طول ۰/۵ تا ۱/۵ سانتی‌متر و در دسته‌های ۴ تا ۸ تایی در گل‌آذین چتری و میوه تقریباً کروی به شکل پوشینه

### اکالیپتوس نیلی

*Eucalyptus globulus*,  
blue gum,  
Tasmanian bluegum

[← ک. دارویی] گونه‌ای اکالیپتوس درختی به ارتفاع بیش از ۶۰ متر در رویشگاه‌های طبیعی و با شاخه‌های جوان و برگ‌های سفید نقره‌ای، برگ‌های جوان آن متقابل به طول ۷/۵ تا ۱۵ سانتی‌متر و به عرض ۳ تا ۶ سانتی‌متر و قلبی-تخم‌مرغی‌اند و برگ‌های مسن آن متناوب و باریک و سبز تیره براق و سرنیزه‌ای آویخته‌اند و دُم‌برگ‌های بلند به طول ۱۵ تا ۳۰ سانتی‌متر و به عرض ۲/۵ تا ۳/۵ سانتی‌متر دارند، گل‌ها محوری به تعداد ۱ تا ۳ و نزدیک به هم و بی‌دُم‌گل‌اند

افراسانان Sapindales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌های غالباً چوبی با برگ‌های مرکب یا کنگره‌دار و جام پرگلب‌رگ

افرایان Aceraceae

[ع. گیاهی] گیاهان شیرابه‌دار متعلق به راسته افراسانان که به صورت درخت یا درختچه‌اند

اکالیپتوس *Eucalyptus*

[← ک. دارویی] سرده‌ای از اکالیپتیان (Eucalypteae) شامل درختان یا درختچه‌های تک‌ساقه‌ای یا چندساقه‌ای و همیشه‌سبز با برگ‌های دُم‌برگ‌دار و متناوب و سرنیزه‌ای و گل‌های بی‌گلب‌رگ با پرچم‌های پرشمار به رنگ‌های سفید یا کرم یا زرد یا قرمز و میوه‌های پوشینه‌ای و مخروطی و چوبی و درپچه‌دار در انتها و دانه‌های براق به طول حدود ۱ میلی‌متر

### اکالیپتوس پُرشاخه

*Eucalyptus gillii*,  
curly mallee

[← ک. دارویی] گونه‌ای اکالیپتوس درختی چندساقه‌ای به ارتفاع حداکثر ۸ متر و با پوست تنه صاف و در بخش زیرین با

**انتخاب طبیعی** natural selection

[ع. گیاهی] نظریه‌ای که براساس آن در طبیعت، موجوداتی که می‌توانند با تغییرات محیط تطابق یابند، بیشتر بخت زنده ماندن و ادامه حیات دارند

**انتخاب گسلنده****disruptive selection**

[ع. گیاهی] گزینشی که فراوانی دگرها را در دو جهت مخالف تغییر می‌دهد و به تثبیت آنها در جمعیت منجر می‌شود  
مت. گزینش گسلنده

**آنجیلی** *Parrotia*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از آنجیلیان درختی با برگ‌های خزان‌دار که فقط یک گونه دارد و در جنگل‌های شمال ایران به صورت پراکنده می‌روید

**آنجیلیان** Hamamelidaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از آنجیلی سانان درختی با درختچه‌ای با برگ‌های ساده متناوب و مادگی دو یا سه‌برچه‌ای با میوه پوشینه

**آنجیلی سانان** Hamamelidales

[ع. گیاهی] راسته‌ای کوچک از دولپه‌ای‌های درختی و درختچه‌ای با حدود ۱۰۰ گونه و سه تیره

**اندازه جمعیت** population size

[ع. گیاهی] تعداد افراد یک جمعیت معین

**الحاق** fusion

[ع. گیاهی] اتصال دو یا چند بخش یا اندام گیاه به یکدیگر

**اناریان** *Punica*

[ع. گیاهی] سرده‌ای کوچک از اناریان درختی کوچک یا درختچه‌ای بارده و خزان‌دار که مهم‌ترین گونه این سرده انار معمولی است و گونه دیگر آن بومی جزیره سوکوتراست با گل‌های صورتی و میوه‌ای با طعم ترش‌تر از انار معمولی

**اناریان** Punicaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از موردسانان با یک سرده و دو گونه و برگ‌های ساده با آرایش مارپیچی و بدون گوشواره که گل‌های آنها به صورت پیرانتخمدانی است با پنج تا هشت کاسبرگ و گلبرگ و شمار فراوانی پرچم و برچه که به نهنج چسبیده‌اند؛ میوه آنها که در زیر کاسه‌ای پایا قرار دارد، دارای پوست چرمی و تعداد زیادی دانه و برگ‌های گوشتی است

**انتخاب** ← گزینش**انتخاب جهت‌دار****directional selection, directed selection**

[ع. گیاهی] گزینشی که به تغییر میانگین جمعیت در جهت دلخواه به‌نژادگر منجر می‌شود

مت. گزینش جهت‌دار

[ع. گیاهی] گیاه یا جانوری که یک ژن خارجی از گونه‌ای دیگر به روش آزمایشگاهی در ژنگان آن وارد شده باشد  
/ختـ. تراژنه  
GMO

**اندام**  
[ع. گیاهی] هریک از بخش‌های متمایز در پیکر موجود زنده که کار یا کارهای ویژه‌ای انجام می‌دهند  
متـ. عضو

**اندامگان ناتراژنه**  
non-genetically modified organism

**اندام‌زایشی**  
organogenetic, organogenic

[ع. گیاهی] اندامگانی که تراژنه نیست  
/ختـ. ناتراژنه  
non-GMO

[ع. گیاهی] مربوط به اندام‌زایی

**اندامگانی**  
organic<sup>1</sup>

**اندام‌زایی**  
organogenesis, organogeny

[ع. گیاهی] مربوط به اندامگان

[ع. گیاهی] تشکیل و نمو اندام‌ها

**اندامی**  
organic<sup>2</sup>

**اندام‌سا**  
organoid

[ع. گیاهی] مربوط به اندام یا عضو  
متـ. عضوی

[ع. گیاهی] شبیه به اندام

**انرژی زی توده‌ای**  
biomass energy

**اندامک**  
organelle

[ع. گیاهی] ساختار ریز و غشادار در درون یاخته‌های هوهسته‌ای

[ع. گیاهی] انرژی موجود در زی توده

**انقراض**  
extinction

**اندامگان**  
organism

[ع. گیاهی] از بین رفتن کامل یک گونه یا آرایهٔ بالاتر به شکلی که دیگر در هیچ‌جا یافت نشود

[ع. گیاهی] ۱. مجموعهٔ اندام‌های تشکیل‌دهندهٔ موجود زنده ۲. موجود زنده اعم از گیاه و جانور و میکرب

**انقراض جمعی**  
mass extinction

**اندامگان تراژنه**  
genetically modified

[ع. گیاهی] از بین رفتن کامل یک یا چند خانواده از موجودات زنده

organism, living modified organism, genetically engineered organism

<p><b>انگورسانان</b> Vitales</p> <p>[ع. گیاهی] راسته‌ای از گیاهان گل‌دار بالارونده با یک تیره و پانزده سرده و حدود ۸۵۰ گونه که بیشتر در نواحی گرمسیر یا معتدل گرم می‌رویند</p>	<p><b>انگ</b> parasite</p> <p>[ع. گیاهی] موجودی که به‌طور اجباری یا اختیاری در درون یا بروی موجود زندهٔ دیگر زندگی می‌کند و برای ادامهٔ زندگی به میزبان نیازمند است * مصوب فرهنگستان اول</p>
--	--

<p><b>انگورفرنگیان</b> Grossulariaceae</p> <p>[ع. گیاهی] تیره‌ای از خاراشکن‌سانان درختچه‌ای خاردار با میوه‌های سته که در رده‌بندی کروکوئیسیت ۱۹۸۸ در راستهٔ گلسرخ‌سانان قرار دارد</p>	<p><b>انگم</b> resin</p> <p>[ع. گیاهی] دسته‌ای از ترکیبات اسیدی و چسبناک که بسیاری از درختان و درختچه‌ها به‌ویژه مخروطیان از خود ترشح می‌کنند مت. رزین</p>
---	--

<p><b>انگوریان</b> Vitaceae</p> <p>[ع. گیاهی] تیره‌ای از انگورسانان بالارونده یا درختچه‌ای یا به‌ندرت علفی با پانزده سرده و ۷۰۰ گونه که در سراسر جهان می‌رویند؛ برگ‌های آنها همیشه‌سبز یا خزان‌دار غالباً ساده و گاهی مرکب با آرایش متقابل یا متناوب است و گل‌هایشان منظم و معمولاً چهار یا پنج‌پر است</p>	<p><b>انگور</b> Vitis</p> <p>[ع. گیاهی] سرده‌ای از انگوریان بالارونده با حدود ۶۰ گونه که عمدتاً در نیمکرهٔ شمالی می‌رویند؛ گل‌های آنها پنج‌پر و تک‌جنسی یا با عملکردی تک‌جنسی است و اکثر گونه‌های آن یا اصلاً کاسه ندارند یا کاسهٔ آنها تحلیل رفته و گلبرگ‌هایشان در نوک به هم چسبیده و یکپارچه شده است، اما در قاعده از هم جدا هستند و برگ‌هایشان سبز و لپی یا دندانه‌دار است</p>
--	--

<p><b>اوج</b> climax</p> <p>[ع. گیاهی] مرحلهٔ نهایی یک توالی که به تعادل و پایداری نسبی رسیده است مت. نقطهٔ اوج</p>
---

# ب

خاکستری و کرک‌دار به طول ۲ تا ۴ و عرض ۱/۵ تا ۲ سانتی‌متر و تقریباً تخم‌مرغی و کم‌ویش نوک‌تیز و با هسته بسیار سخت و چوبی

## بادبرافشانی anemochory

[ع. گیاهی] پراکنده شدن میوه با باد

## بادبزنی flabellate

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی شبیه به

مقطع بزرگ پهنی از یک دایره در گیاهان

مت. . بادبزنی شکل flabelliform,

fan-shaped

## بادبزنی شکل ← بادبزنی

## بادرثیبی<sup>۱</sup> Dracocephalum, dragonhead

[ع. گیاهی] سردهای از نعنائیان شامل

گیاهان علفی یا بوته‌ای چندساله و به‌ندرت

## بادام Amygdalus

[ع. گیاهی] سردهای از گل‌سرخیان شامل درختان یا درختچه‌های خاردار یا بدون خار با برگ‌های متناوب و خزان‌کننده معمولاً با دُم‌برگ‌های غده‌دار با گلبرگ‌های سفید یا صورتی و میوه شفت برون‌بر معمولاً کرک‌دار با هسته نرم و صاف یا شیاردار و گل‌هایی که پیش از سبز شدن برگ‌ها ظاهر می‌شوند

## بادام رسمی Amygdalus communis

[ع. گیاهی] گونه‌ای بادام به شکل درخت یا درختچه به ارتفاع ۳ تا ۸ متر با شاخه‌های نامشعب و برگ‌های به طول ۴ تا ۸ و عرض ۰/۵ تا ۲ سانتی‌متر و دُم‌برگ به طول ۱ تا ۲/۵ سانتی‌متر و پهنک مستطیلی-سرنیزه‌ای باریک در قاعده و گلبرگ‌های سفید یا صورتی کم‌رنگ با رگه‌های نسبتاً تیره و میوه سبز مایل به

**بادگرده‌افشان anemophilous**

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که باد اصلی‌ترین عامل در گرده‌افشانی گل‌های آن محسوب شود

**بادگرده‌افشانی anemophily**

[ع. گیاهی] گرده‌افشانی با باد

**بادمقاوم windfirm**

[ع. گیاهی] ویژگی درختی که در مقابل بادهای شدید مقاوم است و دچار بادافتادگی و بادتکانی نمی‌شود

**بادنجان Solanum**

[مشترک] سرده‌ای از بادنجان‌سانان علفی پهن‌برگ یا بالارونده یا بوته‌ای یا درختچه‌ای یا درختی کوچک یک یا چندساله با ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ گونه که تنوع و گسترش جهانی دارند و شامل گیاهان خوراکی ارزشمند و همچنین شماری گیاهان سمی هستند؛ برگ‌های آنها معمولاً کرک‌دار و پهن و متناوب است و گل‌ها اغلب بر روی محور برگی یا نزدیک آن به شکل منفرد یا خوشه‌های کم‌گل می‌رویند و کاسه آنها پیوسته و جامشان منظم است

**بادنجان تاجریزی Solanum nigrum**

[ع. دارویی] گونه‌ای بادنجان به شکل گیاه علفی یک‌ساله به ارتفاع ۱۵ تا ۶۰ سانتی‌متر با برگ‌های تخم‌مرغی-بیضوی با گل‌آذین خوشه‌ای یا دبهیمی و دارای ۳ تا ۱۰ گل سفید به طول ۵ تا ۱۰ میلی‌متر و میوهٔ سبتهٔ کروی و سیاه به قطر ۸ تا ۱۰ میلی‌متر  
مت. تاجریزی black nightshade

یک‌ساله با ساقه‌های پرشمار و برگ‌های تخم‌مرغی یا تخم‌مرغی-مثلثی یا تخم‌مرغی-مستطیلی و با برگ‌هایی با دندان‌های منتهی به نوک بلند و خارمانند اغلب در انتها و در حاشیه و کاسهٔ گل لوله‌ای-استکانی و دارای ۱۰ تا ۱۵ رگه و لبهٔ زیرین سه‌دندان‌های و دندان‌های میانی پهن‌تر و لبهٔ زیرین دودندان‌های، رگه‌های شعبه‌شعبه و شبکه‌مانند، در قاعده در محل زاویهٔ بین دو دندان‌ه ضخیم و دارای تاخوردگی، جام گل آن در محل لبه‌ها پهن و بادکرده و دارای چهار پرچم و فندقچهٔ آن مستطیلی و دارای زائدهٔ غشایی در انتها

بادرُشبی<sup>۲</sup> ← بادرُشبی دارویی

**بادرُشبی دارویی**

*Dracocephalum moldavica*,  
*Moldavica punctata*,  
*Moldavica suaveolens*,  
Moldavian dragonhead

[ع. دارویی] گونه‌ای بادرُشبی به شکل علفی یک‌ساله با ساقه‌های راست به ارتفاع ۱۵ تا ۵۰ سانتی‌متر و منشعب از قاعده و با برگ‌های دُم‌برگ‌دار و مستطیلی-تخم‌مرغی یا مستطیلی-سرنیزه‌ای در حاشیه با دندان‌های گرد و به طول ۱/۵ تا ۳ سانتی‌متر و به عرض ۰/۷ تا ۱/۸ سانتی‌متر و با گل سفید یا بنفش متمایل به آبی به طول ۲ تا ۲/۵ سانتی‌متر

مت. بادرُشبی<sup>۲</sup> Moldavian balm

بادرنجیویه ← وارنگ‌بوی دارویی

## بادنجان سانان

## Solanales

ع. گیاهی] تیره‌ای از دولپه‌ای‌های پیوسته‌گلبرگ با تیره‌های متعدد

## بادنجانیان

## Solanaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از بادنجان‌سانان علفی یا درختی یا درختچه‌ای یا بالارونده با حدود ۹۵ سرده و بیش از ۲۰۰۰ گونه که بیشترین تنوع را در امریکای مرکزی و جنوبی دارند و در مناطق سرد اصلاً نمی‌رویند؛ برگ‌های آنها متناب است و اغلب سطحی کرک‌دار و چسبناک دارد و گل‌هایشان معمولاً مخروطی یا قیفی با پنج گلبرگ پیوسته است

بادیان رومی<sup>۱</sup>

← بادیان رومی انیسون

بادیان رومی<sup>۲</sup>

## Pimpinella

ع. دارویی] سرده‌ای از کرفسیان شامل گیاهان یک‌ساله یا چندساله با برگ‌های قاعده‌ای اغلب تقسیم‌نشده یا سه‌بخشی یا ۱ تا ۴ بار شانه‌ای و با برگ‌های ساقه‌ای به اشکال گوناگون که در بخش زیرین گل‌آذین غلافی شکل‌اند، با گل‌آذین چتر مرکب، با یا بدون برگ‌ها و برگ‌ها و با گلبرگ‌های سفید یا زرد یا قرمز یا ارغوانی با انتهای برگشته و بی‌کرک یا در سطح پشتی کرک‌دار و با کاسه گل نامشخص و میوه‌های تخم‌مرغی یا بیضوی یا مستطیلی یا تقریباً کروی و بی‌کرک یا با کرک‌هایی به شکل کمان

## بادیان رومی انیسون

## Pimpinella anisum

ع. گ. دارویی] گونه‌ای بادیان رومی به شکل گیاه یک‌ساله و معطر و کرک‌دار به طول ۱۰ تا ۶۰ سانتی‌متر با ساقه‌های راست و منشعب و برگ‌های قاعده آن دُم‌برگ‌دار و دایره‌ای-کلیه‌ای و دندان‌دار یا با بریدگی‌های عمیق و برگ‌های ساقه‌ای زیرین سه‌لپی یا سه‌بارتقسیم‌شده به قطعات تخم‌مرغی یا واژتخم‌مرغی با گل‌آذین چتری با ۷ تا ۱۵ چتر شعاعی و گلبرگ‌های سفید و با میوه ۳ تا ۵ میلی‌متری و اغلب دارای رگه‌های برجسته دارای خارهای خوابیده

مت. بادیان رومی<sup>۱</sup> anise

## با دید باریک

## sensu stricto

ع. گیاهی] عبارتی قیدی برای تعیین محدوده یک آرایه که شامل آرایه‌های پیشین منتسب به آن نمی‌شود

## با دید وسیع

## sensu lato

ع. گیاهی] عبارتی قیدی برای تعیین محدوده یک آرایه که شامل آرایه‌های پیشین منتسب به آن می‌شود

## باردهی متناوب

## alternate bearing

ع. گیاهی] گلدهی یا باردهی سنگین و سبک متناوب، در سال‌های پی‌درپی، که در برخی از درختان میوه مشاهده می‌شود



**بارهنک سیاهدانه***Plantago psyllium*

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای بارهنک به ارتفاع حداکثر ۴۰ سانتی‌متر و با ساقه مشخص و گره‌هایی با فاصله ۱ تا ۷ سانتی‌متر و در بالا دارای کرک‌های افراشته و غده‌های کوچک، با برگ‌های ساقه‌ای و متقابل و افراشته و دُمبرگ‌دار و پهنک نیزه‌ای خطی و غشایی کاغذی با حاشیه صاف یا دندان‌های کوچک و پوشیده از کرک‌های کوتاه و غده‌های کوچک به طول ۰/۵ تا ۰/۶ سانتی‌متر و عرض ۱ تا ۴ سانتی‌متر و با سنبله تخم‌مرغی یا استوانه‌ای - تخم‌مرغی کوتاه و متراکم به طول ۵ تا ۱۵ میلی‌متر و با برگه تخم‌مرغی باریک و پوشینه شلجمی پهن به طول ۳ تا ۴/۵ میلی‌متر و دارای دو دانه سیاه‌رنگ

مت. اسپرزه سیاه psyllium

**بارهنک کبیر***Plantago major, major plantain, broadleaf plantain, greater plantain*

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای بارهنک با ارتفاع معمول ۱۴ تا ۳۱ سانتی‌متر و گاه تا ۷۰ سانتی‌متر و بدون ساقه مشخص و بی‌کرک یا دارای کرک‌های پراکنده و اندک و دارای زمین‌ساقه؛ برگ‌های طوقه‌ای و خیزان یا افراشته آن دُمبرگ‌دار و پهنک برگ آن بیضی یا تخم‌مرغی یا دایره‌ای و در حاشیه تقریباً صاف است

**بارگیری آبکش phloem loading**

[ع. گیاهی] فرایند ورود مواد آلی مانند قندها و آمینواسیدها از درون آوند آبکش

**بارهنک***Plantago*

[مشترک] سرده‌ای از بارهنگیان اغلب علفی و به‌ندرت نیمه‌درختچه‌ای با حدود ۲۰۰ گونه و برگ‌هایی با سه تا پنج رگبرگ موازی که در قسمت پهن‌برگ از هم جدا می‌شوند و یک دُمبرگ کاذب باریک در نزدیک ساقه دارند و گل‌آذین آنها دارای یک مخروط کوتاه یا سنبله بلند با تعداد زیادی گل ریز است و گرده‌افشانی در آنها با باد انجام می‌شود

**بارهنک تخم‌مرغی***Plantago ovata, Plantago ispaghula*

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای بارهنک با گل‌آذین کوتاه یا متوسط به طول ۵ تا ۱۴ سانتی‌متر و بدون ساقه مشخص و پوشیده از کرک‌های نرم یا دارای کرک‌های پراکنده و با ریشه‌های دراز و باریک و برگ‌های طوقه‌ای و دُمبرگ‌دار و پهنک خطی باریک و دندان‌دار و پوشیده از موهای متراکم و کم‌وبیش پشمی و برگ‌هایی به طول ۲ تا ۱۰ و عرض ۱ تا ۲ سانتی‌متر و با سنبله کُپه‌ای یا استوانه‌ای کوتاه و برگ تخم‌مرغی پهن یا دایره‌ای قایقی و مژه‌دار در حاشیه پوشینه تقریباً تخم‌مرغی به طول ۳ تا ۳/۵ میلی‌متر و دارای دو دانه سفید و سرخ

مت. اسپرزه blond plantain, ispaghula

**بارهنک نيزه‌ای**

*Plantago lanceolata,*  
*Plantago eriophora,*  
*Plantago orientalis*  
*Stafp var. lycia,*  
ribwort plantain,  
narrowleaf plantain

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای بارهنک با ارتفاع ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر و بدون ساقهٔ مشخص و بی‌کرک یا دارای کرک‌های پراکنده و دارای زمین‌ساقهٔ کوتاه و بی‌انشعاب یا کم‌انشعاب و برگ‌های طوقه‌ای و افراشته و دُمبرگ‌دار و نوک‌تیز یا بیضوی باریک و ازقاعده باریک‌شونده و نوک‌تیز در انتها و صاف یا کوچک‌دندانه در حاشیه و با کرک‌های پراکنده یا بی‌کرک به طول ۱۰ تا ۳۵ سانتی‌متر و عرض ۱ تا ۵ سانتی‌متر و دارای پنج رگبرگ مشخص؛ دُمگل آذین آن افراشته، با کرک‌های پراکنده و سفید به طول ۱۵ تا ۶۰ سانتی‌متر و با سنبلهٔ استوانه‌ای مخروطی کوتاه یا تقریباً کروی و متراکم به طول ۰/۵ تا ۳ سانتی‌متر است و به‌ندرت به ۸/۵ سانتی‌متر می‌رسد و برگهٔ تخم‌مرغی پهن با حاشیهٔ موج و با کاسبرگ‌هایی به طول ۲ تا ۴/۵ میلی‌متر؛ کاسبرگ‌های پیشین به‌هم‌پیوسته و دارای دو لپ و بی‌کرک یا در حاشیه دارای کمی کرک پشم‌مانند هستند و کاسبرگ‌های پسین گرد و تخم‌مرغی و ناپیوسته و قایقی و بی‌کرک یا با کمی کرک در حاشیهٔ زیرین‌اند

Plantaginaceae

**بارهنگیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان علفی یا درختچه‌ای با سه سرده و ۲۷۰ گونه با گسترش جهانی که در مناطق معتدل تنوع فراوان دارند و برخی سرده‌های این تیره جزء گیاهان آبی‌زی ریشه‌دار هستند؛ برگ‌های گیاهان این تیره ساده یا مرکب با آرایش مارپیچی یا متقابل و گل‌هایشان بسیار متنوع است

**باریک‌برگ**

grass, narrow-leaved plant

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهان تک‌لپه‌ای از تیرهٔ گندمیان که برگ‌های باریک با رگبرگ‌های موازی و ساقه‌های توخالی یا توپر دارند

**باریک‌شده**

attenuate

[ع. گیاهی] ویژگی لبه‌های قاعده‌ای که یکبار به داخل به‌صورت کاو خم می‌شوند و با هم زاویهٔ تقاطع کمتر از ۴۵ درجه می‌سازند

**بازدانه**

gymnosperm

[ع. گیاهی] گیاه دانه‌داری که تخمک‌هایش در تخمدان محصور نیست

**بازرُشد**

after growth

[ع. گیاهی] دومین رشد گیاه در سال پس از توقف رشد اولیه

**بازرویش**

revegetation

[ع. گیاهی] به وجود آمدن دوباره و توسعهٔ پوشش گیاهی به‌طور طبیعی

**بافت زمینه** ground tissue

[ع. گیاهی] بافت گیاهی حاصل از سرلاد انتهایی، به جز روپوست و بافت‌های آوندی مت. - نرم‌آکنه زمینه

ground parenchyma

**بافت غربالی** ← بافت آبکش**بافت نخستین** primary tissue

[ع. گیاهی] بافت حاصل از فعالیت سرلاد انتهایی

**باقلاسانان** Fabales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها با چهار تیره و ۷۵۴ سرده و بیش از ۲۰۰۰۰ گونه که حدود ۹۵ درصد آنها در باقلائیان قرار دارند

**باقلامصری** lupine

[ع. گیاهی] گیاهی از تیره نیامداران که به‌عنوان گیاه پوششی و کود سبز یا برای تغذیه انسان کشت می‌شود

**باقلائیان** Fabaceae, Leguminosae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از باقلاسانان با ۶۵۰ سرده و ۱۲۰۰۰ گونه که دارای پراکنش جهانی هستند و برگ‌های آنها گوشواره دارد و اغلب مرکب است و گل‌هایشان معمولاً دارای تقارن دوطرفه و میوه‌ها به‌صورت نیام است؛ گیاهان خوراکی مهمی مانند سویا و باقلا و لوبیا در این تیره قرار دارند

**بازشعاعی‌رو**

## palinactinodromous

[ع. گیاهی] نوعی رگ‌بندی شعاعی‌رو که در آن سه یا چند رگبرگ اولین از یک نقطه منشعب می‌شوند و بعد از رسیدن به نقطه‌ای مشترک مجدداً تقسیم می‌شوند

**بازنگری آرایه‌شناختی**

## taxonomic revision

[ع. گیاهی] تغییر تعریف و محدوده یک آرایه

**بافت آبکش** phloem

[ع. گیاهی] بافت آوندی که وظیفه اصلی آن ترانسپاری قندها و سایر مواد مغذی است مت. - آبکش

**بافت غربالی** sieve tissue**بافت چوبی** xylem

[ع. گیاهی] بافتی که در گیاهان آوندی انتقال آب و مواد معدنی محلول را بر عهده دارد مت. - چوب

**بافت چوبی پسین**

## secondary xylem

[ع. گیاهی] بافت چوبی که از بُن‌لاد آوندی پدید می‌آید مت. - چوب پسین

**بافت چوبی نخستین**

## primary xylem

[ع. گیاهی] بافت چوبی که از سرلاد انتهایی پدید می‌آید مت. - چوب نخستین

یا آبی کم‌رنگ به طول ۱۱ تا ۲۲ میلی‌متر و فندقچه به طول ۴ تا ۵ میلی‌متر و مستطیلی-سه‌وجهی و در انتها دارای حاشیه غشایی

**بالاساقه‌ای**  
acrocaulis  
[ع. گیاهی] ویژگی بخشی از گیاه که در رأس ساقه قرار دارد

**بالاسو**  
acropetal  
[ع. گیاهی] ویژگی اندامی در گیاه، معمولاً گل، که از پایین به بالا رشد کند

### بالنگوی شیرازی *Lallemantia royleana*

[ع. گ. دارویی] گونه‌ای بالنگو به شکل گیاه یک‌ساله پوشیده از کرک‌های کوتاه و متراکم و ساقه منفرد یا منشعب و با برگ‌های زیرین تخم‌مرغی و برگ‌های زیرین تخم‌مرغی-گوه‌ای یا تخم‌مرغی-بیضی و برگ‌های گوه‌ای-بادبزی و دندان‌های در حاشیه و دندان‌های منتهی به خار و جام‌های آبی به طول ۶/۵ تا ۹ میلی‌متر و فندقچه ۲ تا ۳ میلی‌متر و سه‌وجهی به رنگ قهوه‌ای تیره یا سیاه

**بالشتک**  
pulvinus  
[ع. گیاهی] قاعده متورم دمبرگ یا دمبرگچه

**بالنگو**  
*Lallemantia*  
[ع. گ. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان علفی یک‌ساله یا چندساله با ساقه‌های بی‌کرک یا کرک‌دار و گل‌آذین سنبله‌مانند و برگ‌هایی با دندان‌های منتهی به خار در حاشیه و کاسه گل دارای پنج دندان با دندان‌های ضخیم و برجسته و لبه زیرین جام گل دارای دو شیار طولی، دارای چهار پرچم با میله‌های ریش‌دار در قاعده و فندقچه مستطیلی سه‌وجهی و با زائده غشایی در انتها

**بانک بذر**  
seed bank  
[ع. گ. دارویی] محل ذخیره‌سازی و نگهداری بذرها برای حفاظت از گونه‌ها و کشت آنها در صورت نیاز

**بانک ژن**  
gene bank  
[ع. گیاهی] مکانی برای نگهداری ذخایر توارثی گیاه

### بالنگوی شهری *Lallemantia iberica*

[ع. گ. دارویی] گونه‌ای بالنگو به شکل گیاه علفی یک‌ساله با برگ‌های قاعده‌ای تخم‌مرغی و برگ‌های ساقه‌ای مستطیلی-سرریزه‌ای یا مستطیلی-تخم‌مرغی و باریک در قاعده و برگ‌هایی با دندان‌های منتهی به خار بلند و گل‌های بنفش مایل به آبی و گاه با لبه زیرین سفید

**بخشه**  
section<sup>1</sup>  
[ع. گیاهی] یکی از واحدهای رسمی رده‌بندی که پایین‌تر از سرده و بالاتر از گونه است

**بذر بهین**  
elite seed  
[ع. گیاهی] بذر مادر با خلوص بسیار زیاد

ع. گیاهی] بذری که نمی‌توان رطوبت آن را به حدی کاهش داد تا بدون آسیب، امکان نگهداری آن در دمای کمتر از صفر درجه به مدت طولانی فراهم شود

### بذر گزیده selected seed

ع. گیاهی] بذر یتاج درختان دقیقاً انتخاب شده یا یتاج پایه‌های والدین انتخابی که به نظر می‌رسد برتری بالقوه دارند

### بذر گواهی شده certified seed

ع. گیاهی] بذر حاصل از تکثیر یکی از بذره‌های مادر یا بهنژادگر یا گزیده یا ثبت شده

### بذر مادر foundation seed

ع. گیاهی] یتاج بذر بهین که برای حفظ خصوصیات شناسنامه‌ای و خلوص ژنی خاص به کار می‌رود

### بذر ماندگار orthodox seed

ع. گیاهی] بذری که بتوان رطوبت آن را کاهش داد و در دمای زیر صفر نگهداری کرد

### بِراژمیل *Perovskia*

← ک. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان بوته‌ای یا نیمه‌درختچه‌ای با ساقه‌های راست و منشعب پوشیده از کرک‌های ساده و منشعب یا ستاره‌ای و با شمار فراوانی غده ترشحی نقطه‌ای و برگ‌های متقابل و ساده یا گاه چاک‌شانه‌ای و گل‌های کوچک به رنگ‌های بنفش و صورتی و زرد کم‌رنگ و به ندرت سفید

### بذر پوشش دار coated seed, pelleted seed

ع. گیاهی] بذری که با مواد شیمیایی یا باکتری یا مواد رنگی به‌طور یکنواخت پوشش داده شده باشد

### بذر ثبت شده registered seed

ع. گیاهی] یتاج بذر بهنژادگر یا مادر یا گزیده که در مراحل تولید، خلوص ژنی و خصوصیات شناسایی آن حفظ شده و به تأیید مراکز گواهی کننده رسیده باشد

### بذر خراشیده scarified seed

ع. گیاهی] بذری که بر اثر بذر خراشی آب را سریع‌تر جذب می‌کند

### بذر ذخیره seed stock

ع. گیاهی] بذر یا غده یا ریشه‌ای که برای کاشت ذخیره می‌شود و منبعی از زادمایه برای حفظ و تکثیر بذر رقم‌های زراعی یا رگه‌های ژنی است

### بذر سخت hard seed

ع. گیاهی] بذری که به علت نفوذناپذیر بودن پوسته خود در مقابل هوا و آب در حالت خفتگی باشد

### بذر سیب‌زمینی potato seed

ع. گیاهی] بذری که از گل سیب‌زمینی به دست می‌آید

### بذر کم عمر recalcitrant seed, unorthodox seed

- برازندگی** ← برازندگی وراثتی
- برخه** sprig  
[ع. گیاهی] قطعه‌ای از ساقه یا ریشه گیاهان  
علفی که برای تکثیر به کار می‌رود
- برازندگی وراثتی** fitness  
[ع. گیاهی] سهم وراثتی یک فرد در  
نسل‌های آینده  
مت. برازندگی
- برش** section<sup>2</sup>  
[ع. گیاهی] مقطعی از یک بافت یا اندام
- بر آنجیر** caprifig  
[ع. گیاهی] آنجیر وحشی که زنبور گرده‌افشان  
انجیر به نام بلاستوفاگا (Blastophaga) در  
میوه آن زندگی می‌کند
- برف‌دوست** chionophile  
[ع. گیاهی] گیاهی که زمستان طولانی با  
پوشش برف زیاد را تحمل می‌کند یا به آن  
نیاز دارد
- بر آنجیرزنی** caprification  
[ع. گیاهی] فرایند گرده‌افشانی گل آنجیر با  
بر آنجیر به کمک زنبور بلاستوفاگا  
(Blastophaga) که در میوه آن زندگی  
می‌کند
- برگ** leaf  
[ع. گیاهی] اندامی در گیاهان که معمولاً  
عمل فتوسنتز (photosynthesis) و تعرق  
را انجام می‌دهد
- برگ‌آذین** phyllotaxy, phyllotaxis  
[ع. گیاهی] نحوه توزیع یا آرایش برگ‌ها بر  
روی ساقه و نیز نظم کلی حاکم بر این آرایش
- برگ‌آمرودی** *Pyrola*  
[ع. گیاهی] سرده‌ای از برگ‌آمرودیان علفی  
همیشه‌سبز که بومی شمالگان و مناطق  
معتدل شمالی است
- برتری دورگه** ← دورگگی
- برترادامش** evapotranspiration, total evaporation, water loss, fly-off  
[ع. گیاهی] فرایند خروج آب بر اثر تبخیر  
سطحی خاک یا رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و  
ترادامش / تعرق پوشش گیاهی یک منطقه  
در دوره‌ای معین  
مت. تبخیر - تعرق
- برگ‌آمرودیان** Pyrolaceae  
[ع. گیاهی] تیره‌ای از خلنگ‌سانان با چهار  
سرده و ۳۰ گونه که وجه تمایز آنها با انواع  
چوبی این راسته رویش علفی‌شان است؛  
اعضای این تیره بومی نواحی معتدل سرد  
و قطبی نیمکره شمالی هستند و در زمره  
گیاهان همیشه‌سبز قرار دارند
- برچه** carpel  
[ع. گیاهی] ساختاری در گیاهان گل‌دار که  
در بردارنده تخمک است و تخمدان و خامه  
و کلاله را شامل می‌شود  
\* مصوب فرهنگستان اول

- leaflet** **برگچه** *Laurus* **برگ بو**  
 [ع. گیاهی] سرده‌ای از برگ‌بوئیان همیشه‌سبز با برگ‌های معطر که از آن به‌عنوان ادویه یا دارو استفاده می‌شود و دارای سه گونه است که اغلب در نواحی مدیترانه‌ای می‌رویند
- defoliation** **برگریزی<sup>۱</sup>**  
 [ع. گیاهی] ریزش برگ گیاه
- leaf abscission** **برگریزی<sup>۲</sup>**  
 [ع. گیاهی] ریزش برگ بر اثر تشکیل لایهٔ ریزشی
- Ceratophyllum** **برگ شاخی**  
 [ع. گیاهی] سرده‌ای آبی از برگ‌شاخیان با پراکندگی در سرتاسر جهان و حدود ده گونه که در آبگیرها و تالاب‌ها و نه‌رهای آرام نواحی گرمسیر و معتدل یافت می‌شوند؛ گیاهان این سرده گاه در سطح آب شناورند، اما معمولاً به‌طور کامل در زیر آب رشد می‌کنند و تحمل خشکی را ندارند؛ طول ساقهٔ آنها به یک تا سه متر می‌رسد و در محل گره‌های ساقه حلقه‌هایی از برگ‌های سبز روشن وجود دارد که نازک و اغلب منشعب‌اند؛ این گیاهان اساساً فاقد ریشه هستند، ولی گاهی برگ‌های تغییرشکل‌یافته‌ای با ظاهری ریشه‌مانند ایجاد می‌کنند که گیاه را به بستر متصل می‌کند
- Ceratophyllaceae** **برگ‌شاخیان**  
 [ع. گیاهی] تیره‌ای از برگ‌شاخ‌سانان (Ceratophyllales) که علفی یا آبی با غوطه‌ور هستند و جوانه‌های انتهایی خواب‌مانده‌شان باعث رویش چندسالهٔ آنها می‌شود
- Laurales** **برگ‌بوسانان**  
 [ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها با هفت تیره و ۸۵ تا ۹۰ سرده و ۲۵۰۰ تا ۲۸۰۰ گونه که اغلب گونه‌های آن در مناطق گرمسیر می‌رویند
- Lauraceae** **برگ‌بوئیان**  
 [ع. گیاهی] تیره‌ای از برگ‌بوسانان اغلب درختچه‌ای یا درختی با برگ‌های ساده و متناوب و معطر که گل‌های منظم با گل‌پوش غالباً شش‌قطعه‌ای و میوهٔ گوشتی دارند
- Commelina** **برگ‌بیدی**  
 [ع. گیاهی] سرده‌ای از برگ‌بیدیان علفی با ساقه‌هایی ضعیف و پراکندگی وسیع با حدود ۱۰۰ گونه که فقط تعداد اندکی از آنها در باغبانی به کار می‌رود
- Commelinaceae** **برگ‌بیدیان**  
 [ع. گیاهی] تیره‌ای از برگ‌بیدسانان (Commelinales) که گل‌آذین‌گرزن کبک‌ای یا خوشهٔ مرکب و سه تا شش پرچم دارند که یک تا سه‌تای آنها عقیم است

ع. گیاهی | برگ‌هایی که شیوه قرار گرفتن آنها بر روی ساقه به نحوی است که هر دو برگ پشت‌سرهم بر روی یک خط مستقیم نیستند

**برگشت reversal**  
ع. گیاهی | نوعی جورگرایی که در نتیجه از بین رفتن جداربختی و برقراری دوباره یک ویژگی نیایی پدید می‌آید

**برگه گل‌آذین**  
inflorescence bract

ع. گیاهی | نوعی برگ تغییرشکل‌یافته در پایه گل‌آذین  
\* مصوب فرهنگستان اول

**برگک bracteole**  
ع. گیاهی | اندامی شبیه به برگ در قاعده گل در گل‌آذین که برگه آن را احاطه کرده است

**برمونه**  
epitype

ع. گیاهی | نمونه یا تصویری منتخب که در صورت وجود ابهام در تشخیص نام‌مونه یا گزین‌مونه یا نمونه برای شناسایی یا تشخیص آرایه، به‌عنوان نمونه معرفی شود

**برگه<sup>۱</sup>**  
bract

ع. گیاهی | هریک از برگ‌های تغییرشکل‌یافته در پای گل که حدواسط کاسبرگ و برگ‌های طبیعی است  
\* مصوب فرهنگستان اول

**برمیان‌باخته**  
ectoplasm, ectosarc

ع. گیاهی | بخش پیرامونی ماده زمینه‌ای میان‌یاخته در بسیاری از یاخته‌ها

**برگه<sup>۲</sup>**  
follicle

ع. گیاهی | میوه خشک شکوفای پُردانه حاصل از یک برچه که در هنگام رسیدن تنها از یک طرف شکاف برمی‌دارد

**برمیان‌یاخته‌ای**  
ectoplasmatic

ع. گیاهی | مربوط به برمیان‌یاخته

**برگ‌های فراهم**  
whorled leaves, verticillate leaves

ع. گیاهی | سه یا چند برگ که بر روی یک گره قرار دارند

**برون‌بر**  
exocarp

ع. گیاهی | بیرونی‌ترین لایه پیرا‌بر در میوه نهان‌دانگان

**برگ‌های متقابل**  
opposite leaves

ع. گیاهی | دو برگ در یک گره که روبه‌روی هم قرار دارند

مت. روبر  
epicarp, epicarpium

**برون‌پوش**  
exine

ع. گیاهی | بخش بیرونی پوشش هاگ یا دانه گرده که روی درون‌پوش قرار دارد

**برگ‌های متناوب**  
alternate leaves



ع. گیاهی] تراوش هر ماده‌ای از منافذ گیاه  
به بیرون

ektexine **برون پوش بیرونی**  
ع. گیاهی] لایه بیرونی و سخت برون پوش

exudative **برون زهشی**  
ع. گیاهی] مربوط به برون زهش

endexine **برون پوش درونی**  
ع. گیاهی] لایه درونی برون پوش

exudate, exudation<sup>1</sup> **برون زهه**  
ع. گیاهی] ماده‌ای که از منافذ گیاه تراوش  
می‌کند، مانند صمغ

revolute, rolled back **برون پیچ**  
ع. گیاهی] ویژگی برگ‌گی که حاشیه آن به  
پشت یا به پایین برگشته یا پیچیده باشد

**برون زیوه ← برون زیوه‌ای**

sapwood **برون چوب**  
ع. گیاهی] بخش بیرونی ساقه درخت مرکب  
از یاخته‌های زنده که آب را به بخش‌های  
بالا تر درخت منتقل می‌کند

ex vivo **برون زیوه‌ای**  
ع. گیاهی] ویژگی آزمایش‌هایی که در خارج  
از بدن موجود زنده و در محیطی مصنوعی  
و تا حدود زیادی مشابه شرایط طبیعی بدن  
انجام می‌شود  
مت. **برون زیوه**

ecdemic **برون خیز**  
ع. گیاهی] ویژگی بیماری‌ای که خاستگاه آن  
بیرون از ناحیه‌ای است که در آن بروز  
می‌کند

**برون شیشه ← برون شیشه‌ای**

ex vitro **برون شیشه‌ای**  
ع. گیاهی] ویژگی یکی از رویکردهای نوین  
در اصلاح نباتات که در آن گیاه را از  
محیط کشت به محیط جدید، مانند مزرعه  
و گلخانه، منتقل می‌کنند  
مت. **برون شیشه**

exocytosis **برون رانی**  
ع. گیاهی] عبور مواد جامد یا مایع از غشای  
یاخته

outgroup **برون گروه**  
ع. گیاهی] آرایه یا گروهی از آرایه‌ها که  
عضو درون گروه نیست، ولی ارتباط  
خویشاوندی نزدیک با آن دارد

exostomal **برون روزنی**  
ع. گیاهی] ویژگی تخمکی دپوششی که  
فقط تخمک‌پوش بیرونی سفت آن را  
احاطه کرده و تخمک‌پوش درونی آن  
کوچک تر شده است به طوری که به سفت  
نمی‌رسد

exudation<sup>2</sup> **برون زهشی**

پراکنده هستند و در نواحی گرمسیر  
بیشترین تنوع را دارند

### Polypodiales **بسپایک‌سانان**

ع. گیاهی] راسته‌ای از نهانزادان آوندی شامل  
دودمان‌های اصلی سرخس‌ها که بیش از  
هشتاد درصد گونه‌های سرخس‌های  
امروزی را دربرمی‌گیرند و در بسیاری از  
مناطق جهان یافت می‌شوند

### Polypodiaceae **بسپایکیان**

ع. گیاهی] گیاهانی از شاخه سرخس‌تباران  
که برگ‌های شانه‌ای و هاگینه‌های (sori)  
گرد دارند

### polytomy **بس شاخگی**

ع. گیاهی] وضعیتی که در آن سه یا چند  
دودمان از یک نیا در تبارشاخه‌نگاره مشتق  
شده باشند، اما رابطه آنها با یکدیگر به‌طور  
دقیق مشخص نباشد

### polytomic **بس شاخه**

ع. گیاهی] ویژگی تبارشاخه‌ای که دارای  
بس شاخگی باشد

### critically endangered, CR **بسیار درخطر**

ع. گیاهی] آرایه‌ای که مطابق با فهرست  
قرمز اتحادیه جهانی حفاظت به احتمال  
پنجاه درصد ظرف پنج سال یا دو نسل  
منقرض می‌شود  
مت. گونه بسیار درخطر critical species

### برهم‌کنش آب‌گریز hydrophobic interaction

ع. گیاهی] تمایل گروه‌های غیرقطبی برای  
قرار گرفتن در کنار هم در یک محیط آبی

### Psilotaceae **برهنه‌ساقیان**

ع. گیاهی] تیره‌ای از نهانزادان آوندی که  
دارای ساقه‌های بندبند و هاگدان‌های  
سه‌تایی در هر گره و فاقد برگ مشخص‌اند

### palmatifid **بریده‌پنجه‌ای**

ع. گیاهی] ویژگی نوعی برگ پنجه‌ای که  
تقسیمات مجزای حاشیه آن اندکی بیش از  
نیمه تا مرکز مشترک امتداد داشته باشد

### pinnatifid, pinnisected **بریده‌شانه‌ای**

ع. گیاهی] ویژگی برگی با حاشیه شانه‌ای  
بریده یا شکافته و فرورفتگی‌ها و لپه‌های  
باریک یا نوک‌تیز که تقسیمات آن تا نیمه  
یا اندکی بیشتر ادامه داشته باشد

### anther **بساک**

ع. گیاهی] بخشی از پرچم که دانه گرده  
تولید می‌کند

### antheriferous **بساک‌بَر**

ع. گیاهی] پایه حامل بساک

### Polypodium **بسپایک**

ع. گیاهی] سرده‌ای با ۷۵ تا ۱۰۰ گونه از  
سرخس‌های حقیقی که در سرتاسر جهان

- gynobasic** **بُن تخمدانی**  
[ع. گیاهی] ویژگی خامه‌ای برخاسته از قاعده و مرکز یک تخمدان لپ‌دار
- parthenocarpic** **بکر بارده**  
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که بدون لقاح میوه تولید کند
- chalaza** **بُن تخمک**  
[ع. گیاهی] بخشی از تخمک یا دانه که تخمک‌پوش‌ها را به یکدیگر و به خورش پیوند می‌دهد
- parthenocarpy** **بکر باردهی**  
[ع. گیاهی] تولید میوه بدون لقاح
- couplet** **بند**  
[ع. گیاهی] یک جفت نیم‌بند در یک کلید دوشاخه‌ای
- parthenogenetic** **بکرزا**  
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که بتواند از کامهٔ نر و ماده، بی‌آنکه لقاحی صورت گیرد، نتاجی به دست دهد
- funiculus** **بند ناف**  
[ع. گیاهی] پایه‌ای که تخمک را به جفت متصل می‌کند
- parthenogenesis** **بکرزایی**  
[ع. گیاهی] تولید نتاج از یک کامهٔ نر و ماده بی‌آنکه لقاحی صورت گیرد
- Viola** **بنفشه**  
[ع. گیاهی] سرده‌ای از بنفشه‌ایان یک یا چندسالهٔ کوچک و به‌ندرت درختچه‌ای با ۴۰۰ تا ۵۰۰ گونه که در تمام دنیا مخصوصاً نواحی معتدل نیمکرهٔ شمالی می‌رویند؛ برگ‌های آنها قلبی‌شکل یا کنگره‌دار با آرایشی متناوب است، اما برخی از آنها برگ‌های پنجه‌ای دارند و گل‌ها در اکثر گونه‌ها دارای تقارن دوطرفه و پنج گلبرگ است که چهارتای آنها، در هر طرف دو تا، روبه‌بالا و به شکل بادبزنی و پنجمی که تحتانی پهن و لپی است روبه‌پایین قرار دارد
- corn husk** **بلال پوش**  
[ع. گیاهی] پوشش برگ‌مانند بلال
- cornlet** **بالچه**  
[ع. گیاهی] بلال کوچک یا نارس
- vernal<sup>1</sup>** **بُن بهاری**  
[ع. گیاهی] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در اواخر فصل بهار اتفاق می‌افتد
- Saintpaulia** **بنفشهٔ افریقایی**  
[ع. گیاهی] سرده‌ای از جِسْمِزیریان/ بنفشه‌افریقائیان با شش گونهٔ علفی
- serotinal** **بُن تابستانی**  
[ع. گیاهی] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در اواخر فصل تابستان اتفاق می‌افتد

**بُن لادزایی** cambio genesis

[ع. گیاهی] فرایند تشکیل بُن لاد در گیاهان آوندی

چندساله که بومی تانزانیا و جنوب شرقی کنیا هستند و بیشتر گونه‌های آن در کوه‌های نگویرای تانزانیا می‌روید

**بُن لادی** cambial

[ع. گیاهی] مربوط به بُن لاد

**بنفشه افریقائیان** ← جِسیریان

**بُن نام** basionym

[ع. گیاهی] نام اصلی ولی منسوخ‌ی که بخشی از آن در ترکیب جدید به کار می‌رود

**بنفشه‌ایان** Violaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از مالپیگی‌سانان غالباً درختچه‌ای یا درختی کوچک و گاهی علفی با ۲۱ سرده و ۹۰۰ گونه که گسترش جهانی دارند؛ برگ‌های آنها ساده با آرایش متقابل یا متناوب و اغلب با گوشواره برگ مانند (leafy stipule) و کوچک است؛ گل آذین‌شان منفرد یا خوشه‌ای با کاسه گل پنج‌پر و پایا و جام گل آنها دارای پنج گلبرگ غالباً نامساوی است

**بوته** bush, brush

[ع. گیاهی] هر رستنی چوبی کوچک‌تر از درختچه

**بوم اقلیم** ecoclimate

[ع. گیاهی] اقلیمی که در زیستگاهی مشخص عاملی بوم‌شناختی به شمار می‌آید

**بُن لاد** cambium

[ع. گیاهی] بافتی که به موازات محور طولی گیاه قرار دارد و منشأ رشد ثانوی یا قطری گیاه است

**بوم اندام** eco-organ

[ع. گیاهی] یکی از جنبه‌های مشخص ریخت‌شناسی گیاهان که سازگاری با محیط خارجی را منعکس می‌کند

**بُن لاد آوندی**

vascular cambium

[ع. گیاهی] یکی از انواع بُن لادهای پسین که منشأ آوندهای چوبی و آبکش در ساقه و ریشه گیاهان است

**بوم سازگان** ecosystem, ecological system

[ع. گیاهی] اجتماع زیستی یک منطقه که با محیط پیرامون خود برهم‌کنش دارد

**بُن لاد چوب‌پنبه** cork cambium

[ع. گیاهی] ۱. یکی از انواع بُن لادهای پسین که منشأ چوب‌پنبه است. ۲. نوعی سرلاد جانبی که منشأ پیراپوست است

**بوم‌شناسی جمعیت** population ecology

[ع. گیاهی] بررسی جمعیت از دیدگاه علم بوم‌شناسی

مت. چوب‌پنبه‌زا phellogen

ع. گیامی] یکی از روش‌های بهنژادی که در آن، جمعیت به صورت توده‌ای، تا زمانی که شرایط برای انتخاب فراهم شود، تکثیر می‌شود و سپس با انتخاب تک‌بوته از روش شجره‌ای برای گزینش استفاده می‌شود

### بهنژادی جهشی

mutation breeding

ع. گیامی] روشی در بهنژادی گیاهان که در آن با جهش‌های حاصل از اعمال روش‌های فیزیکی یا شیمیایی، ویژگی‌های گیاهان را تغییر می‌دهند

### بهنژادی شجره‌ای

pedigree breeding

ع. گیامی] یکی از روش‌های بهنژادی که در آن، هر بوته، در نسل‌های درحال تفرق، براساس صفات مطلوب ظاهری و باتوجه‌به شجره‌نامه گزینش می‌شود

### بهنژادی گیاهی

ع. گیامی] اصلاح گیاهان به روش‌های مختلف، از جمله گزینش و دورگ‌گیری و خویش‌آمیزی  
مت. اصلاح نباتات

### بیان ژن

ع. گیامی] رونویسی و ترجمه و تظاهر ژن‌نمودی ژن

### بیانه

ع. گیامی] توالی‌های رمزگذار ژن‌های هوهسته‌ای‌ها

### بوم‌گونه

ecospecies

ع. گیامی] گروهی از افراد یک گونه که تحت تأثیر شرایط بوم‌شناختی معین از سایر گروه‌ها متمایز می‌شوند و توان زادآوری آنها با یکدیگر بیشتر از توان زادآوری آنها با افراد سایر گروه‌هاست

### بهاری

vernal<sup>2</sup>

ع. گیامی] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در فصل بهار اتفاق می‌افتد

### بهنژادی

breeding

ع. گیامی] اجرای عملیات مختلف برای بهبود ساختار ژن‌شناختی گیاهان  
مت. اصلاح نژاد، اصلاح

### بهنژادی تلاقی برگشتی

backcross breeding

ع. گیامی] یکی از روش‌های بهنژادی از طریق دورگ‌گیری تکراری با یکی از والد‌های دورگه اولیه و گزینش برای انتقال یک صفت مطلوب

### بهنژادی جمعی

bulk breeding

ع. گیامی] کشت متوالی جمعیت‌های گیاهان خودگشن متنوع از لحاظ ژن‌شناختی تا حصول خلوص موردنظر

### بهنژادی جمعی - شجره‌ای

bulk-pedigree breeding

مناطق سرد و معتدل نیمکره شمالی می‌رویند و گل‌هایشان به صورت دم‌گره‌ای و کرک‌دار است و لقاح متقابل (-cross fertile) و دوره‌گه در آنها بسیار رایج است

**بی‌روزنه** astomatal, astomous  
[ع. گیاهی] ویژگی برگی که فاقد روزنه است

**بی‌ساقه** acaulescent, acauline, stemless  
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که ساقه ندارد یا ساقه آن خیلی کوتاه است یا قابل دیدن نیست

**بیش‌حساسی** hypersensitivity  
[ع. گیاهی] واکنش گیاه میزبان به حمله عامل بیماری که در آن یاخته‌های مورد حمله کاملاً می‌میرند و مانع گسترش بیشتر بیماری می‌شوند

**بیش‌ریخت** ← جهش بیش‌ریخت

**بیش‌قطبش** hyperpolarization  
[ع. گیاهی] منفی‌تر شدن پتانسیل غشا نسبت به حالت استراحت  
مت. - بیش‌قطبیدگی

**بیش‌قطبیدگی** ← بیش‌قطبش

**بیش‌قطبیده** hyperpolarized  
[ع. گیاهی] ویژگی غشایی که دچار بیش‌قطبیدگی شده باشد

**بی‌بر** acarpous, acarpic  
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که نازا است

**بی‌برگ** afoliate, leafless  
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که به‌طور طبیعی فاقد برگ باشد

**بی‌پایک** sessile  
[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندام‌هایی مانند برگ و گل و میوه که بدون پایک به محور استقرار خود متصل باشند

**بی‌پوشش** ategmic  
[ع. گیاهی] ویژگی تخمکی بدون تخمک‌پوش

**بید** Salix  
[ع. گیاهی] سرده‌ای از بیدیان درختی یا درختچه‌ای خزان‌دار دوپایه با گل‌آذین دم‌گره‌ای با حدود ۴۰۰ گونه که در خاک‌های مرطوب و در نواحی معتدل و سرد نیمکره شمالی می‌رویند؛ گل‌آذین آنها در بهار قبل از برگ‌ها یا هم‌زمان با اولین برگ‌ها می‌شکند و برگ‌های آنها معمولاً کشیده و گاهی دایره‌ای یا تخم‌مرغی با حاشیه غالباً دندان‌دار است

**بیدیان** Salicaceae  
[ع. گیاهی] تیره‌ای از مالپیگی‌سانان درختی یا درختچه‌ای خزان‌دار با چهار سرده و حدود ۳۵۰ گونه که غالباً در خاک‌های مرطوب

- glabrous, smooth** **بی‌کرک**  
 [ع. گیاهی] ویژگی هر سطح فاقد کرک و مو
- apetalous** **بی‌گلبرگ**  
 [ع. گیاهی] ویژگی گل‌پوشی که فاقد گلبرگ یا جام است
- achlamydeous** **بی‌گل‌پوش**  
 [ع. گیاهی] ویژگی گلی که فاقد گل‌پوش است
- interspecific** **بین‌گونه‌ای**  
 [ع. گیاهی] ویژگی هر پدیده‌ی ناشی از تعامل دو یا چند گونه
- بی‌میان** ← فام‌تن بی‌میان
- بیشینه صرفه‌جویی**  
**maximum parsimony, MP**  
 [ع. گیاهی] روشی در تبارشناسی، که هدف آن مکان‌شناسی درخت تکاملی (tree) است که کمترین تغییرات حالت صفت را نشان می‌دهد
- بیضی‌وار**  
**ellipsoid**  
 [ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل تخم‌مرغ متقارن در گیاهان که در دو انتها به‌طور یکنواخت باریک شده باشد
- بی‌فصل**  
**aseasonal**  
 [ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که در همه فصول سال می‌تواند گل دهد
- بی‌کاسبرگ**  
**asepalous**  
 [ع. گیاهی] ویژگی گل‌پوشی که فاقد کاسبرگ یا کاسه است

# پ

[ع. گیاهی] نوعی هم‌تراژردی که در آن، دو ماده به کمک یک تراژر در جهت مخالف هم از خلال غشا عبور می‌کنند

**پادتراژردی countertransport**  
[ع. گیاهی] انتقال هم‌زمان دو ماده از خلال غشای یاخته در خلاف جهت یکدیگر به کمک یک ناقل یا دو ناقل مختلف که از لحاظ زیست‌شیمیایی به هم وابسته‌اند

**پادریخت ← جهش پادریخت**

**پادزی‌مایه antienzyme**  
[ع. گیاهی] ماده‌ای که فعالیت یک زی‌مایه را متوقف می‌کند  
مت. پادآنزیم

**پادسفتی ← یاخته‌های پادسفتی**

**پاربر mericarp**  
[ع. گیاهی] هر واحد یک‌دانه‌ای یک چاک‌بر

**پاجوش sucker**  
[ع. گیاهی] شاخه‌ای که از جوانه‌های نابجای ریشه یا تاج حاصل می‌شود

**پاجوش‌دهی suckering**  
[ع. گیاهی] تولید پاجوش توسط گیاه

**پاخرسیان Acanthaceae**  
[ع. گیاهی] گیاهانی از راسته نعناسانان با برگ‌های متقابل و جام گل نامنظم پیوسته و میوه پوشینه‌ای شکل

**پادآنزیم ← پادزی‌مایه**

**پادبر antiporter**  
[ع. گیاهی] نوعی پروتئین ناقل غشایی که دو ماده را به‌طور هم‌زمان و در جهت مخالف هم از خلال غشا عبور می‌دهد

**پادبری antiport**



ع. گیاهی | تیره‌ای از بازدانگان که ظاهری نخل‌مانند و برگ‌های شانه‌ای بلند دارند

stipe **پایک**

ع. گیاهی | پایه برگ که غالباً در مادگی‌بر سرخس‌ها یا پایه خاک‌رُست‌خزه‌ای‌ها (sporophyt of mosses) دیده می‌شود

stylopodium **پایک خامه**

ع. گیاهی | بخش ضخیم‌شده خامه در محل اتصال به تخمدان

basifixed **پایه چسب**

ع. گیاهی | ویژگی نوعی کرک که از قاعده به سطح یک اندام چسبیده باشد

equitant **پایه هم‌پوش**

ع. گیاهی | برگ‌آذینی با برگ‌هایی که قاعده آنها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و معمولاً در امتداد رگبرگ اصلی به‌وضوح تا خورده‌اند

autumnal **پاییزی**

ع. گیاهی | ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در فصل پاییز اتفاق می‌افتد

decurrent **پایین‌رو**

ع. گیاهی | ویژگی قاعده برگ‌گی که از محل اتصال به سمت پایین امتداد می‌یابد به طوری که متصل به ساقه به نظر می‌رسد

merozygote **پارزاگ**

ع. گیاهی | زاگی باکتریایی که کاملاً دوداد نیست و علاوه بر فام‌تن خود حاوی ژن‌های اضافی خارج از فام‌تن است

merosity **پارگان**

ع. گیاهی | شمار قطعات در هر حلقه یا چرخه اندام‌های گیاهی

basitony **پاشاخه‌دهی**

ع. گیاهی | شاخه‌دهی در پایین ساقه

offset **پاگیاه**

ع. گیاهی | گیاه کوچکی که از پایین تاج منشأ می‌گیرد و شبیه گیاه مادر است

Primula **پامچال**

ع. گیاهی | سرده‌ای از پامچالیان با ۴۰۰ تا ۵۰۰ گونه از گیاهان علفی کوتاه که بومی مناطق معتدل نیمکره شمالی و جنوب کوه‌های اتیوپی و اندونزی و گینه و مناطق معتدل جنوب امریکای جنوبی هستند؛ بسیاری از آنها گل‌های زیبا دارند

Primulaceae **پامچالیان**

ع. گیاهی | تیره‌ای از خلنگ‌سانان با حدود ۲۴ سرده و ۱۰۰۰ گونه که در نیمکره شمالی پراکندگی گسترده دارند و شامل گیاهان زینتی و گل‌های خودرو می‌شوند

Cycadaceae **پایانخلیان**

غیرآسیب‌رسان، مانند تماس فیزیکی یا سرما، ایجاد می‌شود

**پتویی** pannose

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با ظاهر یا بافتی شبیه به نم‌ یا پارچهٔ پشمی

**پدرانحصاری** ← پدربوم‌ویژه

**پدربوم‌ویژه** patroendemic

[ع. گیاهی] ویژگی عنصری باستانی از یک دولاد محدود و نسبتاً قدیمی که نیای گونه‌های چندلاد با پراکنش وسیع است  
مت. پدرانحصاری

**پراتباری** paraphyletic

[ع. گیاهی] ویژگی گروهی آرایه‌شناختی که تمام نتاج یک نیای مشترک را در بر نمی‌گیرد

**پراتباری** paraphyly

[ع. گیاهی] وضعیت گروهی شامل یک نیای مشترک و برخی از زادگان آن

**پراکنش سن توده** stand age distribution

[ع. گیاهی] چگونگی توزیع سن توده

**پرامونه** paratype

[ع. گیاهی] نمونه‌ای که در زمان انتشار آرایه ذکر شود، اما تام‌مونه یا جورمونه یا هم‌مونه نباشد

**پایین سو** basipetal

[ع. گیاهی] ویژگی اندامی در گیاه که از بالا به پایین رشد کند

**پپتیدگان‌شناسی** peptidomics

[ع. گیاهی] مجموعهٔ فنون مربوط به شناسایی و تجزیه و تحلیل و تشخیص پپتیدگان یک سامانهٔ زیستی

**پتانسیل آستانه**

threshold potential,  
firing point, firing level,  
threshold

[ع. گیاهی] تغییر پتانسیل غشا تا نقطهٔ شروع پتانسیل کنش

**پتانسیل استراحت**

resting potential  
[ع. گیاهی] ولتاژ تراغشایی پایه در یاخته‌های گیاهی و جانوری که عددی نسبتاً ثابت است

**پتانسیل غشا**

membrane potential,  
transmembrane potential  
[ع. گیاهی] اختلاف پتانسیل الکتریکی دو طرف غشا

**پتانسیل کنش** action potential

[ع. گیاهی] نوعی نشانک / سیگنال الکتریکی که از طریق محرک‌های بیرونی

پرسیاوشیان که دارای ساقه و برگ‌های تیره و پهنک‌های سبز روشن با بریدگی‌های ظریف هستند؛ هاگینه‌ها تقریباً در حاشیه پهنک ظاهر می‌شوند و در لبه برگشته آن محصور هستند و ظاهری شبیه به هاگینه‌پوش (indusium) دارند

### پرسیاوشیان Adiantaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از پسررخس‌سانان (Pteridales) زمینی یا بالارونده رورُست کوچک یا متوسط با ریشه‌ای در خاک که دارای زمین‌ساقه بلند و خزنده و استل لوله‌ای (solenostelic) است؛ قسمت‌های جوان این گیاه با فلس‌هایی باریک و تیره و غیرسپری (non-pelate) پوشیده شده است و برگ‌شاخه‌های (fronds) آنها پایکی بلند به رنگ تیره و براق دارند و پهنک آنها ساده و شانه‌ای یا مرکب چهاربارشانه‌ای است

### پرنده‌برافشانی ornithochory

[ع. گیاهی] پراکنده شدن میوه توسط پرنندگان

### پروتئین گرماشوک heat-shock protein

[ع. گیاهی] هر پروتئینی که ساخت آن با افزایش دمای محیط به بالاتر از یک آستانه مشخص القا می‌شود

### پروتئین انگری anchor protein, AP

[ع. گیاهی] پروتئینی که با اتصال به دیگر پروتئین‌ها آنها را به‌طور موقت تثبیت می‌کند

### پرتقالی hesperidium

[ع. گیاهی] نوعی میوه سینه با روبر چرمی که حجره‌های آن را کرک‌های آبدار پر کرده است

### پُرچروک rugose, rough, wrinkled

[ع. گیاهی] ویژگی برگ با رگ‌بندی مشبک خیلی برجسته در هر دو طرف برگ

### پرچم stamen

[ع. گیاهی] هریک از اندام‌های تولیدمثلی نر در گیاهان گل‌دار که در مجموع نافه گل را تشکیل می‌دهند  
\* مصوب فرهنگستان اول

### پُرخورش crassinucellate

[ع. گیاهی] ویژگی تخمکی با خورشی متشکل از دو یا چند لایه یاخته که لایه‌های داخلی‌تر آن از تقسیمات یک یاخته جداری پدید می‌آیند

### پَرسان plumose

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده از زوائد مژه‌ای ریز و طویل با ظاهری شبیه به پَر

### پَرسرخسیان Pteridaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از سررخس‌سانان با برگ‌های بلند و منشعب

### پرسیاوش Adiantum

[ع. گیاهی] سرده‌ای با حدود ۲۰۰ گونه از پسررخسیان یا به عقیده بیشتر محققان از

- after ripening      پس‌رسی      پره ← اشعه
- ع. گیاهی] ۱. تغییرات کاراندام‌شناختی که در  
بذر یا جوانه در دوران خفتگی بر اثر عوامل  
مختلف مانند سرما به وجود آید و سبب  
تندیدن بذر یا رشد جوانه شود ۲. دوره‌ای  
که پس از رسیدن بذر، تغییرات لازم برای  
تندیدن در آن حاصل شود
- epigenesis      پس‌زایش
- ع. گیاهی] نظریه‌ای که بر مبنای آن فرایند  
تشکیل رویان یا جنین حاصل تغییر  
تدریجی تخم است
- epigenetic      پس‌زایشی
- ع. گیاهی] مربوط به پس‌زایش
- latewood      پسین‌چوب
- ع. گیاهی] بافت چوبی ثانوی در حلقه سالانه  
درخت که در اواخر فصل رویش شکل  
می‌گیرد و یاخته‌های آن در قیاس با  
یاخته‌های رویش اوایل فصل کوچک و  
تیره است و قطر کمتر و سختی و چگالی  
بیشتری دارد
- summer wood      چوب تابستانه
- autumn wood      چوب پاییزه
- پشتی ← نامحورسو
- villous, shaggy      پشم‌آلود
- ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده  
از کرک‌های بلند و نرم و مجعد و پراکنده
- vascular wilt      پژمردگی آوندی
- ع. گیاهی] پژمردگی گیاه بر اثر حمله عامل  
بیماری به شبکه آوندی
- marcescent      پژمرده‌مان
- ع. گیاهی] ویژگی بخشی از گیاه که پس از  
پژمردگی به همان حالت باقی می‌ماند
- پستانداربرافشانی
- mammaliochory
- ع. گیاهی] پراکنده شدن میوه توسط  
پستانداران
- Pistacia      پیسته
- ع. گیاهی] سرده‌ای از پیسته‌ایان درختی یا  
درختچه‌ای معطر با نه‌گونه بومی اوراسیا و  
دو گونه که یکی در جنوب غربی امریکای  
شمالی و دیگری در جزایر قناری است؛  
صمغ شیرین دو درخت مصطکی  
(P. lentiscus) و تربانتین (P. terebinthus)  
که به این سرده تعلق دارند در پزشکی کاربرد  
دارد
- Anacardiaceae      پیسته‌ایان
- ع. گیاهی] تیره‌ای از راسته افراسانان، به  
شکل درخت و درختچه، که پوست تنه آنها  
حاوی آنگم است
- metaxylem      پس‌چوب
- ع. گیاهی] چوب نخستینی که در مراحل  
پایانی نمو چوب تشکیل می‌شود

برگ‌های اغلب سربرگچه‌ای و گل‌آذین  
گزن و پایکدار و تنک و جام گل بنفش  
به طول ۷ تا ۱۳ میلی‌متر و با میوهٔ کروی  
به قطر چهار میلی‌متر

### پنج‌پار pentamerous

[ع. گیاهی] ویژگی چرخه‌ای که پارگان آن  
متشکل از پنج قطعه است

### پنجه‌ای palmate

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی آپ‌دار یا  
منقسم در گیاهان که فرورفتگی‌های آن  
یا به سمت رأس دُمبرگ امتداد داشته باشد  
یا به آن برسد

### پنجه‌گرگیان Lycopodiaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نهانزادان آوندی که  
ناجوره‌هاگ (heterospor) هستند و  
برگ‌های سوزنی ریز دارند

### پنگان cyathium

[ع. گیاهی] گل‌آذینی با گل‌های کوچک و  
تک‌جنسی با گریبانی که با غدد شهدی یا  
گلبرگی (petaloid glands) احاطه شده و  
کل گل‌آذین به یک گل شبیه است

### پنهان‌رو hypnodromous

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی شان‌های  
که در آن یا رگ‌برگ‌های دومین وجود  
ندارند یا این رگ‌برگ‌ها بسیار تحلیل  
رفته‌اند یا در میان‌برگ پنهان هستند و  
فقط رگ‌برگ اصلی اولیه در آن قابل  
تشخیص است

### پشمین lanate, wooly

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده  
از کرک‌های بلند و درهم‌تنیده

### پل پینه‌ای callus bridge

[ع. گیاهی] تودهٔ پینه‌ای که از لایه‌های زایندهٔ  
پایه و پیوندک ایجاد می‌شود

### پنج‌انگشت Vitex

[ع. ک. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل  
گیاهان درختی و درختچه‌ای با برگ‌های  
مقابل و پنجه‌ای دارای ۳ تا ۷ برگچه و  
گل‌ها در گزن‌های متراکم یا تنک و در  
انتهای شاخه‌ها در گل‌آذین خوشه‌ای  
مرکب و با گل‌های بنفش یا آبی یا  
یاسمنی و جام گل تیغی‌شکل و با لولهٔ  
کوتاه و پنج لپ نامنظم

### پنج‌انگشت پاکدامن Vitex agnus-castus,

chaste tree, Abraham's balm,  
monk's pepper

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای پنج‌انگشت به شکل  
گیاهی درختچه‌ای با ساقه‌های منشعب و  
پوشیده از کرک‌های نمدی کوتاه و  
برگ‌های پنج‌برگچه‌ای و دُمبرگ‌های بلند  
و گل‌آذین نسبتاً متراکم و گزن‌های  
فشرده و تقریباً کروی و گل‌های یاسمنی  
کم‌رنگ یا آبی به طول حدود ۸ میلی‌متر و  
میوهٔ کروی سیاه یا سرخ‌فام

### پنج‌انگشت هندی Vitex trifolia

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای پنج‌انگشت به شکل  
درخت یا درختچه به ارتفاع ۶/۵ متر با

برگ دایره‌ای به طول ۲/۵ و به عرض ۳/۵ سانتی‌متر و گل‌های صورتی ۲ تا ۳ برابر طول کاسه و گلبرگ‌های تخم‌مرغی و با دانه‌های قهوه‌ای تیره به شکل کلیه و سفید در محل ناف

### Malvales

### پنیرک‌سانان

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها با نه تیره و حدود ۶۰۰۰ گونه

### Malvaceae

### پنیرکیان

[مشترک] تیره‌ای از پنیرک‌سانان درختی یا درختچه‌ای یا علفی با ۲۴۳ سرده و دست‌کم ۴۲۲۵ گونه با پراکندگی وسیع به‌ویژه در مناطق گرمسیر و معتدل که مهم‌ترین عضو آن از لحاظ اقتصادی پنبه است

### peat

### پوده

[ع. گیاهی] مجموعه‌ای از مواد گیاهی نیمه‌تجزیه‌شده در زیستگاه‌های آب‌گرفته

### saprophyte

### پوده‌رُست

[ع. گیاهی] گیاهی که بر بقایای مواد آلی درحال تجزیه سایر موجودات رشد می‌کند

### saprophytic

### پوده‌رُستی

[ع. گیاهی] مربوط به موجود پوده‌رُست

پوست ← دارپوست

### Malva

### پنیرک

[مشترک] سرده‌ای از پنیرکیان شامل گیاهان یک‌ساله یا چندسالهٔ افراشته یا خیزان با برگ‌های متناوب یا ساده یا پنجه‌ای یا لپ‌دار و جام گل پنج‌بخشی و گلبرگ‌های واژتخم‌مرغی و ناخنک‌دار در قاعده به رنگ‌های قرمز یا زرشکی یا صورتی یا آبی یا سفید و میوهٔ چاک‌بر با برچه‌های ۸ تا ۱۶ تایی ناشکופا و تک‌دانه‌ای با دانه‌های کلیوی و صاف و بدون کرک

### Malva sylvestris, high mallow

### پنیرک پابلند

[ع. دارویی] گونه‌ای پنیرک به شکل گیاهی دوساله و به‌ندرت چندساله به بلندی ۳۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر و با ساقهٔ راست و اغلب منشعب و پوشیده از کرک‌های پراکنده و نسبتاً بلند و کرک‌های کوتاه ستاره‌ای و با دُم‌برگ پهنک دایره‌ای و قلبی در قاعده با ۵ تا ۷ لپ نیم‌دایره‌ای و گل‌های صورتی پرشمار و به‌ندرت منفرد که در محور برگ‌ها ظاهر می‌شوند و دارای گلبرگ‌های ۲ تا ۲/۵ سانتی‌متری

### پنیرک رونده

### Malva neglecta Wallr, running mallow

[ع. دارویی] گونه‌ای پنیرک به شکل گیاه علفی چندساله به بلندی ۸ تا ۴۵ سانتی‌متر و خاکستری-پرزدار با ساقه‌های پرشمار و خوابیده یا خیزان و اغلب چوبی در قاعده و پوشیده از کرک‌های متراکم ستاره‌ای و با دُم‌برگ‌های چندبرابر طول برگ و پهنک

seed coat, testa      پوسته دانه

[ع. گیاهی] پوشش محافظتی در اطراف دانه  
گیاهان

episperm      مت. . رودانه

\* در حوزه زراعت معادل «پوسته بذر» برای  
این اصطلاح به تصویب رسیده است.

aestivation<sup>1</sup>,  
prefloration      پوش آذین

[ع. گیاهی] آرایش پوشش گل در غنچه

basicidal capsule      پوشینه بُن‌شکاف

[ع. گیاهی] پوشینه‌ای که با ایجاد شکاف‌هایی  
در قاعده خود باز می‌شود

circumscissile capsule      پوشینه پیراشکاف

[ع. گیاهی] پوشینه‌ای که در امتداد خط  
عرضی باز می‌شود

pyxys, pyxidium      مت. . پوشینه مجری

septicidal capsule      پوشینه تیغه‌شکاف

[ع. گیاهی] پوشینه‌ای که خطوط طولی  
شکوفایی آن به صورت شعاعی در محل  
دیواره‌ها قرار دارد

septifragal capsule,  
valvular capsule      پوشینه تیغه‌شکند

[ع. گیاهی] پوشینه‌ای که کفه‌های (valves)  
آن از محل دیواره‌ها کنده می‌شوند

bark slip      پوست‌اندازی

[ع. گیاهی] جدا شدن پوست درخت از چوب  
در محل بُن‌لاد فعال

outer bark,  
rhytidome      پوست بیرونی

[ع. گیاهی] بافتی چوب‌پنبه‌ای که از پوست  
درونی جدا شده است

پوستِ پسین ← چوب‌پنبه‌پوست

پوست درخت ← دارپوست

inner bark      پوست درونی

[ع. گیاهی] لایه‌ای فعال از بافت‌های آبکش  
و بُن‌لاد که میان بافت چوبی و بافت  
چوب‌پنبه‌ای قرار دارد

cuticle      پوستک

[ع. گیاهی] لایه‌ای پیوسته از جنس کوتین  
که یاخته‌های روپوست ترشح می‌کنند و  
سطح خارجی اندام‌های هوایی را می‌پوشاند  
و تنها در محل روزنه‌ها و عدسک‌ها  
گسسته است

cuticular      پوستکی

[ع. گیاهی] مربوط به پوستک

cortex      پوسته

[ع. گیاهی] لایه خارجی هر ساختار یا اندامی  
که از بخش‌های درونی متمایز باشد  
مت. . قشر

broad-leaved **پهن برگ**

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که دارای پهنک برگ گسترده است

blade, lamina **پهنک**

[ع. گیاهی] قسمت پهن برگ و گلبرگ

**پیاز** ← سوخ

**پیازک** ← سوخک

**پیازک هوایی** ← سوخیزه

Alliaceae **پیازیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از مارچوبه‌سانان با گل‌آذین چتری و بوی مشخص سیر یا پیاز

cupule **پیاله**

[ع. گیاهی] نوعی گریبان متشکل از برگ‌های به هم چسبیده که میوه را مانند فنجانی دربرمی‌گیرند

*Camphis* **پیچ اناری**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از پیچ‌اناریان درختچه‌ای یا درختی کوچک معمولاً بالارونده با دو گونه که در مناطق گرمسیر و نیمه‌گرمسیر آسیا و امریکای شمالی می‌رویند؛ گل‌های این گیاهان درشت با جام قیفی - استکانی و میوه آنها به صورت پوشینه بلند و شکوفاست؛ برگ‌های این گیاهان متقابل و شانه‌ای فرد با برگچه‌های دنداندار است

**پوشینه حجره شکاف**  
loculicidal capsule

[ع. گیاهی] پوشینه‌ای که خطوط طولی شکوفایی آن به صورت شعاعی در محل حجره‌ها قرار دارد

**پوشینه رأس شکاف**  
acrocidal capsule

[ع. گیاهی] پوشینه‌ای که با ایجاد شکاف‌هایی در رأس خود باز می‌شود

**پوشینه مجری** ← پوشینه پیراشکاف

**پوشینه منفذ شکاف**  
poricidal capsule

[ع. گیاهی] پوشینه‌ای که با ایجاد منافذ شکوفا می‌شود

lepidote **پولک‌دار**

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک پوش پوشیده از فلس یا ساختارهایی فلس‌مانند

Pontederiaceae **پونته‌دریائیان**

[ع. گیاهی] تیره کوچک آبزی اغلب ناجورخامه از برگ‌بیدی‌سانان با نه سرده و ۳۰ گونه که در آب‌های نواحی گرمسیر و نیمه‌گرمسیر می‌رویند؛ گونه مشهور این تیره گیاه مهاجم سنبل آبی (Eichhornia crassipes) است که در آبراه‌ها می‌روید  
مت. . غلافیان

**پونه** ← نعناپونه



نیمه گرمسیر بر قدیم می‌رویند؛ این گیاهان در مجمع‌الجزایر مالایی و ملانیزی و ماداگاسکار فراوان یافت می‌شوند و تعدادی از گونه‌های آنها نیز در هاوایی و زلاندنو و جنوب چین و ژاپن می‌رویند؛ میوه‌های برخی از گونه‌های این تیره نشاسته‌ای و خوراکی است

### پیچ کاجی سانان Pandanales

ع. گیاهی] راسته‌ای از تک‌لپه‌ای‌ها که در نواحی گرمسیر حقیقی پراکنده‌اند؛ بنا بر پژوهش‌های اخیر، شکل رویشی گیاهان این راسته درختی یا درختچه‌ای یا بالارونده یا علفی نخل‌مانند است

### پیچکیان Convulvaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از بادنجان‌سانان علفی یک یا چندساله یا درختچه‌ای، با گل آذین گرزنی ساده یا مرکب انتهایی یا جانبی

### پیدازادان Phanerogams

ع. گیاهی] گروهی از گیاهان که چرخه تولیدمثل آنها به تولید دانه ختم می‌شود  
مت. گیاهان دانه‌دار seed plants  
دانه‌داران spermatophytes

### پیراثر pericarp

ع. گیاهی] بخشی از میوه که از دیواره تخمدان حاصل می‌شود

### پیراپوست periderm

ع. گیاهی] خارجی‌ترین لایه ریشه‌ها و ساقه‌های چوبی که دربرگیرنده بُن‌لاد چوب‌ساز و بافت‌های حاصل از تولید آن باشد

### پیچ‌اناریان Bignoniaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از عنناسانان با کاسه گل پیوسته و جام گل لوله‌ای بلند و پرچم‌های پنج‌تایی و میوه پوشینه‌ای

### پیچک Convulvulus

ع. گیاهی] سرده‌ای از پیچکیان غالباً علفی بالارونده یک یا چندساله و به‌ندرت درختچه‌ای چوبی به ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر تا سه متر با حدود ۲۵۰ گونه که پراکندگی جهانی دارند؛ بسیاری از گونه‌های این سرده علف‌های هرز مزاحم محسوب می‌شوند، اما برخی از آنها برای گل‌های زیبایشان پرورش داده می‌شوند؛ آرایش برگ‌های این گیاهان مارپیچی و گل‌هایشان شیپوری و اغلب سفید یا صورتی و در برخی گونه‌ها آبی یا بنفش یا ارغوانی یا زرد است

### پیچ کاجی Pandanus

ع. گیاهی] سرده‌ای از پیچ‌کاجی‌سانان با حدود ۶۰۰ گونه شناخته‌شده درختچه‌ای کوتاه به ارتفاع کمتر از یک متر یا درختی متوسط تا ارتفاع ۲۰ متر با تاج پوشی گسترده و رشدی متوسط؛ تنه تنومند آنها دارای انشعابات بسیاری است که اثرات متعدد برگ گردگرد آن باقی مانده است

### پیچ کاجیان Pandanaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از پیچ‌کاجی‌سانان درختچه‌ای یا درختی دوپایه با ریشه‌های هوایی با حدود چهار سرده و ۷۰۰ گونه که در نواحی ساحلی یا باتلاقی گرمسیری یا

طولی سامانهٔ چوب و آبکش پسین، مانند عناصر آوندی، نایدیس‌ها و عناصر لولهٔ آبکشی و نیز پیش‌آغازهای اشعه تبدیل می‌شوند

### پیش‌بُن لاد procambium

[ع. گیاهی] یکی از بخش‌های سرلادهای انتهایی که منشأ آوندهای چوب و آبکش نخستین است

### پیش‌بُن لادی procambial

[ع. گیاهی] مربوط به پیش‌بُن لاد

### پیش‌پوست protoderm

[ع. گیاهی] لایهٔ بیرونی سرلاد انتهایی که از آن روپوست ساخته می‌شود

### پیش‌پوستی protodermal

[ع. گیاهی] مربوط به پیش‌پوست

### پیش‌چوب protoxylem

[ع. گیاهی] چوب نخستینی که در مراحل اولیهٔ نمو چوب تشکیل می‌شود

### پیش‌دیسه proplast

[ع. گیاهی] پیکره‌ای کوچک به قطر حدود نیم تا یک میکرون که پس از تکثیر و تمایز به دیسه تبدیل شود

### پیش‌رویاب proembryo

[ع. گیاهی] ساختار رویابی پیش از رویاب حقیقی

### پیراتخم‌دانی perigynous

[ع. گیاهی] ویژگی گلی با گل‌بُنهٔ متصل به قاعدهٔ تخمدان فوقانی به‌نحوی که کاسبرگ‌ها و گلبرگ‌ها و پرچم‌های آن به لبهٔ گل‌بُنه چسبیده‌اند

### پیرادانه perisperm

[ع. گیاهی] بافت ذخیره‌ای در دانهٔ برخی از نهاندانگان که از خورش حاصل می‌شود

### پیرادهانه peristome

[ع. گیاهی] ساختارهای نم‌گیر و دندانمانند در پیرامون دهانهٔ هاگلان خزه‌تباران که در رهاسازی هاگ نقش دارند

### پیش‌آغازه initial, initium

[ع. گیاهی] ۱. یاخته‌هایی که از آن لایه‌های آغازه‌ای حاصل می‌شود ۲. یاخته‌های درحال تقسیم فعال یک سرلاد

### پیش‌آغازهٔ اشعه ray initial

[ع. گیاهی] یاخته‌هایی کمابیش مکعبی در بُن لاد آوندی که به اجزای شعاعی سامانهٔ اشعه، مانند یاخته‌های نرم‌آکنه‌ای اشعه در چوب و آبکش پسین، تبدیل می‌شود

### پیش‌آغازهٔ برگهٔ itium folier

[ع. گیاهی] یاخته‌هایی که آغازهٔ برگ از آنها به وجود می‌آید

### پیش‌آغازهٔ دوکی‌شکل fusiform initial

[ع. گیاهی] یاخته‌هایی کمابیش طویل در بُن لاد آوندی که به اجزای محوری یا

Prokaryotae	<b>پیش‌هسته‌ای‌ها</b>	proembryonic	<b>پیش‌رویانی</b>
[ع. گیاهی] سلسلهٔ جاندارانی که یاخته‌های آنها هستهٔ واقعی و غشای هسته ندارد		[ع. گیاهی] مربوط به پیش‌رویان	
protoplast	<b>پیش‌یاخته</b>	prothallus, prothallium	<b>پیش‌ریسه</b>
[ع. گیاهی] یاختهٔ بدون دیواره		[ع. گیاهی] صفحهٔ مسطح همگنی که بر اثر جوانه‌زنی هاگ حاصل می‌شود	
earlywood	<b>پیشین‌چوب</b>	prothallial	<b>پیش‌ریسه‌ای</b>
[ع. گیاهی] بخشی از حلقهٔ سالانهٔ درخت که کم‌چگال‌تر است و از یاخته‌های بافت چوبی ثانوی با جدار نازک و قطر بزرگ تشکیل شده است		[ع. گیاهی] مربوط به پیش‌ریسه	
spring wood	مت. - چوب بهاره	prothalliform	<b>پیش‌ریسه‌ریخت</b>
		[ع. گیاهی] به شکل پیش‌ریسه	
sagittate	<b>پیکانی</b>	prothalloid	<b>پیش‌ریسه‌سا</b>
[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی سه‌گوش شبیه به سر پیکان با تورفتگی عمیق در قاعده که لپ‌های آن به طرف خارج متمایل نباشد		[ع. گیاهی] مانند پیش‌ریسه	
sagittiform, arrow-shaped	مت. - پیکانی شکل	<b>پیش‌سرلاد</b> ← سرلاد انتهایی	
<b>پیکانی شکل</b> ← پیکانی		prokaryosis	<b>پیش‌هستگی</b>
callus	<b>پینه</b>	[ع. گیاهی] وضعیتی در یاخته‌ها که در آن مواد هسته‌ای به‌وسیلهٔ غشایی مشخص از سایر محتویات یاخته جدا نمی‌شود	
[ع. گیاهی] بافت پارانشیمی (paranchyma) که در نتیجهٔ ترمیم زخم روی گیاه و همچنین یاخته‌های تمایزنیافته در کشت مصنوعی تولید می‌شود		prokaryote, prokaryon	<b>پیش‌هسته‌ای<sup>۱</sup></b>
		[ع. گیاهی] جاندارانی که یاخته‌های آن هستهٔ واقعی و غشای هسته ندارد	
callusing	<b>پینه‌زایی</b>	prokaryotic	<b>پیش‌هسته‌ای<sup>۲</sup></b>
[ع. گیاهی] تولید یاخته‌های پارانشیمی (paranchyma) نامتمايز در کشت بافت		[ع. گیاهی] مربوط به پیش‌هستگی	

[ع. گیاهی] ویژگی گل پوشی با کاسبرگ‌های هم‌جوش

**پیوسته گلبرگ**  
synpetalous,  
gamopetalous

[ع. گیاهی] ویژگی گل پوشی با گلبرگ‌های هم‌جوش

**پیوسته گلپار**  
syntepalous

[ع. گیاهی] ویژگی گل پوشی با گلپارهای هم‌جوش

**پیوندک**  
scion, cion

[ع. گیاهی] جوانه یا بخشی از شاخه با یک یا چند جوانه که بر روی پایه قرار داده می‌شود و بخش هوایی گیاه پیوندی را تشکیل می‌دهد

**پیوسته**  
coherent

[ع. گیاهی] ویژگی الحاقی که در آن قطعات همسان گیاه به‌طور سطحی به یکدیگر متصل‌اند و به‌سادگی از هم جدا می‌شوند

**پیوسته برچه**  
syncarpous

[ع. گیاهی] ویژگی مادگی یا تخمدانی مرکب که برچه‌های آن دست‌کم در قاعده به یکدیگر جوش خورده‌اند

**پیوسته بساک**  
syngenesious

[ع. گیاهی] ویژگی پرچم‌هایی که بساک‌هایشان به هم جوش خورده‌اند اما میله‌هایشان از هم جدا هستند

**پیوسته کاسبرگ**  
synsepalous,  
gamosepalous

# ت ، ث

[ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان با شکل‌های رویشی متفاوت و گل‌پوش یک‌ردیفه و رویان نعل‌اسبی یا حلقوی

تاجریزی ← بادنجان تاجریزی

crown group **تاج‌گروه**

[ع. گیاهی] گروهی شامل تمام گونه‌های زنده یک تبارشاخه و قدیمی‌ترین نبای مشترک و زادگان منقرض‌شده آنها

arachnoid, arachnose **تار عنکبوتی**

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده از کرک‌هایی که با هم تشکیل توده‌ای به شکل تار عنکبوت می‌دهند

تام‌آنزیم ← تام‌زی‌مایه

تام‌انحصاری ← تام‌بووم‌ویژه

aestivation<sup>2</sup> **تابستان خوابی**  
summer dormancy, torpidity

[ع. گیاهی] مجموعه تغییراتی که بر اثر گرما و خشکی در بعضی از موجودات زنده رخ می‌دهد و آنها را به حالت رخوت فرومی‌برد

aestival<sup>1</sup> **تابستانی**

[ع. گیاهی] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در فصل تابستان اتفاق می‌افتد

crown **تاج**

[ع. گیاهی] قسمت بالایی درخت یا گیاه چوبی، شامل شاخه‌های زنده و برگ‌ها

crown base **تاج‌بن**

[ع. گیاهی] نقطه‌ای بر روی تنه درخت که محل شروع تاج است

Amaranthaceae **تاج‌خروسیان**

bullate	<b>تاول‌دار</b>	holoendemic	<b>تام‌بوم‌ویژه</b>
[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با برآمدگی‌هایی آبله‌مانند		[ع. گیاهی] ویژگی گونه‌ای که در کل جمعیت خود در یک ناحیهٔ معین انحصاری/ بوم‌ویژه است مت. تام‌انحصاری	
phylogeny	<b>تبارزایی</b>	holoenzyme	<b>تام‌زی‌مایه</b>
[ع. گیاهی] تاریخ تکاملی یا الگوی تبارۀ گروهی از موجودات زنده		[ع. گیاهی] ترکیب عملکردی و فعال یک پروتئین زی‌مایه‌ای شامل کوفاکتور (cofactor) و کمک‌زی‌مایه مت. تام‌آنزیم	
resolved phylogeny	<b>تبارزایی تفکیکی</b>	holotype	<b>تام‌نمونه</b>
[ع. گیاهی] نوعی تبارزایی که روابط خویشاوندی را با انشعاب‌های دوشاخه نشان می‌دهد		[ع. گیاهی] نمونه یا تصویری که نام علمی برمبنای آن اختیار شده و در زمان انتشار از آن استفاده یا به آن استناد شده است	
phylogenetic	<b>تبارزایی‌شناختی</b>		<b>تام‌واگرانحصاری</b> ← تام‌واگرابوم‌ویژه
[ع. گیاهی] ویژگی نوعی رده‌بندی مبتنی بر تبارشناسی مت. تبارشناسی			<b>تام‌واگرابوم‌ویژه</b>
phylogenetics	<b>تبارزایی‌شناسی</b>	holoschizoendemic	
[ع. گیاهی] مطالعهٔ نظام‌مند روابط حاکم بر موجودات زنده براساس شباهت‌ها و تفاوت‌های تکاملی آنها مت. تبارشناسی		[ع. گیاهی] ویژگی گونهٔ واگرابوم‌ویژهٔ تثبیت‌شده و متنوعی که تقریباً همهٔ ناحیهٔ پراکنش را اشغال می‌کند، اما ناحیهٔ پراکنش آن به‌دلیل شرایط زیستگاهی و جغرافیایی یا هر دو محدود شده است مت. تام‌واگرانحصاری	
clade	<b>تبارشاخه</b>	vesiculate, bladdery, vesicular	<b>تاول‌چه‌دار</b>
[ع. گیاهی] مجموعه‌ای از آرایه‌های زیستی یا گونه‌ها که در خصوصیتی با یکدیگر سهیم‌اند که آنها را از یک نیای مشترک به ارث برده‌اند		[ع. گیاهی] ویژگی سطحی پوشیده از تاول‌ها یا کیسه‌های کوچک	
cladogenetic	<b>تبارشاخه‌زایشی</b>		
[ع. گیاهی] مرتبط با تبارشاخه‌زایی			

descent **تباره**

[ع. گیاهی] توالی جمعیت‌های نیایی- زادگانی در طی زمان

**تبخیر- تعرق** ← برترادمش

**تجمع ماده خشک**  
dry matter accumulation

[ع. گیاهی] مجموع رشد گیاه اعم از رشد قدیم و جدید در طی یک دوره زمانی مشخص

tolerance **تحمل**

[ع. گیاهی] توان یک گیاه یا حیوان در تولید بیشتر در مجاورت یک عامل بیماری یا آفت یا تنش محیطی

*Hydrocharis* **تخت قورباغه**

[ع. گیاهی] سرده‌ای آبی از تخت‌قورباغه‌ایان با گل‌های منظم و برگ‌های قلبی‌شکل شناور بر سطح آب که گل‌های آن دارای سه کاسبرگ و سه گلبرگ و یک تا سه پرچم یا بیشتر و یک مادگی تک‌حجره‌ای تحتانی است

**تخت‌قورباغه‌ایان**  
Hydrocharitaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از قاشق‌واش‌سانان آبی با گل‌های سه تا شش‌قطعه‌ای و مادگی تحتانی و میوه پوشینه

phloem unloading **تخلیه آبکش**

[ع. گیاهی] فرایند خروج مواد آلی، مانند قندها و آمینواسیدها، از آوند آبکش

cladogenesis **تبارشاخه‌زایی**

[ع. گیاهی] تغییری تکاملی که در نتیجه انشعاب آرایه‌های جدید از دودمان‌های نیایی مشترک پدید می‌آید

cladistics **تبارشاخه‌شناسی**

[ع. گیاهی] روشی برای تعیین الگوی تاریخ تکاملی گروهی از موجودات زنده از طریق گروه‌بندی آرایه‌ها براساس صفات پیشرفته مت. سازگان‌شناسی تبارشناختی

phylogenetic systematics

cladogram **تبارشاخه‌نگاره**

[ع. گیاهی] نموداری شاخه‌ای که از نظر مفهومی بهترین برآورد از تبارزایی را نمایش می‌دهد

مت. درخت تبارشناختی

phylogenetic tree

**تبارشناختی** ← تبارزایی‌شناختی

phylocode **تبارشناسه**

[ع. گیاهی] مجموعه قوانین رسمی حاکم بر نامگان تبارشناختی که برای نامگذاری بخش‌های مختلف درخت حیات (tree of life) بر پایه اصول تبارزایی طراحی شده است

**تبارشناسی** ← تبارزایی‌شناسی

phylogram **تبارنگاره**

[ع. گیاهی] درختی تبارشناختی که اندازه طول شاخه‌های آن با تغییر نسبی در طول شاخه متناسب است

oogamete	<b>تخمک کامه</b>	تخم ← زاگ
	[ع. گیاهی] یاخته بزرگ جنسی ماده غیرمتحرک	
oogamy	<b>تخمک کامی</b>	<b>تخمندان</b>
	[ع. گیاهی] لقاح یاخته بزرگ جنسی ماده غیرمتحرک با یاخته جنسی نر متحرک	[ع. گیاهی] بخش برآمده قاعده یک مادگی که حاوی تخمک است * مصوب فرهنگستان اول
	<b>تخمک گیاهی</b> ← گیامامه	<b>تخمندان تحتانی</b>
ovular	<b>تخمکی</b>	inferior ovary [ع. گیاهی] تخمدانی که به زیر نهنج گل متصل است
	[ع. گیاهی] مربوط به تخمک	<b>تخمندان فوقانی</b>
	<b>تخم مرغ وار</b> ← تخم مرغی	superior ovary [ع. گیاهی] تخمدانی که بالاتر از سایر اجزای گل قرار گرفته است
ovate, egg-shaped	<b>تخم مرغی</b>	<b>تخم زوا</b>
	[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی شبیه به برش طولی تخم مرغ در گیاهان که یک سر آن پهن تر از سر دیگر باشد	[ع. گیاهی] یاخته‌ای در کیسه رویانی تخمک که بین دو یاخته هم‌کاره قرار دارد
ovoid	مت. تخم مرغ وار	<b>تخمک</b> ← گیامامه
	<b>تخم مرغی بس کشیده</b>	<b>تخمک پوش</b>
very deeply ovoid	[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل تخم مرغ در گیاهان که نسبت طول به عرض آن دو به یک باشد	integument, tegument [ع. گیاهی] ساختار پوششی در اطراف تخمک گیاهان
	<b>تخم مرغی کامل</b>	<b>تخمکدار</b>
finely ovoid	[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل تخم مرغ در گیاهان که نسبت طول به عرض آن شش به پنج باشد	ovulate [ع. گیاهی] دارای تخمک
	<b>تخمک کام</b>	<b>تخمکداری</b>
	[ع. گیاهی] مربوط به تخمک کامی	oogamous [ع. گیاهی] مربوط به تخمک کامی



**active transport**      **تراژد فعال**

[ع. گیاهی] فرایندی وابسته به انرژی که در آن یون‌ها یا مولکول‌ها در خلاف جهت شیب الکتروشیمیایی از خلال غشای یاخته عبور می‌کنند

**deeply ovoid**      **تخم‌مرغی کشیده**

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل تخم‌مرغ در گیاهان که نسبت طول به عرض آن سه به دو باشد

**transpiration**      **تراژدمش**

[ع. گیاهی] خروج آب به صورت بخار از سطح گیاه  
مت. - تعرق

**transporter, carrier protein**      **تراژبر**

[ع. گیاهی] پروتئین ناقل غشایی که با اتصال به رشدمایه‌های اختصاصی سبب عبور آنها از غشای یاخته می‌شود

**trophic level**      **تراژ تغذیه**

[ع. گیاهی] هریک از سطوح انتقال غذا و انرژی در درون یک زنجیره غذایی یا هرم غذایی

**transport**      **تراژد**

[ع. گیاهی] جابه‌جایی مواد در سامانه‌های زیستی از خلال غشا، به‌ویژه غشای یاخته

**supraspecific level**      **تراژ فراگونه‌ای**

[ع. گیاهی] ترازوی در سلسله‌مراتب رده‌بندی که بالاتر از گونه قرار دارد

**تراژد پیرایاخته‌ای****paracellular transport**

[ع. گیاهی] جابه‌جایی مواد از طریق لایه‌های یاخته‌ای با عبور از فضاها بین یاخته‌ای

**intraspecific level**      **تراژ فروگونه‌ای**

[ع. گیاهی] ترازوی در سلسله‌مراتب رده‌بندی که پایین‌تر از گونه قرار دارد

**تراژد ترا یاخته‌ای****transcellular transport**

[ع. گیاهی] جابه‌جایی مواد از لایه‌های یاخته‌ای با عبور از میان یاخته‌ها

**transudation<sup>1</sup>**      **تراژزش**

[ع. گیاهی] تراوش یا عبور تدریجی مایع از غشای زیستی یا منفذ یا شکاف

**تراژد غیرفعال****passive transport**

[ع. گیاهی] فرایندی غیروابسته به انرژی که در آن یون‌ها و مولکول‌ها در جهت شیب الکتروشیمیایی از خلال غشای یاخته عبور می‌کنند

**transudatory**      **تراژزشی**

[ع. گیاهی] مربوط به تراژزش

<p><b>secretion</b> <b>ترشح</b>  [ع. گیاهی] ۱. فرابندی که در آن برخی یاخته‌ها و غده‌ها موادی با اثر کاراندام‌شناختی خاص تولید می‌کنند و با پخش مستقیم یا از طریق مجرای آنها را به بیرون می‌رانند ۲. ماده‌ای با اثر کاراندام‌شناختی خاص که برخی یاخته‌ها و غده‌ها تولید و خارج می‌کنند</p>	<p><b>transudate, transudation<sup>2</sup></b> <b>ترازوه</b>  [ع. گیاهی] مایعی که از غشا یا منفذ یا شکاف عبور می‌کند و در بافت انباشته می‌شود</p>
<p><b>secretor</b> <b>ترشح‌ساز</b>  [ع. گیاهی] یاخته یا بافت یا اندامی که ماده‌ای ترشح می‌کند</p>	<p><b>transgene</b> <b>تراژن</b>  [ع. گیاهی] هر قطعه از دِنای خارجی که پژوهشگران به داخل ژنگان یک موجود وارد می‌کنند</p> <p><b>تراژنه</b> ← اندامگان تراژنه</p>
<p><b>secrete</b> <b>ترشح کردن</b>  [ع. گیاهی] تولید و خروج موادی با اثر کاراندام‌شناختی خاص از برخی یاخته‌ها و غده‌ها</p>	<p><b>transgenic</b> <b>تراژنی</b>  [ع. گیاهی] ویژگی یاخته کشت‌شده گیاه یا نتایجی از آن که یک ژن تغییریافته را با روش‌های گوناگون تراریختگی (transformation) دریافت کرده باشد</p>
<p><b>secretory</b> <b>ترشچی</b>  [ع. گیاهی] مربوط به ترشح</p>	<p><b>translocation</b> <b>ترانسپاری</b>  [ع. گیاهی] حرکت آب و مواد معدنی و آلی از یک بخش به بخش دیگر گیاه</p>
<p><b>drought crack</b> <b>تَرک خشکی‌زاد</b>  [ع. گیاهی] شکاف (splitting) شعاعی در ساقه درخت بر اثر تنش‌های داخلی ناشی از کمبود آب در زمان خشکسالی</p>	<p><b>crown density, canopy density</b> <b>تراکم تاج</b>  [ع. گیاهی] میزان فشردگی شاخ و برگ تاج درخت یا درختچه</p>
<p><b>growth crack</b> <b>تَرک رشد</b>  [ع. گیاهی] شکاف طولی در پوست درخت بر اثر کشش (expansion) طبیعی بُن‌لاد و بافت چوبی</p>	<p><b>transmission</b> <b>تراگسیل</b>  [ع. گیاهی] عبور یا انتقال عامل بیماری از یک فرد به فرد دیگر</p>

### تسبیحی شکل lomentiform

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی در گیاهان که محور عمودی تقارن آن در نقطه میانی کاملاً فرورفتگی داشته باشد

### تسمه‌ای lorate, loratus, loriformis

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل تسمه نسبتاً بلند با دو حاشیه موازی در گیاهان

### تعادل منقطع punctuated equilibrium

[ع. گیاهی] نظریه‌ای در تکامل مبنی بر اینکه گونه‌های جدید در دوره‌های زمانی کوتاه ناگهان به وجود می‌آیند و به مدت طولانی بدون تغییر ژنی تداوم می‌یابند

### تعرق ← ترادمش

### تعریق ← زهش

### تعریقی ← زهشی

### تعیین جنسیت sex determination

[ع. گیاهی] فرایندی که به جدایی ساختارهای تولیدکننده کامه‌های نر و ماده در افراد متفاوت یک گونه منجر می‌شود

### تقسیم درون‌یاخته cytokinesis

[ع. گیاهی] تغییراتی که در جریان تقسیم یاخته‌ای در درون یاخته رخ می‌دهد

### ترک یخزاد frost crack, frost split

[ع. گیاهی] شکاف (splitting) شعاعی در طول ساقه و شاخه‌های درخت بر اثر تنش‌های داخلی ناشی از درجه حرارت پایین

### ترگیل mangosteen

[ع. گیاهی] میوه گیاهی با نام علمی گارسینی انبه‌ای (*Garcinia mangostana*) از تیره گل‌راعیان و راسته مالپیگی‌سانان که گرد و کمی کوچک‌تر از توپ تنیس و به قطر سه‌ونیم تا هفت‌ونیم سانتی‌متر است و رنگ آن بنفش تیره و گاه بنفش مایل به قرمز است؛ قطر پوسته آن شش تا ده میلی‌متر و در مقطع عرضی قرمز است؛ بخش خوراکی آن نرم و سفید است و ممکن است بدون دانه یا دارای یک تا پنج دانه باشد؛ گیاه این میوه در مالزی و تایلند و اندونزی و جنوب هند می‌روید

### تریاک opium

[ع. دارویی] صورت خشک‌شده شیرابه‌ای حاوی شمار بسیاری آکالوئید، از جمله مرفین و کودئین و پاپاورین، که پس از تیغ زدن سطح خارجی گرزهای نارس گیاه خشک‌شده بیرون می‌آید

### تسبیحی lomentum

[ع. گیاهی] میوه‌ای از نوع نیام یا خورجین که غلاف آن در فاصله میان دانه‌ها باریک شده است

ع. گیاهی] نوعی تکامل که در آن میزان گستردگی تغییر در مقایسه با دوره زمانی وقوع آن اندک است  
 مت. فرگشت تدریجی

**تقسیم هسته** karyokinesis  
 ع. گیاهی] پدیده دو تا شدن هسته در ابتدای تقسیم یاخته‌ای

**تکامل جهت داده**  
 directed evolution,  
 directional evolution

ع. گیاهی] ایجاد ژن‌های جدید به منظور رمزگذاری پروتئین‌هایی با ویژگی‌های جدید

**تقسیم هسته‌ای** karyokinetic  
 ع. گیاهی] مربوط به تقسیم هسته

**تک‌آلی پرورد<sup>۱</sup>** auxotroph  
 ع. گیاهی] اندامگانی که برای رشد در محیط حداقل به یک ماده آلی نیاز دارد

**تکامل خرد** microevolution  
 ع. گیاهی] نوعی تکامل حاصل از تنوع ژنی نسبتاً محدود، اما پی‌درپی که اغلب به تشکیل زیرگونه‌های جدید منجر می‌شود  
 مت. خردفرگشت

**تک‌آلی پرورد<sup>۲</sup>** auxotrophic  
 ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که برای رشد در محیط حداقل به یک ماده آلی نیاز دارد

**تکامل کلان** macroevolution  
 ع. گیاهی] نوعی تکامل در ابعاد وسیع که در مقیاس زمان زمین‌شناختی رخ داده و به تشکیل گروه‌های آرایه‌شناختی جدید منجر شده است  
 مت. کلان‌فرگشت

**تک‌آلی پروردگی** auxotrophy  
 ع. گیاهی] فرایند رشد اندامگان در محیط با استفاده از حداقل یک ماده آلی

**تکامل ناگهانی**  
 quantum evolution

ع. گیاهی] نوعی تکامل حاصل از تغییر بسیار سریع تکاملی در یک دودمان ژن‌شناختی منفرد که به ظاهر بر اثر تغییر ناگهانی و بنیادین در محیط گونه به وجود می‌آید  
 مت. فرگشت ناگهانی

**تکامل** evolution  
 ع. گیاهی] ۱. تغییرات توارث‌پذیر در موجودات زنده که در طول زمان و دست‌کم در چندین نسل صورت می‌گیرد  
 ۲. انتقال مواد ژنی از والد یا والدها به نتاج در طول زمان و تغییرات مرتبط با آن در ماده ژنی  
 مت. فرگشت

**تکامل تدریجی**  
 gradual evolution

ع. گیاهی] ازدیاد گیاهان از راه‌های گوناگون از جمله بذرافشانی و قلمه‌زنی و پیوند و خوابانیدن

### تکثیر کردن propagate

ع. گیاهی] افزودن تعداد گیاهان از طریق روش‌هایی چون بذرافشانی و قلمه‌زنی و پیوند و خوابانیدن

### تکثیرگر propagator

ع. گیاهی] ۱. شخصی که عمل تکثیر گیاهان را انجام می‌دهد ۲. دستگاهی که برای تکثیر مورد استفاده قرار می‌گیرد

### تکثیری propagative

ع. گیاهی] مربوط به تکثیر؛ ویژگی آنچه تکثیر می‌شود

### تک‌جداربختی autapomorphy

ع. گیاهی] نوعی جداریختی که در یک آرایه یا دودمان منفرد ایجاد شود

### تک‌خانگی monotheical

ع. گیاهی] بساکی با یک خانک و معمولاً با دو ریزهاگدان (microspotangium)

### تکراری‌های پیاپی کوتاه

short tandem repeat,  
STR, repetitive simple  
sequence, RSS, simple  
sequence repeat, SSR

### تکامل هماهنگ

#### concerted evolution

ع. گیاهی] نوعی تکامل که در آن در طی یک دوره زمانی، توالی‌های ژن‌های خویشاوند در درون یک گونه بر اثر تغییر ژنی هماهنگ می‌شوند  
مت. فرگشت هماهنگ

### تک‌برچه‌ای unicarpellous

ع. گیاهی] ویژگی مادگی یا تخمدانی ساده با یک برچه

### تک‌پوششی unitegmic

ع. گیاهی] ویژگی تخمکی با یک تخمک‌پوش

### تک‌تبار monophyletic

ع. گیاهی] ویژگی گروهی که از یک نیای مشترک منفرد پدید می‌آید

### تک‌تباری monophyly

ع. گیاهی] وضعیت گروهی شامل یک نیای مشترک به‌علاوه تمام زادگان آن

### تک‌تقارنی zygomorphic,

#### zygomorphous

ع. گیاهی] ویژگی گلی که دارای یک صفحه تقارن است

مت. نامنظم irregular, bilateral

### تکثیر propagation

**تک‌کانی‌پرورد<sup>۱</sup>** prototroph

[ع. گیاهی] اندامگانی کانی‌پرورد که به یکی از ترکیبات معدنی مانند گوگرد و آهن و نیتروژن وابستگی بیشتری دارد

[ع. گیاهی] توالی‌های کوتاه تکراری دو تا ده نوکلئوتیدی که در طول ژنگان پشت سر هم قرار گرفته‌اند

مت. ریزماهوره microsatellite

دِنای ماهواره‌ای ریز

micro satellite DNA

**تک‌کانی‌پرورد<sup>۲</sup>** prototrophic

[ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی کانی‌پرورد که به یکی از ترکیبات معدنی مانند گوگرد و آهن و نیتروژن وابستگی بیشتری دارد

**تک‌روزی** unistomal

[ع. گیاهی] ویژگی تخمکی که سفت آن یک تخمک‌پوش دارد

**تک‌کانی‌پروردگی** prototrophy

[ع. گیاهی] فرایند رشد اندامگان کانی‌پرورد با استفاده بیشتر از یکی از ترکیبات معدنی مانند گوگرد و آهن و نیتروژن

**تک‌سو** Monotropa

[ع. گیاهی] سرده‌ای از تک‌سوئیان علفی چندساله بدون سبزینه که شامل دو گونه است

**تک‌گل** solitary

[ع. گیاهی] گل‌آذینی که فقط از یک گل تشکیل شده است

**تک‌سوئیان** Monotropaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خلنگ‌سانان علفی پوده‌رست بدون سبزینه

**تک‌لاد** haploid

[ع. گیاهی] موجود یا یاخته دارای فقط یک دست فام‌تن

**تک‌شیار** monosulcate

[ع. گیاهی] دانه گرده‌ای که تنها یک روزنه شیاردار داشته باشد

**تک‌لادی** haploidy

[ع. گیاهی] حالت هسته یا یاخته‌ای که تک‌لاد است

**تک‌کام** monogamous

[ع. گیاهی] مربوط به تک‌کامی

**تک‌نگاشت** monograph

[ع. گیاهی] توصیف آرایه‌شناختی مشروح تمام گونه‌ها و آرایه‌های فرگونه‌ای یک گروه آرایه‌شناختی معین

**تک‌کامی** monogamy

[ع. گیاهی] الگویی از آمیزش که در آن افراد نر و ماده در طی فصل زادآوری تنها با یک فرد آمیزش دارند

## تمایز جنسی

## sex differentiation

[ع. گیاهی] فرایند پیدایش تفاوت‌های میان جنس نر و ماده

[ع. گیاهی] موقعیت تخمک‌ها در درون تخمدان

## Tamus تمیس

[ع. گیاهی] سرده‌ای از تمیسیان بالاروندهٔ علفی با برگ‌های قلبی‌شکل و آرایش مارپیچی و میوه‌های سبتهٔ قرمز درخشان

## Tamarindus تمر هندی

[ع. ک. دارویی] سرده‌ای از باقلائیان شامل یک گونه با تنهٔ قطور که ممکن است تا ۷/۵ متر هم برسد؛ دارای پوستهٔ ساقهٔ زبر و خاکستری تیره و با برگ‌های متقابل و مرکب با ۱۰ تا ۲۰ جفت برگچهٔ مستطیلی و گل‌های زرد و قرمز نر و ماده در گل‌آذین خوشه‌ای کوچک و میوه‌هایی به شکل پیله‌های خمیده به طول ۸ تا ۱۵ سانتی‌متر و به عرض ۲ تا ۲/۵ سانتی‌متر که در هنگام رسیدن در درون آن ماده‌ای خمیری و آبدار و اسیدی و دارای فیبر تشکیل می‌شود

## Dioscoreales تمیس‌سانان

[ع. گیاهی] راسته‌ای از تک‌لپه‌ای‌ها که در رده‌بندی آی. پی. جی. سه تیره را شامل می‌شوند

## Dioscoreaceae تمیسیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از تمیس‌سانان درختچه‌ای یا علفی بالارونده که دارای زمین‌ساقه یا غده هستند و برگ‌های آنها غالباً قلبی‌شکل یا پیکانی است

## nastie تنجش

[ع. گیاهی] پاسخ بخشی از گیاه مانند برگ یا کاسبرگ یا گلبرگ به محرک بیرونی، مستقل از جهت تأثیر آن

## تمر هندی دارویی

## Tamarindus indica,

## Tamarindus officinalis

[ع. ک. دارویی] تنها گونهٔ تمر هندی به شکل درختی به ارتفاع ۱۲ تا ۱۸ متر با برگ‌های دائم به رنگ سبز روشن و مرکب و شانه‌ای و با گل‌های زرد و قرمز به عرض ۲/۵ سانتی‌متر و دارای پنج گلبرگ گل‌آذین خوشه‌ای و میوهٔ باقلایی ناشکوفای به طول ۱۲ تا ۱۵ سانتی‌متر و دارای بخش گوشتی خمیری و اسیدی در درون

## nastic تنجشی

[ع. گیاهی] مربوط به تنجش

## germination تندش

[ع. گیاهی] فرایند تندیدن بذر

## germinate تندیدن

[ع. گیاهی] آغاز رشدونمو رویان بذر که به تولید دان‌نهال (seedling) می‌انجامد

## placentation

## تمکن

<i>Alnus</i>	<b>توسکا</b>	offshoot	<b>تنه جوش</b>
ع. گیاهی] سردهٔ درختی یا درختچه‌ای زینتی خزان‌دار از توسکائیان با حدود ۳۰ گونه که در مناطق سرد و مرطوب نیمکرهٔ شمالی و غرب امریکای جنوبی پراکنده هستند؛ گل‌های بدون گلبرگ این سرده تک‌جنسی و یک‌پایه و برگ‌های آنها متناوب است		ع. گیاهی] شاخه‌ای جانبی بر روی درختان تک‌پله که معمولاً در محل تاج و گاهی بر روی تنهٔ درخت پدیدار می‌شود	
<i>Betulaceae</i>	<b>توسکائیان</b>	succession	<b>توالی</b>
ع. گیاهی] تیره‌ای از راش‌سانان، به شکل درخت و درختچه، با برگ‌های متناوب و کامل و خزان‌کننده و گل‌آذین‌های سنبلهٔ تک‌جنسی		ع. گیاهی] جانشینی پیاپی یک بوم‌سازگان با بوم‌سازگان دیگر که متعاقب تغییرات زمین‌شناختی و بوم‌شناختی و فصلی روی می‌دهد و تا رسیدن به پایداری نسبی، که به اوج موسوم است، ادامه پیدا می‌کند	
reproduction	<b>تولیدمثل</b>	<i>Morus</i>	<b>توت</b>
ع. گیاهی] سازوکاری که با آن جاندار می‌تواند جاننداری مشابه خود به وجود آورد مت. زادآوری		ع. گیاهی] سرده‌ای از توتیان درختی خزان‌دار با ده تا شانزده گونه و میوه‌های مجتمع که در نواحی معتدل گرم و نیمه‌گرمسیر آسیا و افریقا و اروپا و امریکا پراکنده هستند	
sexual reproduction	<b>تولیدمثل جنسی</b>	enation	<b>توته</b>
ع. گیاهی] تولیدمثلی مبتنی بر لقاح یاخته‌های جنسی نر و ماده که در آن هر نسل با نسل قبل و بعد از خود تفاوت ژن‌شناختی دارد		ع. گیاهی] تورم یا برآمدگی تیغه‌ای یا نقطه‌ای یا سوزنی که در پشت برگ یا روی ساقه بر اثر تکثیر بیش‌ازاندازهٔ یاخته‌ها به وجود می‌آید	
reproduce	<b>تولیدمثل کردن</b>	Moraceae	<b>توتیان</b>
ع. گیاهی] به وجود آمدن جاندار فرزند از جاندار والد به طریقهٔ جنسی یا غیرجنسی مت. زادآوری کردن، زاد آوردن		ع. گیاهی] تیره‌ای از گل‌سرخ‌سانان درختچه‌ای یا درختی با گل‌آذین سنبلهٔ فشرده و گل‌های بدون گلبرگ و میوه‌های مجتمع که اغلب در مناطق گرمسیر می‌رویند و در رده‌بندی کروئکوئیست ۱۹۸۸ در راستهٔ گزنه‌سانان (Urticales) قرار دارند	
reproductive	<b>تولیدمثلی</b>		
ع. گیاهی] مربوط به تولیدمثل مت. زادآوری			



### ثبات انواع ← نظریه ثبات انواع

#### ثعلب *Orchis*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از ثعلبیان که اغلب در اروپا و شمال غربی آفریقا تا تبت و مغولستان و چین و ژاپن پراکنده هستند

#### ثعلبیان *Orchidaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای بزرگ و جهانی از مارچوبه‌سانان با حدود ۸۵۰ سرده و ۱۷۰۰۰ گونه که بزرگ‌ترین تیره گیاهان گل‌دار محسوب می‌شود و شامل گونه‌های چندساله زمینی و رورست یا بالارونده است که دارای غده‌های گوشتی یا پایه با گل‌های نامنظم و ساختار خاص و دانه‌های ریز هستند

#### ثعله باقلا *Nelumbo*

[ع. گیاهی] تنها سرده ثعله باقلائیان آبزی با دو گونه که گل‌های درشت و زیبایی شبیه به گل‌های نیلوفر آبی دارند

#### ثعله باقلائیان *Nelumbonaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از چنارسانان آبزی با یک سرده و دو گونه که به‌طور گسترده، در جنوب شرقی آسیا و جنوب شرقی امریکا به‌صورت علفی چندساله می‌رویند؛ دانه‌های آنها در نهنج گوشتی منفرد قرار دارد و گل‌های کامل و بزرگ و زیبایشان با تقارن شعاعی در بالای سطح آب قرار می‌گیرد؛ گل‌آذین آنها تک‌گل و برگ‌هایشان ساده و سپری‌شکل است

#### تیره *family*

[ع. گیاهی] ششمین رتبه رسمی در آرایه‌شناسی موجودات زنده، بالاتر از سرده و پایین‌تر از راسته

#### تیزک *Najas*

[ع. گیاهی] سرده‌ای آبزی از تیزکیان با حدود ۵۰ گونه که در سرتاسر جهان پراکنده هستند

#### تیزکیان *Najadaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از قاشق‌واش‌سانان آبزی با یک سرده و حدود ۵۰ گونه که برگ‌های آنها باریک و گل‌هایشان کوچک است

#### تیغ *prickle*

[ع. گیاهی] زائده‌ای نوک‌تیز در سطح برخی اندام‌ها که خار یا خارشاخه نیست

#### تیغ‌دار *aculeate, prickly*

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی که دارای تیغ باشد

#### تیغ‌دار *aculeolate*

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی پوشیده از تیغ‌های کوچک یا نقاط تیز

#### تیغ‌های *laminar*

[ع. گیاهی] ویژگی تمکنی که در آن تخمک‌ها از سطح دیواره‌ها برخاسته‌اند

# ج

زیرگونه‌های جدید جانشین گروه اصلی می‌شوند

**جام**  
[ع. گیاهی] مجموعه گلبرگ‌های یک گل  
\* مصوب فرهنگستان اول

**جایگاه**  
position<sup>1</sup>  
[ع. گیاهی] موقعیت یک آرایه نسبت به آرایه‌ای دیگر در رتبه بالاتر

**جانبی<sup>1</sup>**  
axillary<sup>1</sup>  
[ع. گیاهی] ویژگی بخشی از گیاه که بر روی گره‌های یک محور یا در کنار یک ساختار آن قرار دارد

**جایگزینی ژن**  
gene replacement  
[ع. گیاهی] روشی درون‌زیوه‌ای که در آن یک ژن متفاوت جای یک ژن خاص را در فام‌تن می‌گیرد

**جانبی<sup>2</sup>**  
axillary<sup>2</sup>, lateral  
[ع. گیاهی] ویژگی گل‌آذینی که در برگ‌زاویه (axil) نزدیک‌ترین برگ رویشی (vegetative) قرار دارد

**جدا**  
distinct  
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که قطعات همسان آن از هم فاصله دارند

**جانشینی**  
vicariance  
[ع. گیاهی] جدایی یا تقسیم گروهی از موجودات زنده به واسطه وجود مانع جغرافیایی نظیر کوه یا پیکره آب که بر اثر آن رقم‌ها یا گونه‌های جدید یا

**جدانحصاری** ← جدابوم‌ویژه

**جداری - محوری** parietal-axile

[ع. گیاهی] ویژگی تمکنی که در آن جفت‌ها در محل اتصال دیواره و فراتر یک تخمدان دو یا چندحجره‌ای قرار دارند

**جداکاسبرگ** aposepalous, polysepalous

[ع. گیاهی] ویژگی گل‌پوشی با کاسبرگ‌های جدا از هم

**جداگلبرگ** apopetalous, polypetalous

[ع. گیاهی] ویژگی گل‌پوشی با گلبرگ‌های جدا از هم

**جداگلپار** apotepalous

[ع. گیاهی] ویژگی گل‌پوشی با گلپارهای جدا از هم

**جست** coppice shoot

[ع. گیاهی] آنچه پس از قطع درخت از رویش جوانه‌های موجود در کُنده به وجود آید

**جست تابستانه** Lammas shoot, Lammas growth, late-season shoot, proleptic shoot

[ع. گیاهی] رشد نابهتجار جوانه خفته در آخر فصل بر اثر رطوبت بیش‌ازحد

مت. جست ثانویه secondary shoot

**جست ثانویه**

← جست تابستانه

**جدابرچه** apocarpous

[ع. گیاهی] ویژگی مادگی یا تخمدانی ساده با برچه‌های جدا

**جدابوم‌ویژه** apoendemic

[ع. گیاهی] ویژگی آرایهٔ چندلاد جدیدی که از نظر جغرافیایی محدود است و از یک دولا با پراکندگی وسیع مشتق شده است  
مت. جدانحصاری

**جداپرچم** apostemonous

[ع. گیاهی] ویژگی گلی که پرچم‌های آن از هم جدا هستند

**جداری** parietal

[ع. گیاهی] ویژگی تمکنی که در آن جفت‌ها بر روی دیوارهٔ داخلی یا قسمت‌های تورفتهٔ یک تخمدان مرکب تک‌حجره‌ای قرار دارند

**جداریخت** apomorphic

[ع. گیاهی] ویژگی خصوصیت یا وضعیت جدید

**جداریختی** apomorphy

[ع. گیاهی] حالت یا خصوصیت یا وضعیتی اشتقاقی که نشان‌دهندهٔ وضعیت تکاملی جدیدی است

**جداری دیواره‌دار** parietal-septate

[ع. گیاهی] ویژگی تمکنی که در آن جفت‌ها در داخل دیواره‌های تخمدان اما در درون حجره‌های مجزا قرار دارند

**جگن** *Cyperus*

[ع. گیاهی] سرده‌ای پُرگونه از جگنیان، غالباً با ساقه سه‌گوش که گرده‌افشانی در آنها به‌وسیله باد انجام می‌شود

**جگن‌سانان** *Cyperales*

[ع. گیاهی] راسته‌ای از تک‌په‌ای‌ها با گل‌های کوچک و تخمدان دو یا سه‌برچه‌ای و تک‌حجره‌ای و تک‌تخمکی که یا خودبارورند یا گرده‌افشانی در آنها به‌وسیله باد انجام می‌شود

**جگنیان** *Cyperaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از گندم‌سانان علفی با برگ‌های متناوب که گل‌های آنها دارای گل‌پوش فلسی یا تارمانند و میوه‌هایشان غالباً شبیه به فندقه است

**جلبکان** *Algae*

[ع. گیاهی] سلسله‌ای از هوهسته‌ای‌های آبی که در دیواره یاخته‌های آنها غالباً سلولوز وجود دارد و توان انجام فتوسنتز (photosynthesis) دارند  
مت. جلبک‌ها

**جلبک سبز** *Chlorophyte, green alga*

[ع. گیاهی] گروهی از آغازیان آبی که سبزینه و کاروتن (caroten) دارند

جلبک‌ها ← جلبکان

**جست‌زایی** *coppicing*

[ع. گیاهی] به وجود آمدن جست و ساقه‌های تازه از کنده یا ریشه

**جسنریان** *Gesneriaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان با حدود ۱۴۰ سرده و ۲۰۰۰ گونه که گل‌های آنها دوجنسی با تقارن دوطرفه است که با جامی دولبه مشخص می‌شود؛ جام آنها دارای پنج گلبرگ پیوسته و کاسه پنج‌قسمتی و دو تا پنج پرچم است؛ بساک پرچم‌ها یا دوبه‌دو یا همگی به یکدیگر اتصال ضعیفی دارند؛ تخمدان گیاهان این سرده فوقانی یا نیمه‌تحتانی و تک‌حجره‌ای با تمکن جداری (parietal placentation) است  
مت. بنفشه‌افریقانیان

**جفت** *placenta*

[ع. گیاهی] بافت حامل تخمک در تخمدان

**جگرواشان** ← جگرواش‌تباران**جگرواش‌تباران** *Hepatophyta, Hepaticophyta*

[ع. گیاهی] شاخه‌ای از گیاهان غیرآوندی شامل تقریباً ۶۰۰۰ گونه که اغلب کوچک‌اند و در محیط‌های مرطوب زندگی می‌کنند

مت. جگرواشان *liverworts, hepatics*

[ع. گیاهی] هسته داخلی بافت چوبی اطراف مغزه (pith) که در آن یاخته‌ها از نظر ابعاد یا ساختار به حد نهایی تکامل خود نرسیده‌اند

### جوان ریزی bud abscission

[ع. گیاهی] ریزش جوانه‌های گل بر اثر عوامل نامساعد محیطی و کاراندام‌شناختی و آفات و بیماری‌ها

### جوانه انتهایی apical bud, terminal bud

[ع. گیاهی] جوانه رویشی یا زایشی در انتهایی شاخه

### جوانه پوشی ← فلس جوانه

### جوانه جانبی lateral bud

[ع. گیاهی] جوانه‌ای که در زاویه بین شاخه و برگ تشکیل می‌شود

### جوانه فرعی accessory bud

[ع. گیاهی] جوانه‌ای که در کنار جوانه اصلی می‌روید

### جوانه گل آذین

#### inflorescence bud

[ع. گیاهی] جوانه‌ای که منشأ تشکیل گل آذین است  
\* مصوب فرهنگستان اول

### جلینه mycelium

[ع. گیاهی] شبکه‌ای از یاخته‌های رشته‌ای یا نخینه‌ها که ساختار رویشی بسیاری از قارچ‌ها را تشکیل می‌دهد

### جلینه‌ای mycelial

[ع. گیاهی] مربوط به جلینه

### جلینه‌سا myceloid

[ع. گیاهی] شبیه به جلینه

### جمعیت ← جمعیت گیاهی

### جمعیت گیاهی plant population

[ع. گیاهی] گروهی از افراد یک گونه گیاهی که در مکان و شرایط معین زندگی می‌کنند و با سایر گروه‌های آن گونه تفاوت دارند

### مت. جمعیت population

### جنباتن kinetosome, basal granule, basal body

[ع. گیاهی] اندامکی یاخته‌ای که سبب تشکیل مژه و تاژک می‌شود

### جنس sex

[ع. گیاهی] مجموعه ویژگی‌ها و ساختارها و صفات و اعمالی که براساس آنها جنسیت یک گیاه یا جانور مشخص می‌شود

### جوان چوب juvenile wood, core wood, immature wood, juvenile core, pith wood

isogamete	<b>جور کامه</b>	adventitious bud	<b>جوانه نابجا</b>
[ع. گیاهی] کامه‌ای که از نظر ریخت‌شناسی مشابه یاخته‌های جنسی نر و ماده است و نمی‌توان آن را تنها از طریق شکل تشخیص داد		[ع. گیاهی] جوانه‌ای که در جای خود تشکیل نشده باشد	
isogametic	<b>جور کامه‌ای</b>	isomeric	<b>جور پار</b>
[ع. گیاهی] مربوط به جور کامه		[ع. گیاهی] ویژگی چرخه‌های متفاوتی که پارگان همسان دارند	
isogamy	<b>جور کامی</b>	جور تخم <sup>۱</sup>	← جورزاگ <sup>۱</sup>
[ع. گیاهی] تولیدمثل جنسی از طریق ترکیب کامه‌هایی که از نظر شکل و اندازه همانندند		جور تخم <sup>۲</sup>	← جورزاگ <sup>۲</sup>
homoplasmy	<b>جور گرای</b>	جور تخمی	← جورزاگی
[ع. گیاهی] تشابهی که منشأ آن هم‌ساختی یا نیای مشترک نیست، بلکه حاصل از تغییر مستقل تکاملی است		جورزاگ <sup>۱</sup>	[ع. گیاهی] موجودی دارای یک جفت دگره مشابه برای تولید کامه‌های مشابه مت. جور تخم <sup>۱</sup>
isotype	<b>جور مونه</b>	جورزاگ <sup>۲</sup>	[ع. گیاهی] مربوط به موجود جور تخم مت. جور تخم <sup>۲</sup>
[ع. گیاهی] نمونه دوم تام‌مونه که هم‌زمان، از همان جمعیت، جمع‌آوری شده است		جورزاگی	homozygosis, homozygosity
decoction	<b>جوشانده</b>	[ع. گیاهی] برخورداری از دگره‌های مشابه در یک یا چند جایگاه از قطعات فام‌تنی هم‌ساخت مت. جور تخمی	
[ع. دارویی] محلولی دارویی که از جوشاندن گیاهان دارویی در آب و صاف کردن محلول به دست می‌آید		جور کام	isogamous
dredge	<b>جولاف</b>	[ع. گیاهی] مربوط به جور کامی	
[ع. گیاهی] بذرهای جو و یولاف که با یکدیگر مخلوط و کشت شوند			

[ع. گیاهی] نوعی جهش که در جوانه اتفاق می‌افتد و به تولید شاخه و گل و میوه متفاوت با گیاه مادر منجر می‌شود

### جهش چارچوب‌گردان

frame shift mutation,  
phase shift mutation,  
reading frame shift  
mutation

[ع. گیاهی] جهشی که چارچوب خواندن ژن را تغییر دهد

### جهش‌زایی جهت‌دار

site-directed mutagenesis,  
site-specific mutagenesis,  
directed mutagenesis,  
targeted mutagenesis,  
localized mutagenesis,  
oligonucleotia directed  
mutagenesis

[ع. گیاهی] هرگونه جهش‌زایی مهندسی‌شده برای تغییر مولکول‌های دناى هدف

### جهش‌زایی درشیشه

*in vitro* mutagenesis

[ع. گیاهی] تغییر توالی بازهای دنا در لوله آزمایش

### جهش کارکردزا

gain of function mutation,  
gain of function

[ع. گیاهی] جهشی که به بیش‌بیانی (overexpression) یا بیان نابجا و نابهنگام ژن منجر می‌شود

orientation **جهت**

[ع. گیاهی] موقعیت زاویه‌ای بخشی از گیاه نسبت به محور مرکزی که معمولاً عمودی است

### جهش آریخت

amorphic mutation

[ع. گیاهی] جهشی که به تولید دگره آریخت منجر می‌شود  
مت. آریخت<sup>1</sup> amorph<sup>1</sup>

### جهش بارز منفی

← جهش پادریخت

### جهش بیش‌ریخت

hypermorphic mutation

[ع. گیاهی] جهشی که به تولید دگره‌ای با کارکردی بیش از حالت طبیعی منجر می‌شود  
مت. بیش‌ریخت hypermorph

### جهش پادریخت

antimorphic mutation

[ع. گیاهی] جهشی که به تولید دگره یا ژنی با عملکردی متضاد با ژن وحشی منجر می‌شود

antimorph مت. پادریخت

### جهش بارز منفی

dominant negative mutation

bud sport, **جهش جوانه‌ای**  
bud mutation, sport

کارکردی کمتر از حالت طبیعی منجر  
می‌شود  
مت. . کم‌ریخت  
hypomorph

**جهش نورریخت**  
neomorphic mutation

[ع. گیاهی] جهشی که به تولید دگره‌ای با  
فعالیت نو منجر می‌شود  
مت. . نورریخت  
neomorph

**جهش کارکردزدا**

loss of function mutation,  
loss of function

[ع. گیاهی] جهشی که به فقدان یا کاهش  
کارکرد طبیعی فرآورده ژنی منجر می‌شود

**جهش کم‌ریخت**

hypomorphic mutation

[ع. گیاهی] جهشی که به تولید دگره‌ای با



## چ

[ع. گیاهی] سرده‌ای درختچه‌ای یا درختی همیشه‌سبز از چاییان با حدود ۱۲۰ گونهٔ پراکنده در شرق آسیا؛ برگ‌های آنها براق و تخم‌مرغی است و گل‌هایشان در حالت خودرو پنج تا هفت گلبرگ دارد که تعداد زیادی پرچم زرد را دربرگرفته‌اند و کاسبرگ‌هایشان هم‌زمان با شکوفایی گلبرگ‌ها می‌ریزد

**چای کوهی** ← سنبله‌ای چای کوهی

### Theaceae

### چاییان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خلنگ‌سانان درختچه‌ای یا درختی با هجده سرده و حدود ۵۰۰ گونه که در مناطق گرمسیر و نیمه‌گرمسیر می‌رویند؛ برگ‌های همیشه‌سبز آنها ساده و معمولاً براق با آرایش متناوب یا مارپیچی و در حاشیه دندان‌دار است؛ گل‌هایشان معمولاً بزرگ و صورتی یا سفید و زیبا و اغلب دارای بویی نافذ است و کاسهٔ گل آنها پنج کاسبرگ یا بیشتر دارد و جام گل آنها نیز پنج‌پر است

### schizocarp

### چاک‌بر

[ع. گیاهی] نوعی میوهٔ خشک، حاصل از دو یا چند برچهٔ یک‌دانه‌ای که پس از رسیدن به واحدهای یک‌دانه‌ای تقسیم می‌شود

### palmatisect

### چاک‌پنجه‌ای

[ع. گیاهی] ویژگی برگی با حاشیهٔ لپ‌دار و بریدگی‌های عمیق پنجه‌ای که تقریباً تا نزدیک دُم‌برگ امتداد داشته باشد، اما به آن نرسد

### pinnatisect

### چاک‌شانه‌ای

[ع. گیاهی] ویژگی برگی دارای حاشیه‌ای با بریدگی‌های عمیق که به سمت رگبرگ میانی امتداد داشته باشند، اما بخش‌های آن کاملاً از هم جدا نشود

### tritiale

### چاودُم

[ع. گیاهی] گیاهی دورگه که از تلاقی گندم و چاودار حاصل شود

### Camellia

### چای

**چسب‌آکنه** collenchyma  
 [ع. گیاهی] بافتی گیاهی که در آن با ضخیم شدن دیواره سلولوزی یاخته‌ها، استحکام بافت افزایش می‌یابد

**چسبندگی** cohesion  
 [ع. گیاهی] متصل بودن قطعات همسان گیاه از بدو رویش

**چسبنده** cohesive  
 [ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که قطعات همسان آن به هم چسبیده‌اند

**چشالو** longan  
 [ع. گیاهی] میوه گیاهی با نام علمی چشالوی حقیقی (Dimocarpus longan) از تیره ناترکیان و راسته افراسانان که شفت و دارای آرایشی خوشه‌ای است؛ هسته سیاه آن را گوشته‌ای شفاف احاطه کرده که به آن نمایی چشم‌مانند داده است؛ شکل این میوه کروی و رنگ آن قهوه‌ای مایل به زرد یا قرمز و بومی هند و سریلانکاست

**چشمک‌دار** ocellate  
 [ع. گیاهی] ویژگی سطحی که در آن، مانند چشم، یک لکه رنگی در داخل لکه‌ای به رنگ دیگر قرار دارد

**چلیباییان** ← کلمیان

**چلیبایی شدن** crossing over  
 [ع. گیاهی] مبادله دوطرفه ماده وراثتی بین دو فام‌تن هم‌ساخت که در جریان ضربدری شدن فام‌تن‌ها اتفاق می‌افتد

**چپاره‌ای** runcinate  
 [ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی با دندان‌های ازه‌ای یا بریده‌شانه‌ای نامرتب و لپ‌های خمیده‌به‌عقب در گیاهان

**چتر** umbel  
 [ع. گیاهی] گل‌آذینی محدود یا نامحدود، سرتخت (flat-topped) یا کوژ با دُمگل‌هایی که به یک نقطه متصل‌اند

**چتریان** ← کرفسیان

**چرخ‌زنی** cyclosis  
 [ع. گیاهی] حرکت چرخشی جریان‌های میان‌یاخته‌ای

**چرخه** whorl  
 [ع. گیاهی] گروهی از اجزای گل از قبیل کاسبرگ‌ها، گلبرگ‌ها، پرچم‌ها و برچه‌ها که آرایش حلقوی دارند

**چرخه‌ای** ← فراهم

**چرخه جمعیت** population cycle  
 [ع. گیاهی] نوسانات مکرر فراوانی افراد در یک جمعیت بین دوره‌های کمینه و بیشینه تراکم

**چرخه غذایی** ← شبکه غذایی

**چرخه یاخته‌ای** cell cycle  
 [ع. گیاهی] رویدادهای پایایی در زندگی یاخته در بین دو تقسیم یاخته هوهسته‌ای

**چندتقارنی**  
actinomorphic  
[ع. گیاهی] ویژگی گل‌هایی که تقارن شعاعی آنها دارای سه صفحه متقارن یا بیشتر است  
مت. منظم  
شعاعی  
regular  
radial

**چندخوشه**  
panicle  
[ع. گیاهی] گل‌آذینی نامحدود شامل چندین محور منشعب جانبی با گل‌های دُم‌گل‌دار (pedicellate)

**چندخوشه‌ای**  
paniculate, paniced  
[ع. گیاهی] ویژگی گل‌آذینی به شکل چندخوشه

**چنددسته‌ای**  
polyadelphous, polyadelphian  
[ع. گیاهی] ویژگی پرچم‌هایی که میله‌هایشان در گروه‌های سه‌تایی یا بیشتر به هم متصل شده‌اند

**چندکام**  
polygamous  
[ع. گیاهی] ۱. مربوط به چندکامی یا نشان ویژه آن ۲. ویژگی افراد نر و ماده‌ای که به‌صورت چندکامی آمیزش می‌کنند

**چندکامی**  
polygamy  
[ع. گیاهی] نوعی آمیزش که در آن گل‌های دوجنسی و تک‌جنسی موجود بر روی یک گیاه یا گیاهان مختلف از همان گونه وجود دارند

**چنار**  
Platanus  
[ع. گیاهی] تنه‌ها سرده درختی خزان‌دار از چناریان که بومی نیمکره شمالی است و ارتفاع آن به‌طور طبیعی در کنار رودخانه‌ها و تالاب‌ها از ۳۰ تا ۵۰ متر است

**چنارسانان**  
Proteales  
[ع. گیاهی] راسته‌ای از دوله‌ای‌ها با گل‌های پیراتخم‌دانی و کاسه گلبرگ‌نمای (corolla-like) چهارقطعه‌ای که یا گلبرگ واقعی ندارند یا تعداد گلبرگ‌هایشان کاهش یافته است؛ این راسته سه تیره دارد که یکی از آنها ثلعه باقلائیان است که از لحاظ ریخت‌شناسی با بقیه فرق دارد

**چناریان**  
Platanaceae  
[ع. گیاهی] تیره‌ای از چنارسانان با یک سرده و شش تا ده گونه درختی بلند که بومی مناطق معتدل و نیمه‌گرمسیر نیمکره شمالی هستند

**چندبارثمر**  
polycarpic  
[ع. گیاهی] ویژگی گیاه چندساله‌ای که چندین فصل گل و میوه می‌دهد

**چندتبار**  
polyphyletic  
[ع. گیاهی] ویژگی گروهی که از چند پایه نیایی مشترک مشتق شده است

**چندتباری**  
polyphyly  
[ع. گیاهی] وضعیت گروهی شامل دو یا چند گروه پراتبار یا تک‌نیای مستقل که هر یک نیای مشترک و مجزای خود را دارند

ع. گیاهی] پدیده‌ای که تظاهرات چندگانهٔ  
رخ‌نمودی ژن را نشان می‌دهد

fang

چنگالگی

ع. گیاهی] چندشاخه شدن ریشهٔ گیاهان  
غده‌ای

چوب ← بافت چوبی

چوب‌آوند ← آوند چوبی

چوب بهاره ← پیشین‌چوب

چوب پاییزه ← پسین‌چوب

چوب پسین ← بافت چوبی پسین

suberin, cork چوب‌پنبه

ع. گیاهی] پلی‌استر اسید چرب که در دیوارهٔ  
یاختهٔ درون‌پوست و تنهٔ درخت وجود دارد

suberous, suberic, چوب‌پنبه‌ای  
suberose

ع. گیاهی] از جنس چوب‌پنبه یا مشابه آن

suberization<sup>1</sup>, suberification  
چوب‌پنبه‌ای‌شدگی

ع. گیاهی] فرایند تشکیل بافت چوب‌پنبه‌ای  
در نتیجهٔ تبدیل دیواره‌های یاخته به چوب  
مت. چوب‌پنبه‌ای شدن

چوب‌پنبه‌ای شدن

← چوب‌پنبه‌ای‌شدگی

Rhizophora

چندل

ع. گیاهی] سرده‌ای از چندلیان درختی که در  
مناطق میان‌کشندی نواحی گرمسیر  
می‌رویند؛ ریشه‌های چوب‌پایی (-stilt  
roots) آنها گیاه را بر روی آب نگه می‌دارد  
تا بتواند تنفس کند، درحالی‌که ریشه‌های  
پایینی در آب غوطه‌ورند و با سازوکاری  
مولکولی نمک‌های اضافی یاخته‌هایشان را  
دفع می‌کنند؛ گل‌هایشان که در بهار  
می‌شکفد، زرد کم‌رنگ است

polyploid

چندلاد

ع. گیاهی] موجود یا یاختهٔ دارای چند دست  
فام‌تن هم‌ساخت

polyploidy

چندلادی

ع. گیاهی] حالت هسته یا یاخته‌ای که  
چندلاد است

Rhizophoraceae

چندلیان

ع. گیاهی] تیره‌ای از مالپیگی‌سانان چوبی با  
حدود پانزده سرده و ۱۲۰ گونه که بیشتر  
در مناطق گرمسیر و نیمه‌گرمسیر می‌رویند؛  
آرایش برگ‌های آنها فراهم یا متقابل و  
گل‌هایشان دارای پنج گلبرگ و صفحه‌ای  
حاوی شهد است و گرده‌افشانی در آنها با  
باد انجام می‌شود

چندمیان ← فام‌تن چندمیان

pleiotropy,

چندنمودی

pleiotropism, polypheny

وجود می‌آید ۲. چهار یاخته تک‌لاد که در پایان مرحله کاستمان پدید می‌آید ۳. چهار باکتری کروی که حاصل دومین تقسیم متوالی عمودبرهم هستند و با آرایش مربعی در کنار هم قرار می‌گیرند

double cross, چهاررگه  
four-way hybrid

[ع. گیاهی] حاصل تلاقی دو دورگه ساده

Sapota چیکو

[ع. گیاهی] سرده‌ای از چیکوئیان همیشه‌سبز با عمر طولانی و بومی نواحی گرمسیر قاره آمریکا که ارتفاع آن به ۳۰ تا ۴۰ متر می‌رسد؛ پوسته تنه آن مملو از شیرابه سفید و چسبنده است و برگ‌های زینتی آن بیضوی و متناوب با حاشیه کامل به رنگ سبز کم‌رنگ براق است و گل‌های آن سفید و زنگوله‌ای با جام شش‌لپی است

Sapotaceae چیکوئیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خلنگ‌سانان درختی یا درختچه‌ای با حدود ۵۵ سرده و ۸۰۰ گونه که در تمام مناطق گرمسیر می‌رویند و برگ‌های آنها همیشه‌سبز چرمی و با آرایش متناوب یا مارپیچی و حاشیه کامل است و گل‌های آنها یا منفرد است یا در گل‌آذین مجتمع قرار گرفته است

corrugate چین‌دار<sup>۱</sup>

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی پوشیده از برآمدگی‌های موازی و عموماً قوسی یا موج‌دار که با خطوط فرورفته و عمیق از یکدیگر جدا می‌شوند و ظاهری چروکیده دارند

phelloderm چوب‌پنبه‌پوست

[ع. گیاهی] نوعی بافت نرم‌آکنه‌ای با منشأ پسین که از بُن‌لاد چوب‌پنبه حاصل می‌شود  
متن. پوستِ پسین secondary cortex

چوب‌پنبه‌زا ← بن‌لاد چوب‌پنبه

suberization<sup>2</sup> چوب‌پنبه‌شدگی

[ع. گیاهی] نتیجه فرایند چوب‌پنبه‌ای شدن و تشکیل چوب‌پنبه  
متن. چوب‌پنبه شدن

چوب‌پنبه شدن ← چوب‌پنبه‌شدگی

چوب تابستانه ← پسین‌چوب

xylarium چوبکده

[ع. گیاهی] مجموعه‌ای از نمونه‌چوب‌های شناسنامه‌دار که در دسترس پژوهشگران است

چوب نخستین

← بافت چوبی نخستین

tetramerous چهارپار

[ع. گیاهی] ویژگی پرچه‌ای که پارگان آن متشکل از چهار قطعه است

tetrad چهارتایه

[ع. گیاهی] ۱. چهار فامینک که در یکی از مراحل کاستمان از فام‌تن‌های هم‌ساخت به

disposition

چینش

[ع. گیاهی] نحوه قرارگیری اجزا یا بخش‌هایی از اجزای گیاهان، شامل موقعیت و آرایش و جهت آنها نسبت به یکدیگر

plicate, plaited

چین دار<sup>۲</sup>

[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌گی که حاشیه آن مانند بادبزن تا خورده باشد

# ح

## حَرَائِيان Avicenniaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان درختی یا درختچه‌ای با یک سرده و حدود یازده گونه که در نواحی میان‌کشدی دریا در نزدیکی پایرودها (estuaries) می‌رویند و دارای ریشه‌های هوایی هستند  
مت. سینائیان

## حشره‌دوست ← گیاه حشره‌دوست

## حشره‌گرده‌افشانی entomophily

[ع. گیاهی] گرده‌افشانی توسط حشرات

## حلقه آتش‌زاد fire ring

[ع. گیاهی] حلقه آسب‌زادی که بر اثر آتش در بُن‌لاد به وجود می‌آید

## حلقه آسب‌زاد traumatic ring, traumatic zone

[ع. گیاهی] بخشی از بافت زخمی شده که در نتیجه آسب‌دیدگی بُن‌لاد ایجاد می‌شود

## حاشیه‌ای marginal

[ع. گیاهی] ویژگی تمکنی که در آن جفت‌ها در طول حاشیه یک تخمدان ساده تک‌برچه‌ای قرار دارند

## حالت posture

[ع. گیاهی] نحوه قرارگیری بخشی از گیاه نسبت به یک سطح تخت

## حالت صفت character state

[ع. گیاهی] هر یک از صورت‌های مختلف هر صفت

## حرا Avicennia

[ع. گیاهی] سرده‌ای از حرائیان درختی کوچک با حدود یازده گونه با برگ‌های متقابل خاکستری و گل‌های کوچک و منظم و کاسه و جام هم‌پوش و تخمدان فوقانی  
مت. سینا

<p><b>حلقه ناپیوسته</b> discontinuous ring</p> <p>[ع. گیاهی] حلقه رشدی که به سبب خفته بودن بخش‌هایی از بُن‌لاد دورتادور ساقه را به‌طور کامل فرا نگرفته باشد</p>	<p><b>حلقه‌ای‌رو</b> brochidodromous</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی شانهای دارای رگبرگ‌های دومینی که در نزدیکی لبه با رگبرگ‌های دومین دورازمرکز تشکیل حلقه‌های برجسته بالارو می‌دهند</p>
<p><b>حلقه یخ‌زاد</b> frost ring</p> <p>[ع. گیاهی] حلقه آسیب‌زادی که بر اثر یخ‌بندان دیررس در بُن‌لاد به وجود می‌آید</p>	<p><b>حلقه برق‌زاد</b> lightning ring</p> <p>[ع. گیاهی] حلقه آسیب‌زادی که بر اثر آذرخش خفیف در بُن‌لاد به وجود می‌آید</p>
<p><b>حنا</b> Lawsonia</p> <p>[ع. گیاهی] سرده‌ای از حنائیان که بومی مناطق نیمه‌خشک گرمسیری و نیمه‌گرمسیر افریقا و جنوب آسیا و شمال استرالیا است و از قدیم از آن برای رنگ‌آمیزی پوست و مو و ناخن و چرم و پشم استفاده می‌شده است</p>	<p><b>حلقه خشکی‌زاد</b> drought ring</p> <p>[ع. گیاهی] حلقه آسیب‌زادی که بر اثر خشکسالی در بُن‌لاد به وجود می‌آید</p>
<p><b>حنائیان</b> Lythraceae</p> <p>[ع. گیاهی] تیره‌ای از موردسانان علفی چندساله یا درختچه‌ای با حدود ۳۱ سرده و حدود ۶۲۰ گونه که اغلب در نواحی گرمسیر پراکنده هستند و در امریکای جنوبی و افریقا تنوع زیادی دارند</p>	<p><b>حلقه رشد</b> growth ring</p> <p>[ع. گیاهی] شکل حلقوی لایه رشد در برش عرضی درختان</p>
<p><b>حوزه</b> domain</p> <p>[ع. گیاهی] بالاترین رتبه رسمی در رده‌بندی موجودات زنده</p>	<p><b>حلقه سالانه</b> annual ring, annual layer</p> <p>[ع. گیاهی] هریک از لایه‌های چوبی که در طول یک سال به تنه درخت افزوده شود</p>
	<p><b>حلقه کاذب</b> false ring</p> <p>[ع. گیاهی] حلقه دوم یا حلقه رشد تأخیری که در یک دوره رویش در نتیجه شرایط نامساعدی، مانند خشکی یا سرمای دیررس یا خزان زودرس، ایجاد می‌شود</p>



# خ

معتدل شمالی و خصوصاً در مناطق صخره‌ای می‌رویند و برگ‌های آنها قاعده‌ای و ساده و گل‌هایشان دارای تقارن شعاعی است و کاسه و جام مجزا با پنج کاسبرگ و پنج گلبرگ دارند

## خاردار echinate

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با خار یا تیغ‌های راست یا کرک‌های محکم متعدد

## خاردکمه areole<sup>1</sup>

[ع. گیاهی] سرلاد ستاک انتهایی تحلیل‌رفته و کوتاه‌شده پوشیده از خار در کاکتوسیان

## خارشاخه thorn

[ع. گیاهی] ساقه یا نوشاخه (shoot) نوک‌تیز

## خارعرس Morina

[ع. گیاهی] سرده‌ای از خارعروسیان با حدود ده گونه که از اروپا تا شرق آسیا پراکنده‌اند

## خار spine

[ع. گیاهی] برگ‌ی نوک‌تیز یا بخشی نوک‌تیز از برگ که شامل دُم‌برگ یا رگبرگ اصلی یا رگبرگ دومین یا برگچه یا گوشواره است

## خاراشکن Saxifraga

[ع. گیاهی] سرده‌ای از خاراشکنیان چندساله با حدود ۴۴۰ گونه

## خاراشکن‌سانان Saxifragales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها که با گل‌سرخ‌سانان و شمعدانی‌سانان خویشاوند هستند

## خاراشکنیان Saxifragaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خاراشکن‌سانان علفی همیشه‌سبز یا خزان‌دار با ۳۰ سرده و ۵۸۰ گونه که به‌طور گسترده در نواحی سرد و

به‌ندرت خزان‌دار با بیش از ۲۷۰ گونه که در مناطق گرمسیر جنوب امریکا و مناطق گرمسیر و نیمه‌گرمسیر آسیا پراکنده‌اند؛ گل‌های این گیاهان معمولاً چهارپیر و به‌ندرت پنج تا نه‌پیر است؛ میوه آنها شفت کروی یا کروی کشیده به رنگ قرمز یا سیاه یا به‌ندرت زرد است

### خاس سانان Aquifoliales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از گیاهان پیوسته‌گلبرگ با بیش از ۵۰۰ گونه و پنج تیره

### خاسیان Aquifoliaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از راسته خاس‌سانان به شکل درخت یا درختچه، دارای گل‌های منظم و میوه سینه

### خاک‌رُست geophyte

[ع. گیاهی] گیاهی که در مرحله‌ای از رشد بر روی آن خاک می‌ریزند و ممکن است در زیر خاک نیز محصول بدهد

### خال sapling<sup>1</sup>

[ع. گیاهی] درخت جوانی بزرگ‌تر از شل و دارای قطر برابر سینه حداکثر ده سانتی‌متر که شاخه‌های پایین خود را از دست داده باشد

### خال‌لکه blotch

[ع. گیاهی] بخش وسیع تغییررنگ‌یافته یا مرده بر روی اندام‌های گیاه

### خالواش ← نغناخالواش

### Morinaceae خار عروسیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خواجه‌باشی‌سانان علفی ضخیم چندساله با سه سرده و هفده گونه که به‌صورت بومی در اوراسیا از بالکان تا چین پراکنده‌اند، برگ‌های آنها طوقه‌ای و گل‌ها با تقارن دوطرفه است که در چرخه‌های متوالی قرار دارند و حلقه‌ای اضافی به نام کاسه فرعی (epicalyx) گل‌ها را احاطه کرده است

### خارگیل durian

[ع. گیاهی] میوه گیاهی با نام علمی خارگیل سموری (Durio zibethinus) متعلق به تیره پنیرکیان و راسته پنیرک‌سانان که طول آن به سی سانتی‌متر و قطر آن به پانزده سانتی‌متر می‌رسد و وزن آن یک تا سه کیلوگرم است؛ شکل آن گرد و گاه کشیده و پوسته آن پوشیده از خار و به‌رنگ سبزقهوه‌ای و گوشته آن زرد کم‌رنگ است و دارای بویی خاص و بومی اندونزی و مالزی و برونئی است

### خارلنگری glochidiate

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با خار یا ریش‌های قلاب‌مانند دسته‌ای

### خاره‌ای barbed, barbellate

[ع. گیاهی] ویژگی زبرکرکی که در سطح یا حاشیه آن زواید ریز و تیز وجود دارد

### خاس Ilex

[ع. گیاهی] سرده‌ای از خاسیان درختی کوچک یا درختچه‌ای معمولاً همیشه‌سبز و

**خربزه درختیان** Caricaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از کلم‌سانان بالارونده با ساقه گوشتی شبرابه‌دار و بدون شاخه

**خُرْد فرگشت** ← تکامل خُرْد

**خُرزه‌ره** Nerium

[ع. گیاهی] سرده‌ای از خُرزه‌ره‌ایان درختچه‌ای شبرابه‌دار با پنج تا هشت گونه که در ناحیهٔ مدیترانه و مناطق نیمه‌گرمسیر آسیا تا ژاپن پراکنده‌اند، برگ‌های گیاهان این سرده متقابل یا سه‌تایی و گل‌آذین آنها انتهایی با گل‌های زیباست

**خُرزه‌ره‌ایان** Apocynaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از راستهٔ گل‌سپاسی‌سانان که گیاهانی علفی با شبرابهٔ بسیار سمی هستند

**خُرْفه** Portulaca

[ع. گیاهی] سرده‌ای از خُرْفه‌ایان علفی یک‌سالهٔ گوشتی گسترده بر روی زمین با ۴۰ تا ۱۰۰ گونه که برگ‌های قاشقی و ساقه‌های قرمز و گل‌هایی دارند که در نور خورشید می‌شکفد

**خُرْفه‌ایان** Portulacaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان علفی یا درختچه‌ای با حدود بیست سرده و ۵۸۰ گونه که پراکنش جهانی دارند، اما بیشتر در مناطق نیمه‌خشک نیمکرهٔ جنوبی مثل آفریقا و استرالیا و امریکای جنوبی می‌رویند

**خاموش‌سازی ته‌پاری**  
telomeric silencing,  
telomeric position effect

[ع. گیاهی] منع رونویسی ژن‌های دِنای مجاور ته‌پار توسط ته‌پار

**خامه** style

[ع. گیاهی] بخشی از مادگی که کلاله را به تخمدان متصل می‌کند  
\* مصوب فرهنگستان اول

**خامهٔ انتهایی** terminal style, apical<sup>3</sup>

[ع. گیاهی] خامه‌ای که از رأس تخمدان برخاسته است

**خامهٔ جانبی** lateral style

[ع. گیاهی] خامه‌ای که از کنار تخمدان برخاسته است

**خانک** theca

[ع. گیاهی] نیمی از بساک‌های معمولی که دو ریزهاگدان (microsporangium) دارد

**خربزهٔ درختی** Carica

[ع. گیاهی] سرده‌ای از خربزه‌درختیان به ارتفاع حداکثر ده متر، بدون انشعاب، با ۴۵ گونه که اغلب در مناطق گرمسیر امریکا پراکنده هستند؛ برگ‌های گیاهان این سرده نرم و لپ‌دار به طول ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر با دُم‌برگ بلند است که در بالای تنه به‌صورت خوشه‌ای قرار گرفته‌اند؛ گل‌های آنها تک‌جنسی با ده پرچم در دو حلقه و مادگی آنها دارای یک کلالهٔ بدون پایهٔ پنج‌لپه است

بدون گوشواره با میوه معمولاً آبدار و گاهی با پوست چرمی که در رده‌بندی کروئوکویست ۱۹۸۸ در راسته خرمالوسانان (Ebenales) جای گرفته است

### خرمائیان *Arecaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خرماسانان، به صورت درخت یا درختچه، با ساقه بدون شاخه و غالباً استوانه‌ای

مت. نخلیان *Palmaceae, Palmae*

### خزان‌دار *deciduous*

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهان چوبی که برگ آنها در پایان فصل می‌ریزد

### خزنده‌برافشانی *saurochory*

[ع. گیاهی] پراکنده شدن میوه توسط خزندگان

### خزه‌تباران *Bryophyta, Mosses*

[ع. گیاهی] شاخه‌ای از گیاهان غیرآوندی رطوبت‌پسند، دارای رشد محوری و پوشینه‌های کوتاه

### خشک‌ه‌دار *snag*

[ع. گیاهی] درخت مرده سرپا که برگ‌ها و اغلب شاخه‌های آن ریخته است

**خشکی‌رُست** *xerophyte, drought-enduring plant, drought-persistent plant*

[ع. گیاهی] گیاه مقاوم به خشکی

### خرما *Phoenix*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از خرمائیان درختی با حدود سیزده گونه که در جزایر قناری و افریقای شمالی و خاورمیانه و پاکستان و هند و ایالت کالیفرنیا در امریکا یافت می‌شوند؛ درخت خرما تقریباً تا ۲۳ متر رشد می‌کند؛ ساقه آن پوشیده از بقایای قاعده برگ‌های قدیمی است و به تاجی زیبا از برگ‌های شانه‌ای بلند به طول حداکثر پنج متر منتهی می‌شود؛ سنبله گل‌ها از محور برگ‌های سال قبل خارج و منشعب می‌شود و گل‌های نر و ماده بر روی پایه‌های مجزا ظاهر می‌شوند و گرده‌افشانی در آنها به شکل مصنوعی صورت می‌گیرد

### خرماسانان *Arecales*

[ع. گیاهی] راسته‌ای نخل‌مانند با فقط یک تیره و ۱۸۹ سرده و حدود ۲۴۰۰ گونه که برخی از آنها اهمیت اقتصادی دارند؛ با اینکه همه گونه‌های خرماسانان به جز تعداد کمی، محدود به مناطق گرمسیر و نیمه‌گرمسیر می‌شوند، از لحاظ جغرافیایی و شکل ظاهری با یکدیگر فرق دارند

### خرمالو *Diospyrus*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از خرمالوئیان درختی که اغلب گونه‌های آن در نواحی گرمسیر می‌روید

### خرمالوئیان *Ebenaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خنلگ‌سانان درختی یا درختچه‌ای با برگ‌های متناوب و کامل و

quiescent	<b>خמוש</b>	asperifoliate, asperifolius	<b>خشن برگ</b>
[ع. گیاهی] ویژگی بذر یا جوانه‌ای که به دلیل عوامل بیرونی به حالت غیرفعال باقی مانده باشد		[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که برگ‌های خشن دارد	
quiescence	<b>خموشی</b>	lineate	<b>خط‌دار</b>
[ع. گیاهی] غیرفعال باقی ماندن بذر یا جوانه به‌علت عوامل بیرونی		[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با خطوطی غالباً طولی و کمابیش موازی	
campylodromous	<b>خمیده‌رو</b>	linear	<b>خطی</b>
[ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی دارای چند رگ‌برگ اولین که در قاعده به شکل قوس‌های خمیده و برجسته به طرف بالا خم می‌شوند و در رأس برگ به هم می‌رسند		[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی خط‌مانند یا رشته‌ای و طولی در گیاهان	
Agavaceae	<b>خنجریان</b>	dormancy	<b>خفتگی</b>
[ع. گیاهی] تیره‌ای از مارچوبه‌سانان با برگ‌های تخت و شمشیرمانند		[ع. گیاهی] حالتی که در آن گیاه یا اندامی از آن تحت تأثیر شرایط درونی یا بیرونی از فعالیت بازماند	
dormancy breaking	<b>خواب‌شکنی</b>	dormant	<b>خفته</b>
[ع. گیاهی] تغییر طبیعی یا مصنوعی در رویان بذر به‌منظور تحریک آن برای جوانه‌زنی		[ع. گیاهی] ویژگی گیاه یا بذر در حالت خفتگی	
Dipsacus	<b>خواجه‌باشی</b>	Ericales	<b>خلنگ‌سانان</b>
[ع. گیاهی] سرده‌ای علفی و بلندقد و دوساله از خواجه‌باشیان با حدود پانزده گونه		[ع. گیاهی] راسته‌ای بزرگ از دولپه‌ای‌ها، دارای حدود ۸۰۰۰ گونه با پراکندگی وسیع که شامل گیاهانی مانند چای و خرمالو و برخی گیاهان گوشت‌خوار است	
Dipsacaceae	<b>خواجه‌باشیان</b>	campylotropous	<b>خمش‌گرا</b>
[ع. گیاهی] تیره‌ای از خواجه‌باشی‌سانان یک تا چندساله با برگ‌های معمولاً متقابل و گل‌آذین کپه‌ای که میوه آنها فندقه‌مانند است		[ع. گیاهی] ویژگی غالب تخمک‌ها که خمیدگی آنها در طی تکوین موجب قرار گرفتن سفت در مجاورت پایهٔ بند ناف می‌شود، به طوری که خورش فقط در امتداد سطح پایین خم می‌شود	

**خودچندلادی<sup>۲</sup> autopolyploid<sup>2</sup>**

[ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که بیش از دو دست فام‌تن داشته باشد که همه آنها از یک گونه منشأ گرفته باشند

**خودچندلادی autopolyploidy**

[ع. گیاهی] حالتی از چندلادی که در آن همه فام‌تن‌ها از یک گونه منشأ می‌گیرند

**خودراه‌اندازی bootstrap**

[ع. گیاهی] یکی از روش‌های ارزیابی استواری تبارشاخه‌نگاره که در آن ماتریس اصلی صفت-آرایه را با نمونه‌برداری تصادفی صفات تحلیل می‌کنند به طوری که هر صفت ممکن است بیش از یک بار انتخاب شود

**خودراه‌اندازی بی‌تکرار Jackknife**

[ع. گیاهی] یکی از روش‌های ارزیابی استواری تبارشاخه‌نگاره که در آن ماتریس اصلی صفت-آرایه را با نمونه‌برداری تصادفی صفات تحلیل می‌کنند به طوری که هر صفت فقط یک بار انتخاب می‌شود

**خودزاگ autozygote**

[ع. گیاهی] موجودی جورزاگ دارای دگره‌هایی با نیای مشترک، در یک جایگاه ژنی خاص

**خودگرده‌افشان self-pollinated**

[ع. گیاهی] ویژگی گل یا گیاهی که گرده‌افشانی آن در خود گیاه صورت می‌پذیرد

**خواج‌ب‌اشی سانان Dipsacales**

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌های نسبتاً پیشرفته که شامل تیره‌های مهمی مانند آفتیان و خواج‌باشیان و سنبل‌الطیبیان است

**خودبرافشانی autochory**

[ع. گیاهی] پراکنده شدن میوه توسط خود گیاه

**خودپرورد<sup>۱</sup> autotroph**

[ع. گیاهی] اندامگانی که برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود با استفاده از مواد ساده معدنی، مواد آلی پیچیده می‌سازد

**خودپرورد<sup>۲</sup> autotrophic**

[ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود با استفاده از مواد ساده معدنی، مواد آلی پیچیده می‌سازد

**خودپروردگی autotrophy**

[ع. گیاهی] فرایندی که در آن، اندامگان برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود با استفاده از مواد ساده معدنی، مواد آلی پیچیده می‌سازد

**خودچندلادی<sup>۱</sup> autopolyploid<sup>1</sup>, autoploid**

[ع. گیاهی] اندامگانی که بیش از دو دست فام‌تن داشته باشد که همه آنها از یک گونه منشأ گرفته باشند

nucellus	<b>خورش<sup>۲</sup></b>	خودگرده‌افشانی	self-pollination
ع. گیاهی] بافتی در تخمک گیاهان که کیسهٔ رویانی در درون آن نمو می‌کند		ع. گیاهی] نوعی گرده‌افشانی که در آن گردهٔ گیاه مادگی همان گیاه را بارور می‌کند	
nucellar	<b>خورشی</b>	خودگشن	autogamous
ع. گیاهی] مربوط به بافت خورش		ع. گیاهی] گیاهی که مادگی آن با گردهٔ گل همان گیاه بارور شود	
raceme	<b>خوشه</b>	خودگشنی	autogamy
ع. گیاهی] گل‌آذینی نامحدود با محور منفرد با گل‌های دُمگل‌دار (pedicellate)		ع. گیاهی] باروری مادگی یک گیاه با گردهٔ همان گیاه	
racemose	<b>خوشه‌ای</b>	خودنام	autonym
ع. گیاهی] ویژگی گل‌آذینی به شکل خوشه		ع. گیاهی] نامی که با استفاده از آرایه‌های فروتیره‌ای (infrafamilial) و فرورده‌ای (infrageneric) و فرورگنه‌ای ساخته شده باشد	
thyrese	<b>خوشه‌گوزن</b>	خورجین	siliqua
ع. گیاهی] گل‌آذینی فرعی با محور مرکزی نامحدود حامل‌گوزن‌های دُمگل‌دار (pedicellate) متقابل و جانبی		ع. گیاهی] میوهٔ خشک شکوفا شیبیه به خورجینک، با این تفاوت که بلند و باریک است	
acclimation, acclimatization	<b>خوگیری</b>	خورجینک	silicula
ع. گیاهی] تنظیم کاراندام‌شناختی بدن جاندار در پاسخ به تغییر در محیط پیرامون		ع. گیاهی] میوهٔ خشک شکوفای غالباً تخت، حاصل دو برچهٔ بهم‌پیوسته که با یک جدار کاذب به دو خانه تقسیم می‌شود	
Cynomorium	<b>خونین‌گُرز</b>	خورش <sup>۱</sup>	endosperm <sup>1</sup>
ع. گیاهی] سرده‌ای از خونین‌گُزبان بدون سبزینه با ساقه یا سنبله‌ای گوشتی و گل‌های کوچک و سرخ		ع. گیاهی] قسمتی از بذر که مواد غذایی موردنیاز جنین را تأمین کند	
Cynomoriaceae	<b>خونین‌گُزبان</b>		
ع. گیاهی] تیره‌ای از صندل‌سانان علفی و انگلی کامل، بدون سبزینه با برگ‌های			

[ک. گ. دارویی] یکی از فرایندهای استخراج ماده دارویی گیاهان که در آن گیاه یا پودر آن را در دمای محیط در درون حلال قرار می دهند

خیسانده<sup>2</sup> maceration

[ک. گ. دارویی] گیاه یا پودر آن که با هدف استخراج ماده دارویی در دمای محیط در درون حلال قرار داده شده است

تحلیل رفته و قرمز که گل نر آنها تک پرچی و میوه آنها از نوع فندقی است

خویش آمیزی inbreeding

[ع. گیاهی] آمیزش بین جمعیت های گیاهی و جانوری که از نظر ژن شناختی به هم نزدیک اند، شامل خودگشنی و آمیزش خواهر و برادری و آمیزش با زادگان و نیاها

خیساندن<sup>1</sup> maceration



**Taxodiaceae**

**دار تالابیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از کاج‌سانان درختی تک‌پایه همیشه‌سبز و نیمه‌همیشه‌سبز یا خزان‌دار با نه سرده و دوازده گونه که در آسیا و امریکای شمالی و تاسمانی پراکنده‌اند؛ این گیاهان دارای تنه‌ای صاف با انشعاب‌های فراهم و برگ‌هایی مارپیچی یا پراکنده هستند و دانه‌هایشان که با بالی نازک احاطه شده صاف یا سه‌گوش است

**bonsai**

**دارسان**

[ع. گیاهی] درخت یا گیاهی که آن را در گلدان با محدود کردن ریشه‌ها و ساقه‌ها به‌نحوی هَرَس می‌کنند که در حدود سی تا شصت سانتی‌متر ارتفاع داشته باشد

**dendrogram,  
phenogram**

**دارنگاره**

[ع. گیاهی] نموداری درختی که غالباً از آن برای نمایش آرایش گروه‌هایی که از طریق خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی ایجاد شده‌اند به کار می‌رود

**bark**

**دار پوست**

[ع. گیاهی] لایه خارجی ساقه درختان  
مت. پوست درخت، پوست

**Taxodium**

**دار تالاب**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از کاج‌سانان با یک تا سه گونه که در امریکای شمالی پراکنده‌اند؛ گونه‌های این سرده تا حد زیادی در برابر زمین‌های غرقاب مقاوم هستند و در قسمت‌های شمالی خزان‌دار و در بخش جنوبی همیشه‌سبز تا نیمه‌همیشه‌سبزند؛ گیاهان این سرده به شکل درختان بلند به ارتفاع ۳۰ تا ۴۶ متر با تنه‌ای به قطر دو تا سه متر هستند؛ مخروط‌های ماده آنها کروی به قطر دو تا سه‌ونیم سانتی‌متر با ده تا ۲۵ فلس است که هر فلس یک یا دو دانه دارد و هفت تا نه ماه پس از گرده‌افشانی بالغ و با جدا شدن فلس‌ها آزاد می‌شوند و مخروط‌های نر در خوشه‌هایی آویخته ایجاد می‌شوند و گرده‌های خود را در اوایل بهار آزاد می‌سازند

hull	<b>دان پوش</b>	<i>Viscum</i>	<b>داروایش</b>
	[ع. گیاهی] پوسته بیرونی دانه		[ع. گیاهی] سرده‌ای از داروایشیان درختچه‌ای نیمه‌انگلی چوبی با ۷۰ تا ۱۰۰ گونه که بومی مناطق معتدل و نیمه‌گرمسیر اروپا و افریقا و استرالیا و آسیا هستند و بر روی درختان دیگر می‌رویند؛ برگ‌های آنها سبز با آرایش متقابل یا فراهم است و کمابیش قادر به فتوسنتز (photosynthesis) هستند؛ گل‌ها نامحسوس و سبز مایل به زرد است
pyrenoid	<b>دائک</b>		<b>داروایشیان</b>
	[ع. گیاهی] ساختاری کوچک و بی‌رنگ در سبزیسه برخی از جلبک‌ها که نشاسته در آن تشکیل و ذخیره می‌شود	<i>Viscaceae</i>	[ع. گیاهی] تیره‌ای از صندل‌سانان درختچه‌ای انگلی سبزینه‌دار و بدون ریشه با هفت سرده و ۴۵۰ گونه که در تمام جهان به‌ویژه نواحی گرمسیر می‌رویند؛ برگ‌های آنها ساده با آرایش متقابل و بافت علفی یا چرمی یا غشایی با حاشیه کامل و گل‌هایشان منظم و برگه‌دار و کوچک است
granum	<b>دانگان</b>		<b>داسه</b>
	[ع. گیاهی] ستونی از ریزکیسه‌های موجود در سبزیسه که همانند سکه‌های روی هم‌قرار گرفته است	<i>beard, awn</i>	[ع. گیاهی] زائده‌ای خارمانند که در انتهای برون‌پوشینه (lemma) اغلب علف‌چمنی‌ها از قبیل گندم می‌روید مت. ریشک
grain	<b>دانه<sup>۱</sup></b>		<b>داسی</b>
	[ع. گیاهی] میوه غلات و سویا و کتان	<i>falcate</i>	[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی در گیاهان با دو لبه تیز و تقریباً موازی که در یک وجه خمیده شده باشند و در نقطه‌ای به هم برسند مت. داسی‌شکل
seed	<b>دانه<sup>۲</sup></b>		<b>داسی‌شکل</b>
	[ع. گیاهی] ساختاری در گیاهان عالی که در نتیجه لقاح تخمک به وجود می‌آید	<i>falciform</i>	[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی کمابیش گرد و تخت با قطرهای مساوی در گیاهان
sarcotesta	<b>دانه پوش گوشتی</b>		<b>داسی شکل</b>
	[ع. گیاهی] پوسته دانه‌ای که در زمان بلوغ گوشتی است		[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی کمابیش گرد و تخت با قطرهای مساوی در گیاهان
	<b>دانه‌داران</b> ← پیدازادان		<b>داسی شکل</b> ← داسی
	<b>دانه گرده</b> ← گرده		
orbicular	<b>دایره‌ای</b>		

**درخت اجماع نیمه قاطع**

semi-strict consensus tree

[ع. گیاهی] نوعی درخت اجماع که از آن در شاخه‌بندی با فراوانی بیش از ۵۰ درصد استفاده می‌شود

مت. درخت اجماع پنجاه درصدی

50% majority-rule consensus tree

**درخت بی‌ریشه**

[ع. گیاهی] نوعی درخت تبارشناختی که بدون در نظر گرفتن جدیدترین نیای مشترک آرایه‌ها فقط روابط خویشاوندی تکاملی را شامل می‌شود

**درخت تبارشناختی ← تبارشاخه‌نگاره****درختچه**

[ع. گیاهی] هر رستنی چوبی که از بُن آن ساقه‌های متعدد منشعب شده باشد

**درختچه خاردار**

[ع. گیاهی] گیاهی با تیغ یا خار بسیار

**درخت ریشه‌دار**

[ع. گیاهی] نوعی درخت تبارشناختی که علاوه بر روابط خویشاوندی تکاملی، جدیدترین نیای مشترک آرایه‌ها را نیز شامل می‌شود

**درخت زنده**

[ع. گیاهی] درخت سبز و درحال رشد

**درپوش operculum**

[ع. گیاهی] کلاهکی (lid) رأسی شبیه به سر هاگلان اغلب خزه‌تباران که در طی رهاسازی هاگ می‌افتد

**درخت arbor, tree**

[ع. گیاهی] گیاه چوبی چندساله که به‌طور معمول تک‌تنه است و با درختچه که در شرایط عادی چندتنه است، تفاوت دارد

**درخت اجماع consensus tree**

[ع. گیاهی] تبارشاخه‌نگاره‌ای شامل خلاصه‌ای از ویژگی‌های مکان‌شناختی مشترک دو یا چند درخت تکاملی (tree) با آرایه‌های یکسان که در جزئیات مکان‌شناختی با یکدیگر متفاوت‌اند

**درخت اجماع اکثریتی**

majority-rule consensus tree

[ع. گیاهی] نوعی درخت اجماع که فقط شامل تبارشاخه‌های موجود در اکثر درخت‌های تکاملی (trees) مجموعه اصلی است

**درخت اجماع پنجاه درصدی**

← درخت اجماع نیمه قاطع

**درخت اجماع قاطع**

strict consensus tree

[ع. گیاهی] درخت اجماعی که اختلاف بین دو یا چند تبارشاخه‌نگاره را به‌صورت بس‌شاخگی نشان می‌دهد

**درصد رویش** increment percent

[ع. گیاهی] میزان رویش در طول یک مدت معین که آن را با ذکر مقدار رویش در آغاز یا میانهٔ این مدت به درصد بیان می‌کنند

**درفشی** subulate

[ع. گیاهی] ویژگی بخشی یا اندامی کمابیش استوانه‌ای و ظریف در گیاهان که در رأس باریک شده باشد

مت. . درفشی شکل subuliform, awl shape

**درفشی شکل** ← درفشی**درمیان یاخته** endoplasm

[ع. گیاهی] بخش نیمه‌مایع و مرکزی میان یاخته

**درمیان یاخته‌ای** endoplasmic

[ع. گیاهی] مربوط به درمیان یاخته

**درون بر** endocarp

[ع. گیاهی] درونی‌ترین لایهٔ پیرا بر در میوهٔ نهان‌دانگان

**درون بری** endocytosis

[ع. گیاهی] بردن مواد خارجی اعم از جامد و مایع از طریق غشای یاخته به درون آن

**درون پوست** endoderm

[ع. گیاهی] درونی‌ترین لایهٔ پوست که مانند غلافی بافت آوندی ریشه‌ها و برخی ساقه‌ها را در بر گیرد

**درخت سایه پسند**

## shade tolerant tree

[ع. گیاهی] درختی که توانایی رقابت زیستی در سایه را دارد

**درخت شلاق زن**

## whip

[ع. گیاهی] درختی باریک که بر اثر وزش باد به نوسان درمی‌آید و به تاج درختان مجاور آسیب می‌رساند  
مت. . شلاق زن

**درختگون** arboreous, arborescent

[ع. گیاهی] آنچه مانند درخت باشد

**درخت نور پسند**

## shade intolerant tree

[ع. گیاهی] درختی که برای رقابت زیستی به نور کافی نیاز دارد

**درخت وار** dendroid, tree-like

[ع. گیاهی] ویژگی بخشی در گیاهان که در رأس به شاخک‌های ظریف تقسیم می‌شود و در مجموع ظاهری شبیه به تاج درخت پیدا می‌کند

**درز یوه** ← درون زیوه‌ای**درشت کامه** macrogamete, megagamete

[ع. گیاهی] کامهٔ درشت

**درشیشه** ← درون شیشه‌ای

ع. گیاهی] بافت ذخیره‌ای در دانه اغلب نهان‌دانگان که از هم‌جوشی یکی از گیازامه‌ها با دو هسته قطبی تشکیل می‌شود

**درون‌رُست<sup>۱</sup>** ← گیاه درون‌رُست

**درون‌رُست<sup>۲</sup>** endophytic  
ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که تمام یا قسمتی از دوره زندگی خود را داخل گیاه دیگر بگذرانند

**درون‌رُستی** endophytism  
ع. گیاهی] گذراندن تمام یا قسمتی از دوره زندگی در داخل گیاه دیگر

**درون‌روزی** endostomal  
ع. گیاهی] ویژگی تخمکی دوپوششی که سفت آن را فقط تخمک‌پوش درونی احاطه کرده و تخمک‌پوش بیرونی کوچک‌تر شده است به طوری که به سفت نمی‌رسد

**درون‌زیوه‌ای** *in vivo*  
ع. گیاهی] ویژگی آزمایش‌هایی که در درون بدن موجود زنده انجام می‌شود  
مت. . درزیوه

**درون‌سیاه** black heart<sup>1</sup>  
ع. گیاهی] درون‌چوب کاذبی به رنگ مشکی یا قهوه‌ای تیره که معمولاً از درون‌چوب قابل تشخیص نیست و عمدتاً در پهن‌برگان مشاهده می‌شود

endodermic,  
endodermal **درون‌پوستی**

ع. گیاهی] مربوط به درون‌پوست

intine **درون‌پوش**  
ع. گیاهی] بخش درونی پوشش هاگ یا دانه گرده که زیر برون‌پوش قرار دارد

involute **درون‌پیچ**  
ع. گیاهی] ویژگی برگ‌ها که لبه یا لبه‌های آن به داخل برگشته باشد

heartwood,  
duramen, heart **درون‌چوب**

ع. گیاهی] بخش درونی و غیرزنده ساقه درخت که به آن استحکام بیشتری می‌بخشد

false-heart,  
false heartwood **درون‌چوب کاذب**

ع. گیاهی] چوبی که تحت تأثیر عوامل طبیعی مانند قارچ و یخ‌زدگی تغییر رنگ داده و شبیه به درون‌چوب شده باشد

frost heart **درون‌چوب یخ‌زاد**

ع. گیاهی] نوعی درون‌چوب کاذب که بر اثر یخ‌بندان شدید به وجود می‌آید و سبب ایجاد قسمت‌های رنگی در بخش مرکزی ساقه می‌شود

endosperm<sup>2</sup> **درون‌دانه**

dystrophy, dystrophia	<b>دُش‌پروردگی</b>	black heart <sup>2</sup>	<b>درون‌سیاهی</b>
[ع. گیاهی] هر نوع اختلال رشد در موجودات و بافت‌ها و اندام‌های زنده بر اثر سوء‌تغذیه یا نبود مواد غذایی قابل مصرف		[ع. گیاهی] قهوه‌ای یا مشکی شدن قسمت‌هایی از درخت یا دار که لزوماً در نتیجهٔ پوسیدگی نیست	
excretion <sup>1</sup>	<b>دفع</b>	<i>in vitro</i>	<b>درون‌شیشه‌ای</b>
[ع. گیاهی] خروج مواد زائد دگرگشتی از یاخته‌ها یا موجودات زنده		[ع. گیاهی] ویژگی آزمایش‌های مربوط به فرایندهای زیستی در لولهٔ آزمایش	م. - درشیشه
excrete	<b>دفع کردن</b>	ingroup	<b>درون‌گروه</b>
[ع. گیاهی] عمل خروج مواد زائد دگرگشتی از یاخته یا موجودات زنده		[ع. گیاهی] همهٔ اعضای گروه مورد مطالعه در تحلیل تبارشناختی	
excretory	<b>دفعی</b>	intraspecific	<b>درون‌گونه‌ای</b>
[ع. گیاهی] مربوط به دفع		[ع. گیاهی] ویژگی هر پدیدهٔ ناشی از تعامل بین افراد یک گونهٔ معین	
heterotroph	<b>دگرپرورد<sup>۱</sup></b>	protoplasm	<b>درون‌یاخته</b>
[ع. گیاهی] اندامگانی که برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود از مواد آلی ساخته‌شدهٔ سایر موجودات زنده استفاده می‌کند		[ع. گیاهی] مادهٔ کلوئیدی ژله‌مانندی با ساختار پیچیده که درون غشای یاخته را پر می‌کند و مادهٔ حیاتی ساخته‌های گیاهان و جانوران محسوب می‌شود و شامل هسته و میان‌یاخته است	
heterotrophic	<b>دگرپرورد<sup>۲</sup></b>	Golgi's apparatus	<b>دستگاه گلژی</b>
[ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود از مواد آلی ساخته‌شدهٔ سایر موجودات زنده استفاده می‌کند		[ع. گیاهی] یکی از اندامک‌های میان‌یاخته که به دو صورت پراکنده یا متمرکز وجود دارد و محتوی لیسوپروتئین است و در سنتز (synthesis) و ترشح یاخته فعالیت دارد	
heterotrophy	<b>دگرپروردگی</b>	dystrophic	<b>دُش‌پرورد</b>
[ع. گیاهی] فرایندی که در آن اندامگان برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود از مواد ساخته‌شدهٔ سایر موجودات زنده استفاده می‌کند		[ع. گیاهی] دارای دُش‌پروردگی یا مربوط به آن	

ع. گیاهی] لقاح کامه‌های نر و ماده‌ افراد جمعیتی که از لحاظ ژنی مشابه نیستند

### دگرگرده‌افشانی cross-pollination

ع. گیاهی] گرده‌افشانی میان دو گیاه که از لحاظ ژن شناختی خصوصیات یکسان ندارند

### دگرگشت metabolism

ع. گیاهی] مجموعه تغییرات فیزیکی- شیمیایی ترکیبی و تخریبی در موجودات زنده  
مت. سوخت‌وساز

### دگرگشته metabolite

ع. گیاهی] ترکیب حاصل از فرایندهای دگرگشت

### دگرگشتی metabolic

ع. گیاهی] مربوط به دگرگشت

### دگرگشن allogamous<sup>2</sup>

ع. گیاهی] گیاهی که معمولاً مادگی آن با گرده همان گیاه تلقیح نشود

### دگرگشنی allogamy<sup>2</sup>

ع. گیاهی] باروری مادگی یک گیاه با گرده گیاه دیگر

### دگرگونی انواع

← نظریه دگرگونی انواع

### دگرجا allopatric

ع. گیاهی] ویژگی گونه‌های گیاهی که در محیط‌های جغرافیایی مختلف می‌روند

### دگرجوش adnate

ع. گیاهی] ویژگی الحاقی که در آن قطعات ناهمسان گیاه چنان به یکدیگر جوش می‌خورند که به‌سادگی از هم جدا نمی‌شوند

### دگرچارلاد ← دوجوردولاد<sup>1</sup>

### دگرزا allogenic

ع. گیاهی] ویژگی یک جمعیت گیاهی که در نتیجه تغییر شرایط محیطی حاصل از عوامل غیرزنده، مانند زه‌آب، جانشین جمعیت گیاهی دیگر می‌شود

### دگرزاگ allozygote

ع. گیاهی] موجودی جورزاگ دارای دگره‌هایی با نیای متفاوت، در یک جایگاه ژنی خاص

### دگرزیم allozyme, allelozyme

ع. گیاهی] هریک از دو یا چند گونه یک زی‌مايه/آنزیم که از دو یا چند دگره موجود در یک جایگاه ژنی منشأ گرفته باشند

### دگرگام<sup>1</sup> allogamous<sup>1</sup>, allogamic

ع. گیاهی] مربوط به دگرگامی

### دگرگامی<sup>1</sup> allogamy<sup>1</sup>

ع. گیاهی] دُمبرگی ریز یا کوچک مانند آنچه در برگچه برگ‌های مرکب وجود دارد

### دُمبرگچه‌دار petiolulate

ع. گیاهی] دارای دُمبرگچه

### دُم‌قاطری Hippuris

ع. گیاهی] تنها سرده از دُم‌قاطران آبزی که شامل یک تا سه گونه است و در رده‌بندی ای.پی.جی. در بارهنگیان ادغام شده است

### دُم‌قاطران Hippuridaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان علفی آبزی با گل‌پوش تحلیل‌یافته و برگ‌های فراهم که در رده‌بندی کروئکوئیست ۱۹۸۸ در راسته آب‌ستاره‌سانان (Callitrichales) جای گرفته است

### دم‌کرده infusion

ع. ک. دارویی] محلول رقیق حاوی اجزای حل‌پذیر گیاهان دارویی

### دُم‌گره‌ای catkin, ament

ع. گیاهی] گل‌آذینی تک‌جنسی نوعاً سنبله‌ای نر یا محوری کشیده که در هنگام گل‌دهی یا میوه‌دهی به‌صورت یکجا می‌ریزد

### دُمگل pedicel

ع. گیاهی] پایه‌ای که گل‌های منفرد یک گل‌آذین را به محور اصلی یا دُمگل‌آذین متصل می‌کند

### دلتاوار deltoid, triangular

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مثلث یا حرف یونانی دلتا در گیاهان

### دلوی شکل doliform

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که حاشیه‌های جانبی آن دارای برآمدگی متقارن باشد

### دُم‌اسب‌درختی Casuarina

ع. گیاهی] سرده‌ای درختی از دُم‌اسب‌درختیان که اغلب بومی استرالیا هستند

### دُم‌اسب‌درختیان Casuarinaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از راش‌سانان درختی یا درختچه‌ای با گل‌آذین نر دُم‌گره‌ای و گل‌پوش و برگ‌های تحلیل‌رفته شبیه به دُم‌اسب و ساقه‌های فتوسنتزکننده (photosynthetic) و گل‌های تک‌پرچی و مادگی دوبرچه‌ای

### دُم‌اسبیان Equisetaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از نهانزادان آوندی که دارای ساقه‌های بندبند توخالی و برگ‌های فلسی به‌هم‌پیوسته‌اند

### دُمبرگ petiole, leafstalk

ع. گیاهی] پایه‌ای که برگ را به ساقه متصل می‌کند

### دُمبرگچه petiolule



[ع. گیاهی] ۰۱. در مفهوم عام، ویژگی برگ‌گی که حاشیه آن دندان‌دندانه باشد ۰۲. در مفهوم خاص، ویژگی برگ‌گی که حاشیه آن دندان‌های تیز و بیرون‌زده داشته باشد

**دوازده‌ای**  
biserrate,  
doubly serrate

[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌گی که دندان‌های حاشیه آن مجدداً از آن شده باشد

**دوپار**  
bimerous

[ع. گیاهی] ویژگی چرخه‌ای که پارگان آن متشکل از دو قطعه است

**دوپوششی**  
bitegmatic

[ع. گیاهی] ویژگی تخمکی با دو تخمک‌پوش

**دوتاشدگی**  
duplication,  
chromosomal duplication,  
doubling

[ع. گیاهی] فرایندی که در آن یک قطعه ژنی در فام‌تن تکرار می‌شود

**دوتا شدن**  
duplicate<sup>1</sup>

[ع. گیاهی] تکرار شدن یک قطعه ژنی در فام‌تن

**دوتاشده**  
duplicate<sup>2</sup>

[ع. گیاهی] ویژگی قطعه ژنی که دچار دوتاشدگی شده است

**دُمگل‌آذین**  
peduncle

[ع. گیاهی] محور اصلی گل‌آذین

**دُم‌موشی**  
Buddleja

[ع. گیاهی] سرده‌ای اغلب درختچه‌ای و گاهی درختی از دُم‌موشیان خزان‌دار و همیشه‌سبز با حدود ۱۰۰ گونه که ارتفاع بلندترین آنها به ۳۰ متر می‌رسد، اما ارتفاع بیشتر گونه‌های این سرده به‌ندرت بیش از پنج متر است

**دُم‌موشیان**  
Loganiaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان بالارونده چوبی یا درختچه‌ای یا درختی با سیزده سرده و حدود ۴۰۰ گونه که عمدتاً بومی نواحی گرمسیر جهان هستند، گیاهان این تیره ضمامی برگ‌مانند در قاعده دُم‌برگ و گل‌هایی مجتمع در خوشه‌های انتهایی دارند؛ حلقه گلبرگ‌ها از چهار تا پنج لپ هم‌پوش تشکیل شده است و میوه‌های این تیره یا پوشینه‌ای یا شفت‌آب‌دار است

**دناپیونداز**  
DNA ligase, ligase

[ع. گیاهی] زی‌مایه‌ای که دو قطعه دنا را با پیوند فسفودی‌استری پیوند می‌دهد

**دِنای ماهواره‌ای ریز**

← تکراری‌های پیاپی کوتاه

**دندان‌های**  
dentate, toothed,  
notched

مقابل کاسبرگ‌ها و پرچم‌های داخلی آن  
در مقابل گلبرگ‌ها قرار دارند

### دو خانگی dithecal

[ع. گیاهی] بساکی با دو خانک و معمولاً با  
چهار ریزه‌هاگدان (microsporangium)

### دو دسته‌ای diadelphous

[ع. گیاهی] ویژگی نافه‌ای با دو دسته پرچم  
که میله‌های هر دسته به هم جوش  
خورده‌اند

### دو دمان‌شناسی genealogy

[ع. گیاهی] بررسی تبارۀ یک فرد یا خانواده  
یا گروهی از یک نیا یا اشکال قدیمی‌تر

### دورگگی heterosis

[ع. گیاهی] برتری زادگان دورگه از نظر رشد و  
بقا و باروری نسبت به میانگین والدین  
خالص

مت. برتری دورگه hybrid vigor

### دورگه hybrid

[ع. گیاهی] موجود حاصل از آمیزش والدینی  
که از نظر ژن‌نمودی متفاوت باشند

### دورگه‌ای hybridism, hybridity

[ع. گیاهی] وضعیت دورگه بودن

### دورگهٔ بین‌گونه‌ای interspecific hybrid

[ع. گیاهی] دورگهٔ حاصل از آمیزش بین افراد  
دو یا چند گونهٔ مختلف

### دو تقارنی biradial

[ع. گیاهی] ویژگی گلی که دارای دو صفحهٔ  
تقارن است

### دوجور دولا<sup>۱</sup> amphidiploid<sup>1</sup>

[ع. گیاهی] موجود زنده‌ای که دارای دو  
ژنگان از حداقل دو گونهٔ مختلف باشد  
مت. دگرچارلاد allotetraploid

### دوجور دولا<sup>۲</sup> amphidiploid<sup>2</sup>

[ع. گیاهی] ویژگی موجود زنده‌ای که دارای  
دو ژنگان از حداقل دو گونهٔ مختلف باشد

### دوجور دولا<sup>۱</sup> amphidiploidy

[ع. گیاهی] حالت موجود زنده‌ای که دو ژنگان  
از حداقل دو گونهٔ مختلف دارد

### دوجور لادا<sup>۱</sup> amphiploid<sup>1</sup>

[ع. گیاهی] موجود زنده‌ای که ژنگانی  
برگرفته از دو گونهٔ مختلف دارد

### دوجور لادا<sup>۲</sup> amphiploid<sup>2</sup>

[ع. گیاهی] ویژگی موجود زنده‌ای که ژنگانی  
برگرفته از دو گونهٔ مختلف دارد

### دوجور لادی amphiploidy

[ع. گیاهی] حالتی از ژنگان مضاعف که از دو  
گونهٔ متفاوت منشأ گرفته است

### دو حلقه پرچمی diplostemonous

[ع. گیاهی] ویژگی نافه‌ای در دو چرخه  
به‌صورتی که پرچم‌های خارجی آن در

- dichotomy** **دوشاخگی**  
[ع. گیاهی] نقطهٔ انشعاب دو شاخه از درخت تکاملی شامل دو زادگان بلافصل
- dichotomic** **دوشاخه**  
[ع. گیاهی] ویژگی تبارشاهای که دارای دوشاخگی باشد
- fusiform** **دوکی‌شکل**  
[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی بیضی‌وار و باریک با دو سر کشیده در گیاهان
- diploid** **دولاد**  
[ع. گیاهی] موجود یا یاختهٔ دارای دو دست فام‌تن هم‌ساخت
- diploidy** **دولادی**  
[ع. گیاهی] حالت هسته یا یاخته‌ای که دولاد است
- diploidy** **دیرین‌انحصاری** ← دیرین‌بوم‌ویژه
- paleoendemic** **دیرین‌بوم‌ویژه**  
[ع. گیاهی] ویژگی گونه یا سردهٔ گیاهی یا جانوری که بوم‌ویژهٔ ناحیه یا محیط معینی بوده، اما در حال حاضر از وسعت محدودهٔ پراکنش آن کاسته شده است  
مت. دیرین‌انحصاری
- paleospecies, chronospecies** **دیرین‌گونه**  
[ع. گیاهی] گونه‌ای که در بیش از یک دورهٔ زمین‌شناسی وجود داشته باشد
- hybridize** **دورگه ساختن**  
[ع. گیاهی] عمل دورگه‌سازی
- single cross** **دورگهٔ ساده**  
[ع. گیاهی] دورگهٔ حاصل از تلاقی دو ژن‌نمود که معمولاً رگهٔ خویش‌آمیز هستند
- hybridization** **دورگه‌سازی**  
[ع. گیاهی] فرایند طبیعی یا مصنوعی ایجاد مولکول یا یاخته یا موجود دورگه  
مت. دورگه شدن
- hybridization** **دورگه شدن** ← دورگه‌سازی
- amphistomal** **دوروزنی**  
[ع. گیاهی] ویژگی تخمکی دوپوششی که هر دو تخمک‌پوش سفت آن را احاطه کرده‌اند
- amphistomal** **دوربختی جنسی**
- sexual dimorphism**  
[ع. گیاهی] وجود تفاوت‌های شاخص در شکل و اندازه و ریخت‌شناسی و دیگر ویژگی‌های افراد نر و مادهٔ یک گونه
- amphitropous** **دوسوگرا**  
[ع. گیاهی] ویژگی غالب تخمک‌ها که خمیدگی آنها در طی تکوین موجب قرار گرفتن سفت در مجاورت پایهٔ بند ناف می‌شود، به طوری که در آنها خورش در امتداد هر دو سطح بالا و پایین خم می‌شود

[ع. گیاهی] ساختمان نسبتاً سختی که بر روی غشای درون‌یاخته‌ای برخی از یاخته‌ها قرار گرفته است و کار حفاظت و شکل‌دهی آنها را بر عهده دارد

corymb

**دیپیم**

[ع. گیاهی] گل‌آذینی نامحدود شامل محوری منفرد با محورهای جانبی و/ یا دُمگل‌هایی که حامل گل‌هایی سر تخت (flat-topped) یا کوژ هستند

corymbose

**دیپیمی**

[ع. گیاهی] ویژگی گل‌آذینی به شکل دیپیم

plastid

**دیسه**

[ع. گیاهی] یکی از اندامک‌های یاخته‌ای محصور در غشا که در یاخته‌های گیاهی یافت می‌شود و وظایف کاراندام‌شناختی متفاوتی مانند سنتز (synthesis) و ذخیره‌سازی مواد را بر عهده دارد

septum

**دیواره**

[ع. گیاهی] جدار جداکنندهٔ دو حفره

septal

**دیواره‌ای**

[ع. گیاهی] مربوط به دیواره

cell wall

**دیوارهٔ یاخته**



### رابطه بین گونه‌ای

interspecific relation

ع. گیاهی] رابطه موجود بین دو یا چند گونه

### رابطه مبدأ - مقصد

source-sink

ع. گیاهی] رابطه میان دو بخش یک سامانه یا دو اندام یک گیاه در فرایند فتوسنتز (photosynthesis) که در آن یک بخش در حکم تولیدکننده، یعنی مبدأ، عمل می‌کند و بخش دیگر در حکم محل تجمع یا مصرف، یعنی مقصد

### رأس

apex, point

ع. گیاهی] بالاترین قسمت هر زائده یا انتهای هر اندام در گیاهان  
متن . نوک  
tip

### راست - خمش‌گرا

ortho-campylotropous

ع. گیاهی] ویژگی تخمکی، با آوندبندی (vasculature) راست و بدون پیکره پایه (basal body)، که از پایه بند ناف تا وسط خورشی که فقط در طول سطح پایین خم شده است، امتداد دارد

### راست - دوسوگرا

ortho-amphitropous

ع. گیاهی] ویژگی تخمکی با آوندبندی (vasculature) راست که از پایه بند ناف تا وسط خورشی که در طول هر دو سطح بالا و پایین به شدت خم شده است، امتداد دارد و اغلب دارای پیکره پایه (basal body) است

### راسته

order

ع. گیاهی] پنجمین رتبه رسمی در آرایه‌شناسی موجودات زنده، بالاتر از تیره و پایین‌تر از رده

### راست

orthotropous

ع. گیاهی] ویژگی تخمکی که در طی تکوین هیچ خمیدگی در آن ایجاد نمی‌شود و در نتیجه سفت در مقابل پایه بند ناف قرار می‌گیرد

**Rafflesia****رافلزیا**

[ع. گیاهی] سرده‌ای انگلی از رافلزیاثیان با پانزده تا نوزده گونه که همگی بومی آسیای جنوب شرقی هستند؛ این گیاهان ساقه و ریشه و برگ واقعی ندارند و تنها بخش قابل‌رؤیت آنها در بیرون از بافت میزبان، گلی درشت و پنج‌گلبرگی است که در گونه‌های مختلف ممکن است بیش از ۱۰۰ سانتی‌متر قطر و تا ده کیلوگرم وزن داشته باشد؛ بو و ظاهر این گل مانند گوشت فاسد است که موجب جمع شدن مگس به دور آن و انتقال گرده از گل‌های نر به گل‌های ماده می‌شود

\* نام این سرده و تیره منسوب به آن از نام سیر توماس استمفورد رافلز (Sir Thomas Stamford Raffles) حاکم بریتانیایی سوماترا گرفته شده است.

**Rafflesiaceae****رافلزیاثیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از مالپیگی‌سانان انگلی با سه سرده و حدود بیست گونه که در شرق و جنوب شرقی آسیا می‌رویند؛ این گیاهان ساقه و برگ و ریشه و هیچ‌گونه بافت فتوسنتزکننده‌ای (photosynthetic) ندارند و گل‌های آنها بر روی ریشه‌ها یا بخش‌های پایینی ساقه گیاه میزبان قرار دارد؛ برخی از این گیاهان انگل داخلی سرده‌ای از انگوریان هستند

**genetic drift****رانس ژنی**

[ع. گیاهی] نوسانات تصادفی در فراوانی نسبی دگره‌های ژن‌ها در جمعیت‌های کوچک

**acrodromous****رأسرو**

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی دارای دو یا چند رگبرگ اولین یا رگبرگ‌های دومین ضخیم‌شده که به صورت قوس‌هایی همگرا به سمت رأس برگ می‌روند، اما در قاعده انحنای ندارند

**apical<sup>1</sup>****رأسی<sup>۱</sup>**

[ع. گیاهی] ویژگی تمکنی که در آن جفت در بالای تخمدان قرار دارد

**pendulous****مت. آویخته****apical<sup>2</sup>****رأسی<sup>۲</sup>**

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا بخش‌هایی از گیاه که در بالا یا نوک یا سر ساختاری از گیاه قرار دارد

**Fagus****راش**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از راشیان خزان‌دار با گل‌های تک‌جنسی و گل‌آذین دُم‌گربه‌ای

**Fagales****راش‌سانان**

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها شامل درختانی مانند توسکا و فندق و راش و گردو و غان

**Fagaceae****راشیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از راش‌سانان درختی یا درختچه‌ای با برگ‌های ساده‌متناوب و کامل و دندانه‌دار یا لپ‌دار و گل‌های تک‌جنسی با گل‌آذین دُم‌گربه‌ای و میوه فندق‌ی یک یا دودانه‌ای که گریبانی پیاله‌مانند آن را احاطه کرده است

**phenetic** **رُخمانی**  
 [ع. گیاهی] ویژگی تحلیلی آرایه‌شناختی که بر تشابه کلی خصوصیات آرایه‌های زیستی، صرف‌نظر از روابط تبارشناختی، تأکید دارد  
 مت. - رُخمان‌بندشی

**phenotype** **رُخ‌نمود**  
 [ع. گیاهی] مجموعه ویژگی‌های ساختاری و عملکردی قابل تشخیص در موجود زنده

**phenotypic** **رُخ‌نمودی**  
 [ع. گیاهی] مربوط به رُخ‌نمود

**class** **رده**  
 [ع. گیاهی] چهارمین رتبه رسمی در آرایه‌شناسی موجودات زنده، بالاتر از راسته و پایین‌تر از شاخه

**classification** **رده‌بندی**  
 [ع. گیاهی] گروه‌بندی موجودات در یک سامانه یا سلسله‌مراتبی از رتبه‌ها براساس ساختار و منشأ یا نشان‌ویژه‌های دیگر  
 مت. - طبقه‌بندی  
 \* رده‌بندی مصوب فرهنگستان اول است.

**رده‌بندی رُخمانی** ← رُخمان‌بندی

**رزین** ← آنگم

**secondary growth** **رشد پسین**  
 [ع. گیاهی] رشد حاصل از فعالیت سرلادهای جانبی یعنی بُن‌لاد آوندی و بُن‌لاد چوب‌پنبه

**lyrate** **ربابی**  
 [ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی با لپ‌های کم‌وبیش‌شانه‌ای در گیاهان که لپ انتهایی آن از لپ‌های دیگر بزرگ‌تر باشد

**rank** **رتبه**  
 [ع. گیاهی] هریک از سطوح رسمی در سازگان‌های رده‌بندی موجودات زنده

**رتبه درون‌گونه‌ای**  
**intraspecific rank**  
 [ع. گیاهی] رتبه‌ای که مراتب تعامل افراد در درون یک گونه را معین می‌کند

**رتبه فراگونه‌ای**  
**supraspecific rank**  
 [ع. گیاهی] رتبه‌ای در سلسله‌مراتب رده‌بندی که بالاتر از گونه قرار دارد

**phenon** **رُخمان**  
 [ع. گیاهی] گروهی از موجودات زنده که از نظر ظاهر شبیه به یکدیگرند

**رُخمان‌بندشی** ← رُخمانی

**phenetics** **رُخمان‌بندی**  
 [ع. گیاهی] یک نظام رده‌بندی که در آن آرایه‌ها براساس سنجه‌های شباهت کلی گروه‌بندی می‌شوند  
 مت. - رده‌بندی رُخمانی  
**phenetic classification**

ع. گیاهی] رگبرگ مرکزی و اصلی پهنک  
برگچه

secondary vein      **رگبرگ دومین**  
ع. گیاهی] رگبرگی که از رگبرگ اولین  
منشعب می‌شود و از آن کوچکتر است

tertiary vein      **رگبرگ سومین**  
ع. گیاهی] رگبرگی که از رگبرگ دومین  
منشعب می‌شود و از آن کوچکتر است

veinlet, nerville,      **رگبرگ فرعی**  
small vein  
ع. گیاهی] یکی از رگبرگ‌های نهایی یا  
انشعابات کوچکتر یک رگبرگ یا یک ردیف

venation, veining      **رگ‌بندی**  
ع. گیاهی] مجموعه‌ای از انشعاب‌های  
رگبرگ‌های یک برگ یا اندام‌های  
هم‌ساخت

رگه<sup>۱</sup> ← رگبرگ

line      **رگه<sup>۲</sup>**  
ع. گیاهی] گیاهی که همهٔ افراد آن صفت  
خاص خالصی داشته باشند و از طریق  
گرده‌افشانی نظارت‌شده تکثیر شوند

A-line      **رگه<sup>۳</sup> آ**  
ع. گیاهی] رگه‌ای با میان‌باختهٔ نرعیتم و  
بدون دگره‌های بازگردان باروری که از آن  
در تولید بذر دورگه به‌عنوان والد مادری  
استفاده می‌کنند

**رشد جمعیت**  
population growth

ع. گیاهی] تغییر در اندازهٔ جمعیت در طول  
زمان بر اثر زادوولد و مرگومیر و  
درون‌کوچی (immigration) و برون‌کوچی  
(emigration)

primary growth      **رشد نخستین**  
ع. گیاهی] رشد حاصل از فعالیت سرلادهای  
انتهای

**رقابت بین‌گونه‌ای**  
interspecific competition

ع. گیاهی] رقابت موجود بین دو یا چند گونه

vein      **رگبرگ**

ع. گیاهی] مجموعه‌ای آوندی- فیبری  
(fibrovascular) که مانند رشته‌ای عصبی  
در سطح یا نزدیک به سطح برگ یا  
کاسبرگ یا گلبرگ یا دیگر اندام‌ها امتداد  
یافته است

nerve      مت. رگه<sup>۱</sup>

midrib, costa      **رگبرگ اصلی**

ع. گیاهی] رگبرگ یا رگهٔ میانی برگ که از  
قاعده تا رأس پهنک امتداد دارد

primary vein      **رگبرگ اولین**

ع. گیاهی] رگبرگ یا رگبرگ‌های اصلی یک  
برگ از لحاظ اندازه

midvein      **رگبرگچهٔ اصلی**



ع. گیاهی] رگه‌ای که با آمیزش خویشاوندی مکرر در اکثر ژن‌های آن جورزایی برقرار شده باشد

**رگه‌دار** *ribbed, costate*  
ع. گیاهی] ویژگی سطحی با یک یا چند رگبرگ اولین یا برجستگی‌های طولی (ridges)

**رگه نرعیتم** *male steril line*  
ع. گیاهی] رگه‌ای که قادر به تولید دانه گرده فعال و زنده نیست

**رگه نگهدار** *maintainer line*  
ع. گیاهی] رگه‌ای که برای نگهداری و تکثیر رگه نرعیتم میان‌یاخته‌ای به کار می‌رود و معمولاً میان‌یاخته طبیعی و دگره‌های مغلوب در محل بازگردان باروری دارد

**رگه‌های نسبتاً هم‌ژن**  
*near isogenic lines*

ع. گیاهی] دو یا چند رگه حاصل از خودگشتی‌های تکراری، از نسل ششم به بعد

**رگه‌های هم‌ژن** *isogenic lines, isolines*

ع. گیاهی] دو یا چند رگه که فقط از نظر یک ژن یا مکان ژنی متفاوت هستند

**رَمزه** *codon*

ع. گیاهی] توالی سه نوکلئوتیدی در رِنا که رمز یک آمینو اسید ویژه را در زنجیره پلی‌پپتیدی تعیین می‌کند

**رگه آر** ← رگه بازگردان باروری

**رگه اضافه‌دار** *addition line*

ع. گیاهی] رگه‌ای که علاوه بر فام‌تن‌های پایه، فام‌تن یا بازوهای اضافی از فام‌تن‌های دیگر دارد

**رگه بازگردان باروری**  
*fertility restorer line, restorer line*

ع. گیاهی] رگه‌ای که ژن‌های هسته‌ای آن باروری را به رگه‌های نرعیتم میان‌یاخته‌ای باز می‌گرداند و با رگه آر برای تولید بذور دورگه تلاقی داده می‌شود

مت. رگه آر *R-line*

**رگه بیگانه‌اضافه‌دار**  
*alien addition line*

ع. گیاهی] رگه‌ای گیاهی با یک یا چند فام‌تن اضافی از یک گونه بیگانه

**رگه تراژنی** *transgenic line*

ع. گیاهی] رگه‌ای که قطعه‌ای از دِنای خارجی دارد

**رگه خالص** *pure line*

ع. گیاهی] تعدادی گیاه که از یک تک‌بوته در یکی از نسل‌های حاصل از خودگشتی به دست می‌آید

**رگه خویش‌آمیخته**  
*inbred line, Inbred strain*

ribosome	رِئَاتِن
[ع. گیاهی] اندامک درون‌یاخته‌ای که عمدتاً از رِئَا تشکیل شده و جایگاه سنتز (synthesis) پروتئین است	
rodane ← پوستهٔ دانه	
roost <sup>1</sup> ← گیاه روئست	
epiphytic	روئست <sup>۲</sup>
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که دورهٔ رشد خود را بر روی گیاهی دیگر طی کند	
epiphytism	روئستی
[ع. گیاهی] طی کردن دورهٔ رشد روی گیاه دیگر	
epigeal	روزمینی
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که در هنگام جوانه زدن بذر لپه‌های آن در بالای سطح خاک قرار می‌گیرد	
hydathode	روزنهٔ آبی
[ع. گیاهی] منفذی در روپوست برگ برخی از گیاهان که آب به‌صورت مایع از آن خارج می‌شود	
stoma	روزنهٔ هوایی
[ع. گیاهی] منفذی در روپوست برگ‌ها و ساقه‌های جوان که باعث تبادل گاز بین بافت‌های داخل گیاه و محیط می‌شود	
anise oil, oil of anise	روغن بادیان رومی
[ع. دارویی] روغنی که ۸ تا ۲۳ درصد آن را اسیدهای چرب تشکیل می‌دهند و از بذر بادیان رومی استخراج می‌شود	
chromoplast	رنگ‌دیسه
[ع. گیاهی] نوعی دیسه در یاختهٔ گیاهی که دارای رنگیزه‌هایی به‌غیر از سبزینه است	
epithem	روآکنه
[ع. گیاهی] نوعی بافت گیاهی متشکل از یاخته‌های تخصص‌یافته و فضاهای میان‌یاخته‌ها که روزنه‌های آبی را می‌سازد	
epiderm	روپوست
[ع. گیاهی] خارجی‌ترین لایهٔ ساقه و ریشه و برگ	
epidermic, epidermal	روپوستی
[ع. گیاهی] مربوط به روپوست	
epiperigenous	رو-پیراتخمدانی
[ع. گیاهی] ویژگی گلی با گل‌بُنهٔ متصل به رأس تخمدان تحتانی به‌نحوی که کاسبرگ‌ها و گلبرگ‌ها و پرچم‌های آن به لبهٔ گل‌بُنه چسبیده‌اند	
epigenous	روتخمدانی
[ع. گیاهی] ویژگی گلی که کاسبرگ‌ها و گلبرگ‌ها و پرچم‌های آن در رأس تخمدان تحتانی قرار دارند	

روغن بزرک ← روغن تخم کتان

linseed oil, روغن تخم کتان  
flaxseed oil

← گ. دارویی] روغن گیاهی دارای لینولئیک اسید که به عنوان روغن خشک کننده و همچنین در تهیه آنگم‌های آلکید (Alkyd) و کره گیاهی کاربرد دارد  
مت. روغن بزرک

← گ. دارویی] گلیسرید کربوکسیلیک- اسید دارای چند پیوند دوگانه که از گرم کردن روغن کرچک تا سیصد درجه سلسیوس در مجاورت یک کاتالیزگر به دست می‌آید

oil of coriander روغن گشنیز

← گ. دارویی] روغن فراری که از تقطیر دانه‌های رسیده گشنیز به دست می‌آید

oil of clove, روغن میخک  
clove oil

← گ. دارویی] ۱. روغن فراری که از تقطیر برگ‌های درخت میخک به دست می‌آید  
۲. روغن فراری که از تقطیر غنچه‌های ناشکفته و خشک شده درخت میخک به دست می‌آید

oil of cinnamon روغن دارچین

← گ. دارویی] روغن فراری که از تقطیر پوست درخت دارچین به دست می‌آید

oil of dill روغن شوید

← گ. دارویی] روغن فراری که از تقطیر با بخار دانه‌های رسیده شوید در آب به دست می‌آید

روغن نعناقلی

oil of peppermint,  
peppermint essential oil

← گ. دارویی] روغنی که از تقطیر گیاه نعناقلی به دست می‌آید

oil of camphor, روغن کافور  
camphor essential oil

← گ. دارویی] روغنی به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد، یا بویی تند که از درخت کافور به دست می‌آید

episepalous روکاسبرگی

ع. گیاهی] ویژگی پرچم‌هایی که بر روی کاسبرگ‌ها یا کاسه گل به هم جوش خورده‌اند

castor oil روغن کرچک

← گ. دارویی] روغنی امتزاج‌پذیر با الکل که از دانه‌های گیاه کرچک استخراج می‌شود

epitropous روگرا

ع. گیاهی] ویژگی تخمکی که سفت آن دور از پایه تخمک است

روغن کرچک آب‌زوده  
dehydrated castor oil

**دوگرای پستی**

**epitropous-dorsal**

[ع. گیاهی] ویژگی تخمک روگرایی که نقش بند آن پستی یعنی نامحورسو است و بنابراین، با محور مرکزی تخمدان یا گل ناهمسو است

**دوگرای شکمی**

**epitropous-ventral**

[ع. گیاهی] ویژگی تخمک روگرایی که نقش بند آن شکمی یعنی محورسو است و بنابراین، با محور مرکزی تخمدان یا گل همسو است

**روگلبرگی**

**epipetalous, petalostemonous**

[ع. گیاهی] ویژگی پرچم‌هایی که بر روی گلبرگ‌ها یا جام گل جوش خورده‌اند

**روگلپاری**

**epitepalous**

[ع. گیاهی] ویژگی پرچم‌هایی که کاملاً به گل‌پوش یا گلپارها جوش خورده‌اند

**روناسی**

**Rubia**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از روناسیان علفی و نیمه‌درختچه‌ای چندساله‌ی خزنده یا بالارونده با حدود ۶۰ گونه که بومی افریقا و نواحی معتدل آسیا و امریکا هستند؛ گل‌های کوچک آنها پنج گلبرگ زرد کم‌رنگ دارد و گل‌آذینشان خوشه‌ای متراکم است؛ از ریشه این گیاهان رنگ سرخ تهیه می‌کنند

**روناسیان**

**Rubiaceae**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از گل‌سپاسی‌سانان غالباً درختچه‌ای و گاه درختی یا بالارونده یا علفی با حدود ۶۰۰ سرده و ۶۰۰۰ گونه که بالاترین تنوع را در مناطق گرم مرطوب دارند؛ آرایش برگ‌ها معمولاً متقابل با ظاهری فراهم است و گل‌هایشان معمولاً دوجنسی و جام و کاسه آنها چهار تا پنج‌آبی است و چهار تا پنج پرچم و دو برچه دارند

**رویان**

**embryo**

[ع. گیاهی] ساختاری در دانه گیاهان، قبل از جوانه‌زنی، که از تکوین تخم به وجود می‌آید

**رویانبَر**

**embryophore**

[ع. گیاهی] پوسته دربرگیرنده رویان

**رویان‌داران**

**Embryophytes**

[ع. گیاهی] مجموعه گیاهان خشکی‌زی یا آبی با نیاهای خشکی‌زی که توانایی تولید رویان پریاخته دارند

**رویان‌زایشی**

**embryogenetic**

[ع. گیاهی] مربوط به رویان‌زایی

**رویان‌زایی**

**embryogenesis**

[ع. گیاهی] رشد و تکامل رویان

**رویان‌شناختی**

**embryologic**

[ع. گیاهی] مربوط به رویان‌شناسی

lineolate	<b>ریزخطدار</b>	embryology	<b>رویانشناسی</b>
[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با خطوط ظریف و محو		[ع. گیاهی] علم مطالعه تکوین و نمو رویان	
granule	<b>ریزدانه</b>	embryonic, embryonal	<b>رویانی</b>
[ع. گیاهی] هر دانه کوچک مانند دانه گرده و سبزدیسه		[ع. گیاهی] مربوط به رویان	
granular, granulate	<b>ریزدانه‌ای</b>	morphospecies	<b>ریخت‌گونه</b>
[ع. گیاهی] به شکل ریزدانه		[ع. گیاهی] گونه‌ای که براساس ویژگی‌های ریخت‌شناختی (morphologic) تعیین می‌شود	
granulation	<b>ریزدانه‌ای شدن</b>	serrulate, finely serrate	<b>ریزاره‌ای</b>
[ع. گیاهی] فرایند تشکیل بافت ریزدانه‌ای		[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌گی که حاشیه آن دندانه‌های اره‌ای بسیار ریز داشته باشد	
granuliferous <sup>1</sup>	<b>ریزدانه‌بر</b>	microorganism	<b>ریزاندامگان</b>
[ع. گیاهی] حامل و دارنده ریزدانه		[ع. گیاهی] اندامگانی ریز از زمره پیش‌زیان، باکتری‌ها، مخمرها، ویروس‌ها و جلبک‌های تک‌یاخته‌ای	
granulose, granuliferous <sup>2</sup>	<b>ریزدانه‌دار</b>	microorganic, microorganismal	<b>ریزاندامگانی</b>
[ع. گیاهی] دارای ریزدانه		[ع. گیاهی] مربوط به ریزاندامگان	
denticulate, finely dented	<b>ریزدندانه‌ای</b>	micropropagation	<b>ریز تکثیر</b>
[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌گی که حاشیه آن دندانه‌های بسیار ریز و برجسته داشته باشد		[ع. گیاهی] ازدیاد درون شیشه‌ای گیاهان با استفاده از کشت قطعات بافت یا اندام آنها	
microfilament	<b>ریزرشته</b>	microbody	<b>ریزتن</b>
[ع. گیاهی] ساختاری کوچک و رشته‌مانند متشکل از پروتئینی شبیه به اکتین (actin) که به صورت منفرد یا دسته‌ای است و در حرکت میان‌یاخته‌ای و تغییر شکل یاخته دخالت دارد		[ع. گیاهی] اندامکی پوشیده از غشا با قطر معمولاً کمتر از یک میکرون حاوی تعدادی از زی‌مایه‌های وابسته به یکدیگر	

microtubule	<b>ریزلوله</b>	microfilamentous	<b>دیزرشته‌ای</b>
[ع. گیاهی] استوانه‌های توخالی که میان‌یاخته هوهسته‌ای‌ها را در بر می‌گیرد و به ساختار درونی یاخته شکل می‌دهد و موجب حرکت و انتقال مواد می‌شود		[ع. گیاهی] مربوط به ریزرشته یا از جنس ریزرشته	
			<b>ریززی‌سازند ←</b> ریزی‌سازند
microtubular	<b>ریزلوله‌ای</b>	microgamete	<b>ریزکامه</b>
[ع. گیاهی] مربوط به ریزلوله		[ع. گیاهی] کامهٔ ریز	
	<b>ریزماهواره</b>	puberulent, minutely pubescent	<b>ریزکرک‌آلود</b>
← تکراری‌های پیاپی کوتاه		[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با کرک‌های بسیار ظریف و کوتاه افتاده	
setulose, finely setose	<b>ریز موریشی</b>	crenulate	<b>ریزکنگره‌ای</b>
[ع. گیاهی] ویژگی سطحی پوشیده از زبرکرک‌های ریز و بسیار ظریف		[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌گی که لبهٔ آن دارای دالبرهای بسیار کوچک باشد	
floccose	<b>ریزنده‌کرک</b>	thylakoid	<b>ریزکیسه</b>
[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده از خوشه‌کرک‌های پشمی که به آسانی پاک می‌شوند		[ع. گیاهی] هریک از لایه‌های کیسه‌ای شکل ریز تشکیل‌دهندهٔ دانگان‌ها در سبزدیسه	
tomentulose	<b>ریزنمدی</b>	microspecies, jordanon	<b>ریزگونه</b>
[ع. گیاهی] ویژگی کرک‌پوشی پوشیده از کرک‌های نمدی ریز		[ع. گیاهی] جمعیت گونهٔ محلی کوچکی که تحت تأثیر شرایط بوم‌شناختی خاص با جمعیت‌های محلی دیگر تفاوت‌های بارز پیدا کرده است	
	<b>ریززی‌سازند ←</b> ریزی‌سازند		
microbiocoenosis	<b>ریزی‌سازند</b>	faveolatus	<b>ریزلانه‌زنبوری</b>
[ع. گیاهی] مجموعهٔ ریزاندامگان‌هایی که در یک بوم‌سازگان زندگی می‌کنند		[ع. گیاهی] ویژگی‌های سطحی با لانه‌زنبوری‌های ریز	
	مت. ریزی‌سازند		

bench root,  
gooseneck

ریشه چنبری

[ع. گیاهی] حالتی که در آن ریشه اولیه  
دان نهال (seedling) برابر مقاومت پوسته  
بذر به حالت حلقوی درمی آید

woody root

ریشه چوبی

[ع. گیاهی] ریشه‌ای که حاوی بافت چوبی  
پسین است

rooting,  
rhyzogenesis

ریشه‌زایی

[ع. گیاهی] فرایند تولید ریشه

shallow-rooted

ریشه سطحی

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که همه یا بخش  
عمده ریشه آن نزدیک به سطح خاک رشد  
کند

deep-rooted

ریشه عمقی

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که ریشه آن در  
اعماق خاک رشد می‌کند

aerial root

ریشه هوایی

[ع. گیاهی] ریشه‌ای که بر روی اندام‌های  
هوایی گیاه به وجود می‌آید

thallus

ریسه

[ع. گیاهی] دستگاه رویشی گیاهان پست که  
فاقد تمایز کامل بافتی است و در حد  
ابتدایی باقی مانده است

Thallophyta,  
Thallobionta

ریسه‌داران

[ع. گیاهی] شاخه‌ای از گیاهان پست که فاقد  
بافت‌ها یا اندام‌هایی با تمایز کامل بافتی  
هستند

thallophyte

ریسه‌رُست

[ع. گیاهی] گیاهی که رشد آن ریشه‌ای است  
و برگ یا محور مشخص در آن دیده  
نمی‌شود

thalloid

ریسه‌سا

[ع. گیاهی] مانند ریسه

bearded, barbate

ریش‌دار

[ع. گیاهی] دارای کرک‌های بلند معمولاً  
دسته‌ای یا خطی یا ناحیه‌ای

hirsute

ریش‌سان

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش با  
کرک‌هایی بلند و سفت

ریشک ← داسه

# ز، ژ

زاد آوردن ← تولیدمثل کردن

گرفته شده که مطابق با قواعد تحول آوایی به صورت زاگ، بازسازی شده است.

زادآوردی ← تولیدمثلی

زومه<sup>۱</sup> spermatozoid, sperm

[ع. گیاهی] یاخته‌های جنسی نر بالغ که مامه را بارور می‌کند

زادآوری ← تولیدمثل

زادآوری کردن ← تولیدمثل کردن

زامه<sup>۲</sup> ← گیازامه

زادمایه germplasm

زامه‌ای ← گیازامه‌ای

[ع. گیاهی] مجموعه مواد توارثی در یک فرد یا گونه

زامه‌دان antheridium, antherid

[ع. گیاهی] اندامی در برخی نهانزادان که در آن یاخته‌های جنسی نر تولید می‌شود

زاگ zygote

[ع. گیاهی] یاخته‌ای دولاد که از آمیزش کامه‌های تک‌لاد نر و ماده حاصل می‌شود  
مت. تخم

زامه‌دان‌بر antheridiophore

[ع. گیاهی] پایه حامل زامه‌دان

\* از آنجا که «تخم» در برابر واژه‌های بیگانه متعدد به کار می‌رود، فرهنگستان برای خاص کردن «zygote» واژه «زاگ» را برگزیده است.  
«زاگ» از زایگ (zāyag) پهلوی به معنی فرزند

زامه‌دانی antheridial

[ع. گیاهی] مربوط به زامه‌دان



می‌رویند و در سرتاسر جهان پراکنده‌اند؛ زمین‌ساقهٔ این گیاهان خزنده بلند و باریک و برگ‌های آنها باریک و خطی و متقابل و فراهم یا متناوب با غلاف قاعده‌ای است؛ گل‌های تک‌جنسی و کوچکشان به‌صورت منفرد در کنار برگ یا در سنبله‌های کوچک قرار دارد  
مت. . یال‌اسبیان

زایش خودبه‌خودی ← نازیبست‌زایی

ligule **زبانک**

[ع. گیاهی] زایده‌ای کوچک در سطح فوقانی و نزدیک به قاعدهٔ برگ در برخی از گیاهان

ligulate<sup>1</sup> **زبانک‌دار**

[ع. گیاهی] دارای زبانک

ligulate<sup>2</sup>, strap-shaped, tongue-shaped **زبان‌های**

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل نوار و تا حدی مستطیلی در گیاهان

scabrous **زبر**

[ع. گیاهی] ویژگی سطح یا کرک‌پوشی با زوائد یا کرک‌هایی خشن شبیه به کاغذ سنباده

bristle **زئوکوک**

[ع. گیاهی] ساختار خارجی موماندی محکم‌تر از کرک در گیاهان

spermatogonium **زآمه‌زا**

[ع. گیاهی] اولین یاخته‌های مولد یاختهٔ جنسی نر

spermatogenetic **زآمه‌زایشی**

[ع. گیاهی] مربوط به زآمه‌زایی

spermatogenesis **زآمه‌زایی**

[ع. گیاهی] فرایند به وجود آمدن زآمه

spermatid **زام‌یاختک**

[ع. گیاهی] یاختهٔ تک‌لاد غیرمتحرک که در فرایند زآمه‌زایی تولید و پس از تمایز به زآمۀ بالغ تبدیل می‌شود

spermatocyte **زام‌یاخته**

[ع. گیاهی] یاخته‌ای که از رشد زآمه‌زا به وجود می‌آید

Zannichellia **زانشلیلیا**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از زانشلیلیان آبی‌زی غوطه‌ور علفی چندساله با یک گونه و پراکنش جهانی که حاشیۀ برگ‌های آن کامل و گل‌آذین آن معمولاً دارای دو گل با دُمگل کوتاه و کلالهٔ نامتقارن قیفی است  
مت. . یال‌اسبی

Zannichelliaceae **زانشلیلیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از قاشق‌واش‌سانان آبی‌زی غوطه‌ور چندساله با چهار سرده و شش گونه که در آب‌های شور یا شیرین

## زرشکیان Berberidaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از آلاله‌سانان به شکل درختچهٔ خاردار یا بدون خار و جداگلیبرگ

## زُرگیل long long, langsat

[ع. گیاهی] میوهٔ گیاهی با نام علمی زُرگیل اهلی (*Lansium domesticum*) از تیرهٔ زیتون‌تلخیان و راستهٔ افراسانان که اندازهٔ آن دوونیم تا پنج سانتی‌متر و به شکل بیضوی یا کروی است و آرایشی خوشه‌ای دارد و به‌صورت خوشه‌های دو تا سی‌تایی است؛ رنگ آن زرد مایل به خاکستری یا قهوه‌ای یا صورتی کم‌رنگ است و دارای پوست مخملی نازک یا ضخیمی است که حاوی شیرابه است؛ در زیر پوست آن گوشتهٔ شفاف و آبدار قرار دارد که از پنج تا شش برش یا پره تشکیل شده است؛ طعم آن ترش و شیرین است و اکثراً در جنوب تایلند و مالزی و اندونزی و فیلیپین می‌روید

## زغال‌اخته Cornus

[ع. گیاهی] سرده‌ای از زغال‌اخته‌ایان با ۳۰ تا ۵۰ گونهٔ اغلب خزان‌دار

## زغال‌اخته‌ایان Cornaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از زغال‌اخته‌سانان درختی یا درختچه‌ای و به‌ندرت علفی با برگ‌های معمولاً متقابل که گل‌های آنها غالباً به‌صورت مجتمع در گُل آذین دیهیم قرار دارد و دارای چهار تا پنج پرچم است و میوهٔ آنها معمولاً از نوع شفت و به‌ندرت از نوع سبته است

## زُبرمو strigose

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده از کرک‌های متراکم و زبر و خمیده و غالباً تخت با قاعده‌ای غده‌مانند

## زُبرموی کوتاه steriglose

[ع. گیاهی] ویژگی کرک‌پوشی پوشیده از زبرموهای ظریف و کوتاه

## زُرآوند Aristolochia

[ع. گیاهی] سرده‌ای علفی با حدود ۴۰۰ گونه با ساقهٔ به‌ندرت بالاروندهٔ چوبی، بومی مناطق گرمسیر و نیمه‌گرمسیر و معتدل بر قدیم و استرالیا؛ برگ‌های آنها متناوب و کامل و دُمبرگ‌دار با قاعدهٔ پهنک قلبی‌شکل است؛ میوهٔ آنها پوشینهٔ شکوفاست که با شش شکاف باز می‌شود

## زُرآوندیان Aristolochiaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از زُرآوندسانان (*Aristolochiales*) چندساله، با برگ‌هایی متناوب و قاعده‌ای قلبی‌شکل

## زُرشک Berberis

[ع. گیاهی] سرده‌ای از زرشکیان درختچه‌ای خزان‌دار یا همیشه‌سبز با حدود ۵۰۰ گونه که اغلب آنها بومی نواحی معتدل شمالی به‌ویژه آسیا هستند؛ چوب گیاهان این سرده زرد و گل‌های شش‌گلیبرگی آنها نیز زرد است و معمولاً خارهایی سه‌شاخه در قاعدهٔ دُمبرگ‌ها دارند؛ میوهٔ آنها ستهٔ قرمز یا زرد یا آبی یا ارغوانی یا سیاه با یک یا چند دانه است؛ از گونه‌های این سرده برای تولید شهد و تهیهٔ رنگ زرد استفاده می‌شود

**زمین‌گرایی** geotropism

ع. گیاهی] واکنش گیاه نسبت به قوه جاذبه زمین و متمایل شدن اندام‌های آن به سمت زمین

**زنبق** *Iris*

ع. گیاهی] سرده‌ای از زنبقیان علفی چندساله با ۲۰۰ تا ۳۰۰ گونه و ساقه‌های زیرزمینی و گل‌های زیبا که در نواحی معتدل نیمکره شمالی پراکنده‌اند

**زنبقیان** Iridaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از مارچوبه‌سانان با انواع ساقه‌های زیرزمینی و برگ‌های خطی با نواری که گل‌پوش شش‌قطعه‌ای و خامه سه‌قسمتی و سه پرچم دارند و میوه آنها پوشینه است

**زنجبیل** *Zingiber*

ع. گیاهی] سرده‌ای از زنجبیلیان علفی ایستاده چندساله با حدود ۷۰ گونه، بومی آسیای جنوب شرقی با ساقه باریک و نی‌مانند و برگ‌های سرنیزه‌ای سبز براق که از زمین‌ساقه‌ای غده‌ای می‌رویند؛ گل‌های آنها سبز مایل به زرد با لبه‌ای ارغوانی و لکه‌های کرم‌رنگ و گل‌آذین مخروطی و کوچک و سنبله‌ای متراکم است که در تابستان از زمین‌ساقه بیرون می‌زند

**زنجبیل‌سانان** Zingiberales

ع. گیاهی] راسته‌ای از تک‌لپه‌ای‌ها شامل گیاهانی مانند زنجبیل و موز

**زغال‌اخته‌سانان** Cornales

ع. گیاهی] راسته‌ای از گیاهان گل‌دار با حدود ۶۰۰ گونه که دارای گلبرگ‌های جدا از هم هستند

**زگیل‌دار** papillate, verrucate, tuberculate

ع. گیاهی] ویژگی سطحی با برآمدگی‌های ریز و گرد

**زمستانی** hibernal, hiemal

ع. گیاهی] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در فصل زمستان اتفاق می‌افتد

**زمین‌ساقه** rhizome

ع. گیاهی] ساقه زیرزمینی برخی گیاهان که دارای رشد افقی است و به‌عنوان اندام تکثیر رویشی عمل می‌کند

**زمین‌ساقه‌ای** rhizomatous

ع. گیاهی] دارای زمین‌ساقه؛ شبیه به زمین‌ساقه

**زمین‌ساقه‌ریخت** rhizomorph

ع. گیاهی] به شکل زمین‌ساقه

**زمین‌گرا** geotropic

ع. گیاهی] ویژگی اندام‌های گیاهی که متأثر از قوه جاذبه به سمت زمین متمایل شده باشند

[← ک. دارویی] گونه‌ای زبان به شکل گیاهی یک‌ساله به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتی‌متر و معطر و با برگ‌های ۲ تا ۳ بار شانه‌ای و گل‌های سفید و گل‌آذین چتری و میوه‌هایی به طول ۲ میلی‌متر

### زوبین شکل ← زوبینی

*hastate*

### زوبینی

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی در گیاهان که تقریباً تا قاعده سه‌گوش باشد و بعد ناگهان به سمت دو لپ جانبی عمود بر محور اصلی پهن شود

*hastiform*

مت. زوبین شکل

*caducous*

### زودریز

[ع. گیاهی] ویژگی بخشی از گیاه که زودتر از معمول می‌ریزد

*Hyssopus, hyssop*

### زوفای

[← ک. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان بوته‌ای یا درختچه‌ای کوتاه‌قد و معطر و با گل‌آذین سنبله و انتهایی و گل‌های آبی یا ارغوانی یا صورتی و جام گل دولبه‌ای قیفی شکل و چهار پرچم و جام گل بیرون‌آمده

### زوفای برگ‌باریک

*Hyssopus angustifolius*

[← ک. دارویی] گونه‌ای زوفای به شکل گیاه بوته‌ای به ارتفاع ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر با ساقه‌های فراوان چهارگوش و برگ‌های خطی باریک و گل‌آذین خطی انتهایی با گل‌های یک‌طرفه و بنفش یا آبی به طول ۱۰ تا ۱۲ میلی‌متر

Zingiberaceae

### زنجبیلیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از زنجبیل‌سانان علفی با حدود ۴۵ سرده و ۷۰۰ گونه که در نواحی گرمسیر افریقا و آسیا و امریکا می‌رویند و بیشترین تنوع را در آسیای جنوب شرقی دارند؛ در قاعده برگ‌های دوردیفته این گیاهان غلافی وجود دارد که از هم‌پوشانی آنها ساقه‌ای کاذب ایجاد می‌شود؛ گل‌های نرماده آنها در گل‌آذین گرزنی محدود قرار گرفته و گل‌پوش آنها از دو حلقه تشکیل شده است

food chain,

### زنجیره غذایی

trophic chain,

trophic pathway

[ع. گیاهی] مراحل خوردن و خورده شدن موجودات زنده در هر بوم‌سازگان که در طی آنها مواد و انرژی در ترازهای مختلف تغذیه انتقال می‌یابد

*Trachyspermum*

### زنیان

[← ک. دارویی] سرده‌ای از کرفسیان شامل گیاهان یک‌ساله با برگ‌های شانه‌ای مرکب و گلبرگ‌های سفید با انتهایی درون‌پیچ و میوه‌های تخم‌مرغی یا بیضوی با انتهایی باریک و قاعده کمی فرورفته، پوشیده از زگیل‌های سفید انبوه، با پره‌های کم‌وبیش مشخص و یک مجرای بین‌پره‌ای برای هدایت شیرابه

### زنیان رومی

*Trachyspermum copticum,*

*Ammi copticum,*

*Carum copticum, ajwain*

*Melissa calamintha,*  
*Satureja calamintha*

[ع.ک. دارویی] گونه‌ای زیان‌نا با ساقه‌های خیزان به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتی‌متر که معمولاً منشعب و پوشیده از کرک‌های متراکم و گسترده و نرم است و برگ‌های آن دُمبرگ‌دار و تخم‌مرغی یا گرد و به طول ۱ تا ۳ سانتی‌متر و پوشیده از کرک‌های کوتاه و غده‌های ترش‌خی نقطه‌ای است و چرخه‌های گل آن دارای ۳ تا ۸ گل و دُم‌گل‌آذین آن دارای انشعاب‌های دوتایی متقابل در محور برگ‌هاست و جام گل آن ۱۲ تا ۱۷ میلی‌متر و صورتی یا ارغوانی و کرک‌دار و با غده‌های ترش‌خی نقطه‌ای است

**زی توده** biomass

[ع. گیاهی] ۰.۱ وزن تر یا خشک موجود با موجودات زنده یک زیستگاه یا یک تراز تغذیه معین در زمانی مشخص ۲. ماده آلی که برای تولید انرژی به کار می‌رود

**زیتون** *Olea*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از زیتونیان که شامل درختان و درختچه‌های زیتون است

**زیتون تلخ** *Melia*

[ع. گیاهی] سرده‌ای درختی از زیتون تلخیان خزان‌دار با گل‌های کوچک معطر و برگ‌های بلند به طول تقریباً ۵۰ سانتی‌متر و دُمبرگی طویل که از جنوب شرقی آسیا تا استرالیا پراکنده هستند

**زوفای دارویی**

*Hyssopus officinalis*

[ع.ک. دارویی] گونه‌ای زوفا به شکل گیاه بوته‌ای چندساله با ساقه‌های فراوان به ارتفاع ۱۲ تا ۴۰ سانتی‌متر و با برگ‌های مجتمع و بی‌دُمبرگ و نیزه‌ای خطی با لبه برگشته و با غده‌های ترش‌خی فراوان و کرک‌های پیچ‌خورده و با جام گل آبی‌بنفش

**زهش** guttation, sudation

[ع. گیاهی] خروج آب و مواد محلول از گیاه به صورت مایع از طریق روزنه‌های آبی  
مت. تعریق

**زهشی** guttational

[ع. گیاهی] مربوط به زهش  
مت. تعریقی

**زیان‌نا** *Calamintha, calamint*

[ع.ک. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان یک یا چندساله علفی با برگ‌های متقابل و دندان‌دار و گل‌هایی که در محور برگ‌ها، در چرخه‌های ۶ تا ۱۰ تایی ظاهر می‌شوند و گل‌آذین خوشه‌ای مرکب یا سنبله تشکیل می‌دهند و جام گل آنها صورتی و بنفش است و به شکل لوله‌ای بلند از کاسه گل بیرون می‌آید و لبه زبرین آن راست و تقریباً مسطح و لبه زیرین دارای سه دندان است

**زیان‌نای دارویی**

*Calamintha officinalis,*

ع. گیاهی] ویژگی گلی که کاسبرگ‌ها و گلبرگ‌ها و پرچم‌های آن در قاعده تخمدان فوقانی قرار دارند

### زیرزمینی hypogaeal

ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که در هنگام جوانه زدن بذر، لپه‌های آن در زیر سطح خاک باقی می‌ماند

### زیرگرا hypotropous

ع. گیاهی] ویژگی تخمکی که سفت آن نزدیک به پایه تخمک است

### زیرگرای پشتی hypotropous-dorsal

ع. گیاهی] ویژگی تخمک زیرگرایی که نقش بند آن پشتی یعنی ناهمسومحور است و بنابراین، در سمت مخالف محور مرکزی گل یا تخمدان قرار می‌گیرد

### زیرگرای شکمی hypotropous-ventral

ع. گیاهی] ویژگی تخمک زیرگرایی که نقش بند آن شکمی یعنی همسومحور است و بنابراین، به سمت محور مرکزی گل یا تخمدان قرار می‌گیرد

### زیرگونه subspecies

ع. گیاهی] هریک از گروه‌های فرعی یک گونه معین که علی‌رغم تفاوت‌های ژن‌شناختی و آرایه‌شناختی قادرند با یکدیگر زادآوری کنند

### Meliaceae زیتون تلخیان

ع. گیاهی] تیره‌ای از افراسانان درختی یا درختچه‌ای با برگ‌های شانه‌ای متقابل یا متناوب و گل‌های منظم و میوه‌های متنوع

### Oleaceae زیتونیان

ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان درختی یا درختچه‌ای یا بالارونده که شامل زیتون و خویشاوندان آن می‌شود و حدود ۲۴ سرده و ۹۰۰ گونه دارد که آرایش برگ‌های آنها ساده یا مرکب شانه‌ای با آرایشی اغلب متقابل یا چرخه‌ای و کاسه و جام آنها معمولاً چهارقطعه‌ای است

### زی‌جا biotope

ع. گیاهی] محیط زیستی با شرایط و جمعیت زیستی معین در دوره‌ای مشخص

### زیرپوست hypoderm

ع. گیاهی] لایه یا لایه‌هایی از یاخته در زیر روپوست که با بافت‌های زمینه زیرین تفاوت دارد

### زیرپوستی hypodermic

ع. گیاهی] مربوط به زیرپوست

### Hypolepidaceae زیرپولکیان

ع. گیاهی] تیره‌ای از سرخس‌سانان که دارای برگ‌های بلند و شاخه‌شاخه هستند

### زیرتخمدانی hypogynous

ع. گیاهی] بررسی جمعیت از دیدگاه علم زیست‌شناسی

subspecific زیرگونه‌ای  
ع. گیاهی] مربوط به زیرگونه

زیست‌فناوری سبز  
green biotechnology

ع. گیاهی] استفاده از روش‌های دست‌ورزی (manipulation) ژنی و زیست‌فناوری در کشاورزی  
مت. زیست‌فناوری کشاورزی  
agricultural biotechnology

زی‌سازگان‌شناسی

biosystematics

ع. گیاهی] علم رده‌بندی موجودات زنده با تکیه بر ویژگی‌های گونه‌شناختی و با استفاده از روش‌های مختلف آزمایشگاهی و دورگ‌گیری و بررسی‌های محیطی

زیست‌فناوری کشاورزی

← زیست‌فناوری سبز

زی‌سازند

biocenosis  
ع. گیاهی] مجموعه موجودات زنده‌ای که در ارتباط نزدیک با یکدیگر یک واحد بوم‌شناختی طبیعی را تشکیل می‌دهند

زی‌گونه

biospecies  
ع. گیاهی] گونه‌ای که براساس ویژگی‌های زیست‌شناختی معین می‌شود

زی‌سازند دریایی

marine biocoenosis

ع. گیاهی] مجموعه موجودات زنده‌ای که در ارتباط نزدیک با یکدیگر یک واحد بوم‌شناختی دریایی را تشکیل می‌دهند

زیمان

biome  
ع. گیاهی] کلان‌مجموعه‌های زی‌گیتاشناختی (biogeographic) با سیمای ظاهری و شکل‌های زیستی معین و گونه‌های گیاهی و جانوری خاص

زیست‌داده‌ورزی

bioinformatics  
ع. گیاهی] دانشی که در آن زیست‌شناسی و رایانه و فناوری اطلاعات در هم می‌آمیزند

زیواگان

biota  
ع. گیاهی] مجموعه گیاهان و جانورانی که در یک منطقه و در دوره‌ای معین در کنار هم زندگی می‌کنند

زیست‌زایی

biogenesis  
ع. گیاهی] به وجود آمدن موجودات زنده از دیگر موجودات زنده

ژن

gene  
ع. گیاهی] واحد کارکردی وراثت که جایگاه خاصی را در فام‌تن اشغال می‌کند

زیست‌شناسی جمعیت

population biology

genome	<b>ژنگان</b>	genecologic	<b>ژن بوم‌شناختی</b>
[ع. گیاهی] مجموع اطلاعات ژنی در یک یاخته یا اندامگان		[ع. گیاهی] مربوط به ژن بوم‌شناسی	
	<b>ژنگان‌شناسی تکاملی</b>	genecology	<b>ژن بوم‌شناسی</b>
evolutionary genomics		[ع. گیاهی] مطالعه ژن‌شناسی جمعیت باتوجه به زیستگاه	
[ع. گیاهی] شاخه‌ای ژنگان‌شناسی که در آن با مطالعه توالی‌های ژنگان گونه‌های مختلف، تغییرات ژنگان آنها تبیین می‌شود مت. ژنگان‌شناسی فرگشتی		genetic	<b>ژن‌شناختی</b>
		[ع. گیاهی] مربوط به ژن‌شناسی	
	<b>ژنگان‌شناسی فرگشتی</b>	geneticist	<b>ژن‌شناس</b>
← ژنگان‌شناسی تکاملی		[ع. گیاهی] متخصص ژن‌شناسی	
genotype	<b>ژن‌نمود</b>	genetics	<b>ژن‌شناسی</b>
[ع. گیاهی] ساختار ژنی موجود زنده بر مبنای وضعیت دیگرها		[ع. گیاهی] شاخه‌ای از علم که به وراثت مربوط می‌شود	
	<b>ژن‌نمودی</b>	population genetics	<b>ژن‌شناسی جمعیت</b>
genotypic		[ع. گیاهی] شاخه‌ای از علم ژن‌شناسی که به بررسی ترکیب ژن‌شناختی جمعیت‌ها می‌پردازد	



# س

[ع. گیاهی] تیره‌ای از گندم‌سانان غالباً علفی و آب‌رُست با گل‌پوش شش‌قطعه‌ای و میوه پوشینه

## ساعت تکاملی

evolutionary clock

[ع. گیاهی] سنجه‌ای برای اندازه‌گیری زمان لازم برای تغییر یک‌درصد از آمینواسیدها در یک پروتئین در طی یک میلیون سال با این فرض که جهش‌ها خنثی و به‌صورت تصادفی رخ داده باشند  
مت. ساعت فرگشتی

molecular clock ساعت مولکولی

ساعت فرگشتی ← ساعت تکاملی

ساعت مولکولی ← ساعت تکاملی

ساق‌گروه stem group

[ع. گیاهی] گروهی پُرانتبار شامل یک نیا و همهٔ زادگان آن، به‌جز نمایندگان زنده

## ساختار جمعیت

population structure

[ع. گیاهی] ترکیب جمعیت براساس سن و جنسیت افراد آن

سازگان‌شناسی systematics

[ع. گیاهی] علم رده‌بندی موجودات زنده براساس خویشاوندی و روابط طبیعی بین آنها

## سازگان‌شناسی تبارشناختی

← تبارشاخه‌شناسی

سازو Juncus

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سازوئیان با ۲۲۵ تا ۳۰۰ گونهٔ گندمی‌شکل که در اغلب نواحی مرطوب جهان می‌رویند، ولی در نواحی گرمسیر نادرند

سازوئیان Juncaceae

**سپرزدارویان** Aspleniaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از سرخس‌تباران که بیشتر مخصوص نواحی حاره هستند و هاگینه (sorus) خطی دارند

**سپری** peltate, shield-shaped

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی گرد و تخت در گیاهان که از نقطه‌ای نزدیک ساقه به پایه بچسبند

**سپیدگرد** bloom<sup>1</sup>

[ع. گیاهی] گردی سفید و اغلب مومی که بر روی میوه‌هایی مانند آلو وجود دارد

**ستاره آبی** Callitriche

[ع. گیاهی] تنها سرده از ستاره‌آبیان با حدود هفده گونه که امروز بومی اروپا و امریکای شمالی است و تعداد کمی از گونه‌های آن به‌عنوان گیاهان آبی‌دانی پرورش داده می‌شود

**ستاره‌آبیان** Callitrichaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان که هم در آب و هم در محیط‌های خشک می‌رویند

**ستاره‌ای** stellate

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک پایه‌دار یا بی‌پایه با چند شاخه که از یک نقطه مشترک خارج می‌شود

**ستاک** shoot

[ع. گیاهی] اندام‌هایی هوایی که در امتداد محور گیاه روبه‌بالا رشد می‌کنند

**ساقه‌ای** cauline

[ع. گیاهی] مربوط به ساقه یا آنچه از ساقه مخصوصاً از بخش زیرین آن می‌روید

**ساقه‌برگیر** amplexicaule

[ع. گیاهی] ویژگی قاعده‌ای بدون پایک که بخش عمده‌ای از ساقه را در بر می‌گیرد

**ساقه‌پوش** perfoliate

[ع. گیاهی] ویژگی قاعده برگ‌گی که فاقد دُم‌برگ است و ساقه را به‌طور کامل در بر می‌گیرد

**ساقه‌چوب** stemwood

[ع. گیاهی] چوب موجود در ساقه یا ساقه‌های اصلی درخت

**سایه‌پسند** shade tolerant, shade demanding

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که قادر به رقابت زیستی در سایه است

**سایه‌پسندی** shade tolerance

[ع. گیاهی] توانایی رقابت زیستی گیاهان در شرایط سایه

**سبزدیسه** chloroplast

[ع. گیاهی] دانه‌های ریز دارای سبزینه که در یاخته‌های گیاهی یافت شود

**سبزینه** chlorophyll

[ع. گیاهی] ماده‌ای سبز در گیاهان که کار فتوسنتز (photosynthesis) را در یاخته انجام دهد  
\* مصوب فرهنگستان اول

**hardwood** سخت چوب

[ع. گیاهی] چوب درختان پهن برگ که غالباً نهان دانه و خزان دار هستند

**Ruta** سداب

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سدابیان همیشه سبز و نیمه درختچه‌ای با بوی نافذ و هشت تا چهل گونه که بومی نواحی مدیترانه‌ای و ماکرونزی و آسیای جنوب شرقی هستند؛ برگ‌های آنها دو یا سه‌شانه‌ای (bipinnate or tripinnate) با ظاهری پرماند به رنگ‌هایی از سبز تا سبزی کبود است و گل‌هایشان زرد با چهار یا پنج گلبرگ است

**Rutaceae** سدابیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از افراسانان درختی یا درختچه‌ای و گاهی علفی با حدود ۱۵۰ سرده و ۹۰۰ گونه که گل‌های آنها چهار تا پنج‌قسمتی با بوی نافذ است و برگ‌های آنها معمولاً متقابل و مرکب و بدون گوشواره است

**prevernal** سربهاری

[ع. گیاهی] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در اوایل فصل بهار اتفاق می‌افتد

**calyptra** سرپوش

[ع. گیاهی] ناحیه‌ی رأسی بافت مامه‌دانی که بر اثر رشد طولی هاگ‌رست در آخرین مرحله‌ی تکوین پاره و از آن جدا می‌شود و در محافظت از رأس هاگ‌رست جوان نقش دارد

**columella** ستونک

[ع. گیاهی] ۱. ستون مرکزی بافت‌های نازا و غیرمولد هاگ در درون هاگلان هاگ‌رست شاخ‌واش‌ها ۲. هریک از عناصر شعاعی میانی در دیواره‌ی خارجی دانه‌های گرده‌جبه‌دار — ستونک‌دار (tectate-columellate)

**berry** سته

[ع. گیاهی] میوه‌ی گوشتی ساده که در آن مرز مشخصی بین میان‌بَر و درون‌بَر وجود ندارد

**bacciferous** سته‌آور

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که سته تولید می‌کند

**shot berry** سته‌ی ساچمه‌ای

[ع. گیاهی] سته‌ی بسیار ریز انگور که به اندازه‌ی طبیعی رشد نکرده و به‌طور معمول بدون بذر است

**سته‌شکل** ← سته‌گون**baccate** سته‌گون

[ع. گیاهی] ویژگی میوه‌ای گوشتی شبیه به سته

**bacciform** سته‌شکل**sclerenchyma** سخت‌آکنه

[ع. گیاهی] بافتی گیاهی که در آن با ضخیم و چوبی شدن دیواره‌ی سلولوزی یاخته‌ها، استحکام بافت افزایش می‌یابد

بیضی و قطر آن از یک تا یک‌ونیم سانتی‌متر متغیر است؛ شیرین و معطر و بومی جنوب چین و مناطق مجاور آن است

### سرخدار *Taxus*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سرخداریان همیشه‌سبز و زینتی با حدود هشت گونه که در سرتاسر نیمکره شمالی پراکنده‌اند؛ دو گونه این سرده همیشه درختچه‌ای و بقیه گونه‌ها درختی هستند که تا ارتفاع ۲۵ متر نیز می‌رسند؛ برگ‌های گیاهان این سرده متراکم و سبز تیره و شاخه‌های آنها ایستاده یا افقی است که با برگ‌های متراکم و خطی تخت به طول نیم تا سه سانتی‌متر پوشیده شده است

### سرخداریان *Taxaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از کاج‌سانان با شش سرده و سی گونه درختی یا درختچه‌ای دوپایه و همیشه‌سبز که عمدتاً در نیمکره شمالی پراکنده هستند؛ شاخه‌های این گیاهان از برگ‌های متناوب سوزنی پوشیده شده است و دانه‌های معمولاً منفرد آنها دارای دانه‌پوشی است که حیوانات آن را می‌خورند و به این ترتیب دانه‌ها منتشر می‌شوند

### سرخس آبیان *Salviniaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از سرخس‌سانان آبی‌زی که پهنک‌های آنها غیرمنقسم است

### سرخس انگوری *Botrychium*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از مارزبانیان با برگ‌های شانهای و سرشاخه‌های منشعب که هاگدان‌ها را حمل می‌کنند

### سرپوش دار *calyptrate*

[ع. گیاهی] ویژگی گل‌پوشی که کاسه و جام آن به صورت کلاهک به یکدیگر جوش می‌خورند و مانند اندامی واحد با هم می‌افتند

### سرتابستانی *aestival*<sup>2</sup>

[ع. گیاهی] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در اوایل فصل تابستان اتفاق می‌افتد

### سرخاب کولی *Phytolacca*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از میخک‌سانان چندساله که بومی امریکای شمالی و جنوبی و شرق آسیا و زلاندنو هستند و موادی دارند که برای پستانداران سمی است، اما پرندگان به راحتی میوه آنها را می‌خورند، زیرا پوسته دانه آنها در دستگاه گوارش پرندگان قابل هضم نیست

### سرخاب‌کولیان *Phytolaccaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان اغلب علفی گرمسیری یا درختی یا درختچه‌ای با پانزده سرده و ۱۰۰ گونه و گل‌آذین خوشه‌ای

### سرخالو *litchi*

[ع. گیاهی] میوه گیاهی با نام علمی سرخالوی چینی متعلق به تیره ناترکیان و راسته ناترک‌سانان که پوست آن سرخ و چرم‌مانند و تیغ تیغ و شبیه به توت‌فرنگی است؛ قسمت خوراکی آن سفید و شفاف و سفت و آب‌دار است و شکل آن گرد و گاه

بیابانی یافت می‌شوند؛ پراکندگی این سرخس‌ها احتمالاً از سرخس‌های دیگر گسترده‌تر است

### سرخس عقابیان

#### Dennstaedtiaceae

[ع. گیاهی] یکی از پانزده تیرهٔ بس‌پایک‌سانان که جزو پیشرفته‌ترین سرخس‌ها محسوب می‌شوند و فراوان‌ترین سرخس جهان، یعنی سرخس عقابی، نیز در این تیره قرار دارد؛ گیاهان این تیره اغلب برگ‌های درشت و بسیار منقسم دارند؛ هاگینه‌های آنها کوچک است و در درون حاشیه‌ای با هاگینه‌پوش‌های فنجانی (cup-shaped indusia) قرار دارد یا دارای حاشیهٔ خطی با هاگینه‌پوش کاذب است که حاصل لب‌برگشتگی برگ است

#### سرده genus

[ع. گیاهی] هفتمین رتبهٔ اصلی در آرایه‌شناسی موجودات زنده، پایین‌تر از تیره و بالاتر از گونه

#### سرلاد meristem

[ع. گیاهی] بافتی که توانایی تقسیم یاخته‌های تشکیل‌دهندهٔ آن زیاد است و یاخته‌های حاصل از تقسیم آن از یکدیگر متمایز و به یاخته‌های متفاوت تبدیل می‌شوند

#### سرلاد انتهایی apical meristem

[ع. گیاهی] بافت سرلادی که در رأس ریشه‌ها و شاخه‌ها یا در نزدیکی آنها یافت می‌شود و باعث رشد طولی گیاه می‌شود  
مت. پیش‌سرلاد promeristem

### سرخس باتلاقی *Thelypteris*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سرخس‌باتلاقیان با ۸۷۵ گونه که بسیاری از آنها شبیه به هم هستند و در سرتاسر جهان یافت می‌شوند؛ اغلب گیاهان این سرده به‌استثنای تعداد کمی که بر روی صخره می‌رویند، زمین‌رُست هستند؛ اگرچه تعداد کمی از گیاهان این سرده در نواحی معتدل وجود دارند، اکثر گونه‌های آن در نواحی گرمسیر یافت می‌شوند

### سرخس باتلاقیان

#### Thelypteridaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از پرسرخس‌سانان (Pteridales) با ۹۰۰ گونه که اگرچه اغلب آنها در مناطق گرمسیر پراکنده هستند، تعدادی از آنها در نواحی معتدل نیز می‌رویند؛ گیاهان این تیره به‌استثنای تعدادی از آنها که صخره‌رُست‌اند، اغلب زمین‌رُست هستند؛ زمین‌ساقهٔ این گیاهان معمولاً خزنده است و برگ‌شاخه‌های (fronds) آنها از شانه‌ای تا شانه‌ای—بریده‌شانه‌ای متغیر است؛ رگ‌بندی (veining) آنها هم باز و هم پیوسته است و هاگینه‌هایشان اغلب به شکل کلیه است

### سرخس تباران Pteridophyta

[ع. گیاهی] ابتدایی‌ترین شاخهٔ گیاهان آوندی که همهٔ نهانزادان آوندی را شامل می‌شود

### سرخس عقابی *Pteridium*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سرخس‌عقابیان درشت و خشن که در سراسر جهان به‌جز نواحی

ع. گیاهی] قرار دادن گیاه در سرما برای بهبود کیفیت نمو

### سرئیزه‌ای lanceolate

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل سرئیزه در گیاهان که با طولی چند برابر عرض و قاعده‌ای گرد به سمت رأس باریک شود

### سرویان Cupressaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از بازدانگان که برگ‌های فلسی یا سوزنی کوتاه دارند و مخروط‌های آنها نسبتاً کوچک است

### سیس Cuscuta

[مشترک] سرده‌ای از سیسیان انگلی با گل‌های کوچک سبز و ساقه‌های نارنجی

### سیسیان Cuscutaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای انگلی از بادنجان‌سانان غالباً بالارونده و پیچان که سبزینه ندارند و با اندام‌های مکنده به میزبان خود می‌چسبند

### سفت micropyle

ع. گیاهی] منفذی در تخمک‌پوش گیاهان که معمولاً لوله‌گردد از طریق آن وارد تخمک می‌شود

### سفت‌مو hispid

ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده از کرک‌های بسیار بلند و محکم که غالباً قابلیت نفوذ به درون پوست را دارند

## سرلاد پسین secondary meristem

ع. گیاهی] بافتی شامل یاخته‌های بُن‌لادی که بین بافت‌های چوبی و آبکش ریشه و ساقه گیاهان قرار دارد و باعث رشد قطری آنها می‌شود

## سرلاد جانبی lateral meristem

ع. گیاهی] بافت سرلادی که با ایجاد بافت‌های جدید باعث افزایش قطر ریشه و ساقه می‌شود

## سرلاد زمینه ground meristem

ع. گیاهی] یکی از انواع سرلادهای نخستین که منشأ بافت زمینه است

## سرلاد میان‌گرهی intercalary meristem

ع. گیاهی] نوعی سرلاد که ویژه تیره گندمیان است و در میان گره‌ها قرار دارد و به طول گیاه اضافه می‌کند

## سرلاد نخستین primary meristem

ع. گیاهی] سرلادی در رویان گیاه که ساختار آن از خارج به داخل شامل پیش‌پوست و سرلاد زمینه و بُن‌لاد است

## سرلادی meristemic

ع. گیاهی] مربوط به سرلاد

## سرمادهی chilling

**سنبل الطیب** *Valeriana*

[مشترک] سرده‌ای از سنبل‌الطیبیان چندسالهٔ علفی با حدود ۲۳ گونه که بومی اروپا و بخشی از آسیا هستند؛ برگ‌های قاعده‌ای آنها فراوان و محکم و از خطی تا تخم‌مرغی است و برگ‌های ساقه‌ای آنها کوچک و متقابل و با دو تا شش جفت برگچهٔ شانه‌ای بریده با قطعات باریک است و گل‌های یک یا دوجنسی آنها به تعداد زیاد در خوشه‌های مرکب طویل قرار دارد و پرچم‌ها کمی از جام گل بیرون زده است و کاسهٔ گل باریک و اغلب نه تا سیزده قسمتی است

**سنبل‌الطیبیان** *Valerianaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خواج‌باشی‌سانان یک یا چندسالهٔ علفی با هشت سرده و ۴۰۰ گونه که در بسیاری از نقاط جهان به‌جز استرالیا می‌رویند؛ برگ‌های آنها مسطح دُم‌برگ‌دار با آرایش متقابل است و اغلب بوی بد و تند دارد و گل‌های کوچکیان برگه‌دار (bracteate) یا برگ‌ک‌دار (bracteolate) کاملاً یا کمی نامنظم و جداکاسه و جداکاسه هستند

**سنبلچه** *spikelet*

[ع. گیاهی] سنبله‌ای کوچک که واحد پایهٔ گل‌آذین در جگنیان و گندمیان است

**سنبله** *spike*

[ع. گیاهی] گل‌آذینی نامحدود شامل محوری منفرد با گل‌های بی‌پایک

**سُفتی** *micropylar*

[ع. گیاهی] مربوط به سُفت

**سفیدخاکستری** *canescent*

[ع. گیاهی] ویژگی کرک‌پوشی یا کرک‌های متراکم و ظریف سفید مایل به خاکستری

**سفیددیسه** *leucoplast*

[ع. گیاهی] دیسه‌ای بی‌رنگ در یاخته‌های ریشه و زمین‌ساقه و اندام‌های ذخیره‌ای گیاه

**سفیدکلمی** *glaucous*

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی پوشیده از لایه‌ای نرم و مومی و معمولاً متمایل به سفید که بر اثر تماس پاک می‌شود

**سفیده** *albumen*

[ع. گیاهی] مواد ذخیره‌شده در دانهٔ گیاهان

**سلسله** *kingdom*

[ع. گیاهی] دومین رتبهٔ رسمی در رده‌بندی موجودات زنده

**سلسلهٔ گیاهی** ← گیاهان**سنبل** *Hyacinthus*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سنبلیان پیازدار با گل‌های رنگی که در شرق مدیترانه به‌صورت خودرو می‌رویند و تا ایران و ترکمنستان گسترش دارند

**سنجد** *Elaeagnus*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سنجدیان درختی با برگ‌های براق نقره‌ای و گل‌های معطر و میوه شفت

**سنجدیان** *Elaeagnaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از گل‌سرخ‌سانان درختچه‌ای یا درختی با برگ‌های متناوب علفی یا چرمی و گل‌های منفرد و میوه معمولاً فندقه که گل‌بُنه‌ای گوشتی آن را احاطه می‌کند و در رده‌بندی کروئوکویست ۱۹۸۸ در راستهٔ افراسانان جای گرفته است

**سنگ‌پایی** *muricate*

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی زیر با برآمدگی‌های گرد و کشیدهٔ شعاعی

**سنگ‌رُست** *lithophyte*

[ع. گیاهی] گیاهی که بر روی سطح سنگ رشد می‌کند

**سوخ** *bulb*

[ع. گیاهی] اندام اختصاصی شدهٔ زیرزمینی و اغلب پوشیده از فلس‌های ضخیم گوشتی که دربرگیرندهٔ محور ساقه‌ای کوتاه و گوشتی و به‌طور معمول عمودی باشد  
مت. - پیاز

**سوخ‌توساز** ← دگرگشت**سوخک** *bulblet*

[ع. گیاهی] اندام کوچک سوخ‌مانندی که بر روی صفحهٔ پایه‌ای به وجود آمده و درواقع پایگاهی است که پس از نمو کامل به سوخ تبدیل می‌شود  
مت. - پیازک

**سنبله‌ای** *Stachys, hedgenettle*

[ع. گ. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان علفی یک‌ساله یا چندساله، بوته یا درختچه‌ای کوتاه و پوشیده از کرک‌های سادهٔ چندشاخه‌ای یا ستاره‌ای یا تقریباً بی‌کرک و با برگ‌های ساده یا دنداندار یا بدون دُمبرگ و با گل‌آذین سنبله، متشکل از چرخه‌هایی با شمار متفاوت گل در محور برگ‌ها یا در بخش‌های انتهایی شاخه‌ها و با فاصله از یکدیگر یا نزدیک به هم و با کاسهٔ گل لوله‌ای یا استکانی و جام گل دولبه به رنگ‌های سفید یا کرم یا لیمویی یا ارغوانی یا بنفش و چهار پرچم و فندقچهٔ سه‌وجهی - تخم‌مرغی یا مستطیلی نوک‌گرد یا نوک‌تیز

**سنبله‌ای چای کوهی** *Stachys lavandulifolia*

[ع. گ. دارویی] گونه‌ای سنبله‌ای به شکل گیاه چندسالهٔ بوته‌ای با برگ‌های طوقه‌ای در شاخه‌های عقیم و ساقه‌های گل‌دهندهٔ متعدد و کرک‌دار و برگ‌های قاعده‌ای مستطیلی و تقریباً بی‌دُمبرگ و مستطیلی - سرنیزه‌ای و واژسرنیزه‌ای و چرخه‌های گل معمولاً دور از یکدیگر و کاسهٔ گل با دندان‌های کم‌وبیش مساوی و تقریباً منظم و جام گل ارغوانی یا بنفش

مت. - چای کوهی *lamb's ears*

**سنبلیان** *Hyacinthaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از مارچوبه‌سانان علفی زمین‌ساقه‌ای یا پیازدار با گُل‌پوش شش‌قطعه‌ای رنگی به‌صورت جدا یا پیوسته



**Liliales**      **سوسن‌سانان**

[ع. گیاهی] راسته‌ای از تک‌لپه‌ای‌ها شامل سوسنیان با حدود ۱۳۰۰ گونه که اغلب آنها علفی پیازدار یا بُنه‌دار هستند، ولی برخی گونه‌های آن درختچه‌ای و بالارونده‌اند و غالباً در نیمکره شمالی می‌رویند

**Liliaceae**      **سوسنیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از سوسن‌سانان علفی پیازدار با گل‌پوش شش‌قطعه‌ای گلبرگ‌نما و شش پرچم که میوه آنها پوشینه است

**سویا** ← لوبیاروغنی**trimerous**      **سه‌پار**

[ع. گیاهی] ویژگی چرخه‌ای که پارگان آن متشکل از سه قطعه است

**tridentate, three-pronged**      **سه‌دندانه‌ای**

[ع. گیاهی] ویژگی بخشی در گیاهان با سه دندانه یا سه قسمت دندانه‌مانند

**three-way cross, three-way hybrid**      **سه‌رگه**

[ع. گیاهی] گیاه حاصل از تلاقی یک رگه خالص و یک دورگه ساده به‌عنوان پایه مادری

**Triglochin**      **سه‌سیخک**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سه‌سیخکیان با هجده گونه که در شمال آمریکا و اروپا و آسیا و استرالیا می‌رویند

**bulbil**      **سوخیزه**

[ع. گیاهی] سوخکی که در بخش هوایی گیاه تشکیل شود  
مت. پیازک هوایی

**black-top**      **سوزن‌ریزی**

[ع. گیاهی] مرحله پایانی مرگ سوزنی‌برگان که در آن همه سوزن‌ها می‌ریزد

**سوزن‌قرمزی** ← مرحله سوزن‌قرمزی**سوزن‌نارنجی** ← مرحله سوزن‌نارنجی**acicular<sup>1</sup>, needle-shaped**      **سوزنی**

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی راست و ظریف و نوک‌تیز و سفت شبیه به سوزن در گیاهان

**needle-leaved, acicular<sup>2</sup>, aciculum, aciculate, aciculiform**      **سوزنی‌برگ**

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که برگ‌های سوزنی‌شکل دارد

**cantharophily**      **سوسک‌گرده‌افشانی**

[ع. گیاهی] گرده‌افشانی توسط سوسک

**Lilium**      **سوسن**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سوسنیان پیازدار با ساقه‌های برگ‌دار

است که در اوایل بهار پدیدار می‌شود و گرده‌افشانی در آنها با حشرات انجام می‌شود

### سه‌کنجه‌خیزیان Trapaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از موردسانان آبزی یک‌سالهٔ شناور با یک سرده و حدود ۳۰ گونه که در آب‌های آرام تا عمق پنج متر می‌رویند و در نواحی گرم و معتدل افریقا و اوراسیا به‌صورت بومی وجود دارند؛ برگ‌های آنها یا پرمانند و غوطه‌ور است یا غیرمنقسم و شناور و گل‌هایشان سفید و چهارپر است که در اوایل تابستان آشکار می‌شود

### سیبیی pome

[ع. گیاهی] نوعی میوهٔ گوشتی کاذب که بخش گوشتی آن حاصل نهنجی درشت و سیوشکل است

### سینا ← حراً

### سینائیان ← حراثیان

### سینوسی sinuate

[ع. گیاهی] ویژگی برگی که حاشیهٔ آن به داخل یا خارج برگشته یا پیچیده باشد

### سه‌سیخکیان Juncaginaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از قاشق‌واش‌سانان علفی با برگ‌های طوقه‌ای و پوشانندهٔ قاعدهٔ ساقه که گل‌آذین سنبله یا خوشه‌ای با میوهٔ خشک دارند

### سه‌فام‌تنه trisomic

[ع. گیاهی] موجودی دولا د حاوی یک فام‌تن اضافی، به‌گونه‌ای که یکی از فام‌تن‌های آن به‌جای جفت بودن، سه‌تایی یا سه‌لنگه باشد

### سه‌فام‌تنی trisomy

[ع. گیاهی] وضعیتی که در آن یکی از فام‌تن‌ها، در حالت طبیعی، به‌جای جفت، سه‌تایی یا سه‌لنگه می‌شود

### سه‌کنجه‌خیز Trapa

[ع. گیاهی] سرده‌ای از سه‌کنجه‌خیزیان با حدود ۳۰ گونهٔ آبزی یک‌سالهٔ شناور که بومی نواحی گرم و معتدل اوراسیا و افریقا هستند؛ برگ‌های آنها یا پرمانند غوطه‌ور است با تقسیمات ریز که در طول ساقه قرار دارد یا شناور غیرمنقسم به‌صورت طوقه‌ای که در سطح آب قرار می‌گیرد؛ برگ‌های شناور آنها تخم‌مرغی یا مثلثی با حاشیهٔ دندان‌ه‌ای-اره‌ای است و گل‌های آنها سفید و دارای چهار گلبرگ

# ش

شاخ‌بزی ← مارتینی

[ع. گیاهی] سومین رتبه رسمی در رده‌بندی گیاهان، پایین‌تر از سلسله و بالاتر از رده

شاخ‌بزیان ← مارتینیان

bearing wood      شاخه بارده

[ع. گیاهی] شاخه دارای جوانه گل

decay index      شاخص واپاشی

[ع. گیاهی] عددی که تعداد گام‌های لازم برای شکستن یک تبارشاخه در هر شاخه درونی را نشان می‌دهد

branchwood      شاخه‌چوب

[ع. گیاهی] چوب موجود در شاخه‌های درخت

شاخ‌واشان ← شاخ‌واش‌تباران

epicormic branch, epicormic, epicormic shoot, water sprout

[ع. گیاهی] شاخه‌ای دارای جوانه‌های خوابیده یا نابجا که بر اثر نور زیاد یا آتش‌سوزی، بر روی تنه درختان جنگلی تشکیل می‌شود

Anthocerophyta      شاخ‌واش‌تباران

[ع. گیاهی] شاخه‌ای کوچک از گیاهان غیرآوندی، شامل تقریباً ۱۰۰ گونه که دارای قاعده‌ای نسبتاً پهن و تعدادی پوشینه بلندند که از رأس به صورت دوشاخه می‌شکافند

pinnate      شانه‌ای

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی با ظاهر یا ساختاری شبیه به پر در گیاهان

hornworts      شاخ‌واشان

phylum      شاخه

و معمولاً آرایش متقابل یا فراهم یا به‌ندرت متناوب دارند

### شاه‌تره *Fumaria*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از شاه‌تره‌ایان با حدود ۵۰ گونهٔ علفی خودرو در آسیا و اروپا که از ویژگی‌های آن داشتن میوه‌های تک‌دانه‌ای است

### شاه‌تره‌ایان *Fumariaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از شقایق‌سانان علفی یک یا چندسالهٔ غده‌ای با گل‌های نامنظم و مهمیزدار

### شاهدانه *Cannabis*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از شاهدانه‌ایان یک‌سالهٔ علفی ایستادهٔ ستر با یک گونهٔ معطر که از آسیای مرکزی منشأ گرفته است و امروزه در مناطق معتدل شمالی فراوان کشت می‌شود؛ یک رقم آن با ظاهری نی‌مانند و بلند برای تولید الیاف خاص شاهدانه کشت می‌شود و گیاه مادهٔ رقم کوتاه دیگری از آن منبع اصلی ماریجوانا است

### شاهدانه‌ایان *Cannabinaceae*

[ع. گیاهی] گیاهان گل‌دار یک یا چندساله با برگ‌های پنجه‌ای بریده یا پنجه‌ای لپ‌دار

### شاهدانه‌وش *Datisca*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از شاهدانه‌وشیان با دو گونه که یکی از آنها در آسیا و دیگری در امریکای شمالی می‌روید

### شاه‌بلوط هندی *Aesculus*

[ع. گیاهی] سرده‌ای با گیاهان چوبی به بلندی چهار تا سی‌وشش متر با گل‌های رنگی و میوهٔ پوشینه به قطر سه تا پنج سانتی‌متر که گرده‌افشانی آن به‌وسیلهٔ حشرات انجام می‌شود

### شاه‌بلوط‌هندیان *Hippocastanaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از افراسانان درختی یا درختچه‌ای با برگ‌های مرکب پنجه‌ای و میوه‌های پوشینه

### شاه‌پسند *Verbena*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از شاه‌پسندیان یک یا چندسالهٔ علفی یا نیمه‌چوبی با حدود ۲۵۰ گونه که بومی برّ جدید و برخی نیز بومی برّ قدیم‌اند؛ برگ‌های آنها معمولاً متقابل و ساده و در بسیاری از گونه‌ها کرک‌دار و گل‌هایشان کوچک و دارای پنج گلبرگ است که در گل‌آذین خوشه قرار می‌گیرند و معمولاً سایه‌ای آبی دارند

### شاه‌پسندیان *Verbenaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان درختی یا درختچه‌ای یا علفی با حدود ۹۰ سرده و ۳۰۰۰ گونه که بیشتر در نواحی گرمسیر می‌رویند و مشخصهٔ بارز آنها گل‌های خوشه‌ای کوچک و معطرشان است که پنج‌پر یا به‌ندرت چهار تا هشت‌پر است؛ برگ‌هایشان دُم‌برگ‌دار یا بی‌دُم‌برگ است

**شیدر آبیان** Marsileaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از سرخس‌سانان آبی که پهنک‌های آنها چهارقسمتی است

**شیدر پرسیم** berseem clover, berseem

[ع. گیاهی] گیاهی از خانواده نیامداران که برای اصلاح خاک یا تولید علوفه کشت می‌شود  
مت. شیدر مصری

**شیدر ترشک** Oxalis

[ع. گیاهی] سرده‌ای علفی کوچک از شیدرترشکیان با حدود ۸۵۰ گونه که گیاهان گرمسیری هستند و عمدتاً بومی افریقای جنوبی و امریکای جنوبی به شمار می‌آیند

**شیدر ترشک‌سانان** Oxalidales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌های علفی یک‌ساله و چندساله یا درختی یا درختچه‌ای یا بالارونده با شش تیره و ۵۸ سرده و ۱۸۱۰ گونه که در مناطق معتدل و گرمسیر پراکنده‌اند

**شیدر ترشکیان** Oxalidaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از شیدرترشک‌سانان با سه سرده و حدود ۸۷۵ گونه با گل‌های منظم و پرچم‌هایی دو تا سه برابر تعداد گلبرگ‌ها یا کاسبرگ‌ها و میوه‌هایی از نوع پوشینه (beakless) حجره‌شکاف و بدون منقارک

شیدر مصری ← شیدر پرسیم

**شاهدانه‌وشیان** Datisceaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از کدوسانان با گل‌های غالباً تک‌جنسی و برگ‌های متناوب و مرکب شانه‌ای که گرده‌افشانی در آنها توسط باد انجام می‌شود

**شاه‌سرخس** Osmunda

[ع. گیاهی] سرده‌ای از شاه‌سرخسیان با پنج تا ده گونه که اساساً مختص نواحی معتدل هستند؛ گیاهان این سرده دارای برگ‌شاخه‌های کاملاً دوریختی (fronds) یا نیمه‌دوریختی با فتوسنتز (Photosynthesis) سبز سترون هستند و برگچه‌های غیرفتوسنتزی (non-photosynthetic) بارور با هاگدان‌های بزرگ و برهنه دارند

**شاه‌سرخس‌سانان** Osmundales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از شاه‌سرخس‌ها با تقریباً بیست گونه و پراکندگی وسیع که با گروه سرخس‌هایی که دارای هاگدان حقیقی هستند قرابت‌هایی دارند

**شاه‌سرخسیان** Osmundaceae

[ع. گیاهی] تنها تیره از شاه‌سرخس‌سانان که گروهی ابتدایی یا سه سرده از سرخس‌های درشت‌قامت با حدود بیست گونه است؛ هاگدان‌های آنها به‌صورت پراکنده یا متمرکز در هاگینه‌ها (spori) در سطح زیرین برگچه‌ها یا در هر دو سطح نواحی زایای برخی از برگ‌شاخه‌ها (fronds) قرار دارند، هاگینه‌های این سرده برعکس بسیاری از تیره‌های سرخس فاقد هاگینه‌پوش (indusium) است

ع. گیاهی] تعیین ویژگی‌ها یا صفات و مشخصات یک آرایه یا هر موجود دیگر

**شرح تشخیصی**  
diagnostic characterization,  
diagnosis

ع. گیاهی] شرحی کوتاه از صفات شاخص یک آرایه به‌نحوی که از دیگر آرایه‌ها متمایز شود

**شعاعی** ← چندتقارنی

**شعاعی‌رو**  
actinodromous,  
ternate venation,  
palmate venation

ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی دارای سه یا چند رگ‌برگ اولین که از یک نقطه منشعب می‌شوند

**شفت**  
drupe, stone fruit,  
drupaceous fruit

ع. گیاهی] میوهٔ گوشتی ناشکوفایی که دانۀ منفرد آن درون یک درون‌بر شفت محصور است  
\* مصوب فرهنگستان اول

**شقایق**  
*Papaver*

ع. گیاهی] سرده‌ای از شقایقیان با حدود ۱۲۰ گونهٔ یک‌ساله یا دوساله یا چندسالهٔ مقاوم در برابر سرما که در نواحی معتدل افریقا و اوراسیا و امریکای شمالی می‌رویند و شامل گیاهانی مانند شقایق قرمز و خشخاش می‌شوند

## شبکه درمیان‌باخته‌ای

endoplasmic reticulum, ER

ع. گیاهی] شبکه‌ای کیسه‌ای در یاخته‌های تمایز یافته که در سنتز (synthesis) و انتقال پروتئین‌ها و همچنین در واکنش‌های دگرگشتی، از جمله سنتز فسفولیپیدها و اسیدهای چرب، نقش دارد

**شبکهٔ غذایی**  
food web,  
food nex

ع. گیاهی] شبکه‌ای که در آن زنجیره‌های غذایی یک بوم‌سازگان با یکدیگر پیوستگی و ارتباط دارند

مت. چرخهٔ غذایی  
food cycle

**شبنمی**  
*Frankenia*

ع. گیاهی] سردهٔ علفی چندسالهٔ خوابیده یا ایستاده به بلندی حداکثر نیم متر که اغلب در خاک‌های شور می‌روید

**شبنمیان**  
Frankeniaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان علفی یا نیمه‌درختچه‌ای چندساله و نمک‌رُست و خشکی‌رُست با گل‌آذین‌گوزن که در رده‌بندی کروئکوئیسست ۱۹۸۸ در راستهٔ بنفشه‌سانان (Violales) جای گرفته است

**شَرَبه‌ای**  
fimbriate, fringed

ع. گیاهی] ویژگی برگ‌گی که حاشیهٔ آن کرک یا بریدگی‌های نخ‌شکل داشته باشد

description

شرح

### شکفتگی درون افشان introrse dehiscence

[ع. گیاهی] شکفتگی درون سوی بساک رو به مرکز گل

### شکفتگی طولی longitudinal dehiscence

[ع. گیاهی] شکفتگی بساک در امتداد محور بلند خانک‌های آن

### شکفتگی عرضی transverse dehiscence

[ع. گیاهی] شکفتگی بساک عمود بر محور بلند خانک‌های آن

### شکفتگی کف‌ای valvular dehiscence

[ع. گیاهی] شکفتگی بساک از طریق منفذی که صفحه‌ای بافتی آن را پوشانده است

### شکفتگی کنار افشان latrorse dehiscence

[ع. گیاهی] شکفتگی کنار سوی بساک نسبت به مرکز گل

شکمی ← محور سوی

### شکوفای dehiscent

[ع. گیاهی] ویژگی میوه یا اندامی بارده که پس از رسیدن باز می‌شود و محتوای آن آشکار می‌شود  
\* مصوب فرهنگستان اول

### شقایق سانان Papaverales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌های غالباً علفی شامل شاه‌تره‌ایان و شقایقیان که آلکالوئیدهای متنوع دارند و با آلاله‌سانان خوشایوند هستند

### شقایقیان Papaveraceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از آلاله‌سانان شیرابه‌دار اغلب علفی و گاهی درختچه‌ای یا درختی کوتاه با حدود ۲۳ سرده و ۲۰۰ گونه و پراکنش جهانی و برگ‌های ساده و لپ‌دار یا بریده‌شانه‌ای با دُم‌برگ و بدون غلاف که آرایش‌شان متنوب یا چرخه‌ای است

### شکافته incised

[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌گی که حاشیه آن بریدگی‌های عمیق و نامنظم داشته باشد

### شکفتگی dehiscence

[ع. گیاهی] باز شدن میوه یا غلاف یا کپسول یا پرچم گیاه در موقع رسیدن

### شکفتگی برون افشان extrorse dehiscence

[ع. گیاهی] شکفتگی برون سوی بساک دور از مرکز گل

### شکفتگی بساک anther dehiscence

[ع. گیاهی] باز شدن بساک در هنگام رها شدن دانه‌های گرده

ع. گیاهی] سرده‌ای از شمعدانیان یک تا چندساله با ۴۲۲ گونه و با پراکندگی جهانی که یکی از ویژگی‌های ریخت‌شناختی آن میوه بلند و سوزنی‌شکل از نوع چاک‌بر به همراه جام رنگی و پنج‌قطعه‌ای منظم است

### شمعدانیان Geraniaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از شمعدانی‌سانان علفی یا درختچه‌ای با گل‌های پنج‌پار که جام آنها منقسم و میوه‌هایشان چاک‌بر است

### شمعدانی‌سانان Geraniales

ع. گیاهی] راسته‌ای کوچک از دولپه‌ای‌های اغلب علفی با گونه‌های زینتی و دارویی

### شناسایی identification

ع. گیاهی] فرایند مرتبط کردن یک آرایه یا موجود ناشناخته با یک مورد شناخته‌شده

### شن‌رست psammophyte

ع. گیاهی] گیاهی که در شن یا خاک‌های شنی رشد می‌کند

### سنگله glomerule

ع. گیاهی] گل‌آذینی با گل‌های بی‌پایک یا کوتاه‌پایک (subsessile) که میان‌گره‌های بین‌گل‌های متراکم آن بسیار کوتاه است

### شورابی Ruppia

ع. گیاهی] تنها سرده شورابیان که اغلب در آب‌های شور می‌روید؛ گل‌آذین آن بلند و نازک و راست یا اندکی پیچ‌خورده منتهی به دو گل ریز است و ساقه آن منشعب و بلند و برگ‌هایش اغلب سرنیزه‌ای است

### شکوفه bloom<sup>2</sup>, blossom

ع. گیاهی] غنچه بازشده در درختان میوه

### شُل sapling<sup>2</sup>

ع. گیاهی] نهال کوچک و جوانی با ارتفاع کمتر از دو متر و فاقد تنه به‌گونه‌ای که سراسر ساقه آن تا خاک دارای شاخه باشد

### شلاق‌زن ← درخت شلاق‌زن

### شمشاد Buxus

ع. گیاهی] سرده‌ای از شمشادیان با حدود ۷۰ گونه که اغلب گونه‌های آن گرمسیری یا نیمه‌گرمسیر است و فقط گونه‌های اروپایی و برخی گونه‌های آسیایی آن در برابر سرما مقاوم هستند، برگ‌های آنها متقابل و دایره‌ای یا سرنیزه‌ای با بافت چرمی و گل‌هایشان کوچک و سبز مایل به زرد و تک‌جنسی و تک‌پایه است؛ میوه آنها پوشینه کوچکی است با تعدادی دانه‌های ریز

### شمشادیان Buxaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از راسته چنارسانان، به شکل درخت یا درختچه، دارای گل‌های کوچک تک‌جنسی منظم

### شمشیری‌شکل ensiform, sword-shaped

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی شمشیرمانند در گیاهان که دو لبه آن تیز و راست باشد و به سمت نوک باریک شود

### شمعدانی Pelargonium



شیارک‌های (fissures) کم‌عمق یا مجراهای (channels) باز است

### شیرپوریان

ع. گیاهی [تیره‌ای از راسته قاشق‌واش‌سانان با گل‌های تک‌جنسی یا به‌ندرت نرماده که در سنبله‌ای متراکم آرایش یافته‌اند و برگ‌های درشت به نام چمچه آنها را در بر گرفته است

### شیرآور

ع. گیاهی [سرده‌ای از شیرآوریان علفی چندساله یا درختی کوتاه یا درختچه‌ای با حدود ۵۰۰ گونه که دارای پراکنش تقریباً جهانی هستند و کرمینه (larva) برخی از پروانه‌سانان از گونه‌های این سرده تغذیه می‌کنند

### شیرآوریان

ع. گیاهی [تیره‌ای از باقلاسانان درختی یا درختچه‌ای یا علفی با هفده سرده و ۸۰۰ گونه که دارای پراکنش تقریباً جهانی هستند و بیش از نیمی از گونه‌های آن متعلق به سرده شیرآور است

### شیرابه

[مشترک] شیرهای که فریون و هیوا (hevea) و برخی از قارچ‌ها ترشح می‌کنند

### شورابیان

ع. گیاهی [تیره‌ای از قاشق‌واش‌سانان با یک سرده و حدود ده گونه که معمولاً در آب‌های شور یا کم‌نمک می‌رویند و برگ‌هایشان نواری با غلافی در قاعده و گل‌هایشان ریز و بدون گل‌پوش است که در گل‌آذین خوشه‌ای انتهایی و کوتاه قرار می‌گیرند

### شوره‌زدایی

ع. گیاهی [تبدیل نیترات به آمونیاک در خاک به‌وسیله برخی از باکتری‌ها که در نتیجه آن نیترات یا شوره خاک کاهش می‌یابد

### شوره‌سازی

ع. گیاهی [تبدیل آمونیاک به نیترات در خاک به‌وسیله برخی از باکتری‌ها که در نتیجه آن نیترات یا شوره خاک افزایش می‌یابد

### شهد

ع. گیاهی [ماده شیرینی که از غده‌های خاصی در برخی از اندام‌های گیاهان ترشح می‌شود

### شاهدان

ع. گیاهی [اندامی که در آن شهد ترشح و جمع می‌شود

### شیاردار

ع. گیاهی [ویژگی گیاهانی که بخش‌هایی از آنها دارای فرورفتگی‌های باریک و بلند یا

<p>xylem sap      <b>شیرهٔ خام</b></p> <p>[ع. گیاهی] محلولی رقیق حاوی برخی مواد معدنی و نمک‌ها و مقدار بسیار کمی قند که در آوند چوبی جریان دارد</p>	<p>laticiferous      <b>شیرابه‌ای</b></p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی یاخته یا بافت یا آوندی که تولیدکننده یا حمل‌کنندهٔ شیرابه است</p> <p><b>شیرابه‌بر</b> ← شیرابه‌دار</p>
<p>glycophyte      <b>شیرین‌رُست</b></p> <p>[ع. گیاهی] گیاهی که در محلول نمک با فشار اسمزی بالاتر از دو واحد رشد نمی‌کند</p>	<p>laticifer      <b>شیرابه‌دار</b></p> <p>[ع. گیاهی] یاخته، بافت یا مجرای حاوی شیرابه مت. شیرابه‌بر</p>
<p>chemoautotroph      <b>شیمی‌خودپرورد</b></p> <p>[ع. گیاهی] خودپروردی که انرژی خود را از واکنش‌های شیمیایی به دست می‌آورد</p>	<p>phloem sap      <b>شیرهٔ پرورده</b></p> <p>[ع. گیاهی] محلولی غلیظ حاوی قندها و پروتئین‌ها و مواد معدنی که در آوند آبکش جریان دارد</p>

# ص ، ض

مخروطی راست یا خمیده و با گل آذین خوشه‌ای به طول ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متر و گل‌های زردرنگ و عمود بر محور گل آذین

**صخره‌رُست** chomophyte

[ع. گیاهی] گیاهی که در درزها و شکاف کوه‌ها و بین خرده‌سنگ‌ها می‌روید

**صفت** character

[ع. گیاهی] مشخصه یا خصیصه‌ای از یک آرایه

**صفت اکتسابی**

acquired character

[ع. گیاهی] صفتی که گیاه یا موجود زنده در پاسخ به محرک‌های طبیعی محیط‌زیست خود کسب می‌کند

**صفت برتر** advanced character

[ع. گیاهی] ویژگی نشان‌دهندهٔ انحراف مثبت از ویژگی‌ها و صفات نیایی

*Aloe*

**صبر**

[ع. دارویی] سرده‌ای از سریشیان (Asphodelaceae) شامل گیاهانی با برگ‌های طوقه‌ای بزرگ و ضخیم و گوشتی و گل‌های لوله‌ای به رنگ‌های زرد، نارنجی، صورتی یا قرمز که بر روی شاخهٔ گل‌دهنده به صورت دسته‌ای و متراکم قرار دارند

*Aloe vera,*

*Aloe vulgaris,*

*Aloe barbadensis*

**صبر حقیقی**

[ع. دارویی] گونه‌ای صبر بوته‌ای و پایا به ارتفاع ۵۰ تا ۸۰ سانتی‌متر و با ساقه‌های چوبی کوتاه به ضخامت ۵ تا ۱۰ سانتی‌متر و برگ‌های نيزه‌ای و قایقی به رنگ سبز یا سبز مایل به خاکستری به طول ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر و عرض ۸ تا ۱۰ سانتی‌متر و ضخامت ۱ تا ۳ سانتی‌متر و کمی نازک‌تر در حاشیه و دارای خارهای نازک نوک‌تیز و

[ع. ک. دارویی] صمغی که از درخت آکاسیا ترشح می‌شود

gummy

صمغی

[ع. گیاهی] ویژگی گیاه دارای صمغ یا پوشیده از صمغ

Santalum

صندل

[ع. گیاهی] سرده‌ای نیمه‌انگلی از صندلیان با حدود ده گونه که معروف‌ترین آنها همان صندل واقعی یا صندل سفید با چوب معطر است؛ گونه‌های این سرده در سرتاسر جنوب شرقی آسیا و جزایر جنوبی اقیانوس آرام پراکنده است

Santalales

صندل‌سانان

[ع. گیاهی] راسته‌ای از گیاهان گل‌دار با گونه‌هایی اغلب انگلی یا نیمه‌انگلی که در همه نقاط جهان به‌ویژه در نواحی گرمسیر و نیمه‌گرمسیر می‌رویند

Santalaceae

صندلیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از صندل‌سانان درختچه‌ای و علفی و درختی نیمه‌انگلی با حدود ۳۸ سرده و بیش از ۴۰۰ گونه که در نواحی گرمسیر یا معتدل می‌رویند؛ در برخی از سرده‌ها برگ‌های غیرمنتقسم و معمولاً متناوب به ساختارهایی فلس‌مانند تبدیل شده است؛ برگ‌های سبز آنها مقداری سبزینه دارد که به آنها امکان ساخت غذا را می‌دهد، اما این گیاهان مقداری از آب و مواد غذایی مورد نیاز خود را از طریق

صفت چندحالتی

multistate character

[ع. گیاهی] صفتی که سه یا چند حالت دارد

binary character

[ع. گیاهی] صفتی که فقط دو حالت دارد

sieve plate

صفحه آبکش

[ع. گیاهی] بخش اختصاص‌یافته‌ای از دیواره انتهایی یک عنصر لوله آبکش که به‌صورت ساده یا مرکب است

مت. صفحه غربالی

basal plate

صفحه پایه‌ای

[ع. گیاهی] بخش ساقه‌ای واقع در قسمت زیرین سوخ که به محور عمودی ساقه متصل است و معمولاً کوتاه و گوشتی است

صفحه غربالی ← صفحه آبکش

gum

صمغ

[مشترک] ترکیبی از کربوهیدرات‌ها که با تیغ زدن گیاه از آن خارج و در مجاورت هوا سخت می‌شود؛ این ترکیب بر اثر جذب آب متورم می‌شود و محلولی ژله‌ای یا چسبناک به وجود می‌آورد

gummiferous

صمغ‌بر

[ع. گیاهی] گیاه دارای ساختارهای تولیدکننده یا ترشح‌کننده صمغ

gum arabic, acacia gum

صمغ عربی

bark thickness **ضخامت پوست**

[ع. گیاهی] پهنای پوست درخت در محل

قطر برابر سینه

اندام‌های مکنده (haustoria) از میزبان  
تأمین می‌کنند؛ اکثر صندلیان  
انگل‌ریشه‌ای، ولی برخی از آنها  
انگل‌ساقه‌ای هستند و بیشتر آنها گل‌های  
کوچک و ناپیدای تک‌جنسی یا دوجنسی  
دارند

## ط

معمولاً برگ‌ها، از یک نقطهٔ مرکزی در سطح زمین پخش می‌شوند

rosulate

طوقه‌ای

[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌آذینی که در آن برگ‌ها به‌صورت طوقه‌های کوچک یا دسته‌های حلقه‌مانند قرار گرفته‌اند

duration

طول عمر

[ع. گیاهی] مدت زندگی گیاه یا بخشی از آن

tribe

طایفه

[ع. گیاهی] یکی از رتبه‌های فرعی رسمی در آرایه‌شناسی موجودات زنده، بالاتر از سرده و پایین‌تر از تیره

طبقه‌بندی ← رده‌بندی

rosette

طوقه

[ع. گیاهی] آرایش گیاهی که در آن اجزای گیاه،

# ع ، غ

نیمه گرمسیر پراکنده است؛ برگ‌های این گیاهان متناوب با برگچه‌های کوچک و میوه آنها معمولاً مانند میوه افرا بال‌دار است

## عَرعَریان Simaroubaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از افراسانان با سیزده سرده درختی و ۹۵۰ گونه که در تمامی نواحی گرمسیر می‌رویند؛ برگ‌های آنها که از تعدادی برگچه حول یک محور تشکیل شده است به صورت متناوب در طول ساقه قرار گرفته‌اند؛ بیشتر گونه‌های این تیره گل‌های کوچک و پوست تلخ و میوه‌های گوشتی دارند که گاه بال‌دار هستند

## عسلک honeydew

[ع. گیاهی] شیره پرورده غلیظی در سطح برگ گیاهان که به صورت طبیعی یا به واسطه شته‌ها ترشح می‌شود

## عدسک lentical

[ع. گیاهی] منفذی متشکل از یاخته‌های غیرمتراکم در پیراپوست ساقه گیاهان چوبی که مبادله گاز را امکان‌پذیر می‌کند  
\* مصوب فرهنگستان اول

## عدسک آبی Lemna

[ع. گیاهی] سرده‌ای از عدسک‌آبیان آبی با رشد سریع که اغلب گونه‌های آن ریشه‌مانند و در سطح آب شناورند

## عدسک‌آبیان Lemnaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از قاشق‌واش‌سانان آبی شناور ریشه‌مانند و کوچک که گل‌های آنها ریز و تک‌پرچی است

## عَرعَر Ailanthus

[ع. گیاهی] سرده‌ای درختی یا درختچه‌ای از عَرعَریان که در نواحی گرمسیر و

**Utricularia****علف انبانی**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از علف‌انبانان با ۲۲۴ گونه که در آب‌های شیرین یا بر سطح خاک‌های مرطوب می‌رویند و جام آنها شبیه به ارکیده است

**Lentibulariaceae****علف‌انبانان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان علفی اغلب آبی با زائده‌های ساقه‌ای کوزه‌ای شکل که غالباً گوشت‌خوارند و به‌صورت فعال یا غیرفعال حشره شکار می‌کنند

**Selaginellaceae****علف‌خوکیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نهانزادان آوندی که ناجورهاگ (heterospor) و دارای برگ‌های پهن و نازک هستند

**Aizoaceae****علف‌فرشیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان یک تا چندساله نسبتاً گوشتی و دارای گل‌آذین گرزن‌محوری یا انتهایی

**weed****علف هرز**

[ع. گیاهی] هر نوع گیاه، به‌جز گیاه موردنظر، که در مزرعه یافت شود

**Polygonum****علف هفت‌بند**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از علف‌هفت‌بندیان که اغلب در مناطق معتدل شمالی می‌رویند و شکل رویشی آنها بسیار متنوع و از علفی خوابیده (prostrate) یک‌ساله

**Hedera****عشقه**

[ع. گیاهی] سرده همیشه‌سبز بالارونده به‌ندرت درختچه‌ای از عشقه‌ایان با حدود پنج گونه که معروف‌ترین آنها دارای ریشه‌های هوایی مجهز به صفحات چسبنده با منشأ ساقه‌ای است؛ برگ‌های آنها سه تا پنج‌لپه و گاه بدون لپه و گل‌های آنها کوچک و مایل به سبز است؛ رقم‌های باغبانی و جغرافیایی متعددی از گونه معروف عشقه (H. helix) وجود دارد

**Araliaceae****عشقه‌ایان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از کرفس‌سانان با برگ‌های ساده و پایا که اغلب بالارونده هستند

**extract****عصاره**

[ع. ک. دارویی] ماده استخراج‌شده از گیاه با استفاده از حلال

**crude plant extract****عصاره خام گیاهی**

[ع. ک. دارویی] ماده مؤثری که با استفاده از حلال‌ها از گیاه استخراج می‌کنند

**عضو ← اندام****عضوی ← اندامی****عقربان ← مریم‌گلی عقربان**



[ک. گ. دارویی] گونه‌ای عناب به شکل درختچه به ارتفاع حداکثر ۸ متر با شاخه‌های گسترده و سخت و سفت با پوست قهوه‌ای و گوشوارک‌های خارمانند و برگ‌هایی به طول ۱ تا ۴ سانتی‌متر و مستطیلی-تخم‌مرغی یا سرنیزه‌ای پهن و نوک‌گرد یا تقریباً نوک‌تیز و دندانه‌ای-ارهای در حاشیه؛ گل‌های آن معمولاً در مجموعه‌های ۳ تا ۵ تایی در محور برگ‌ها ظاهر می‌شوند و میوه مستطیلی-تخم‌مرغی و گوشتی به رنگ قرمز یا سیاه دارد

مت. عناب<sup>۱</sup> jujube, jujuba

### عناب کُنار

*Ziziphus spina-christi*,  
Christ's Thorn Jujube

[ک. گ. دارویی] درخت یا درختچه همیشه‌سبز یا خزان‌کننده به ارتفاع ۳ تا ۸ متر، خاردار با برگ‌های متناوب تخم‌مرغی یا بیضوی یا مستطیلی یا گاه گرد و صاف یا با دندانه هلالی و گل‌های سفید در حاشیه به قطر ۴ تا ۷ میلی‌متر و با میوه شفت به قطر ۱ تا ۲۰ سانتی‌متر به رنگ‌های زرد یا قرمز یا نارنجی یا سبز

مت. کنار

Rhamnaceae **عنایان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از گل‌سرخ‌سانان اغلب درختی یا درختچه‌ای و گاه بالارونده با حدود ۵۰ سرده و ۹۰۰ گونه که گسترش جهانی دارند و در مناطق گرمسیر و

پنج‌سانتی‌متری گرفته تا علفی افراشته (erect) چندساله سه تا چهارمتری و درختی چوبی چندساله ۲۰ تا ۳۰ متری و بالارونده است و برخی از گونه‌های این سرده آبی‌سبز هستند و به صورت گیاهان آبی شناور در آبگیرها می‌رویند؛ برگ‌های آنها دارای لبه‌های صاف و شکل‌های متنوعی است و گل‌هایشان کوچک و صورتی یا سفید یا سبز است که در تابستان به صورت خوشه‌های متراکم از محل اتصال برگ‌ها یا انتهای ساقه‌ها می‌رویند

Polygonaceae **علف‌هفت‌بندیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان با حدود ۴۵ سرده و ۸۰۰ گونه که بندهای متورم (node joints) بسیاری در طول ساقه‌های آنها وجود دارد و دانه‌های فراوان تولید می‌کنند

عناب<sup>۱</sup> ← عناب رسمی

Ziziphus **عناب<sup>۲</sup>**

[مشترک] سرده‌ای از عنایان درختچه‌ای یا درختی کوچک خاردار خزان‌دار یا همیشه‌سبز با ۴۰ گونه که در مناطق معتدل و نیمه‌گرمسیر جهان می‌رویند؛ برگ‌های آنها کامل با آرایش متناوب و دارای سه رگبرگ اصلی قاعده‌ای است و گل‌هایشان کوچک و سبز متمایل به زرد و میوه‌های آنها شفت خوراکی و اغلب خیلی شیرین است

*Ziziphus jujuba* **عناب رسمی**

ع. گیاهی] لایه نازکی از درون یاخته مرکب از لیپیدها و پروتئین‌ها که سطح همه یاخته‌ها را می‌پوشاند

### غلاف sheath

ع. گیاهی] بخشی از برگ که از ساقه یا شاخه محافظت می‌کند

### غلافی<sup>۱</sup> Monochoria

ع. گیاهی] سرده‌ای از گیاهان علفی مردابی یا آبی چندساله، یا در شرایط نامساعد، یک‌ساله با هشت گونه که در مناطق گرمسیر و نیمه‌گرمسیر افریقا و آسیا و استرالیا می‌رویند؛ ساقه آنها ایستاده یا خزنده و گل آذینشان خوشه‌ای یا شبه‌چتری است که در جوانی غلاف‌های برگ‌مانند پهنی آن را در بر می‌گیرد؛ گل‌های این سرده شش پرچم با تخمدانی سه‌خانه‌ای و تخمک‌های فراوان در هر خانه دارد؛ و گل‌های این گیاه یا دُمگل ندارند یا دُمگلشان کوتاه است و قطعات آنها تقریباً تا قاعده از هم جدا هستند؛ میوه آنها پوشینه حجره‌شکاف سه‌کفه‌ای است

### غلافی<sup>۲</sup> sheathing

ع. گیاهی] ویژگی برگ یا قاعده آن با ساختاری خمیده یا نیمه‌لوله‌ای که قسمتی از ساقه یا تمام آن را در بر می‌گیرد

### غلافیان ← پونته‌دریائیان

### غنچه‌ریزی

#### flower bud abscission

ع. گیاهی] ریزش غنچه بر اثر تشکیل لایه ریزی

نیمه‌گرمسیر تنوع بسیار دارند؛ برگ‌های آنها ساده با آرایش متقابل یا فراهم یا مارپیچی است که در برخی سرده‌ها تبدیل به خار شده و گل‌هایشان شامل چهار یا پنج کاسبرگ و چهار یا پنج گلبرگ و گاه بدون گلبرگ با تقارن شعاعی است

### عنصر آبکش sieve element

ع. گیاهی] یاخته آوندی بافت آبکش که در انتقال عمودی مواد محلول دخالت دارد  
مت. عنصر غربالی

### عنصر چوب‌آوندی vessel element

ع. گیاهی] یاخته آوندی در چوب برخی سرخس‌ها و اغلب نهان‌دانگان که فاقد دیواره عرضی است و دیواره ثانوی ضخیم دارد

### عنصر غربالی ← عنصر آبکش

### غده‌دار glandular

ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک ترش‌حی یا دفعی که معمولاً یک یاخته غده‌ای رأسی دارد

### غشای تحریک‌پذیر

#### excitable membrane, excitable cell membrane

ع. گیاهی] غشایی که بتواند در پاسخ به محرک، واقطبشی در حد پتانسیل کنش ایجاد کند

### غشای یاخته

#### plasmic membrane

# ف

**فام تن چندمیان**  
polycentric chromosome,  
polycentromeric  
chromosome,  
holocentric chromosome,  
holocentric

[ع. گیاهی] فام تنی با چند میان پار  
polycentric

مت. چندمیان

**فام تن کرانه میان**  
acrocentric chromosome

[ع. گیاهی] فام تنی که میان پار آن بسیار  
نزدیک به انتهای یک سر آن قرار دارد  
acrocentric

مت. کرانه میان

**فام تن مرکز میان**  
metacentric chromosome

[ع. گیاهی] فام تنی که میان پار آن تقریباً در  
وسط قرار دارد  
metacentric

مت. مرکز میان

**فام تن** chromosome  
[ع. گیاهی] ساختاری رشته‌ای که در هسته  
یاخته در حال تقسیم مشاهده می‌شود و  
حامل اطلاعات ژنی است

**فام تن بس رشته**  
polytene chromosome

[ع. گیاهی] فام تنی متشکل از  
فامینک‌های هم‌ساخت که حاصل  
هم‌تاسازهای مکرر دنا بدون تقسیم  
هسته‌ای است

**فام تن بی میان**  
acentric chromosome,  
acentric fragment

[ع. گیاهی] فام تنی بدون میان پار  
acentric

مت. بی میان

**فام تن جنسی** sex chromosome  
[ع. گیاهی] فام تنی که در تعیین جنسیت  
جنین نقش دارد

preparation	<b>فراورده</b>	chromatid	<b>فامینک</b>
← گ. دارویی] هر محصولی که با هدف درمانی یا بهداشتی از گیاهان تهیه می‌شود		ع. گیاهی] یکی از دو ساختار رشته‌ای حاصل از دوتا شدن فام‌تن در تقسیم یاخته‌ای	
herbal preparations	<b>فراورده‌های گیاهی</b>	chromatin	<b>فامینه</b>
← گ. دارویی] محصولی که از مواد پایه به دست می‌آید و به‌صورت جوشانده یا دم‌کرده یا عرق یا روغن یا جز آنها قابل مصرف است		ع. گیاهی] مجموعه‌ای از اسیدهای هسته‌ای و پروتئین‌ها که به‌شدت رنگ‌پذیر است و در هنگام تقسیم یاخته‌ای فام‌تن ایجاد می‌کند	
verticillate	<b>فراهم</b>	chromatinic	<b>فامینه‌ای</b>
← ع. گیاهی] ویژگی برگ‌آذینی که در هر گره سه یا بیش از سه برگ یا ساختاری دیگر دارد		ع. گیاهی] مربوط به فامینه	
whorled	<b>چرخه‌ای</b>	anagenesis	<b>فرازایی</b>
مت. چرخه‌ای		ع. گیاهی] تکامل گونه‌ای جدید از طریق تغییر وسیع در بسامد ژن، به‌طوری که گونه جدید از طریق انشعاب یک گونه اضافه ایجاد نمی‌شود، بلکه جایگزین گونه قدیمی می‌شود	
verticillaster	<b>فراهمه</b>	anabolism	<b>فراگشت</b>
← ع. گیاهی] گل‌آذینی فرعی با محور مرکزی نامشخص که از گرزهای متقابل جانبی بدون پایک تشکیل شده است به‌طوری که گل‌های آن متراکم به نظر می‌رسند		ع. گیاهی] مجموعه فرایندهای شیمیایی ترکیبی در موجودات زنده	
individual	<b>فرد</b>	anabolite	<b>فراگشته</b>
← ع. گیاهی] هریک از موجودات زنده تشکیل‌دهنده یک جمعیت		ع. گیاهی] ترکیب حاصل از فراگشت	
<i>Euphorbia</i>	<b>فرفیون</b>	anabolic	<b>فراگستی</b>
← ع. گیاهی] سرده‌ای از فرفیونیان شیره‌دار با حدود ۲۱۶۰ گونه که بیشتر در مناطق گرمسیر یا نیمه‌گرمسیر می‌رویند		ع. گیاهی] مربوط به فراگشت	
		supraspecific	<b>فراگونه‌ای</b>
		ع. گیاهی] ویژگی هر رتبه‌ای که در سلسله‌مراتب رده‌بندی بالاتر از گونه قرار دارد	

ع. گیاهی] ویژگی هر رتبه‌ای که در سلسله‌مراتب رده‌بندی پایین‌تر از گونه قرار دارد

### acrescent **فزون‌رشد**

ع. گیاهی] ویژگی بخشی از گیاه که رشدی پایا و ممتد، بیش از حالت عادی، دارد

### copiotroph **فزونی‌پرورد<sup>۱</sup>**

ع. گیاهی] اندامگانی که در محیط سرشار از مواد غذایی قادر به رشد است

### copiotrophic **فزونی‌پرورد<sup>۲</sup>**

ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که در محیط سرشار از مواد غذایی قادر به رشد است

### copiotrophy **فزونی‌پروردگی**

ع. گیاهی] فرایند رشد اندامگان در محیط سرشار از مواد غذایی

### tension<sup>1</sup> **فشار**

ع. گیاهی] نیرویی که بر اثر متورم شدن محتویات باخته به دیوارهٔ یاخته‌های گیاهی وارد می‌شود

### bud scale **فلس جوانه**

ع. گیاهی] برگ تغییرشکل‌یافته‌ای که جوانهٔ گیاهان چندساله را می‌پوشاند و از آنها محافظت می‌کند

tegumentum, مت. جوانه‌پوش  
cataphyll

فلس‌مانند ← فلسی

### Euphorbiaceae **فریونیان**

ع. گیاهی] تیره‌ای از مالپیگی‌سانان درختی یا درختچه‌ای یا علفی اغلب شیرابه‌دار که گل‌های آنها به‌طور منظم در گُل‌آذین خوشه‌گزن یا گرزن آرایش یافته است

فرگشت ← تکامل

### فرگشت تدریجی ← تکامل تدریجی

### فرگشت ناگهانی ← تکامل ناگهانی

### فرگشت هماهنگ ← تکامل هماهنگ

### floral formula **فرمول گل**

ع. گیاهی] نمایش نمادی ریخت‌شناسی گل، شامل تعداد چرخه‌ها یا ردیف‌ها و تعداد قطعات در هر چرخه و اتصال قطعات و موقعیت تخمدان

### infrasubspecific **فروزیرگونه‌ای**

ع. گیاهی] ویژگی تقسیمات آرایه‌شناختی پایین‌تر از زیرگونه

### catabolism **فروگشت**

ع. گیاهی] مجموعهٔ فرایندهای شیمیایی تخریبی در موجودات زنده

### catabolic **فروگشتی**

ع. گیاهی] مربوط به فروگشت

### infraspecific **فروزیرگونه‌ای**

میوه بلوط دیده می‌شود ۲. زائده‌ای در ریشه برخی جگرواش‌ها که پیاله‌شکل است

### فنجانکی cupular

[ع. گیاهی] مربوط به فنجانک

### فندق Corylus

[ع. گیاهی] سرده‌ای از فندقیان درختچه‌ای خزان‌دار به بلندی سه تا هشت متر، با میوه‌های فندق‌کی که در دسته‌های یک تا پنج‌تایی قرار دارند

### فندقچه nutlet

[ع. گیاهی] میوه فندق‌کی کوچک

### فندقه achene

[ع. گیاهی] میوه خشک ناشکوفای یک‌دانه، حاصل از نمو تخمدان یک‌برچهای

### فندقه بال‌دار samara

[ع. گیاهی] نوعی میوه فندقه که پیراِتر آن به شکل بال غشایی (membranous wing) گسترش یافته است و به آسانی با باد پخش می‌شود

### فندق‌کی nut

[ع. گیاهی] میوه خشک ناشکوفای یک‌دانه، حاصل از نمو تخمدان چندبرچهای

### فندقیان Corylaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از راش‌سانان اغلب درختی یا درختچه‌ای با گل آذین نر دم‌گربه‌ای که گل‌های نر آنها بدون گل‌پوش و میوه‌هایشان از نوع فندق‌کی است

### فلسی squamous

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی پوشیده از پولک یا فلس‌های خوابیده کوچک در گیاهان که از یک یا چند لایه یاخته ورقه‌ای تخت تشکیل شده باشد  
مت. فلس‌مانند scalelike, scaly

### فلفل سیاه Piper

[ع. گیاهی] سرده‌ای از فلفل‌سیاهیان علفی یا درختچه‌ای یا بالارونده با ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ گونه که اهمیت اقتصادی و بوم‌شناختی بسیار دارند

### فلفل‌سیاه‌سانان Piperales

[ع. گیاهی] راسته‌ای کوچک از دولپه‌ای‌های علفی یا درختچه‌ای یا بالارونده چوبی با حدود ۳۶۰۰ گونه که در سه تیره طبقه‌بندی می‌شوند و بسیاری از آنها مانند فلفل سیاه و زراوند کاربرد دارویی دارند و برخی نیز در مناطق معتدل به‌عنوان گیاه زینتی کاشته می‌شوند

### فلفل‌سیاهیان Piperaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از فلفل‌سیاه‌سانان علفی یا بالارونده چوبی با هفت یا هشت سرده و حدود ۲۰۰۰ گونه و پراکنش گرمسیری که گیاهان آنها بودار و گل‌های کوچک آنها در گل آذین سنبلچه آرایش یافته است

### فنجانک cupula

[ع. گیاهی] ۱. حلقه‌ای از برگه‌های سخت و به‌هم‌چسبیده به شکل پیاله، مانند آنچه در

# ق

[ع. گیاهی] مجموعه‌ای از نمونه‌قارچ‌های خشک که در محل خاصی نگهداری می‌شود

قارچ‌ها ← قارچان

**قاشق‌واش سانان** Alismatales  
[ع. گیاهی] راسته‌ای از تک‌لپه‌ای‌های غالباً علفی و آبزی با ۱۶۵ سردهٔ آرایش‌یافته در چهارده تیره که در تمام نقاط جهان پراکنده هستند

**قاشق‌واشیان** Alismataceae  
[ع. گیاهی] گیاهانی از راستهٔ قاشق‌واش سانان که آبزی و گاه نیمه‌آبزی و اغلب دارای ساقهٔ عربان‌اند

**قاشقی** spatulate  
[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی در گیاهان به شکل مستطیل یا گرد شبیه به سر قاشق با پایه‌ای نوک‌تیز و بلند و باریک

**قارچان** Fungi  
[ع. گیاهی] سلسله‌ای از هوهسته‌ای‌ها که در دیوارهٔ یاخته‌های آنها کیتین وجود دارد و توان فتوسنتز (photosynthesis) ندارند  
مت. قارچ‌ها

**قارچ‌خوار** mycophage  
[ع. گیاهی] ویروسی که باعث عفونت و تلاشی قارچ می‌شود

**قارچ‌شناسی** mycology  
[ع. گیاهی] دانش مطالعهٔ قارچ‌ها

**قارچ‌شناسی مولکولی** molecular mycology

[ع. گیاهی] مطالعهٔ قارچ‌ها با استفاده از فناوری‌های تشخیص مولکولی

**قارچ‌کده** fungarium

**قاعده‌ای<sup>۱</sup>** basal<sup>1</sup>  
 [ع. گیاهی] ۱. ویژگی تَمکنی که در آن جفت در قاعدهٔ تخمدان قرار دارد ۲. ویژگی رگ‌بندی‌ای با سه یا چند رگبرگ اولیه که از نقطه‌ای در پایهٔ پهنک منشعب می‌شوند

**قلبیانی** pandurate  
 [ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل تخم‌مرغ وارونه در گیاهان که در بخش میانی تورفتگی داشته باشد  
 مت. . قلبیانی شکل panduriform

**قلبیانی شکل** ← قلبیانی

**قاعده‌ای<sup>۲</sup>** basal<sup>2</sup>, radical  
 [ع. گیاهی] ویژگی بخشی از گیاه که در پایین یا در قاعدهٔ یک ساختار قرار دارد

**قشر** ← پوسته

**قندکافت** glycolysis  
 [ع. گیاهی] فرایند تجزیهٔ بی‌هوازی گلوکوز به ترکیبات ساده‌تر که با آزاد شدن انرژی و تشکیل آ.ت.پ. (ATP) همراه است

**قطره‌خواری** pinocytosis  
 [ع. گیاهی] بردن مواد مایع به داخل یاخته و هضم آنها

**قندکافتی** glycolytic  
 [ع. گیاهی] ۱. مربوط به قندکافت ۲. ویژگی آنچه باعث قندکافت می‌شود

**قطعهٔ تکثیر** propagulum, propagule  
 [ع. گیاهی] بخشی از گیاه، مانند جوانه‌ها یا شاخه‌های جانبی، که در تکثیر دخالت دارد

**قوسی‌رو** camptodromous  
 [ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی شانهای که در آن رگبرگ‌های دومین به حاشیه برگ نمی‌رسند

**قطعهٔ گل‌پوش** ← گلپار

**قیچ** Zygothylum  
 [ع. گیاهی] سرده‌ای از قیچیان یک‌سالهٔ علفی یا چندسالهٔ بوته‌ای با حدود ۵۰ گونه که در نواحی خشک و نیمه‌خشک افریقا و مدیترانه و آسیای میانه و استرالیا می‌رویند؛ شاخه‌های آنها گوشتی و بدون کرک و برگ‌هایشان اغلب متقابل و ساده و معمولاً دُمبرگ‌دار یا بدون دُمبرگ و گوشتی و بدون کرک است؛ گل‌های آنها منفرد و جانبی و معمولاً دُمگل‌دار با یک مرکز سبز و حاشیهٔ غشایی است

**قلاب‌وار** uncinata, hooked  
 [ع. گیاهی] دارای ساختاری قلاب‌مانند

**قلبی** cordate, heart-shaped  
 [ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل قلب با رأسی تیز در گیاهان

**قلیادوست** alkali-loving  
 [ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که برای رشد بیشینه به محیط قلیایی نیاز دارد



## Zygophyllaceae

## قیچیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از قیچ‌سانان اغلب درختچه‌ای یا درختی کوچک با ۳۰ سرده و ۲۳۵ گونه که بیشتر در محیط‌های بیابانی یا نواحی شور معتدل و نواحی گرمسیر می‌رویند؛ برگ‌های آنها به شکل متقابل یا مارپیچ و گل‌های پنج‌قسمتی آنها معمولاً دارای ده بساک است که هر کدام یک غده و یک نوش‌جای (nectary disk) مشخص دارد

## Zygophyllales

## قیچ‌سانان

[ع. گیاهی] راسته‌ای از گیاهان گل‌دار علفی یا درختچه‌ای به‌ندرت نیمه‌انگلی با دو تیره و ۲۷ سرده و حدود ۳۰۰ گونه که عمدتاً در نواحی گرمسیر و خشک معتدل یا نواحی شور می‌رویند؛ گل‌های زیبای این راسته دارای گل‌پوشی معمولاً پنج‌قسمتی با غدد شهددار برای گرده‌افشانی به‌وسیلهٔ زنبور است

# ک

کاراندام <sup>1</sup>physiology

[ع. گیاهی] مجموعه فرایندهایی که در  
یاخته‌ها و بافت‌های موجود زنده رخ دهد

کاراندام‌شناسی <sup>2</sup>physiological

[ع. گیاهی] مربوط به کاراندام‌شناسی

کاراندام‌شناسی <sup>3</sup>physiologist

[ع. گیاهی] فرد متخصصی که کارِ اندام‌های  
موجود زنده و اجزای آنها را مطالعه می‌کند

کاراندام‌شناسی <sup>4</sup>physiology

[ع. گیاهی] علم شناخت کارِ اندام‌های موجود  
زنده و اجزای آنها

کاسبرگ <sup>5</sup>sepal

[ع. گیاهی] واحد تشکیل‌دهنده کاسه گل در  
گیاهان دولپه‌ای که معمولاً سبز و  
برگ‌مانند است  
\* مصوب فرهنگستان اول

کاج‌سانان Pinales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از کاج‌تباران  
(Pinopsida) که تمام مخروطیان کنونی را  
در بر می‌گیرد؛ این راسته پیش از این  
مخروطی‌سانان (Coniferales) نامیده  
می‌شد؛ صفت بارز همه کاج‌سانان داشتن  
ساختارهای زایشی موسوم به مخروط است

کاج مطبق <sup>6</sup>Araucaria

[ع. گیاهی] سرده‌ای از مطبق کاجیان  
مخروطی با حدود نوزده گونه همیشه‌سبز و  
بلندقامت با شاخه‌های فراهم و برگ‌های  
سخت و تخت نوک‌سوزنی؛ گیاهان این  
سرده در برزیل و شیلی و گینه نو و  
کالدونیای جدید و جزیره نورفولک و  
استرالیا می‌رویند

کاجیان <sup>7</sup>Pinaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از بازدانگان که دارای  
برگ‌های سوزنی و مخروط‌های درشت‌اند

ع. گیاهی] تیره‌ای از کاسنی‌سانان (Asterales) با گل‌آذین کپه و پراکنندگی وسیع در ایران و جهان  
مت. - مرکبان  
Compositae

**کاسبرگ‌دار**  
sepalous  
ع. گیاهی] ویژگی گل‌پوشی که دارای کاسبرگ است

**کاسه**  
calyx  
ع. گیاهی] مجموعه کاسبرگ‌های گل  
\* مصوب فرهنگستان اول

**کاستمان**  
meiosis  
ع. گیاهی] نوعی تقسیم یاخته‌ای که در نتیجه آن تعداد فام‌تن‌ها نصف می‌شود

**کاسه شکافی**  
calyx splitting  
ع. گیاهی] عارضه‌ای که در گیاهان باعث شکافته شدن کاسه گل می‌شود

**کاستمانی**  
meiotic  
ع. گیاهی] مربوط به کاستمان

**کافته**  
lacinate, jagged  
ع. گیاهی] ویژگی برگ‌ی که حاشیه‌ای بریده و نامنظم با لپ‌های باریک داشته باشد

**کاستی پرورد<sup>۱</sup>**  
oligotroph  
ع. گیاهی] اندامگانی که می‌توانند در محیط غذایی فقیر رشد کنند

**کافشه‌ای**  
cypsel  
ع. گیاهی] نوعی میوهٔ فندقه حاصل از تخمدان زیرین

**کاستی پرورد<sup>۲</sup>**  
oligotrophic  
ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که قادر است در محیط غذایی فقیر رشد کند

**کافنده‌تن**  
lysosome  
ع. گیاهی] از اندامک‌های درون‌یاخته‌ای که دارای زی‌مایه‌های آبکافتی است و فرایند هضم درون‌یاخته‌ای در آن صورت می‌گیرد

**کاستی پروردگی**  
oligotrophy  
ع. گیاهی] فرایند رشد اندامگان در محیط غذایی فقیر

**کافور**  
camphor  
[← گ. دارویی] ماده‌ای سفید و نیمه‌شفاف با بوی نافذ که از چوب درخت کافور به دست می‌آید و دمای ذوب آن ۱۷۹ درجهٔ سلسیوس و دمای جوش آن ۲۰۹ درجهٔ سلسیوس است

**کاسنی**  
Cichorium  
ع. گیاهی] سردهٔ علفی چندسالهٔ شیرابه‌دار بدون زمین‌ساقه با ساقه‌های منفرد ایستادهٔ برگ‌دار با تقریباً شش‌گوشهٔ خودرو و دو گونهٔ زراعی که یکی از آنها آندیو (endive) است؛ این گیاهان در اروپا و ناحیهٔ مدیترانه و از جنوب تا اتیوپی پراکنده هستند

**کاسنیان**  
Asteraceae

## کاکائو

*Theobroma*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از کاکائوئیان درختی با حدود بیست گونه که در جنگل‌های گرمسیری نواحی مرکزی و جنوبی آمریکا می‌رویند؛ برگ‌های آنها تخم‌مرغی یا بیضوی به رنگ سبز تیره براق و با بافت چرمی است و سطح آنها بدون کرک یا دارای کرک‌های پراکنده ستاره‌ای است و گل‌هایشان کوچک و از سفید مایل به زرد یا صورتی کم‌رنگ است که به صورت گروهی در خوشه‌هایی که مستقیم از تنه می‌رویند، قرار دارند

## کاکائوئیان

*Sterculiaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از پنیسک‌سانان درختی یا درختچه‌ای یا بالارونده یا علفی با حدود ۶۸ سرده و ۷۰۰ گونه که در نواحی گرمسیر و نیمه‌گرمسیر می‌رویند؛ برگ‌هایشان ساده یا مرکب یا دُمبرگ‌دار با آرایش متناوب و حاشیه پهنک آنها دندان‌دار یا کامل است و گل‌هایشان معمولاً منظم و گاهی نامنظم و معمولاً پنج‌پر است

## کاکتوس

*Opuntia*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از کاکتوسیان با ساقه خزانده و بندبند و گوشتی و مسطح با ساقه‌های کوتاه خارکمه‌دار (areolar) و به‌ندرت با تیغ‌های دراز حدوداً سه‌سانتی‌متری؛ گل‌های گیاهان این سرده دوجنسی و منظم و منفرد زرد است و میوه آنها به شکل سته قرمز-بنفش به عرض پنج تا هشت سانتی‌متر است که پستانداران کوچک از آن تغذیه می‌کنند

## کاکتوسیان

*Cactaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان که اغلب خاردار و گوشتی هستند و در ایران گونه بومی ندارند

## کاکوتی

*Ziziphora*

[ع. گ. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان علفی یک‌ساله یا چندساله با قاعده چوبی و راست و افراشته یا خیزان و معطر با برگ‌های تخم‌مرغی یا مستطیلی و نیزه‌ای و چرخه‌های گل جدا از یکدیگر یا نزدیک به هم به شکل گل‌آذین و سنبله یا کُپه‌ای و کاسه گل لوله‌ای و دارای ۱۳ رگه با دندان‌های نزدیک به هم و حلقه کرک در گلو و دو عدد پرچم بارور

کاکوتی ایرانی *Ziziphora persica*

[ع. گ. دارویی] گونه‌ای کاکوتی به شکل علفی یک‌ساله پوشیده از کرک‌های کوتاه زبر با ساقه به ارتفاع ۵ تا ۲۰ سانتی‌متر و معمولاً در محل گره‌ها دارای انشعاب و با برگ‌های خطی و سرنیزه‌ای یا بیضوی باریک و گل‌آذین سنبله انتهایی به‌شکل تخم‌مرغی باریک و جام گل آن آبی-بنفش یا آبی کم‌رنگ به طول ۱۰ تا ۱۲ میلی‌متر

## کاکوتی کوهی

*Ziziphora clinopodioides*

[ع. گ. دارویی] گونه‌ای کاکوتی به شکل بوته‌ای چندساله با شاخه‌های منشعب و ساقه‌های خوابیده و خیزان یا راست و برگ‌های بیضوی و سرنیزه‌ای به طول ۱۰

ع. گیاهی] یاخته یا اندامی نزد برخی از گیاهان و جلبک‌ها و قارچ‌ها که یاخته‌های جنسی تولید می‌کند

### گامه‌رُست gametophyte

ع. گیاهی] مرحلهٔ تک‌لادی در گیاهان که در طی آن کامه‌ها ایجاد می‌شوند

### گامه‌زایشی gametogenic

ع. گیاهی] مربوط به کامه‌زایی

### گامه‌زایی gametogenesis

ع. گیاهی] فرایند تشکیل کامه یا یاخته‌های جنسی

### گام‌یاخته gametocyte

ع. گیاهی] یاختهٔ تمایزنیافته‌ای که از تقسیم آن کامه ایجاد می‌شود

### کانی‌پرورد<sup>۱</sup> lithotroph

ع. گیاهی] اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از دگرگشت مواد معدنی تأمین می‌کند

### کانی‌پرورد<sup>۲</sup> lithotrophic

ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از دگرگشت مواد معدنی تأمین می‌کند

### کانی‌پروردگی lithotrophy

ع. گیاهی] فرایندی که در آن، اندامگان انرژی مورد نیاز خود را از دگرگشت مواد معدنی تأمین می‌کند

تا ۱۵ و به عرض ۲ تا ۵ میلی‌متر و گل‌آذین تخم‌مرغی- کروی دارای چرخه‌های نزدیک به هم در انتهای شاخه‌ها و گل‌های سفید یا صورتی یا بنفش

### کاکوتی نازک Ziziphora tenuior

ع. ک. دارویی] گونه‌ای کاکوتی به شکل علفی یک‌ساله با کرک‌های کوتاه و زبر و ساقهٔ به طول ۵ تا ۱۵ سانتی‌متر که ممکن است ساده یا بسیار منشعب باشد و برگ‌های آن خطی یا خطی- سرنیزه‌ای است و گل‌آذین سنبلهٔ انتهایی آن متراکم و بلند و جام‌گل آن یاسمنی و بنفش و به طول ۸ تا ۱۰ میلی‌متر است

### کامل entire

ع. گیاهی] ویژگی برگ یا گلبرگ یا اندامی مانند آن که حاشیهٔ آن دندان‌ه یا بریدگی نداشته باشد

### کامه gamete

ع. گیاهی] یاختهٔ جنسی که در فرایند لقاح و تشکیل تخم شرکت می‌کند

### کامه‌ای gametic

ع. گیاهی] مربوط به کامه

### کامه‌بر gametophore

ع. گیاهی] رشته یا شاخه‌ای که کامه‌دان را حمل می‌کند

### کامه‌دان gametangium

[مشرک] سرده‌ای از کتانیان شامل گیاهان علفی یا بوته‌ای یک‌ساله یا دوساله یا چندساله با برگ‌های سرنیزه‌ای باریک غالباً متناوب و به‌ندرت متقابل و با حاشیه صاف و بی‌دُمبرگ با رگبرگ‌های موازی و گل‌آذین گرزنی یا سنبله با گل‌های دارای ۵ گلبرگ و کاسبرگ و پنج پرچم و میوه پوشینه‌ای و دانه‌های پهن با تزیینات سطحی لانه‌زنبوری

### کتانیان Linaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از مالپیگی‌سانان علفی یا درختچه‌ای یا به‌ندرت درختی با پنج گلبرگ و تخمدان دو تا ده‌خانه‌ای

### کدو Cucurbita

[ع. گیاهی] سرده‌ای از کدوئیان، بومی برّ جدید، که امروز از میوه‌ها و بذرهای خوراکی آنها در بسیاری از نقاط جهان استفاده می‌شود

### کدوسانان Cucurbitales

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌های اغلب علفی که بسیاری از گونه‌های آنها زراعی یا زینتی هستند و گل‌های غالب گونه‌های این راسته تک‌جنسی و گرده‌افشانی در آنها معمولاً به‌وسیله حشرات است

### کدویی pepo

[ع. گیاهی] نوعی میوه سینه با بخش خارجی نسبتاً سخت حاصل از روبر یا بافت غیربرچه‌ای

### کاهک‌دار paleaceous, chaffy

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی پوشیده از فلس‌های کاه‌مانند

### کَبَر Capparis

[ع. گیاهی] سرده‌ای از کَبَریان درختچه‌ای خاردار با تقریباً ۵۰ گونه که در مناطق مدیترانه‌ای پراکنده هستند؛ از غنچه‌های کَبَر اروپایی در تهیه ترشی استفاده می‌شود

### کَبَره درخت bark pocket

[ع. گیاهی] زائده پوستی، گاه همراه با گره، که در حین رشد درخت تشکیل می‌شود

### کَبَریان Capparidaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از کلم‌سانان با برگ‌های متناوب یا ساده یا منقسم پنجه‌ای که به‌صورت علفی یا درختچه‌ای راست یا بالارونده و پیچان یا درختی دیده می‌شوند

### کُپه capitulum, head

[ع. گیاهی] گل‌آذینی محدود یا نامحدود با گروهی از گل‌های متراکم بی‌پایک یا کوته‌پایک (subsessile) بر روی نهنجی مرکب که اغلب یک گریبان آن را احاطه کرده است

### کُپه‌ای capitate

[ع. گیاهی] ویژگی گل‌آذینی به شکل کُپه

### کتان Linum, flax

## کدوئیان

## Cucurbitaceae

ع. گیاهی [ تیره‌ای از کدوسانان بالارونده یا گسترده بر روی زمین و معمولاً پیچک‌دار با برگ‌های متناوب که گل‌هایشان غالباً تک‌جنسی یا به‌ندرت دوجنسی با جام پیوسته است و میوه آنها سبته از نوع کدویی است

## کرانه‌میان ← فام‌تن کرانه‌میان

## کرچک

## Ricinus

[ع. ک. دارویی] سرده‌ای از فریفونیان، شامل یک گونه گیاه یک‌ساله درختچه‌ای با برگ‌های براق و پنجه‌ای به طول ۱۵ تا ۴۵ سانتی‌متر با دُم‌برگ‌های بلند و ۵ تا ۱۲ عدد برگچه و گل‌های تک‌جنسی واقع در گل‌آذین خوشه‌ای مرکب، گل‌های نر زرد مایل به سبز و پرچم‌های کرم‌رنگ، گل‌های ماده با کلاله برجسته قرمز واقع در انتهای گل‌آذین و میوه پوشینه‌ای خاردار

## کرچک رسمی

Ricinus communis,  
castor oil plant, castorbean

[ع. ک. دارویی] تنها گونه کرچک به شکل گیاه درختچه‌ای یک‌ساله به ارتفاع ۵ متر و ساقه راست و بی‌کرک و برگ‌های پنجه‌ای دارای ۵ تا ۱۱ لپ سرنیزه‌ای یا تخم‌مرغی-سرنیزه‌ای و در حاشیه دندان‌های-اره‌ای و گل‌های نر و ماده جدا از یکدیگر و میوه پوشینه‌ای به طول ۱ تا ۲ سانتی‌متر و پوشیده از تریبنات یا زوائد تراکم و طول متفاوت

## کرفس

## Apium

ع. گیاهی [ سرده‌ای علفی از کرفسیان با حدود بیست گونه که معروف‌ترین آنها کرفس خوراکی (A. graveolens) است؛ گیاهان این سرده بومی ناحیه مدیترانه و خاورمیانه هستند که از دیرباز به‌عنوان طعم‌دهنده و دارو از گونه‌ای از آنها استفاده می‌شده است؛ کرفس با دُم‌برگ‌های درشت و آب‌دار و گوشتی و ایستاده از اواخر قرن هجده میلادی گسترش پیدا کرده است

## کرفس سانان

## Apiales

ع. گیاهی [ راسته‌ای از گیاهان گل‌دار شامل دو تیره عشقه‌ایان با ۷۰۰ گونه و چتریان با ۳۰۰۰ گونه علفی یا چوبی که در مناطق معتدل می‌رویند و دارای برگ‌های مرکب و لپ‌دار و مجاری ترش‌حی کاملاً تکوین یافته و معطر هستند؛ تخمدان آنها دوبرچه‌ای و میوه‌شان خشک است که پس از رسیدن، از میان به دو نیم می‌شود و هر نیمه یک دانه دارد

## کرفسیان

## Apiaceae

ع. گیاهی [ تیره‌ای از راسته کرفس سانان یک یا چندساله، با گل‌آذین چتر مرکب یا ساده و گاهی گُبه‌ای  
مت. چتریان  
Umbellifera

## کُرک

## trichome

ع. گیاهی [ ساختار خارجی موم‌مانندی در گیاهان

ع. گیاهی] نیرویی که باعث مقاومت سطوح جداکننده یاخته‌ها در مقابل پارگی می‌شود

stigma **کُلاله**

ع. گیاهی] بخش انتهایی مادگی که دانه‌های گرده بر روی آن می‌نشینند  
\* مصوب فرهنگستان اول

**کلان‌فرگشت** ← تکامل کلان

megaspore **کلان‌هاگ**

ع. گیاهی] هاگ‌های درشت‌تر در گیاهان دارای دو نوع هاگ

megasporangium **کلان‌هاگدان**

ع. گیاهی] ساختاری که در آن کلان‌هاگ تشکیل می‌شود

*Acantholimon* **کلاه میرحسن**

ع. گیاهی] سرده‌ای از کلاه‌میرحسینان که از جنوب شرقی اروپا تا آسیای مرکزی و جنوب آمریکا پراکنده‌اند و در باغ‌های صخره‌ای نیز کاشته می‌شوند

Plumbaginaceae **کلاه‌میرحسینان**

ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان اغلب چندساله علفی و به‌ندرت بالارونده یا درختچه‌ای با حدود ۲۴ سرده و ۷۷۵ گونه که گسترش جهانی دارند و در گستره وسیعی از استوا تا قطب شمال، به‌خصوص در خاک‌های شور و باتلاق‌ها و سواحل دریا، می‌رویند؛ گل‌هایشان کامل است و گرده‌افشانی آنها اغلب به‌وسیله حشرات انجام می‌شود

pubescent<sup>1</sup> **کُرک آلود**

ع. گیاهی] ویژگی سطحی با کرک‌های ظریف و راست و کوتاه و نرم و تقریباً پراکنده

vestiture, indumentum **کُرک پوش**

ع. گیاهی] سطحی پوشیده از انواع کرک‌هایی با طول و استحکام و شکل و تراکم و رنگ‌های متفاوت

pubescent<sup>2</sup> **کُرک دار**

ع. گیاهی] ویژگی هر سطح پوشیده از کرک

trichome-hydathode **کُرک روزنه**

ع. گیاهی] کرک‌هایی که کار روزنه‌های آبی را در برخی گیاهان انجام می‌دهند

tissue culture **کشت بافت**

ع. گیاهی] کشت یا نگهداری بافت‌های زنده در محیط مایع یا ژله‌ای در شرایط آزمایشگاهی

cell culture **کشت یاخته**

ع. گیاهی] نگهداری و رشد یاخته‌های اندامگان‌های چندیاخته‌ای در محفظه‌های مخصوص و در شرایط واپایش شده

tonoplast **کِش دیسه**

ع. گیاهی] غشای پیرامون گُریچه (vacuole)

tension<sup>2</sup> **کشش**



ع. گیاهی] تیره‌ای از کلم‌سانان با گل‌آذین خوشه‌ای و گل‌های چهارکاسبرگی با آرایش صلیبی و چهار تا شش پرچم  
مت. - چلیپاییان Cruciferae

کلید ← کلید آرایه‌شناختی

### کلید آرایه‌شناختی

taxonomic key

ع. گیاهی] راهکاری برای شناسایی یک آرایه که در آن با گزاره‌های متضاد دایره‌شناسایی را محدود و محدودتر می‌کند  
مت. - کلید key

### کلید بس‌شناسه‌ای

ع. گیاهی] کلیدی که در آن تمام حالات صفتی شناخته‌شده‌ای که با یک نمونه همخوانی دارند، طوری انتخاب می‌شوند که شناسایی را به مجموعه کوچک‌تری از احتمالات محدود کنند

### کلید دندانهای

ع. گیاهی] کلیدی دوشاخه‌ای که نیم‌بند‌های هر یک از بند‌های آن نسبت به حاشیه تورفتگی داشته باشند

### کلید دوشاخه‌ای

dichotomous key

ع. گیاهی] کلیدی که شامل دو مجموعه گزاره متضاد است، گزینش یکی از گزاره‌ها نیمی از یک بند است و دو نیم‌بند به یک بند کامل منتهی می‌شود

### Teucrium

### کلپوره

ع. گیاهی] دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل علف‌ها یا درختچه‌هایی چندساله با برگ‌های صاف یا دنداندار یا با بریدگی‌های عمیق و گل‌هایی در محور برگ‌های زیرین یا در گل‌آذین خوشه‌ای و جام گل با لوله کوتاه بی‌کرک و یک لبه زیرین پنج‌دندانه‌ای

germander

مت. - مریم‌نخودی

### Teucrium polium, پُرآذین, felty germander

ع. گیاهی] دارویی] گونه‌ای کلپوره به شکل گیاهی بوته‌ای با ساقه‌های به طول ۱۰ تا ۴۰ سانتی‌متر دارای کرک‌های پنبه‌ای-نمدی سفید و خاکستری با کرک‌های پیچ‌خورده و برگ‌های مستطیلی یا واژتخم‌مرغی باریک یا خطی و با گل‌های سفید به صورت مجموعه در انتهای شاخه‌ها

### Brassica

### کلم

ع. گیاهی] مهم‌ترین سرده از کلمیان با تقریباً ۴۰ گونه در بر قدیم که شامل انواع کلم زراعی و خردل و سلغم می‌شود

### Brassicales

### کلم‌سانان

ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها که می‌توان از آنها روغن خردل یا ترکیبات گلوکوزینولاتی گرفت

### Brassicaceae

### کلمیان

- کنجد** *Sesamum*  
[ع. گیاهی] سرده‌ای از کنجدیان که در نقاط گرمسیر آسیا می‌رویند و دارای دانه‌های خوراکی سرشار از روغن هستند
- کنجدیان** *Pedaliaceae*  
[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان با حدود سیزده سرده و ۵۰ گونه که ساقه و برگ‌های آنها با کرک‌های لعاب‌دار پوشیده شده و میوه اغلب آنها قلاب‌دار یا شاخ‌دار است
- کُنده** *stump*  
[ع. گیاهی] پایین‌ترین قسمت تنه که پس از قطع درخت بر روی زمین باقی می‌ماند
- کُنده جُست‌زا** *stool*  
[ع. گیاهی] کُنده زنده‌ای که قادر به تولید کُنده‌جوش (sprout) است
- کُنده‌چوب** *stumpwood*  
[ع. گیاهی] چوب موجود در کُنده درخت
- کنگره‌ای** *crenate*  
[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌ی که حاشیه آن دارای دالبرهای یکنواخت و گرد باشد
- کوتاه‌چوب** *shortwood*  
[ع. گیاهی] ساقه‌چوبی با درازای کمتر از ۳۰۵ سانتی‌متر
- کوته‌ریش** *hirtellous*  
[ع. گیاهی] ویژگی کرک‌پوشی با کرک‌های ریز و تاحدودی محکم
- کلید شماره‌ای** *numbered key*  
[ع. گیاهی] کلیدی دوشاخه‌ای که نیم‌بندهای هر یک از بندهای آن شماره‌گذاری شده باشند
- کلپوی شکل** *reniform, kidney-shaped*  
[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل کلیه با پهنایی بیش از طول در گیاهان
- کم‌خورش** *tenuinucellate*  
[ع. گیاهی] ویژگی تخمکی با خورشی متشکل از یک لایه یاخته، بدون یاخته جداری
- کم‌ریخت ← جهش کم‌ریخت**  
**کُنار ← عناب کُنار**
- کنارگرا** *pleurotropous*  
[ع. گیاهی] ویژگی تخمکی که جهت سفت آن به سمت لبه برچه است
- کنارگرای پشتی** *pleurotropous-dorsal*  
[ع. گیاهی] ویژگی تخمک کنارگرایی که نقش بند آن در بالا قرار دارد
- کنارگرای شکمی** *pleurotropous-ventral*  
[ع. گیاهی] ویژگی تخمک کنارگرایی که نقش بند آن در پایین قرار دارد

## کوکل ← مریم‌گلی کوکِل

*Prosopis* کهور

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گیاهان درختی یا درختچه‌ای گرمسیری یا نیمه‌گرمسیری

*Ruscus* کوله‌خاس

[ع. گیاهی] سرده‌ای از کوله‌خاسیان نیمه‌درختچه‌ای چندساله و همیشه‌سبز با شش گونه که بومی غرب و جنوب اروپا هستند؛ ساقهٔ آنها منشعب و پرشاخه و برگ‌هایشان ریز و فلس‌مانند و غیرفتوسنتزی (non-photosynthetic) است و گل‌هایشان کوچک و سفید و در مرکز بنفش است

*Mimosaceae, Mimosoidae* کهوریان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از باقلاسانان چوبی خاردار، معمولاً درختچه‌ای یا درختی کوتاه، با حدود ۶۰ سرده و ۳۰۰۰ گونه که برگ‌های آن غالباً مانند جانوران در برابر تماس حساس است

*Ruscaceae* کوله‌خاسیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از مارچوبه‌سانان بالارونده یا درختچه‌ای با حدود سه سرده و نه گونه با گسترش جهانی که در مناطق معتدل تنوع بسیار دارند؛ برگ‌های آنها معمولاً در حد فلس کاهش یافته و دارای آرایش فراهم یا متقابل یا متناوب است و گل‌آذین‌شان خوشه‌مانند است

## utricle, utriculus کیسک

[ع. گیاهی] ۱. کیسه‌ای کوچک یا اندامی کیسه‌مانند که در علف دریایی وجود دارد و پر از هواست ۲. پیراآبری با غشا یا پوستهٔ نازک

## utricular, utriculate کیسکی

[ع. گیاهی] مربوط به کیسک

*Ginkgo* کهن‌دار

[ع. گیاهی] سرده‌ای دوپایه و درختی که بومی چین است و نوعی فسیل زنده محسوب می‌شود

## pollen sac کیسهٔ گرده

[ع. گیاهی] محفظه‌ای در بساک که محتوی دانه‌های گرده است

*Ginkgoaceae* کهن‌داریان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از بازدانگان درختی که در دورهٔ دوم زمین‌شناسی پدید آمده و همهٔ گونه‌های آن به‌جز یک گونه از بین رفته است و به همین دلیل این گیاه را یک فسیل زنده در نظر می‌گیرند

*Actinidia* کیوی

[ع. گیاهی] سرده‌ای از کیویان چوبی، غالباً دوپایه، که بومی نواحی معتدل شرق آسیا هستند؛ ارتفاع درختچه‌های این سرده حداکثر شش متر است و ارتفاع گونهٔ بالاروندهٔ آنها که در سایهٔ درختان رشد می‌کنند ممکن است به ۳۰ متر برسد

**Actinidiaceae**      **کیویان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خننگ‌سانان چوبی بالارونده و درختچه‌ای یا درختی بومی نواحی معتدل و نیمه‌گرمسیر آسیا و امریکای مرکزی و جنوبی که برگ‌های متناوب مارپیچی با حاشیه‌ای کامل یا اره‌ای دارند؛ گل‌های آنها به‌صورت منفرد یا مجتمع در گرزن‌های انتهایی قرار گرفته است؛ گلبرگ‌ها و کاسبرگ‌های آنها آزاد و تعداد پرچم‌ها زیاد و از پشت به هم چسبیده است؛ این گیاهان تک‌پایه یا دوپایه یا دوجنسی هستند

# گ

## Boraginaceae گاوزبانیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از بادنجان‌سانان با کرک‌های متنوع و مشخص و گل‌آذین‌های گرزنی ساده یا مرکب دم‌عقربی

## chronogram گاه‌نگاره

[ع. گیاهی] درختی تبارشناختی که زمان تکاملی را از طریق طول شاخه‌هایش به‌طور دقیق نشان می‌دهد

## barochory گرانس برافشانی

[ع. گیاهی] پراکنده شدن میوه به کمک نیروی جاذبه

## tropism, topotaxis گرایش

[ع. گیاهی] حرکت جهت‌دار گیاه یا یکی از اندام‌های آن در نتیجه اثر محرک بیرونی

## tropic گرایش

[ع. گیاهی] مربوط به گرایش

## Terminalia گاروم‌زنگی

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گاروم‌زنگیان درختی بلند با حدود ۱۰۰ گونه که در مناطق گرمسیر می‌رویند

## Combretaceae گاروم‌زنگیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از موردسانان درختی یا درختچه‌ای بالارونده و معمولاً همیشه‌سبز با گل‌آذین خوشه‌ای و گل‌های غالباً کوچک چهار تا پنج‌قطعه‌ای با ده پرچم و مادگی دو تا پنج‌برچه‌ای تحتانی

## Borago گاوزبان

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گاوزبانیان کرک‌دار یک‌ساله به ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر که امروز در مناطق مختلف اروپا و بریتانیا و امریکای شمالی کشت می‌شوند؛ برگ‌های گیاهان این سرده درشت و زبر و مستطیلی و گل‌های آنها ستاره‌مانند و به رنگ آبی روشن است که در گرزنی‌هایی آویخته قرار دارند؛ پنج بساک زرد گل آنها، مخروطی را در وسط ستاره گل تشکیل می‌دهند

ع. گیاهی] نوعی گرده‌افشانی که در آن گل‌های گیاه را در کیسه‌هایی قرار می‌دهند تا در زمان مناسب با گرده گیاه دلخواه بارور شوند بی‌آنکه در معرض گرده گیاهان دیگر قرار گیرند

**گرده‌شناسی**  
palynology,  
pollen analysis

ع. گیاهی] علم بررسی و مطالعه گرده‌ها و هاگ‌ها یا فسیل آنها

**گرزن**  
cyme

ع. گیاهی] هر نوع گل‌آذین محدود

**گرزن دوسویه**  
dichasium,  
dichasial cyme

ع. گیاهی] گل‌آذینی محدود که در امتداد دو محور رشد می‌کند و یک یا چند جفت محور جانبی متقابل تشکیل می‌دهد

**گرزن دوسویه‌ای**  
dichasial

ع. گیاهی] مربوط یا شبیه به گرزن دوسویه

**گرزنک**  
cymule

ع. گیاهی] نوعی گرزن دوسویه کوچک

**گرزن کزدمی**  
scorpioid cyme,  
cincinnus

ع. گیاهی] گل‌آذینی محدود که انشعابات آن در جهت‌های متناوب هر محور به‌صورت متوالی باز می‌شوند و ظاهری زانودار یا زیگزازی دارند

**گردآلود**  
pulverulent,  
pulveraceous

ع. گیاهی] ویژگی بخشی در گیاهان که با ذراتی شبیه به گرد پوشیده شده باشد

**گردو**  
Juglans

ع. گیاهی] سرده‌ای از گردوئیان درختی خزان‌دار به بلندی ۱۰ تا ۴۰ متر با برگ‌های مرکب شانه‌ای و ۲۱ گونه

**گردوئیان**  
Juglandaceae

ع. گیاهی] تیره‌ای از راش‌سانان درختی با برگ‌های مرکب و گل‌آذین دم‌گربه‌ای تک‌جنسی و گل‌های بدون گلبرگ

**گرده**  
pollen

ع. گیاهی] ریزه‌هاگ‌های (microspores) حاوی کامه‌های گیاهی نر که در بساک گل‌ها تولید می‌شود

مت. دانه گرده  
pollen grain

\* مصوب فرهنگستان اول

**گرده**  
platelet

ع. گیاهی] نوعی موم پوستکی که به‌صورت لایه‌ای نازک یا پوسته‌ای در سطح بخش‌های هوایی انباشته می‌شود

**گرده‌افشانی**  
pollination

ع. گیاهی] انتقال دانه گرده از بساک به کلاله

**گرده‌افشانی واپاشی**

controlled pollination

involucre

گریبان

[ع. گیاهی] دسته یا خوشه‌ای از برگ‌های دربرگیرنده گل آذین

involucl

گریبانک

[ع. گیاهی] دسته یا خوشه‌ای از برگه‌های دربرگیرنده یک واحد از گل آذین

Tamarix

گز

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گزیان درختی یا درختچه‌ای همیشه‌سبز یا خزان‌دار با ۵۰ تا ۶۰ گونه که بومی نواحی خشک اوراسیا یا افریقا هستند و معمولاً در خاک‌های شور می‌رویند و می‌توانند شرایط قلیایی را نیز تحمل کنند؛ برگ‌های آنها فلس‌مانند است و در طول ساقه با هم هم‌پوشانی دارند و معمولاً از نمک پوشیده شده‌اند و گل‌هایشان سفید یا صورتی است که در سنبله‌های متراکم قرار دارند

Moringa

گزروغنی

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گزروغنیان با اشکال مختلف، از علفی تا درختی بسیار بزرگ، که در نواحی گرمسیر و نیمه‌گرمسیر می‌رویند

Moringaceae

گزروغنیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از کلم‌سانان غالباً درختی شامل سبزه گونه با برگ‌های مرکب و میوه پوشینه نیام‌مانند

helicoid cyme, bostryx

گزن مارپیچی

[ع. گیاهی] نوعی گزن یک‌سویه که در آن انشعابات فقط در یک جهت هر محور به صورت متوالی باز می‌شوند و حداقل در مراحل اولیه تکوین ظاهری مارپیچی دارند

cymose

گزنی

[ع. گیاهی] مربوط یا شبیه به گزن

monochasium

گزن یک‌سویه

[ع. گیاهی] گل آذینی محدود که فقط در امتداد یک محور تکوین می‌یابد

monochasial

گزن یک‌سویه‌ای

[ع. گیاهی] مربوط یا شبیه به گزن یک‌سویه

clavate

گزی

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با عناصر چماق‌شکل که به هر جزء آن گرز (clava) گفته می‌شود

sister group

گروه خواهری

[ع. گیاهی] دو آرایه که نزدیک‌ترین خویشاوند یکدیگر و از یک نیای مشترک هستند

node

گره

[ع. گیاهی] ۱. نقطه اتصال برگ به ساقه  
۲. نقطه تقسیم یک تبارشاخه به دو تبارشاخه

**گزنه سفید** *Lamium, deadnettle*

[ع. ک. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان یک‌ساله یا چندساله با برگ‌هایی تخم‌مرغی یا کلیه‌ای با حاشیهٔ دنداندار و چرخه‌های گل متراکم یا کم‌وبیش دور از هم و گل‌های ارغوانی یا بنفش یا صورتی یا کرم یا سفید یا زرد و لبهٔ زیرین خمیدهٔ کامل یا دوشاخه و لبهٔ زیرین سه‌لپی با لپ‌های کناری معمولاً تحلیل‌رفته و کوچک و لپ میانی بسیار بزرگ‌تر و اغلب با نقش‌های رنگی مشخص

**گزنه سفید رسمی**

*Lamium album,*  
white deadnettle,  
white nettle

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای گزنه سفید به شکل گیاهی چندساله با زمین‌ساقه‌های خزنده به ارتفاع ۳۰ تا ۱۴۰ سانتی‌متر با ساقهٔ افراشته و ساده یا با انشعابات پراکنده و برگ‌های تخم‌مرغی یا قلبی‌شکل و دُم‌برگ دار و با گل‌های پرشمار و تقریباً بی‌دُم‌گل و چرخه‌های گل با فاصله نسبت به یکدیگر و گل‌های سفید یا کرم

**گزنه سفید زردگل**

*Lamium galeobdolon,*  
*Galeobdolon luteum,*  
yellow archangel

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای گزنه سفید به شکل گیاه چندساله دارای زمین‌ساقه و ساقهٔ هوایی راست به ارتفاع ۱۵ تا ۴۵ سانتی‌متر و با کرک‌های سفید مایل به زرد و دُم‌برگ‌های بلند و تخم‌مرغی-دایره‌ای یا بیضوی و جام گل زرد با لکه‌های متمایل به قهوه‌ای به طول ۱۸ تا ۲۶ میلی‌متر

**گز شاهی** *Tamarix aphylla*

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای گز به شکل گیاهی درختی به بلندی حداکثر ۱۲ متر و بی‌کرک با غده و برگ‌های غلافی و گل‌آذین خوشه‌ای به طول ۲ تا ۷ سانتی‌متر و پهنای ۴ تا ۷ میلی‌متر و پنج تا هفت پرچم و پنج گلبرگ زودافت و به رنگ صورتی یا صورتی مایل به سفید

**گزنده**

pungent

[ع. گیاهی] ویژگی اندامی از گیاهان که به‌تدریج به نوکی تیز و سخت منتهی می‌شود

**گزنه**

*Urtica*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گزنه‌ایان علفی چندساله با حدود ۳۰ تا ۴۵ گونه که به‌طور وسیعی در امریکای شمالی و اروپا می‌رویند؛ برگ‌های آنها نرم و دنداندار و متقابل است و مانند سایر قسمت‌های هوایی گیاه با کرک‌های گزنده و غیرگزنده پوشیده شده است؛ گل‌هایشان کوچک و سبز بسیار کم‌رنگ و دارای چهار یا پنج گلبرگ یا بی‌گلبرگ است که به شکل متراکم در گل‌آذین‌های طویل قرار دارند

**گزنه‌ایان**

Urticaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از گل‌سرخ‌سانان درختچه‌ای یا علفی یا بالارونده و به‌ندرت درختی با ۴۹ سرده و ۵۵۰ گونه که در تمام جهان می‌رویند؛ برگ‌های آنها گوشواره دارد و حاشیه‌شان معمولاً کامل است و گل‌هایشان غالباً تک‌جنسی، اما گیاه یک‌پایه یا دوپایه است



گزینش جهت‌دار ← انتخاب جهت‌دار

گزینش گسلنده ← انتخاب گسلنده

lectotype **گزین مونه**

[ع. گیاهی] نمونه‌ای انتخاب شده از بین نمونه‌های اصلی به‌عنوان مونه در زمانی که هیچ تام‌مونه‌ای در هنگام انتشار معین نشده باشد

*Phlox* **گل آتشی**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گل آتشیان علفی چندساله یا نیمه‌درختچه‌ای به‌ندرت یک‌ساله با حدود ۵۰ گونه در امریکای شمالی و یک گونه در سیبری که اغلب آنها زینتی هستند؛ گل‌های آنها به‌ندرت منفرد و غالباً با گل‌آذین انتهایی خوشه‌ای منشعب (panicle) هرمی است، کاسه آنها لوله‌ای یا استکانی - لوله‌ای است و اغلب کرک‌های غده‌ای دارد؛ جام گل آنها قیفی و به‌ندرت لوله‌ای باریک یا صاف یا کرک‌دار با لپ‌های کامل یا دوقسمتی تخم‌مرغی یا مستطیل است؛ پرچم‌های آنها کوتاه و به‌هم‌پیوسته و محصور در جام است؛ برگ‌های گیاهان این سرده کامل است و در پایین ساقه متقابل و در بالای ساقه متناوب است

*Polemoniaceae* **گل آتشیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از خلنگ‌سانان علفی یک یا چندساله یا به‌ندرت چوبی با هجده سرده و ۳۰۰ گونه که اغلب در امریکای شمالی می‌رویند، ولی در نواحی معتدل غرب

**گزنه سفید ساقه‌آغوش**  
*Lamium amplexicaule*,  
henbit deadnettle,  
greater henbit

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای گزنه سفید به شکل گیاه یک‌ساله یا دوساله به ارتفاع ۴ تا ۳۰ سانتی‌متر و با ساقه‌های پرشمار و خیزان و کم‌وبیش منشعب در قاعده و با برگ‌های دایره‌ای یا کلیوی - گرد با دندان‌های گرد یا شکافته و برگ‌های گل‌آذینی ساقه‌آغوش و جام گل ارغوانی یا صورتی

*Tamaricaceae* **گریان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان اغلب علفی یا درختی کوچک یا درختچه‌ای با چهار سرده و ۱۲۰ گونه بومی نواحی خشک آسیا و اروپا و افریقا که بسیاری از آنها در خاک‌های شور می‌رویند؛ برگ‌های آنها معمولاً فلس‌مانند و به طول یک تا پنج میلی‌متر است و در طول ساقه با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و در برخی گونه‌ها با ترشحات نمک پوشیده شده‌اند؛ گل‌های آنها کوچک و منظم و چهار یا پنج‌پر و به‌ندرت شش‌پر است

selection **گزینش**

[ع. گیاهی] تشخیص افراد یا رگه‌هایی که در یک جمعیت نامتجانس برتر از دیگران هستند  
مت. انتخاب

sexual selection **گزینش جنسی**

[ع. گیاهی] صورتی از انتخاب طبیعی که در آن براساس نظریه داروین یک جنس، جنس مقابل را برمی‌گزیند

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی در گیاهان که حاشیه‌های آن از نمای روبه‌رو حول محور تقارن عمودی، در یک سوم انتهایی، در جهت افقی تورفتگی داشته باشد

### گل استکانی *Campanula*

ع. گیاهی] سرده‌ای از گل‌استکانیان علفی یک‌ساله یا دوساله یا چندساله با حدود ۳۰۰ گونه که بومی نواحی معتدل شمالی و مدیترانه‌ای و کوه‌های مناطق گرمسیر هستند، گل‌های آنها زنگوله‌ای و معمولاً آبی است و بسیاری از آنها به‌عنوان گیاهان زینتی پرورش داده می‌شوند

### گل‌استکانیان *Campanulaceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از کاسنی‌سانان (*Asterales*) که دارای جام پیوسته لوله‌ای یا استکانی یا قیفی یا استوانه‌ای یا چرخ‌شکل هستند

### گلبرگ *petal*

ع. گیاهی] واحد تشکیل‌دهنده جام یک گل که معمولاً رنگین و از سایر اجزا متمایز است  
\* مصوب فرهنگستان اول

### گلبرگ‌دار *petalous*

ع. گیاهی] ویژگی گل‌پوشی که دارای گلبرگ است

### گل‌بُنه *hypanthium, floral tube*

ع. گیاهی] ساختاری فنجان‌مانند یا لوله‌ای در پیرامون یا بر روی تخمدان که از لبه، حامل کاسبرگ‌ها و گلبرگ‌ها و پرچم‌ها است

امریکای جنوبی و اوراسیا نیز یافت می‌شوند؛ گل‌های لوله‌ای پنج‌لپه قیفی آنها خوشه‌ای یا کُپه‌ای است؛ تخمدان این گیاهان سه‌حجره‌ای است و خامه‌های آنها به سه کلاله باریک منتهی می‌شود

### گل آذین *inflorescence*

ع. گیاهی] مجموعه گل‌هایی که با آرایش خاص بر روی یک محور مشترک قرار دارند  
\* مصوب فرهنگستان اول

### گل آفتابی *Cistus*

ع. گیاهی] سرده‌ای از گل‌آفتابیان درختچه‌ای کوتاه یا متوسط با هجده گونه که بومی نواحی مدیترانه‌ای هستند و از قدیم در باغبانی به کار می‌رفته‌اند؛ این سرده دارای تعدادی گیاه دوررگه باغی است که در نواحی گرم و اغلب در باغ‌های صخره‌ای کشت می‌شوند؛ گل‌های این گیاهان درشت و منفرد و به رنگ‌های سفید و صورتی و ارغوانی است که اغلب یک لکه درشت زرد یا تیره در قاعده گلبرگ دارند، برگ‌های آنها بوی نافذی دارد و اغلب دارای آنگم‌های به‌شدت قابل اشتعال هستند

### گل آفتابیان *Cistaceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از پنیرک‌سانان، به شکل درختچه‌ای یا علفی، که دارای برگ‌های ساده کامل و میوه پوشینه‌ای شیاردار هستند

### گلابی‌شکل *pyriform*

جهان مانند مناطق معتدل اوراسیا و امریکای شمالی و جنوبی و قسمت‌هایی از استرالیا و زلاندنو و مناطق گرمسیر پراکنده‌اند؛ گونه‌های انگلی آنها بدون سبزینه‌اند و فتوسنتز (photosynthesis) نمی‌کنند، اما نیمه‌انگلی‌ها قادر به فتوسنتز هستند؛ بسیاری از سرده‌های آن پیش‌تر جزء گل‌میمونیان محسوب می‌شدند

### گلچه floret, floscule, flosculus

[ع. گیاهی] یک گل منفرد کوچک که بخشی از یک مجموعه گل فشرده یا بخشی از گل آذین است

### گل حسرت Colchicum

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گل حسرتیان علفی با حدود ۳۰ گونه که بومی اوراسیا هستند؛ گل‌های آنها بدون ساقه و شبیه گل زعفران است که در پاییز می‌شکفتد و به آنها زعفران پاییزه یا چمنزار گفته می‌شود؛ میوه آنها پوشینه سه‌حجره‌ای است که در بهار، زمانی که برگ‌ها ظاهر می‌شوند، می‌رسد

### گل حسرتیان Colchicaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از سوسن‌سانان که گل آذین کپه‌ای خیلی کوتاه و گل‌پوش لوله‌ای طویل و نازک و زمین‌ساقه غده‌ای دارند

### گل دوجنسی bisexual flower, hermaphrodite flower

[ع. گیاهی] گلی که دارای هر دو اندام زایای نر و ماده است

### گل‌نبه‌ای hypanthodium

[ع. گیاهی] نوعی گل آذین حامل شمار فراوانی گل واقع در یک نهج مرکب کوژ یا درون‌پیچ

### گلپار tepal

[ع. گیاهی] هریک از اجزای گل‌پوش در برخی از گیاهان تک‌لپه‌ای گل‌دار که کاسه و جام آنها از یکدیگر متمایز نیست  
مت. قطعه گل‌پوش perianth segment

### گلپارواره tepaloid

[ع. گیاهی] هریک از اندام‌های گل، غیر از گل‌پوش، که شباهت ظاهری به گلپار دارد

### گل‌پوش perianth

[ع. گیاهی] مجموعه کاسه و جام

### گل‌پوش‌دار chlamydeous

[ع. گیاهی] ویژگی گلی که دارای گل‌پوش است

### گل جالیز Orobanche

[ع. گیاهی] سرده‌ای علفی انگلی با حدود ۱۵۰ گونه از گل‌جالیزیان که عمدتاً بومی مناطق معتدل نیمکره شمالی هستند

### گل‌جالیزیان Orobanchaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان علفی انگلی یا نیمه‌انگلی یک یا چندساله با حدود ۱۸۰ سرده و ۲۰۰۰ گونه که در غالب نقاط

ع. گیاهی] تیره‌ای از مالپیگی‌سانان درختی یا درختچه‌ای یا بالارونده با حدود هجده سرده و ۵۳۰ گونه که اغلب در مناطق استوایی می‌رویند

### گل‌ساقه‌ای *cauliflorus*

ع. گیاهی] ویژگی گل‌آذینی که مستقیماً بر روی تنهٔ چوبی درخت می‌روید

### گل‌سپاسی *Gentiana*

ع. گیاهی] سرده‌ای از گل‌سپاسیان با حدود ۴۰۰ گونه و پراکندگی وسیع که یکی از ویژگی‌های آن تاخوردگی بین دو قطعهٔ جام است

### گل‌سپاسیان *Gentianaceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از گل‌سپاسی‌سانان غالباً علفی با جام پیوسته و گل‌های رنگی زیبا و برگ‌هایی اغلب غیرمنقسم و متقابل

### گل‌سپاسی‌سانان *Gentianales*

ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها با جام منظم پیوسته

### گل‌ستاک *scape*

ع. گیاهی] دُمگل‌آذینی برهنه که معمولاً از طوقهٔ قاعده‌ای برگ‌های رویشی برمی‌خیزد

### گل‌ستاک‌ی *scapose*

ع. گیاهی] ویژگی گل‌آذینی با یک یا چند گل بر روی گل‌ستاک یا دُمگل‌آذینی بی‌برگ که معمولاً از یک طوقهٔ قاعده‌ای برمی‌خیزد

### گلدھی<sup>۱</sup> *anthesis, flowering*

ع. گیاهی] دوره‌ای شامل باز شدن غنچه تا پایان ریزش گلبرگ‌ها

### گلدھی<sup>۲</sup> *bloom<sup>3</sup>*

ع. گیاهی] دوران شکوفه کردن گیاه

### گل‌راعی *Hypericum*

ع. گیاهی] سرده‌ای از گل‌راعیان از علفی کوتاه تا درختچه‌ای بلند با گل‌های غالباً زرد که حدود ۴۰۰ گونه دارد و تقریباً در همهٔ نواحی به‌جز نواحی قطبی و گرمسیری پست یافت می‌شوند

### گل‌راعیان *Hypericaceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از مالپیگی‌سانان علفی درختچه‌ای یا درختی با شیرابهٔ بی‌رنگ یا رنگی که برگ‌های آنها اغلب منقوط و گلبرگ‌هایشان جداازهم و زرد است

### گل‌ریزی *flower abscission*

ع. گیاهی] ریزش گل بر اثر تشکیل لایهٔ ریزشی

### گل‌ساعتی *Passiflora*

ع. گیاهی] سرده‌ای از گل‌ساعتیان بالارونده یا درختچه‌ای یا به‌ندرت علفی با حدود ۵۰۰ گونه که برگ‌های آنها بدون کرک و لپ‌دار است

### گل‌ساعتیان *Passifloraceae*

گل‌هایی با بوی شیرین که بومی امریکای شمالی هستند؛ این گیاهان دارای برگ‌هایی ساده با حاشیه‌ای صاف و آرایشی متقابل هستند و گلبرگ‌های آنها ارغوانی - قهوه‌ای تا قرمز ماگنولیا مانند و همسان یا کاسبرگ‌هاست؛ نهج میوه‌دار آنها گلابی یا تخم‌مرغی است و تعداد زیادی فندقه تک‌دانه‌ای خشک دارد

### گل‌شرابیان Calycanthaceae

ع. گیاهی تیره‌ای از برگ‌بوسانان، به شکل درختچه و با برگ‌های ساده و متقابل، که پرچم‌ها و گلبرگ‌هایشان بر روی نهجی فنجانی شکل قرار گرفته است

### گل شیپوری Arum

ع. گیاهی سرده‌ای چندساله با غده کروی یا تخم‌مرغی با حدود پانزده گونه که در اروپا و ناحیه مدیترانه و شمال آفریقا و غرب آسیا پراکنده‌اند؛ برگ‌های این گیاهان غلاف‌دار با پهنک پیکانی و آرایش ماریچی است که در قاعده پهن شده‌اند و گل‌های آنها تک‌جنسی و فاقد گلبرگ است

### گل صدتومانی Paeonia

ع. گیاهی تنها سرده از گل‌صدتومانیان که اغلب آنها علفی چندساله به ارتفاع نیم تا یک‌ونیم متر و برخی از آنها به صورت درختچه‌های یک‌ونیم تا سه‌متری هستند و برگ‌هایشان مرکب با بریدگی‌های عمیق و گل‌هایشان درشت به رنگ‌های سفید و زرد و قرمز و اغلب معطر است و در اواخر بهار و اوایل تابستان شکفته می‌شود؛ این گیاهان بومی آسیا و جنوب اروپا و غرب امریکای شمالی هستند

### گل سرخ Rosa

ع. گیاهی سرده‌ای از گل‌سرخیان درختچه‌ای ایستاده یا بالارونده تیغ‌دار با تعداد بسیاری گونه خودرو و اهلی که بیشتر بومی آسیا هستند، اما تعدادی هم بومی اروپا و شمال امریکا و شمال غربی آفریقا هستند؛ گل‌ها اغلب معطرند و بر اثر دستکاری ژنی در رنگ گلبرگ آنها تنوع بسیار ایجاد شده است؛ برگ‌ها متناوب و مرکب‌شانه‌ای (pinnately compound) و برگچه‌هایشان دندانه‌دار و تخم‌مرغی است

### گل‌سرخ‌سانان Rosales

ع. گیاهی راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها شامل تیره که در رده‌بندی ای.پی.جی. بسیاری از گیاهان مفید باغی را در بر می‌گیرد

### گل‌سرخیان Rosaceae

ع. گیاهی تیره‌ای از گل‌سرخ‌سانان درختی یا درختچه‌ای یا بوته‌ای خزان‌دار یا گاه همیشه‌سبز با حدود ۱۰۰ سرده و ۲۰۰۰ گونه که گسترش جهانی دارند، اما بیشتر در نواحی معتدل نیمکره شمالی می‌رویند؛ برگ‌های آنها ساده یا مرکب‌شانه‌ای (pinnately compound) و معمولاً با آرایش ماریچی و در برخی گونه‌ها به شکل متقابل است و گل‌هایشان رنگارنگ با پنج گلبرگ و پنج کاسبرگ و تعداد فراوانی پرچم با آرایش ماریچی است

### گل‌شرابی Calycanthus

ع. گیاهی سرده‌ای از گل‌شرابیان با دو گونه درختچه‌ای کوتاه و زبیتی با پوست معطر و

ع. گیاهی] تیره‌ای از موردسانان اغلب علفی با حدود بیست سرده و ۶۴۰ گونه که از مناطق شمالی گرفته تا مناطق جنوبی و گرمسیر پراکنده هستند و آرایش برگ‌های آنها غالباً متقابل یا چرخه‌ای با جام و کاسه چهارقطعه‌ای و مادگی غالباً تحتانی است

### گل میمونی *Antirrhinum*

ع. گیاهی] سرده‌ای از گل‌میمونیان علفی با حدود بیست گونه که در غرب امریکای شمالی و غرب منطقه مدیترانه می‌رویند؛ گل‌های آنها لوله‌ای با تقارن دوطرفه و معمولاً بزرگ با دهانه بسته لب‌مانند است که مانع ورود اغلب حشرات به‌جز زنبورهای قوی می‌شود

### گل‌میمونیان *Scrophulariaceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از نعسانان علفی یک چندساله با ۲۸۰ سرده و ۳۰۰۰ گونه که گسترش جهانی دارند، اما بیشتر در مناطق معتدل و کوهستان‌های مناطق گرمسیر می‌رویند؛ گل‌های آنها اغلب تقارن دوطرفه و گاه شعاعی دارد و برگ‌هایشان ساده یا بریده‌شانه‌ای با آرایش متقابل یا متناوب یا گاه فراهم است

### گل‌نگاره *floral diagram*

ع. گیاهی] نمای مقطع عرضی اجزای گل در مرحله غنچه که ارتباط نسبی اجزای گل‌پوش و نافه و مادگی را نشان می‌دهد و مواردی مانند موقعیت پرچم‌ها و تمکن و گل‌پوش و کاسه یا پوش‌آذین جام را مشخص می‌کند

### گل صد تومانیان *Paeoniaceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از خاراشکن‌سانان اغلب علفی چندساله با یک سرده و حدود ۳۳ گونه به ارتفاع نیم تا یک‌ونیم متر که برگ‌هایشان مرکب با لپ‌های عمیق و گل‌هایشان بزرگ و اغلب معطر است که در اواخر بهار و اوایل تابستان به رنگ‌های مختلف از جمله قرمز و سفید و زرد دیده می‌شود

### گل کاغذی *Bougainvillea*

ع. گیاهی] سرده‌ای با چهار تا هجده گونه از گل‌کاغذیان که بومی امریکای جنوبی هستند

### گل کاغذیان *Nyctaginaceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان با حدود ۳۳ سرده و ۲۹۰ گونه که اغلب به‌طور گسترده در مناطق گرمسیر و نیمه‌گرمسیر و به تعداد کمی در مناطق معتدل پراکنده هستند و میوه منحصربه‌فردی به نام گل‌میوه (anthocarp) و دانه‌های گرده خیلی بزرگ (بزرگ‌تر از ۱۰۰ میکرون) دارند

### گل مغربی *Oenothera*

ع. گیاهی] سرده‌ای علفی از گل‌مغربیان با حدود ۱۲۵ گونه که برخی یک‌ساله و برخی دوساله و برخی دیگر چندساله هستند و بومی امریکای شمالی و جنوبی به شمار می‌آیند

### گل‌مغربیان *Onagraceae, Oenotheraceae*

**Gnetaceae****گیتومیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از گیتومسانان از بازدانگان گرمسیری که فقط یک سرده با حدود ۳۰ گونه دارد؛ بیشتر گونه‌های افریقایی این تیره درختی و اغلب رقم‌های آسیایی آن بالارونده‌های چوبی هستند و سایر گونه‌های آن در مناطق نوگرمسیر (neotropics) رشد می‌کنند؛ برگ‌های گیاهان این تیره پهن با رگ‌بندی مشبک ظاهراً شبیه به نهان‌دانگان است

gene library,  
clone library

**گنجینه ژن**

[ع. گیاهی] مجموعه‌ای از قطعات دِنای تاگ‌سازی‌شده از یک ژنگان که به‌صورت مطلوب آن نمایانگر کل یک ژنگان باشد

genomic library, **گنجینه ژنگان**  
genomic DNA library

[ع. گیاهی] مجموعه‌ای از تاگ‌های دِنای که نمونه‌ای از تمامی توالی‌های دِنای ژنگان یک موجود زنده را در بر دارد

**Triticum****گندم**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گندمیان که دارای برگ‌های بلند با ساقه‌های اغلب توخالی و گل‌آذینی با ۲۰ تا ۱۰۰ گل است و گل‌ها در واحدهای دو تا شش‌تایی به نام سنبلچه قرار دارند که از بین آنها دو یا سه تا بارور می‌شود؛ دانۀ آن یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین غلات زراعی است

**Mollugo****گلی‌ناز**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از گلی‌نازیان علفی با ۳۵ گونه که در نواحی گرمسیر یافت می‌شوند؛ با اینکه برخی از گیاهان این سرده مصرف دارویی یا خوراکی دارند، در مجموع ارزش اقتصادی چندانی ندارند

**Molluginaceae****گلی‌نازیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان علفی یک‌ساله و چندساله و به‌ندرت درختچه‌ای کرک‌دار یا بدون کرک با پانزده سرده و حدود ۱۰۰ گونه که قبلاً جزو تیره بزرگ علف‌فرشیان محسوب می‌شدند؛ آرایش برگ‌های آنها متناوب و متقابل یا چرخه‌ای با حاشیه کامل و گل‌هایشان معمولاً دوجنسی بدون گلبرگ یا با گلبرگ‌های کوچک با منشأ ناپرچمی (staminodal) است و میوه آنها فندقه یا پوشینه سه تا پنج‌شکافی است

**Gnetum****گیتوم**

[ع. گیاهی] تنها سرده از گیتومیان درختی یا درختچه‌ای یا بالارونده همیشه‌سبز با حدود ۳۰ تا ۳۵ گونه که در مناطق گرمسیر پراکنده‌اند؛ گیاهان این سرده برخلاف سایر بازدانگان دارای آوند چوبی هستند

**Gnetales****گیتوم‌سانان**

[ع. گیاهی] سرده‌ای چوبی از بازدانگان خشکی‌پسند که اساساً فسیلی از آنها یافت نشده است، اما نیا‌های آنها را نهان‌دانگان می‌دانند

[ع. گیاهی] سرده‌ای آبری اغلب چندساله از گوشایان که بیشتر در آب شیرین می‌روید و دارای زمین‌ساقه است و برگ‌ها اغلب به‌جز در محل گل‌دهی ساقه، متقابل هستند

### گوشایان Potamogetonaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از قاشق‌واش‌سانان چندساله آبری با حدود دو سرده و ۱۰۰ گونه که پهنک برگ آنها شناور یا غوطه‌ور است و ساقه آنها معمولاً بندبند و گل‌هایشان چهارپر و بدون گلبرگ است و میوه آنها به‌صورت فندقه یک تا چهارتایی یا شفت کوچک (druplet) است

### گوشته aril

[ع. گیاهی] هر یک از زوائد یا پوشش‌های اضافه دانه

### گوشته‌دار ariled, arillate

[ع. گیاهی] دارای پوششی گوشتی و براق

### گوشک‌دار auriculate

[ع. گیاهی] ویژگی بخشی یا اندامی در گیاهان که یک جفت زائده کوچک گوش‌مانند و بدون زاویه تند در قاعده داشته باشد

### گوشوارک stipel

[ع. گیاهی] هر لنگه از دو لنگه ساختار برگ‌مانند در دو سوی دُم‌برگچه که به شکل خار یا غده است

### گندم تکدانه einkorn, one-grained wheat

[ع. گیاهی] گیاهی با نام علمی تریتیکوم مونوکوکوم (*Triticum monococum*)، از تیره گندمیان که در سنبلچه آن یک دانه وجود دارد

### گندم‌سانان Poales

[ع. گیاهی] راسته‌ای پُرگونه از تک‌لپه‌ای‌ها با گل‌های کوچکی که با برگه‌های متعدد احاطه شده‌اند و گرده‌افشانی در آنها به‌وسیله باد انجام می‌شود

### گندم نی‌رشته durum wheat, Triticum turgidum, T. durum, durum

[ع. گیاهی] نوعی گندم سخت که از آن برای تهیه نی‌رشته استفاده می‌شود

### گندمه caryopsis

[ع. گیاهی] میوه خشک و یکدانه‌ای در گندمیان که پوسته آن به دانه چسبیده است

### گندمیان Poaceae, Gramineae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از گندم‌سانان با حدود ۷۰۰ سرده و ۱۲۰۰۰ گونه که ۲۰ درصد از پوشش گیاهی زمین را شامل می‌شود از جمله غالب غلات و بسیاری از علوفه‌ها و همچنین بامبو؛ از همین رو، بیشترین اهمیت اقتصادی را برای انسان دارد

### گوشاب Potamogeton



ع. گیاهی] گیاه و جانوری که در پیکره‌های آبی و تالاب‌ها و مناطق کران‌رودی زندگی می‌کند یا به آن وابسته است

### گونه آتش‌تاب

fire-tolerant species

ع. گیاهی] گونه‌ای گیاهی که چنان تکامل یافته است که در برابر آشفته‌گی‌های ناشی از انواع حریق دوام می‌آورد

### گونه آسیب‌پذیر

vulnerable species

ع. گیاهی] گونه‌ای که اگر اقدامات حفاظتی در مورد آن اعمال نشود، منقرض خواهد شد

### گونه انحصاری ← گونه بوم‌ویژه

specific

### گونه‌ای

ع. گیاهی] مربوط به گونه

### گونه بسیاردرخطر ← بسیاردرخطر

indigenous species گونه بوم‌زاد

ع. گیاهی] گونه بومی یک منطقه خاص که وارداتی نیست، ولی ممکن است در جای دیگر نیز یافت شود

endemic species گونه بوم‌ویژه

ع. گیاهی] گونه‌ای بومی که خاص یک ناحیه جغرافیایی محدود و معین است و در جای دیگر یافت نمی‌شود

مت. گونه انحصاری

### گوشوارکی *Euonymus*

ع. گیاهی] سرده‌ای از گوشوارکیان درختچه‌ای یا بالارونده چوبی یا درختی کوتاه با حدود ۱۷۰ گونه که بومی مناطق معتدل آسیا و امریکای شمالی و اروپا هستند؛ این سرده شامل تعداد زیادی گونه درختچه‌ای زینتی معروف است

### گوشوارکیان *Celasteraceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از گوشوارک‌سانان (Celasterales)، به شکل درختچه یا درخت کوتاه، با گل‌های نرماده منظم و گل‌آذین گرز

### گوشواره *stipule*

ع. گیاهی] هر لنگه از دو لنگه ساختار برگ‌مانند در دو سوی دمبرگ که به شکل خار یا غده است

### گوشواره غلافی *ocrea, ochreate*

ع. گیاهی] ساختار غضروفی و غلاف‌مانندی که در بالای گره برخی از اعضای علف‌هفت‌بندیان ایجاد می‌شود و نوعی گوشواره تغییر یافته است

### گونه *species*

ع. گیاهی] مجموعه‌ای از جمعیت‌هایی که دارای دامنه انتشار و نام علمی مشخص و ژنگان و پویشگاه مستقل و توانایی تولیدمثل / زادآوری هستند

### گونه آبی *aquatic species*

### گونه در تهدید threatened species

[ع. گیاهی] گونه‌ای که به اندازه گونه درخطر در معرض خطر انقراض نیست، اما نیاز به حمایت دارد

### گونه در خطر endangered species, EN

[ع. گیاهی] گونه‌ای در طبیعت که در معرض خطر انقراض قرار دارد

### گونه درمخاطره species at risk, at risk species

[ع. گیاهی] طبقه‌بندی کلی شامل گونه‌های منقرض و احتمالاً منقرض و درخطر و آسیب‌پذیر و کمیاب و تهدیدرسته و وضعیت ناشناخته که بیم آن می‌رود در آینده در مقیاس جهانی یا در سطح محلی با خطر یا تهدید مواجه باشند

### گونه‌زایی speciation

[ع. گیاهی] پیدایش گونه‌ای جدید در روند تبارزایی

### گونه‌زایی پراجا parapatric speciation

[ع. گیاهی] نوعی گونه‌زایی نادر که در طی آن هیچ مانع بیرونی در برابر جریان ژن وجود ندارد و با وجود پیوستگی جمعیت، آمیزش در آن به صورت تصادفی انجام نمی‌شود و احتمال آمیزش با همسایه‌های جغرافیایی بیشتر است

### گونه بومی native species

[ع. گیاهی] گونه‌ای که از پیش از دخالت انسان در گستره طبیعی خود زیست می‌کرده است

### گونه پیشنهادی proposed species

[ع. گیاهی] در ایالات متحده، گونه‌ای گیاهی یا جانوری که مطابق با «قانون گونه‌های درخطر»، برای قرارگیری در فهرست گونه‌های درخطر پیشنهاد می‌شود

### گونه تهدیدرسته no longer threatened species

[ع. گیاهی] گونه‌ای گیاهی یا جانوری که تهدید آن کاهش پیدا کرده است و درحال حاضر خطری بقای آن را تهدید نمی‌کند

### گونه چتر umbrella species

[ع. گیاهی] گونه‌ای که زیستگاه و نیازهای زیستگاهی گسترده‌ای دارد و حمایت از آن موجب حمایت غیرمستقیم از گونه‌هایی می‌شود که با آن زیستگاه مشترک دارند

### گونه حساس sensitive species

[ع. گیاهی] گونه‌ای که بنا بر رده‌بندی مراجع رسمی یا نهادهای مدیریتی مربوط در فهرست گونه‌های درتهدید یا درخطر قرار دارد

### گونه دربیم imperilled species

[ع. گیاهی] اصطلاحی عمومی در امریکای شمالی که گونه‌های درخطر و درتهدید و درمخاطره و نگران‌کننده را شامل می‌شود

ع. گیاهی] نوعی گونه‌زایی که در آن از طریق دورگه‌سازی بین اعضای دو گونه متفاوت، اما بسیار نزدیک به هم، گونه‌های جدید به وجود می‌آیند

### گونه‌زایی ناگهانی

#### quantum speciation

ع. گیاهی] نوعی گونه‌زایی سریع حاصل از ترکیب انتخاب طبیعی و رانش ژنی که جدایی مکانی نیز تا حدودی در آن دخالت دارد

### گونه‌زایی هم‌جا

#### sympatric speciation

ع. گیاهی] نوعی گونه‌زایی که در طی آن گونه‌های جدید درحالی که در همان ناحیه جغرافیایی سکونت دارند از یک گونه نیایی منفرد تکامل می‌یابند

### گونه شالوده keystone species

ع. گیاهی] گونه‌ای که موجب افزایش یا کاهش تنوع در بوم‌سازگان می‌شود

### گونه غیربومی exotic species, non-native species

ع. گیاهی] گونه‌ای که بومی محدوده زیستی کنونی خود نیست

### گونه فهرست شده listed species

ع. گیاهی] گونه‌ای گیاهی یا جانوری که یک بنگاه به‌طور رسمی آن را درخطر یا درتهدید معرفی کرده است و بنابراین، نیاز به حمایت بیشتر دارد

### گونه‌زایی پیراجا

#### peripatric speciation

ع. گیاهی] نوعی گونه‌زایی که در طی آن گونه‌های جدید در زیرجمعیتی (sub-population) مستقر در یک زیستگاه جدید یا در همان ناحیه جغرافیایی گونه نیایی خود تکامل می‌یابند و دچار رانش ژنی می‌شوند

### گونه‌زایی تدریجی

#### gradual speciation

ع. گیاهی] نوعی گونه‌زایی همراه با واگرایی کند جمعیت‌ها به دلیل انباشت تغییرات در دوره زمانی طولانی

### گونه‌زایی جانشین

#### vicariant speciation

ع. گیاهی] نوعی گونه‌زایی حاصل از فرایند جانشینی که در آن گونه‌های جدید از تقسیم جمعیت اصلی به دو یا چند جمعیت، معمولاً هم‌اندازه، تشکیل می‌شوند

### گونه‌زایی دگرجا

#### allopatric speciation

ع. گیاهی] نوعی گونه‌زایی که در طی آن یک مانع بیرونی موجب جدایی جمعیت‌های زیستی از لحاظ جغرافیایی و درنتیجه، جدایی تولیدمثل ژنی (ذاتی) شده است، به طوری که اگر این مانع از میان برود، افراد این دو جمعیت دیگر قادر به آمیزش با یکدیگر نیستند

### گونه‌زایی دورگه

#### hybrid speciation

رقابت با گونه یا گونه‌های بومی جای آنها را می‌گیرد

### گونه نامزد candidate species

[ع. گیاهی] در ایالات متحده، گونه‌ای گیاهی یا جانوری که از میان گونه‌های پیشنهادی برای قرارگیری در فهرست گونه‌های درخطر یا درتهدید و انجام اقدامات حمایتی، از سوی بنگاه رسمی ناظر، نامزد می‌شود

### گونه نامعین

#### indeterminate species

[ع. گیاهی] هر یک از آرایه‌های درتهدیدی که در یکی از چهار وضعیت منقرض یا درخطر یا آسیب‌پذیر یا کمیاب قرار می‌گیرد، اما اطلاعات کافی برای تخصیص وضعیت یا طبقه مشخصی به آن وجود ندارد

### گونه نگران‌کننده

#### species of concern

[ع. گیاهی] اصطلاحی در امریکای شمالی برای گونه‌های بومی که در فهرست گونه‌های درخطر یا درتهدید نیست، اما جمعیت آن به قدری سریع کاهش می‌یابد که موجب نگرانی زیست‌شناسان شده است

### گونه نماد flagship species

[ع. گیاهی] گونه درخطر بااهمیت و شناخته‌شده و محبوبی که به حفاظت آن توجه خاص می‌شود

### گونه کم‌شناخته

#### insufficiently known species

[ع. گیاهی] یکی از طبقه‌بندی‌های گونه تهدیدناشناخته در کتاب قرمز که گمان می‌رود یکی از گونه‌های درمخاطره باشد، اما به دلیل کمبود اطلاعات اطمینان کافی در این مورد وجود ندارد

### گونه کمیاب rare species

[ع. گیاهی] گونه درتهدیدی که بر اثر عوامل طبیعی یا در نتیجه فعالیت‌های انسان جمعیت اندکی دارد

### گونه کلیدی key species

[ع. گیاهی] گونه‌ای گیاهی که در یک مرتع به مقدار فراوان می‌روید و بر اثر چرای دام آسیب جدی نمی‌بیند

### گونه معرف indicator species, index species,

#### management indicator species

[ع. گیاهی] گونه‌ای که وجود یا فقدان آن نشان‌دهنده شرایط زیست‌محیطی خاصی، مانند آلودگی یا تغییر اقلیم، در زیستگاه یا اجتماع است

### گونه مهاجم invasive species, invader

[ع. گیاهی] گونه وارداتی مهاجمی که در محل جدید منتشر می‌شود و عمدتاً در

spherosome, oleosome **گوی تن**

[ع. گیاهی] اندامک تک‌غشایی و تقریباً  
کروی در یاخته‌های هوهسته‌ای که  
وظیفه آن ساخت و ذخیره چربی است

**گونه نورپسند**

shade intolerant species

[ع. گیاهی] گونه‌ای که برای رقابت زیستی به  
نور کافی نیاز دارد

spherosomal **گوی تنی**

[ع. گیاهی] مربوط به گوی تن

**گونه وارداتی**

introduced species

[ع. گیاهی] گونه‌ای که به‌طور طبیعی در یک  
ناحیه پدیدار نشده بلکه اغلب به‌واسطه  
انسان وارد آن ناحیه شده است و بومی  
آنجا به شمار نمی‌رود

humus **گیاخاک**

[ع. گیاهی] ماده‌ای بی‌شکل به رنگ قهوه‌ای  
تیره که حاصل تجزیه بقایای موجودات  
زنده مختلف به‌ویژه گیاهان است

**گونه وضعیت ناشناخته**

status unknown species

[ع. گیاهی] یکی از طبقه‌بندی‌های طبقه  
تهدیدناشناخته در کتاب قرمز اتحادیه  
جهانی حفاظت که به گونه‌ای اختصاص  
دارد که نبود اطلاعات کافی، اختصاص  
طبقه حفاظتی معین به آن گونه را ناممکن  
می‌کند

**گیاخاک‌سازی** ← گیاخاک‌شدگی

humification **گیاخاک‌شدگی**

[ع. گیاهی] فرایند تشکیل گیاخاک  
مت. گیاخاک‌سازی

humic **گیاخاکی**

[ع. گیاهی] مربوط به گیاخاک یا از جنس آن

**گونه‌های همزاد**

sibling species, twin species,  
aphanic species, cryptic species

[ع. گیاهی] دو یا چند گونه خویشاوند که  
از لحاظ ریخت‌شناسی غیرمتمايز و از لحاظ  
تولید مثل مجزا هستند

antherozoid **گیازامه**

[ع. گیاهی] کامه نر متحرک در گیاهان پست  
مت. زامه<sup>۲</sup>

cuneate

**گونه‌ای**

[ع. گیاهی] ویژگی قاعده برگی دارای  
حاشیه‌های تقریباً راست که با هم زاویه  
تقاطع ۴۵ تا ۹۰ درجه می‌سازند

antherozoidal **گیازامه‌ای**

[ع. گیاهی] مربوط به گیازامه  
مت. زامه‌ای

- گیاسازند**      **گیاسازند**  
 phytocoenosis,  
 plant community,  
 plant formation,  
 plant groupment  
 [ع. گیاهی] مجموعه گیاهانی که در یک  
 بوم‌سازگان زندگی می‌کنند
- گیاسازندشناسی**  
 phytocoenology  
 [ع. گیاهی] بررسی مجموعه گیاهانی که  
 در یک بوم‌سازگان زندگی می‌کنند
- گیاکده**      **گیاکده**  
 herbarium  
 [ع. گیاهی] ۱. مجموعه‌ای از گیاهان خشک  
 که، به منظور مطالعات علمی، بر روی مقوا  
 می‌چسبانند و برچسب می‌زنند و به روشی  
 نظام‌مند مرتب می‌کنند ۲. مکان یا نهاد  
 حفظ و نگهداری و تکمیل مجموعه‌ای از  
 گیاهان خشک
- گیاکان**      **گیاکان**  
 flora  
 [ع. گیاهی] مجموعه گونه‌های گیاهی که در  
 یک منطقه جغرافیایی و در دوره‌ای معین  
 زندگی می‌کنند
- گیاکان‌شناسی**      **گیاکان‌شناسی**  
 floristics  
 [ع. گیاهی] بررسی ترکیب گونه‌های گیاهی  
 که در یک منطقه جغرافیایی و در دوره‌ای  
 معین زندگی می‌کنند
- گیاکانی**      **گیاکانی**  
 floristic  
 [ع. گیاهی] مربوط به گیاکان
- گیامامه**      **گیامامه**  
 ovule  
 [ع. گیاهی] مجموعه کیسه رویانی و  
 بافت‌های اطراف آن  
 مت. مامه، تخمک گیاهی، تخمک
- گیاهان**      **گیاهان**  
 Planta  
 [ع. گیاهی] سلسله‌ای از جانداران که در  
 دیواره یاخته‌های آنها سلولوز وجود دارد و  
 معمولاً توان فتوسنتز (photosynthesis)  
 دارند، اما ممکن است در مسیر تکامل این  
 توانایی را از دست داده باشند  
 مت. سلسله گیاهی
- گیاهان آبی**      **گیاهان آبی**  
 aquatic plants  
 [ع. گیاهی] گیاهانی که برای زندگی بر سطح  
 یا در درون محیط‌های آبی سازگاری  
 یافته‌اند
- گیاهان آوندی** ← **آوندداران**
- گیاهان بسترساز**      **گیاهان بسترساز**  
 bedding plants  
 [ع. گیاهی] گیاهان علفی یک‌ساله یا دوساله  
 یا چندساله که از آنها برای پوشاندن موقت  
 خاک استفاده می‌شود
- گیاهان دارویی**      **گیاهان دارویی**  
 medicinal plants  
 [ع. گیاهی] گیاهانی که ویژگی‌های  
 درمانی و کاربرد دارویی دارند
- گیاهان دانه‌دار** ← **پیدازادان**

ع. گیاهی] گیاهی که اگر در زمین کاشته شود، رشدونمو سایر گیاهان را کاهش دهد یا متوقف کند و خود، گیاه اصلی مزرعه شود

### گیاه حشره‌دوست

entomophilous

ع. گیاهی] گیاهی که گرده‌افشانی و تلقیح گل در آن به کمک حشراتی انجام می‌شود که از گلی به گل دیگر می‌روند  
مت. حشره‌دوست

creeper

### گیاه خزنده

ع. گیاهی] گیاهی که ریشه‌ها یا ساقه‌های آن در سطح زمین پخش می‌شود

smother crop

### گیاه خفه‌کننده

ع. گیاهی] گیاهی که با ایجاد محیطی متراکم باعث نرسیدن آب یا نور به گیاهان رقیب می‌شود

indifferent plant

### گیاه خنتی

ع. گیاهی] گیاهی که رشد آن به عوامل محیطی خاصی وابسته نیست

ice-cream plant

### گیاه خوش‌چر

ع. گیاهی] گیاه بسیار خوش‌طعمی که حیوانات در هنگام چرا آن را بر سایر گیاهان ترجیح می‌دهند

endophyte

### گیاه درون‌رُست

ع. گیاهی] گیاهی که تمام یا قسمتی از دوره زندگی خود را در درون گیاه دیگر بگذرانند  
مت. درون‌رُست<sup>۱</sup>

border plants

### گیاهان مرزنا

ع. گیاهی] گیاهان پاکوتاهی که به‌صورت باریکه در کناره باغچه یا برای تقسیم‌بندی قطعات کاشته می‌شوند

beverage plants, beverage crops

### گیاهان نوشابی

ع. گیاهی] گیاهانی که از قسمت‌های مختلف آنها مانند برگ و میوه برای تهیه انواع نوشیدنی‌ها استفاده می‌شود

banner crop

### گیاه برتر

ع. گیاهی] گیاهی که از نظر کیفیت یا کمیت یا هر دو از دیگر گیاهان منطقه یا مزرعه برتر باشد

cover crop

### گیاه پوششی

ع. گیاهی] گیاهی که برای حفاظت از خاک و رطوبت و تأمین نیتروژن برای گیاه بعدی و اصلاح و افزایش ماده آلی خاک و مهار آفات کشت می‌شود

decoy crop

### گیاه تله

ع. گیاهی] گیاهی زراعی که برای جلب عامل بیماری و در نتیجه، کاهش جمعیت آن در بین گیاهان مزرعه اصلی کشت شود

perennial plant

### گیاه چندساله

ع. گیاهی] گیاهی علفی یا چوبی که چرخه زندگی آن بیش از دو سال باشد

dominant crop

### گیاه چیره

- crop, crop plant** گیاه زراعی  
[ع. گیاهی] گیاهی که در مقیاس بزرگ به دست انسان برای استفاده از میوه و دانه و الیاف و ریشه و گل کشت می‌شود
- early crop** گیاه زودرس  
[ع. گیاهی] گیاهی که اندام‌های خود، از قبیل برگ و گل و میوه، را زودتر از معمول تولید کند
- late crop** گیاه دیررس  
[ع. گیاهی] گیاهی که اندام‌های خود، از قبیل برگ و گل و میوه، را دیرتر از معمول تولید کند
- competetive crop** گیاه رقیب  
[ع. گیاهی] گیاهی که بر سر عامل خاصی با گیاه دیگر رقابت کند
- indicator plant** گیاه معرف  
[ع. گیاهی] گیاهی که وجود آن در یک منطقه نشان‌دهنده ویژگی‌های خاک آن منطقه است
- aromatic plant** گیاه معطر  
[ع. گیاهی] گیاهی که دارای ماده معطر باشد
- medium crop** گیاه میان‌رس  
[ع. گیاهی] گیاهی که دوره رویش آن بین ارقام زودرس و دیررس باشد
- volunteer plant, volunteer** گیاه ناخواسته  
[ع. گیاهی] گیاه یا محصولی که بر اثر ریزش بذر یا وجود بقایای گیاهان روییده باشد
- catch crop** گیاه واسطه  
[ع. گیاهی] گیاه پررشدی که در فاصله زمانی بین دو محصول اصلی کشت می‌شود
- biennial plant** گیاه دوساله  
[ع. گیاهی] گیاهی که در سال اول رشد رویش داشته باشد و در سال دوم گل و بذر تولید کند و سپس از بین برود
- epiphyte** گیاه روزست  
[ع. گیاهی] گیاهی که دوره رشد خود را بر روی گیاه دیگر بگذرانند  
مت. روزست<sup>۱</sup>
- long-day plant** گیاه روزبلند  
[ع. گیاهی] گیاهی که هر روز به بیش از دوازده ساعت تابش آفتاب برای گل‌دهی احتیاج دارد
- neutral-day plant, day-neutral plant** گیاه روزختی  
[ع. گیاهی] گیاهی که مدت تابش آفتاب تأثیری بر گل‌دهی آن ندارد
- short-day plant** گیاه روزکوتاه  
[ع. گیاهی] گیاهی که هر روز به کمتر از دوازده ساعت تابش آفتاب برای گل‌دهی احتیاج دارد



companion crop      گیاه همراه

[ع. گیاهی] گیاهی که با گیاه دیگر کشت

شود

annual plant      گیاه یک‌ساله

[ع. گیاهی] گیاهی که دوره رشد آن از

تندیدن بذر تا تولید بذر در یک فصل رشد

به اتمام برسد و سپس از بین برود

# ل

حدودی نامنظم با گُل پوشی جداجام و جداکاسه است

pit

لان

[ع. گیاهی] ۰۱. فرورفتگی‌ای که در طی ضخیم شدن دیوارهٔ یاخته در بافت گیاهی ایجاد می‌شود ۰۲. هر نوع فرورفتگی در سطح اندام‌ها و یاخته‌های بافت‌های موجود زنده

foveate

لان‌دار

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با فرورفتگی‌ها یا گوده‌های کوچک

areole<sup>2</sup>

لانک

[ع. گیاهی] فضا یا شکافی کوچک در بافت یا بخشی از اندام‌های گیاهان یا حشرات

foveolate

لانک‌دار

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با گوده‌های خیلی کوچک

*Tropaeolum*

لادین

[ع. گیاهی] سرده‌ای از لادینیان یک یا چندسالهٔ علفی با حدود ۸۰ گونه که بومی امریکای جنوبی و مرکزی هستند و تعدادی از گل‌های معروف باغچه‌ای را شامل می‌شوند؛ گل‌هایشان معمولاً زیبا و رنگ آنها اغلب بسیار روشن است و دارای پنج گلبرگ و تخمدان سه‌برچه‌ای و یک لولهٔ شهد قیفی هستند که در پشت گل قرار دارد و برگ‌های سپرشکل آنها در مرکز به دُمبرگ متصل می‌شود

Tropaeolaceae

لادینیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از کلم‌سانان علفی یک یا چندساله با سه سرده و ۹۲ گونه که در نواحی معتدل و نیمه‌گرمسیر و گرمسیر می‌رویند؛ برگ‌های آنها دارای آرایش متناوب یا متقابل و مسطح و دُمبرگ‌دار است و گل‌هایشان منفرد و جانبی و معمولاً بسیار نامنظم و در برخی موارد تا

[ع. گیاهی] ماده‌ای با ترکیب کربوهیدراتی پیچیده که در دیوارهٔ یاخته‌های برخی از گیاهان به وجود می‌آید؛ در حالت خشک، سفت است و با جذب آب متورم و لزج می‌شود

### لعاب‌دار mucilaginous

[ع. گیاهی] محتوی لعاب؛ شبیه به لعاب یا مرکب از آن  
متـ . لعابی

### لعابی ← لعاب‌دار

### لکهٔ برون‌چوب sapstain

[ع. گیاهی] لکه‌ای که در برون‌چوب ظاهر می‌شود و غالباً عامل قارچی آن موجب پوسیدگی نمی‌شود

### لوبیاریوغنی soya bean, soya

[ع. گیاهی] گیاهی از خانوادهٔ نیامداران با دانه‌های سرشار از پروتئین که عمدتاً برای استخراج روغن خوراکی از دانه‌های آن کشت می‌شود  
متـ . سویا

### لوزی‌وار rhomboid

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی در گیاهان به شکل چهارضلعی با چرخش ۴۵ درجه

### لونی Typha

[ع. گیاهی] سرده‌ای از لونیان علفی تک‌پایه با حدود پانزده گونه که در زیستگاه‌های

### لانه‌زنبوری favosus, honeycombed

[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با فرورفتگی‌های منظم گوشه‌دار

### لایهٔ رشد growth layer

[ع. گیاهی] لایه‌ای از چوب یا پوست که ظاهراً در خلال یک دورهٔ رشد به وجود می‌آید

### لایهٔ ریزشی abscission layer

[ع. گیاهی] لایه‌ای که بر اثر عوامل داخلی یا خارجی تشکیل و موجب ریزش اندام‌های گیاه می‌شود

### لبه‌رو craspedodromous, simplidromous

[ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی شانه‌ای دارای رگبرگ‌های دومین که به حاشیه ختم می‌شوند

### لب lobes

[ع. گیاهی] ۱. هر بخش از کاسهٔ پیوسته کاسبرگ یا جام پیوسته گلبرگ  
۲. هر بخش از برگ منقسم

### لب‌دار lobed

[ع. گیاهی] ویژگی برگی با حاشیه‌ای مرکب از لب‌های گرد و فرورفتگی‌هایی که حداکثر تا یک‌دوم نیمهٔ سطح امتداد داشته باشند

### لعاب mucilage

[ع. گیاهی] تیره‌ای از گندم‌سانان بزرگ علفی مردابی با یک سرده و حدود پانزده گونه با پراکندگی جهانی و برگ‌های طویل و کامل و گل‌های تک‌جنسی که در یک سنبله قهوه‌ای قرار می‌گیرند

### لیموسنگی شکل hesperidiform

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل لیمو در گیاهان که دو سر آن شبیه به پستانک باشد

مرطوب جهان مخصوصاً نیمکره شمالی می‌رویند؛ برگ‌های آنها متناوب و معمولاً قاعده‌ای و به یک ساقه ساده بدون گره متصل است و گل‌های تک‌جنسی آنها در گل‌آذین سنبله متراکم قرار دارد و گرده‌افشانی در آنها با باد انجام می‌شود؛ گل نر به یک جفت پرچم و کرک تقلیل یافته است و تعداد زیادی از گل‌های ماده در زیر گل نر بر روی ساقه تشکیل یک سنبله سوسپس شکل می‌دهند

Typhaceae

لونیان

# م

## ماده - دوپایه gynodioecious

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهانی که گل‌های ماده و نر ماده آنها بر روی پایه‌های مختلف قرار دارند

## ماده سرخسیان Athyriaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از سرخس‌سانان که دارای پهنک‌های منقسم شانه‌ای با حاشیه دندان‌دار هستند و قاعده برگ‌هایشان پولک‌دار است

## ماده - یک پایه gynomonoeious

[ع. گیاهی] ویژگی گیاهانی که گل‌های ماده و نر ماده آنها بر روی یک پایه قرار دارند

## مارانتا Maranta

[ع. گیاهی] سرده‌ای از مارانتائیان همیشه‌سبز و کُندرشد با حدود بیست گونه که بومی نواحی گرمسیر مانند آسیای جنوب غربی و غرب هندوستان هستند؛ این گیاهان دارای

## مادگی pistil, gynoeceium, pistillum

[ع. گیاهی] بخش تولیدمثلی ماده یک گل شامل تخمدان و خامه و کلاله  
\* مصوب فرهنگستان اول

## مادگی بر gynophore

[ع. گیاهی] پایه مادگی بین نافه و مادگی که تخمدان بر روی آن قرار دارد

## مادگی دار pistilate

[ع. گیاهی] ویژگی گل‌هایی که فقط مادگی دارند

## مادگی واره pistillode

[ع. گیاهی] مادگی تحلیل‌رفته و غیرفعال

## ماده دفعی excretion<sup>2</sup>, excrement

[ع. گیاهی] ماده زائد دگرگشتی که از یاخته‌ها یا موجودات زنده خارج می‌شود

سرد و سبزه گونه که محدود به بر جدید هستند؛ گیاهان این تیره کرک‌های لعاب‌داری دارند که حالتی چسبناک و لزج به برگ‌ها و ساقه می‌دهد و میوه‌های آن قلاب‌دار یا شاخ‌دار است  
مت. . شاخ‌بزیان

زمین‌ساقه هستند که به‌طور طبیعی به شکل توده‌ای چندساله می‌روید؛ برگ‌های آنها غیرمنقسم است و دُم‌برگی غلافی دارد و گل‌های کوچک آنها سه گلبرگ و دو ناپرچی (staminode) گلبرگ‌نمای درشت‌تر از گلبرگ‌ها دارد

### مارچوبه *Asparagus*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از مارچوبه‌ایان ایستاده یا بالارونده و غالباً تاحدودی چوبی با نزدیک به ۳۰۰ گونه که از سیبری تا افریقای جنوبی به‌صورت بومی می‌رویند؛ معروف‌ترین گونه آن را برای استفاده از ساقه گوشتی و تردش می‌کارند و به‌عنوان سبزی مصرف می‌کنند؛ چند گونه افریقایی آن به‌عنوان گیاهان زینتی پرورش داده می‌شود؛ برگ‌های حقیقی این گیاهان به‌صورت فلس‌های کوچکی درآمده است و گل‌های کوچک و سبز متمایل به زرد آنها در بهار و میوه‌های سته قرمزشان در پاییز پدیدار می‌شود

### مارچوبه‌ایان *Asparagaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از مارچوبه‌سانان با شاخه‌های برگ‌نما و برگ‌های فلسی یا خاری

### مارچوبه‌سانان *Asparagales*

[ع. گیاهی] راسته‌ای از تک‌لپه‌ای‌ها شامل مارچوبه‌ایان که سایر تیره‌های آن هنوز به‌طور قطعی تعیین نشده است

### مارانتائیان *Marantaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از زنجبیل‌سانان با حدود ۳۱ سرده و ۵۵۰ گونه از گیاهان علفی چندساله با زمین‌ساقه که بومی جنگل‌های گرمسیر مرطوب یا باتلاقی به‌ویژه در امریکا و افریقا و آسیا هستند؛ اعضای این تیره تنوع بسیار دارند و گیاهانی نی‌مانند یا علفی با برگ‌های گسترده یا بوته‌های مترکم به ارتفاع تقریباً دو متر را شامل می‌شوند

### مارتینی *Proboscidea*

[ع. گیاهی] سرده‌ای از مارتینیان یک‌ساله علفی کرک‌دار غده‌ای و بدبو با حدود هشت گونه که در امریکای جنوبی و جنوب امریکای شمالی پراکنده‌اند؛ برگ‌های این گیاهان متناوب یا متقابل به شکل تخم‌مرغ یا قلب با دُم‌برگ بلند است و گل‌های آنها دوجنسی و نامنظم با دو لپ در خوشه‌های پنج‌سانتی‌متری است

مت. . شاخ‌بزی

### مارتینیان *Martyniaceae*

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان علفی یک یا چندساله، گاه با ریشه غده‌ای، دارای چهار

**ماشوره کامی** siphonogamy  
 [ع. گیاهی] باروری کامه ماده از طریق لوله  
 گرده

**ماگنولیا** *Magnolia*  
 [ع. گیاهی] سرده‌ای از ماگنولیائی‌ان درختی یا  
 درختچه‌ای با حدود ۲۲۵ گونه که بومی  
 امریکای شمالی و مرکزی و هیمالیا و  
 شرق آسیا هستند و به دلیل گل‌های معطر  
 و برگ‌های زیبا از اهمیت بسیاری  
 برخوردارند

**ماگنولیاسانان** Magnoliales  
 [ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌های  
 درختچه‌ای یا بالارونده یا درختی با پنج  
 تیره و حدود ۱۵۴ سرده و ۳۰۰۰ گونه که  
 با برخی راسته‌های دیگر، شاخه ماگنولید  
 (magnoliid) را تشکیل می‌دهند که از  
 شاخه‌های ابتدایی در درخت تکاملی  
 نهان‌دانگان محسوب می‌شود

**ماگنولیائی‌ان** Magnoliaceae  
 [ع. گیاهی] تیره‌ای از ماگنولیاسانان درختی یا  
 درختچه‌ای با حدود هفت سرده و ۲۳ گونه  
 که بعضی از گیاهان آن همیشه‌سبزند، اما  
 بیشتر آنها خزان‌دارند و برخلاف تیره‌های  
 دیگر ماگنولیاسانان، گوشواره‌های نسبتاً بزرگی  
 دارند که در هنگام باز شدن برگ‌ها می‌ریزند

**مالپیگی سانان** Malpighiales  
 [ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها با گونه‌های  
 فراوان و متنوع که تیره مهم و بزرگ  
 فرقیونیان را نیز شامل می‌شود

**مازربانیان** Ophioglossaceae  
 [ع. گیاهی] تیره‌ای از سرخس‌تباران که دارای  
 برگ‌های غیرمنقسم و هاگدان‌های رأسی  
 هستند

**مازریون** *Daphne*  
 [ع. گیاهی] سرده‌ای درختچه‌ای از مازریونیان  
 با حدود ۵۰ گونه بومی اوراسیا که برای  
 ظاهر و گل‌های زیبایشان در بسیاری از  
 نواحی کاشته می‌شوند

**مازریونیان** Thymelaeaceae  
 [ع. گیاهی] تیره‌ای از پنیرک‌سانان اغلب  
 درختی یا درختچه‌ای و گاه بالارونده و  
 علفی با ۴۴ سرده و حدود ۵۰۰ گونه که  
 تنوع آنها عمدتاً در نیمکره جنوبی است و  
 بسیاری از گونه‌های آن در افریقا و استرالیا  
 می‌رویند؛ برگ‌های آنها ساده با آرایش  
 متقابل یا متناوب یا فراهم و حاشیه پهنک  
 آنها کامل است و لوله گل‌های آنها ظاهراً  
 جام یا کاسه دارد، اما در واقع یک نهنج  
 میان‌تهی است

**ماشک** *Vicia*  
 [ع. گیاهی] سرده علفی یک یا چندساله و  
 اغلب بالارونده از باقلائیان با حدود ۱۴۰  
 گونه که بومی اروپا و آسیا و افریقا هستند  
 و برای خوراک انسان و دام و تقویت زمین  
 کاشته می‌شوند

**ماشوره کام** siphonogamous,  
 siphonogamic  
 [ع. گیاهی] مربوط به ماشوره کامی

<p><b>مقابل ضربدري</b> decussate</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی برگ آذینی متقابل که در آن برگ‌ها یا ساختارهای متقابل با جفت پیشین زاویهٔ ۹۰ درجه دارند</p>	<p>مامه ← گیامامه</p>
<p><b>مقابل ناضربدري</b> nondecussate</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی برگ آذینی متقابل که در آن هر جفت از برگ‌ها یا ساختارهای متقابل با جفت پیشین زاویهٔ ۹۰ درجه ندارند</p>	<p><b>مامه‌دان</b> archegonium, oogonium</p> <p>[ع. گیاهی] اندامی در برخی نهانزادان که در آن یاختهٔ جنسی ماده تولید می‌شود</p>
<p><b>متناوب</b> alternate</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی برگ آذینی که در هر گره یک برگ یا ساختار دیگر دارد</p>	<p><b>مامه‌دان‌بر</b> archegoniophore</p> <p>[ع. گیاهی] پایهٔ حامل مامه‌دان</p>
<p><b>متناوب دورديفه</b> distichous</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی برگ آذینی متناوب که در آن نقاط اتصال واقع در دو ردیف یا ردهٔ عمودی است</p>	<p><b>مامه‌دان‌دار</b> archegoniate</p> <p>[ع. گیاهی] دارای مامه‌دان</p>
<p><b>مجرادار</b> canaliculate</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی بخش‌هایی از گیاهان، عمدتاً دُمبرگ یا رگبرگ‌های اصلی، که در پیکربندی آنها شیارهای طولی وجود دارد</p>	<p><b>مامه‌دانی</b> archegonial</p> <p>[ع. گیاهی] مربوط به مامه‌دان</p>
<p><b>محصول نهایی گیاه دارویی</b> finished herbal product</p> <p>[ع. ک. دارویی] محصول آمادهٔ مصرفی که از یک یا ترکیبی از چند گیاه تهیه شده است</p>	<p><b>ماهی‌برافشانی</b> ichthyochory</p> <p>[ع. گیاهی] پراکنده شدن میوه توسط ماهی</p>
<p><b>محور برگ</b> rachis<sup>1</sup></p> <p>[ع. گیاهی] محور اصلی در برگ مرکب شانه‌ای</p>	<p><b>مترادف</b> synonym</p> <p>[ع. گیاهی] هر یک از نام‌های دارای مصداق یگانه که یک یا عده‌ای از گیاه‌شناسان، به‌دلیل نامعتبر بودن یا تشخیص آرایه‌شناختی، آن را نپذیرفته‌اند و در نتیجه مهجور شده است</p>
	<p><b>مقابل</b> opposite</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی برگ آذینی با دو برگ یا ساختاری دیگر در هر گره که در دو طرف ساقه یا محور مرکزی قرار دارند</p>



<p>ordered مرتب</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی مجموعه‌ای دگرریختی (transformation series) که در آن حالات صفت از یک توالی معین پیروی می‌کند</p>	<p>محور برگچه rachilla<sup>1</sup></p> <p>[ع. گیاهی] محور جانبی یا دومین یک برگ مرکب دوبارشانه‌ای</p>
<p>مرحله پس‌اوج post-climacteric stage</p> <p>[ع. گیاهی] مرحله‌ای در منحنی سرعت تنفس میوه‌های رسیده که در آن تنفس در حال کاهش است</p>	<p>محور سنبلچه rachilla<sup>2</sup></p> <p>[ع. گیاهی] محور مرکزی سنبلچه گندمیان یا جگنیان</p>
<p>مرحله پنجه‌زنی tillering stage</p> <p>[ع. گیاهی] مرحله‌ای از نمو غلات که در آن گیاه جست اضافه‌ای تولید می‌کند که تبدیل به بوته می‌شود</p>	<p>محور سو adaxial</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی سطح یا اندامی در گیاه که در نزدیک‌ترین فاصله نسبت به محور یا خط مرکزی باشد یا رو به محور یا خط مرکزی داشته باشد یا به بالا برگشته باشد</p> <p>مت. شکمی ventral</p>
<p>مرحله پیش‌اوج preclimacteric stage</p> <p>[ع. گیاهی] مرحله‌ای در منحنی سرعت تنفس میوه‌های رسیده که در آن تنفس در حال افزایش است</p>	<p>محور گل‌آذین rachis<sup>2</sup></p> <p>[ع. گیاهی] محور مرکزی و اصلی درون گل‌آذین</p>
<p>مرحله پیش‌گام pioneer stage, gap stage</p> <p>[ع. گیاهی] اولین مرحله یک توالی گیاهی</p>	<p>محوری axile</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی تمکنی که در آن جفت‌ها به صورت ستونی در یک تخمدان مرکب دیواره‌دار قرار دارند</p>
<p>مرحله تورم boot stage</p> <p>[ع. گیاهی] مرحله‌ای از نمو غلات دانه‌ریز که در آن نیام برگ پرچم به دلیل شکل گرفتن خوشه یا سنبله متورم می‌شود</p>	<p>محوری‌رأسی apical-axile</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی تمکنی که در آن دو یا چند جفت در بالای یک تخمدان دیواره‌دار قرار دارند</p>
<p>مرحله خمیری dough stage</p> <p>[ع. گیاهی] مرحله‌ای از نمو غلات که در آن محتویات دانه خمیرمانند است</p>	<p>مخملی velutinous, velvety, soft</p> <p>[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش با کرک‌هایی شبیه به مخمل</p>

ع. گیاهی] مرحله آغازین خشکیدن سوزن‌های درختان سوزنی‌برگ بر اثر حمله آفات که در آن سوزن‌ها به رنگ نارنجی چرک درمی‌آید  
مت. سوزن نارنجی

heading stage, مرحله خوشه‌دهی  
heading time

ع. گیاهی] مرحله‌ای از نمو غلات که در آن خوشه شروع به بیرون آمدن از غلاف خود می‌کند

milk stage مرحله شیر

ع. گیاهی] یکی از مراحل رسیدن دانه غلات که در آن محتویات دانه حالت شیری دارد

ripening مرحله رسیدن

ع. گیاهی] مرحله‌ای که در آن دانه یا میوه کاملاً رسیده و آماده مصرف است

jointing stage مرحله گره‌خیزی

ع. گیاهی] مرحله‌ای از رشد غلات که در آن طول میان‌گره‌های ساقه افزایش می‌یابد

growth stage مرحله رشد

ع. گیاهی] هر مرحله مشخص از دوره زندگی موجود زنده

glazed stage مرحله لعابی

ع. گیاهی] مرحله‌ای از رسیدن دانه ذرت، بین حالت شیری و خمیری، که در حدود ۴۵ روز بعد از گشنگیری است و در این مرحله، پوسته دانه از حالت نرم و مات به حالت سخت و براق تبدیل می‌شود

stem stage مرحله ساقه‌ای

ع. گیاهی] مرحله‌ای از نمو غلات که در آن ساقه گیاه نمود پیدا می‌کند

مرحله نرم خمیری

soft dough stage

ع. گیاهی] مرحله‌ای که در آن مواد درون دانه غلات حالت نشاسته‌ای و نرم دارد

مرحله سخت خمیری

hard dough stage

ع. گیاهی] مرحله‌ای بین مرحله خمیری و رسیدن کامل بذر

ecotone مرزبوم

ع. گیاهی] مرز یا منطقه‌ای با ویژگی مشخص که بین دو یا چند بوم‌سازگان قرار دارد و دارای ویژگی‌های مشترک با هریک از آنهاست

red-top مرحله سوزن قرمزی

ع. گیاهی] مرحله پیشرفته خشکیدن سوزن‌های درختان سوزنی‌برگ بر اثر حمله آفات و گاه آلودگی هوا که در آن سوزن‌ها به رنگ قرمز درمی‌آید  
مت. سوزن قرمزی

sorrel-top مرحله سوزن نارنجی

ارغوانی یا صورتی یا قرمز، لولهٔ جام گل راست یا در بخشی بادکرده و کیسه‌مانند، با دو پرچم و کیسه‌های بساک آن از طریق رابط به هم پیوسته‌اند و فندقچه‌های بیضوی و تقریباً کروی و بی‌کرک دارند

مریم‌گلی<sup>۲</sup> ← مریم‌گلی دارویی

مریم‌گلی دارویی  
*Salvia officinalis*,  
garden sage

[ع. گ. دارویی] گونه‌ای مریم‌گلی به شکل گیاه بوته‌ای به ارتفاع ۲۵ تا ۵۰ سانتی‌متر با ساقه‌های راست و منشعب و پوشیده از کرک‌های کوتاه پیچ‌خورده و برگ‌های مستطیلی تقریباً نوک‌گرد یا نوک‌تیز و گرد یا باریک در قاعده و با بافتی چین‌وچروک‌دار و ضخیم و پوشیده از کرک‌های چندخانه‌ای متراکم و جام گل بنفش

مت. . مریم‌گلی<sup>۲</sup> common sage

مریم‌گلی عقربان  
*Salvia hydrangea*

[ع. گ. دارویی] گونه‌ای مریم‌گلی به شکل گیاهی بوته‌ای به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتی‌متر و با برگ‌های شانه‌ای دارای ۲ تا ۳ جفت برگچه که برگچهٔ انتهایی خطی یا مستطیلی-بیضوی با حاشیهٔ صاف است و کاسهٔ گل استکانی ارغوانی به طول ۱۲ تا ۱۵ میلی‌متر و با جام گل صورتی یا بنفش به طول حدود ۲۲ میلی‌متر

مت. . عقربان

مرز حلقهٔ رشد  
growth-ring boundary

[ع. گیاهی] محدودهٔ بیرونی حلقهٔ رشد

مرکبان ← کاسنیان

مرکز میان ← فام‌تن مرکز میان

مرکزی  
central

[ع. گیاهی] ویژگی بخشی از گیاه که در مرکز یا نزدیک به آن یا در صفحهٔ مرکزی یک ساختار قرار دارد

مرکزی-آزاد  
free-central

[ع. گیاهی] ویژگی تمکنی که در آن جفت به‌صورت ستونی در یک تخمدان مرکب بی‌دیواره قرار دارد

مرموک ← مریم‌گلی مرموک

مرو ← مریم‌گلی مروی

مریم‌گلی<sup>۱</sup>  
*Salvia, sage*

[ع. گ. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان علفی چندساله و به‌ندرت دو یا یک‌سالهٔ نیمه‌چوبی یا چوبی با ساقه‌های راست یا خوابیده و پوشیده از کرک‌های ساده و غده‌ای یا بی‌کرک و با برگ‌های ساده یا مرکب و گل‌آذین‌گزن و کاسهٔ گل استکانی یا لوله‌ای یا قیفی؛ جام گل آن به رنگ‌های سفید یا زرد یا آبی یا

**مریم‌گلی نوروزک *Salvia leriifolia***

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای مریم‌گلی به شکل گیاه علفی چندساله با بن چوبی و ساقه‌های فراوان و پوشیده از کرک‌های نمدی-پنبه‌ای و برگ‌های قاعده‌ای با حاشیه صاف یا دارای دندانه‌های نامنظم و جام گل آبی متمایل به سفید به طول ۳۰ تا ۳۵ میلی‌متر  
مت. . نوروزک

**مریم‌نخودی ← کلپوره**

**مژکی *ciliolum***

[ع. گیاهی] مژه ریز یا فرعی

**مژک‌دار *ciliolate***

[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌ها با حاشیه‌ای پوشیده از مژه‌های ریز

**مژکی *rambutan***

[ع. گیاهی] میوه گیاهی با نام علمی سرخالوی مژکی (*Nephelium lappaceum*) و هم‌خانواده با سرخالو و چشالو که شفت و گرد و گاه بیضی و قطر آن سه تا شش سانتی‌متر است که روی خوشه‌های دو تا ده‌تایی قرار دارد؛ پوست آن پوشیده از مژک و معمولاً سرخ است؛ گوشته آن شفاف و ترد و سفید و گاه مایل به صورتی است و طعمی ترش و شیرین دارد؛ هسته آن قهوه‌ای شفاف و به قطر دو تا سه سانتی‌متر است

**مریم‌گلی کوکل *Salvia hypoleuca***

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای مریم‌گلی به شکل گیاه علفی چندساله به ارتفاع حداکثر ۱/۵ متر و برگ‌های تخم‌مرغی پهن یا کم‌وبیش دایره‌ای به طول ۸ تا ۱۷ و به عرض ۷ تا ۱۳ سانتی‌متر و دارای بافت ضخیم و چرم‌مانند و با گل‌آذین بزرگ و خوشه‌ای مرکب و جام گل سفید یا زرد کم‌رنگ و کاسه گل قیفی‌شکل  
مت. . کوکل

**مریم‌گلی مرموک *Salvia sclarea***

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای مریم‌گلی به شکل گیاه علفی چندساله معطر به ارتفاع ۲۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر با ساقه راست و ساده و با برگ‌های قاعده‌ای و ساقه به طول ۵ تا ۳۲ و به عرض ۵ تا ۲۲ سانتی‌متر و تخم‌مرغی یا تخم‌مرغی-مستطیلی و با جام گل صورتی یا یاسمنی و مایل به سفید و برگ‌های غشایی به رنگ‌های صورتی سفید با حاشیه سبز رنگ  
مت. . مرموک  
clary sage

**مریم‌گلی مروی *Salvia macrosiphon***

[ع. ک. دارویی] گونه‌ای مریم‌گلی به شکل گیاه علفی چندساله بسیار معطر به طول ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر با ساقه‌های پرشمار و راست و پوشیده از کرک‌های فراوان ساده و غده‌دار و جام گل سفید به طول ۲/۵ تا ۳ سانتی‌متر  
مت. . مرو

**مستطیلی بس پهن**  
very broadly oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که نسبت طول به عرض آن یک به یک تا پنج به شش باشد

**مستطیلی بس فروفشرده**  
very depressed oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که نسبت طول به عرض آن یک به شش باشد

**مستطیلی پخشیده**  
shallowly oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که نسبت طول به عرض آن دو به سه باشد

**مستطیلی پهن**  
broadly oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که نسبت طول به عرض آن شش به پنج تا یک به یک باشد

**مستطیلی خطی**  
linearly oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که طول آن دوازده برابر عرض آن باشد

**مستطیلی عرضی**  
transverse oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که نسبت طول به عرض آن یک به دوازده باشد

**مژه**  
cilium

ع. گیاهی] هریک از زوائد کرک مانند کوچک که از سطح یاخته‌های گیاهی بیرون زده و در مجموع، حاشیه‌ای ریش‌ریش در لبه برگ ایجاد کرده باشد

**مژه‌دار**  
ciliate

ع. گیاهی] ویژگی برگی که حاشیه‌ای با شرابه کرکی داشته باشد

**مستطیلی**  
oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که گوشه‌های آن معمولاً گرد باشد

**مستطیلی باریک**  
narrowly oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که طول آن سه برابر عرض آن باشد

**مستطیلی بس باریک**  
very narrowly oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که طول آن شش برابر عرض آن باشد

**مستطیلی بس پخشیده**  
very shallowly oblong

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که نسبت طول به عرض آن یک به دو باشد

ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی شانه‌ای که در آن رگبرگ‌های دومین قبل از رسیدن به حاشیه برگ به‌طور مکرر منشعب می‌شوند و ساختاری شبکه‌ای و متراکم تشکیل می‌دهند

### مطبق کاجیان *Araucariaceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از مخروط‌داران که درختانی بلند با شاخه‌بندی منظم و اغلب فراهم هستند

### مغز دانه *kernel*

ع. گیاهی] بخشی از بذر که در درون پوسته بذر قرار دارد

### مقابل کاسبرگی *antisepalous*

ع. گیاهی] ویژگی پرچم‌هایی که در مقابل کاسبرگ‌ها یا لپ‌های کاسه گل قرار دارند

### مقابل گلبرگی *antipetalous*

ع. گیاهی] ویژگی پرچم‌هایی که در مقابل گلبرگ‌ها یا لپ‌های جام گل قرار دارند

### مکان‌شناسی *topology*

ع. گیاهی] ۱. مطالعه و توصیف محل‌ها در یک محدوده جغرافیایی معین ۲. ساختار شاخه‌بندی در درخت تکاملی (tree)

### مماس *contiguous*

ع. گیاهی] ویژگی گیاهی که قطعات آن با هم تماس دارند ولی الحاقی صورت نگرفته است

## مستطیلی فروفشرده *depressed oblong*

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل مستطیل در گیاهان که نسبت طول به عرض آن یک به سه باشد

### مسواک *Salvadora*

ع. گیاهی] سرده‌ای از مسواکیان درختی کوچک یا درختچه‌ای با پنج‌گونه که بومی خاورمیانه است؛ تنه آنها کج و معوج با قطر کمتر از ۳۰ سانتی‌متر است و پوست آن سفید و خشن و پوست ریشه قهوه‌ای روشن است و برگ‌های بالغ آنها ضخیم و چرمی و گل‌هایشان کوچک و سفید متمایل به سبز است؛ بوی این گیاهان شبیه به شاهی و مزه آنها گرم و تند است

### مسواکیان *Salvadoraceae*

ع. گیاهی] تیره‌ای از کلم‌سانان درختی یا درختچه‌ای با سه سرده و حدود دوازده گونه که در مناطق گرم و خشک می‌رویند و گل‌های منظم و کوچک و معمولاً چهارپر دارند که در گل‌آذین‌های دسته‌ای (fascicles) به صورت مجتمع قرار گرفته‌اند و برگ‌های آنها ساده و علفی یا چرمی با آرایش کامل و متقابل است

### مشبک *reticulate, netted*

ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی که در آن رگبرگ‌های فرعی انتهایی طرحی شبکه‌ای تشکیل می‌دهند

### مشبک‌رو *reticulodromous*

## منظم ← چندتقارنی

ع. گیاهی] ویژگی نوعی رگ‌بندی دارای دو یا چند رگبرگ اولین یا دومین موازی که در رأس به هم می‌رسند

## موازی‌گرایی ← همگرایی

undulate, wavy, repand موج‌دار

ع. گیاهی] ویژگی برگ‌ها با حاشیه‌ای کمی به سمت داخل و خارج خم شده باشد

Loranthus موخور

ع. گیاهی] سرده‌ای از موخوریان نیمه‌انگلی که بر روی شاخه‌های درختان چوبی رشد می‌کند

Loranthaceae موخوریان

ع. گیاهی] تیره‌ای از صندل‌سانان درختی یا درختچه‌ای با حدود ۶۵ سرده و ۸۵۰ گونه‌انگلی گل‌دار که برخی از گیاه‌شناسان یازده سرده و ۴۵۰ گونه‌شناخته‌شده به‌نام داروآش از تیره‌ داروآشیان را نیز در درون این تیره قرار داده‌اند

piliferous مودار

ع. گیاهی] ویژگی رأس یا سطحی که پوشیده از مو باشد

Myrtus مورد

ع. گیاهی] سرده‌ درختچه‌ای همیشه‌سبز یا درختی کوتاه با یک یا دو گونه از موردیان که بومی جنوب اروپا و افریقای شمالی هستند

منفذ pore

ع. گیاهی] سوراخی بسیار کوچک در پوست یا قشر خارجی جانوران یا گیاهان یا سنگ‌ها

منفذشکاف poricidal

ع. گیاهی] ویژگی بساکی که از طریق سوراخی واقع در انتهای یکی از خانک‌های آن شکفته می‌شود

منقاری rostrate, beaked

ع. گیاهی] ویژگی اندامی که دارای زائده‌ای شبیه به منقار پرند باشد

منقوط punctate, dotted, pitted

ع. گیاهی] ویژگی سطحی با نقاط پراکنده

منگوله‌دار comose

ع. گیاهی] ویژگی کرک‌پوشی با کرک‌های رأسی دسته‌ای

مواد گیاهی herbal materials

ع. ک. دارویی] مواد پایه برای تولید محصول نهایی گیاهان دارویی که از طریق استخراج یا جداسازی یا تصفیه یا تغلیظ یا دیگر فرایندهای زیستی یا فیزیکی به دست می‌آیند

موازی‌رو parallelodromous, parallel

ع. گیاهی] نحوه قرارگیری یک قطعه نسبت  
به قطعات ناهمسان

### مولکول پروری

molecular farming,  
molecular pharming,  
molecular agriculture,  
biofarming

[علوم گیاهی] استفاده از گیاهان یا حیوانات  
تراژن برای تولید مواد موردنیاز در صنعت  
داروسازی

wax موم

ع. گیاهی] ماده‌ای محلول در حلال‌های  
چربی که گیاهان برای کاهش تعرق ترشح  
می‌کنند

waxy مومی

ع. گیاهی] مربوط به موم یا از جنس آن

type, type specimen مونه

ع. گیاهی] نمونه‌ای که نقش مرجع برای نام  
علمی دارد و نام گیاه بر مبنای آن اختیار  
شده است  
مت. مونه نامگانی

nomenclatural type

مونه نامگانی ← مونه

mesocarp میان‌بَر

ع. گیاهی] لایه میانی پیرابَر در میوه  
نهان‌دانگان

Myrtales موردسانان

ع. گیاهی] راسته‌ای با حدود سیزده تیره و  
۳۸۰ سرده و حدود ۱۱۰۰۰ گونه که در  
مناطق گرمسیر دنیا می‌رویند

Myrtaceae موردیان

ع. گیاهی] تیره‌ای از موردسانان درختچه‌ای  
یا درختی با حدود ۱۵۰ سرده و ۳۳۰۰ گونه  
که بیشتر در نواحی گرمسیر پراکنده هستند  
و برگ‌های اغلب آنها چرمی با غده‌های  
ترش‌ری روغنی است و برخی از اعضای آن  
مانند اوکالیپتوس از نظر اقتصادی اهمیت  
بسیار دارد

myrmecophily مورگرده‌افشانی

ع. گیاهی] گرده‌افشانی توسط مورچگان

setose, bristly موریشی

ع. گیاهی] ویژگی سطحی پوشیده از  
زبرکرک

Musa موز

ع. گیاهی] یکی از سه سرده موزیان با حدود  
۵۰ گونه که علی‌رغم ظاهر درختی، ساقه  
آنها علفی است

Musaceae موزیان

ع. گیاهی] تیره‌ای از زنجبیل‌سانان علفی بلند  
با برگ‌های کشیده و پوشاننده ساقه که  
میوه آنها از نوع سته است

position<sup>2</sup> موقعیت



centriole	<b>میانک</b>	mesophyll	<b>میان‌برگ</b>
	[ع. گیاهی] ذرهٔ مرکزی میان‌تن		[ع. گیاهی] بافت اصلی برگ که متشکل از یاخته‌های فتوسنتزکننده (photosynthetic) است
alternisepalous	<b>میان کاسبرگی</b>	mesophyllic, mesophyllous	<b>میان‌برگی</b>
	[ع. گیاهی] ویژگی پرچم‌هایی که بین کاسبرگ‌ها یا لپ‌های کاسهٔ گل قرار دارند		[ع. گیاهی] مربوط به میان‌برگ
internode	<b>میان‌گره</b>	centromere	<b>میان‌پار</b>
	[ع. گیاهی] حدّ فاصل بین دو گره مجاور در یک شاخه		[ع. گیاهی] ناحیه‌ای از فام‌تن که رشته‌های دوک در طی تقسیم‌یاخته‌ای به آن متصل می‌شوند
alternipetalous	<b>میان گلبرگی</b>	mesoderm	<b>میان‌پوست</b>
	[ع. گیاهی] ویژگی پرچم‌هایی که بین گلبرگ‌ها یا لپ‌های جام قرار دارند		[ع. گیاهی] لایهٔ میانی در پوشش خارجی خره‌ها
centrosphere, attraction-sphere	<b>میان‌گوی</b>	mesodermic, mesodermal	<b>میان‌پوستی</b>
	[ع. گیاهی] لایه‌ای تمایز یافته از میان‌یاخته که میانک را دربرمی‌گیرد		[ع. گیاهی] مربوط به میان‌پوست
centrospheric	<b>میان‌گوی</b>	centrosome	<b>میان‌تن</b>
	[ع. گیاهی] مربوط به میان‌گوی		[ع. گیاهی] یکی از اندامک‌های درون‌یاخته‌ای که در تقسیم‌یاخته‌ای فعالانه شرکت می‌کند
cytoplasm	<b>میان‌یاخته</b>	medifixed	<b>میان‌چسب</b>
	[ع. گیاهی] بخشی از درون‌یاخته که بین غشا و هسته یا مواد هسته‌ای قرار دارد و از دو بخش سیتوسل (cytosol) و اندامک‌های درون‌یاخته‌ای تشکیل شده است		[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک که از وسط به سطح یک اندام چسبیده باشد
cytoplasmic	<b>میان‌یاخته‌ای</b>		
	[ع. گیاهی] مربوط به میان‌یاخته		

- Caryophyllaceae** **میخکیان**  
 [ع. گیاهی] تیره‌ای از میخک‌سانان یک یا چندساله که غالباً دارای برگ‌های متقابل ساده و گل‌های منظم و گلبرگ‌های ناخنک‌دار هستند
- spadix** **میل چمچه**  
 [ع. گیاهی] سنبله‌ای با محور مرکزی گوشتی یا ضخیم نوعاً با گل‌های فشرده
- filament** **میلهٔ پرچم**  
 [ع. گیاهی] پایهٔ پرچم که به بساک منتهی می‌شود  
 \* مصوب فرهنگستان اول
- bacilliform** **میلیزه‌شکل**  
 [ع. گیاهی] به شکل میلیزه
- fruit** **میوه**  
 [ع. گیاهی] ساختاری در گیاهان که از نمو دیوارهٔ تخمدان حاصل می‌شود و دانه یا دانه‌های رسیده را در بر می‌گیرد
- dry fruit** **میوهٔ خشک**  
 [ع. گیاهی] میوه‌ای که میان‌بر آن به‌وضوح در زمان رسیدن خشک است
- fruit abscission** **میوه‌ریزی**  
 [ع. گیاهی] ریزش میوه بر اثر تشکیل لایهٔ ریزشی
- simple fruit** **میوهٔ ساده**  
 [ع. گیاهی] میوهٔ حاصل از مادگی منفرد یک گل
- plasmogamy** **میان یاخته کامی**  
 [ع. گیاهی] فرایند ترکیب دو پیش‌یاخته، بدون ترکیب هستهٔ آنها، برای تشکیل توده‌ای چندهسته‌ای
- Dianthus** **میخک**  
 [ع. گیاهی] سرده‌ای از میخکیان اغلب علفی کوتاه یک‌ساله یا چندساله با حدود ۳۰۰ گونه که در حاشیهٔ باغ‌ها می‌رویند؛ تمام گونه‌های این سرده عمدتاً بومی نیمکرهٔ شرقی هستند و در نواحی مدیترانه‌ای یافت می‌شوند
- Pittosporum** **میخک درختی**  
 [ع. گیاهی] سرده‌ای از کرفس‌سانان با ۲۰۰ گونهٔ درختی یا درختچه‌ای به ارتفاع ۲ تا ۳۰ متر که دارای برگ‌های ساده با آرایش مارپیچی یا فراهم و حاشیهٔ صاف یا کمی موج و گل‌های خوشبو به‌صورت منفرد یا چتری یا دیهیم است؛ میوهٔ آنها پوشینهٔ چوبی دارد و دانه‌هایشان با مادهٔ صمغ‌مانندی پوشیده شده است
- Pittosporaceae** **میخک‌درختیان**  
 [ع. گیاهی] تیره‌ای از کرفس‌سانان درختی یا درختچه‌ای یا بالارونده با ده سرده و ۲۰۰ گونه که در مناطق استوایی و گرمسیر می‌رویند
- Caryophyllales** **میخک‌سانان**  
 [ع. گیاهی] راسته‌ای بزرگ از دولپه‌ای‌های اغلب علفی شامل گروه‌های گیاهی گوشت‌خوار با ۳۳ تیره و دارای تمکن مرکزی

[ع. گیاهی] میوه حاصل از رشد برچه‌های  
مجزا و متعدد یک گل

**میوه مرکب** multiple fruit

[ع. گیاهی] میوه حاصل از مادگی‌های متعدد  
و ساختارهای فرعی چندین گل که در یک  
توده آرایش یافته‌اند

**میوه ناشکופا** indehiscent fruit

[ع. گیاهی] میوه‌ای که پس از رسیدن شکاف  
بر نمی‌دارد و باز نمی‌شود

**میوه خودرس** climacteric fruit

[ع. گیاهی] میوه‌ای که در حین رسیدن تنفس  
آن شدت یابد و رسیدن آن بعد از جدا  
شدن میوه از گیاه مادر نیز تداوم داشته  
باشد

**میوه شکופا** dehiscent fruit

[ع. گیاهی] میوه‌ای که پس از رسیدن باز و  
محتوای آن آشکار می‌شود

**میوه کاذب** pseudocarp,  
accessory fruit, false fruit

[ع. گیاهی] میوه‌ای که از نمو اندام‌های  
مختلف گل به غیر از تخمدان به وجود  
می‌آید

**میوه گوشتی** succulent,  
fleshy fruit

[ع. گیاهی] میوه‌ای که حداقل بخشی از  
میان‌بر آن آبدار است

**میوه مجتمع** aggregate fruit

# ن

ناتراژنه ← اندامگان ناتراژنه

ناجور تخم<sup>۱</sup> ← ناجورزاگ<sup>۱</sup>

ناترک *Dodonaea*

ناجور تخم<sup>۲</sup> ← ناجورزاگ<sup>۲</sup>

[ع. گیاهی] سرده‌ای درختچه‌ای یا درختی با برگ‌های متناوب و چسبناک و میوه پوشینه مشبک که در نواحی گرمسیر می‌رویند

ناجور تخمی ← ناجورزاگی

ناجورزاگ<sup>۱</sup> heterozygote

[ع. گیاهی] موجودی دارای یک جفت دگره نامشابه برای بروز یک صفت  
مت. ناجور تخم<sup>۱</sup>

ناترکیان Sapindaceae

[ع. گیاهی] تیره‌ای از افراسانان با حدود ۱۳۵ سرده و ۱۶۰۰ گونه که عمدتاً در نواحی گرمسیر و نیمه گرمسیر مرطوب به‌ویژه در نواحی گرمسیر امریکا فراوان یافت می‌شوند؛ گونه‌های آن درختی و درختچه‌ای و بالارونده و علفی پیچنده است

ناجورزاگ<sup>۲</sup> heterozygous

[ع. گیاهی] مربوط به موجود ناجورزاگ  
مت. ناجور تخم<sup>۲</sup>

ناجورزاگی heterozygosis, heterozygosity

[ع. گیاهی] برخورداری از دگره‌های نامشابه در یک یا چند جایگاه از قطعات فام‌تنی هم‌ساخت  
مت. ناجور تخمی

ناجورپار anisomerous

[ع. گیاهی] ویژگی چرخه‌های متفاوتی که پارگان همسان ندارند

- Ulmus** **نارون**  
 [ع. گیاهی] سرده‌ای از نارونیان با حدود هجده گونه درختی جنگلی و سایه‌انداز زینتی که در مناطق معتدل شمالی می‌رویند و بسیاری از گونه‌های آن به خاطر ارتفاع زیاد و شاخ و برگ زیبا کاشته می‌شوند؛ برگ‌های آنها دارای قاعده نامتقارن با حاشیه دوباردندانه‌ای است و گل‌های بدون گلبرگ آنها قبل از پیدایش برگ‌ها در خوشه‌هایی در محل گره‌های ساقه ظاهر می‌شوند
- Ulmaceae** **نارونیان**  
 [ع. گیاهی] تیره‌ای از گل‌سرخ‌سانان درختی یا درختچه‌ای همیشه‌سبز یا خزان‌دار با پانزده سرده و ۲۰۰ گونه که در نواحی معتدل شمالی می‌رویند؛ برگ‌های آنها معمولاً ساده با آرایش متناوب و حاشیه‌ای صاف یا دندانه‌دار و قاعده‌ای معمولاً نامتقارن است و دارای گل‌های غالباً کوچک تک‌جنسی یا دوجنسی هستند
- abiogenesis** **نازیست‌زایی**  
 [ع. گیاهی] به وجود آمدن خودبه‌خود موجود زنده از مواد بی‌جان  
 مت. زایش خودبه‌خودی  
 spontaneous generation
- indehiscent** **ناشکوف**  
 [ع. گیاهی] ویژگی میوه یا اندامی بارده که، پس از رسیدن، شکاف برنمی‌دارد و باز نمی‌شود  
 \* مصوب فرهنگستان اول
- heterotropous** **ناجور سوگرا**  
 [ع. گیاهی] تخمکی که جهت آن متغیر است
- heterosome** **ناجور فام تن**  
 [ع. گیاهی] فام‌تن‌های جنسی هر یاخته
- heterosomal** **ناجور فام تنی**  
 [ع. گیاهی] مربوط به ناجور فام تن
- heterogamous** **ناجور کام**  
 [ع. گیاهی] مربوط به ناجور کامی
- heterogamete, anisogamete** **ناجور کامه**  
 [ع. گیاهی] کامه‌ای که از نظر اندازه و ظاهر و ساختار یا محتوای فام‌تن جنسی از کامه جنس مخالف متمایز است
- heterogametic, anisogametic** **ناجور کامه‌ای**  
 [ع. گیاهی] مربوط به ناجور کامه
- heterogamy** **ناجور کامی**  
 [ع. گیاهی] تولیدمثل جنسی از طریق ترکیب کامه‌هایی که از نظر شکل و اندازه متفاوت‌اند
- anisogynous** **ناجور ماده**  
 [ع. گیاهی] ویژگی گلی که تعداد برچه‌های آن کمتر از کاسبرگ‌های آن است

یا پشت به آن داشته باشد یا به پایین برگشته باشد  
مت. - پشتی  
dorsal

**ناف** hilum  
[ع. گیاهی] علامت یا نقشی بر روی دانه که بر اثر جدا شدن دانه از جفت باقی می ماند

**نامرتب** unordered  
[ع. گیاهی] ویژگی مجموعه‌ای دگرریختی (transformation series) که در آن حالات صفت از یک توالی معین پیروی نمی کند و احتمال تبدیل هریک از حالات به حالت دیگر یکسان است

**ناف گوشته** caruncle  
[ع. گیاهی] برون زدگی یا زائده‌ای در پیرامون یا در نزدیکی ناف دانه

**نام گذاری** determination  
[ع. گیاهی] شناسایی و رده بندی و تعیین نام نمونه‌های گیاهی یا جانوری

**نافه** androecium  
[ع. گیاهی] دستگاه زایای گل متشکل از پرچم‌ها  
\* مصوب فرهنگستان اول

**نامنظم** ← تک تقارنی

**نافه بر** androphore, androphorum  
[ع. گیاهی] برجستگی نهنج بین گلبرگ‌ها و پرچم‌ها که نافه و مادگی بر روی آن قرار می گیرد

**نامیختگی** apomixis  
[ع. گیاهی] تولید بذر بدون لقاح

**ناقل بیانی** expression vector, expression cloning vector, transcription vector  
[ع. گیاهی] حامل تاک‌سازی که بیان پروتئینی ژن درج شده را هدایت می کند

**نامیخته<sup>۱</sup>** apogamous<sup>1</sup>  
[ع. گیاهی] مربوط به تولیدمثل غیرجنسی که در آن بذر از تکامل جنین حاصل از یک هسته تک‌لاد تشکیل شود

**نامیخته<sup>۲</sup>** apomict  
[ع. گیاهی] فرد یا گونه‌ای که بر اثر نامیختگی به وجود آید

**نامتقارن** asymmetric  
[ع. گیاهی] ویژگی گلی که فاقد صفحه تقارن است

**نامیخته<sup>۳</sup>** apomictic  
[ع. گیاهی] ویژگی فرد یا گونه‌ای که بر اثر نامیختگی به وجود آید

**نامحور سو** abaxial  
[ع. گیاهی] ویژگی سطح یا اندامی در گیاه که در دورترین فاصله از محور یا خط مرکزی باشد

<p><b>aneuploid<sup>2</sup></b> [ع. گیاهی] ویژگی اندامگان یا یاخته‌ای که یک یا چند فام‌تن کمتر یا بیشتر از تعداد معمول فام‌تن‌های گونهٔ مربوط داشته باشد</p>	<p><b>ناهولاد<sup>۲</sup></b></p>	<p><b>apogamy<sup>1</sup></b> [ع. گیاهی] نوعی تولیدمثل غیرجنسی که در آن بذر از طریق رشد و تکامل جنین حاصل از یک هستهٔ تک‌لاد به وجود آید</p>	<p><b>نامیزش</b></p>
<p><b>aneuploidy</b> [علوم گیاهی] حالتی که در آن تعداد فام‌تن‌های اندامگان یا یاخته مضرب صحیحی از عدد پایهٔ فام‌تنی گونهٔ مربوط نباشد</p>	<p><b>ناهولادی</b></p>	<p><b>apospory</b> [ع. گیاهی] نوعی تولیدمثل غیرجنسی که در آن بذر از رشدونمو یک یاختهٔ دولاد در داخل کیسهٔ جنین به وجود آید</p>	<p><b>نامیزی</b></p>
<p><b>tracheid</b> [ع. گیاهی] عنصر هادی ابتدایی در آوند چوبی بسیاری از گیاهان که دوکی‌شکل و باریک و طویل است</p>	<p><b>نایدیس</b></p>	<p><b>analog, analogous</b> [ع. گیاهی] ویژگی اندام یا ساختاری که عملکردی مشابه با اندام یا ساختاری در اندامگانی دیگر دارد، ولی خاستگاه تکاملی آن متفاوت است</p>	<p><b>ناهم‌ساخت</b></p>
<p><b>plesiomorphic</b> [ع. گیاهی] ویژگی خصوصیتی که در آرایه‌های جدید و وضعیت موجود وجود دارد</p>	<p><b>نخست‌ریخت</b></p>	<p><b>analogy</b> [ع. گیاهی] تشابه کاراندام‌شناختی یا سازشی اجزایی که از لحاظ ریخت‌شناسی یا ساختاری یکسان نیستند</p>	<p><b>ناهم‌ساختی</b></p>
<p><b>plesiomorphy</b> [ع. گیاهی] خصوصیتی که هم در آرایه‌های نیایی و هم در آرایه‌های جدید وجود دارد</p>	<p><b>نخست‌ریختی</b></p>	<p><b>apogamous<sup>2</sup></b> [ع. گیاهی] مربوط به ناهمگامی</p>	<p><b>ناهمگام</b></p>
<p><b>نخلیان</b> ← خرماثیان</p>		<p><b>apogamy<sup>2</sup></b> [ع. گیاهی] تشکیل رویان بدون انجام لقاح</p>	<p><b>ناهمگامی</b></p>
<p><b>filiform, thread-like, filamentous</b> [ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی بلند و نازک و معمولاً انعطاف‌پذیر در گیاهان</p>	<p><b>نخی شکل</b></p>	<p><b>aneuploid<sup>1</sup></b> [ع. گیاهی] اندامگان یا یاخته‌ای که یک یا چند فام‌تن کمتر یا بیشتر از تعداد معمول فام‌تن‌های گونهٔ مربوط داشته باشد</p>	<p><b>ناهولاد<sup>۱</sup></b></p>

- نرخینه** hypha, fungal filament  
[ع. گیاهی] هریک از رشته‌های تشکیل‌دهندهٔ جُلینه در قارچ‌های عالی
- نرخینه‌ای** hyphal  
[ع. گیاهی] مربوط به نَخینه
- نردبانی** scalariform  
[ع. گیاهی] ویژگی سطحی با ظاهر یا تزئیناتی شبیه به نردبان
- نر-دوپایه** androdioecious  
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهانی که گل‌های نر و نر مادهٔ آنها بر روی پایه‌های مختلف قرار دارند
- نرزیای** androgenesis  
[ع. گیاهی] فرایندی که در آن نتاج از رشد اندام نر گیاه حاصل می‌شود
- نرسرخسیان** Dryopteridaceae  
[ع. گیاهی] تیره‌ای از سرخس‌سانان که دارای پهنک‌های منقسم‌شانه‌ای با حاشیهٔ دندان‌دار هستند و پوشش‌هاگینهٔ آنها کلیوی شکل است
- نرگسیان** Amaryllidaceae  
[ع. گیاهی] تیره‌ای از مارچوبه‌سانان که دارای پیاز یا غده یا زمین‌ساقه‌اند و اغلب گل‌آذین چتر دارند
- نرم‌آکنه** parenchyma  
[ع. گیاهی] بافت گیاهی عموماً نرم و نسبتاً نامشخص که فاصلهٔ میان بافت‌های دیگر را پر می‌کند
- نرم‌آکنهٔ زمینه** ← بافت زمینه
- نرمادگی** hermaphroditism  
[ع. گیاهی] وضعیتی طبیعی یا مرضی در موجودات زنده که در آن موجود زنده دارای هر دو اندام تناسلی نر و ماده است
- نرماده** androgynous  
[ع. گیاهی] گیاهی که هر دو اندام نر و ماده را در گل یا گل‌آذین دارد
- نرم‌چوب** softwood  
[ع. گیاهی] چوب درختان سوزنی‌برگ و برخی درختان سخت‌چوبی که از لحاظ ساختاری دارای چوب نرم هستند
- نرم‌مو** pilose  
[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده از کرک‌های نرم تاب‌دار عمود بر سطح
- نر-یک‌پایه** andromonoecious  
[ع. گیاهی] ویژگی گیاهانی که گل‌های نر و نر مادهٔ آنها بر روی یک پایه قرار دارند
- نژاد** race  
[ع. گیاهی] هریک از گروه‌های درون‌گونه‌ای که براساس ویژگی‌های جغرافیایی یا کاراندام‌شناختی یا بوم‌شناختی قابل تفکیک هستند



## نظریهٔ ثبات انواع

fixity of species

[ع. گیاهی] دیدگاهی در تکامل مبتنی بر عدم تغییر موجودات زنده  
مت. ثبات انواع

## نظریهٔ دگرگونی انواع

transformation hypothesis

[ع. گیاهی] دیدگاهی در تکامل مبتنی بر تغییر تدریجی موجودات زنده و تبدیل آنها به موجودات جدید  
مت. دگرگونی انواع

*Mentha*

نعنا

[مشتری] سرده‌ای از نعنائیان اغلب چندساله با حدود ۲۵ گونه و چندصد رقم زراعی و برگ‌های متقابل و رنگ‌های متنوع که تقریباً در اکثر نقاط جهان می‌رویند، ولی اغلب رطوبت‌پسند و معطر هستند

*Mentha longifolia*,  
*Mentha spicata* var.

نعناپونه

*longifolia*, *Mentha sylvestris*

[ک. گ. دارویی] گونه‌ای نعنا با ساقه‌های چهارگوش و برگ‌های کرکدار، به رنگ سبز نقره‌ای و دندانه‌دار و ظاهر غبارآلود و گل‌های آبی‌رنگ و مجتمع در انتهای شاخه‌ها  
مت. پونه  
horse mint

*Mentha aquatica*,  
*Mentha aquatica* var.

*persica*, water mint

[ک. گ. دارویی] گونه‌ای نعنا با ساقه‌های رونده و ایستاده به ارتفاع ۲۰ تا ۹۰ سانتی‌متر و

## ecological race نژاد بوم‌شناختی

[ع. گیاهی] هریک از گروه‌های درون‌گونه‌ای که براساس ویژگی‌های بوم‌شناختی قابل تفکیک هستند

## نژاد زیست‌شناختی

biological race

[ع. گیاهی] هریک از گروه‌های درون‌گونه‌ای که براساس ویژگی‌های زیست‌شناختی قابل تفکیک هستند

## نژاد کاراندام‌شناختی

physiological race

[ع. گیاهی] هریک از گروه‌های درون‌گونه‌ای که براساس ویژگی‌های کاراندام‌شناختی قابل تفکیک هستند

racial

نژادی

[ع. گیاهی] مربوط به نژاد

sex ratio

نسبت جنسی

[ع. گیاهی] نسبت تعداد افراد ماده به افراد نر در یک جمعیت

amyloplast

نشادایسه

[ع. گیاهی] نوعی دیسه بی‌رنگ در یاخته گیاهی که محل ذخیرهٔ نشاسته است

climax theory

نظریهٔ اوج

[ع. گیاهی] نظریه‌ای که چگونگی رسیدن مراحل توالی به اوج را بیان می‌کند

## Lamiales

## نعناسانان

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌های پیوسته‌گلبرگ با حدود ۱۱۰۰۰ گونه در ده تیره که تخمدان فوقانی آنها متشکل از دو برچه پیوسته و پنج گلبرگ است که لوله‌ای در قاعده ایجاد می‌کند؛ از ویژگی‌های اغلب تیره‌های این راسته داشتن جام با تقارن دوطرفه و اغلب دولپه‌ای و چهار پرچم زایا یا کمتر است

*Mentha x piperita*,  
*Mentha piperita* var.  
*sylvestris*, *Mentha nigricans*,  
peppermint

## نعناقللی

[ع. گیاهی] گونه‌ای نعنا با زمین‌ساقه‌های افقی و خیزان در قاعده و ساقه‌های منشعب و اغلب مایل به قرمز، بی‌کرک یا با کرک‌های کوتاه خارمانند در محل رگبرگ‌ها، و دارای برگ‌های تخم‌مرغی یا سرنیزه‌ای با غده‌های ترش‌حی بی‌پایک فراوان در سطح زیرین و دندان‌های تیز نامنظم در حاشیه و گرد در قاعده و باریک در نوک؛ گل‌آذین آن در انتهای شاخه‌ها و ساقه‌ها و با سنبله‌ای کُپه‌ای و کوتاه و پهن و چرخهٔ زیرین از هم فاصله‌دار است؛ جام گل آن سفید با لبه‌های صورتی یا یاسمنی و پرچم‌ها کوتاه‌تر از جام گل است

## Lamiaceae, Labiatae

## نعنائیان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نعناسانان غالباً علفی با برگ‌های متقابل و گل‌های پیوسته‌گلبرگ که میوهٔ آنها چاک‌بر و جام آنها نامنظم دولپه‌ای است

با پهنک تخم‌مرغی- مستطیلی سه‌گوش یا دایره‌ای و گل‌آذین کروی در انتهای ساقه‌ها یا شاخه‌های کوتاه و گل‌های بنفش و ارغوانی

*Mentha pulegium*,  
*Pulegium vulgare*

## نعناخالواش

[ع. گیاهی] گونه‌ای نعنا به شکل خوابیده یا خیزان با ساقه‌های متعدد و پوشیده از کرک‌های متراکم و گسترده؛ پهنک برگ‌ها تخم‌مرغی، به طول ۵ تا ۲۰ میلی‌متر و حاشیهٔ صاف یا کم‌وبیش دندان‌دار است و گل‌آذین آن دارای چرخه‌های کروی و گل‌های غالباً بنفش و به‌ندرت سفید است که با فاصله از یکدیگر و پرشمار در محور برگ‌ها و در طول ساقه قرار گرفته‌اند  
متن: خالواش pennyroyal

*Mentha spicata*,  
*Mentha viridis*,  
*Mentha sylvestris* var. *viridis*,  
spearmint

## نعنادشتی

[ع. گیاهی] گونه‌ای نعنا با ساقه‌های راست و بی‌کرک یا تقریباً بی‌کرک و سبزرنگ و برگ‌های بی‌دُم‌برگ یا دُم‌برگ‌دار کوتاه و بی‌کرک و تخم‌مرغی- مستطیلی یا مستطیلی- سرنیزه‌ای که دندان‌های نوک‌تیز یا اره‌ای و باریک‌نوک در حاشیه دارد؛ و رگبرگ‌های کم‌وبیش شبکه‌ای و محبوس و گل‌آذین آن سنبله و استوانه‌ای و باریک و فشرده و چرخه‌های گل آن از هم فاصله‌دار و در انتها کم‌فاصله است

halophyte	<b>نمک‌رُست</b>	raphe	<b>نقش بند</b>
[ع. گیاهی] گیاهی که معمولاً در خاک‌های قلیایی یا شور رشد می‌کند		[ع. گیاهی] برآمدگی یا شیار بر روی پوستهٔ دانه که در محل جوش خوردن دانه به بند ناف ایجاد می‌شود	
specimen	<b>نمونه</b>		<b>نقطهٔ اوج ← اوج</b>
[ع. گیاهی] فرد یا ماده (item) یا جزئی که معرف یک رده یا سرده یا همهٔ آنها است			
voucher specimen	<b>نمونهٔ شاهد</b>	<i>Tilia</i>	<b>نمدار</b>
[ع. گیاهی] نمونه‌ای گیاکده‌ای که یا نمونهٔ مرجع برای یک آرایهٔ نام‌گذاری است یا بخشی از یک طرح پژوهشی		[ع. گیاهی] سرده‌ای از نمداریان درختی بزرگ خزان‌دار با حدود ۳۰ گونه که در نواحی معتدل شمالی می‌رویند؛ برگ‌هایشان قلبی‌شکل و معمولاً نامتقارن است و در کنار پرچم‌های گل، فلسی گلبرگ‌مانند وجود دارد	
herbarium specimen	<b>نمونهٔ گیاکده‌ای</b>	Tiliaceae	<b>نمداریان</b>
[ع. گیاهی] نمونه‌ای از یک گیاه خشک و فشرده با برجسی شناسه‌دار که بر روی مقوا چسبانده شده است		[ع. گیاهی] تیره‌ای از پنیرک‌سانان درختی یا درختچه‌ای و گاهی علفی با حدود ۵۰ سرده و ۴۵۰ گونه که در تمام جهان می‌رویند؛ برگ‌های آنها ساده با آرایش متناوب یا ماریجی و حاشیهٔ پهنک آنها کامل یا بریده‌بریده است و گل‌هایشان منظم و منفرد سه تا پنج‌پر است و گاه به‌صورت مجتمع در گل‌آذین قرار دارند	
casparian strip	<b>نوار کاسپاری</b>		
[ع. گیاهی] نواری از جنس مواد آب‌گریز در دیوارهٔ یاخته‌های درون‌پوست یا ندرتاً در برون‌پوست ریشه که این یاخته‌ها را نسبت به آب نفوذناپذیر می‌کند			
<i>Zostera</i>	<b>نواری</b>	tomentose	<b>نمدی</b>
[ع. گیاهی] سرده‌ای از نواریان اغلب چندسالهٔ علفی با حدود دوازده گونه که بر روی بسترهای شنی یا خورها به‌صورت غوطه‌ور یا تاحدودی شناور می‌رویند؛ برگ‌های این گیاهان به‌صورت نوار بلند سبز روشنی است که حدود یک سانتی‌متر پهنای دارد و ساقهٔ کوتاه آنها از زمین‌ساقه‌ای سفید و منشعب می‌روید؛ گل‌های آنها در غلاف قاعدهٔ برگ‌ها احاطه شده است		[ع. گیاهی] ویژگی نوعی کرک‌پوش پوشیده از کرک‌های درهم‌تافته و متراکم	
		hygrophyte <sup>2</sup>	<b>نم‌رُست</b>
		[ع. گیاهی] گیاهی که در مناطق بسیار مرطوب رشد می‌کند	

**photoautotroph نور خودپرورد**

[ع. گیاهی] خودپروردی که انرژی خود را از نور به دست می‌آورد

**photolysis نور کافت**

[ع. گیاهی] فرایند تجزیه آب به کمک انرژی نورانی در طی انجام واکنش‌های نوری فتوسنتز (photosynthesis)

**photolytic نور کافتی**

[ع. گیاهی] مربوط به نور کافت

**photolithotroph نور کانی‌پرورد**

[ع. گیاهی] نورپروردی که منبع تأمین الکترون آن ماده معدنی است

**phototropic نورگرا**

[ع. گیاهی] ویژگی اندام یا بخشی که به سمت نور متمایل شود

**phototropism نورگرایی**

[ع. گیاهی] متمایل شدن اندام‌های گیاه به سمت نور

**نوروزک ← مریم‌گلی نوروزک****green up نوررویش**

[ع. گیاهی] رویش مجدد گیاه پس از سرمای زمستان یا پس از بروز تنش‌های زنده و غیرزنده

**نورریخت ← جهش نورریخت****Zosteraceae نوراریان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از قاشق‌واش‌سانان علفی دریایی چندساله با سه سرده و هجده گونه که در بیشتر دریا‌های نواحی معتدل به‌صورت غوطه‌ور می‌رویند؛ زمین‌ساقه آنها زیرزمینی خزنده یا غده‌ای و ساقه آنها پهن و برگ‌هایشان خطی و غلاف‌دار است و گل‌های تک‌جنسی آنها در ردیف‌های عمودی در غلاف برگ در یک طرف ساقه می‌شکند و فاقد گل‌پوش است

**نوانحصاری ← نوبوم‌ویژه****neoendemic نوبوم‌ویژه**

[ع. گیاهی] ویژگی گونه یا سرده گیاهی یا جانوری که بوم‌ویژه محیط معینی است، اما هنوز موفق به تثبیت استقرار خود نشده و به همین دلیل محدوده پراکنش ناچیزی دارد  
مت. نوانحصاری

**phototroph<sup>۱</sup> نورپرورد<sup>۱</sup>**

[ع. گیاهی] اندامگانی که انرژی موردنیاز خود را از نور تأمین می‌کند

**phototrophic<sup>۲</sup> نورپرورد<sup>۲</sup>**

[ع. گیاهی] ویژگی اندامگانی که انرژی موردنیاز خود را از نور تأمین می‌کند

**phototrophy نورپروردگی**

[ع. گیاهی] فرایندی که در آن، اندامگان انرژی موردنیاز خود را از نور تأمین می‌کند

acuminate	<b>نوک دار</b>	break	<b>نوشاخه</b>
[ع. گیاهی] ویژگی برگی که نوک آن به تدریج تیز شده است		[ع. گیاهی] شاخه‌ای که پس از قطع چیرگی انتهایی گیاه در نزدیکی محل برش به وجود می‌آید	
apiculate	<b>نوک ریز</b>	truncate	<b>نوک بریده</b>
[ع. گیاهی] ویژگی برگی که در نوک آن زائده کوچکی است		[ع. گیاهی] ویژگی برگی که به نظر می‌رسد نوک آن بریده شده است	
aristate	<b>نوک ریشکی</b>	retuse	<b>نوک تورفته</b>
[ع. گیاهی] ویژگی برگی که نوک آن در انتهای گلبرگ اصلی کشیده شده و به‌طور معمول کرک دار است		[ع. گیاهی] ویژگی برگی که در نوک آن فرورفتگی مختصری وجود دارد	
cleft	<b>نوک شکافته</b>	acute	<b>نوک تیز</b>
[ع. گیاهی] ویژگی برگی که نوک آن شکافی تا نزدیکی میانه برگ دارد		[ع. گیاهی] ویژگی برگی که از دو طرف شیب یکنواخت دارد و به تدریج نوک آن باریک می‌شود	
obtuse	<b>نوک کند</b>	praemorse, bitten off	<b>نوک جویده</b>
[ع. گیاهی] ویژگی حاشیه‌های رأسی یا قاعده‌ای تقریباً راست با زاویه تقاطع بیش از ۹۰ درجه		[ع. گیاهی] ویژگی برگی که نوک نامنظمی دارد و به نظر می‌رسد جویده شده است	
rotund, rounded	<b>نوک گرد</b>	emarginate	<b>نوک چالدار</b>
[ع. گیاهی] ویژگی برگی که نوک گرد قوسی شکل دارد		[ع. گیاهی] ویژگی برگی که در نوک آن گودی نسبتاً عمیقی وجود دارد	
mucronulate	<b>نوک منقار کی</b>	cirrhous	<b>نوک چنبری</b>
[ع. گیاهی] ویژگی زائده رأسی سفت و راستی که نسبت طول و عرض آن مساوی یا کمتر از یک باشد		[ع. گیاهی] ویژگی برگی که نوک آن پیچک دارد	

ع. گیاهی] گیاه دانه‌دار گل‌داری که تخمک‌هایش درون تخمدان محصور است  
flowering plant مت. گیاه گلدار

**نوک منقاری** mucronate  
ع. گیاهی] ویژگی برگی که به تدریج مانند منقار پرندگان باریک می‌شود

**نهبانزادان** Cryptogams  
ع. گیاهی] گروهی از گیاهان که در چرخه تولید مثل خود به جای دانه هاگ تولید می‌کنند

**نوک‌نیش‌دار** cuspidate  
ع. گیاهی] ویژگی برگی که در نوک آن زائده کوتاه و ریزی وجود دارد

**نهبانزادان آوندی** vascular cryptogams  
ع. گیاهی] گروهی از نهبانزادان که دارای ساختارهای منظم آوندی برای رساندن شیرابه‌های گیاهی به نقاط مختلف خود هستند

**نوگلوکوززایشی** gluconeogenetic, glyconeogenetic, neogluco-genetic  
ع. گیاهی] دخیل در فرایند نوگلوکوززایی یا مربوط به آن

**نَهَنج** thalamus, receptacle  
ع. گیاهی] رأس برآمده یک دُمگل که کاسه و جام به آن متصل می‌شود  
\* مصوب فرهنگستان اول

**نوگلوکوززایی** gluconeogenesis, glyconeogenesis, neogluco-genesis  
ع. گیاهی] تشکیل گلوکوز از ترکیبات غیرکربوهیدراتی

**نیا** ancestor  
ع. گیاهی] شکل یا پایه فرضی نوع اولیه و احتمالاً ابتدایی‌تری که هر موجود سازمان‌یافته‌ای از آن مشتق شده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسعه یافته است

**نومونه** neotype  
ع. گیاهی] نمونه انتخاب‌شده از یک مجموعه غیراصلی به‌عنوان مونه، مادام که نمونه اصلی، که نام علمی بر مبنای آن اختیار شده است، وجود نداشته باشد

**نیام** legume  
ع. گیاهی] نوعی میوه خشک شکوفای یک‌برچه‌ای که در هنگام رسیدن با دو شکاف باز می‌شود

**نِهال** sapling<sup>3</sup>  
ع. گیاهی] درخت جوانی که قطر برابر سینه آن کمتر از ده سانتی‌متر باشد

**نهبان دانه** angiosperm

**semicraspedodromous نیم‌لبه‌رو**

[ع. گیاهی] نوعی رگ‌بندی شانهای که در آن یک شاخه از رگبرگ‌های دومین نزدیک حاشیه به حاشیه ختم می‌شود و شاخه دیگر حلقه‌وار به سمت بالا به رگبرگ دومین بعدی متصل می‌شود

**subtruncate نیم‌نوک‌بریده**

[ع. گیاهی] ویژگی برگی که به نظر می‌رسد اندکی از نوک آن بریده شده است

**half-inferior نیمه‌تحتانی**

[ع. گیاهی] ویژگی تخمدانی که گل‌بنه و کاسبرگ‌ها و گلبرگ‌ها و پرچم‌ها به میانه آن متصل‌اند

**semifalcate نیمه‌داسی**

[ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل داس در گیاهان که در امتداد خط تقارن به دو نیم شده است

**semifalciform مت. نیمه‌داسی شکل**

**نیمه‌داسی شکل** ← نیمه‌داسی

**hemianatropous, hemitropous نیمه‌واژگون**

[ع. گیاهی] ویژگی تخمکی که از لحاظ خمیدگی تقریباً حد واسط انواع راست و واژگون است

**ancestral نیایی**

[ع. گیاهی] متعلق به یک یا چند نیا

**Nymphaea نیلوفر آبی**

[ع. گیاهی] سرده‌ای از نیلوفرآبیان با حدود ۵۰ گونه که در سرتاسر کره زمین پراکنده هستند و برگ‌های آنها یک چاک شعاعی از پیرامون به سمت دمبرگ دارد

**Nymphaeaceae نیلوفرآبیان**

[ع. گیاهی] تیره‌ای از نیلوفرسانان آبی با حدود سه سرده و ۷۵ گونه و ریشه مستقر در بسترهای آبی با برگ و گل‌های شناور بر سطح آب که برگ برخی از آنها تقریباً گرد با قاعده فرورفته است و برگ برخی دیگر درشت و گرد و کاملاً پیوسته است

**Nymphaeales نیلوفرآبی‌سانان**

[ع. گیاهی] راسته‌ای از دولپه‌ای‌ها که شامل نیلوفر آبی و برخی گیاهان آبی دیگر است

**lead نیم‌بند**

[ع. گیاهی] یکی از دو گزاره متضاد در یک کلید دوشاخه‌ای

**semispecies, incipient species, allospecies نیم‌گونه**

[ع. گیاهی] جمعیتی که بین زیرگونه و گونه زیستی قرار دارد و تا حدودی دارای زادآوری / تولیدمثل و جریان ژنی است

# و

## واحد عملی آرایه‌شناختی

operational taxonomic unit,  
OTU

[ع. گیاهی] هریک از افراد یا آرایه‌های واحد در تحلیل تبارشناختی یا رخمانی

## وارنگبو

*Melissa* [ع. دارویی] سرده‌ای از نعنائیان شامل گیاهان علفی چندساله با ساقه‌های چهارگوش و پوشیده از کرک‌های غده‌دار یا کرک‌های ساده و با برگ‌های بزرگ و دُمبرگ‌دار و پهنک تخم‌مرغی و دنداندار و با گل‌های چرخه‌ای در محور برگ‌های زیرین؛ جام گل از کاسه گل بیرون آمده و دارای لوله‌ای خمیده است و درون لوله بی کرک و لبه زیرین جام گل راست و در وسط دارای بریدگی است و لبه زیرین گسترده و دارای سه دندان است که دندانۀ میانی پهن‌تر و قلبی‌شکل است و چهار پرچم دارد

## وارنگبوی دارویی

*Melissa officinalis*

[ع. دارویی] گونه‌ای وارنگبو به شکل علفی چندساله به ارتفاع ۳۰ تا ۱۲۵ سانتی‌متر و پوشیده از کرک‌های نرم و کوتاه و با ساقه‌های چهارگوش راست و برگ‌های دُمبرگ‌دار تخم‌مرغی به طول حداکثر ۶ سانتی‌متر و به عرض حداکثر ۳ سانتی‌متر و گاه در سطح زیرین دارای کرک‌های غده‌ای یا غده‌ای ترش‌حی نقطه‌ای و با کاسه گل استکانی و کرک‌دار و لبه زیرین پهن و مسطح و دارای سه دندانۀ کوتاه نوک تیز و با گل‌های سفید یا صورتی به طول ۱۳ تا ۱۵ میلی‌متر

مت. - بادرنجبویه, common balm,  
balm mint, balm, lemon balm

## وارویش

rattoon

[ع. گیاهی] رشد مجدد گیاه پس از قطع یا برداشت



### obpyriform, inverted pyriform **واژگلابی شکل**

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل گلابی وارونه در گیاهان که حاشیه‌های آن از نمای روبه‌رو حول محور تقارن در یک‌سوم پایینی، در جهت افقی تورفتگی داشته باشد

### anatropous **واژگون**

ع. گیاهی] ویژگی تخمکی که خمیدگی آن در طی تکوین موجب قرار گرفتن سفت در مجاورت پایهٔ بند ناف می‌شود

### ana-campylotropous **واژگون - خمش‌گرا**

ع. گیاهی] ویژگی تخمکی که یکی از رشته‌های آوندی آن خم شده، و از پایهٔ بند ناف به‌طرف ناحیهٔ بن تخمک خورش، که فقط در امتداد سطح پایین خم شده، کشیده شده است و پیکرهٔ پایه (basal body) ندارد

### ana-amphitropous **واژگون - دوسوگرا**

ع. گیاهی] ویژگی تخمکی که یکی از رشته‌های آوندی آن خم شده و از پایهٔ بند ناف به‌طرف ناحیهٔ بن تخمک خورش، که دارای خم تند در وسط و در امتداد سطح پایین و بالا است، کشیده شده است و اغلب یاخته‌های تمایز یافتهٔ پیکرهٔ پایهٔ (basal body) آن در زاویهٔ خمش قرار می‌گیرند

واگراانحصاری ← واگرابوم‌ویژه

### obovate, inversely ovate **واژتخم‌مرغی**

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل تخم‌مرغ وارونه در گیاهان که قسمت پهن آن به سمت بالا یا نزدیک به رأس باشد

### obdeltoid **واژدلتاوار**

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی دلتاوار در گیاهان که رأس آن به طرف پایین باشد

### obdiplostemonous **واژدو حلقه‌پرچمی**

ع. گیاهی] ویژگی نافه‌ای در دو چرخه به‌صورتی که پرچم‌های خارجی آن در مقابل گلبرگ‌ها و پرچم‌های داخلی آن در مقابل کاسبرگ‌ها قرار دارند

### oblanceolate, inversely lanceolate **واژسرنیزه‌ای**

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل سرنیزهٔ وارونه در گیاهان که نوک آن در نزدیکی پایهٔ برگ باریک شود

### obcordate **واژقلبی**

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل قلب در گیاهان که نقطهٔ اتصال در سمت باریک آن قرار دارد

### obpandurate **واژقلبیانی**

ع. گیاهی] ویژگی بخش یا اندامی به شکل قلیان وارونه در گیاهان که قسمت تورفتهٔ آن به طرف رأس و پهن‌ترین قسمت آن به طرف پایه است

[علوم گیاهی] انتقال صفات به‌وسیلهٔ دِنای موجود در برخی اندامک‌ها مانند راکیزه‌ها و سبزدیسه‌ها

مت. - وراثت برون‌فام‌تنی

extra chromosomal inheritance

وراثت میان‌یاخته‌ای

cytoplasmic inheritance

وراثت مادری

maternal inheritance

وراثت‌پذیری heritability

[ع. گیاهی] نسبت وردایی ژن‌شناختی به

وردایی رُخ‌نمودی برای هر صفت

مت. - وراثت‌پذیری عمومی

,broad heritability

broad-sense heritability

وراثت‌پذیری عمومی

← وراثت‌پذیری

وراثت مادری ← وراثت برون‌هسته‌ای

وراثت میان‌یاخته‌ای

← وراثت برون‌هسته‌ای

وراثتی hereditary

[ع. گیاهی] مربوط به وراثت

وزن‌دهی صفت

character weighting,

weighting

[ع. گیاهی] ارزش‌دهی کمی به یک صفت در

مقایسه با دیگر صفات آرایه‌شناختی

واگرا بوم‌ویژه schizoendemic

[ع. گیاهی] ویژگی گونهٔ انحصاری / بوم‌ویژهٔ

دولاد یا چندلادی که از طریق گونه‌زایی

تدریجی همراه با واگرایی فزایندهٔ یک

آرایه در سرتاسر ناحیهٔ پراکنش خود از

نیاهای دولاد مشتق شده باشد

مت. - واگرا انحصاری

واگرایی divergence

[ع. گیاهی] تشکیل دو یا چند دودمان مجزا از

یک نیای مشترک

والدِ دهنده donor parent

[ع. گیاهی] یکی از والدین گیاه دورگ که

فقط یک بار از آن در تلاقی برگشتی

استفاده می‌شود

والدِ گیرنده recipient parent

[ع. گیاهی] والدی که از آن در تلاقی‌های

برگشتی برای افزودن ژن‌های مطلوب

استفاده می‌کنند

وراثت heredity

[ع. گیاهی] انتقال صفات از والدین به

فرزندان از طریق فام‌تن‌ها

وراثت برون‌فام‌تنی

← وراثت برون‌هسته‌ای

وراثت برون‌هسته‌ای

extranuclear inheritance

## ه

**هرم بوم‌شناختی**  
ecological pyramid,  
food pyramid,  
Eltonian pyramid

[ع. گیاهی] نموداری هرمی که ساختار تغذیه‌ای هر بوم‌سازگان را برحسب انرژی یا تعداد یا زی‌توده ترازهای تغذیه نشان می‌دهد

**هرم جمعیت**  
population pyramid

[ع. گیاهی] نموداری هرمی که نمایانگر ساختار هر جمعیت براساس تعداد و جنسیت و سن افراد آن است

**هرم زی‌توده** biomass pyramid

[ع. گیاهی] نموداری هرمی که ساختار تغذیه‌ای هر بوم‌سازگان را برحسب زی‌توده نشان می‌دهد

*Butomus*

هزارنی

**هاگ** spore

[ع. گیاهی] یاخته‌ای تولیدمثلی در گیاهان بی‌گل، قارچ‌ها، سرخس‌ها و تعدادی از باکتری‌ها که در چرخه زندگی یا تکثیر آنها نقش دارد

**هاگدان** sporangium

[ع. گیاهی] محفظه‌ای که در آن هاگ‌های غیرجنسی تشکیل می‌شود

**هاگ‌رُست** sporophyte

[ع. گیاهی] مرحله دولادی تشکیل هاگ در چرخه زندگی گیاه

**هاگ‌رُستی** sporophytic

[ع. گیاهی] مربوط به هاگ‌رُست

**هاگ‌لان** capsule

[ع. گیاهی] جزء تولیدکننده هاگ در هاگ‌رست‌های جگرواش‌ها و شاخ‌واش‌ها و خزه‌تباران

[ع. گیاهی] فرایند دوتا شدن به‌طوری‌که نسخه‌ای دقیق از نسخهٔ اولیه بازسازی شود، مانند آنچه در مورد دنا و رنا اتفاق می‌افتد

[ع. گیاهی] سردهٔ چندسالهٔ آبزی از تیرهٔ هزارنی‌ایان با یک گونه که بومی اوراسیاست و امروز در سرتاسر منطقهٔ معتدل شمالی پراکنده است

tautonym

هم‌نام

[ع. گیاهی] نامی دوقسمتی که اسم سرده و لقب گونهٔ آن شبیه به یکدیگر است

Butomaceae

هزارنی‌ایان

[ع. گیاهی] تیره‌ای از قاشق‌واش‌سانان چندساله و بدون کرک و آبزی یا رطوبت‌پسند و دارای ساقهٔ زیرزمینی ضخیم و خزنده

cotransporter

هم‌ترابر

[ع. گیاهی] نوعی پروتئین ناقل غشایی که هم‌زمان یک یون را در جهت شیب غلظت و مادهٔ دیگری را در خلاف جهت شیب غلظت وارد ساخته می‌کند

nucleosome

هسته‌تن

[ع. گیاهی] دانه‌های تسبیحی‌شکل تشکیل‌دهندهٔ فام‌تن که از پروتئین‌های هسته‌ای و دنا تشکیل شده است

cotransport

هم‌تراوردی

[ع. گیاهی] جابه‌جایی هم‌زمان دو ماده از خلال غشا در یک جهت یا در دو جهت مخالف

symporter

هم‌بر

[ع. گیاهی] نوعی پروتئین ناقل غشایی که دو ماده را به‌طور هم‌زمان و هم‌جهت با یکدیگر از خلال غشا عبور می‌دهد

sympatric

هم‌جا

[ع. گیاهی] ویژگی گونه‌های یک محیط جغرافیایی

symport

هم‌بری

[ع. گیاهی] نوعی هم‌تراوردی که در آن دو ماده با کمک یک ترابر هم‌جهت با یکدیگر از خلال غشا عبور می‌کنند

synapomorphy

هم‌جداریختی

[ع. گیاهی] نوعی جداریختی که دو یا چند آرایه یا دودمان را با هم متحد می‌کند

imbricate

هم‌پوشی

[ع. گیاهی] ویژگی برگ‌ها یا ساختارهای دیگری که با یکدیگر هم‌پوشانی دارند

connate

هم‌جوشی

[ع. گیاهی] ویژگی الحاقی که در آن قطعات همسان گیاه کاملاً به یکدیگر متصل‌اند و به‌سادگی از هم جدا نمی‌شوند

replication

هم‌سازی

clonal	<b>همسانه‌ای</b>	congruence	<b>هم خوانی</b>
[علوم گیاهی] زادآوری غیرجنسی گروهی از افراد با ژن نمود یکسان		[ع. گیاهی] توافق بین داده‌ها یا مجموعه داده‌ها	
cloning	<b>همسانه‌سازی</b>	alignment, sequence alignment	<b>هم‌ردیف‌سازی</b>
[علوم گیاهی] زادآوری غیرجنسی گروهی از افراد با ژن نمود یکسان		[ع. گیاهی] هم‌ردیف کردن دو یا چند توالی از رشته‌های نوکلئیک‌اسید یا آمینواسید برای یافتن توالی‌های مشابه	
cloned	<b>همسانه‌سازی شده</b>	isozyme, isoenzyme	<b>هم‌زیم</b>
[ع. گیاهی] ویژگی آنچه تحت فرایند همسانه‌سازی قرار گرفته باشد مت. همسانیده		[ع. گیاهی] هریک از اشکال گوناگون یک زی‌مایه که واکنش یکسانی برمی‌انگیزند، اما توالی ژنی و خصوصیات فیزیکی - شیمیایی متفاوت دارند	
	<b>همسانیده</b> ← همسانه‌سازی شده	homolog, homologous	<b>هم‌ساخت</b>
synergid	<b>هم‌کاره</b>	[ع. گیاهی] ویژگی‌هایی مشابه در گونه‌های متفاوت که از یک نیای مشترک به ارث می‌رسند	
[ع. گیاهی] هریک از دو باخته تک‌لاد که در مجاورت مجرای سفت در کیسه رویان قرار دارند و عمل آنها مشابه است		homology	<b>هم‌ساختی</b>
syngamous, syngamic	<b>همکام</b>	[ع. گیاهی] نوعی شباهت حاصل از نیای مشترک	
[ع. گیاهی] مربوط به همکامی		clone	<b>همسانه</b>
syngamy	<b>همکامی</b>	[علوم گیاهی] ۱. مجموعه‌ای از مولکول‌ها و باخته‌ها و موجودات همسان که از نیای واحد سرچشمه گرفته باشند ۲. زادگان یک فرد در نتیجه تکثیر رویشی یا بکرزایی ۳. نسخه‌ای از یک توالی دنا، مانند ژن، که از طریق مهندسی ژن ساختی ایجاد می‌شود	
[ع. گیاهی] تشکیل رویان با انجام لقاح		convergence	<b>همگرایی</b>
[ع. گیاهی] نوعی جورگرایی که از تکامل مستقل خصوصیتی مشابه در دو یا چند دودمان ایجاد می‌شود		parallelism	مت. موازی‌گرایی

ع. گیاهی] عامل ژنی ضروری در فرایند همیوگی

conjugation **همیوگی**

ع. گیاهی] به هم پیوستگی گذرای دو یاخته هوهسته‌ای برای تبادل مواد ژنی

aerenchyma **هواگنه**

ع. گیاهی] بافتی با فضاهای بین یاخته‌ای فراوان

eutrophic **هوپروردگی**

ع. گیاهی] دارای هوپروردگی یا مربوط به آن

eutrophy, eutrophia **هوپروردگی**

ع. گیاهی] ۱. رشد متناسب اندام‌ها و بافت‌ها در نتیجه تغذیه کامل ۲. رشد و ازدیاد موجودات زنده بر اثر تغذیه مطلوب در یک زیست‌بوم

eutrophication **هوپرورش**

ع. گیاهی] غنی شدن محیط‌های آبی از ترکیبات محلول که به رشد بیش از حد برخی از موجودات زنده منجر می‌شود

eucamptodromous **هوقوسی‌رو**

ع. گیاهی] نوعی رگ‌بندی شانه‌ای که در آن رگبرگ‌های دومین در نزدیکی حاشیه برگ به سمت بالا خم می‌شوند، اما به‌طور مستقیم به رگبرگ‌های دومین مجاور وصل می‌شوند

syntype **هم‌مونه**

ع. گیاهی] یکی از دو یا چند نمونه‌ای که پیش‌تر در شرح اصلی به‌عنوان مونه معرفی شده بوده‌اند

homonym **هم‌نام**

ع. گیاهی] نام واحدی که به دو یا چند مونه متفاوت اطلاق می‌شود

**هم‌نخست‌ریختی**

symplesiomorphy

ع. گیاهی] خصوصیت نیای مشترک در بین آرایه‌ها که از آن به‌عنوان مبنای گروه‌بندی در رده‌بندی رُخمانی استفاده می‌شود

evergreen **همیشه‌سبز**

ع. گیاهی] ویژگی بخشی از گیاه که دوام آن دو فصل یا بیش از آن است

conjugate<sup>1</sup> **همیوغ**

ع. گیاهی] هریک از دو یاخته به هم پیوسته در فرایند همیوگی

conjugate<sup>2</sup> **همیوغ شدن**

ع. گیاهی] شرکت داشتن در فرایند همیوگی  
مت. همیوغ کردن

**همیوغ کردن** ← همیوغ شدن

conjugon **همیوغه**

[ع. گیاهی] داشتن هستهٔ غشادار و میان‌باخته حاوی اندامک‌های یاخته‌ای که شامل همه یاخته‌ها به‌جز باکتری‌ها می‌شود

**هوهسته‌ای<sup>۱</sup>**  
eukaryote,  
eukaryon

[ع. گیاهی] جاندارى که یاخته‌های آن هستهٔ واقعی و غشا دارد

**هوهسته‌ای<sup>۲</sup>**  
eukaryotic

[ع. گیاهی] مربوط به هوهستگی و جاندار هوهسته‌ای

**هوهسته‌ای‌ها**  
Eucaryotae

[ع. گیاهی] سلسلهٔ جانداران تک‌باخته‌ای و پُر‌باخته‌ای که یاخته‌های آنها هستهٔ واقعی و غشا دارد

**هولاد**  
euploid

[علوم گیاهی] ۱. اندامگان یا یاخته‌ای چندلاد که تعداد فام‌تن‌های آن مضرب صحیحی از عدد پایهٔ فام‌تن‌های گونهٔ مربوط باشد ۲. ویژگی اندامگان یا یاخته‌ای چندلاد که تعداد فام‌تن‌های آن مضرب صحیحی از عدد پایهٔ فام‌تن‌های گونهٔ مربوط باشد

**هولادی**  
euploidy

[علوم گیاهی] حالتی که در آن تعداد فام‌تن‌های یاخته یا اندامگان مضرب صحیحی از عدد پایهٔ فام‌تنی گونهٔ مربوط باشد

**هوهستگی**  
eukaryosis

# ی

sex cell

یاخته جنسی

[ع. گیاهی] یاخته‌هایی که در غده‌های جنسی نر و ماده از راه تقسیم کاستمانی به وجود می‌آیند و دقیقاً نیمی از فام‌تن‌های بدنی را شامل می‌شوند

cell, cellule

یاخته

[ع. گیاهی] واحد ساختاری و کارکردی موجودات زنده که از پوشش خارجی و میان‌یاخته و هسته تشکیل شده است  
\* مصوب فرهنگستان اول

xylem cell

یاخته چوب

[ع. گیاهی] هریک از یاخته‌های تشکیل‌دهنده بافت چوبی

phloem cell

یاخته آبکش

[ع. گیاهی] هریک از یاخته‌های تشکیل‌دهنده لوله آبکش

guard cell

یاخته نگهبان

[ع. گیاهی] یکی از دو یاخته روپوستی تمایز یافته که باز و بسته شدن دهانه روزنه را تنظیم می‌کند

ray cell

یاخته اشعه

[ع. گیاهی] یاخته‌ای نرم‌آکنه‌ای در چوب و آبکش پسین که از پیش‌آغازۀ اشعه بُن‌لاد آوندی به وجود می‌آید

sporocyte

یاخته هاگزا

[ع. گیاهی] یاخته‌ای که هاگ از آن به وجود می‌آید

excitable cell

یاخته تحریک‌پذیر

[ع. گیاهی] یاخته‌ای که غشای تحریک‌پذیر دارد



[ع. گیاهی] محل تلاقی ریشه و ساقه که گاه  
با برجستگی کوچکی نمایان است  
root crown,                      یقه ریشه  
root collar

یقه ریشه ← یقه

branch collar                      یقه شاخه

[ع. گیاهی] بخشی چوبی که در محل اتصال  
شاخه به ساقه، به‌ویژه در پایین شاخه،  
شکل می‌گیرد

monocarpic                      یک‌بارثمر

[ع. گیاهی] ویژگی گیاه یک یا چندساله‌ای که  
یک بار گل و میوه می‌دهد و سپس می‌خشکد

monadelphous                      یک‌دسته‌ای

[ع. گیاهی] ویژگی گلی با یک دسته پرچم  
که میله‌هایشان به هم جوش خورده‌اند

یاخته‌های پادسُفتی

antipodal cells

[ع. گیاهی] سه یاخته تک‌لاد در کیسه رویان  
گیاهان گل‌دار که در مقابل مجرای سُفت  
قرار دارد

antipodal                      مت. پادسُفتی

companion cell                      یاخته همراه

[ع. گیاهی] یاخته نرم‌آکنه اختصاص یافته‌ای  
که همراه با عناصر آوندی در بافت آبکش  
نهان‌دانگان وجود دارد

یال‌اسبی ← زانیشلیا

یال‌اسبیان ← زانیشلیاتیان

collar                      یقه



# **A Collection of Plant Sciences Terms**

**extracted from the  
dictionary of approved  
terms by the Academy of  
Persian Language and Literature**

**2004-2021**

**Terminology Department**



## فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی









## A

### 50% majority-rule consensus

**tree** [ع. گیاهی] درخت اجماع پنجاه درصدی

**abaxial** [ع. گیاهی] نامحورسو

**abiogenesis** [ع. گیاهی] نازیستزایی

### Abraham's balm

→ *Vitex agnus-castus*

**abscission layer** [ع. گیاهی] لایهٔ ریزشی

**acacia gum** → gum arabic

**Acanthaceae** [ع. گیاهی] پاخرسیان

**Acantholimon** [ع. گیاهی] کلاه میرحسن

**acarpic** → acarpaceous

**acarpous** [ع. گیاهی] بی‌بر

*syn. acarpaceous*

**acaulescent** [ع. گیاهی] بی‌ساقه

*syn. acauline, stemless*

**acauline** → acaulescent

**accessory bud** [ع. گیاهی] جوانهٔ فرعی

**accessory fruit** → pseudocarp

**acclimation** [ع. گیاهی] خوگیری

*syn. acclimatization*

**acclimatization** → acclimation

**accrescent** [ع. گیاهی] افزون‌رشد

**acentric** [ع. گیاهی] بی‌میان

### acentric chromosome

[ع. گیاهی] فام‌تن بی‌میان

*syn. acentric fragment*

### acentric fragment

→ acentric chromosome

**Aceraceae** [ع. گیاهی] افراپیان

**achene** [ع. گیاهی] فندقه

**achlamydeous** [ع. گیاهی] بی‌گل‌پوش

**acicular<sup>1</sup>** [ع. گیاهی] سوزنی

*syn. needle-shaped*

**acicular<sup>2</sup>** → needle-leaved

**aciculate** → needle-leaved

**aciculiform** → needle-leaved

**aciculum** → needle-leaved

**acid-loving** [ع. گیاهی] اسیددوست

*syn. acidophilus, acidophilic*

**acidophilic** → acid-loving

**acidophilus/acidophilous**

→ acid-loving

### acquired character

[ع. گیاهی] صفت اکتسابی

**acrocaulis** [ع. گیاهی] بالاساقه‌ای

**acrocentric** [ع. گیاهی] کرانه‌میان

### acrocentric chromosome

[ع. گیاهی] فام‌تن کرانه‌میان

### acrocidal capsule

[ع. گیاهی] پوشینهٔ رأس شکاف

**acrodromous** [ع. گیاهی] رأس‌رو

**acropetal** [ع. گیاهی] بالاسو

**Actinidia** [ع. گیاهی] کیوی

**Actinidiaceae** [ع. گیاهی] کیویان

**actinodromous** [ع. گیاهی] شعاعی‌رو

*syn. ternate venation,*

*palmate venation*

<b>actinomorphic</b>	چندتقارنی [ع. گیاهی]	<b>afoliate</b>	بی برگ [ع. گیاهی]
<b>action potential</b>	پتانسیل کنش [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> leafless	
<b>active transport</b>	تراژرد فعال [ع. گیاهی]	<b>after growth</b>	بازرشد [ع. گیاهی]
<b>aculeate</b>	تیغ دار [ع. گیاهی]	<b>after ripening</b>	پس رسی [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> prickly		<b>Agavaceae</b>	خنجریان [ع. گیاهی]
<b>aculeolate</b>	تیغک دار [ع. گیاهی]	<b>aggregate fruit</b>	میوهٔ مجتمع [ع. گیاهی]
<b>acuminate</b>	نوک دار [ع. گیاهی]	<b>agricultural biotechnology</b>	زیست فناوری کشاورزی [ع. گیاهی]
<b>acute</b>	نوک تیز [ع. گیاهی]	<b>Ailanthus</b>	غرغر [ع. گیاهی]
<b>adaxial</b>	محور سو [ع. گیاهی]	<b>Aizoaceae</b>	علف فرشیان [ع. گیاهی]
<b>addition line</b>	رگهٔ اضافه دار [ع. گیاهی]	<b>ajwain/ajowan</b>	→ <i>Trachyspermum copticum</i>
<b>Adiantaceae</b>	پرسیاوشیان [ع. گیاهی]	<b>albumen</b>	سفیده [ع. گیاهی]
<b>Adiantum</b>	پرسیاوش [ع. گیاهی]	<b>Algae</b>	جلبک‌ها [ع. گیاهی]
<b>adnate</b>	دگر جوش [ع. گیاهی]	<b>alien addition line</b>	رگهٔ بیگانه اضافه دار [ع. گیاهی]
<b>advanced character</b>	صفت برتر [ع. گیاهی]	<b>alignment</b>	هم‌ردیف‌سازی [ع. گیاهی]
<b>adventitious bud</b>	جوانهٔ نابجا [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> sequence alignment	
<b>aerenchyma</b>	هواکنه [ع. گیاهی]	<b>A-line</b>	رگهٔ A [ع. گیاهی]
<b>aerial root</b>	ریشهٔ هوایی [ع. گیاهی]	<b>Alismataceae</b>	قاشق‌واشیان [ع. گیاهی]
<b>Aesculus</b>	شاه‌بلوط هندی [ع. گیاهی]	<b>Alismatales</b>	قاشق‌واش‌سانان [ع. گیاهی]
<b>aestival<sup>1</sup>/estival<sup>1</sup></b>	تابستانی [ع. گیاهی]	<b>alkali-loving</b>	قلیادوست [ع. گیاهی]
<b>aestival<sup>2</sup>/estival<sup>2</sup></b>	سرتابستانی [ع. گیاهی]	<b>allelozyme</b>	→ <i>allozyme</i>
<b>aestivation<sup>1</sup>/estivation<sup>1</sup></b>	پوش آذین [ع. گیاهی]	<b>Alliaceae</b>	پیازیان [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> prefloration		<b>allogamic</b>	→ <i>allogamous<sup>1</sup></i>
<b>aestivation<sup>2</sup>/estivation<sup>2</sup></b>	تابستان خوابی [ع. گیاهی]	<b>allogamous<sup>1</sup></b>	دگر کام [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> summer dormancy,		<i>syn.</i> allogamic	
<i>torpidity</i>		<b>allogamous<sup>2</sup></b>	دگرگشتن [ع. گیاهی]
		<b>allogamy<sup>1</sup></b>	دگر کامی [ع. گیاهی]

<b>allogamy</b> <sup>2</sup>	دگرگشتی [ع. گیاهی]	<b>amorph(ic)</b>	آریخت [ع. گیاهی]
<b>allogenic</b>	دگرزا [ع. گیاهی]	<b>amorphic mutation</b>	
<b>allopatric</b>	دگرجا [ع. گیاهی]		جهش آریخت [ع. گیاهی]
<b>allopatric speciation</b>	گونه‌زایی دگرجا [ع. گیاهی]	<b>amphidiploid</b> <sup>1</sup>	دوجوردولاد <sup>1</sup> [ع. گیاهی]
<b>allospecies</b> → <b>semispecies</b>		<b>amphidiploid</b> <sup>2</sup>	دوجوردولاد <sup>2</sup> [ع. گیاهی]
<b>allotetraploid</b>	دگرچارلاد [ع. گیاهی]	<b>amphidiploidy</b>	دوجوردولادی [ع. گیاهی]
<b>allozygote</b>	دگرزاگ [ع. گیاهی]	<b>amphiploid</b> <sup>1</sup>	دوجورلاد <sup>1</sup> [ع. گیاهی]
<b>allozyme</b>	دگرزیم [ع. گیاهی]	<b>amphiploid</b> <sup>2</sup>	دوجورلاد <sup>2</sup> [ع. گیاهی]
<i>syn. allelozyme</i>		<b>amphiploidy</b>	دوجورلادی [ع. گیاهی]
<b>Alnus</b>	توسکا [ع. گیاهی]	<b>amphistomal</b>	دوروزنی [ع. گیاهی]
<b>Aloe</b>	صبر [ک. دارویی]	<b>amphitropous</b>	دوسوگرا [ع. گیاهی]
<b>Aloe barbadensis</b> → <b>Aloe vera</b>		<b>amplexicaule</b>	ساقه‌برگیر [ع. گیاهی]
<b>Aloe vera</b>	صبر حقیقی [ک. دارویی]	<b>Amygdalus</b>	بادام [ک. دارویی]
<i>syn. Aloe vulgaris,</i> <i>Aloe barbadensis</i>		<b>Amygdalus communis</b>	
<b>Aloe vulgaris</b> → <b>Aloe vera</b>			بادام رسمی [ک. دارویی]
<b>alternate</b>	متناوب [ع. گیاهی]	<b>amyloplast</b>	نشادپسه [ع. گیاهی]
<b>alternate bearing</b>	باردهی متناوب [ع. گیاهی]	<b>ana-amphitropous</b>	
<b>alternate leaves</b>	برگ‌های متناوب [ع. گیاهی]		واژگون - دوسوگرا [ع. گیاهی]
<b>alternipetalous</b>	میان‌گلبرگی [ع. گیاهی]	<b>anabolic</b>	فراگشتی [ع. گیاهی]
<b>alternisepalous</b>	میان‌کاسبرگی [ع. گیاهی]	<b>anabolism</b>	فراگشت [ع. گیاهی]
<b>Amaranthaceae</b>	تاج‌خروسیان [ع. گیاهی]	<b>anabolite</b>	فراگشته [ع. گیاهی]
<b>Amaryllidaceae</b>	نرگسیان [ع. گیاهی]	<b>ana-campylotropous</b>	
<b>ament</b> → <b>catkin</b>			واژگون - خمش‌گرا [ع. گیاهی]
<b>Ammi copticum</b>		<b>Anacardiaceae</b>	پسته‌ایان [ع. گیاهی]
→ <i>Trachyspermum copticum</i>		<b>anagenesis</b>	فرازایی [ع. گیاهی]
		<b>analog</b>	ناهم‌ساخت [ع. گیاهی]
		<i>syn. analogous</i>	
		<b>analogous</b> → <b>analog</b>	
		<b>analogy</b>	ناهم‌ساختی [ع. گیاهی]

<b>Ananas</b>	[آناناس .ع. گیاهی]	<b>annual layer</b> → <b>annual ring</b>	
<b>anatropous</b>	[واژگون .ع. گیاهی]	<b>annual plant</b>	[گیاه یک‌ساله .ع. گیاهی]
<b>ancestor</b>	[نیا .ع. گیاهی]	<b>annual ring</b>	[حلقهٔ سالانه .ع. گیاهی]
<b>ancestral</b>	[نیایی .ع. گیاهی]	<i>syn.</i> <b>annual layer</b>	
<b>anchor protein</b>		<b>anther</b>	[بساک .ع. گیاهی]
<i>abbr.</i> AP	[پروتئین لنگری .ع. گیاهی]	<b>anther dehiscence</b>	
<b>androdioecious</b>	[نر-دو پایه .ع. گیاهی]		[شکفتگی بساک .ع. گیاهی]
<b>androecium</b>	[نافه .ع. گیاهی]	<b>antherid</b> → <b>antheridium</b>	
<b>androgenesis</b>	[نرزیایی .ع. گیاهی]	<b>antheridial</b>	[زامه‌دانی .ع. گیاهی]
<b>androgynous</b>	[نرماده .ع. گیاهی]	<b>antheridiophore</b>	[زامه‌دان‌تر .ع. گیاهی]
<b>andromonoecious</b>		<b>antheridium</b>	[زامه‌دان .ع. گیاهی]
	[نر-یک پایه .ع. گیاهی]	<i>syn.</i> <b>antherid</b>	
<b>androphore</b>	[نافه‌تر .ع. گیاهی]	<b>antheriferous</b>	[بساک‌تر .ع. گیاهی]
<i>syn.</i> <b>androphorum</b>		<b>antherozoid</b>	[گیازامه، زامه <sup>۲</sup> .ع. گیاهی]
<b>androphorum</b> → <b>androphore</b>		<b>antherozoidal</b>	
<b>anemochory</b>	[بادبرافشانی .ع. گیاهی]		[گیازامه‌ای، زامه‌ای .ع. گیاهی]
<b>anemophilous</b>	[بادگرده‌افشان .ع. گیاهی]	<b>anthesis</b>	[گل‌دهی <sup>۱</sup> .ع. گیاهی]
<b>anemophily</b>	[بادگرده‌افشانی .ع. گیاهی]	<i>syn.</i> <b>flowering</b>	
<b>aneuploid<sup>1</sup></b>	[ناهولاد <sup>۱</sup> .ع. گیاهی]	<b>AnthoceroPHYta</b>	
<b>aneuploid<sup>2</sup></b>	[ناهولاد <sup>۲</sup> .ع. گیاهی]		[شاخ‌واش‌تباران .ع. گیاهی]
<b>aneuploidy</b>	[ناهولادی .ع. گیاهی]	<b>antienzyme</b>	[پادزی‌مایه، پادآنزیم .ع. گیاهی]
<b>angiosperm</b>	[نهان‌دانه .ع. گیاهی]	<b>antimorph(ic)</b>	[پادریخت .ع. گیاهی]
<b>anise</b>	[بادیان رومی <sup>۱</sup> [ک. دارویی]	<b>antimorphic mutation</b>	
<b>anise oil</b>	[روغن بادیان رومی [ک. دارویی]		[جهش پادریخت .ع. گیاهی]
<i>syn.</i> <b>oil of anise</b>		<b>antipetalous/antepetalous</b>	
<b>anisogamete</b> → <b>heterogamete</b>			[مقابل گلبرگی .ع. گیاهی]
<b>anisogametic</b> → <b>heterogametic</b>		<b>antipodal</b>	[پادسُفتی .ع. گیاهی]
<b>anisogynous</b>	[ناجورماده .ع. گیاهی]	<b>antipodal cells</b>	
<b>anisomerous</b>	[ناجورپار .ع. گیاهی]		[یاخته‌های پادسُفتی .ع. گیاهی]

<b>antiport</b>	پادبَری [ع. گیاهی]	<b>apogamy</b> <sup>1</sup>	نامیزش [ع. گیاهی]
<b>antiporter</b>	پادبَر [ع. گیاهی]	<b>apogamy</b> <sup>2</sup>	ناهمکامی [ع. گیاهی]
<b><i>Antirrhinum</i></b>	کُل میمونی [ع. گیاهی]	<b>apomict</b>	نامیخته <sup>آ</sup> [ع. گیاهی]
<b>antisepalous/antesepalous</b>	مقابل کاسبرگی [ع. گیاهی]	<b>apomictic</b>	نامیخته <sup>آ</sup> [ع. گیاهی]
<b>AP</b> → anchor protein		<b>apomixis</b>	نامیختگی [ع. گیاهی]
<b>apetalous</b>	بی گلبرگ [ع. گیاهی]	<b>apomorphic</b>	جداریخت [ع. گیاهی]
<b>apex</b>	رأس [ع. گیاهی]	<b>apomorphy</b>	جدا ریختی [ع. گیاهی]
<i>syn. point</i>		<b>apopetalous</b>	جدا گلبرگ [ع. گیاهی]
<b>aphanic species</b>		<i>syn. polypetalous</i>	
→ sibling species		<b>aposepalous</b>	جدا کاسبرگ [ع. گیاهی]
<b>Apiaceae</b>	کرفسیان [ع. گیاهی]	<i>syn. polysepalous</i>	
<b>Apiales</b>	کرفس سانان [ع. گیاهی]	<b>apospory</b>	نامیزی [ع. گیاهی]
<b>apical</b> <sup>1</sup>	رأسی <sup>1</sup> [ع. گیاهی]	<b>apostemonous</b>	جدا پرچم [ع. گیاهی]
<b>apical</b> <sup>2</sup>	رأسی <sup>2</sup> [ع. گیاهی]	<b>apotepalous</b>	جدا گلپار [ع. گیاهی]
<b>apical</b> <sup>3</sup> → terminal style		<b>aquatic plants</b>	گیاهان آبی [ع. گیاهی]
<b>apical-axile</b>	محوری رأسی [ع. گیاهی]	<b>aquatic species</b>	گونه آبی [ع. گیاهی]
<b>apical bud</b>	جوانه انتهایی [ع. گیاهی]	<b>Aquifoliaceae</b>	خاسیان [ع. گیاهی]
<i>syn. terminal bud</i>		<b>Aquifoliales</b>	خاس سانان [ع. گیاهی]
<b>apical meristem</b>	سرلاد انتهایی [ع. گیاهی]	<b>Araceae</b>	شپپوریان [ع. گیاهی]
<b>apiculate</b>	نوک ریز [ع. گیاهی]	<b>arachnoid</b>	تار عنکبوتی [ع. گیاهی]
<b><i>Apium</i></b>	کرفس [ع. گیاهی]	<i>syn. arachnose</i>	
<b>apocarpous</b>	جدا برچه [ع. گیاهی]	<b>arachnose</b> → arachnoid	
<b>Apocynaceae</b>	خرزهره ایان [ع. گیاهی]	<b>Araliaceae</b>	عشقه ایان [ع. گیاهی]
<b>apoendemic</b>	جدا بوم ویژه، جدا انحصاری [ع. گیاهی]	<b><i>Araucaria</i></b>	کاج مطبق [ع. گیاهی]
<b>apogamous</b> <sup>1</sup>	نامیخته <sup>1</sup> [ع. گیاهی]	<b>Araucariaceae</b>	مطبق کاجیان [ع. گیاهی]
<b>apogamous</b> <sup>2</sup>	ناهمکام [ع. گیاهی]	<b>arbor</b>	درخت [ع. گیاهی]
		<i>syn. tree</i>	
		<b>arborescous</b>	درختگون [ع. گیاهی]
		<i>syn. arborescent</i>	

**arborescent** → arboreous

**archegonial** [مامه‌دانی ع. گیاهی]

**archegoniate** [مامه‌دان‌دار ع. گیاهی]

**archegoniophore** [مامه‌دان‌بَر ع. گیاهی]

**archegonium** [مامه‌دان ع. گیاهی]

*syn. oogonium*<sup>1</sup>

**Arecaceae** [خرمائی‌ان ع. گیاهی]

**Arecales** [خرماسانان ع. گیاهی]

**areole**<sup>1</sup> [خاردکمه ع. گیاهی]

**areole**<sup>2</sup> [لانک ع. گیاهی]

**aril** [گوشته ع. گیاهی]

**ariled** [گوشته‌دار ع. گیاهی]

*syn. arillate*

**arillate** → ariled

**aristate** [نوک‌ریشکی ع. گیاهی]

**Aristolochia** [زرآوند ع. گیاهی]

**Aristolochiaceae** [زرآوندیان ع. گیاهی]

**armed shrub** [درختچه‌خاردار ع. گیاهی]

**aromatic plant** [گیاه معطر ع. گیاهی]

**arrangement** [آرایش ع. گیاهی]

**arrow-shaped** → sagittiform

**Arum** [گُل شیبوری ع. گیاهی]

**Asclepiadaceae** [استبرقیان ع. گیاهی]

**aseasonal** [بی‌فصل ع. گیاهی]

**asepalous** [بی‌کاسبرگ ع. گیاهی]

**Asparagaceae** [مارچوبه‌ایان ع. گیاهی]

**Asparagales** [مارچوبه‌سانان ع. گیاهی]

**Asparagus** [مارچوبه ع. گیاهی]

**asperifoliate** [خشن‌برگ ع. گیاهی]

*syn. asperifolius*

**asperifolius** → asperifoliate

**Aspleniaceae** [سپه‌زدارویان ع. گیاهی]

**Asteraceae** [کاستنیان ع. گیاهی]

**astomatal** [بی‌روزنه ع. گیاهی]

*syn. astomous*

**astomous** → astomatal

**asymmetric** [نامتقارن ع. گیاهی]

**ategmic** [بی‌پوشش ع. گیاهی]

**Athyriaceae** [ماده‌سرخسیان ع. گیاهی]

**at risk species** → species at risk

**attenuate** [باریک‌شده ع. گیاهی]

**attraction-sphere**

→ centrosphere

**auriculate** [گوشک‌دار ع. گیاهی]

**autapomorphy** [تک‌جداریختی ع. گیاهی]

**autochory** [خودبرافشانی ع. گیاهی]

**autogamous** [خودگُشن ع. گیاهی]

**autogamy** [خودگُشنی ع. گیاهی]

**autonym** [خودنام ع. گیاهی]

**autoploid** → autopolyploid<sup>1</sup>

**autopolyploid**<sup>1</sup> [خودچندلاد<sup>1</sup> ع. گیاهی]

*syn. autoploid*

**autopolyploid**<sup>2</sup> [خودچندلاد<sup>2</sup> ع. گیاهی]

**autopolyploidy** [خودچندلادی ع. گیاهی]

**autotroph** [خودپرورد<sup>1</sup> ع. گیاهی]

**autotrophic** [خودپرورد<sup>2</sup> ع. گیاهی]

**autotrophy** [خودپروردگی ع. گیاهی]

**autozygote** [خودزاگ ع. گیاهی]

**autumnal** [پاییزی ع. گیاهی]

<b>autumn wood</b>	چوب پاییزه [ع. گیاهی]	<b>barbellate</b> → <b>barbed</b>	
<b>auxotroph</b>	تک‌آلی‌پرورد <sup>۱</sup> [ع. گیاهی]	<b>bark</b>	پوست دارپوست، پوست درخت، [ع. گیاهی]
<b>auxotrophic</b>	تک‌آلی‌پرورد <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]	<b>bark pocket</b>	کَبْرَه درخت [ع. گیاهی]
<b>auxotrophy</b>	تک‌آلی‌پروردگی [ع. گیاهی]	<b>bark slip(ping)</b>	پوست‌اندازی [ع. گیاهی]
<b>Avicennia</b>	حرّاء، سینا [ع. گیاهی]	<b>bark thickness</b>	
<b>Avicenniaceae</b>	حرّائیان، سینائیان [ع. گیاهی]		ضخامت پوست [ع. گیاهی]
<b>awl shape</b> → <b>subuliform</b>		<b>barochory</b>	گرانش‌برافشانی [ع. گیاهی]
<b>awn</b> → <b>beard</b>		<b>basal<sup>1</sup></b>	قاعده‌ای <sup>۱</sup> [ع. گیاهی]
<b>axile</b>	محوری [ع. گیاهی]	<b>basal<sup>2</sup></b>	قاعده‌ای <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]
<b>axillary<sup>1</sup></b>	جانبی <sup>۱</sup> [ع. گیاهی]		<i>syn. radical</i>
<b>axillary<sup>2</sup></b>	جانبی <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]	<b>basal body</b> → <b>kinetosome</b>	
	<i>syn. lateral</i>	<b>basal granule</b> → <b>kinetosome</b>	
<b>Azollaceae</b>	آزیریان [ع. گیاهی]	<b>basal plate</b>	صفحه پایه‌ای [ع. گیاهی]
		<b>basicial capsule</b>	
			پوشینه بُن‌شکاف [ع. گیاهی]
	<b>B</b>	<b>basifixed</b>	پایه‌چسب [ع. گیاهی]
<b>baccate</b>	سته‌گون [ع. گیاهی]	<b>basionym</b>	بُن‌نام [ع. گیاهی]
<b>bacciferous</b>	سته‌آور [ع. گیاهی]	<b>basipetal</b>	پایین‌سو [ع. گیاهی]
<b>bacciform</b>	سته‌شکل [ع. گیاهی]	<b>basitony</b>	پاشاخه‌دهی [ع. گیاهی]
<b>bacilliform</b>	میلیزه‌شکل [ع. گیاهی]	<b>beaked</b> → <b>rostrate</b>	
<b>backcross breeding</b>		<b>beard</b>	داسه، ریشک [ع. گیاهی]
	بهینزادی تلاقی برگشتی [ع. گیاهی]		<i>syn. awn</i>
<b>balm</b> → <b>common balm</b>		<b>bearded</b>	ریش‌دار [ع. گیاهی]
<b>balm mint</b> → <b>common balm</b>			<i>syn. barbate</i>
<b>banner crop</b>	گیاه برتر [ع. گیاهی]	<b>bearing wood</b>	شاخه بارده [ع. گیاهی]
<b>barbate</b> → <b>bearded</b>		<b>bedding plants</b>	گیاهان بسترساز [ع. گیاهی]
<b>barbed</b>	خاره‌ای [ع. گیاهی]	<b>bench root</b>	ریشه‌چنبیری [ع. گیاهی]
	<i>syn. barbellate</i>		<i>syn. gooseneck</i>
		<b>Berberidaceae</b>	زرشکیان [ع. گیاهی]

<b>Berberis</b>	زرشک [ع. گیاهی]	<b>biome</b>	زیمان [ع. گیاهی]
<b>berry</b>	سته [ع. گیاهی]	<b>biospecies</b>	زی گونه [ع. گیاهی]
<b>berseem</b> → berseem clover		<b>biosystematics</b>	
<b>berseem clover</b>	شیدر پرسیم، شیدر مصری [ع. گیاهی]		زی سازگان شناسی [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> berseem		<b>biota</b>	زیواگان [ع. گیاهی]
<b>Betulaceae</b>	توسکائیان [ع. گیاهی]	<b>biotope</b>	زی جا [ع. گیاهی]
<b>beverage crops</b>		<b>biradial</b>	دوتقارنی [ع. گیاهی]
→ beverage plants		<b>biserrate</b>	دوارهای [ع. گیاهی]
<b>beverage plants</b>	گیاهان نوشایی [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> doubly serrate	
<i>syn.</i> beverage crops		<b>bisexual flower</b>	گل دوجنسی [ع. گیاهی]
<b>biennial plant</b>	گیاه دوساله [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> hermaphrodite flower	
<b>Bignoniaceae</b>	پیچاناریان [ع. گیاهی]	<b>bitegmic</b>	دوپوششی [ع. گیاهی]
<b>bilateral</b> → irregular		<b>bitten off</b> → praemorse	
<b>bimorous</b>	دوپار [ع. گیاهی]	<b>black heart</b> <sup>1</sup>	درون سیاه [ع. گیاهی]
<b>binary character</b>	صفت دوحالتی [ع. گیاهی]	<b>black heart</b> <sup>2</sup>	درون سیاهی [ع. گیاهی]
<b>biocenosis</b>	زی سازند [ع. گیاهی]	<b>black nightshade</b>	تاجریزی [ک. دارویی]
<b>biofarming</b>		<b>black-top</b>	سوزن ریزی [ع. گیاهی]
→ molecular farming		<b>bladdery</b> → vesiculate	
<b>biogenesis</b>	زیست‌زایی [ع. گیاهی]	<b>blade</b>	پهنک [ع. گیاهی]
<b>bioinformatics</b>	زیست‌داده‌ورزی [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> lamina	
<b>biological race</b>	نژاد زیست‌شناختی [ع. گیاهی]	<b>blond plantain</b>	اسپرزه [ک. دارویی]
<b>biomass</b>	زی توده [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> ispaghula	
<b>biomass energy</b>	انرژی زی توده‌ای [ع. گیاهی]	<b>bloom</b> <sup>1</sup>	سپیدگرد [ع. گیاهی]
<b>biomass pyramid</b>	هرم زی توده [ع. گیاهی]	<b>bloom</b> <sup>2</sup>	شکوفه [ع. گیاهی]
		<i>syn.</i> blossom	
		<b>bloom</b> <sup>3</sup>	گلدھی <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]
		<b>blossom</b> → bloom <sup>2</sup>	
		<b>blotch</b>	خال لکه [ع. گیاهی]
		<b>blue gum</b> → <i>Eucalyptus globulus</i>	



<b>bonsai/bonzai</b>	[دارسان ع. گیاهی]	<b>brochidodromous</b>	[حلقه‌ای‌رو ع. گیاهی]
<b>boot stage</b>	[مرحله تورم ع. گیاهی]	<b>Bromeliaceae</b>	[آناناسیان ع. گیاهی]
<b>bootstrap</b>	[خودراه‌اندازی ع. گیاهی]	<b>brush</b> → bush	
<b>Boraginaceae</b>	[گاوزبانیان ع. گیاهی]	<b>Bryophyta</b>	[خزه‌تباران ع. گیاهی]
<b>Borago</b>	[گاوزبان ع. گیاهی]	syn. Mosses	
<b>border plants</b>	[گیاهان مرزنما ع. گیاهی]	<b>bud abscission</b>	[جوان‌ریزی ع. گیاهی]
<b>bostryx</b> → helicoid cyme		<b>Buddleja</b>	[دُم‌موشی ع. گیاهی]
<b>Botrychium</b>	[سرخس انگوری ع. گیاهی]	<b>bud mutation</b> → bud sport	
<b>Bougainvillea</b>	[گل کاغذی ع. گیاهی]	<b>bud primordium</b>	[آغازه جوانه ع. گیاهی]
<b>bract</b>	[برگه ع. گیاهی]	<b>bud scale</b>	[فلس جوانه ع. گیاهی]
<b>bracteole</b>	[برگک ع. گیاهی]	<b>bud sport</b>	[جهش جوانه‌ای ع. گیاهی]
<b>branch collar</b>	[يقه شاخه ع. گیاهی]	syn. bud mutation, sport	
<b>branchwood</b>	[شاخه چوب ع. گیاهی]	<b>bulb</b>	[سوخ، پیاز ع. گیاهی]
<b>Brassica</b>	[کلم ع. گیاهی]	<b>bulbil</b>	[سوخیزه، پیازک هوایی ع. گیاهی]
<b>Brassicaceae</b>	[کلمیان ع. گیاهی]	<b>bulblet</b>	[سوخک، پیازک ع. گیاهی]
<b>Brassicales</b>	[کلم‌سانان ع. گیاهی]	<b>bulk breeding</b>	[بهنژادی جمعی ع. گیاهی]
<b>break</b>	[نوشاخه ع. گیاهی]	<b>bulk-pedigree breeding</b>	[بهنژادی جمعی - شجره‌ای ع. گیاهی]
<b>breeding</b>	[بهنژادی، اصلاح نژاد، اصلاح ع. گیاهی]	<b>bullate</b>	[تاول‌دار ع. گیاهی]
<b>bristle</b>	[زبرک ع. گیاهی]	<b>bush</b>	[بوته ع. گیاهی]
<b>bristly</b> → setose		syn. brush	
<b>broad heritability</b>	[وراثت‌پذیری عمومی ع. گیاهی]	<b>Butomaceae</b>	[هزارنی‌ایان ع. گیاهی]
syn. broad-sense heritability		<b>Butomus</b>	[هزارنی ع. گیاهی]
<b>broadleaf plantain</b>		<b>Buxaceae</b>	[شمشادیان ع. گیاهی]
→ <i>Plantago major</i>		<b>Buxus</b>	[شمشاد ع. گیاهی]
<b>broad-leaved</b>	[پهن‌برگ ع. گیاهی]		
<b>broadly oblong</b>	[مستطیلی پهن ع. گیاهی]	<b>C</b>	
<b>broad-sense heritability</b>		<b>Cactaceae</b>	[کاکتوسیان ع. گیاهی]
→ broad heritability		<b>caducous</b>	[زودریز ع. گیاهی]

<b>Caesalpinaceae</b>	[ارغوانیان، ع. گیاهی]	<b>camphor essential oil</b>	
<b>calciphyte</b>	[آهک‌رست، ع. گیاهی]	→ oil of camphor	
<b>calamint</b> → <i>Calamintha</i>		<b>Campsis</b>	[پیچ اناری، ع. گیاهی]
<b>Calamintha</b>	[زیبانغا، ک. دارویی]	<b>camptodromous</b>	[قوسی‌رو، ع. گیاهی]
syn. calamint		<b>campylodromous</b>	[خمیده‌رو، ع. گیاهی]
<b>Calamintha officinalis</b>		<b>campylotropous</b>	[خمش‌گرا، ع. گیاهی]
[زیبانغای دارویی، ک. دارویی]		<b>canaliculate</b>	[مجرا‌دار، ع. گیاهی]
syn. <i>Melissa calamintha</i> ,		<b>candidate species</b>	
<i>Satureja calamintha</i>		[گونه نامزد، ع. گیاهی]	
<b>Callitricheaceae</b>	[ستاره‌آبیان، ع. گیاهی]	<b>canescent</b>	[سفیدخاکستری، ع. گیاهی]
<b>Callitriche</b>	[ستاره‌آبی، ع. گیاهی]	<b>Canna</b>	[اختر، ع. گیاهی]
<b>callus</b>	[پینه، ع. گیاهی]	<b>Cannabinaceae/Cannabaceae</b>	
<b>callus bridge</b>	[پل پینه‌ای، ع. گیاهی]	[شاهدانه‌ایان، ع. گیاهی]	
<b>callusing</b>	[پینه‌زایی، ع. گیاهی]	<b>Cannabis</b>	[شاهدانه، ع. گیاهی]
<b>Calotropis</b>	[استبرق، ع. گیاهی]	<b>Cannaceae</b>	[اختریان، ع. گیاهی]
<b>Calycanthaceae</b>	[گل‌شرابیان، ع. گیاهی]	<b>canopy density</b>	
<b>Calycanthus</b>	[گل‌شرابی، ع. گیاهی]	→ crown density	
<b>calyptra</b>	[سرپوش، ع. گیاهی]	<b>cantharophily</b>	
<b>calyptrate</b>	[سرپوش‌دار، ع. گیاهی]	[سوسک‌گرده‌افشانی، ع. گیاهی]	
<b>calyx</b>	[کاسه، ع. گیاهی]	<b>capitate</b>	[کپه‌ای، ع. گیاهی]
<b>calyx splitting</b>	[کاسه‌شکافی، ع. گیاهی]	<b>capitulum</b>	[کپه، ع. گیاهی]
<b>cambial</b>	[بُن‌لادی، ع. گیاهی]	syn. head	
<b>cambiogenesis</b>	[بُن‌لادزایی، ع. گیاهی]	<b>Capparidaceae/Capparaceae</b>	
<b>cambium</b>	[بُن‌لاد، ع. گیاهی]	[کَبَریان، ع. گیاهی]	
<b>Camellia</b>	[چای، ع. گیاهی]	<b>Capparis</b>	[کَبَر، ع. گیاهی]
<b>Campanula</b>	[گل‌استکانی، ع. گیاهی]	<b>caprifaction</b>	[بَر‌آنجیرزنی، ع. گیاهی]
<b>Campanulaceae</b>		<b>caprifig</b>	[بَر‌آنجیر، ع. گیاهی]
[گل‌استکانیان، ع. گیاهی]		<b>Caprifoliaceae</b>	[آفتپیان، ع. گیاهی]
<b>camphor</b>	[کافور، ک. دارویی]	<b>capsule</b>	[هاگ‌لان، ع. گیاهی]

<b>Carica</b>	[ع. گیاهی]	خربزه درختی	<b>cell cycle</b>	[ع. گیاهی]	چرخه یاخته‌ای
<b>Caricaceae</b>	[ع. گیاهی]	خربزه‌درختیان	<b>cellule</b> → <b>cell</b>		
<b>carpel</b>	[ع. گیاهی]	برچه	<b>cell wall</b>	[ع. گیاهی]	دیواره یاخته
<b>carrier protein</b> → <b>transporter</b>			<b>central</b>	[ع. گیاهی]	مرکزی
<b>Carum copticum</b>			<b>centriole</b>	[ع. گیاهی]	میانک
→ <i>Trachyspermum copticum</i>			<b>centromere</b>	[ع. گیاهی]	میان‌پار
<b>caruncle</b>	[ع. گیاهی]	ناف‌گوشته	<b>centrosome</b>	[ع. گیاهی]	میان‌تن
<b>Caryophyllaceae</b>	[ع. گیاهی]	میخکیان	<b>centrosphere</b>	[ع. گیاهی]	میان‌گوی
<b>Caryophyllales</b>	[ع. گیاهی]	میخک‌سانان	<i>syn.</i> attraction-sphere		
<b>caryopsis</b>	[ع. گیاهی]	گندمه	<b>centrospheric</b>	[ع. گیاهی]	میان‌گویی
<b>casparian strip</b>	[ع. گیاهی]	نوار کاسپاری	<b>Ceratophyllaceae</b>		
<b>castorbean</b> → <i>Ricinus communis</i>				[ع. گیاهی]	برگ‌شاخیان
<b>castor oil</b>	[ک. دارویی]	روغن کرچک	<b>Ceratophyllum</b>	[ع. گیاهی]	برگ‌شاخی
<b>castor oil plant</b>			<b>Cercis</b>	[ع. گیاهی]	ارغوان
→ <i>Ricinus communis</i>			<b>certified seed</b>	[ع. گیاهی]	بذر گواهی‌شده
<b>Casuarina</b>	[ع. گیاهی]	دُما‌اسب‌درختی	<b>chaffy</b> → <b>paleaceous</b>		
<b>Casuarinaceae</b>	[ع. گیاهی]	دُما‌اسب‌درختیان	<b>chalaza</b>	[ع. گیاهی]	بُن تخمک
<b>catabolic</b>	[ع. گیاهی]	فروگشتی	<b>character</b>	[ع. گیاهی]	صفت
<b>catabolism</b>	[ع. گیاهی]	فروگشت	<b>character state</b>	[ع. گیاهی]	حالت صفت
<b>cataphyll</b> → <b>tegumentum</b>			<b>character weighting</b>		
<b>catch crop</b>	[ع. گیاهی]	گیاه واسطه		[ع. گیاهی]	وزن‌دهی صفت
<b>catkin</b>	[ع. گیاهی]	دُم‌گربه‌ای	<i>syn.</i> weighting		
<i>syn.</i> ament			<b>chaste tree</b> → <i>Vitex agnus-castus</i>		
<b>cauliflorus</b>	[ع. گیاهی]	گل‌ساقه‌ای	<b>chemoautotroph</b>		
<b>cauline</b>	[ع. گیاهی]	ساقه‌ای		[ع. گیاهی]	شیمی‌خودپرورد
<b>Celasteraceae</b>	[ع. گیاهی]	گوشوارکیان	<b>Chenopodiaceae</b>	[ع. گیاهی]	اسفنجیان
<b>cell</b>	[ع. گیاهی]	یاخته	<b>chilling</b>	[ع. گیاهی]	سرمادهی
<i>syn.</i> cellule			<b>chimera/chimaera</b>	[ع. گیاهی]	آمیزه
<b>cell culture</b>	[ع. گیاهی]	کشت یاخته	<b>chionophile/chianophile</b>		
				[ع. گیاهی]	برف‌دوست

<b>chlamydeous</b>	گل‌پوش‌دار [ع. گیاهی]	<b>clade</b>	تبارشاخه [ع. گیاهی]
<b>chlorophyll</b>	سبزینه [ع. گیاهی]	<b>cladistics</b>	تبارشاخه‌شناسی [ع. گیاهی]
<b>Chlorophyte</b>	جلیبک سبز [ع. گیاهی]	<b>cladogenesis</b>	تبارشاخه‌زایی [ع. گیاهی]
<i>syn. green alga</i>		<b>cladogenetic</b>	تبارشاخه‌زایشی [ع. گیاهی]
<b>chloroplast</b>	سبزدیسه [ع. گیاهی]	<b>cladogram</b>	تبارشاخه‌نگاره [ع. گیاهی]
<b>chomophyte</b>	صخره‌رُست [ع. گیاهی]	<b>cladogram robustness</b>	استواری تبارشاخه‌نگاره [ع. گیاهی]
<b>Christ's Thorn Jujube</b>		<b>clary sage</b>	مَر موك [ك. دارویی]
→ <i>Ziziphus spina-christi</i>		<b>class</b>	رده [ع. گیاهی]
<b>chromatid</b>	فامینک [ع. گیاهی]	<b>classification</b>	رده‌بندی، طبقه‌بندی [ع. گیاهی]
<b>chromatin</b>	فامینه [ع. گیاهی]	<b>clavate</b>	گرزی [ع. گیاهی]
<b>chromatinic</b>	فامینه‌ای [ع. گیاهی]	<b>cleft</b>	نوک‌شکافته [ع. گیاهی]
<b>chromoplast</b>	رنگ‌دیسسه [ع. گیاهی]	<b>climacteric fruits</b>	میوه‌های خودرس [ع. گیاهی]
<b>chromosomal duplication</b>			
→ duplication		<b>climax</b>	اوج، نقطهٔ اوج [ع. گیاهی]
<b>chromosome</b>	فام‌تن [ع. گیاهی]	<b>climax theory</b>	نظریهٔ اوج [ع. گیاهی]
<b>chronogram</b>	گاه‌نگاره [ع. گیاهی]	<b>clonal</b>	همسانه‌ای [ع. گیاهی]
<b>chronospecies</b> → paleospecies		<b>clone</b>	همسانه [ع. گیاهی]
<b>Cichorium</b>	کاسنی [ع. گیاهی]	<b>cloned</b>	همسانه‌سازی‌شده، همسانیده [ع. گیاهی]
<b>ciliate</b>	مژه‌دار [ع. گیاهی]	<b>clone library</b> → gene library	
<b>ciliolate</b>	مژک‌دار [ع. گیاهی]	<b>cloning</b>	همسانه‌سازی [ع. گیاهی]
<b>ciliolum</b>	مژک [ع. گیاهی]	<b>clove oil</b> → oil of clove	
<b>cilium</b>	مژه [ع. گیاهی]	<b>coated seed</b>	بذر پوشش‌دار [ع. گیاهی]
<b>cinnannus</b> → scorpioid cyme		<i>syn. pelleted seed</i>	
<b>cion</b> → scion		<b>codon</b>	رَمزه [ع. گیاهی]
<b>circumscissile capsule</b>	پوشینهٔ پیراشکاف [ع. گیاهی]	<b>coherent</b>	پیوسته [ع. گیاهی]
<b>cirrhous</b>	نوک‌چنبری [ع. گیاهی]	<b>cohesion</b>	چسبندگی [ع. گیاهی]
<b>Cistaceae</b>	گل‌آفتابیان [ع. گیاهی]		
<b>Cistus</b>	گل آفتابی [ع. گیاهی]		

<b>cohesive</b>	[ع. گیاهی] چسبنده	<b>consensus tree</b>	[ع. گیاهی] درخت اجماع
<b>Colchicaceae</b>	[ع. گیاهی] گل حسرتیان	<b>controlled pollination</b>	
<b>Colchicum</b>	[ع. گیاهی] گل حسرت		گرده‌افشانی واپایی [ع. گیاهی]
<b>collar</b>	[ع. گیاهی] یقه	<b>convergence</b>	[ع. گیاهی] همگرایی
<b>collenchyma</b>	[ع. گیاهی] چسب‌آکنه	<b>Convulvulaceae</b>	[ع. گیاهی] پیچکیان
<b>columella</b>	[ع. گیاهی] ستونک	<b>Convulvulus</b>	[ع. گیاهی] پیچک
<b>Combretaceae</b>	[ع. گیاهی] کاروم‌زنگیان	<b>copiotroph</b>	[ع. گیاهی] فزونی‌پرورد <sup>۱</sup>
<b>Commelina</b>	[ع. گیاهی] برگ‌بیدی	<b>copiotrophic</b>	[ع. گیاهی] فزونی‌پرورد <sup>۲</sup>
<b>Commelinaceae</b>	[ع. گیاهی] برگ‌بیدیان	<b>copiotrophy</b>	[ع. گیاهی] فزونی‌پروردگی
<b>common balm</b>	[ک. دارویی] بادرنجبویه	<b>coppice shoot</b>	[ع. گیاهی] جست
<i>syn.</i> balm mint, balm, lemon balm		<b>coppicing</b>	[ع. گیاهی] جست‌زایی
<b>common sage</b>	[ک. دارویی] مریم‌گلی <sup>۲</sup>	<b>cordate</b>	[ع. گیاهی] قلبی
<b>comose</b>	[ع. گیاهی] منگوله‌دار	<i>syn.</i> heart-shaped	
<b>companion cell</b>	[ع. گیاهی] یاخته‌همراه	<b>core wood</b>	→ juvenile wood
<b>companion crop</b>	[ع. گیاهی] گیاه همراه	<b>cork</b>	→ suberin
<b>competitive crop</b>	[ع. گیاهی] گیاه رقیب	<b>cork cambium</b>	
<b>compositae</b>	[ع. گیاهی] مرکبان		بُن‌لاد چوب‌پنبه [ع. گیاهی]
<b>concerted evolution</b>	تکامل هماهنگ، فرگشت هماهنگ [ع. گیاهی]	<b>Cornaceae</b>	[ع. گیاهی] زغال‌اخته‌ایان
<b>congruence</b>	[ع. گیاهی] هم‌خوانی	<b>Cornales</b>	[ع. گیاهی] زغال‌اخته‌سانان
<b>conjugate<sup>1</sup></b>	[ع. گیاهی] همیوغ	<b>corn husk</b>	[ع. گیاهی] بلال‌پوش
<b>conjugate<sup>2</sup></b>	[ع. گیاهی] همیوغ شدن، همیوغ کردن [ع. گیاهی]	<b>cornlet</b>	[ع. گیاهی] بلالچه
<b>conjugation</b>	[ع. گیاهی] همیوغی	<b>Cornus</b>	[ع. گیاهی] زغال‌اخته
<b>conjugal</b>	[ع. گیاهی] همیوغه	<b>corolla</b>	[ع. گیاهی] جام
<b>connate</b>	[ع. گیاهی] هم‌جوش	<b>corrugate</b>	[ع. گیاهی] چین‌دار <sup>۱</sup>
<b>consensus tree</b>	[ع. گیاهی] درخت اجماع	<b>cortex</b>	[ع. گیاهی] پوسته، قشر
<b>contiguous</b>	[ع. گیاهی] مماس	<b>Corylaceae</b>	[ع. گیاهی] فندقیان
		<b>Corylus</b>	[ع. گیاهی] فندق
		<b>corymb</b>	[ع. گیاهی] دیهیم
		<b>corymbose</b>	[ع. گیاهی] دیهیمی

- costa → midrib
- costate → ribbed
- cotransport [هم‌تراژدی] [ع. گیاهی]
- cotransporter [هم‌تراژر] [ع. گیاهی]
- countertransport [پادتراژدی] [ع. گیاهی]
- couplet [بند] [ع. گیاهی]
- cover crop [گیاه پوششی] [ع. گیاهی]
- CR → critically endangered
- craspedodromous [لبه‌رو] [ع. گیاهی]  
syn. simplidromous
- crassinucellate [پُر‌خورش] [ع. گیاهی]
- creeper [گیاه خزنده] [ع. گیاهی]
- cremocarp [اویژر] [ع. گیاهی]
- crenate [کنگره‌ای] [ع. گیاهی]
- crenulate/crenulate [ریز‌کنگره‌ای] [ع. گیاهی]
- critically endangered  
abbr. CR [بسیاردرخطر] [ع. گیاهی]
- critical species [گونهٔ بسیاردرخطر] [ع. گیاهی]
- crop [گیاه زراعی] [ع. گیاهی]  
syn. crop plant
- crop plant → crop
- crossing over [چلیپایی شدن] [ع. گیاهی]
- cross-pollination [دگرگرده‌افشانی] [ع. گیاهی]
- crown [تاج] [ع. گیاهی]
- crown base [تاج‌بُن] [ع. گیاهی]
- crown density [تراکم تاج] [ع. گیاهی]  
syn. canopy density
- crown group [تاج‌گروه] [ع. گیاهی]
- Cruciferae [چلیپائیان] [ع. گیاهی]
- crude plant extract [عصارهٔ خام گیاهی] [ک. دارویی]
- cryptic species  
→ sibling species
- Cryptogams [نهانزادان] [ع. گیاهی]
- Cucurbita [کدو] [ع. گیاهی]
- Cucurbitaceae [کدوئیان] [ع. گیاهی]
- Cucurbitales [کدوسانان] [ع. گیاهی]
- cuneate [گوه‌ای] [ع. گیاهی]
- Cupressaceae [سرویان] [ع. گیاهی]
- cupula [فنجانک] [ع. گیاهی]
- cupular [فنجانکی] [ع. گیاهی]
- cupule [پپاله] [ع. گیاهی]
- curly mallee → *Eucalyptus gillii*
- Cuscuta [سیس] [مشترک]
- Cuscutaceae [سیسیان] [ع. گیاهی]
- cuspidate [نوک‌نیش‌دار] [ع. گیاهی]
- cuticle [پوستک] [ع. گیاهی]
- cuticular [پوستکی] [ع. گیاهی]
- C value [ارزش سی، ارزش ثابت] [ع. گیاهی]
- cyathium [پنگان] [ع. گیاهی]
- Cycadaceae [پایانخلیان] [ع. گیاهی]
- cyclosis [چرخ‌زنی] [ع. گیاهی]
- cyme [گرزن] [ع. گیاهی]
- cymose [گرزنی] [ع. گیاهی]
- cymule [گرزنک] [ع. گیاهی]
- Cynomoriaceae [خونین‌گُزریان] [ع. گیاهی]

<b>Cynomorium</b>	خونین‌گرز [ع. گیاهی]	<b>deep-rooted</b>	ریشه عمقی [ع. گیاهی]
<b>Cyperaceae</b>	جگنیان [ع. گیاهی]	<b>defoliation</b>	برگ‌ریزی <sup>۱</sup> [ع. گیاهی]
<b>Cyperales</b>	جگن‌سانان [ع. گیاهی]	<b>dehiscence</b>	شکفتگی [ع. گیاهی]
<b>Cyperus</b>	جگن [ع. گیاهی]	<b>dehiscent</b>	شکوفا [ع. گیاهی]
<b>cypselá</b>	کافشه‌ای [ع. گیاهی]	<b>dehiscent fruit</b>	میوه شکوفا [ع. گیاهی]
<b>cytokinesis</b>	تقسیم درون‌باخته [ع. گیاهی]	<b>dehydrated castor oil</b>	روغن کرچک آب‌زدوده [ک. دارویی]
<b>cytoplasm</b>	میان‌باخته [ع. گیاهی]	<b>deltoid</b>	دلتاوار [ع. گیاهی]
<b>cytoplasmic</b>	میان‌باخته‌ای [ع. گیاهی]		<i>syn. triangular</i>
<i>syn. cytoplasmically</i>		<b>dendrogram</b>	دارنگاره [ع. گیاهی]
<b>cytoplasmically</b> → <b>cytoplasmic</b>			<i>syn. phenogram</i>
<b>cytoplasmic inheritance</b>	وراثة میان‌باخته‌ای [ع. گیاهی]	<b>dendroid</b>	درخت‌وار [ع. گیاهی]
			<i>syn. tree-like</i>
<b>D</b>		<b>denitrification</b>	شوره‌زدایی [ع. گیاهی]
<b>Daphne</b>	مازیون [ع. گیاهی]	<b>Dennstaedtiaceae</b>	سرخس عقابیان [ع. گیاهی]
<b>Datisca</b>	شاهدانه‌وش [ع. گیاهی]	<b>dentate</b>	دندان‌ه‌ای [ع. گیاهی]
<b>Datisceae</b>	شاهدانه‌وشیان [ع. گیاهی]		<i>syn. toothed, notched</i>
<b>day-neutral plant</b>		<b>denticulate</b>	ریزدندان‌ه‌ای [ع. گیاهی]
→ neutral-day plant			<i>syn. finely dented</i>
<b>deadnettle/dead nettle</b>		<b>depressed oblong</b>	مستطیلی فروفشرده [ع. گیاهی]
→ <i>Lamium</i>		<b>descent</b>	تبار [ع. گیاهی]
<b>decay index</b>	شاخص واپاشی [ع. گیاهی]	<b>description</b>	شرح [ع. گیاهی]
<b>deciduous</b>	خزان‌دار [ع. گیاهی]	<b>determination</b>	نام‌گذاری [ع. گیاهی]
<b>decoction</b>	جوشانده [ک. دارویی]	<b>diadelphous</b>	دودسته‌ای [ع. گیاهی]
<b>decoy crop</b>	گیاه تله [ع. گیاهی]	<b>diagnosis</b> → <b>diagnostic</b>	characterization
<b>decurrent</b>	پایین‌رو [ع. گیاهی]		
<b>decussate</b>	متقابل ضربدری [ع. گیاهی]		
<b>deeply ovoid</b>	تخم‌مرغی کشیده [ع. گیاهی]		

**diagnostic characterization**

شرح تشخیصی [ع. گیاهی]

*syn.* diagnosis***Dianthus*** [میخک [ع. گیاهی]**dichasial** [گرزن دوسویه‌ای [ع. گیاهی]**dichasial cyme** → **dichasium****dichasium** [گرزن دوسویه [ع. گیاهی]*syn.* dichasial cyme**dichotomic** [دوشاخه [ع. گیاهی]**dichotomous key**

کلید دوشاخه‌ای [ع. گیاهی]

**dichotomy** [دوشاخگی [ع. گیاهی]**Diclidantheraceae**→ **Polygalaceae****Dioscoreaceae** [تمیسیان [ع. گیاهی]**Dioscoreales** [تمیس‌سانان [ع. گیاهی]***Diospyrus*** [خرمالو [ع. گیاهی]**diploid** [دولاد [ع. گیاهی]**diploidy** [دولادی [ع. گیاهی]**diplostemonous**

دوحلقه‌پرچمی [ع. گیاهی]

**Dipsacaceae** [خواجه‌باشیان [ع. گیاهی]**Dipsacales** [خواجه‌باشی‌سانان [ع. گیاهی]***Dipsacus*** [خواجه‌باشی [ع. گیاهی]**directed evolution**

تکامل جهت‌داده [ع. گیاهی]

*syn.* directional evolution**directed mutagenesis**→ **site-directed mutagenesis****directional evolution**→ **directed evolution****directed selection**→ **directional selection****directional selection**

انتخاب جهت‌دار، گزینش جهت‌دار [ع. گیاهی]

*syn.* directed selection**discontinuous ring**

حلقه ناپیوسته [ع. گیاهی]

**disposition**

چینش [ع. گیاهی]

**disruptive selection** [انتخاب گسلنده،

گزینش گسلنده [ع. گیاهی]

**distichous**

متناوب دوردیفه [ع. گیاهی]

**distinct**

جدا [ع. گیاهی]

**dithecal**

دوخنکی [ع. گیاهی]

**divergence**

واگرایی [ع. گیاهی]

**DNA ligase**

دناپیونداز [ع. گیاهی]

*syn.* ligase***Dodonaea***

ناترک [ع. گیاهی]

**doliform**

دلوی‌شکل [ع. گیاهی]

**domain**

حوزه [ع. گیاهی]

**dominant crop**

گیاه چیره [ع. گیاهی]

**dominant negative mutation**

جهش بارز منفی [ع. گیاهی]

**donor parent**

والد دهنده [ع. گیاهی]

**dormancy**

خفتگی [ع. گیاهی]

**dormancy breaking**

خواب‌شکنی [ع. گیاهی]

**dormant**

خفته [ع. گیاهی]



- dorsal** [پشتی ع. گیاهی]
- dotted** → punctate
- double cross** [چهاررگه ع. گیاهی]  
syn. four-way hybrid
- doubling** → duplication
- doubly serrate** → biserrate
- dough stage** [مرحله خمیری ع. گیاهی]
- Dracocephalum** [بادرشیبی<sup>۱</sup> ک. دارویی]  
syn. dragonhead
- Dracocephalum moldavica**  
[بادرشیبی دارویی ک. دارویی]  
syn. *Moldavica punctata*,  
*Moldavica suaveolens*,  
Moldavian dragonhead
- dragonhead** → *Dracocephalum*
- dredge** [جولاف ع. گیاهی]
- drought crack**  
[ترک خشکی زاد ع. گیاهی]
- drought-enduring plant**  
→ xerophyte
- drought-persistent plant**  
→ xerophyte
- drought ring** [حلقه خشکی زاد ع. گیاهی]
- drupaceous fruit** → drupe
- drupe** [شفت ع. گیاهی]  
syn. stone fruit,  
drupaceous fruit
- dry fruit** [میوه خشک ع. گیاهی]
- dry matter accumulation**  
[تجمع ماده خشک ع. گیاهی]
- Dryopteridaceae** [نرسرخسیان ع. گیاهی]
- duplicate<sup>1</sup>** [دوتا شدن ع. گیاهی]
- duplicate<sup>2</sup>** [دوتاشده ع. گیاهی]
- duplication** [دوتاشدگی ع. گیاهی]  
syn. chromosomal duplication,  
doubling
- duramen** → heartwood
- duration** [طول عمر ع. گیاهی]
- durian** [خارگیل ع. گیاهی]
- durum** → durum wheat
- durum wheat** [گندم نی رشته ع. گیاهی]  
syn. *Triticum turgidum*,  
*Triticum durum*, durum
- dystrophia** → dystrophy
- dystrophic** [دش پرورد ع. گیاهی]
- dystrophy** [دش پروردگی ع. گیاهی]  
syn. dystrophia
- E**
- early crop** [گیاه زودرس ع. گیاهی]
- earlywood** [پیشین چوب ع. گیاهی]
- easy-to-root** [آسان ریشه‌زا ع. گیاهی]
- Ebenaceae** [خرمالوئیان ع. گیاهی]
- ecdemic** [برون خیز ع. گیاهی]
- echinate** [خاردار ع. گیاهی]
- ecoclimate** [بوم اقلیم ع. گیاهی]
- ecological pyramid**  
[هرم بوم شناختی ع. گیاهی]  
syn. food pyramid,  
Eltonian pyramid

- ecological race** [نژاد بوم‌شناختی] [ع. گیاهی]
- ecological system** → ecosystem
- eco-organ** [بوم‌اندام] [ع. گیاهی]
- ecospecies** [بوم‌گونه] [ع. گیاهی]
- ecosystem** [بوم‌سازگان] [ع. گیاهی]  
*syn.* ecological system
- ecotone** [مرزبوم] [ع. گیاهی]
- ectoplasm** [برمیان‌یاخته] [ع. گیاهی]  
*syn.* ectosarc
- ectoplasmatic** [برمیان‌یاخته‌ای] [ع. گیاهی]
- ectosarc** → ectoplasm
- egg-shaped** → ovate
- einkorn/Einkorn (ge.)** [گندم تک‌دانه] [ع. گیاهی]  
*syn.* one-grained wheat
- ektexine** [برون‌پوش بیرونی] [ع. گیاهی]
- Elaeagnaceae** [سنجدیان] [ع. گیاهی]
- Elaeagnus** [سنجد] [ع. گیاهی]
- elite seed** [بذر بهین] [ع. گیاهی]
- ellipsoid** [بیضی‌وار] [ع. گیاهی]
- Eltonian pyramid**  
→ ecological pyramid
- emarginate** [نوک‌چالدار] [ع. گیاهی]
- embryo** [روبان] [ع. گیاهی]
- embryogenesis** [روبان‌زایی] [ع. گیاهی]
- embryogenetic** [روبان‌زایشی] [ع. گیاهی]
- embryologic** [روبان‌شناختی] [ع. گیاهی]
- embryology** [روبان‌شناسی] [ع. گیاهی]
- embryonal** → embryonic
- embryonic** [رویانی] [ع. گیاهی]  
*syn.* embryonal
- embryophore** [رویانبَر] [ع. گیاهی]
- Embryophytes** [رویانباران] [ع. گیاهی]
- EN** → endangered species
- enation** [توتنه] [ع. گیاهی]
- endangered species** [گونه‌درخطر] [ع. گیاهی]  
*abbr.* EN
- endemic species** [گونه‌بوم‌ویژه، گونه‌انحصاری] [ع. گیاهی]
- endexine** [برون‌پوش درونی] [ع. گیاهی]
- endocarp** [درون‌بَر] [ع. گیاهی]
- endocytosis** [درون‌بری] [ع. گیاهی]
- endoderm** [درون‌پوست] [ع. گیاهی]
- endodermal** → endodermic
- endodermic** [درون‌پوستی] [ع. گیاهی]  
*syn.* endodermal
- endophyte** [گیاه درون‌رُست، درون‌رُست<sup>۱</sup>] [ع. گیاهی]
- endophytic** [درون‌رُست<sup>۲</sup>] [ع. گیاهی]
- endophytism** [درون‌رُستی] [ع. گیاهی]
- endoplasm** [درمیان‌یاخته] [ع. گیاهی]
- endoplasmic** [درمیان‌یاخته‌ای] [ع. گیاهی]
- endoplasmic reticulum** [شبکه‌درمیان‌یاخته‌ای] [ع. گیاهی]  
*abbr.* ER
- endosperm<sup>1</sup>** [خورش<sup>۱</sup>] [ع. گیاهی]
- endosperm<sup>2</sup>** [درون‌دانه] [ع. گیاهی]
- endostomal** [درون‌روزی] [ع. گیاهی]
- ensiform** [شمشیری‌شکل] [ع. گیاهی]  
*syn.* sword-shaped

<b>entire</b>	کامل [ع. گیاهی]	<b>episperm</b>	رودانه [ع. گیاهی]
<b>entomophilous</b>	گیاه حشره‌دوست، حشره‌دوست [ع. گیاهی]	<b>epitepalous</b>	روگلپاری [ع. گیاهی]
<b>entomophily</b>	حشره‌گرده‌افشانی [ع. گیاهی]	<b>epithem</b>	روآکنه [ع. گیاهی]
<b>Ephedraceae</b>	أرمکیان [ع. گیاهی]	<b>epitropous</b>	روگرا [ع. گیاهی]
<b>epicarp</b>	روتر [ع. گیاهی]	<b>epitropous-dorsal</b>	روگرای پشتی [ع. گیاهی]
<i>syn. epicarpium</i>		<b>epitropous-ventral</b>	روگرای شکمی [ع. گیاهی]
<b>epicarpium</b> → epicarp		<b>epitype</b>	برمونه [ع. گیاهی]
<b>epicormic</b> → epicormic branch		<b>Equisetaceae</b>	دُم‌اسبیان [ع. گیاهی]
<b>epicormic branch</b>	شاخهٔ هرز [ع. گیاهی]	<b>equitant</b>	پابه‌هم‌پوش [ع. گیاهی]
<i>syn. epicormic, epicormic shoot,</i> water sprout		<b>ER</b> → endoplasmic reticulum	
<b>epicormic shoot</b>		<b>Ericales</b>	خلنگ‌سانان [ع. گیاهی]
→ epicormic branch		<b>Espanid</b> → <i>Peganum harmala</i>	
<b>epiderm</b>	روپوست [ع. گیاهی]	<b>estival</b> <sup>1</sup> → aestival <sup>1</sup>	
<b>epidermal</b> → epidermic		<b>estival</b> <sup>2</sup> → aestival <sup>2</sup>	
<b>epidermic</b>	روپوستی [ع. گیاهی]	<b>estivation</b> <sup>1</sup> → aestivation <sup>1</sup>	
<i>syn. epidermal</i>		<b>estivation</b> <sup>2</sup> → aestivation <sup>2</sup>	
<b>epigeal</b>	روزمینی [ع. گیاهی]	<b>Eucalyptus</b>	اکالیپتوس [ک. دارویی]
<b>epigenesis</b>	پس‌زایش [ع. گیاهی]	<b>Eucalyptus camaldulensis</b>	
<b>epigenetic</b>	پس‌زایشی [ع. گیاهی]		اکالیپتوس کامالدول [ک. دارویی]
<b>epigynous</b>	روتخمدانی [ع. گیاهی]	<i>syn. river red gum</i>	
<b>epiperigynous</b>	رو-پیراتخمدانی [ع. گیاهی]	<b>Eucalyptus gillii</b>	
<b>epipetalous</b>	روگلبرگی [ع. گیاهی]		اکالیپتوس پُرشاخه [ک. دارویی]
<i>syn. petalostemonous</i>		<i>syn. curly mallee</i>	
<b>epiphyte</b>	گیاه روزُست، روزُست <sup>1</sup> [ع. گیاهی]	<b>Eucalyptus globulus</b>	
<b>epiphytic</b>	روزُست <sup>2</sup> [ع. گیاهی]		اکالیپتوس نیلی [ک. دارویی]
<b>epiphytism</b>	روزُستی [ع. گیاهی]	<i>syn. blue gum,</i>	
<b>episepalous</b>	روکاسبرگی [ع. گیاهی]	<i>Tasmanian bluegum</i>	

**eucamptodromous**

هوقوسوی رو [ع. گیاهی]

**eucaryotae/Eukaryotae**

هوهسته‌ای‌ها [ع. گیاهی]

**eukaryon → eukaryote****eukaryosis/eucaryosis**

هوهستگی [ع. گیاهی]

**eukaryote/eucaryote**هوهسته‌ای<sup>۱</sup> [ع. گیاهی]*syn.* eukaryon**eukaryotic/eucaryotic**هوهسته‌ای<sup>۲</sup> [ع. گیاهی]**Euonymus**

گوشوارکی [ع. گیاهی]

**Euphorbia**

فرقیون [ع. گیاهی]

**Euphorbiaceae**

فرقیونیان [ع. گیاهی]

**euploid**

هولاد [ع. گیاهی]

**euploidy**

هولادی [ع. گیاهی]

**eutrophia → eutrophy****eutrophic**

هوپرورد [ع. گیاهی]

**eutrophication**

هوپرورش [ع. گیاهی]

**eutrophy**

هوپروردگی [ع. گیاهی]

*syn.* eutrophia**evapotranspiration** برترادمش،

تبخیر- تعرق [ع. گیاهی]

*syn.* total evaporation,

water loss, fly-off

**evergreen**

همیشه‌سبز [ع. گیاهی]

**evolution**

تکامل، فرگشت [ع. گیاهی]

**evolutionary clock**

ساعت تکاملی،

ساعت فرگشتی [ع. گیاهی]

**evolutionary genomics**

ژنگان‌شناسی تکاملی،

ژن‌شناسی فرگشتی [ع. گیاهی]

**excitable cell**

یاختهٔ تحریک‌پذیر [ع. گیاهی]

**excitable cell membrane**

→ excitable membrane

**excitable membrane**

غشای تحریک‌پذیر [ع. گیاهی]

*syn.* excitable cell membrane**excrement → excretion<sup>2</sup>****excrete**

دفع کردن [ع. گیاهی]

**excretion<sup>1</sup>**

دفع [ع. گیاهی]

**excretion<sup>2</sup>**

مادهٔ دفعی [ع. گیاهی]

*syn.* excrement**excretory**

دفعی [ع. گیاهی]

**exine**

برون‌پوش [ع. گیاهی]

**exocarp**

برون‌بر [ع. گیاهی]

**exocytosis**

برون‌رانی [ع. گیاهی]

**exon**

بیانه [ع. گیاهی]

**exostomal**

برون‌روزی [ع. گیاهی]

**exotic species** گونهٔ غیربومی [ع. گیاهی]*syn.* non-native species**expression cloning vector**

→ expression vector

**expression vector** ناقل بیانی [ع. گیاهی]*syn.* expression cloning vector,

transcription vector

**extinction**

انقراض [ع. گیاهی]

**extra chromosomal inheritance**

وراثت برون فام‌تنی [ع. گیاهی]

**extract**

عصاره [ک. دارویی]

**extranuclear inheritance**

وراثت برون هسته‌ای [ع. گیاهی]

**extrorse dehiscence**

شکفتگی برون‌افشان [ع. گیاهی]

**exudate**

برون‌زهه [ع. گیاهی]

*syn.* exudation<sup>1</sup>

**exudation<sup>1</sup> → exudate**

**exudation<sup>2</sup>**

برون‌زهش [ع. گیاهی]

**exudative**

برون‌زهشی [ع. گیاهی]

**ex vitro** [ع. گیاهی] برون شیشه‌ای، برون شیشه [ع. گیاهی]

**ex vivo** [ع. گیاهی] برون زیویه، برون زیوه [ع. گیاهی]

## F

**Fabaceae**

باقلائیان [ع. گیاهی]

*syn.* Leguminosae

**Fabales**

باقلاسانان [ع. گیاهی]

**Fagaceae**

راشیان [ع. گیاهی]

**Fagales**

راش‌سانان [ع. گیاهی]

**Fagus**

راش [ع. گیاهی]

**falcate**

داسی [ع. گیاهی]

**falciform**

داسی‌شکل [ع. گیاهی]

**false fruit → pseudocarp**

**false-heart** [ع. گیاهی] درون‌چوب کاذب [ع. گیاهی]

*syn.* false heartwood

**false heartwood → false-heart**

**false ring**

حلقه کاذب [ع. گیاهی]

**family**

تیره [ع. گیاهی]

**fang**

چنگالگی [ع. گیاهی]

**fan-shaped → flabelliform**

**farinaceous**

آردآلود [ع. گیاهی]

**faveolatus**

ریز لانه‌زنبوری [ع. گیاهی]

**favosus**

لانه‌زنبوری [ع. گیاهی]

*syn.* honeycombed

**felty germander**

→ *Teucrium polium*

**fertility restorer line**

رگه بازگردان باروری [ع. گیاهی]

*syn.* restorer line

**filament**

میله پرچم [ع. گیاهی]

**filamentous → filiform**

**filiform**

نخی‌شکل [ع. گیاهی]

*syn.* thread-like, filamentous

**fimbriate(d)**

شُرّابه‌ای [ع. گیاهی]

*syn.* fringed

**finely dented → denticulate**

**finely ovoid**

تخم‌مرغی کامل [ع. گیاهی]

**finely serrate → serrulate**

**finely setose → setulose**

**finished herbal product**

محصول نهایی گیاه دارویی [ک. دارویی]

**fire ring**

حلقه آتش‌زاد [ع. گیاهی]

**fire-tolerant species**

گونه آتش‌تاب [ع. گیاهی]

**firing level**

→ threshold potential

- firing point**  
→ threshold potential
- fitness** [ع. گیاهی] برازندگی وراثتی، برازندگی [ع. گیاهی]
- fixity of species** نظریهٔ ثبات انواع، ثبات انواع [ع. گیاهی]
- flabellate** بادبزنی [ع. گیاهی]
- flabelliform** بادبزنی شکل [ع. گیاهی]  
*syn.* fan-shaped
- flagship species** گونهٔ نماد [ع. گیاهی]
- flax** → *Linum*
- flaxseed oil** → linseed oil
- fleshy fruit** → succulent
- floccose** ریزنده کمرک [ع. گیاهی]
- flora** گیاگان [ع. گیاهی]
- floral diagram** گل نگاره [ع. گیاهی]
- floral formula** فرمول گل [ع. گیاهی]
- floral tube** → hypanthium
- floret** گلچه [ع. گیاهی]  
*syn.* floscule, flosculus
- floristic** گیاگانی [ع. گیاهی]
- floristics** گیاگان شناسی [ع. گیاهی]
- floscule** → floret
- flosculus** → floret
- flower abscission** گل ریزی [ع. گیاهی]
- flower bud abscission** غنچه ریزی [ع. گیاهی]
- flowering** → anthesis
- flowering plant** گیاه گلدار [ع. گیاهی]
- fly-off** → evapotranspiration
- follicle** برگه<sup>۲</sup> [ع. گیاهی]
- food chain** زنجیرهٔ غذایی [ع. گیاهی]  
*syn.* trophic chain, trophic pathway
- food cycle** چرخهٔ غذایی [ع. گیاهی]
- food nex** → food web
- food pyramid** → ecological pyramid
- food web** شبکهٔ غذایی [ع. گیاهی]  
*syn.* food nex
- foundation seed** بذر مادر [ع. گیاهی]
- founder effect** اثر بنیان گذار [ع. گیاهی]
- founder principle** اصل بنیان گذار [ع. گیاهی]
- four-way hybrid** → double cross
- foveate** لان دار [ع. گیاهی]
- foveolate** لانک دار [ع. گیاهی]
- frame shift mutation** جهش چارچوب گردان [ع. گیاهی]  
*syn.* phase shift mutation, reading frame shift mutation
- Frankenia** شبنمی [ع. گیاهی]
- Frankeniaceae** شبنمیان [ع. گیاهی]
- free** آزاد [ع. گیاهی]
- free-central** مرکزی - آزاد [ع. گیاهی]
- fringed** → fimbriate
- frost crack** ترک یخزاد [ع. گیاهی]  
*syn.* frost split

<b>frost heart</b>	[ع. گیاهی] درون چوب یخ‌زاد	<b>gametocyte</b>	[ع. گیاهی] کام‌یاخته
<b>frost ring</b>	[ع. گیاهی] حلقهٔ یخ‌زاد	<b>gametogenesis</b>	[ع. گیاهی] کامه‌زایی
<b>frost split</b> → frost crack		<b>gametogenic</b>	[ع. گیاهی] کامه‌زایشی
<b>fruit</b>	[ع. گیاهی] میوه	<b>gametophore</b>	[ع. گیاهی] کامه‌بَر
<b>fruit abscission</b>	[ع. گیاهی] میوه‌ریزی	<b>gametophyte</b>	[ع. گیاهی] کامه‌رُست
<b>Fumaria</b>	[ع. گیاهی] شاه‌تره	<b>gamopetalous</b> → synpetalous	
<b>Fumariaceae</b>	[ع. گیاهی] شاه‌تره‌ایان	<b>gamosepalous</b> → synsepalous	
<b>fungal filament</b> → hypha		<b>gap stage</b> → pioneer stage	
<b>fungarium</b>	[ع. گیاهی] قارچکده	<b>garden sage</b> → <i>Salvia officinalis</i>	
<b>Fungi</b>	[ع. گیاهی] قارچان، قارچ‌ها	<b>gene</b>	[ع. گیاهی] ژن
<b>funiculus</b>	[ع. گیاهی] بند ناف	<b>genealogy</b>	[ع. گیاهی] دودمان‌شناسی
<b>furrowed</b> → sulcate		<b>gene bank</b>	[ع. گیاهی] بانک ژن
<b>fusiform</b>	[ع. گیاهی] دوکی‌شکل	<b>genecologic</b>	[ع. گیاهی] ژن‌بوم‌شناختی
<b>fusiform initial</b>	[ع. گیاهی] پیش‌آغازۀ دوکی‌شکل	<b>genecology</b>	[ع. گیاهی] ژن‌بوم‌شناسی
<b>fusion</b>	[ع. گیاهی] الحاق	<b>gene expression</b>	[ع. گیاهی] بیان ژن
		<b>gene library</b>	[ع. گیاهی] گنجینهٔ ژن
		<i>syn. clone library</i>	
		<b>gene replacement</b>	
			[ع. گیاهی] جایگزینی ژن
		<b>genetic</b>	[ع. گیاهی] ژن‌شناختی
<b>gain of function</b>		<b>genetically engineered organism</b>	
→ gain of function mutation		→ genetically modified organism	
<b>gain of function mutation</b>			
	[ع. گیاهی] جهش کارکردزا	<b>genetically modified organism</b>	
<i>syn. gain of function</i>			[ع. گیاهی] اندامگان تراژنه
<b>Galeobdolon luteum</b>		<i>syn. living modified organism,</i>	
→ <i>Lamium galeobdolon</i>		genetically engineered organism	
<b>gametangium</b>	[ع. گیاهی] کامه‌دان	<b>genetic drift</b>	[ع. گیاهی] رانش ژنی
<b>gamete</b>	[ع. گیاهی] کامه		
<b>gametic</b>	[ع. گیاهی] کامه‌ای		

<b>geneticist</b>	ژن‌شناس [ع. گیاهی]	<b>glaucous</b>	سفید کلمی [ع. گیاهی]
<b>genetics</b>	ژن‌شناسی [ع. گیاهی]	<b>glazed stage</b>	مرحله لعابی [ع. گیاهی]
<b>genome</b>	ژنگان [ع. گیاهی]	<b>glochidiate</b>	خارلنگری [ع. گیاهی]
<b>genomic DNA library</b>		<b>glomerule</b>	شنگله [ع. گیاهی]
→ genomic library		<b>glucogenic</b>	گلوکوززایشی [ع. گیاهی]
<b>genomic library</b>	گنجینه ژنگان [ع. گیاهی]	<b>gluconeogenesis</b>	نوگلوکوززایی [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> genomic DNA library		<i>syn.</i> glyconeogenesis,	
<b>genotype</b>	ژن‌نمود [ع. گیاهی]	neoglucogenesis	
<b>genotypic</b>	ژن‌نمودی [ع. گیاهی]	<b>gluconeogenetic</b>	
<b>Gentiana</b>	گل سپاسی [ع. گیاهی]	نوگلوکوززایشی [ع. گیاهی]	
<b>Gentianaceae</b>	گل سپاسیان [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> glyconeogenetic,	
<b>Gentianales</b>	گل سپاسی‌سانان [ع. گیاهی]	neoglucogenetic	
<b>genus</b>	سرده [ع. گیاهی]	<b>glycolysis/glucolysis</b>	
<b>geophyte</b>	خاک‌رُست [ع. گیاهی]	قدکافت [ع. گیاهی]	
<b>geotropic</b>	زمین‌گرا [ع. گیاهی]	<b>glycolytic</b>	قدکافتی [ع. گیاهی]
<b>geotropism</b>	زمین‌گرایی [ع. گیاهی]	<b>glyconeogenesis</b>	
<b>Geraniaceae</b>	شمعدانیان [ع. گیاهی]	→ gluconeogenesis	
<b>Geraniales</b>	شمعدانی‌سانان [ع. گیاهی]	<b>glyconeogenetic</b>	
<b>germander</b>	مریم‌نخودی [ک. دارویی]	→ gluconeogenetic	
<b>germinate</b>	تندیدن [ع. گیاهی]	<b>glycophyte</b>	شیرین‌رُست [ع. گیاهی]
<b>germination</b>	تندش [ع. گیاهی]	<b>GMO</b>	تراژنه [ع. گیاهی]
<b>germplasm</b>	زادماهی [ع. گیاهی]	<b>Gnetaceae</b>	گیتومیان [ع. گیاهی]
<b>Gesneriaceae</b>	چسپریان، بنفشه‌افریقائیان [ع. گیاهی]	<b>Gnetales</b>	گیتوم‌سانان [ع. گیاهی]
<b>Ginkgo</b>	کهن‌دار [ع. گیاهی]	<b>Gnetum</b>	گیتوم [ع. گیاهی]
<b>Ginkgoaceae</b>	کهن‌داریان [ع. گیاهی]	<b>Golgi's apparatus</b>	دستگاه گلژی [ع. گیاهی]
<b>glabrous</b>	بی‌کرک [ع. گیاهی]	<b>gooseneck</b> → bench root	
<i>syn.</i> smooth		<b>gradual evolution</b>	تکامل تدریجی، فرگشت تدریجی [ع. گیاهی]
<b>glandular</b>	غده‌دار [ع. گیاهی]		



**gradual speciation**

گونه‌زایی تدریجی [ع. گیاهی]

**grain**دانه<sup>۱</sup> [ع. گیاهی]**Gramineae** → Poaceae**granular**

ریزدانه‌ای [ع. گیاهی]

*syn. granulate***granulate** → granular**granulation**

ریزدانه‌ای شدن [ع. گیاهی]

**granule**

ریزدانه [ع. گیاهی]

**granuliferous<sup>1</sup>**

ریزدانه‌بر [ع. گیاهی]

**granuliferous<sup>2</sup>** → granulose**granulose**

ریزدانه‌دار [ع. گیاهی]

*syn. granuliferous<sup>2</sup>***granum**

دانگان [ع. گیاهی]

**grass**

باریک‌برگ [ع. گیاهی]

*syn. narrow-leaved plant***greater henbit**→ *Lamium amplexicaule***greater plantain**→ *Plantago major***green alga** → Chlorophyte**green biotechnology**

زیست‌فناوری سبز [ع. گیاهی]

**green tree**

درخت زنده [ع. گیاهی]

**green up**

نوررویش [ع. گیاهی]

**grooved** → sulcate**Grossulariaceae**

انگورفرنگیان [ع. گیاهی]

**ground meristem**

سرلاد زمینه [ع. گیاهی]

**ground parenchyma**

نرم‌آکنه زمینه [ع. گیاهی]

**ground tissue**

بافت زمینه [ع. گیاهی]

**growth crack**

تَرَک رشد [ع. گیاهی]

**growth layer**

لایه رشد [ع. گیاهی]

**growth ring**

حلقه رشد [ع. گیاهی]

**growth-ring boundary**

مرز حلقه رشد [ع. گیاهی]

**growth stage**

مرحله رشد [ع. گیاهی]

**guard cell**

باخته نگهبان [ع. گیاهی]

**gum**

صمغ [مشترک]

**gum arabic**

صمغ عربی [ک. دارویی]

*syn. acacia gum***gummiferous**

صمغ‌بر [ع. گیاهی]

**gummy**

صمغی [ع. گیاهی]

**guttation**

زهش، تعریق [ع. گیاهی]

*syn. sudation***guttational**

زهشی، تعریقی [ع. گیاهی]

**gymnosperm**

بازدانه [ع. گیاهی]

**gynobasic**

بُن تخمدانی [ع. گیاهی]

**gynodioecious**

ماده-دو پایه [ع. گیاهی]

**gynoecium** → pistil**gynomonoecious**

ماده-یک پایه [ع. گیاهی]

**gynophore**

مادگی‌بر [ع. گیاهی]

**H****half-inferior**

نیمه‌تحتانی [ع. گیاهی]

**halophyte**

نمک‌رُست [ع. گیاهی]

**Hamamelidaceae** [انجیلیان ع. گیاهی]

**Hamamelidales** [انجیلی سانان ع. گیاهی]

**haploid** [تک لاد ع. گیاهی]

**haploidy** [تک لادی ع. گیاهی]

**hard dough stage**

مرحله سخت خمیری ع. گیاهی]

**hard seed** [بذر سخت ع. گیاهی]

**hardwood** [سخت چوب ع. گیاهی]

**hastate** [زوبینی ع. گیاهی]

**hastiform** [زوبین شکل ع. گیاهی]

**head** → capitulum

**heading stage**

مرحله خوشه دهی ع. گیاهی]

syn. heading time

**heading time** → heading stage

**heart** → heartwood

**heart-shaped** → cordate

**heartwood** [درون چوب ع. گیاهی]

syn. duramen, heart

**heat-shock protein**

پروتئین گرماشوک ع. گیاهی]

**Hedera** [عشقه ع. گیاهی]

**hedgenettle** → *Stachys*

**helicoid cyme** [گرزن مارپیچی ع. گیاهی]

syn. bostryx

**hemianatropous** [نیمه واژگون ع. گیاهی]

syn. hemitropous

**hemitropous**

→ hemianatropous

**henbit deadnettle**

→ *Lamium amplexicaule*

**Hepaticophyta** → Hepatophyta

**hepatics** → liverworts

**Hepatophyta** [جگرواش تباران ع. گیاهی]

syn. Hepaticophyta

**herbal materials**

مواد گیاهی [ک. دارویی]

**herbal preparations**

فراورده های گیاهی [ک. دارویی]

**herbarium** [گیاکده ع. گیاهی]

**herbarium specimen**

نمونه گیاکده ای ع. گیاهی]

**hereditary** [وراثتی ع. گیاهی]

**heredity** [وراثت ع. گیاهی]

**heritability** [وراثت پذیری ع. گیاهی]

**hermaphrodite flower**

→ bisexual flower

**hermaphroditism** [نرمادگی ع. گیاهی]

**hesperidiform**

لیموسنگی شکل ع. گیاهی]

**hesperidium** [پرتقالی ع. گیاهی]

**heterocellular ray**

اشعه ناجور یاخته ع. گیاهی]

**heterogamete** [ناجور کامه ع. گیاهی]

syn. anisogamete

**heterogametic** [ناجور کامه ای ع. گیاهی]

syn. anisogametic

**heterogamous** [ناجور کام ع. گیاهی]

<b>heterogamy</b>	ناجور کامی [ع. گیاهی]	<b>holocentric</b>	
<b>heterosis</b>	دورگگی [ع. گیاهی]	→ polycentric chromosome	
<b>heterosomal</b>	ناجور فام تنی [ع. گیاهی]	<b>holocentric chromosome</b>	
<b>heterosome</b>	ناجور فام تن [ع. گیاهی]	→ polycentric chromosome	
<b>heterotroph</b>	دگر پرورد <sup>۱</sup> [ع. گیاهی]	<b>holoendemic</b>	تام بوم ویژه،
<b>heterotrophic</b>	دگر پرورد <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]		تام انحصاری [ع. گیاهی]
<b>heterotrophy</b>	دگر پروردگی [ع. گیاهی]	<b>holoenzyme</b>	تام زی مایه،
<b>heterotropous</b>	ناجور سوگرا [ع. گیاهی]		تام آنزیم [ع. گیاهی]
<b>heterozygosis</b>	ناجور زاگی،	<b>holoschizoendemic</b>	تام واگرا بوم ویژه،
	ناجور تخمی [ع. گیاهی]		تام واگرا انحصاری [ع. گیاهی]
	<i>syn.</i> heterozygosity	<b>holotype</b>	تام مونه [ع. گیاهی]
<b>heterozygosity</b>		<b>homocellular ray</b>	
→ heterozygosis			اشعه جور یاخته [ع. گیاهی]
<b>Heterozygote</b>	ناجور زاگ <sup>۱</sup> ،	<b>homolog</b>	هم ساخت [ع. گیاهی]
	ناجور تخم <sup>۱</sup> [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> homologous	
<b>Heterozygous</b>	ناجور زاگ <sup>۲</sup> ،	<b>homologous</b> → homolog	
	ناجور تخم <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]	<b>homology</b>	هم ساختی [ع. گیاهی]
<b>hibernal</b>	زمستانی [ع. گیاهی]	<b>homonym</b>	هم نام [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> hiemal		<b>homoplasny</b>	جور گرایبی [ع. گیاهی]
<b>hiemal</b> → hibernal		<b>homozygosis</b>	جور زاگی،
<b>high mallow</b> → <i>Malva sylvestris</i>			جور تخمی [ع. گیاهی]
<b>hilum</b>	ناف [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> homozygosity	
<b>Hippocastanaceae</b>		<b>homozygosity</b> → homozygosis	
	شاه بلوط هندیان [ع. گیاهی]	<b>homozygote</b>	جور زاگ <sup>۱</sup> ،
<b>Hippuridaceae</b>	دُم قاطر بان [ع. گیاهی]		جور تخم <sup>۱</sup> [ع. گیاهی]
<b>Hippuris</b>	دُم قاطری [ع. گیاهی]	<b>homozygous</b>	جور زاگ <sup>۲</sup> ،
<b>hirsute</b>	ریش سان [ع. گیاهی]		جور تخم <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]
<b>hirtellous</b>	کوتله ریش [ع. گیاهی]	<b>honeycombed</b> → favosus	
<b>hispid</b>	سفت مو [ع. گیاهی]	<b>honeydew</b>	عسلک [ع. گیاهی]

<b>hooked</b> → uncinata		<b>hydrotropism</b>	[آب‌گرایی ع. گیاهی]
<b>hornworts</b>	شاخ‌واشان [ع. گیاهی]	<b>hygrophyte<sup>1</sup></b> → hydrophyte	
<b>horse mint</b>	پونه ک. دارویی	<b>hygrophyte<sup>2</sup></b>	[نم‌رُست ع. گیاهی]
<b>hull</b>	دان‌پوش [ع. گیاهی]	<b>hypanthium</b>	[گل‌بُنه ع. گیاهی]
<b>humic</b>	گیاخاکی [ع. گیاهی]		<i>syn. floral tube</i>
<b>humification</b>	گیاخاک‌شدگی،	<b>hypanthodium</b>	[گل‌بُنه‌ای ع. گیاهی]
	گیاخاک‌سازی [ع. گیاهی]	<b>Hypericaceae</b>	[گل‌راعیان ع. گیاهی]
<b>humus</b>	گیاخاک [ع. گیاهی]	<b>Hypericum</b>	[گل‌راعی ع. گیاهی]
<b>Hyacinthaceae</b>	سنبلیان [ع. گیاهی]	<b>hypermorph(ic)</b>	[بیش‌ریخت ع. گیاهی]
<b>Hyacinthus</b>	سنبل [ع. گیاهی]	<b>hypermorphic mutation</b>	
<b>hybrid</b>	دورگه [ع. گیاهی]		[جهش بیش‌ریخت ع. گیاهی]
<b>hybridism</b>	دورگه‌ای [ع. گیاهی]	<b>hyperpolarization</b>	
	<i>syn. hybridity</i>		[بیش‌قطبش ع. گیاهی]
<b>hybridity</b> → hybridism		<b>hyperpolarized</b>	[بیش‌قطبیده ع. گیاهی]
<b>hybridization</b>	دورگه‌سازی،	<b>hypersensitivity</b>	[بیش‌حساسی ع. گیاهی]
	دورگه شدن [ع. گیاهی]	<b>hypha</b>	[نخینه ع. گیاهی]
<b>hybridize</b>	دورگه ساختن [ع. گیاهی]		<i>syn. fungal filament</i>
<b>hybrid speciation</b>	گونه‌زایی دورگه [ع. گیاهی]	<b>hyphal</b>	[نخینه‌ای ع. گیاهی]
		<b>hyphodromous</b>	[پنهان‌رو ع. گیاهی]
<b>hybrid vigor</b>	برتری دورگه [ع. گیاهی]	<b>hypoderm</b>	[زیرپوست ع. گیاهی]
<b>hydathode</b>	روزنهٔ آبی [ع. گیاهی]	<b>hypodermic(al)</b>	[زیرپوستی ع. گیاهی]
<b>Hydrocharis</b>	تخت‌قورباغه [ع. گیاهی]	<b>hypogaeal</b>	[زیرزمینی ع. گیاهی]
<b>Hydrocharitaceae</b>	تخت‌قورباغه‌ایان [ع. گیاهی]	<b>hypogynous</b>	[زیرتخم‌دانی ع. گیاهی]
		<b>Hypolepidaceae</b>	[زیرپولکیان ع. گیاهی]
<b>hydrochory</b>	آب‌برافشانی [ع. گیاهی]	<b>hypomorph(ic)</b>	[کم‌ریخت ع. گیاهی]
<b>hydrophily</b>	آب‌گرده‌افشانی [ع. گیاهی]	<b>hypomorphic mutation</b>	
<b>hydrophobic interaction</b>			[جهش کم‌ریخت ع. گیاهی]
	برهم‌کنش آب‌گریز [ع. گیاهی]	<b>hypotropous</b>	[زیرگرا ع. گیاهی]
<b>hydrophyte</b>	آب‌رُست [ع. گیاهی]	<b>hypotropous-dorsal</b>	
	<i>syn. hygrophyte<sup>1</sup></i>		[زیرگرای پشتی ع. گیاهی]

- hypotropous-ventral**  
زیرگرای شکمی [ع. گیاهی]
- hyssop** → *Hyssopus*
- Hyssopus** [ع. گیاهی] زوفا [ک. دارویی]  
*syn. hyssop*
- Hyssopus angustifolius***  
زوفا ی برگ‌باریک [ک. دارویی]
- Hyssopus officinalis***  
زوفا ی دارویی [ک. دارویی]
- I**
- ice-cream plant**  
گیاه خوش‌چر [ع. گیاهی]
- ichthyochory** [ع. گیاهی] ماهی‌برافشانی [ع. گیاهی]
- identification** [ع. گیاهی] شناسایی [ع. گیاهی]
- Ilex*** [ع. گیاهی] خاس [ع. گیاهی]
- immature wood**  
→ juvenile wood
- imbricate** [ع. گیاهی] هم‌پوش [ع. گیاهی]
- imperilled species**  
گونه دربیم [ع. گیاهی]
- inbred line** [ع. گیاهی] رگه خویش‌آمیخته [ع. گیاهی]  
*syn. inbred strain*
- inbred strain** → inbred line
- inbreeding** [ع. گیاهی] خویش‌آمیزی [ع. گیاهی]
- incipient species**  
→ semispecies
- incised** [ع. گیاهی] شکافته [ع. گیاهی]
- increment percent**  
درصد رویش [ع. گیاهی]
- indehiscent** [ع. گیاهی] ناشکופا [ع. گیاهی]
- indehiscent fruit**  
میوه ناشکופا [ع. گیاهی]
- indented key** [ع. گیاهی] کلید دندان‌های [ع. گیاهی]
- indeterminate species**  
گونه نامعین [ع. گیاهی]
- index species**  
→ indicator species
- indicator plant** [ع. گیاهی] گیاه معرف [ع. گیاهی]
- indicator species** [ع. گیاهی] گونه معرف [ع. گیاهی]  
*syn. index species, management*
- indifferent plant** [ع. گیاهی] گیاه خنثی [ع. گیاهی]
- indigenous species** [ع. گیاهی] گونه بوم‌زاد [ع. گیاهی]
- individual** [ع. گیاهی] فرد [ع. گیاهی]
- indumentum** → vestiture
- inferior ovary** [ع. گیاهی] تخمدان تحتانی [ع. گیاهی]
- inflorescence** [ع. گیاهی] گل‌آذین [ع. گیاهی]
- inflorescence bract**  
برگه گل‌آذین [ع. گیاهی]
- inflorescence bud**  
جوانه گل‌آذین [ع. گیاهی]
- infraspecific** [ع. گیاهی] فروگونه‌ای [ع. گیاهی]
- infraspecific level**  
تراز فروگونه‌ای [ع. گیاهی]
- infrasubspecific**  
فروزیرگونه‌ای [ع. گیاهی]
- infusion** [ک. دارویی] دم کرده [ک. دارویی]
- ingroup** [ع. گیاهی] درون‌گروه [ع. گیاهی]
- initial** [ع. گیاهی] پیش‌آغاز [ع. گیاهی]  
*syn. initium*

**initium** → initial

**initium folier** [ع. گیاهی] پیش‌آغازۀ برگ‌گی

**inner bark** [ع. گیاهی] پوست درونی

**insufficiently known species**  
گونه کم‌شناخته [ع. گیاهی]

**integument** [ع. گیاهی] تخمک‌پوش  
*syn. tegument*

**intercalary meristem**  
سرلاد میان‌گره‌ای [ع. گیاهی]

**internode** [ع. گیاهی] میان‌گره

**interspecific** [ع. گیاهی] بین‌گونه‌ای

**interspecific competition**  
رقابت بین‌گونه‌ای [ع. گیاهی]

**interspecific hybrid**  
دورگه بین‌گونه‌ای [ع. گیاهی]

**interspecific relation**  
رابطه بین‌گونه‌ای [ع. گیاهی]

**intine** [ع. گیاهی] درون‌پوش

**intraspecific** [ع. گیاهی] درون‌گونه‌ای

**intraspecific rank**  
رتبه درون‌گونه‌ای [ع. گیاهی]

**introduced species**  
گونه وارداتی [ع. گیاهی]

**introrse dehiscence**  
شکفتگی درون‌افشان [ع. گیاهی]

**invader** → invasive species

**invasive species** [ع. گیاهی] گونه مهاجم  
*syn. invader*

**inversely lanceolate**

→ oblanceolate

**inversely ovate** → obovate

**inverted pyriform**  
→ obpyriform

**in vitro** [ع. گیاهی] درون‌شیشه‌ای، درون‌شیشه

**in vitro mutagenesis**  
چپش‌زایی درشیشه [ع. گیاهی]

**in vivo** [ع. گیاهی] درون‌زبوه‌ای، درزبوه

**involucel** [ع. گیاهی] گریبانک

**involucre** [ع. گیاهی] گریبان

**involute** [ع. گیاهی] درون‌پیچ

**Iridaceae** [ع. گیاهی] زنبقیان

**Iris** [ع. گیاهی] زنبق

**irregular** [ع. گیاهی] نامنظم  
*syn. bilateral*

**isoenzyme** → isozyme

**isogamete** [ع. گیاهی] جورکامه

**isogametic** [ع. گیاهی] جورکامه‌ای

**isogamous** [ع. گیاهی] جورکام

**isogamy** [ع. گیاهی] جورکامی

**isogenic lines** [ع. گیاهی] رگه‌های هم‌ژن  
*syn. isolines*

**isolines** → isogenic lines

**isomerous** [ع. گیاهی] جورپار

**isotype** [ع. گیاهی] جورمونه

**isozyme** [ع. گیاهی] هم‌زیم

*syn. isoenzyme*

**ispaghula** → blond plantain

## J

- jackknife** خودراه‌اندازی بی‌تکرار [ع. گیاهی]  
**jagged** → laciniate  
**jointing stage** مرحلهٔ گره‌خیزی [ع. گیاهی]  
**jordanon** → microspecies  
**Juglandaceae** گردوئیان [ع. گیاهی]  
**Juglans** گردو [ع. گیاهی]  
**jujuba** → jujube  
**jujube** عناب<sup>۱</sup> [گ. دارویی]  
 syn. jujuba  
**Juncaceae** سازوئیان [ع. گیاهی]  
**Juncaginaceae** سه‌سیخکیان [ع. گیاهی]  
**Juncus** سازو [ع. گیاهی]  
**juvenile core** → juvenile wood  
**juvenile wood** جوان‌چوب [ع. گیاهی]  
 syn. core wood, immature wood,  
 juvenile core, pith wood

## K

- karyokinesis** تقسیم هسته [ع. گیاهی]  
**karyokinetic** تقسیم هسته‌ای [ع. گیاهی]  
**key** کلید [ع. گیاهی]  
**keystone species** گونهٔ شالوده [ع. گیاهی]  
**kernel** مغز دانه [ع. گیاهی]  
**key species** گونهٔ کلیدی [ع. گیاهی]  
**kidney-shaped** → reniform  
**kinetosome** جنبان [ع. گیاهی]  
 syn. basal granule, basal body  
**kingdom** سلسله [ع. گیاهی]

## L

- Labiatae** → Lamiaceae  
**laciniate** کافته [ع. گیاهی]  
 syn. jagged  
**Lallemantia** بالنگو [گ. دارویی]  
**Lallemantia iberica** بالنگوی شهری [گ. دارویی]  
**Lallemantia royleana** بالنگوی شیرازی [گ. دارویی]  
**lamb's ear(s)** چای کوهی [گ. دارویی]  
**Lamiaceae** نعنائیان [ع. گیاهی]  
 syn. Labiatae  
**Lamiales** نعناسانان [ع. گیاهی]  
**lamina** → blade  
**laminar** تیغه‌ای [ع. گیاهی]  
**Lamium** گزنه سفید [گ. دارویی]  
 syn. deadnettle  
**Lamium album** گزنه سفید رسمی [گ. دارویی]  
 syn. white deadnettle,  
 white nettle  
**Lamium amplexicaule** گزنه سفید ساقه‌آغوش [گ. دارویی]  
 syn. henbit deadnettle,  
 greater henbit  
**Lamium galeobdolon** گزنه سفید زردگل [گ. دارویی]  
 syn. *Galeobdolon luteum*,  
 yellow archangel

<b>Lammas growth</b>	برگ [ع. گیاهی]
→ Lammas shoot	
<b>Lammas shoot</b> [ع. گیاهی]	جست تابستانه [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> Lammas growth,	
late-season shoot,	
proleptic shoot	
<b>lanate</b> [ع. گیاهی]	پشمین [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> wooly	
<b>lanceolate</b> [ع. گیاهی]	سرنیزه‌ای [ع. گیاهی]
<b>langsat</b> → long long	
<b>late crop</b> [ع. گیاهی]	گیاه دیررس [ع. گیاهی]
<b>lateral</b> → axillary <sup>2</sup>	
<b>lateral bud</b> [ع. گیاهی]	جوانهٔ جانبی [ع. گیاهی]
<b>lateral meristem</b>	سرلاد جانبی [ع. گیاهی]
<b>lateral style</b> [ع. گیاهی]	خامهٔ جانبی [ع. گیاهی]
<b>late-season shoot</b>	
→ Lammas shoot	
<b>latewood</b> [ع. گیاهی]	پسین چوب [ع. گیاهی]
<b>latex</b> [مشترک]	شیرابه [مشترک]
<b>laticifer</b> [ع. گیاهی]	شیرابه‌دار، شیرابه‌تر [ع. گیاهی]
<b>laticiferous</b> [ع. گیاهی]	شیرابه‌ای [ع. گیاهی]
<b>latrorse dehiscence</b>	شکفتگی کنارافشان [ع. گیاهی]
<b>Lauraceae</b> [ع. گیاهی]	برگ‌بوئیان [ع. گیاهی]
<b>Lurales</b> [ع. گیاهی]	برگ‌بوسانان [ع. گیاهی]
<b>Laurus</b> [ع. گیاهی]	برگ‌بو [ع. گیاهی]
<b>Lawsonia</b> [ع. گیاهی]	حنا [ع. گیاهی]
<b>lead</b> [ع. گیاهی]	نیم‌بند [ع. گیاهی]
<b>leaf</b>	برگ [ع. گیاهی]
<b>leaf abscission</b> [ع. گیاهی]	برگ‌ریزی <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]
<b>leafless</b> → afoliate	
<b>leaflet</b> [ع. گیاهی]	برگچه [ع. گیاهی]
<b>leaf primordium</b> [ع. گیاهی]	آغازۀ برگ [ع. گیاهی]
<b>leafstalk</b> → petiole	
<b>lectotype</b> [ع. گیاهی]	گزین‌مونه [ع. گیاهی]
<b>legume</b> [ع. گیاهی]	نیام [ع. گیاهی]
<b>Leguminosae</b> → Fabaceae	
<b>Lemna</b> [ع. گیاهی]	عدسک آبی [ع. گیاهی]
<b>Lemnaceae</b> [ع. گیاهی]	عدسک‌آبیان [ع. گیاهی]
<b>lemon balm</b> → common balm	
<b>Lentibulariaceae</b> [ع. گیاهی]	علفان‌بانیان [ع. گیاهی]
<b>lenticel</b> [ع. گیاهی]	عدسک [ع. گیاهی]
<b>lepidote</b> [ع. گیاهی]	پولک‌دار [ع. گیاهی]
<b>leucoplast</b> [ع. گیاهی]	سفیددیسه [ع. گیاهی]
<b>ligase</b> → DNA ligase	
<b>lightning ring</b> [ع. گیاهی]	حلقهٔ برق‌زاد [ع. گیاهی]
<b>ligulate</b> <sup>1</sup> [ع. گیاهی]	زبانک‌دار [ع. گیاهی]
<b>ligulate</b> <sup>2</sup> [ع. گیاهی]	زبانۀ‌ای [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> strap-shaped,	
tongue-shaped	
<b>ligule</b> [ع. گیاهی]	زبانک [ع. گیاهی]
<b>Liliaceae</b> [ع. گیاهی]	سوسنیان [ع. گیاهی]
<b>Liliales</b> [ع. گیاهی]	سوسن‌سانان [ع. گیاهی]
<b>Lilium</b> [ع. گیاهی]	سوسن [ع. گیاهی]
<b>Linaceae</b> [ع. گیاهی]	کتانیان [ع. گیاهی]
<b>line</b> [ع. گیاهی]	رگه <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]
<b>linear</b> [ع. گیاهی]	خطی [ع. گیاهی]



<b>linearly oblong</b>		<b>lomentum</b>	[ع. گیاهی] تسبیحی
	[ع. گیاهی] مستطیلی خطی	<b>longan</b>	[ع. گیاهی] چشالو
<b>lineate</b>	[ع. گیاهی] خطدار	<b>long-day plant</b>	[ع. گیاهی] گیاه روزبلند
<b>lineolate</b>	[ع. گیاهی] ریزخطدار	<b>longitudinal dehiscence</b>	
<b>linseed oil</b>	[ع. گیاهی] روغن تخم کتان		[ع. گیاهی] شکستگی طولی
	[ک. دارویی] روغن بزرک	<b>long long</b>	[ع. گیاهی] زَرگیل
			<i>syn. langsats</i>
<i>syn. flaxseed oil</i>		<b>Loranthaceae</b>	[ع. گیاهی] موخوریان
<b>Linum</b>	[مشترک] کتان	<b>Loranthus</b>	[ع. گیاهی] موخور
		<b>lorate</b>	[ع. گیاهی] تسمه‌ای
<i>syn. flax</i>			<i>syn. loratus, loriformis</i>
<b>listed species</b>		<b>loratus</b> → <b>lorate</b>	
	[ع. گیاهی] گونه فهرست شده	<b>loriformis</b> → <b>lorate</b>	
<b>litchi</b>	[ع. گیاهی] سُرخالو	<b>loss of function</b>	
<b>lithophyte</b>	[ع. گیاهی] سنگ‌رُست		→ loss of function mutation
<b>lithotroph</b>	[ع. گیاهی] کانی‌پرورد <sup>۱</sup>	<b>loss of function mutation</b>	
<b>lithotrophic</b>	[ع. گیاهی] کانی‌پرورد <sup>۲</sup>		[ع. گیاهی] جهش کارکردزدا
<b>lithotrophy</b>	[ع. گیاهی] کانی‌پروردگی		<i>syn. loss of function</i>
<b>liverworts</b>	[ع. گیاهی] جگرواشان	<b>lupine</b>	[ع. گیاهی] بافلامصری
		<b>Lycopodiaceae</b>	[ع. گیاهی] پنجه‌گرگیان
<i>syn. hepatics</i>		<b>lyrate</b>	[ع. گیاهی] ربایی
<b>living modified organism</b>		<b>lysosome</b>	[ع. گیاهی] کافنده‌تن
	→ genetically modified	<b>Lythraceae</b>	[ع. گیاهی] حنائیان
<b>organism</b>			
<b>lobe</b>	[ع. گیاهی] لَب		
<b>lobed</b>	[ع. گیاهی] لَب‌دار		
<b>localized mutagenesis</b>			
	→ site-directed mutagenesis		
<b>loculicidal capsule</b>			
	[ع. گیاهی] پوشینه حجره‌شکاف	<b>maceration<sup>1</sup></b>	[ک. دارویی] خیساندن
<b>Loganiaceae</b>	[ع. گیاهی] دُم‌موشیان	<b>maceration<sup>2</sup></b>	[ک. دارویی] خیسانده
<b>lomenticorn</b>	[ع. گیاهی] تسبیحی شکل	<b>macroevolution</b>	[ع. گیاهی] تکامل کلان
			[ع. گیاهی] کلان‌فرگشت

## M

**macrogamete** [ع. گیاهی] درشت کامه

*syn.* megagamete

**Magnolia** [ع. گیاهی] ماگنولیا

**Magnoliaceae** [ع. گیاهی] ماگنولیائیان

**Magnoliales** [ع. گیاهی] ماگنولیاسانان

**maintainer line** [ع. گیاهی] رگه نگهدار

**majority-rule consensus tree**

[ع. گیاهی] درخت اجماع اکثریتی

**major plantain** → *Plantago major*

**male steril line** [ع. گیاهی] رگه نر عقیم

**Malpighiales** [ع. گیاهی] مالیپیگی سانان

**Malva** [مشترک] پنبرک

**Malvaceae** [مشترک] پنبرکیان

**Malvales** [ع. گیاهی] پنبرک سانان

**Malva neglecta Wallr**

[ع. گیاهی] پنبرک رونده

*syn.* running mallow

**Malva sylvestris** [ع. گیاهی] پنبرک پابلند

*syn.* high mallow

**mammaliochory**

[ع. گیاهی] پستانداربرافشانی

**management indicator species**

→ indicator species

**mangosteen** [ع. گیاهی] ترگیل

**Maranta** [ع. گیاهی] مارانتا

**Marantaceae** [ع. گیاهی] مارانتائیان

**marcescent** [ع. گیاهی] پژمرده مان

**marginal** [ع. گیاهی] حاشیه ای

**marine biocoenosis/**

**marine biocenosis**

[ع. گیاهی] زی سازند دریایی

**Marsileaceae** [ع. گیاهی] شبدر آبیان

**Martyniaceae** [ع. گیاهی] مارتینیان

[ع. گیاهی] شاخ بزبان

**mass extinction**

[ع. گیاهی] انقراض جمعی

**maternal inheritance**

[ع. گیاهی] وراثت مادری

**maximum parsimony**

[ع. گیاهی] بیشینه صرفه جویی

*abbr.* MP

**medicinal plants**

[ع. گیاهی] گیاهان دارویی

**medifixed** [ع. گیاهی] میان چسب

**medium crop** [ع. گیاهی] گیاه میان رس

**megagamete** → macrogamete

**megaspore**

[ع. گیاهی] کلان هاگدان

**megaspore** [ع. گیاهی] کلان هاگ

**meiosis** [ع. گیاهی] کاستمان

**meiotic** [ع. گیاهی] کاستمانی

**Melia** [ع. گیاهی] زیتون تلخ

**Meliaceae** [ع. گیاهی] زیتون تلخیان

**Melissa** [ع. گیاهی] وارنگ بو

**Melissa calamintha**

→ *Calamintha officinalis*

**Melissa officinalis**

[ع. گیاهی] وارنگ بوی دارویی

**membrane potential**

پتانسیل غشا [ع. گیاهی]

syn. transmembrane potential

**Mentha**

نعنا [مشترک]

**Mentha aquatica var. persica**→ *Mentha aquatica***Mentha aquatica**

نعناجویباری [ک. دارویی]

syn. *Mentha aquatica* var. *persica*,

water mint

**Mentha longifolia**

نعناپونه [ک. دارویی]

syn. *Mentha spicata* var. *longifolia*,*Mentha sylvestris***Mentha nigricans**→ *Mentha x piperita***Mentha piperita var. sylvestris**→ *Mentha x piperita***Mentha pulegium**

نعناخالواش [ک. دارویی]

syn. *Pulegium vulgare***Mentha spicata**

نعناداشتی [ک. دارویی]

syn. *Mentha viridis*,*Mentha sylvestris* var. *viridis*,

spearmint

**Mentha spicata var. longifolia**→ *Mentha longifolia***Mentha sylvestris**→ *Mentha longifolia***Mentha sylvestris var. viridis**→ *Mentha spicata***Mentha viridis** → *Mentha spicata***Mentha x piperita**

نعنافلفلی [ک. دارویی]

syn. *Mentha piperita* var.*sylvestris*, *Mentha nigricans*,

peppermint

**mericarp**

پاربر [ع. گیاهی]

**meristem**

سَرلاد [ع. گیاهی]

**meristemic**

سَرلادی [ع. گیاهی]

**merosity**

پارگان [ع. گیاهی]

**merozygote**

پارزاگ [ع. گیاهی]

**mesocarp**

میان‌بَر [ع. گیاهی]

**mesoderm**

میان‌پوست [ع. گیاهی]

**mesodermal** → mesodermic**mesodermic**

میان‌پوستی [ع. گیاهی]

syn. mesodermal

**mesophyll**

میان‌برگ [ع. گیاهی]

**mesophyllic**

میان‌برگی [ع. گیاهی]

syn. mesophyllous

**mesophyllous** → mesophyllic**metabolic**

دگرگشتی [ع. گیاهی]

**metabolism**

دگرگشت،

سوخت‌وساز [ع. گیاهی]

**metabolite**

دگرگشته [ع. گیاهی]

**metacentric chromosome**

فام‌تن مرکز میان [ع. گیاهی]

**metaxylem**

پس‌چوب [ع. گیاهی]

**microbiocoenosis/****microbiocenosis**

ریزی‌سازند،

ریززی‌سازند [ع. گیاهی]

**microbody** ریزتن [ع. گیاهی]

**microevolution** تکامل خُرد،  
خُردفرگشت [ع. گیاهی]

**microfilament** ریزرشته [ع. گیاهی]

**microfilamentous** ریزرشته‌ای [ع. گیاهی]

**microgamete** ریزکامه [ع. گیاهی]

**microorganic** ریزاندامگانی [ع. گیاهی]

*syn.* microorganismal

**microorganism** ریزاندامگان [ع. گیاهی]

**microorganismal**

→ microorganism

**micropropagation**

ریز تکثیر [ع. گیاهی]

**micropylar** سُفتی [ع. گیاهی]

**micropyle** سُفت [ع. گیاهی]

**microsatellite** ریزماهواره [ع. گیاهی]

**micro satellite DNA**

ذِنای ماهواره‌ای ریز [ع. گیاهی]

**microspecies** ریزگونه [ع. گیاهی]

*syn.* jordanon

**microtubular** ریزلوله‌ای [ع. گیاهی]

**microtubule** ریزلوله [ع. گیاهی]

**midrib** رگبرگ اصلی [ع. گیاهی]

*syn.* costa

**midvein** رگبرگچه اصلی [ع. گیاهی]

**milk stage** مرحله شیر [ع. گیاهی]

**Mimosaceae** کهوریان [ع. گیاهی]

*syn.* Mimosoidae

**Mimosoidae** → Mimosaceae

**minutely pubescent**

→ puberulent

**mixotroph** آمیزه‌پرورد<sup>۱</sup> [ع. گیاهی]

**mixotrophic** آمیزه‌پرورد<sup>۲</sup> [ع. گیاهی]

**mixotrophy** آمیزه‌پروردگی [ع. گیاهی]

**Moldavian balm** باذرشبی<sup>۲</sup> [ک. دارویی]

**Moldavian dragonhead**

→ *Dracocephalum moldavica*

**Moldavica punctata**

→ *Dracocephalum moldavica*

**Moldavica suaveolens**

→ *Dracocephalum moldavica*

**molecular agriculture**

→ molecular farming

**molecular clock**

ساعت مولکولی [ع. گیاهی]

**molecular farming**

مولکول‌پروری [ع. گیاهی]

*syn.* molecular pharming,

molecular agriculture,

biofarming

**molecular mycology**

قارچ‌شناسی مولکولی [ع. گیاهی]

**molecular pharming**

→ molecular farming

**Molluginaceae** گلی‌نازیان [ع. گیاهی]

**Mollugo** گلی‌ناز [ع. گیاهی]

**monadelphous** یک‌دسته‌ای [ع. گیاهی]

**monk's pepper**

→ *Vitex agnus-castus*

<b>monocarpic</b>	یک‌بارثمر [ع. گیاهی]	<b>mucronulate</b>	نوک‌منقار کی [ع. گیاهی]
<b>monochasial</b>	گوزن‌یک‌سویه‌ای [ع. گیاهی]	<b>multiple fruit</b>	میوهٔ مرکب [ع. گیاهی]
<b>monochasium</b>	گوزن‌یک‌سویه [ع. گیاهی]	<b>multiseriate ray</b>	اشعهٔ چندلایه [ع. گیاهی]
<b>Monochoria</b>	غلافی <sup>۱</sup> [ع. گیاهی]	<b>multistate character</b>	صفت چندحالتی [ع. گیاهی]
<b>monogamous</b>	تک‌کام [ع. گیاهی]	<b>muricate</b>	سنگ‌پایی [ع. گیاهی]
<b>monogamy</b>	تک‌کامی [ع. گیاهی]	<b>Musa</b>	موز [ع. گیاهی]
<b>monograph</b>	تک‌نگاشت [ع. گیاهی]	<b>Musaceae</b>	موزیان [ع. گیاهی]
<b>monophyletic</b>	تک‌تبار [ع. گیاهی]	<b>mutation breeding</b>	به‌نژادی جهشی [ع. گیاهی]
<b>monophyly</b>	تک‌تباری [ع. گیاهی]	<b>mycelial</b>	جُلینه‌ای [ع. گیاهی]
<b>monosulcate</b>	تک‌شیار [ع. گیاهی]	<b>mycelium</b>	جُلینه [ع. گیاهی]
<b>monothecal</b>	تک‌خانگی [ع. گیاهی]	<b>myceloid</b>	جُلینه‌سا [ع. گیاهی]
<b>Monotrop</b>	تک‌سو [ع. گیاهی]	<b>mycology</b>	قارچ‌شناسی [ع. گیاهی]
<b>Monotropaceae</b>	تک‌سوفیان [ع. گیاهی]	<b>mycophage</b>	قارچ‌خوار [ع. گیاهی]
<b>Moraceae</b>	توتیان [ع. گیاهی]	<b>myrmecophily</b>	مورگرده‌افشانی [ع. گیاهی]
<b>Morina</b>	خارعروس [ع. گیاهی]	<b>Myrtaceae</b>	موردیان [ع. گیاهی]
<b>Morinaceae</b>	خارعروسیان [ع. گیاهی]	<b>Myrtales</b>	موردسانان [ع. گیاهی]
<b>Moringa</b>	گزروغنی [ع. گیاهی]	<b>Myrtus</b>	مورد [ع. گیاهی]
<b>Moringaceae</b>	گزروغنیان [ع. گیاهی]		
<b>morphospecies</b>	ریخت‌گونه [ع. گیاهی]		
<b>Morus</b>	توت [ع. گیاهی]		
<b>Mosses</b> → Bryophyta			N
<b>most recent common ancestor</b>			
	آخرین نیای مشترک [ع. گیاهی]		
<b>Moutabeaceae</b> → Polygalaceae		<b>Najadaceae</b>	تیزکیان [ع. گیاهی]
<b>MP</b> → maximum parsimony		<b>Najas</b>	تیزک [ع. گیاهی]
<b>MRC</b>	آنیم [ع. گیاهی]	<b>narrowleaf plantain</b>	
<b>mucilage</b>	لغاب [ع. گیاهی]	→ <i>Plantago lanceolata</i>	
<b>mucilaginous</b>	لغاب‌دار، لغابی [ع. گیاهی]	<b>narrow-leaved plant</b> → grass	
<b>mucronate</b>	نوک‌منقاری [ع. گیاهی]	<b>narrowly oblong</b>	مستطیلی باریک [ع. گیاهی]

- nastic** [تنجشی ع. گیاهی]
- nastie** [تنجش ع. گیاهی]
- native species** [گونهٔ بومی ع. گیاهی]
- natural selection**  
[انتخاب طبیعی ع. گیاهی]
- near isogenic lines**  
[رگه‌های نسبتاً هم‌ژن ع. گیاهی]
- nectar** [شهد ع. گیاهی]
- nectary** [شهددان ع. گیاهی]
- needle-shaped** → acicular<sup>1</sup>
- needle-leaved** [سوزنی‌برگ ع. گیاهی]  
syn. acicular, aciculum,  
aciculate, aciculiform
- neighbour joining**  
[اتصال همسایه‌ها ع. گیاهی]
- Nelumbo** [نعله‌باقالا ع. گیاهی]
- Nelumbonaceae** [نعله‌باقالائیان ع. گیاهی]
- neoendemic**  
[نوبوم‌ویژه، نوانحصاری ع. گیاهی]
- neoglucogenesis**  
→ gluconeogenesis
- neoglucogenetic**  
→ gluconeogenetic
- neomorph(ic)** [نوریخت ع. گیاهی]
- neomorphic mutation**  
[جهش نوریخت ع. گیاهی]
- neotype** [نومونه ع. گیاهی]
- Nerium** [خرزهره ع. گیاهی]
- nerve** [رگه<sup>1</sup> علوم گیاهی]
- nerville** → veinlet
- netted** → reticulate
- neutral-day plant**  
[گیاه روزخنشی ع. گیاهی]  
syn. day-neutral plant
- nitrification** [شوره‌سازی ع. گیاهی]
- node** [گره ع. گیاهی]
- no longer threatened species**  
[گونهٔ تهدیدرسته ع. گیاهی]
- nomenclatural type**  
[مونهٔ نامگانی ع. گیاهی]
- nondecussate** [متقابل ناضربدری ع. گیاهی]
- non-genetically modified organism** [اندامگان ناتراژنه ع. گیاهی]
- non-GMO** [ناتراژنه ع. گیاهی]
- non-native species**  
→ exotic species
- notched** → dentate
- nucellar** [خورشی ع. گیاهی]
- nucellus** [خورش<sup>2</sup> ع. گیاهی]
- nucleosome** [هسته‌تن ع. گیاهی]
- numbered key** [کلید شماره‌ای ع. گیاهی]
- nut** [فندقی ع. گیاهی]
- nutlet** [فندقچه ع. گیاهی]
- Nyctaginaceae** [گل‌کاغذیان ع. گیاهی]
- Nymphaea** [نیلوفر آبی ع. گیاهی]
- Nymphaeaceae** [نیلوفرآبیان ع. گیاهی]
- Nymphaeales** [نیلوفرآبی‌سانان ع. گیاهی]

## O

**obcordate** واژقلبی [ع. گیاهی]

**obdeltoid** واژدلتاوار [ع. گیاهی]

**obdiplostemonous**  
واژدو حلقه پرچمی [ع. گیاهی]

**oblanceolate** واژسرنیزه‌ای [ع. گیاهی]  
*syn. inversely lanceolate*

**oblong** مستطیلی [ع. گیاهی]

**obovate** واژتخم‌مرغی [ع. گیاهی]  
*syn. inversely ovate*

**obpandurate** واژقلیانی [ع. گیاهی]

**obpyriform** واژگلابی‌شکل [ع. گیاهی]  
*syn. inverted pyriform*

**obtuse** نوک‌کند [ع. گیاهی]

**ocellate** چشمک‌دار [ع. گیاهی]

**ochreate** → *ocrea*

**ocrea** گوشواره غلافی [ع. گیاهی]  
*syn. ochreate*

**Oenothera** گل مغربی [ع. گیاهی]

**Oenotheraceae** → *Onagraceae*

**offset** پاگیاه [ع. گیاهی]

**offshoot** تنه‌جوش [ع. گیاهی]

**oil of anise** → *anise oil*

**oil of camphor** روغن کافور [ک. دارویی]  
*syn. camphor essential oil*

**oil of cinnamon**  
روغن دارچین [ک. دارویی]

**oil of clove** روغن میخک [ک. دارویی]  
*syn. clove oil*

**oil of coriander** روغن گشنیز [ک. دارویی]

**oil of dill** روغن شوید [ک. دارویی]

**oil of peppermint**  
روغن نعنا فلفلی [ک. دارویی]

*syn. peppermint essential oil*

**Olea** زیتون [ع. گیاهی]

**Oleaceae** زیتونیان [ع. گیاهی]

**oleosome** → *spherosome*

**oligonucleotid directed  
mutagenesis** →  
*site-directed mutagenesis*

**oligotroph** کاستی پرورد<sup>۱</sup> [ع. گیاهی]

**oligotrophic** کاستی پرورد<sup>۲</sup> [ع. گیاهی]

**oligotrophy** کاستی پروردگی [ع. گیاهی]

**Onagraceae** گل مغربیان [ع. گیاهی]  
*syn. Oenotheraceae*

**one-grained wheat** → *einkorn*

**oogamete** تخمک کامه [ع. گیاهی]

**oogamous** تخمک‌کام [ع. گیاهی]

**oogamy** تخمک‌کامی [ع. گیاهی]

**oogonium** → *archegonium*

**oosphere** تخم‌زا [ع. گیاهی]

**open pollinated**

آزادگرده‌افشان [ع. گیاهی]

**open pollination**

آزادگرده‌افشانی [ع. گیاهی]

**operational taxonomic unit**

*abbr. OTU*

واحد عملی آرایه‌شناختی [ع. گیاهی]

<b>operculum</b>	درپوش [ع. گیاهی]	<b>Orobanchaceae</b>	کُلّ جالیزیان [ع. گیاهی]
<b>Ophioglossaceae</b>	مارزبانیان [ع. گیاهی]	<b>Orobanche</b>	کُلّ جالیز [ع. گیاهی]
<b>opium</b>	تریاک [گ. دارویی]	<b>ornithochory</b>	پرنده‌برافشانی [ع. گیاهی]
<b>opposite</b>	متقابل [ع. گیاهی]	<b>ortho-amphitropous</b>	
<b>opposite leaves</b>			راست - دوسوگرا [ع. گیاهی]
	برگ‌های متقابل [ع. گیاهی]	<b>ortho-campylotropous</b>	
<b>Opuntia</b>	کاکتوس [ع. گیاهی]		راست - خمش گرا [ع. گیاهی]
<b>orbicular</b>	دایره‌ای [ع. گیاهی]	<b>orthodox seed</b>	بذر ماندگار [ع. گیاهی]
<b>Orchidaceae</b>	ثعلبیان [ع. گیاهی]	<b>orthotropous</b>	راست [ع. گیاهی]
<b>Orchis</b>	ثعلب [ع. گیاهی]	<b>Osmunda</b>	شاه‌سرخس [ع. گیاهی]
<b>order</b>	راسته [ع. گیاهی]	<b>Osmundaceae</b>	شاه‌سرخسیان [ع. گیاهی]
<b>ordered</b>	مرتب [ع. گیاهی]	<b>Osmundales</b>	شاه‌سرخس‌سانان [ع. گیاهی]
<b>organ</b>	اندام، عضو [ع. گیاهی]	<b>OTU</b> →	
<b>organelle</b>	اندامک [ع. گیاهی]		operational taxonomic unit
<b>organic<sup>1</sup></b>	اندامگانی [ع. گیاهی]	<b>outer bark</b>	پوست بیرونی [ع. گیاهی]
<b>organic<sup>2</sup></b>	اندامی، عضوی [ع. گیاهی]		syn. rhytidome
<b>organism</b>	اندامگان [ع. گیاهی]	<b>outgroup</b>	برون‌گروه [ع. گیاهی]
<b>organogenesis</b>	اندام‌زایی [ع. گیاهی]	<b>ovary</b>	تخم‌دان [ع. گیاهی]
	syn. organogeny	<b>ovate</b>	تخم‌مرغی [ع. گیاهی]
<b>organogenetic</b>	اندام‌زایشی [ع. گیاهی]		syn. egg-shaped
	syn. organogenic	<b>ovoid</b>	تخم‌مرغ‌وار [ع. گیاهی]
<b>organogenic</b> → organogenetic		<b>ovular</b>	تخمکی [ع. گیاهی]
<b>organogeny</b> → organogenesis		<b>ovulate</b>	تخمک‌دار [ع. گیاهی]
<b>organoid</b>	اندام‌سا [ع. گیاهی]	<b>ovule</b>	گیامامه، مامه، تخمک گیاهی، تخمک [ع. گیاهی]
<b>organotroph</b>	آلی‌پرورد <sup>۱</sup> [ع. گیاهی]	<b>Oxalidaceae</b>	شبدترترشکیان [ع. گیاهی]
<b>organotrophic</b>	آلی‌پرورد <sup>۲</sup> [ع. گیاهی]	<b>Oxalidales</b>	شبدترترشک‌سانان [ع. گیاهی]
<b>organotrophy</b>	آلی‌پروردگی [ع. گیاهی]	<b>Oxalis</b>	شبدترترشک [ع. گیاهی]
<b>orientation</b>	جهت [ع. گیاهی]		



<b>P</b>		<b>paniculate</b>	چندخوشه‌ای [ع. گیاهی]
		<i>syn.</i> panicked	
<b>Paeonia</b>	گُل صدتومانی [ع. گیاهی]	<b>pannose</b>	پتویی [ع. گیاهی]
<b>Paeoniaceae</b>	گُل صدتومانیان [ع. گیاهی]	<b>Papaver</b>	شقایق [ع. گیاهی]
<b>paleaceous</b>	کاهک‌دار [ع. گیاهی]	<b>Papaveraceae</b>	شقایقیان [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> chaffy		<b>Papaverales</b>	شقایق‌سانان [ع. گیاهی]
<b>paleoendemic</b>	دیرین‌بوم‌ویژه، دیرین‌انحصاری [ع. گیاهی]	<b>papillate</b>	زگیل‌دار [ع. گیاهی]
		<i>syn.</i> verrucate, tuberculate	
<b>paleospecies</b>	دیرین‌گونه [ع. گیاهی]	<b>paracellular transport</b>	تراژد پیرایاخته‌ای [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> chronospecies		<b>parallel</b> → <b>parallelodromous</b>	
<b>palinactinodromous</b>	بازشعاعی‌رو [ع. گیاهی]	<b>parallelism</b>	موازی‌گرایی [ع. گیاهی]
		<b>parallelodromous</b>	موازی‌رو [ع. گیاهی]
<b>Palmaceae</b>	نخلیان [ع. گیاهی]	<i>syn.</i> parallel	
<i>syn.</i> Palmae		<b>parapatric speciation</b>	گونه‌زایی پراجا [ع. گیاهی]
<b>Palmae</b> → <b>Palmaceae</b>		<b>paraphyletic</b>	پَرآتبار [ع. گیاهی]
<b>palmate</b>	پنجه‌ای [ع. گیاهی]	<b>paraphyly</b>	پَرآتباری [ع. گیاهی]
<b>palmate venation</b>		<b>parasite</b>	انگل [ع. گیاهی]
→ <b>actinodromous</b>		<b>paratype</b>	پَرآمونه [ع. گیاهی]
<b>palmatified</b>	بریده‌پنجه‌ای [ع. گیاهی]	<b>parenchyma</b>	نرم‌آکنه [ع. گیاهی]
<b>palmatisect</b>	چاک‌پنجه‌ای [ع. گیاهی]	<b>parietal</b>	جداری [ع. گیاهی]
<b>palynology</b>	گَرده‌شناسی [ع. گیاهی]	<b>parietal-axile</b>	جداری - محوری [ع. گیاهی]
<i>syn.</i> pollen analysis		<b>parietal-septate</b>	جداری دیواره‌دار [ع. گیاهی]
<b>Pandanaceae</b>	پیچ‌کاجیان [ع. گیاهی]	<b>Parrotia</b>	آنجیلی [ع. گیاهی]
<b>Pandanales</b>	پیچ‌کاجی‌سانان [ع. گیاهی]	<b>parthenocarpic</b>	بکر بارده [ع. گیاهی]
<b>Pandanus</b>	پیچ‌کاجی [ع. گیاهی]	<b>parthenocarpy</b>	بکر باردهی [ع. گیاهی]
<b>pandurate</b>	قلبیانی [ع. گیاهی]		
<b>panduriform</b>	قلبیانی‌شکل [ع. گیاهی]		
<b>panicle</b>	چندخوشه [ع. گیاهی]		
<b>panicked</b> → <b>paniculate</b>			

- parthenogenesis** [بکرزایی] ع. گیاهی]
- parthenogenetic** [بکرزا] ع. گیاهی]
- Passiflora** [گل ساعتی] ع. گیاهی]
- Passifloraceae** [گل ساعتیان] ع. گیاهی]
- passive transport** [تراژرد غیرفعال] ع. گیاهی]
- patroendemic** [پدر بوم ویژه]
- [پدرانحصاری] ع. گیاهی]
- peat** [پوده] ع. گیاهی]
- Pedaliaceae** [کنجدیان] ع. گیاهی]
- pedicel** [دُمگل] ع. گیاهی]
- pedigree breeding** [بهنژادی شجره‌ای] ع. گیاهی]
- peduncle** [دُمگل آذین] ع. گیاهی]
- Peganum** [اسپند] گ. دارویی]
- Peganum harmala** [اسپند معمولی] گ. دارویی]
- syn. persian rue, wild rue,*  
Espanol
- Pelargonium** [شمعدانی] ع. گیاهی]
- pelleted seed** → coated seed
- peltate** [سپری] ع. گیاهی]
- syn. shield-shaped*
- pendulous** [آویخته] ع. گیاهی]
- pennyroyal** [خالواش] گ. دارویی]
- pentamerous** [پنج‌پار] ع. گیاهی]
- pepo** [کدویی] ع. گیاهی]
- peppermint** → *Mentha x piperita*
- peppermint essential oil**  
→ oil of peppermint
- peptidomics** [پپتیدگان‌شناسی] ع. گیاهی]
- perennial plant** [گیاه چندساله] ع. گیاهی]
- perfoliate** [ساقه‌پوش] ع. گیاهی]
- perianth** [گل‌پوش] ع. گیاهی]
- perianth segment** [قطعه گل‌پوش] ع. گیاهی]
- pericarp** [پیراثر] ع. گیاهی]
- periderm** [پیراپوست] ع. گیاهی]
- perigynous** [پیراتخم‌دانی] ع. گیاهی]
- peripatric speciation** [گونه‌زایی پیراجا] ع. گیاهی]
- perisperm** [پیرادانه] ع. گیاهی]
- peristome** [پیرادهانه] ع. گیاهی]
- Perovskia** [برازمبل] گ. دارویی]
- persian rue** → *Peganum harmala*
- petal** [گلبرگ] ع. گیاهی]
- petalostemonous** → epipetalous
- petalous** [گلبرگ‌دار] ع. گیاهی]
- petiole** [دُمبرگ] ع. گیاهی]
- syn. leafstalk*
- petiolulate** [دُمبرگچه‌دار] ع. گیاهی]
- petiolule** [دُمبرگچه] ع. گیاهی]
- Phanerogams** [پیدازادان] ع. گیاهی]
- phase shift mutation**  
→ frame shift mutation
- phelloderm** [چوب‌پنبه‌پوست] ع. گیاهی]
- phellogen** [چوب‌پنبه‌زا] ع. گیاهی]
- phenetic** [رُخمانی، رُخمان‌بندشی] ع. گیاهی]
- phenetic classification**  
[رده‌بندی رُخمانی] ع. گیاهی]

<b>phenetics</b>	[رُخمان‌بندی [ع. گیاهی]	<b>phylocode</b>	[تبارشناسه [ع. گیاهی]
<b>phenogram</b> → dendrogram		<b>phylogenetic</b>	[تبارزایی‌شناختی،
<b>phenon</b>	[رُخمان [ع. گیاهی]		[تبارشناسی [ع. گیاهی]
<b>phenotype</b>	[رُخ‌نمود [ع. گیاهی]	<b>phylogenetics</b>	[تبارزایی‌شناسی،
<b>phenotypic</b>	[رُخ‌نمودی [ع. گیاهی]		[تبارشناسی [ع. گیاهی]
<b>phloem</b>	[بافت آبکش، آبکش [ع. گیاهی]	<b>phylogenetic systematics</b>	[سازگان‌شناسی تبارشناختی [ع. گیاهی]
<b>phloem cell</b>	[یاختهٔ آبکش [ع. گیاهی]	<b>phylogenetic tree</b>	[درخت تبارشناختی [ع. گیاهی]
<b>phloem loading</b>	[بارگیری آبکش [ع. گیاهی]	<b>phylogeny</b>	[تبارزایی [ع. گیاهی]
<b>phloem ray</b>	[اشعهٔ آبکش [ع. گیاهی]	<b>phylogram</b>	[تبارنگاره [ع. گیاهی]
<b>phloem sap</b>	[شیرهٔ پرورده [ع. گیاهی]	<b>phylum</b>	[شاخه [ع. گیاهی]
<b>phloem unloading</b>	[تخلیهٔ آبکش [ع. گیاهی]	<b>physiologic(al)</b>	[کاراندام‌شناختی [ع. گیاهی]
<b>Phlox</b>	[گل آتشی [ع. گیاهی]	<b>physiological race</b>	[نژاد کاراندام‌شناختی [ع. گیاهی]
<b>Phoenix</b>	[خرما [ع. گیاهی]	<b>physiologist</b>	[کاراندام‌شناس [ع. گیاهی]
<b>photoautotroph</b>	[نورخودپرورد [ع. گیاهی]	<b>physiology<sup>1</sup></b>	[کاراندام [ع. گیاهی]
<b>photolithotroph</b>	[نورکانی‌پرورد [ع. گیاهی]	<b>physiology<sup>2</sup></b>	[کاراندام‌شناسی [ع. گیاهی]
<b>photolysis</b>	[نورکافت [ع. گیاهی]	<b>phytocenology</b>	→ phytocoenology
<b>photolytic</b>	[نورکافتی [ع. گیاهی]	<b>phytocenosis</b> → phytocoenosis	
<b>phototroph</b>	[نورپرورد <sup>1</sup> [ع. گیاهی]	<b>phytocoenology/phytocenology</b>	[گیاسازندشناسی [ع. گیاهی]
<b>phototrophic</b>	[نورپرورد <sup>2</sup> [ع. گیاهی]	<b>phytocoenosis/phytocenosis</b>	[گیاسازند [ع. گیاهی]
<b>phototrophy</b>	[نورپروردگی [ع. گیاهی]		<i>syn.</i> plant community,
<b>phototropic</b>	[نورگرا [ع. گیاهی]		plant formation,
<b>phototropism</b>	[نورگرایی [ع. گیاهی]		plant groupment
<b>phyllotaxis</b> → phyllotaxy		<b>Phytolacca</b>	[سرخاب کولی [ع. گیاهی]
<b>phyllotaxy</b>	[برگ‌آذین [ع. گیاهی]		
<i>syn.</i> phyllotaxis			

- Phytolaccaceae** [ع. گیاهی] سرخاب کولیان
- piliferous** [ع. گیاهی] مودار
- pilose** [ع. گیاهی] نرم مو
- Pimpinella** [ع. دارویی] بادبان رومی<sup>۲</sup>
- Pimpinella anisum**  
[ع. دارویی] بادبان رومی انیسون
- Pinaceae** [ع. گیاهی] کاجیان
- Pinales** [ع. گیاهی] کاج سانان
- pinnate** [ع. گیاهی] شانهای
- pinnatifid** [ع. گیاهی] بریده شانهای  
*syn. pinnisected*
- pinnatisect(ed)** [ع. گیاهی] چاک شانهای
- pinnisected** → **pinnatifid**
- pinocytosis** [ع. گیاهی] قطره خوری
- pioneer stage** [ع. گیاهی] مرحله پیش گام  
*syn. gap stage*
- Piper** [ع. گیاهی] فلفل سیاه
- Piperaceae** [ع. گیاهی] فلفل سیاهیان
- Piperales** [ع. گیاهی] فلفل سیاه سانان
- Pistacia** [ع. گیاهی] پسته
- pistil** [ع. گیاهی] مادگی  
*syn. gynoecium, pistillum*
- pistilate** [ع. گیاهی] مادگی دار
- pistillode** [ع. گیاهی] مادگی واره
- pistillum** → **pistil**
- pit** [ع. گیاهی] لان
- pith wood** → **juvenile wood**
- pitted** → **punctate**
- Pittosporaceae** [ع. گیاهی] میخک درختیان
- Pittosporum** [ع. گیاهی] میخک درختی
- placenta** [ع. گیاهی] جفت
- placentation** [ع. گیاهی] تمکن
- plaited** → **plicate**
- Planta** [ع. گیاهی] گیاهان، سلسله گیاهی
- Plantaginaceae** [ع. گیاهی] بارهنگیان
- Plantago** [مشترک] بارهنگ
- Plantago eriophora**  
→ **Plantago lanceolata**
- Plantago ispaghula**  
→ **Plantago ovata**
- Plantago lanceolata**  
[ع. دارویی] بارهنگ نیزه ای  
*syn. Plantago eriophora,*  
*Plantago orientalis Stapf var.*  
*lycia, ribwort plantain,*  
*narrowleaf plantain*
- Plantago major** [ع. دارویی] بارهنگ کبیر  
*syn. major plantain,*  
*broadleaf plantain,*  
*greater plantain*
- plantago orientalis stapf var. lycia**  
→ **Plantago lanceolata**
- Plantago ovata**  
[ع. دارویی] بارهنگ تخم مرغی  
*syn. Plantago ispaghula*
- Plantago psyllium**  
[ع. دارویی] بارهنگ سیاه دانه
- plant breeding** [ع. گیاهی] بهنژادی گیاهی، اصلاح نباتات

- plant community**  
→ phytocoenosis
- plant formation**  
→ phytocoenosis
- plant groupment**  
→ phytocoenosis
- plant population**  
جمعیت گیاهی [ع. گیاهی]
- plasmic membrane**  
غشای باخته [ع. گیاهی]
- plasmogamy** [ع. گیاهی] میان‌یاخته‌کامی [ع. گیاهی]
- plastid** [ع. گیاهی] دیسه [ع. گیاهی]
- Platanaceae** [ع. گیاهی] چناریان [ع. گیاهی]
- Platanus** [ع. گیاهی] چنار [ع. گیاهی]
- platelet** [ع. گیاهی] گرده [ع. گیاهی]
- pleiotropism** → pleiotropy
- pleiotropy** [ع. گیاهی] چندنمودی [ع. گیاهی]  
*syn.* pleiotropism, polypheny
- plesiomorphic** [ع. گیاهی] نخست‌ریخت [ع. گیاهی]
- plesiomorphy** [ع. گیاهی] نخست‌ریختی [ع. گیاهی]
- pleurotropic** [ع. گیاهی] کنارگرا [ع. گیاهی]
- pleurotropic-dorsal**  
کنارگرای پشتی [ع. گیاهی]
- pleurotropic-ventral**  
کنارگرای شکمی [ع. گیاهی]
- plicate** [ع. گیاهی] چین‌دار<sup>۲</sup> [ع. گیاهی]  
*syn.* plaited
- Plumbaginaceae**  
کلاه‌میرحسینان [ع. گیاهی]
- plumose** [ع. گیاهی] پُرسان [ع. گیاهی]
- Poaceae** [ع. گیاهی] گندمیان [ع. گیاهی]  
*syn.* Gramineae
- Poales** [ع. گیاهی] گندم‌سانان [ع. گیاهی]
- point** → apex
- Polemoniaceae** [ع. گیاهی] کُل‌آتشیان [ع. گیاهی]
- pollen** [ع. گیاهی] گرده [ع. گیاهی]
- pollen analysis** → palynology
- pollen grain** [ع. گیاهی] دانهٔ گرده [ع. گیاهی]
- pollen sac** [ع. گیاهی] کیسهٔ گرده [ع. گیاهی]
- pollination** [ع. گیاهی] گرده‌افشانی [ع. گیاهی]
- polyadelphian**  
→ polyadelphous
- polyadelphous** [ع. گیاهی] چنددسته‌ای [ع. گیاهی]  
*syn.* polyadelphian
- polycarpic** [ع. گیاهی] چندبارثمر [ع. گیاهی]
- polycentric** [ع. گیاهی] چندمیان [ع. گیاهی]
- polycentric chromosome**  
فام‌تن چندمیان [ع. گیاهی]  
*syn.* polycentromeric  
chromosome,  
holocentric chromosome,  
holocentric
- polycentromeric chromosome**  
→ polycentric chromosome
- polyclave key**  
کلید بس‌شناسه‌ای [ع. گیاهی]
- Polygala** [ع. گیاهی] شیر‌آور [ع. گیاهی]

**Polygalaceae** شیرآوریان [ع. گیاهی]

*syn.* Diclidantheraceae,

Moutabeaceae,

Xanthophyllaceae

**polygamous** چندکام [ع. گیاهی]

**polygamy** چندکامی [ع. گیاهی]

**Polygonaceae** علف‌هفت‌بندیان [ع. گیاهی]

**Polygonum** علف هفت‌بند [ع. گیاهی]

**polypetalous** → **apopetalous**

**polypheny** → **pleiotropy**

**polyphyletic** چندتبار [ع. گیاهی]

**polyphyly** چندتباری [ع. گیاهی]

**polyploid** چندلاد [ع. گیاهی]

**polyploidy** چندلادی [ع. گیاهی]

**Polypodiaceae** بسپایکیان [ع. گیاهی]

**Polypodiales** بسپایک‌سانان [ع. گیاهی]

**Polypodium** بسپایک [ع. گیاهی]

**polysepalous** → **aposepalous**

**polytene chromosome**

فام‌تن بس‌رشته [ع. گیاهی]

**polytomic** بس‌شاخه [ع. گیاهی]

**polytomy** بس‌شاخگی [ع. گیاهی]

**pome** سیبی [ع. گیاهی]

**Pontederiaceae** پونته‌دریائیان،

غلافیان [ع. گیاهی]

**population** جمعیت [ع. گیاهی]

**population biology**

زیست‌شناسی جمعیت [ع. گیاهی]

**population cycle**

چرخه جمعیت [ع. گیاهی]

**population ecology**

بوم‌شناسی جمعیت [ع. گیاهی]

**population genetics**

ژن‌شناسی جمعیت [ع. گیاهی]

**population growth**

رشد جمعیت [ع. گیاهی]

**population pyramid**

هرم جمعیت [ع. گیاهی]

**population size**

اندازه جمعیت [ع. گیاهی]

**population structure**

ساختار جمعیت [ع. گیاهی]

**pore**

منفذ [ع. گیاهی]

**poricidal**

منفذشکاف [ع. گیاهی]

**poricidal capsule**

پوشینه منفذشکاف [ع. گیاهی]

**Portulaca**

خُرْفه [ع. گیاهی]

**Portulacaceae**

خُرْفه‌ایان [ع. گیاهی]

**position<sup>1</sup>**

جایگاه [ع. گیاهی]

**position<sup>2</sup>**

موقعیت [ع. گیاهی]

**post-climacteric stage**

مرحله پس‌اوج [ع. گیاهی]

**posture**

حالت [ع. گیاهی]

**Potamogeton**

گوشاب [ع. گیاهی]

**Potamogetonaceae**

گوشابیان [ع. گیاهی]

**potato seed**

بذر سیب‌زمینی [ع. گیاهی]

**praemorse/premorse**

نوک جویده [ع. گیاهی]

*syn.* bitten off

**prelimacteric stage**

مرحلهٔ پیش‌اوج [ع. گیاهی]

**prefloration** → aestivation<sup>1</sup>**preparation**

فراورده [ک. دارویی]

**prevernal**

سربرهاری [ع. گیاهی]

**prickle**

تیغ [ع. گیاهی]

**prickly** → aculeate**primary growth** [رشد نخستین [ع. گیاهی]**primary meristem**

سرلاد نخستین [ع. گیاهی]

**primary phloem**

آبکش نخستین [ع. گیاهی]

**primary tissue** [بافت نخستین [ع. گیاهی]**primary vein**

رگبرگ اولین [ع. گیاهی]

**primary xylem**

بافت چوبی نخستین،

چوب نخستین [ع. گیاهی]

**primordia**

آغازده‌ها [ع. گیاهی]

**primordial**

آغازده‌ای [ع. گیاهی]

**primordium**

آغازه [ع. گیاهی]

**Primula**

پامچال [ع. گیاهی]

**Primulaceae**

پامچالیان [ع. گیاهی]

**Proboscidea**

مارتینی، شاخ‌بزی [ع. گیاهی]

**procambial**

پیش‌بن‌لادی [ع. گیاهی]

**procambium**

پیش‌بن‌لاد [ع. گیاهی]

**proembryo**

پیش‌رویوان [ع. گیاهی]

**proembryonic**

پیش‌رویوانی [ع. گیاهی]

**prokaryon** → prokaryote**prokaryosis/procaryosis**

پیش‌هستگی [ع. گیاهی]

**Prokaryotae/Procaryotae**

پیش‌هسته‌ای‌ها [ع. گیاهی]

**prokaryote**پیش‌هسته‌ای<sup>1</sup> [ع. گیاهی]

syn. prokaryon

**prokaryotic/procaryotic**پیش‌هسته‌ای<sup>2</sup> [ع. گیاهی]**proleptic shoot**

→ Lammas shoot

**promeristem**

پیش‌سرلاد [ع. گیاهی]

**propagate**

تکثیر کردن [ع. گیاهی]

**propagation**

تکثیر [ع. گیاهی]

**propagative**

تکثیری [ع. گیاهی]

**propagator**

تکثیرگر [ع. گیاهی]

**propagule** → propagulum**propagulum**

قطعهٔ تکثیر [ع. گیاهی]

syn. propagule

**proplast**

پیش‌دبسه [ع. گیاهی]

**proposed species**

گونهٔ پیشنهادی [ع. گیاهی]

**Prosopis**

کهور [ع. گیاهی]

**Proteales**

چنارسانان [ع. گیاهی]

**prothallial**

پیش‌ریسه‌ای [ع. گیاهی]

**prothalliform**

پیش‌ریسه‌ریخت [ع. گیاهی]

**prothallium** → prothallus**prothalloid**

پیش‌ریسه‌سا [ع. گیاهی]

**prothallus**

پیش‌ریسه [ع. گیاهی]

syn. prothallium

**protoderm**

پیش‌پوست [ع. گیاهی]





<b>rachis<sup>2</sup></b>	محور گل‌آذین [ع. گیاهی]	<b>repand</b> → undulate
<b>racial</b>	نژادی [ع. گیاهی]	<b>repetitive simple sequence</b>
<b>radial</b>	شعاعی [ع. گیاهی]	→ short tandem repeat
<b>radical</b> → basal <sup>2</sup>		<b>replication</b> [ع. گیاهی]
<b>Rafflesia</b>	رافلزیا [ع. گیاهی]	<b>reproduce</b> تولیدمثل کردن، زادآوری کردن، زاد آوردن [ع. گیاهی]
<b>Rafflesiaceae</b>	رافلزیاثیان [ع. گیاهی]	<b>reproduction</b> تولیدمثل، زادآوری [ع. گیاهی]
<b>rambutan</b>	مژکی [ع. گیاهی]	<b>reproductive</b>
<b>rank</b>	رتبه [ع. گیاهی]	تولیدمثنی، زادآوردی [ع. گیاهی]
<b>Ranunculaceae</b>	آلاله‌ایان [ع. گیاهی]	<b>Reseda</b> اسپرک [ع. گیاهی]
<b>Ranunculales</b>	آلاله‌سانان [ع. گیاهی]	<b>Resedaceae</b> اسپرکیان [ع. گیاهی]
<b>Ranunculus</b>	آلاله [ع. گیاهی]	<b>resin</b> آنگم، رزین [ع. گیاهی]
<b>raphe</b>	نقش بند [ع. گیاهی]	<b>resolved phylogeny</b>
<b>rare species</b>	گونه کمیاب [ع. گیاهی]	تبارزایی تفکیکی [ع. گیاهی]
<b>ratoon/ratoon</b>	وارویش [ع. گیاهی]	<b>resting potential</b>
<b>ray</b>	اشعه، پره [ع. گیاهی]	پتانسیل استراحت [ع. گیاهی]
<b>ray cell</b>	یاخته اشعه [ع. گیاهی]	<b>reticulate</b> مشبک [ع. گیاهی]
<b>ray initial</b>	پیش‌آغاز اشعه [ع. گیاهی]	<i>syn. netted</i>
<b>reading frame shift mutation</b>		<b>reticulodromous</b> مشبک‌رو [ع. گیاهی]
→ frame shift mutation		<b>restorer line</b>
<b>recalcitrant seed</b>	بذر کم‌عمر [ع. گیاهی]	→ fertility restorer line
<i>syn. unorthodox seed</i>		<b>retuse</b> نوک‌تورفته [ع. گیاهی]
<b>receptacle</b> → thalamus		<b>revegetation</b> بازرویش [ع. گیاهی]
<b>recipient parent</b>	والد گیرنده [ع. گیاهی]	<b>reversal</b> برگشت [ع. گیاهی]
<b>red-top</b>	مرحله سوزن قرمزی، سوزن قرمزی [ع. گیاهی]	<b>revolute</b> برون‌پیچ [ع. گیاهی]
<b>registered seed</b>	بذر ثبت‌شده [ع. گیاهی]	<i>syn. rolled back</i>
<b>regular</b>	منظم [ع. گیاهی]	<b>Rhamnaceae</b> عنابیان [ع. گیاهی]
<b>reniform</b>	کلیوی‌شکل [ع. گیاهی]	<b>rhizomatous</b> زمین‌ساقه‌ای [ع. گیاهی]
<i>syn. kidney-shaped</i>		<b>rhizome/rhizoma</b> زمین‌ساقه [ع. گیاهی]
		<b>rhizomorph</b> زمین‌ساقه‌ریخت [ع. گیاهی]



<i>Saintpaulia</i>	بنفشهٔ آفریقایی [ع. گیاهی]	<i>sapling</i> <sup>3</sup>	نپال [ع. گیاهی]
<i>Salicaceae</i>	بیدیان [ع. گیاهی]	<i>Sapota</i>	چیکو [ع. گیاهی]
<i>Salix</i>	بید [ع. گیاهی]	<i>Sapotaceae</i>	چیکوئیان [ع. گیاهی]
<i>Salvadora</i>	مسواک [ع. گیاهی]	<i>saprophyte</i>	پوده‌رُست [ع. گیاهی]
<i>Salvadoraceae</i>	مسواکیان [ع. گیاهی]	<i>saprophytic</i>	پوده‌رُستی [ع. گیاهی]
<i>Salvia</i>	مریم‌گلی <sup>1</sup> [ک. دارویی]	<i>sapstain</i>	لکهٔ برون‌چوب [ع. گیاهی]
<i>syn. sage</i>		<i>sapwood</i>	برون‌چوب [ع. گیاهی]
<i>Salvia hydrangea</i>	مریم‌گلی عقربان، عقربان [ک. دارویی]	<i>sarcotesta</i>	دانه‌پوش گوشتی [ع. گیاهی]
<i>Salvia hypoleuca</i>	مریم‌گلی کوکل، کوکل [ک. دارویی]	<i>Satureja calamintha</i>	
<i>Salvia leriifolia</i>	مریم‌گلی نوروزک، نوروزک [ک. دارویی]	→ <i>Calamintha officinalis</i>	
<i>Salvia macrosiphon</i>	مریم‌گلی مَروی، مَرو [ک. دارویی]	<i>saurochory</i>	خزنده‌برافشانی [ع. گیاهی]
<i>Salvia officinalis</i>	مریم‌گلی دارویی [ک. دارویی]	<i>Saxifraga</i>	خاراشکن [ع. گیاهی]
<i>syn. garden sage</i>		<i>Saxifragaceae</i>	خاراشکنیان [ع. گیاهی]
<i>Salvia sclarea</i>	مریم‌گلی مَرموک [ک. دارویی]	<i>Saxifragales</i>	خاراشکن‌سانان [ع. گیاهی]
<i>Salviniaceae</i>	سرخس‌آبیان [ع. گیاهی]	<i>scabrous</i>	زُبر [ع. گیاهی]
<i>samara</i>	فندقهٔ بال‌دار [ع. گیاهی]	<i>scalariform</i>	نردبانی [ع. گیاهی]
<i>Sambucus</i>	آقطی [ع. گیاهی]	<i>scalelike</i> → <i>scaley</i>	
<i>Santalaceae</i>	صندلیان [ع. گیاهی]	<i>scaley</i>	فلس‌مانند [ع. گیاهی]
<i>Santalales</i>	صندل‌سانان [ع. گیاهی]	<i>syn. scalelike</i>	
<i>Santalum</i>	صندل [ع. گیاهی]	<i>scape</i>	گل‌ستاک [ع. گیاهی]
<i>Sapindaceae</i>	ناترکیان [ع. گیاهی]	<i>scapose</i>	گل‌ستاک‌ی [ع. گیاهی]
<i>Sapindales</i>	افراسانان [ع. گیاهی]	<i>scarified seed</i>	بذر خراشیده [ع. گیاهی]
<i>sapling</i> <sup>1</sup>	خال [ع. گیاهی]	<i>schizocarp</i>	چاک‌بَر [ع. گیاهی]
<i>sapling</i> <sup>2</sup>	شَل [ع. گیاهی]	<i>schizoendemic</i>	واگرا بوم‌ویژه، واگرا انحصاری [ع. گیاهی]
		<i>scion</i>	پیوندک [ع. گیاهی]
		<i>syn. cion</i>	
		<i>sclerenchyma</i>	سخت‌آکنه [ع. گیاهی]
		<i>scorpioid cyme</i>	گرزن کزدمی [ع. گیاهی]
		<i>syn. cincinnus</i>	

**Scrophulariaceae**

گل میمونیان [ع. گیاهی]

**secondary cortex**

پوستِ پسین [ع. گیاهی]

**secondary growth**

رشد پسین [ع. گیاهی]

**secondary meristem**

سرلاد پسین [ع. گیاهی]

**secondary phloem**

آبکش پسین [ع. گیاهی]

**secondary shoot** جَست ثانویه [ع. گیاهی]**secondary vein** رگبرگ دومین [ع. گیاهی]**secondary xylem** بافت چوبی پسین،

چوب پسین [ع. گیاهی]

**secrete**

ترشح کردن [ع. گیاهی]

**secretion**

ترشح [ع. گیاهی]

**secretor**

ترشح ساز [ع. گیاهی]

**secretory**

ترشچی [ع. گیاهی]

**section<sup>1</sup>**

بخشه [ع. گیاهی]

**section<sup>2</sup>**

بُرش [ع. گیاهی]

**seed**دانه<sup>۲</sup> [ع. گیاهی]**seed bank**

بانک بذر [ک. دارویی]

**seed coat**

پوستهٔ دانه [ع. گیاهی]

*syn. testa***seed plants**

گیاهان دانه‌دار [ع. گیاهی]

**seed stock**

بذر ذخیره [ع. گیاهی]

**Selaginellaceae**

علف‌خوکیان [ع. گیاهی]

**selected seed**

بذر گزیده [ع. گیاهی]

**selection**

گزینش، انتخاب [ع. گیاهی]

**self-pollinated**

خودگردده‌افشان [ع. گیاهی]

**self-pollination**

خودگردده‌افشانی [ع. گیاهی]

**semicraspedodromous**

نیم‌لبه‌رو [ع. گیاهی]

**semifalcate**

نیمه‌داسی [ع. گیاهی]

**semifalciform** نیمه‌داسی‌شکل [ع. گیاهی]**semispecies** نیم‌گونه [ع. گیاهی]*syn. incipient species,**allospecies***semi-strict consensus tree**

درخت اجماع نیمه‌قاطع [ع. گیاهی]

**sensitive species**

گونهٔ حساس [ع. گیاهی]

**sensu lato**

با دید وسیع [ع. گیاهی]

**sensu stricto**

با دید باریک [ع. گیاهی]

**sepal**

کاسبرگ [ع. گیاهی]

**sepalous**

کاسبرگ‌دار [ع. گیاهی]

**septal**

دیواره‌ای [ع. گیاهی]

**septicidal capsule**

پوشینهٔ تیغه‌شکاف [ع. گیاهی]

**septifragal capsule**

پوشینهٔ تیغه‌شکند [ع. گیاهی]

*syn. valvular capsule***septum**

دیواره [ع. گیاهی]

**sequence alignment**

→ alignment

**seriseous**

ابریشمی [ع. گیاهی]

- serotinal** [بُن تابستانی .ع. گیاهی]
- serrate** [آرهای .ع. گیاهی]
- serrulate** [ریزآرهای .ع. گیاهی]  
*syn. finely serrate*
- Sesamum** [کنجد .ع. گیاهی]
- sessile** [بی‌پایک .ع. گیاهی]
- setose** [موریشی .ع. گیاهی]  
*syn. bristly*
- setulose** [ریز‌موریشی .ع. گیاهی]  
*syn. finely setose*
- sex** [جنس .ع. گیاهی]
- sex chromosome** [فام‌تن جنسی .ع. گیاهی]
- sex determination** [تعیین جنسیت .ع. گیاهی]
- sex ratio** [نسبت جنسی .ع. گیاهی]
- sex(ual) cell** [یاخته جنسی .ع. گیاهی]
- sex(ual) differentiation** [تمایز جنسی .ع. گیاهی]
- sexual dimorphism** [دوربختی جنسی .ع. گیاهی]
- sexual reproduction** [تولیدمثل جنسی .ع. گیاهی]
- sexual selection** [گزینش جنسی .ع. گیاهی]
- shade demanding**  
→ shade tolerant
- shade intolerant species** [گونه نوریستند .ع. گیاهی]
- shade intolerant tree** [درخت نوریستند .ع. گیاهی]
- shade tolerance** [سایه‌پسندی .ع. گیاهی]
- shade tolerant** [سایه‌پسند .ع. گیاهی]  
*syn. shade demanding*
- shade tolerant tree** [درخت سایه‌پسند .ع. گیاهی]
- shaggy** → villous
- shallowly oblong** [مستطیلی پخ‌شیده .ع. گیاهی]
- shallow-rooted** [ریشه‌سطحی .ع. گیاهی]
- sheath** [غلاف .ع. گیاهی]
- sheathing** [غلافی<sup>۲</sup> .ع. گیاهی]
- shield-shaped** → peltate
- shoot** [ستاک .ع. گیاهی]
- short-day plant** [گیاه روز کوتاه .ع. گیاهی]
- short tandem repeat** [تکراری‌های پیاپی کوتاه .ع. گیاهی]  
*abbr. STR*  
*syn. repetitive simple sequence, RSS, simple sequence repeat, SSR*
- shortwood** [کوتاه‌چوب .ع. گیاهی]
- shot berry** [سته ساچمه‌ای .ع. گیاهی]
- shrub** [درختچه .ع. گیاهی]
- sibling species** [گونه‌های همزاد .ع. گیاهی]  
*syn. aphanic species, twin species, cryptic species*

- sieve element** عنصر آبکش،  
عنصر غربالی [ع. گیاهی]
- sieve plate** صفحه آبکش،  
صفحه غربالی [ع. گیاهی]
- sieve tissue** بافت غربالی [ع. گیاهی]
- silicula** خورجینک [ع. گیاهی]
- siliqua/silique** خورجین [ع. گیاهی]
- Simaroubaceae** عَرَعْرَیان [ع. گیاهی]
- simplifiedromous**  
→ craspedodromous
- simple fruit** میوه ساده [ع. گیاهی]
- simple sequence repeat**  
→ short tandem repeat
- single cross** دورگه ساده [ع. گیاهی]
- sinuate** سینوسی [ع. گیاهی]
- siphonogamic**  
→ siphonogamous
- siphonogamous** ماشوره کام [ع. گیاهی]  
*syn.* siphonogamic
- siphonogamy** ماشوره کامی [ع. گیاهی]
- sister group** گروه خواهری [ع. گیاهی]
- site-directed mutagenesis**  
جهش‌زایی جهت‌دار [ع. گیاهی]  
*syn.* site-specific mutagenesis,  
directed mutagenesis,  
targeted mutagenesis,  
localized mutagenesis,  
oligonucleotid directed  
mutagenesis
- site-specific mutagenesis**  
→ site-directed mutagenesis
- small vein** → veinlet
- Smilacaceae** اَزْمَلْکیان [ع. گیاهی]
- Smilax** اَزْمَلْک [ع. گیاهی]
- smooth** → glabrous
- smother crop** گیاه خفه‌کننده [ع. گیاهی]
- snag** خشکه‌دار [ع. گیاهی]
- soft** → velutinous
- soft dough stage**  
مرحله نرم خمیری [ع. گیاهی]
- softwood** نرم‌چوب [ع. گیاهی]
- Solanaceae** بادنجانیان [ع. گیاهی]
- Solanales** بادنجان‌سانان [ع. گیاهی]
- Solanum** بادنجان [مشترک]
- Solanum nigrum**  
بادنجان تاجریزی [ک. دارویی]
- solitary** تک‌گل [ع. گیاهی]
- sorrel top** مرحله سوزن‌نارنجی،  
سوزن‌نارنجی [ع. گیاهی]
- source-sink** رابطه مبدأ - مقصد [ع. گیاهی]
- soya** → soya bean
- soya bean** لوبیاروغنی، سویا [ع. گیاهی]  
*syn.* soya
- spadix** میل چمچه [ع. گیاهی]
- spatulate** قاشقی [ع. گیاهی]
- spearmint/spear mint**  
→ *Mentha spicata*
- speciation** گونه‌زایی [ع. گیاهی]

<b>species</b>	گونه [ع. گیاهی]	<b>sporophytic</b>	هاگ‌رستی [ع. گیاهی]
<b>species at risk</b>	گونهٔ درمخاطره [ع. گیاهی]	<b>sport</b> → bud sport	
	<i>syn.</i> at risk species	<b>sprig</b>	برخه [ع. گیاهی]
<b>species of concern</b>		<b>spring wood</b>	چوب بهاره [ع. گیاهی]
	گونهٔ نگران‌کننده [ع. گیاهی]	<b>squamous</b>	فلسی [ع. گیاهی]
<b>specific</b>	گونه‌ای [ع. گیاهی]	<b>SSR</b> → short tandem repeat	
<b>specimen</b>	نمونه [ع. گیاهی]	<b>Stachys</b>	سنبله‌ای [ک. دارویی]
<b>sperm</b> → spermatozoid			<i>syn.</i> hedgenettle
<b>spermatid</b>	زام‌یاختک [ع. گیاهی]	<b>Stachys lavandulifolia</b>	
<b>spermatocyte</b>	زام‌یاخته [ع. گیاهی]		سنبله‌ای چای کوهی [ک. دارویی]
<b>spermatogenesis</b>	زامله‌زایی [ع. گیاهی]	<b>stamen</b>	پرچم [ع. گیاهی]
<b>spermatogenetic</b>	زامله‌زایی [ع. گیاهی]	<b>stand age distribution</b>	
<b>spermatogonium</b>	زامله‌زا [ع. گیاهی]		پراکنش سن توده [ع. گیاهی]
<b>spermatophytes</b>	دانه‌داران [ع. گیاهی]	<b>status unknown species</b>	
<b>spermatozoid</b>	زامله [ع. گیاهی]		گونهٔ وضعیت‌ناشناخته [ع. گیاهی]
	<i>syn.</i> sperm	<b>stellate</b>	ستاره‌ای [ع. گیاهی]
<b>spherosomal</b>	گوی تنی [ع. گیاهی]	<b>stem group</b>	ساق گروه [ع. گیاهی]
<b>spherosome</b>	گوی تن [ع. گیاهی]	<b>stemless</b> → acaulescent	
	<i>syn.</i> oleosome	<b>stand age distribution</b>	
<b>spike</b>	سنبله [ع. گیاهی]		پراکنش سن توده [ع. گیاهی]
<b>spikelet</b>	سنبلچه [ع. گیاهی]	<b>stem stage</b>	مرحلهٔ ساقه‌ای [ع. گیاهی]
<b>Spinacia</b>	اسفناج [ع. گیاهی]	<b>stemwood</b>	ساقه‌چوب [ع. گیاهی]
<b>spine</b>	خار [ع. گیاهی]	<b>Sterculiaceae</b>	کاکائوئیان [ع. گیاهی]
<b>spontaneous generation</b>		<b>strict consensus tree</b>	
	زایش خودبه‌خودی [ع. گیاهی]		درخت اجماع قاطع [ع. گیاهی]
<b>sporangium</b>	هاگدان [ع. گیاهی]	<b>steriglose</b>	زیرموی کوتاه [ع. گیاهی]
<b>spore</b>	هاگ [ع. گیاهی]	<b>stigma</b>	کلاله [ع. گیاهی]
<b>sporocyte</b>	یاختهٔ هاگز [ع. گیاهی]	<b>stipe</b>	پایک [ع. گیاهی]
<b>sporophyte</b>	هاگ‌رست [ع. گیاهی]	<b>stipel</b>	گوشوارک [ع. گیاهی]

<b>stipule</b>	گوشواره [ع. گیاهی]	<b>subuliform</b>	درفشی شکل [ع. گیاهی]
<b>stoma</b>	روزنهٔ هوایی [ع. گیاهی]	<i>syn. awl shape</i>	
<b>stone fruit</b> → <b>drupe</b>		<b>succession</b>	توالی [ع. گیاهی]
<b>stool</b>	کُندهٔ جَستز [ع. گیاهی]	<b>succulent</b>	میوهٔ گوشتی [ع. گیاهی]
<b>STR</b> → short tandem repeat		<i>syn. fleshy fruit</i>	
<b>strap-shaped</b> → <b>ligulate</b> <sup>2</sup>		<b>sucker</b>	پاجوش [ع. گیاهی]
<b>strict consensus tree</b>	درخت اجماع قاطع [ع. گیاهی]	<b>suckering</b>	پاجوش‌دهی [ع. گیاهی]
<b>strigose</b>	زُبرِمو [ع. گیاهی]	<b>sudation</b> → <b>guttation</b>	
<b>stump</b>	کُنده [ع. گیاهی]	<b>sulcate</b>	شیاردار [ع. گیاهی]
<b>stumpwood</b>	کُنده‌چوب [ع. گیاهی]	<i>syn. furrowed, grooved</i>	
<b>style</b>	خامه [ع. گیاهی]	<b>summer dormancy</b>	→ <b>aestivation</b> <sup>2</sup>
<b>stylopodium</b>	پایک خامه [ع. گیاهی]	<b>summer wood</b>	چوب تابستانه [ع. گیاهی]
<b>suberic</b> → <b>suberous</b>		<b>superior ovary</b>	تخمندان فوقانی [ع. گیاهی]
<b>suberification</b> → <b>suberization</b> <sup>1</sup>		<b>superspecies</b>	اُبرگونه [ع. گیاهی]
<b>suberin</b>	چوب‌پنبه [ع. گیاهی]	<b>superspecific</b>	اُبرگونه‌ای [ع. گیاهی]
<i>syn. cork</i>		<b>supraspecific</b>	فراگونه‌ای [ع. گیاهی]
<b>suberization</b> <sup>1</sup>	چوب‌پنبه‌ای‌شدگی، چوب‌پنبه‌ای شدن [ع. گیاهی]	<b>supraspecific level</b>	تراز فراگونه‌ای [ع. گیاهی]
<i>syn. suberification</i>		<b>supraspecific rank</b>	رتبهٔ فراگونه‌ای [ع. گیاهی]
<b>suberization</b> <sup>2</sup>	چوب‌پنبه‌شدگی، چوب‌پنبه شدن [ع. گیاهی]	<b>sword-shaped</b> → <b>ensiform</b>	
<b>suberose</b> → <b>suberous</b>		<b>sympatric</b>	همجا [ع. گیاهی]
<b>suberous</b>	چوب‌پنبه‌ای [ع. گیاهی]	<b>sympatric speciation</b>	گونه‌زایی همجا [ع. گیاهی]
<i>syn. suberic, suberose</i>		<b>symplesiomorphy</b>	هم‌نخست‌ریختی [ع. گیاهی]
<b>subspecies</b>	زیرگونه [ع. گیاهی]	<b>symport</b>	هم‌بری [ع. گیاهی]
<b>subspecific</b>	زیرگونه‌ای [ع. گیاهی]	<b>symporter</b>	هم‌بر [ع. گیاهی]
<b>subtruncate</b>	نیم‌نوک‌بریده [ع. گیاهی]		
<b>subulate</b>	درفشی [ع. گیاهی]		



**synapomorphy** [هم‌جداریختی [ع. گیاهی]  
**syncarpous** [پیوسته‌برچه [ع. گیاهی]  
**synergid** [هم‌کاره [ع. گیاهی]  
**syngamic** → **syngamous**  
**syngamous** [همکام [ع. گیاهی]  
*syn. syngamic*  
**syngamy** [همکامی [ع. گیاهی]  
**syngenesious** [پیوسته‌بساک [ع. گیاهی]  
**synonym** [مترادف [ع. گیاهی]  
**sympetalous** [پیوسته‌گلبرگ [ع. گیاهی]  
*syn. gamopetalous*  
**synsepalous** [پیوسته‌کاسبرگ [ع. گیاهی]  
*syn. gamosepalous*  
**syntepalous** [پیوسته‌گلپار [ع. گیاهی]  
**syntype** [هم‌مونه [ع. گیاهی]  
**systematics** [سازگان‌شناسی [ع. گیاهی]

## T

**Tamaricaceae** [گزیان [ع. گیاهی]  
**Tamarindus** [تمر هندی [ک. دارویی]  
**Tamarindus indica**  
 تمر هندی دارویی [ک. دارویی]  
*syn. Tamarindus officinalis*  
**Tamarindus officinalis**  
 → *Tamarindus indica*  
**Tamarix** [گز [ع. گیاهی]  
**Tamarix aphylla** [گز شاهی [ک. دارویی]  
**Tamus** [تمیس [ع. گیاهی]

**targeted mutagenesis**  
 → site-directed mutagenesis  
**Tasmanian bluegum**  
 → *Eucalyptus globulus*  
**tautonym** [هم‌تنام [ع. گیاهی]  
**Taxaceae** [سرخ‌داریان [ع. گیاهی]  
**Taxodiaceae** [دارتالابیان [ع. گیاهی]  
**Taxodium** [دارتالاب [ع. گیاهی]  
**taxon** [آرایه [ع. گیاهی]  
**taxonomic key**  
 کلید آرایه‌شناختی [ع. گیاهی]  
**taxonomic revision**  
 بازنگری آرایه‌شناختی [ع. گیاهی]  
**taxonomy** [آرایه‌شناسی [ع. گیاهی]  
**Taxus** [سرخ‌دار [ع. گیاهی]  
**tegumentum** [جوانه‌پوش [ع. گیاهی]  
*syn. cataphyll*  
**tegument** → **integument**  
**telomeric position effect**  
 → telomeric silencing  
**telomeric silencing**  
 خاموش‌سازی ته‌پاری [ع. گیاهی]  
*syn. telomeric position effect*  
**tension<sup>1</sup>** [فشار [ع. گیاهی]  
**tension<sup>2</sup>** [کشش [ع. گیاهی]  
**tenuinucellate** [کم‌خورش [ع. گیاهی]  
**tepal** [گلپار [ع. گیاهی]  
**tepaloid** [گلپارواره [ع. گیاهی]  
**terminal bud** → **apical bud**

- Terminalia** [کاروم‌زنگی ع. گیاهی]
- terminal style** [خامهٔ انتهایی ع. گیاهی]  
syn. apical<sup>3</sup>
- ternate venation**  
→ actinodromous
- tertiary vein** [رگبرگ سومین ع. گیاهی]
- testa** → seed coat
- tetrad** [چهارتایه ع. گیاهی]
- tetramerous** [چهارپار ع. گیاهی]
- Teucrium** [کلیوره ک. دارویی]
- Teucrium polium**  
[کلیورهٔ پُرآذین ک. دارویی]  
syn. felty germander
- thalamus** → receptacle
- Thallobionta** → Thallophyta
- thalloid** [ریسه‌سا ع. گیاهی]
- Thallophyta** [ریسه‌داران ع. گیاهی]  
syn. Thallobionta
- thallophyte** [ریسه‌رُست ع. گیاهی]
- thallus** [ریسه ع. گیاهی]
- Theaceae** [چاییان ع. گیاهی]
- theca** [خانک ع. گیاهی]
- Thelypteridaceae**  
[سرخس باتالقیان ع. گیاهی]
- Thelypteris** [سرخس باتالقی ع. گیاهی]
- Theobroma** [کاکائو ع. گیاهی]
- thorn** [خارشاخه ع. گیاهی]
- thread-like** → filiform
- threatened species**  
[گونهٔ درتهدید ع. گیاهی]
- three-pronged** → tridentate
- three-way cross** [سه‌رگه ع. گیاهی]  
syn. three-way hybrid
- three-way hybrid**  
→ three-way cross
- threshold**  
→ threshold potential
- threshold potential**  
[پتانسیل آستانه ع. گیاهی]  
syn. firing point, firing level,  
threshold
- thulamus** [نَهَنج ع. گیاهی]  
syn. receptacle
- thylakoid** [ریزکیسه ع. گیاهی]
- thyme** → *Thymus*
- Thymelaeaceae** [مازریونیان ع. گیاهی]
- Thymus** [آویشن ک. دارویی]  
syn. thyme
- Thymus arthroclados**  
→ *Thymus kotschyanus*
- Thymus eriophorus**  
→ *Thymus kotschyanus*
- Thymus hyrcanus**  
→ *Thymus kotschyanus*
- Thymus kotschyanus**  
[آویشن آزوربه ک. دارویی]  
syn. *Thymus eriophorus*,  
*Thymus hyrcanus*,  
*Thymus arthroclados*

<b>thyrses</b>	خوشه‌گزن [ع. گیاهی]	<b>transformation hypothesis</b>	نظریهٔ دگرگونی انواع،
<b>Tilia</b>	نمدار [ع. گیاهی]		دگرگونی انواع [ع. گیاهی]
<b>Tiliaceae</b>	نمداریان [ع. گیاهی]	<b>transgene</b>	تراژن [ع. گیاهی]
<b>tillering stage</b>	مرحلهٔ پنجه‌زنی [ع. گیاهی]	<b>transgenic</b>	تراژنی [ع. گیاهی]
<b>tip</b>	نوک [ع. گیاهی]	<b>transgenic line</b>	رگهٔ تراژنی [ع. گیاهی]
<b>tissue culture</b>	کشت بافت [ع. گیاهی]	<b>translocation</b>	تراسپاری [ع. گیاهی]
<b>tolerance</b>	تحمل [ع. گیاهی]	<b>transmembrane potential</b>	→ membrane potential
<b>tomentose</b>	نمدی [ع. گیاهی]	<b>transmission</b>	تراگسیل [ع. گیاهی]
<b>tomentulose</b>	ریزنمدی [ع. گیاهی]	<b>transpiration</b>	ترادمش، تعرق [ع. گیاهی]
<b>tongue-shaped</b> → <b>ligulate</b> <sup>2</sup>		<b>transport</b>	تراژرد [ع. گیاهی]
<b>tonoplast</b>	کیش‌دیسه [ع. گیاهی]	<b>transporter</b>	ترابر [ع. گیاهی]
<b>toothed</b> → <b>dentate</b>			<i>syn. carrier protein</i>
<b>topology</b>	مکان‌شناسی [ع. گیاهی]	<b>transudate</b>	ترازحه [ع. گیاهی]
<b>topotaxis</b> → <b>tropism</b>			<i>syn. transudation</i> <sup>2</sup>
<b>torpidity</b> → <b>aestivation</b> <sup>2</sup>		<b>transudation</b> <sup>2</sup> → <b>transudate</b>	
<b>total evaporation</b>		<b>transudation</b> <sup>1</sup>	ترازهش [ع. گیاهی]
→ <b>evapotranspiration</b>		<b>transudatory</b>	ترازهشی [ع. گیاهی]
<b>tracheid</b>	ناپدیس [ع. گیاهی]	<b>transverse dehiscence</b>	
<b>Tracheophytes</b>	آوندداران، گیاهان آوندی [ع. گیاهی]		شکفتگی عرضی [ع. گیاهی]
<b>Trachyspermum</b>	زنیان [ک. دارویی]	<b>transverse oblong</b>	مستطیلی عرضی [ع. گیاهی]
<b>Trachyspermum copticum</b>	زنیان رومی [ک. دارویی]	<b>Trapa</b>	سه‌کنجه‌خیز [ع. گیاهی]
<i>syn. Ammi copticum,</i>		<b>Trapaceae</b>	سه‌کنجه‌خیزیان [ع. گیاهی]
<i>Carum copticum, ajwain</i>		<b>traumatic ring</b>	حلقهٔ آسیب‌زاد [ع. گیاهی]
<b>transcellular transport</b>	تراژرد تراپاخته‌ای [ع. گیاهی]		<i>syn. traumatic zone</i>
<b>transcription vector</b>		<b>traumatic zone</b>	→ traumatic ring
→ <b>expression vector</b>			

- tree** → arbor
- tree-like** → dendroid
- triangular** → deltoid
- tribe** [طایفه .ع. گیاهی]
- trichome** [کُرک .ع. گیاهی]
- trichome-hydathode**  
[کُرک‌روزنه .ع. گیاهی]
- tridentate(d)** [سه‌دندانه‌ای .ع. گیاهی]  
*syn.* three-pronged
- Triglochin** [سه‌سیخک .ع. گیاهی]
- trimerous** [سه‌پار .ع. گیاهی]
- trisomic** [سه‌فام‌تنه .ع. گیاهی]
- trisomy** [سه‌فام‌تنی .ع. گیاهی]
- tritcale** [چاوڈم .ع. گیاهی]
- Triticum** [گندم .ع. گیاهی]
- Triticum durum** → durum wheat
- Triticum turgidum**  
→ durum wheat
- Tropaeolaceae** [لادنیان .ع. گیاهی]
- Tropaeolum** [لادن .ع. گیاهی]
- trophic chain** → food chain
- trophic level** [تراز تغذیه .ع. گیاهی]
- trophic pathway** → food chain
- tropic** [گرایشی .ع. گیاهی]
- tropism** [گرایش .ع. گیاهی]  
*syn.* topotaxis
- truncate** [نوک‌بریده .ع. گیاهی]
- tuberculate** → papillate
- twin species** → sibling species
- type** [مونه .ع. گیاهی]  
*syn.* type specimen
- type specimen** → type
- Typha** [لوئی .ع. گیاهی]
- Typhaceae** [لوتیان .ع. گیاهی]
- U**
- Ulmaceae** [نارونیان .ع. گیاهی]
- Ulmus** [نارون .ع. گیاهی]
- umbel** [چتر .ع. گیاهی]
- Umbellifera** [چتریان .ع. گیاهی]
- umbrella species** [گونه چتر .ع. گیاهی]
- uncinate** [قلاب‌وار .ع. گیاهی]  
*syn.* hooked
- undulate** [موج‌دار .ع. گیاهی]  
*syn.* wavy, repand
- unicarpellous** [تک‌برچه‌ای .ع. گیاهی]
- uniseriate ray** [اشعه یک‌لایه .ع. گیاهی]
- unistomal** [تک‌روزنی .ع. گیاهی]
- unitegmic** [تک‌پوششی .ع. گیاهی]
- unordered** [نامرتب .ع. گیاهی]
- unorthodox seed**  
→ recalcitrant seed
- unrooted tree** [درخت بی‌ریشه .ع. گیاهی]
- Urtica** [گزنه .ع. گیاهی]
- Urticaceae** [گزنه‌ایان .ع. گیاهی]
- utricle** [کیسک .ع. گیاهی]  
*syn.* utriculus

**utricular** [کیسکی [ع. گیاهی]

*syn.* utriculate

**Utricularia** [علف‌انبارنی [ع. گیاهی]

**utriculate** → utricular

**utriculus** → utricle

## v

**Valeriana** [سنبل‌الطیب [مشترک]

**Valerianaceae** [سنبل‌الطیبیان [ع. گیاهی]

**valvular capsule**

→ septifragal capsule

**valvular dehiscence**

[شکفتگی کفه‌ای [ع. گیاهی]

**vascular cambium**

[بُن‌لاد آوندی [ع. گیاهی]

**vascular cryptogams**

[نهان‌زادان آوندی [ع. گیاهی]

**vascular plants** [گیاهان آوندی [ع. گیاهی]

**vascular wilt** [پژمردگی آوندی [ع. گیاهی]

**vein** [رگبرگ [ع. گیاهی]

**veining** → venation

**veinlet** [رگبرگ فرعی [ع. گیاهی]

*syn.* nerville, small vein

**velutinous** [مخملی [ع. گیاهی]

*syn.* velvety, soft

**velvety** → velutinous

**venation** [رگ‌بندی [ع. گیاهی]

**ventral** [شکمی [ع. گیاهی]

**Verbena** [شاه‌پسند [ع. گیاهی]

**Verbenaceae** [شاه‌پسندیان [ع. گیاهی]

**vernal**<sup>1</sup> [بُن‌بهارى [ع. گیاهی]

**vernal**<sup>2</sup> [بهارى [ع. گیاهی]

**verrucate** → papillate

**verticillaster** [فراهمه [ع. گیاهی]

**verticillate** [فراهم [ع. گیاهی]

**verticillate leaves**

→ whorled leaves

**very broadly oblong**

[مستطیلی بس پهن [ع. گیاهی]

**very deeply ovoid**

[تخم‌مرغی بس کشیده [ع. گیاهی]

**very depressed oblong**

[مستطیلی بس فروفشده [ع. گیاهی]

**very narrowly oblong**

[مستطیلی بس باریک [ع. گیاهی]

**very shallowly oblong**

[مستطیلی بس پخشیده [ع. گیاهی]

**vesicular** → vesiculate

**vesiculate** [تاو‌لچه‌دار [ع. گیاهی]

*syn.* bladdery, vesicular

**vessel** [آوند چوبی، چوب‌آوند [ع. گیاهی]

**vessel element**

[عنصر چوب‌آوندی [ع. گیاهی]

**vestiture** [کُرک‌پوش [ع. گیاهی]

*syn.* indumentum

**vicariance** [جان‌شینی [ع. گیاهی]

**vicariant speciation**

[گونه‌زایی جان‌شینی [ع. گیاهی]

**Vicia** ماشک [ع. گیاهی]

**villous** پشم‌آلود [ع. گیاهی]

*syn.* shaggy

**Viola** بنفشه [ع. گیاهی]

**Violaceae** بنفشه‌ایان [ع. گیاهی]

**Viscaceae** داروآشیان [ع. گیاهی]

**Viscum** داروآش [ع. گیاهی]

**Vitaceae** انگوریان [ع. گیاهی]

**Vitales** انگورسانان [ع. گیاهی]

**Vitex** پنج‌انگشت [گ. دارویی]

**Vitex agnus-castus**

پنج‌انگشت پاکدامن [گ. دارویی]

*syn.* chaste tree,

Abraham's balm,

monk's pepper

**Vitex trifolia** پنج‌انگشت هندی [گ. دارویی]

**Vitis** انگور [ع. گیاهی]

**volunteer** → volunteer plant

**volunteer plant** گیاه ناخواسته [ع. گیاهی]

*syn.* volunteer

**voucher specimen**

نمونه شاهد [ع. گیاهی]

**vulnerable species**

گونه آسیب‌پذیر [ع. گیاهی]

## W

**water loss**

→ evapotranspiration

**water mint** → *Mentha aquatica*

**water sprout**

→ epicormic branch

**wavy** → undulate

**wax** موم [ع. گیاهی]

**waxy** مومی [ع. گیاهی]

**weed** علف هرز [ع. گیاهی]

**weighting**

→ character weighting

**whip** درخت شلاق‌زن، شلاق‌زن [ع. گیاهی]

**white deadnettle**

→ *Lamium album*

**white nettle** → *Lamium album*

**whorl** چرخه [ع. گیاهی]

**whorled** چرخه‌ای [ع. گیاهی]

**whorled leaves** برگ‌های فراهم [ع. گیاهی]

*syn.* verticillate leaves

**wild rue** → *Peganum harmala*

**windfirm** بادمقاوم [ع. گیاهی]

**woody root** ریشه چوبی [ع. گیاهی]

**wooly** → lanate

**wrinkled** → rugose

## X

**Xanthophyllaceae**

→ Polygalaceae

**xerophyte** خشکی‌رُست [ع. گیاهی]

*syn.* drought-enduring plant,

drought-persistent plant

**xylarium** [چوبکده [ع. گیاهی]  
**xylem** [بافت چوبی، چوب [ع. گیاهی]  
**xylem cell** [یاخته چوب [ع. گیاهی]  
**xylem ray** [اشعه چوب [ع. گیاهی]  
**xylem sap** [شیره خام [ع. گیاهی]

## Y

**yellow archangel**  
 → *Lamium galeobdolon*

## Z

**Zannichellia** [زانیشلیا، یال اسبی [ع. گیاهی]  
**Zannichelliaceae** [زانیشلیائیانه،  
 یال اسبیان [ع. گیاهی]  
**Zataria** [اوبشن شیرازی [ک. دارویی]  
**Zataria bracteata**  
 → *Zataria multiflora*  
**Zataria multiflora**  
 [اوبشن شیرازی پُرگل [ک. دارویی]  
*syn. Zataria bracteata,*  
*Zataria multiflora var. elatior*  
**Zataria multiflora var. elatior**  
 → *Zataria multiflora*

**Zingiber** [زنجبیل [ع. گیاهی]  
**Zingiberaceae** [زنجبیلیان [ع. گیاهی]  
**Zingiberales** [زنجبیل سانان [ع. گیاهی]  
**Ziziphora** [کاکوتی [ک. دارویی]  
**Ziziphora clinopodioides**

[کاکوتی کوهی [گ. دارویی]

**Ziziphora persica**

[کاکوتی ایرانی [ک. دارویی]

**Ziziphora tenuior**

[کاکوتی نازک [ک. دارویی]

**Ziziphus** [عناب<sup>۲</sup> [مشترک]

**Ziziphus jujuba** [عناب رسمی [ک. دارویی]

**Ziziphus spina-christi** [عناب کُنار،

[کُنار [ک. دارویی]

*syn. Christ's Thorn Jujube*

**Zostera** [نواری [ع. گیاهی]

**Zosteraceae** [نواریان [ع. گیاهی]

**zygomorphic** [تک تقارنی [ع. گیاهی]

*syn. zygomorphous*

**zygomorphous** → **zygomorphic**

**Zygophyllaceae** [قیچیان [ع. گیاهی]

**Zygophyllales** [قیچ سانان [ع. گیاهی]

**Zygophyllum** [قیچ [ع. گیاهی]

**zygote** [زاگ، تخم [ع. گیاهی]









فهرست واژه‌ها براساس گروه یا شاخه

به ترتیب الفبای لاتینی



## علوم گیاهی

### 50% majority-rule consensus

<b>tree</b>	درخت اجماع پنجاه درصدی
<b>abaxial</b>	نامحورسو
<b>abiogenesis</b>	نازیستزایی
<b>abscission layer</b>	لایهٔ ریزشی
<b>Acanthaceae</b>	پاخرسیان
<b>Acantholimon</b>	کلاه میرحسن
<b>acarpic</b> → <b>acarpous</b>	
<b>acarpous</b>	بی‌بر
<i>syn. acarpic</i>	
<b>acaulouscent</b>	بی‌ساقه
<i>syn. acauline, stemless</i>	
<b>acauline</b> → <b>acaulouscent</b>	
<b>accessory bud</b>	جوانهٔ فرعی
<b>accessory fruit</b> → <b>pseudocarp</b>	
<b>acclimation</b>	خوگیری
<i>syn. acclimatization</i>	
<b>acclimatization</b> → <b>acclimation</b>	

<b>accrescent</b>	فزون رشد
<b>acentric</b>	بی‌میان
<b>acentric chromosome</b>	فام تن بی‌میان
<i>syn. acentric fragment</i>	
<b>acentric fragment</b>	
→ <b>acentric chromosome</b>	
<b>Aceraceae</b>	افرایبیان
<b>achene</b>	فندقه
<b>achlamydeous</b>	بی‌گل پوش
<b>acicular<sup>1</sup></b>	سوزنی
<i>syn. needle-shaped</i>	
<b>acicular<sup>2</sup></b> → <b>needle-leaved</b>	
<b>aciculate</b> → <b>needle-leaved</b>	
<b>aciculiform</b> → <b>needle-leaved</b>	
<b>aciculum</b> → <b>needle-leaved</b>	
<b>acid-loving</b>	اسیددوست
<i>syn. acidophilus, acidophilic</i>	
<b>acidophilic</b> → <b>acid-loving</b>	
<b>acidophilus/acidophilous</b>	
→ <b>acid-loving</b>	

<b>acquired character</b>	صفت اکتسابی	<b>aerial root</b>	ریشه هوایی
<b>acrocaulis</b>	بالاساقه‌ای	<b>Aesculus</b>	شاه بلوط هندی
<b>acrocentric</b>	کرانه‌میان	<b>aestival<sup>1</sup>/estival<sup>1</sup></b>	تابستانی
<b>acrocentric chromosome</b>	فام‌تن کرانه‌میان	<b>aestival<sup>2</sup>/estival<sup>2</sup></b>	سرتابستانی
<b>acrocidal capsule</b>	پوشینه رأس شکاف	<b>aestivation<sup>1</sup>/estivation<sup>1</sup></b>	پوش آذین
<b>acrodromous</b>	رأس‌رو	<i>syn.</i> prefloration	
<b>acropetal</b>	بالاسو	<b>aestivation<sup>2</sup>/estivation<sup>2</sup></b>	
<b>Actinidia</b>	کیوی	<i>syn.</i> summer dormancy, torpidity	تابستان‌خوابی
<b>Actinidiaceae</b>	کیویان	<b>afoliolate</b>	بی‌برگ
<b>actinodromous</b>	شعاعی‌رو	<i>syn.</i> leafless	
<i>syn.</i> ternate venation,		<b>after growth</b>	بازرشد
<i>palmete venation</i>		<b>after ripening</b>	پس‌رسی
<b>actinomorphic</b>	چندتقارنی	<b>Agavaceae</b>	خنجریان
<b>action potential</b>	پتانسیل کنش	<b>aggregate fruit</b>	میوه مجتمع
<b>active transport</b>	ترابرد فعال	<b>agricultural biotechnology</b>	زیست‌فناوری کشاورزی
<b>aculeate</b>	تیغ‌دار	<b>Ailanthus</b>	عَرعر
<i>syn.</i> prickly		<b>Aizoaceae</b>	علف‌فرشیان
<b>aculeolate</b>	تیغ‌دار	<b>albumen</b>	سفیده
<b>acuminate</b>	نوک‌دار	<b>Algae</b>	جلبک‌ها، جلبک‌ها
<b>acute</b>	نوک‌تیز	<b>alien arition line</b>	رگه بیگانه‌افزاده‌دار
<b>adaxial</b>	محورسو	<b>alignment</b>	هم‌ردیف‌سازی
<b>addition line</b>	رگه اضافه‌دار	<i>syn.</i> sequence alignment	
<b>Adiantaceae</b>	پرسیاوشیان	<b>A-line</b>	رگه آ
<b>Adiantum</b>	پرسیاوش	<b>Alismataceae</b>	قاشق‌واشیان
<b>adnate</b>	دگرجوش	<b>Alismatales</b>	قاشق‌واش‌سانان
<b>advanced character</b>	صفت برتر	<b>alkali-loving</b>	قلیادوست
<b>adventitious bud</b>	جوانه نابجا	<b>allelozyme</b> → allozyme	
<b>aerenchyma</b>	هواکنه		

<b>Alliaceae</b>	پیازیان	<b>amphidiploidy</b>	دوجوردولادی
<b>allogamic</b> → <b>allogamous</b> <sup>1</sup>		<b>amphiploid</b> <sup>1</sup>	دوجورلاد <sup>1</sup>
<b>allogamous</b> <sup>1</sup>	دگر کام	<b>amphiploid</b> <sup>2</sup>	دوجورلاد <sup>2</sup>
<i>syn.</i> <b>allogamic</b>		<b>amphiploidy</b>	دوجورلادی
<b>allogamous</b> <sup>2</sup>	دگرگشن	<b>amphistomal</b>	دوروزنی
<b>allogamy</b> <sup>1</sup>	دگر کامی	<b>amphitropous</b>	دوسوگرا
<b>allogamy</b> <sup>2</sup>	دگرگشنی	<b>amplexicaule</b>	ساقه برگیر
<b>allogenic</b>	دگرزا	<b>amyloplast</b>	نشادیسه
<b>allopatric</b>	دگرجا	<b>ana-amphitropous</b>	
<b>allopatric speciation</b>			واژگون - دوسوگرا
	گونه زایی دگرجا	<b>anabolic</b>	فراگشتی
<b>allospecies</b> → <b>semispecies</b>		<b>anabolism</b>	فراگشت
<b>allotetraploid</b>	دگرچارلاد	<b>anabolite</b>	فراگشته
<b>allozygote</b>	دگرزاگ	<b>ana-campylotropous</b>	
<b>allozyme</b>	دگرزیم		واژگون - خمش گرا
<i>syn.</i> <b>allelozyme</b>		<b>Anacardiaceae</b>	پسته ایان
<b>Alnus</b>	توسکا	<b>anagenesis</b>	فرازایی
<b>alternate</b>	متناوب	<b>analog</b>	ناهم ساخت
<b>alternate bearing</b>	باردهی متناوب	<i>syn.</i> <b>analogous</b>	
<b>alternate leaves</b>	برگ های متناوب	<b>analogous</b> → <b>analog</b>	
<b>alternipetalous</b>	میان گلبرگی	<b>analogy</b>	ناهم ساختی
<b>alternisepalous</b>	میان کاسبرگی	<b>Ananas</b>	آناناس
<b>Amaranthaceae</b>	تاج خروسیان	<b>anatropous</b>	واژگون
<b>Amaryllidaceae</b>	نرگسیان	<b>ancestor</b>	نیا
<b>ament</b> → <b>catkin</b>		<b>ancestral</b>	نیایی
<b>amorph(ic)</b>	آریخت	<b>anchor protein</b>	پروتئین لنگری
<b>amorphic mutation</b>	جهش آریخت	<i>abbr.</i> AP	
<b>amphidiploid</b> <sup>1</sup>	دوجوردولاد <sup>1</sup>	<b>androdioecious</b>	نر - دوپایه
<b>amphidiploid</b> <sup>2</sup>	دوجوردولاد <sup>2</sup>	<b>androecium</b>	نافه

<b>androgenesis</b>	نرزیایی	<b>antherozoid</b>	گیازامه، زامه <sup>۲</sup>
<b>androgynous</b>	نرماده	<b>antherozoidal</b>	گیازامه‌ای، زامه‌ای
<b>andromonoecious</b>	نر- یک پایه	<b>anthesis</b>	گلدهی <sup>۱</sup>
<b>androphore</b>	نافه‌بر	<i>syn. flowering</i>	
<i>syn. androphorum</i>		<b>Anthocerophyta</b>	شاخ‌واش تباران
<b>androphorum</b> → androphore		<b>antienzyme</b>	پادزی‌مایه، پادآنزیم
<b>anemochory</b>	بادبرافشانی	<b>antimorph(ic)</b>	پادریخت
<b>anemophilous</b>	بادگرده‌افشان	<b>antimorphic mutation</b>	جهش پادریخت
<b>anemophily</b>	بادگرده‌افشانی	<b>antipetalous/antepetalous</b>	
<b>aneuploid<sup>1</sup></b>	ناهولاد <sup>۱</sup>		
<b>aneuploid<sup>2</sup></b>	ناهولاد <sup>۲</sup>		مقابل گلبرگی
<b>aneuploidy</b>	ناهولادی	<b>antipodal</b>	پادسُفتی
<b>angiosperm</b>	نهان‌دانه	<b>antipodal cells</b>	یاخته‌های پادسُفتی
<b>anisogamete</b> → heterogamete		<b>antiport</b>	پادبُری
<b>anisogametic</b> → heterogametic		<b>antiporter</b>	پادبَر
<b>anisogynous</b>	ناجورماده	<b>Antirrhinum</b>	گُل میمونی
<b>anisomerous</b>	ناجورپار	<b>antisepalous/antesepalous</b>	
<b>annual layer</b> → annual ring			مقابل کاسبرگی
<b>annual plant</b>	گیاه یک‌ساله	<b>AP</b> → anchor protein	
<b>annual ring</b>	حلقهٔ سالانه	<b>apetalous</b>	بی‌گلبرگ
<i>syn. annual layer</i>		<b>apex</b>	رأس
<b>anther</b>	بساک	<i>syn. point</i>	
<b>anther dehiscence</b>	شکفتگی بساک	<b>aphanic species</b>	
<b>antherid</b> → antheridium		→ sibling species	
<b>antheridial</b>	زامه‌دانی	<b>Apiaceae</b>	کرفسیان
<b>antheridiophore</b>	زامه‌دان‌بَر	<b>Apiales</b>	کرفس‌سانان
<b>antheridium</b>	زامه‌دان	<b>apical<sup>1</sup></b>	رأسی <sup>۱</sup>
<i>syn. antherid</i>		<b>apical<sup>2</sup></b>	رأسی <sup>۲</sup>
<b>antheriferous</b>	بساک‌بَر	<b>apical<sup>3</sup></b> → terminal style	



<b>apical-axile</b>	محوری رأسی	<b>Aquifoliales</b>	خاس سانان
<b>apical bud</b>	جوانه انتهایی	<b>Araceae</b>	شیبوریان
<i>syn. terminal bud</i>		<b>arachnoid</b>	تار عنکبوتی
<b>apical meristem</b>	سرلاد انتهایی	<i>syn. arachnose</i>	
<b>apiculate</b>	نوکریز	<b>arachnose</b> → arachnoid	
<b>Apium</b>	کرفس	<b>Araliaceae</b>	عشقه ایان
<b>apocarpous</b>	جدابرچه	<b>Araucaria</b>	کاج مطبق
<b>Apocynaceae</b>	خرزهره ایان	<b>Araucariaceae</b>	مطبق کاجیان
<b>apoendemic</b>	جدابوم ویژه، جدانحصاری	<b>arbor</b>	درخت
<b>apogamous<sup>1</sup></b>	نامیخته <sup>1</sup>	<i>syn. tree</i>	
<b>apogamous<sup>2</sup></b>	ناهمکام	<b>arbores</b>	درختگون
<b>apogamy<sup>1</sup></b>	نامیزش	<i>syn. arborescent</i>	
<b>apogamy<sup>2</sup></b>	ناهمکامی	<b>arborescent</b> → arboreous	
<b>apomict</b>	نامیخته <sup>2</sup>	<b>archegonial</b>	مامه دانی
<b>apomictic</b>	نامیخته <sup>3</sup>	<b>archegoniate</b>	مامه دان دار
<b>apomixis</b>	نامیختگی	<b>archegoniophore</b>	مامه دان تر
<b>apomorphic</b>	جدار یخت	<b>archegonium</b>	مامه دان
<b>apomorphy</b>	جدار یختی	<i>syn. oogonium<sup>1</sup></i>	
<b>apopetalous</b>	جدا گلبرگ	<b>Arecaceae</b>	خرمائیان
<i>syn. polypetalous</i>		<b>Arecales</b>	خرماسانان
<b>aposepalous</b>	جداکاسبرگ	<b>areole<sup>1</sup></b>	خاردکمه
<i>syn. polysepalous</i>		<b>areole<sup>2</sup></b>	لانک
<b>apospory</b>	نامیزی	<b>aril</b>	گوشته
<b>apostemonous</b>	جدابرچم	<b>ariled</b>	گوشته دار
<b>apotepalous</b>	جدا گلپار	<i>syn. arillate</i>	
<b>aquatic species</b>	گونه آبی	<b>arillate</b> → ariled	
<b>aquatic plants</b>	گیاهان آبی	<b>aristate</b>	نوکریشکی
<b>Aquifoliaceae</b>	خاسیان	<b>Aristolochia</b>	زراوند
		<b>Aristolochiaceae</b>	زراوندیان

<b>armed shrub</b>	درختچه خاردار	<b>autogamous</b>	خودگشن
<b>aromatic plant</b>	گیاه معطر	<b>autogamy</b>	خودگشنی
<b>arrangement</b>	آرایش	<b>autonym</b>	خودنام
<b>arrow-shaped</b> → sagittiform		<b>autoploid</b> → autopolyploid <sup>1</sup>	
<b>Arum</b>	گل شیپوری	<b>autopolyploid<sup>1</sup></b>	خودچندلاد <sup>1</sup>
<b>Asclepiadaceae</b>	استبرقیان	syn. autoploid	
<b>aseasonal</b>	بی فصل	<b>autopolyploid<sup>2</sup></b>	خودچندلاد <sup>2</sup>
<b>asepalous</b>	بی کاسبرگ	<b>autopolyploidy</b>	خودچندلادی
<b>Asparagaceae</b>	مارچوبه‌ایان	<b>autotroph</b>	خودپرورد <sup>1</sup>
<b>Asparagales</b>	مارچوبه‌سانان	<b>autotrophic</b>	خودپرورد <sup>2</sup>
<b>Asparagus</b>	مارچوبه	<b>autotrophy</b>	خودپروردگی
<b>asperifoliate</b>	خشن برگ	<b>autozygote</b>	خودزಾಗ
syn. asperifolius		<b>autumnal</b>	پاییزی
<b>asperifolius</b> → asperifoliate		<b>autumn wood</b>	چوب پاییزه
<b>Aspleniaceae</b>	سپرزدارویان	<b>auxotroph</b>	تک‌آلی پرورد <sup>1</sup>
<b>Asteraceae</b>	کاسنیان	<b>auxotrophic</b>	تک‌آلی پرورد <sup>2</sup>
<b>astomatal</b>	بی روزنه	<b>auxotrophy</b>	تک‌آلی پروردگی
syn. astomous		<b>Avicennia</b>	حرأ، سینا
<b>astomous</b> → astomatal		<b>Avicenniaceae</b>	حرأئیان، سینائیان
<b>asymmetric</b>	نامتقارن	<b>awl shape</b> → subuliform	
<b>atemic</b>	بی پوشش	<b>awn</b> → beard	
<b>Athyriaceae</b>	ماده سرخسیان	<b>axile</b>	محوری
<b>at risk species</b> → species at risk		<b>axillary<sup>1</sup></b>	جانبی <sup>1</sup>
<b>attenuate</b>	باریک شده	<b>axillary<sup>2</sup></b>	جانبی <sup>2</sup>
<b>attraction-sphere</b>		syn. lateral	
→ centrosphere		<b>Azollaceae</b>	آزیریان
<b>auriculate</b>	گوشک‌دار	<b>baccate</b>	سته‌گون
<b>autapomorphy</b>	تک‌جداریختی	<b>bacciferous</b>	سته‌آور
<b>autochory</b>	خودبرافشانی	<b>bacciform</b>	سته‌شکل

<b>bacilliform</b>	میلیزه شکل	<b>bearing wood</b>	شاخه بارده
<b>backcross breeding</b>	بهنزادی تلاقی برگشتی	<b>bedding plants</b>	گیاهان بسترساز
<b>banner crop</b>	گیاه برتر	<b>bench root</b>	ریشه چنبری
<b>barbate</b> → bearded		<i>syn. gooseneck</i>	
<b>barbed</b>	خاره‌ای	<b>Berberidaceae</b>	زرشکیان
<i>syn. barbellate</i>		<b>Berberis</b>	زرشک
<b>barbellate</b> → barbed		<b>berry</b>	سته
<b>bark</b>	دارپوست، پوست درخت، پوست	<b>berseem</b> → berseem clover	
<b>bark pocket</b>	کبیره درخت	<b>berseem clover</b>	شبدر پرسیم، شبدر مصری
<b>bark slip(ping)</b>	پوست اندازی	<i>syn. berseem</i>	
<b>bark thickness</b>	ضخامت پوست	<b>Betulaceae</b>	توسکائیان
<b>barochory</b>	گرانش برافشانی	<b>beverage crops</b>	
<b>basal<sup>1</sup></b>	قاعده‌ای <sup>۱</sup>	→ beverage plants	
<b>basal<sup>2</sup></b>	قاعده‌ای <sup>۲</sup>	<b>beverage plants</b>	گیاهان نوشایی
<i>syn. radical</i>		<i>syn. beverage crops</i>	
<b>basal body</b> → kinetosome		<b>biennial plant</b>	گیاه دوساله
<b>basal granule</b> → kinetosome		<b>Bignoniaceae</b>	پیچ‌اناریان
<b>basal plate</b>	صفحه پایه‌ای	<b>bilateral</b> → irregular	
<b>basical capsule</b>	پوشینه بُن شکاف	<b>bimerous</b>	دوپار
<b>basifixed</b>	پایه چسب	<b>binary character</b>	صفت دوحالتی
<b>basionym</b>	بُن نام	<b>biocenosis/biocoenosis</b>	زی‌سازند
<b>basipetal</b>	پایین سو	<b>biofarming</b>	
<b>basitony</b>	پاشاخه‌دهی	→ molecular farming	
<b>beaked</b> → rostrate		<b>biogenesis</b>	زیست‌زایی
<b>beard</b>	داسه، ریشک	<b>bioinformatics</b>	زیست‌داده‌ورزی
<i>syn. awn</i>		<b>biological race</b>	نژاد زیست‌شناختی
<b>bearded</b>	ریش‌دار	<b>biomass</b>	زی‌توده
<i>syn. barbate</i>		<b>biomass energy</b>	انرژی زی‌توده‌ای

<b>biomass pyramid</b>	هرم زی توده	<b>Borago</b>	گاوزبان
<b>biome</b>	زیمان	<b>border plants</b>	گیاهان مرزنا
<b>biospecies</b>	زی گونه	<b>bostryx</b> → helicoid cyme	
<b>biosystematics</b>	زی سازگان شناسی	<b>Botrychium</b>	سرخس انگوری
<b>biota</b>	زیواگان	<b>Bougainvillea</b>	گل کاغذی
<b>biotope</b>	زی جا	<b>bract</b>	برگه <sup>۱</sup>
<b>biradial</b>	دوتقارنی	<b>bracteole</b>	برگک
<b>biserrate</b>	دوارهای	<b>branch collar</b>	یقه شاخه
<i>syn. doubly serrate</i>		<b>branchwood</b>	شاخه چوب
<b>bisexual flower</b>	گل دوجنسی	<b>Brassica</b>	کلم
<i>syn. hermaphrodite flower</i>		<b>Brassicaceae</b>	کلمیان
<b>bitegmic</b>	دوپوششی	<b>Brassicales</b>	کلم سانان
<b>bitten off</b> → praemorse		<b>break</b>	نوشاخه
<b>black heart</b> <sup>1</sup>	درون سیاه	<b>breeding</b>	بهنژادی، اصلاح نژاد، اصلاح
<b>black heart</b> <sup>2</sup>	درون سیاهی	<b>bristle</b>	زبر کرک
<b>black-top</b>	سوزن ریزی	<b>bristly</b> → setose	
<b>bladdery</b> → vesiculate		<b>broad heritability</b>	
<b>blade</b>	پهنک		وراثت پذیری عمومی
<i>syn. lamina</i>		<i>syn. broad-sense heritability</i>	
<b>bloom</b> <sup>1</sup>	سپیدگرد	<b>broad-leaved</b>	پهن برگ
<b>bloom</b> <sup>2</sup>	شکوفه	<b>broadly oblong</b>	مستطیلی پهن
<i>syn. blossom</i>		<b>broad-sense heritability</b>	
<b>bloom</b> <sup>3</sup>	گلدھی <sup>۲</sup>	→ broad heritability	
<b>blossom</b> → bloom <sup>2</sup>		<b>brochidodromous</b>	حلقه ای رو
<b>blotch</b>	خال لکه	<b>Bromeliaceae</b>	آناناسیان
<b>bonsai/bonzai</b>	دارسان	<b>brush</b> → bush	
<b>boot stage</b>	مرحله تورم	<b>Bryophyta</b>	خزه تباران
<b>bootstrap</b>	خودراه اندازی	<i>syn. Mosses</i>	
<b>Boraginaceae</b>	گاوزبانیان	<b>bud abscission</b>	جوان ریزی

<i>Buddleja</i>	دُموشی	<i>Calycanthaceae</i>	گل شرایبان
bud mutation → bud sport		<i>Calycanthus</i>	گلُ شرایبی
bud primordium	آغازۀ جوانه	calyptra	سرپوش
bud scale	فلس جوانه	calyptrate	سرپوش دار
bud sport	جهش جوانه‌ای	calyx	کاسه
syn. bud mutation, sport		calyx splitting	کاسه شکافی
bulb	سوخ، پیاز	cambial	بُن لادی
bulbil	سوخیزه، پیازک هوایی	cambiogenesis	بُن لادزایی
bulblet	سوخک، پیازک	cambium	بُن لاد
bullate	ناول دار	<i>Camellia</i>	چای
bulk breeding	بهنژادی جمعی	<i>Campanula</i>	گل استکانی
bulk-pedigree breeding		<i>Campanulaceae</i>	گل استکانیان
	بهنژادی جمعی - شجره‌ای	<i>Campsis</i>	پیچ اناری
bush	بوته	camptodromous	قوسی‌رو
syn. brush		campylodromous	خمیده‌رو
<i>Butomaceae</i>	هزارنی ایان	campylotropous	خمش‌گرا
<i>Butomus</i>	هزارنی	canaliculate	مجردار
<i>Buxaceae</i>	شمشادیان	candidate species	گونه نامزد
<i>Buxus</i>	شمشاد	canescent	سفیدخاکستری
<i>Cactaceae</i>	کاکتوسیان	<i>Canna</i>	اختر
caducous	زودریز	<i>Cannabinaceae/Cannabaceae</i>	شاهدانه ایان
<i>Caesalpinaceae</i>	ارغوانیان	<i>Cannabis</i>	شاهدانه
calciphyte	آهک‌رست	<i>Cannaceae</i>	اختریان
<i>Callitrichaceae</i>	ستاره‌آبیان	canopy density	
<i>Callitriche</i>	ستاره آبی	→ crown density	
callus	پینه	cantharophily	سوسک‌گرده‌افشانی
callus bridge	پل پینه‌ای	capitate	کُپه‌ای
callusing	پینه‌زایی	capitulum	کُپه
<i>Calotropis</i>	استبرق	syn. head	

Capparidaceae/Capparaceae		cell cycle	چرخهٔ یاخته‌ای
	کَبْرِيان	cell culture	کشت یاخته
<i>Capparis</i>	کَبْر	cellule → cell	
capriflication	بَرآنَجِرزنی	cell wall	دیوارهٔ یاخته
caprifig	بَرآنَجیر	central	مرکزی
Caprifoliaceae	آقَطیان	centriole	میانک
capsule	هاگ‌لان	centromere	میان‌پار
<i>Carica</i>	خربزهٔ درختی	centrosome	میان‌تن
Caricaceae	خربزه‌درختیان	centrosphere	میان‌گوی
carpel	بَرچِه	<i>syn.</i> attraction-sphere	
carrier protein → transporter		centrospheric	میان‌گویی
caruncle	ناف‌گوشته	Ceratophyllaceae	برگ‌شاخیان
Caryophyllaceae	میخکیان	<i>Ceratophyllum</i>	برگ‌شاخی
Caryophyllales	میخک‌سانان	<i>Cercis</i>	ارغوان
caryopsis	گندمه	certified seed	بذر گواهی‌شده
casparian strip	نوار کاسپاری	chaffy → paleaceous	
<i>Casuarina</i>	دُم‌اسب‌درختی	chalaza	بُن تخمک
Casuarinaceae	دُم‌اسب‌درختیان	character	صفت
catabolic	فروگشتی	character state	حالت صفت
catabolism	فروگشت	character weighting	وزن‌دهی صفت
cataphyll → tegmentum		<i>syn.</i> weighting	
catch crop	گیاه واسطه	chemoautotroph	شیمی‌خودپرورد
catkin	دُم‌گره‌های	Chenopodiaceae	اسفناجیان
<i>syn.</i> ament		chilling	سرمادهی
cauliflorus	گل‌ساقه‌ای	chimera/chimaera	آمیژه
cauline	ساقه‌ای	chionophile/chianophile	برف‌دوست
Celasteraceae	گوشوارکیان	chlamydeous	گل‌پوش‌دار
cell	یاخته	chlorophyll	سبزینه
<i>syn.</i> cellule		Chlorophyte	جلبک سبز
		<i>syn.</i> green alga	

<b>chloroplast</b>	سبز دیسه	<b>class</b>	رده
<b>chomophyte</b>	صخره رُست	<b>classification</b>	رده بندی، طبقه بندی
<b>chromatid</b>	فامینک	<b>clavate</b>	گرزی
<b>chromatin</b>	فامینه	<b>cleft</b>	نوک شکافته
<b>chromatinic</b>	فامینه ای	<b>climacteric fruits</b>	میوه های خود رس
<b>chromoplast</b>	رنگ دیسه	<b>climax</b>	اوج، نقطه اوج
<b>chromosomal duplication</b>		<b>climax theory</b>	نظریه اوج
→ duplication		<b>clonal</b>	همسانه ای
<b>chromosome</b>	فام تن	<b>clone</b>	همسانه
<b>chronogram</b>	گاه نگاره	<b>cloned</b>	همسانه سازی شده، همسانیده
<b>chronospecies</b> → paleospecies		<b>clone library</b> → gene library	
<b>Cichorium</b>	کاسنی	<b>cloning</b>	همسانه سازی
<b>ciliate</b>	مژه دار	<b>coated seed</b>	بذر پوشش دار
<b>ciliolate</b>	مژک دار	<i>syn. pelleted seed</i>	
<b>ciliolum</b>	مژک	<b>codon</b>	رّمزه
<b>cilium</b>	مژه	<b>coherent</b>	پیوسته
<b>cinnannus</b> → scorpioid cyme		<b>cohesion</b>	چسبندگی
<b>cion</b> → scion		<b>cohesive</b>	چسبنده
<b>circumscissile capsule</b>	پوشینه پیراشکاف	<b>Colchicaceae</b>	گل حسرتیان
<b>cirrhous</b>	نوک چنبری	<b>Colchicum</b>	گل حسرت
<b>Cistaceae</b>	گل آفتابیان	<b>collar</b>	یقه
<b>Cistus</b>	گل آفتابی	<b>collenchyma</b>	چسب آکنه
<b>clade</b>	تبار شاخه	<b>columella</b>	ستونک
<b>cladistics</b>	تبار شاخه شناسی	<b>Combretaceae</b>	گاروم زنگیان
<b>cladogenesis</b>	تبار شاخه زایی	<b>Commelina</b>	برگ بیدی
<b>cladogenetic</b>	تبار شاخه زایشی	<b>Commelinaceae</b>	برگ بیدیان
<b>cladogram</b>	تبار شاخه نگاره	<b>comose</b>	منگوله دار
<b>cladogram robustness</b>		<b>companion cell</b>	یاخته همراه
	استواری تبار شاخه نگاره	<b>companion crop</b>	گیاه همراه

<b>competitive crop</b>	گیاه رقیب	<b>corn husk</b>	بلال پوش
<b>compositae</b>	مرکبان	<b>cornlet</b>	بلالچه
<b>concerted evolution</b>	تکامل هماهنگ، فرگشت هماهنگ	<b>Cornus</b>	زغال اخته
<b>congruence</b>	همخوانی	<b>corolla</b>	جام
<b>conjugate<sup>1</sup></b>	همیوغ	<b>corrugate</b>	چین دار <sup>1</sup>
<b>conjugate<sup>2</sup></b>	همیوغ شدن، همیوغ کردن	<b>cortex</b>	پوسته، قشر
<b>conjugation</b>	همیوگی	<b>Corylaceae</b>	فندقیان
<b>conjugon</b>	همیوغه	<b>Corylus</b>	فندق
<b>connate</b>	هم جوش	<b>corymb</b>	دیهیم
<b>consensus tree</b>	درخت اجماع	<b>corymbose</b>	دیهیمی
<b>contiguous</b>	مماس	<b>costa → midrib</b>	
<b>controlled pollination</b>	گرده افشانی واپاشی	<b>costate → ribbed</b>	
<b>convergence</b>	همگرایی	<b>cotransport</b>	هم ترابردی
<b>Convulvulaceae</b>	پیچکیان	<b>cotransporter</b>	هم ترابر
<b>Convulvulus</b>	پیچک	<b>countertransport</b>	پادترابردی
<b>copiotroph</b>	فزونی پرورد <sup>1</sup>	<b>couplet</b>	بند
<b>copiotrophic</b>	فزونی پرورد <sup>2</sup>	<b>cover crop</b>	گیاه پوششی
<b>copiotrophy</b>	فزونی پروردگی	<b>CR → critically endangered</b>	
<b>coppice shoot</b>	جست	<b>craspedodromous</b>	لبه رو
<b>coppicing</b>	جست زایی	<i>syn. simpledromous</i>	
<b>cordate</b>	قلبی	<b>crassinucellate</b>	پُر خورش
<i>syn. heart-shaped</i>		<b>creeper</b>	گیاه خزنده
<b>core wood → juvenile wood</b>		<b>cremocarp</b>	آویز بر
<b>cork → suberin</b>		<b>crenate</b>	کنگره ای
<b>cork cambium</b>	بُن لاد چوب پنبه	<b>crenulate/crenulate</b>	ریز کنگره ای
<b>Cornaceae</b>	زغال اخته ایان	<b>critically endangered</b>	بسیار در خطر
<b>Cornales</b>	زغال اخته سانان	<i>abbr. CR</i>	
		<b>critical species</b>	گونه بسیار در خطر
		<b>crop</b>	گیاه زراعی
		<i>syn. crop plant</i>	



crop plant	→ crop	cyme	گرزن
crossing over	چلیپایی شدن	cymose	گرزنی
cross-pollination	دگرگرده‌افشانی	cymule	گرزنک
crown	تاج	Cynomoriaceae	خونین‌گُزبان
crown base	تاج‌بُن	Cynomorium	خونین‌گُرز
crown density	تراکم تاج	Cyperaceae	جگنیان
	syn. canopy density	Cyperales	جگن‌سانان
crown group	تاج‌گروه	Cyperus	جگن
Cruciferae	چلیپانیان	cypsela	کافشه‌ای
cryptic species		cytokinesis	تقسیم درون‌یاخته
	→ sibling species	cytoplasm	میان‌یاخته
Cryptogams	نهانزادان	cytoplasmic	میان‌یاخته‌ای
Cucurbita	کدو		syn. cytoplasmically
Cucurbitaceae	کدوئیان	cytoplasmically	→ cytoplasmic
Cucurbitales	کدوسانان	cytoplasmic inheritance	
cuneate	گُوه‌ای		وراثت میان‌یاخته‌ای
Cupressaceae	سرویان	Daphne	مازربون
cupula	فنجانک	Datisca	شاهدانه‌وش
cupular	فنجانکی	Datisceae	شاهدانه‌وشیان
cupule	پیاله	day-neutral plant	
Cuscuta	سیس		→ neutral-day plant
Cuscutaceae	سیسیان	decay index	شاخص واپاشی
cuspidate	نوک‌نیش‌دار	deciduous	خزان‌دار
cuticle	پوستک	decoy crop	گیاه تله
cuticular	پوستکی	decurrent	پایین‌رو
C value	ارزش سی، ارزش ثابت	decussate	متقابل ضربداری
cyathium	پنگان	deep-rooted	ریشه عمقی
Cycadaceae	پایانخلیان	deeply ovoid	تخم مرغی کشیده
cyclosis	چرخ‌زنی	defoliation	برگ‌ریزی

<b>dehiscent</b>	شکوفا	<b>dichasium</b>	گوزن دوسویه
<b>dehiscence</b>	شکفتگی	<i>syn.</i> dichasial cyme	
<b>dehiscent fruit</b>	میوه شکوفا	<b>dichotomic</b>	دوشاخه
<b>deltoid</b>	دلتاوار	<b>dichotomous key</b>	کلید دوشاخه‌ای
<i>syn.</i> triangular		<b>dichotomy</b>	دوشاخگی
<b>dendrogram</b>	دارنگاره	<b>Diclidanthraceae</b>	
<i>syn.</i> phenogram		→ Polygalaceae	
<b>dendroid</b>	درخت‌وار	<b>Dioscoreaceae</b>	تمیسیان
<i>syn.</i> tree-like		<b>Dioscoreales</b>	تمیس‌سانان
<b>denitrification</b>	شوره‌زدایی	<b>Diospyrus</b>	خرمالو
<b>Dennstaedtiaceae</b>	سرخس عقابیان	<b>diploid</b>	دولاد
<b>dentate</b>	دندان‌ه‌ای	<b>diploidy</b>	دولادی
<i>syn.</i> toothed, notched		<b>diplostemonous</b>	دو حلقه‌پرچی
<b>denticulate</b>	ریزدندان‌ه‌ای	<b>Dipsacaceae</b>	خواجه‌باشیان
<i>syn.</i> finely dented		<b>Dipsacales</b>	خواجه‌باشی‌سانان
<b>depressed oblong</b>	مستطیلی فروفشرده	<b>Dipsacus</b>	خواجه‌باشی
<b>descent</b>	تبار	<b>directed evolution</b>	تکامل جهت‌داده
<b>description</b>	شرح	<i>syn.</i> directional evolution	
<b>determination</b>	نام‌گذاری	<b>directional evolution</b>	
<b>diadelphous</b>	دودسته‌ای	→ directed evolution	
<b>diagnosis</b>		<b>directed mutagenesis</b>	
→ diagnostic characterization		→ site-directed mutagenesis	
<b>diagnostic characterization</b>	شرح تشخیصی	<b>directed selection</b>	
<i>syn.</i> diagnosis		→ directional selection	
<b>Dianthus</b>	میخک	<b>directional selection</b>	انتخاب جهت‌دار، گزینش جهت‌دار
<b>dichasial</b>	گوزن دوسویه‌ای	<i>syn.</i> directed selection	
<b>dichasial cyme</b> → dichasium		<b>discontinuous ring</b>	حلقه ناپیوسته
		<b>disposition</b>	چینش

<b>disruptive selection</b>	انتخاب گسلنده، گزینش گسلنده	<b>drought-persistent plant</b>	→ xerophyte
<b>distichous</b>	متناوب دوردیفه	<b>drought ring</b>	حلقه خشکی‌زاد
<b>distinct</b>	جدا	<b>drupaceous fruit</b>	→ drupe
<b>dithecal</b>	دوخانگی	<b>drupe</b>	شفت
<b>divergence</b>	واگرایی	<i>syn.</i> stone fruit,	
<b>DNA ligase</b>	دناپیونداز	drupaceous fruit	
<i>syn.</i> ligase		<b>dry fruit</b>	میوه خشک
<b>Dodonaea</b>	ناترک	<b>dry matter accumulation</b>	تجمع ماده خشک
<b>doliiform</b>	دَلوی شکل	<b>Dryopteridaceae</b>	نرسرخسیان
<b>domain</b>	حوزه	<b>duplicate<sup>1</sup></b>	دوتا شدن
<b>dominant crop</b>	گیاه چیره	<b>duplicate<sup>2</sup></b>	دوتاشده
<b>dominant negative mutation</b>	جهش بارز منفی	<b>duplication</b>	دوتاشدگی
<b>donor parent</b>	والد دهنده	<i>syn.</i> chromosomal duplication,	
<b>dormancy</b>	خفتگی	doubling	
<b>dormancy breaking</b>	خواب‌شکنی	<b>duramen</b>	→ heartwood
<b>dormant</b>	خفته	<b>duration</b>	طول عمر
<b>dorsal</b>	پستی	<b>durian</b>	خارگیل
<b>dotted</b>	→ punctate	<b>durum</b>	→ durum wheat
<b>double cross</b>	چهاررگه	<b>durum wheat</b>	گندم نی‌رشته
<i>syn.</i> four-way hybrid		<i>syn.</i> <i>Triticum turgidum</i> ,	
<b>doubling</b>	→ duplication	<i>Triticum durum</i> ,	durum
<b>doubly serrate</b>	→ biserrate	<b>dystrophia</b>	→ dystrophy
<b>dough stage</b>	مرحله خمیری	<b>dystrophic</b>	دُش‌پرورد
<b>dredge</b>	جولاف	<b>dystrophy</b>	دُش‌پروردگی
<b>drought crack</b>	ترک خشکی‌زاد	<i>syn.</i> dystrophia	
<b>drought-enduring plant</b>		<b>Ebenaceae</b>	خرمالوئیان
→ xerophyte		<b>early crop</b>	گیاه زودرس

<b>earlywood</b>	پیشین چوب	<b>emarginate</b>	نوک چالدار
<b>easy-to-root</b>	آسان ریشه‌زا	<b>embryo</b>	رویاب
<b>ecdemic</b>	برون خیز	<b>embryogenesis</b>	رویاب‌زایی
<b>echinate</b>	خاردار	<b>embryogenetic</b>	رویاب‌زایشی
<b>ecoclimate</b>	بوم‌اقلیم	<b>embryologic</b>	رویاب‌شناختی
<b>ecological pyramid</b>	هرم بوم‌شناختی	<b>embryology</b>	رویاب‌شناسی
<i>syn.</i> food pyramid,		<b>embryonal</b> → embryonic	
Eltonian pyramid		<b>embryonic</b>	رویایی
<b>ecological race</b>	نژاد بوم‌شناختی	<i>syn.</i> embryonal	
<b>ecological system</b> → ecosystem		<b>embryophore</b>	رویاب‌بَر
<b>eco-organ</b>	بوم‌اندام	<b>Embryophytes</b>	رویاب‌داران
<b>ecospecies</b>	بوم‌گونه	<b>EN</b> → endangered species	
<b>ecosystem</b>	بوم‌سازگان	<b>enation</b>	توتنه
<i>syn.</i> ecological system		<b>endangered species</b>	گونه‌ درخطر
<b>ecotone</b>	مرزبوم	<i>abbr.</i> EN	
<b>ectoplasm</b>	برمیان‌یاخته	<b>endemic species</b>	گونه‌ بوم‌ویژه، گونه‌ انحصاری
<i>syn.</i> ectosarc		<b>endexine</b>	برون‌پوش درونی
<b>ectoplasmatic</b>	برمیان‌یاخته‌ای	<b>endocarp</b>	درون‌بَر
<b>ectosarc</b> → ectoplasm		<b>endocytosis</b>	درون‌بری
<b>egg-shaped</b> → ovate		<b>endoderm</b>	درون‌پوست
<b>einkorn/Einkorn (ge.)</b>	گندم تک‌دانه	<b>endodermal</b> → endodermic	
<i>syn.</i> one-grained wheat		<b>endodermic</b>	درون‌پوستی
<b>ektexine</b>	برون‌پوش بیرونی	<i>syn.</i> endodermal	
<b>Elaeagnaceae</b>	سنجدیان	<b>endophyte</b>	گیاه درون‌رُست، درون‌رُست <sup>۱</sup>
<b>Elaeagnus</b>	سنجد	<b>endophytic</b>	درون‌رُست <sup>۲</sup>
<b>elite seed</b>	بذر بهین	<b>endophytism</b>	درون‌رُستی
<b>ellipsoid</b>	بیضی‌وار	<b>endoplasm</b>	درمیان‌یاخته
<b>Eltonian pyramid</b>			
→ ecological pyramid			

<b>endoplasmic</b>	درمیان یاخته‌ای	<b>epigynous</b>	روتخمدانی
<b>endoplasmic reticulum</b>		<b>epiperigynous</b>	رو- پیراتخمدانی
<i>abbr.</i> ER	شبکه درمیان یاخته‌ای	<b>epipetalous</b>	روگلبرگی
<b>endosperm<sup>1</sup></b>	خورش <sup>۱</sup>	<i>syn.</i> petalostemonous	
<b>endosperm<sup>2</sup></b>	درون دانه	<b>epiphyte</b>	گیاه روئست، روئست <sup>۱</sup>
<b>endostomal</b>	درون روزنی	<b>epiphytic</b>	روئست <sup>۲</sup>
<b>ensiform</b>	شمشیری شکل	<b>epiphytism</b>	روئستی
<i>syn.</i> sword-shaped		<b>episepalous</b>	روکاسبرگی
<b>entire</b>	کامل	<b>episperm</b>	رودانه
<b>entomophilous</b>	گیاه حشره دوست، حشره دوست	<b>epitepalous</b>	روگلپاری
<b>entomophily</b>	حشره گرده افشانی	<b>epithem</b>	روآکنه
<b>Ephedraceae</b>	أرمکیان	<b>epitropous</b>	روگرا
<b>epicarp</b>	روئبر	<b>epitropous-dorsal</b>	روگرای پشتی
<i>syn.</i> epicarpium		<b>epitropous-ventral</b>	روگرای شکمی
<b>epicarpium</b> → epicarp		<b>epitype</b>	برمونه
<b>epicormic</b> → epicormic branch		<b>Equisetaceae</b>	دُم اسببیا
<b>epicormic branch</b>	شاخه هرز	<b>equitant</b>	پایه هم‌پوش
<i>syn.</i> epicormic, epicormic shoot, water sprout		<b>ER</b> → endoplasmic reticulum	
<b>epicormic shoot</b>		<b>Ericales</b>	خلنگ سانان
→ epicormic branch		<b>estival<sup>1</sup></b> → aestival <sup>1</sup>	
<b>epiderm</b>	روپوست	<b>estival<sup>2</sup></b> → aestival <sup>2</sup>	
<b>epidermal</b> → epidermic		<b>estivation<sup>1</sup></b> → aestivation <sup>1</sup>	
<b>epidermic</b>	روپوستی	<b>estivation<sup>2</sup></b> → aestivation <sup>2</sup>	
<i>syn.</i> epidermal		<b>eucamptodromous</b>	هوقوسی رو
<b>epigeal</b>	روز مینی	<b>Eucaryotae/Eukaryotae</b>	هوهسته‌ای‌ها
<b>epigenesis</b>	پس زایش	<b>eukaryon</b> → eukaryote	
<b>epigenetic</b>	پس زایشی	<b>eukaryosis/eucaryosis</b>	هوهستگی
		<b>eukaryote/eucaryote</b>	هوهسته‌ای <sup>۱</sup>
		<i>syn.</i> eukaryon	

eukaryotic/eucaryotic	هوهسته‌ای <sup>۲</sup>	excrete	دفع کردن
<i>Euonymus</i>	گوشوارکی	excretion <sup>1</sup>	دفع
<i>Euphorbia</i>	فرقیون	excretion <sup>2</sup>	ماده دفعی
Euphorbiaceae	فرقیونیان	syn. excrement	
euploid	هولاد	excretory	دفعی
euploidy	هولادی	exine	برون پوش
eutrophia → eutrophy		exocarp	برون‌بر
eutrophic	هوپرورد	exocytosis	برون‌رانی
eutrophication	هوپرورش	exon	بیانه
eutrophy	هوپروردگی	exostomal	برون‌روزی
syn. eutrophia		exotic species	گونه غیربومی
evapotranspiration	بَرترادمش، تبخیر - تعرق	syn. non-native species	
syn. total evaporation, water loss, fly-off		expression cloning vector	
evergreen	همیشه‌سبز	→ expression vector	
evolution	تکامل، فرگشت	expression vector	ناقل بیانی
evolutionary clock	ساعت تکاملی، ساعت فرگشتی	syn. expression cloning vector, transcription vector	
evolutionary genomics		extinction	انقراض
ژنگان‌شناسی تکاملی، ژنگان‌شناسی فرگشتی		extra chromosomal inheritance	وراثت برون‌فام‌تنی
excitable cell	یاخته تحریک‌پذیر	extranuclear inheritance	وراثت برون‌هسته‌ای
excitable cell membrane		extrorse dehiscence	شکفتگی برون‌افشان
→ excitable membrane		exudate	برون‌زهره
excitable membrane	غشای تحریک‌پذیر	syn. exudation <sup>1</sup>	
syn. excitable cell membrane		exudation <sup>1</sup> → exudate	
excrement → excretion <sup>2</sup>		exudation <sup>2</sup>	برون‌زهش
		exudative	برون‌زهشی

<b>ex vitro</b>	برون شیشه‌ای، برون شیشه	<b>fimbriate(d)</b>	شَرَّابَه‌ای
<b>ex vivo</b>	برون زیوه‌ای، برون زیوه	<i>syn.</i> fringed	
<b>Fabaceae</b>	باقلائیان	<b>finely dented</b> → denticulate	
<i>syn.</i> Leguminosae		<b>finely ovoid</b>	تخم‌مرغی کامل
<b>Fabales</b>	باقلاسانان	<b>finely serrate</b> → serrulate	
<b>Fagaceae</b>	راشیان	<b>finely setose</b> → setulose	
<b>Fagales</b>	راش‌سانان	<b>fire ring</b>	حلقهٔ آتش‌زاد
<b>Fagus</b>	راش	<b>fire-tolerant species</b>	گونهٔ آتش‌تاب
<b>falcate</b>	داسی	<b>firing level</b>	
<b>falciform</b>	داسی‌شکل	→ threshold potential	
<b>false fruit</b> → pseudocarp		<b>firing point</b>	
<b>false-heart</b>	درون چوب کاذب	→ threshold potential	
<i>syn.</i> false heartwood		<b>fitness</b>	برازندگی وراثتی، برازندگی
<b>false heartwood</b> → false-heart		<b>fixity of species</b>	نظریهٔ ثبات انواع، ثبات انواع
<b>false ring</b>	حلقهٔ کاذب		
<b>family</b>	تیره	<b>flabellate</b>	بادبزی
<b>fang</b>	چنگالگی	<b>flabelliform</b>	بادبزی‌شکل
<b>fan-shaped</b> → flabelliform		<i>syn.</i> fan-shaped	
<b>farinaceous</b>	آردآلود	<b>flagship species</b>	گونهٔ نماد
<b>faveolatus</b>	ریز لانه‌زنبوری	<b>flax</b> → <i>Linum</i>	
<b>favosus</b>	لانه‌زنبوری	<b>fleshy fruit</b> → succulent	
<i>syn.</i> honeycombed		<b>floccose</b>	ریزنده‌کرک
<b>fertility restorer line</b>		<b>flora</b>	گیاهان
	رگهٔ بازگردان باروری	<b>floral diagram</b>	گل‌نگاره
<i>syn.</i> restorer line		<b>floral formula</b>	فرمول گل
<b>filament</b>	میلهٔ پرچم	<b>floral tube</b> → hypanthium	
<b>filamentous</b> → filiform		<b>floret</b>	گل‌چه
<b>filiform</b>	نخی‌شکل	<i>syn.</i> floscule, flosculus	
<i>syn.</i> thread-like, filamentous		<b>floristic</b>	گیاهانی

<b>floristics</b>	گیاهان شناسی	<b>Frankenia</b>	شب‌نمی
<b>floscule</b> → floret		<b>Frankeniaceae</b>	شب‌نمیان
<b>flosculus</b> → floret		<b>free</b>	آزاد
<b>flower abscission</b>	گل‌ریزی	<b>free-central</b>	مرکزی - آزاد
<b>flower bud abscission</b>	غنچه‌ریزی	<b>fringed</b> → fimbriate	
<b>flowering</b> → anthesis		<b>frost crack</b>	ترک یخ‌زاد
<b>flowering plant</b>	گیاه گل‌دار	<i>syn.</i> frost split	
<b>fly-off</b> → evapotranspiration		<b>frost heart</b>	درون چوب یخ‌زاد
<b>follicle</b>	برگه	<b>frost ring</b>	حلقه یخ‌زاد
<b>food chain</b>	زنجیره غذایی	<b>frost split</b> → frost crack	
<i>syn.</i> trophic chain, trophic pathway		<b>fruit</b>	میوه
<b>food cycle</b>	چرخه غذایی	<b>fruit abscission</b>	میوه‌ریزی
<b>food nexa</b> → food web		<b>Fumaria</b>	شاه‌تره
<b>food pyramid</b>		<b>Fumariaceae</b>	شاه‌تره‌ایان
→ ecological pyramid		<b>fungus filament</b> → hypha	
<b>food web</b>	شبکه غذایی	<b>fungarium</b>	قارچ‌کده
<i>syn.</i> food nexa		<b>Fungi</b>	قارچان، قارچ‌ها
<b>foundation seed</b>	بذر مادر	<b>funiculus</b>	بند ناف
<b>founder effect</b>	اثر بنیان‌گذار	<b>furrowed</b> → sulcate	
<b>founder principle</b>	اصل بنیان‌گذار	<b>fusiform</b>	دوکی‌شکل
<b>four-way hybrid</b> → double cross		<b>fusiform initial</b>	پیش‌آغازه دوکی‌شکل
<b>foveate</b>	لان‌دار	<b>fusion</b>	الحاق
<b>foveolate</b>	لانک‌دار	<b>gain of function</b>	
<b>frame shift mutation</b>		→ gain of function mutation	
	جهش چارچوب‌گردان	<b>gain of function mutation</b>	
<i>syn.</i> phase shift mutation, reading frame shift mutation		<i>syn.</i> gain of function	
		<b>gametangium</b>	کامه‌دان
		<b>gamete</b>	کامه



<b>gametic</b>	کامه‌ای	<b>genetics</b>	ژن‌شناسی
<b>gametocyte</b>	کام‌باخته	<b>genome</b>	ژنگان
<b>gametogenesis</b>	کامه‌زایی	<b>genomic DNA library</b>	
<b>gametogenic</b>	کامه‌زایشی	→ genomic library	
<b>gametophore</b>	کامه‌بر	<b>genomic library</b>	گنجینه ژنگان
<b>gametophyte</b>	کامه‌رُست	<i>syn.</i> genomic DNA library	
<b>gamopetalous</b> → synpetalous		<b>genotype</b>	ژن‌نمود
<b>gamosepalous</b> → synsepalous		<b>genotypic</b>	ژن‌نمودی
<b>gap stage</b> → pioneer stage		<b>Gentiana</b>	گل سپاسی
<b>gene</b>	ژن	<b>Gentianaceae</b>	گل سپاسیان
<b>genealogy</b>	دودمان‌شناسی	<b>Gentianales</b>	گل سپاسی‌سانان
<b>gene bank</b>	بانک ژن	<b>genus</b>	سرده
<b>genecologic</b>	ژن‌بوم‌شناختی	<b>geophyte</b>	خاک‌رُست
<b>genecology</b>	ژن‌بوم‌شناسی	<b>geotropic</b>	زمین‌گرا
<b>gene expression</b>	بیان ژن	<b>geotropism</b>	زمین‌گرایی
<b>gene library</b>	گنجینه ژن	<b>Geraniaceae</b>	شمعدانیان
<i>syn.</i> clone library		<b>Geraniales</b>	شمعدانی‌سانان
<b>gene replacement</b>	جایگزینی ژن	<b>germinate</b>	تندیدن
<b>genetic</b>	ژن‌شناختی	<b>germination</b>	تندش
<b>genetically engineered organism</b>		<b>germplasm</b>	زادمایه
→ genetically motified		<b>Gesneriaceae</b>	چستریان، بنفشه‌افریقائیان
organism		<b>Ginkgo</b>	کهن‌دار
<b>genetically modified organism</b>	اندامگان تراژنه	<b>Ginkgoaceae</b>	کهن‌داریان
<i>syn.</i> living modified organism,		<b>glabrous</b>	بی کرک
genetically engineered		<i>syn.</i> smooth	
organism		<b>glandular</b>	غده‌دار
<b>genetic drift</b>	رانس ژنی	<b>glaucous</b>	سفیدکمی
<b>geneticist</b>	ژن‌شناس	<b>glazed stage</b>	مرحله لعابی

<b>glochidiate</b>	خارلنگری	<b>granulate</b> → granular	
<b>glomerule</b>	شَنگله	<b>granulation</b>	ریزدانه‌های شدن
<b>glucogenic</b>	گلو کوززایشی	<b>granule</b>	ریزدانه
<b>gluconeogenesis</b>	نوگلو کوززایی	<b>granuliferous</b> <sup>1</sup>	ریزدانه‌بر
<i>syn. glyconeogenesis,</i>		<b>granuliferous</b> <sup>2</sup> → granulose	
<i>neoglucogenesis</i>		<b>granulose</b>	ریزدانه‌دار
<b>gluconeogenetic</b>	نوگلو کوززایشی	<i>syn. granuliferous</i> <sup>2</sup>	
<i>syn. glyconeogenetic,</i>		<b>granum</b>	دانگان
<i>neoglucogenetic</i>		<b>grass</b>	باریک‌برگ
<b>glycolysis/glucolysis</b>	قند کافت	<i>syn. narrow-leaved plant</i>	
<b>glycolytic</b>	قند کافتی	<b>green alga</b> → Chlorophyte	
<b>glyconeogenesis</b>		<b>green biotechnology</b>	زیست‌فناوری سبز
→ gluconeogenesis		<b>green tree</b>	درخت زنده
<b>glyconeogenetic</b>		<b>green up</b>	نوروش
→ gluconeogenetic		<b>grooved</b> → sulcate	
<b>glycophyte</b>	شیرین‌رُست	<b>Grossulariaceae</b>	انگورفرنگیان
<b>GMO</b>	ناتراژنه	<b>ground meristem</b>	سرلاد زمینه
<b>Gnetaceae</b>	گیتنومیان	<b>ground parenchyma</b>	نرم‌آکنه زمینه
<b>Gnetales</b>	گیتنوم‌سانان	<b>ground tissue</b>	بافت زمینه
<b>Gnetum</b>	گیتنوم	<b>growth crack</b>	تَرَک رشد
<b>Golgi's apparatus</b>	دستگاه گلژی	<b>growth layer</b>	لایه رشد
<b>gooseneck</b> → bench root		<b>growth ring</b>	حلقه رشد
<b>gradual evolution</b>	تکامل تدریجی، فرگشت تدریجی	<b>growth-ring boundary</b>	مرز حلقه رشد
<b>gradual speciation</b>	گونه‌زایی تدریجی	<b>growth stage</b>	مرحله رشد
<b>grain</b>	دانه <sup>۱</sup>	<b>guard cell</b>	یاخته نگهبان
<b>Gramineae</b> → Poaceae		<b>gum</b>	صمغ
<b>granular</b>	ریزدانه‌ای	<b>gummiferous</b>	صمغ‌بر
<i>syn. granulate</i>		<b>gummy</b>	صمغی

<b>guttation</b>	زهش، تعریق	<b>Hedera</b>	عَشْتَه
<i>syn. sudation</i>		<b>helicoid cyme</b>	گوزن مارپیچی
<b>guttational</b>	زهشی، تعریقی	<i>syn. bostryx</i>	
<b>gymnosperm</b>	بازدانه	<b>hemianatropous</b>	نیمه‌واژگون
<b>gynobasic</b>	بُن تخمدانی	<i>syn. hemitropous</i>	
<b>gynodioecious</b>	ماده- دوپایه	<b>hemitropous</b>	
<b>gynoecium</b> → pistil		→ hemianatropous	
<b>gynomonoecious</b>	ماده- یک‌پایه	<b>Hepaticophyta</b> → Hepatophyta	
<b>gynophore</b>	مادگی‌نر	<b>hepatics</b> → liverworts	
<b>half-inferior</b>	نیمه‌تحتانی	<b>Hepatophyta</b>	جگرواش تباران
<b>halophyte</b>	نمک‌رُست	<i>syn. Hepaticophyta</i>	
<b>Hamamelidaceae</b>	آنجیلیان	<b>herbarium</b>	گیاکده
<b>Hamamelidales</b>	آنجیلی‌سانان	<b>herbarium specimen</b>	نمونه گیاکده‌ای
<b>hard dough stage</b>	مرحله سخت خمیری	<b>hereditary</b>	وراثتی
<b>hard seed</b>	بذر سخت	<b>heredity</b>	وراثت
<b>hardwood</b>	سخت‌چوب	<b>heritability</b>	وراثت‌پذیری
<b>haploid</b>	تک‌لاد	<b>hermaphrodite flower</b>	
<b>haploidy</b>	تک‌لادی	→ bisexual flower	
<b>hastate</b>	زوبینی	<b>hermaphroditism</b>	نرمادگی
<b>hastiform</b>	زوبین‌شکل	<b>hesperidiform</b>	لیموسنگی‌شکل
<b>head</b> → capitulum		<b>hesperidium</b>	پرتقالی
<b>heading stage</b>	مرحله خوشه‌دهی	<b>heterocellular ray</b>	اشعه ناچوریاخته
<i>syn. heading time</i>		<b>heterogamete</b>	ناچور کامه
<b>heading time</b> → heading stage		<i>syn. anisogamete</i>	
<b>heart</b> → heartwood		<b>heterogametic</b>	ناچور کامه‌ای
<b>heart-shaped</b> → cordate		<i>syn. anisogametic</i>	
<b>heartwood</b>	درون‌چوب	<b>heterogamous</b>	ناچور کام
<i>syn. duramen, heart</i>		<b>heterogamy</b>	ناچور کامی
<b>heat-shock protein</b>		<b>heterosis</b>	دورگگی
	پروتئین گرماشوک		

<b>heterosomal</b>	ناجورفام تنی	<b>holoschizoendemic</b>	تام‌واگرا بوم‌ویژه،
<b>heterosome</b>	ناجورفام تن		تام‌واگرا انحصاری
<b>heterotroph</b>	دگرپرورد <sup>۱</sup>	<b>holotype</b>	تام‌مونه
<b>heterotrophic</b>	دگرپرورد <sup>۲</sup>	<b>homocellular ray</b>	اشعه جوریاخته
<b>heterotrophy</b>	دگرپروردگی	<b>homolog</b>	هم‌ساخت
<b>heterotropous</b>	ناجور سوگرا	<i>syn. homologous</i>	
<b>heterozygosis</b>	ناجورزاگی، ناجور تخمی	<b>homologous</b> → <b>homolog</b>	
<i>syn. heterozygosity</i>		<b>homology</b>	هم‌ساختی
<b>heterozygosity</b>		<b>homonym</b>	هم‌نام
→ <b>heterozygosis</b>		<b>homoplasia</b>	جورگرایی
<b>heterozygote</b>	ناجورزاگ <sup>۱</sup> ، ناجور تخم <sup>۱</sup>	<b>homozygosis</b>	جورزاگی، جور تخمی
<b>heterozygous</b>	ناجورزاگ <sup>۲</sup> ، ناجور تخم <sup>۲</sup>	<i>syn. homozygosity</i>	
<b>hibernal</b>	زمستانی	<b>homozygosity</b> → <b>homozygosis</b>	
<i>syn. hiemal</i>		<b>homozygote</b>	جورزاگ <sup>۱</sup> ، جور تخم <sup>۱</sup>
<b>hiemal</b> → <b>hibernal</b>		<b>homozygous</b>	جورزاگ <sup>۲</sup> ، جور تخم <sup>۲</sup>
<b>hilum</b>	ناف	<b>honeycombed</b> → <b>favosus</b>	
<b>Hippocastanaceae</b>	شاه‌بلوط‌هندیان	<b>honeydew</b>	عسلک
<b>Hippuridaceae</b>	دُم‌قاطران	<b>hooked</b> → <b>uncinate</b>	
<b>Hippuris</b>	دُم‌قاطر	<b>hornworts</b>	شاخ‌واشان
<b>hirsute</b>	ریش‌سان	<b>hull</b>	دان‌پوش
<b>hirtellous</b>	کوت‌ریش	<b>humic</b>	گیاخاکی
<b>hispid</b>	سفت‌مو	<b>humification</b>	گیاخاک‌شدگی،
<b>holocentric</b>			گیاخاک‌سازی
→ <b>polycentric chromosome</b>		<b>humus</b>	گیاخاک
<b>holocentric chromosome</b>		<b>Hyacinthaceae</b>	سنبلیان
→ <b>polycentric chromosome</b>		<b>Hyacinthus</b>	سنبل
<b>holoendemic</b>	تام‌بوم‌ویژه،	<b>hybrid</b>	دورگه
	تام‌انحصاری	<b>hybridism</b>	دورگه‌ای
<b>holoenzyme</b>	تام‌زی‌مایه، تام‌آنزیم	<i>syn. hybridity</i>	

<b>hybridity</b> → hybridism		<b>hypersensitivity</b>	بیش حساسی
<b>hybridization</b>	دورگه‌سازی،	<b>hypha</b>	نَخینه
	دورگه شدن	<i>syn. fungal filament</i>	
<b>hybridize</b>	دورگه ساختن	<b>hyphal</b>	نَخینه‌ای
<b>hybrid speciation</b>	گونه‌زایی دورگه	<b>hyphodromous</b>	پنهان‌رو
<b>hybrid vigor</b>	برتری دورگه	<b>hypoderm</b>	زیرپوست
<b>hydathode</b>	روزنهٔ آبی	<b>hypodermic(al)</b>	زیرپوستی
<b>Hydrocharis</b>	تختِ قورباغه	<b>hypogeal</b>	زیرزمینی
<b>Hydrocharitaceae</b>	تختِ قورباغه‌ایان	<b>hypogynous</b>	زیرتخم‌دانی
<b>hydrochory</b>	آب‌برافشانی	<b>Hypolepidaceae</b>	زیرپولکیان
<b>hydrophily</b>	آب‌گرده‌افشانی	<b>hypomorph(ic)</b>	کم‌ریخت
<b>hydrophobic interaction</b>		<b>hypomorphic mutation</b>	جهش کم‌ریخت
	برهم‌کنش آب‌گریز	<b>hypotropous</b>	زیرگرا
<b>hydrophyte</b>	آب‌رُست	<b>hypotropous-dorsal</b>	زیرگرای پشتی
<i>syn. hygrophyte</i> <sup>1</sup>		<b>hypotropous-ventral</b>	زیرگرای شکمی
<b>hydrotropism</b>	آب‌گرایی	<b>ice-cream plant</b>	گیاه خوش‌چر
<b>hygrophyte</b> <sup>1</sup> → hydrophyte		<b>ichthyochory</b>	ماهی‌برافشانی
<b>hygrophyte</b> <sup>2</sup>	نم‌رُست	<b>identification</b>	شناسایی
<b>hypanthium</b>	گل‌بُنه	<b>Ilex</b>	خاس
<i>syn. floral tube</i>		<b>imbricate</b>	هم‌پوش
<b>hypanthodium</b>	گل‌بُنه‌ای	<b>immature wood</b>	
<b>Hypericaceae</b>	گل‌راعیان	→ juvenile wood	
<b>Hypericum</b>	گلِ راعی	<b>imperilled species</b>	گونهٔ دریم
<b>hypermorph(ic)</b>	بیش‌ریخت	<b>inbred line</b>	رگهٔ خویش‌آمیخته
<b>hypermorphic mutation</b>		<i>syn. inbred strain</i>	
	جهش بیش‌ریخت	<b>inbred strain</b> → inbred line	
<b>hyperpolarization</b>	بیش‌قطبش،	<b>inbreeding</b>	خویش‌آمیزی
	بیش‌قطبیدگی	<b>incised</b>	شکافته
<b>hyperpolarized</b>	بیش‌قطبیده	<b>incipient species</b> → semispecies	

<b>increment percent</b>	درصد رویش	<b>insufficiently known species</b>	
<b>indehiscent</b>	ناشکوفنا		گونه کم‌شناخته
<b>indehiscent fruit</b>	میوه ناشکوفنا	<b>integument</b>	تخمک‌پوش
<b>indented key</b>	کلید دندانهای	<i>syn. tegument</i>	
<b>indeterminate species</b>	گونه نامعین	<b>intercalary meristem</b>	
<b>index species</b>			سرلاد میان‌گره‌ای
→ <b>indicator species</b>		<b>internode</b>	میان‌گره
<b>indicator plant</b>	گیاه معرف	<b>interspecific</b>	بین‌گونه‌ای
<b>indicator species</b>	گونه معرف	<b>interspecific competition</b>	رقابت بین‌گونه‌ای
<i>syn. index species,</i>			
management indicator		<b>interspecific hybrid</b>	دورگه بین‌گونه‌ای
species			
<b>indifferent plant</b>	گیاه خنثی	<b>interspecific relation</b>	رابطه بین‌گونه‌ای
<b>indigenous species</b>	گونه بوم‌زاد		
<b>individual</b>	فرد	<b>intine</b>	درون‌پوش
<b>indumentum</b> → vestiture		<b>intraspecific</b>	درون‌گونه‌ای
<b>inferior ovary</b>	تخمدان تحتانی	<b>intraspecific rank</b>	رتبه درون‌گونه‌ای
<b>inflorescence</b>	گل‌آذین	<b>introduced species</b>	گونه وارداتی
<b>inflorescence bract</b>	برگه گل‌آذین	<b>introrse dehiscence</b>	
<b>inflorescence bud</b>	جوانه گل‌آذین		شکفتگی درون‌افشان
<b>infraspecific</b>	فروگونه‌ای	<b>invador</b> → <b>invasive species</b>	
<b>infraspecific level</b>	تراز فروگونه‌ای	<b>invasive species</b>	گونه مهاجم
<b>infrasubspecific</b>	فروزیرگونه‌ای	<i>syn. invador</i>	
<b>ingroup</b>	درون‌گروه	<b>inversely lanceolate</b>	
<b>initial</b>	پیش‌آغازه	→ <b>oblanceolate</b>	
<i>syn. initium</i>		<b>inversely ovate</b> → <b>obovate</b>	
<b>initium</b> → <b>initial</b>		<b>inverted pyriform</b>	
<b>initium folier</b>	پیش‌آغازه برگ‌ی	→ <b>obpyriform</b>	
<b>inner bark</b>	پوست درونی	<b>in vitro</b>	درون‌شیشه‌ای، درشیشه

<b><i>in vitro</i> mutagenesis</b>	جهش‌زایی درشیشه	<b><i>Juncus</i></b>	سازو
<b><i>in vivo</i></b>	درون‌زیوهای، درزیوه	<b>juvenile core</b> → juvenile wood	
<b>involutel</b>	گریبانک	<b>juvenile wood</b>	جوان‌چوب
<b>involucre</b>	گریبان	<i>syn.</i> core wood, immature wood,	
<b>involute</b>	درون‌پیچ	juvenile core, pith wood	
<b>Iridaceae</b>	زنبقیان	<b>karyokinesis</b>	تقسیم هسته
<b><i>Iris</i></b>	زنبق	<b>karyokinetic</b>	تقسیم هسته‌ای
<b>irregular</b>	نامنظم	<b>kernel</b>	مغز دانه
<i>syn.</i> bilateral		<b>key</b>	کلید
<b>isoenzyme</b> → isozyme		<b>key species</b>	گونه کلیدی
<b>isogamete</b>	جورکامه	<b>keystone specie</b>	گونه شالوده
<b>isogametic</b>	جورکامه‌ای	<b>kidney-shaped</b> → reniform	
<b>isogamous</b>	جورکام	<b>kinetosome</b>	جُنباتن
<b>isogamy</b>	جورکامی	<i>syn.</i> basal granule, basal body	
<b>isogenic lines</b>	رگه‌های هم‌ژن	<b>kingdom</b>	سلسله
<i>syn.</i> isolines		<b>Labiatae</b> → Lamiaceae	
<b>isolines</b> → isogenic lines		<b>lacinate</b>	کافته
<b>isomerous</b>	جورپار	<i>syn.</i> jagged	
<b>isotype</b>	جورمونه	<b>lamb's ear(s)</b>	چای کوهی
<b>isozyme</b>	هم‌زیم	<b>Lamiaceae</b>	نعنائیان
<i>syn.</i> isoenzyme		<i>syn.</i> Labiatae	
<b>jackknife</b>	خودراهِ‌اندازی بی‌تکرار	<b>Lamiales</b>	نعناسانان
<b>jagged</b> → laciniate		<b>lamina</b> → blade	
<b>jointing stage</b>	مرحلهٔ گره‌خیزی	<b>laminar</b>	تیغه‌ای
<b>jordanon</b> → microspecies		<b>Lammas growth</b>	
<b>Juglandaceae</b>	گردوئیان	→ Lammas shoot	
<b><i>Juglans</i></b>	گردو	<b>Lammas shoot</b>	جست تابستانه
<b>Juncaceae</b>	سازوئیان	<i>syn.</i> Lammas growth,	
<b>Juncaginaceae</b>	سه‌سیخکیان	late-season shoot,	
		proleptic shoot	

<b>lanate</b>	پشمین	<b>legume</b>	نیام
<i>syn. wooly</i>		<b>Leguminosae</b> → Fabaceae	
<b>lanceolate</b>	سرنیزه‌ای	<b>Lemna</b>	عدسک آبی
<b>langsat</b> → long long		<b>Lemnaceae</b>	عدسک آبیان
<b>late crop</b>	گیاه دیررس	<b>Lentibulariaceae</b>	علف‌انبیان
<b>lateral bud</b>	جوانهٔ جانبی	<b>lenticel</b>	عدسک
<b>lateral</b> → axillary <sup>2</sup>		<b>lepidote</b>	پولک‌دار
<b>lateral meristem</b>	سرلاد جانبی	<b>leucoplast</b>	سفیددیسه
<b>lateral style</b>	خامهٔ جانبی	<b>ligase</b> → DNA ligase	
<b>late-season shoot</b>		<b>lightning ring</b>	حلقهٔ برق‌زاد
→ Lammas shoot		<b>ligulate</b> <sup>1</sup>	زبانک‌دار
<b>latewood</b>	پسین‌چوب	<b>ligulate</b> <sup>2</sup>	زبانه‌ای
<b>latex</b>	شیرابه	<i>syn. strap-shaped,</i>	
<b>laticifer</b>	شیرابه‌دار، شیرابه‌بر	<i>tongue-shaped</i>	
<b>laticiferous</b>	شیرابه‌ای	<b>ligule</b>	زبانک
<b>latrorse dehiscence</b>		<b>Liliaceae</b>	سوسنیان
	شکفتگی کنارافشان	<b>Liliales</b>	سوسن‌سانان
<b>Lauraceae</b>	برگ‌بوئیان	<b>Lilium</b>	سوسن
<b>Lurales</b>	برگ‌بوسانان	<b>Linaceae</b>	کتانیان
<b>Laurus</b>	برگ‌بو	<b>line</b>	رگه <sup>۲</sup>
<b>Lawsonia</b>	حنا	<b>linear</b>	خطی
<b>lead</b>	نیم‌بند	<b>linearly oblong</b>	مستطیلی خطی
<b>leaf</b>	برگ	<b>lineate</b>	خط‌دار
<b>leaf abscission</b>	برگ‌ریزی <sup>۲</sup>	<b>lineolate</b>	ریزخط‌دار
<b>leafless</b> → afoliate		<b>Linum</b>	کتان
<b>leaflet</b>	برگچه	<i>syn. flax</i>	
<b>leaf primordium</b>	آغازۀ برگ	<b>listed species</b>	گونهٔ فهرست‌شده
<b>leafstalk</b> → petiole		<b>litchi</b>	سُر خالو
<b>lectotype</b>	گزین‌مونه	<b>lithophyte</b>	سنگ‌رُست



<b>lithotroph</b>	کانی پرورد <sup>۱</sup>	<b>loss of function</b>	
<b>lithotrophic</b>	کانی پرورد <sup>۲</sup>	→ loss of function mutation	
<b>lithotrophy</b>	کانی پروردگی	<b>loss of function mutation</b>	
<b>liverworts</b>	جگر و اوشان	جهش کارکردزدا	
<i>syn. hepatics</i>		<i>syn. loss of function</i>	
<b>living modified organism</b>		<b>lupine</b>	باقلامصری
→ genetically modified organism		<b>Lycopodiaceae</b>	پنجه‌گر گیان
<b>lobe</b>	لپ	<b>lyrate</b>	ربابی
<b>lobed</b>	لپ‌دار	<b>lysosome</b>	کافنده‌تن
<b>localized mutagenesis</b>		<b>Lythraceae</b>	حنائیان
→ site-directed mutagenesis		<b>macroevolution</b>	تکامل کلان، کلان‌فرگشت
<b>loculicidal capsule</b>		<b>macrogamete</b>	درشت‌کامه
	پوشینه حجره شکاف	<i>syn. megagamete</i>	
<b>Loganiaceae</b>	دُم‌موشیان	<b>Magnolia</b>	ماگنولیا
<b>lomentiform</b>	تسیبجی شکل	<b>Magnoliaceae</b>	ماگنولیائیان
<b>lomentum</b>	تسیبجی	<b>Magnoliales</b>	ماگنولیا سانان
<b>longan</b>	چشالو	<b>maintainer line</b>	رگه نگهدار
<b>long-day plant</b>	گیاه روز بلند	<b>majority-rule consensus tree</b>	
<b>longitudinal dehiscence</b>		درخت اجماع اکثریتی	
	شکفتگی طولی	<b>male steril line</b>	رگه نر عقیم
<b>long long</b>	زَرگیل	<b>Malpighiales</b>	مالپیگی سانان
<i>syn. langsat</i>		<b>Malva</b>	پنیرک
<b>Loranthaceae</b>	موخوریان	<b>Malvaceae</b>	پنیرکیان
<b>Loranthus</b>	موخور	<b>Malvales</b>	پنیرک سانان
<b>lorate</b>	تسمه‌ای	<b>mammaliochory</b>	پستاندار پراشانی
<i>syn. loratus, loriformis</i>		<b>management indicator species</b>	
<b>loratus</b> → lorate		→ indicator species	
<b>loriformis</b> → lorate		<b>mangosteen</b>	تَرگیل

<b>Maranta</b>	مارانتا	<b>mesocarp</b>	میان‌بر
<b>Marantaceae</b>	مارانتائیان	<b>mesoderm</b>	میان پوست
<b>marcescent</b>	پژمرده‌مان	<b>mesodermal</b> → mesodermic	
<b>marginal</b>	حاشیه‌ای	<b>mesodermic</b>	میان پوستی
<b>marine biocoenosis/</b>		<i>syn.</i> mesodermal	
<b>marine biocenosis</b>	زی‌سازند دریایی	<b>mesophyll</b>	میان برگ
<b>Marsileaceae</b>	شبدرآبیان	<b>mesophyllic</b>	میان برگی
<b>Martyniaceae</b>	مارتینیان، شاخ‌بزبان	<i>syn.</i> mesophyllous	
<b>mass extinction</b>	انقراض جمعی	<b>mesophyllous</b> → mesophyllic	
<b>maternal inheritance</b>	وراثت مادری	<b>metabolic</b>	دگرگشتی
<b>maximum parsimony</b>		<b>metabolism</b>	دگرگشت، سوخت‌وساز
<i>abbr.</i> MP	بیشینه صرفه‌جویی	<b>metabolite</b>	دگرگشته
<b>medifixed</b>	میان چسب	<b>metacentric chromosome</b>	
<b>medium crop</b>	گیاه میان‌رس		فام‌تن مرکز میان
<b>megagamete</b> → macrogamete		<b>metaxylem</b>	پس چوب
<b>megasporangium</b>	کلان‌هاگدان	<b>microbiocoenosis/</b>	
<b>megaspore</b>	کلان‌هاگ	<b>microbiocenosis</b>	ریزی‌سازند، ریزی‌سازند
<b>meiosis</b>	کاستمان		ریزی‌سازند
<b>meiotic</b>	کاستمانی	<b>microbody</b>	ریزتن
<b>Melia</b>	زیتون تلخ	<b>microevolution</b>	تکامل خرد، خردفرگشت
<b>Meliaceae</b>	زیتون تلخیان		خردفرگشت
<b>membrane potential</b>	پتانسیل غشا	<b>microfilament</b>	ریزرشته
<i>syn.</i> transmembrane potential		<b>microfilamentous</b>	ریزرشته‌ای
<b>Mentha</b>	نعنا	<b>microgamete</b>	ریز کامه
<b>mericarp</b>	پاربر	<b>microorganic</b>	ریزاندامگانی
<b>meristem</b>	سرلاد	<i>syn.</i> microorganismal	
<b>meristemic</b>	سرلادی	<b>microorganism</b>	ریزاندامگان
<b>merosity</b>	پارگان	<b>microorganismal</b>	
<b>merozygote</b>	پارزاگ	→ microorganic	

<b>micropropagation</b>	ریز تکثیر	<b>molecular pharming</b>	
<b>micropylar</b>	سُفتی	→ molecular farming	
<b>micropyle</b>	سُفت	<b>molecular mycology</b>	
<b>microsatellite</b>	ریز ماهواره		قارچ‌شناسی مولکولی
<b>micro satellite DNA</b>		<b>Molluginaceae</b>	گلی نازیان
	دِنای ماهواره‌ای ریز	<b>Mollugo</b>	گلی ناز
<b>microspecies</b>	ریز گونه	<b>monadelphous</b>	یک‌دسته‌ای
syn. jordanon		<b>monocarpic</b>	یک‌بارثمر
<b>microtubular</b>	ریز لوله‌ای	<b>monochasial</b>	گرزن یک‌سویه‌ای
<b>microtubule</b>	ریز لوله	<b>monochasium</b>	گرزن یک‌سویه
<b>midrib</b>	رگبرگ اصلی	<b>Monochoria</b>	غلافی <sup>۱</sup>
syn. costa		<b>monogamous</b>	تک‌کام
<b>midvein</b>	رگبرگ‌چخه اصلی	<b>monogamy</b>	تک‌کامی
<b>milk stage</b>	مرحله شیری	<b>monograph</b>	تک‌نگاشت
<b>Mimosaceae</b>	کهوریان	<b>monophyletic</b>	تک‌تبار
syn. Mimosoidae		<b>monophyly</b>	تک‌تباری
<b>Mimosoidae</b> → Mimosaceae		<b>monosulcate</b>	تک‌شیار
<b>minutely pubescent</b>		<b>monothecal</b>	تک‌خانکی
→ puberulent		<b>Monotropa</b>	تک‌سو
<b>mixotroph</b>	آمیزه‌پرورد <sup>۱</sup>	<b>Monotropaceae</b>	تک‌سوئیان
<b>mixotrophic</b>	آمیزه‌پرورد <sup>۲</sup>	<b>Moraceae</b>	توتیان
<b>mixotrophy</b>	آمیزه‌پروردگی	<b>Morina</b>	خار عروس
<b>molecular agriculture</b>		<b>Morinaceae</b>	خار عروسیان
→ molecular farming		<b>Moringa</b>	گزروغنی
<b>molecular clock</b>	ساعت مولکولی	<b>Moringaceae</b>	گزروغنیان
<b>molecular farming</b>	مولکول‌پروری	<b>morphospecies</b>	ریخت‌گونه
syn. molecular pharming,		<b>Morus</b>	توت
molecular agriculture,		<b>Mosses</b> → Bryophyta	
biofarming		<b>most recent common ancestor</b>	
			آخرین نیای مشترک

Moutabeaceae → Polygalaceae		native species	گونه بومی
MP → maximum parsimony		natural selection	انتخاب طبیعی
MRCA	آنیم	near isogenic lines	
mucilage	لعاب		رگه‌های نسبتاً هم‌ژن
mucilaginous	لعاب‌دار، لعابی	nectar	شهد
mucronate	نوک‌منقاری	nectary	شهددان
mucronulate	نوک‌منقارکی	needle-leaved	سوزنی‌برگ
multiple fruit	میوه مرکب	syn. acicular <sup>2</sup> , aciculum,	
multiseriate ray	اشعه چندلایه	aciculate, aciculiform	
multistate character	صفت چندحالتی	needle-shaped → acicular <sup>1</sup>	
muricate	سنگ‌پایی	neighbour joining	اتصال همسایه‌ها
Musa	موز	Nelumbo	ثعله باقلا
Musaceae	موزیان	Nelumbonaceae	ثعله باقلائیان
mutation breeding	به‌نژادی جهشی	neoglucogenesis	
mycelial	جُلینه‌ای	→ gluconeogenesis	
mycelium	جُلینه	neoglucogenetic	
myceloid	جُلینه‌سا	→ gluconeogenetic	
mycology	قارچ‌شناسی	neomorph(ic)	نوربخت
mycophage	قارچ‌خوار	neomorphic mutation	
myrmecophily	مورگرده‌افشانی		جهش نوربخت
Myrtaceae	موردیان	neoendemic	نوبوم‌ویژه، نوانحصاری
Myrtales	موردسانان	neotype	نومونه
Myrtus	مورد	Nerium	خرزهره
Najadaceae	تیزکیان	nerve	رگه <sup>۱</sup>
Najas	تیزک	nerville → veinlet	
narrow-leaved plant → grass		netted → reticulate	
narrowly oblong	مستطیلی باریک	neutral-day plant	گیاه روزخشی
nastic	تنجشی	syn. day-neutral plant	
nastie	تنجش	nitrification	شوره‌سازی

<b>node</b>	گره	<b>obpandurate</b>	واژقلیانی
<b>no longer threatened species</b>	گونهٔ تهدیدپرسته	<b>obpyriform</b>	واژگلابی شکل
<b>nomenclatural type</b>	گونهٔ نامگانی	<i>syn.</i> inverted pyriform	
<b>nondecussate</b>	متقابل ناضربدری	<b>obtuse</b>	نوک کند
<b>non-genetically modified</b>		<b>ocellate</b>	چشمک‌دار
<b>organism</b>	اندامگان ناتراژنه	<b>ochreate</b> → <i>ocrea</i>	
<b>non-GMO</b>	ناتراژنه	<b>ocrea</b>	گوشوارهٔ غلافی
<b>non-native species</b>		<i>syn.</i> ochreate	
→ exotic species		<b>Oenothera</b>	گل مغربی
<b>notched</b> → dentate		<b>Oenotheraceae</b> → Onagraceae	
<b>nucellar</b>	خورشی	<b>offset</b>	پاگیاه
<b>nucellus</b>	خورش <sup>۲</sup>	<b>offshoot</b>	تنه جوش
<b>nucleosome</b>	هسته‌تن	<b>Olea</b>	زیتون
<b>numbered key</b>	کلید شماره‌ای	<b>Oleaceae</b>	زیتونیان
<b>nut</b>	فندقی	<b>oleosome</b> → spherosome	
<b>nutlet</b>	فندقچه	<b>oligonucleotide directed</b>	
<b>Nyctaginaceae</b>	گل کاغذیان	<b>mutagenesis</b> →	
<b>Nymphaea</b>	نیلوفر آبی	site-directed mutagenesis	
<b>Nymphaeaceae</b>	نیلوفر آبیان	<b>oligotroph</b>	کاستی پرورد <sup>۱</sup>
<b>Nymphaeales</b>	نیلوفر آبی سانان	<b>oligotrophic</b>	کاستی پرورد <sup>۲</sup>
<b>obcordate</b>	واژقلبی	<b>oligotrophy</b>	کاستی پروردگی
<b>obdeltoid</b>	واژدلتاوار	<b>Onagraceae</b>	گل مغربیان
<b>obdiplostemonous</b>	واژدو حلقه‌پرچمی	<i>syn.</i> Oenotheraceae	
<b>oblanceolate</b>	واژسر نیزه‌ای	<b>one-grained wheat</b> → einkorn	
<i>syn.</i> inversely lanceolate		<b>oogamete</b>	تخمک کامه
<b>oblong</b>	مستطیلی	<b>oogamous</b>	تخمک کام
<b>obovate</b>	واژتخم مرغی	<b>oogamy</b>	تخمک کامی
<i>syn.</i> inversely ovate		<b>oogonium</b> → archegonium	
		<b>oosphere</b>	تخم‌زا

<b>open pollinated</b>	آزادگرده‌افشان	<b>orientation</b>	جهت
<b>open pollination</b>	آزادگرده‌افشانی	<b>Orobanchaceae</b>	گل‌جالیزیان
<b>operational taxonomic unit</b>		<b>Orobanche</b>	گل‌جالیز
<i>abbr.</i> OTU	واحد عملی آرایه‌شناختی	<b>ornithochory</b>	پرنده‌برافشانی
<b>operculum</b>	درپوش	<b>ortho-amphitropous</b>	
<b>Ophioglossaceae</b>	مارزبانیان		راست - دوسوگرا
<b>opposite</b>	متقابل	<b>ortho-campylotropous</b>	
<b>opposite leaves</b>	برگ‌های متقابل		راست - خمشی‌گرا
<b>Opuntia</b>	کاکتوس	<b>orthodox seed</b>	بذر ماندگار
<b>orbicular</b>	دایره‌ای	<b>orthotropous</b>	راست
<b>Orchidaceae</b>	ثعلبیان	<b>ORV → off-road vehicle</b>	
<b>Orchis</b>	ثعلب	<b>Osmunda</b>	شاه‌سرخس
<b>order</b>	راسته	<b>Osmundaceae</b>	شاه‌سرخسیان
<b>ordered</b>	مرتب	<b>Osmundales</b>	شاه‌سرخس‌سانان
<b>organ</b>	اندام، عضو	<b>OTU →</b>	
<b>organelle</b>	اندامک	<b>operational taxonomic unit</b>	
<b>organic<sup>1</sup></b>	اندامگانی	<b>outer bark</b>	پوست بیرونی
<b>organic<sup>2</sup></b>	اندامی، عضوی	<i>syn.</i> rhytidome	
<b>organism</b>	اندامگان	<b>outgroup</b>	برون‌گروه
<b>organogenesis</b>	اندام‌زایی	<b>ovary</b>	تخم‌دان
<i>syn.</i> organogeny		<b>ovate</b>	تخم‌مرغی
<b>organogenetic</b>	اندام‌زایشی	<i>syn.</i> egg-shaped	
<i>syn.</i> organogenic		<b>ovoid</b>	تخم‌مرغ‌وار
<b>organogenic → organogenetic</b>		<b>ovular</b>	تخمکی
<b>organogeny → organogenesis</b>		<b>ovulate</b>	تخمک‌دار
<b>organoid</b>	اندام‌سا	<b>ovule</b>	گیامامه، مامه، تخمک گیاهی، تخمک
<b>organotroph</b>	آلی پرورد <sup>۱</sup>	<b>Oxalidaceae</b>	شبدرترشکیان
<b>organotrophic</b>	آلی پرورد <sup>۲</sup>	<b>Oxalidales</b>	شبدرترشک‌سانان
<b>organotrophy</b>	آلی پروردگی	<b>Oxalis</b>	شبدرترشک

<b>Paeonia</b>	گل صدتومانی	<b>Papaver</b>	شقایق
<b>Paeoniaceae</b>	گل صدتومانیان	<b>Papaveraceae</b>	شقایقیان
<b>paleaceous</b>	کاهک‌دار	<b>Papaverales</b>	شقایق‌سانان
<i>syn. chaffy</i>		<b>papillate</b>	زگیل‌دار
<b>paleoendemic</b>	دیرین‌بوم‌ویژه، دیرین‌انحصاری	<i>syn. verrucate, tuberculate</i>	
<b>paleospecies</b>	دیرین‌گونه	<b>paracellular transport</b>	تراژرد پیرایاخته‌ای
<i>syn. chronospecies</i>		<b>parallel</b> → parallelodromous	
<b>palinactinodromous</b>	بازشعاعی‌رو	<b>parallelism</b>	موازی‌گرایی
<b>Palmaceae</b>	نخلیان	<b>parallelodromous</b>	موازی‌رو
<i>syn. Palmae</i>		<i>syn. parallel</i>	
<b>Palmae</b> → Palmaceae		<b>parapatric speciation</b>	
<b>palmate</b>	پنجه‌ای		گونه‌زایی پراجا
<b>palmate venation</b>		<b>paraphyletic</b>	پراتبار
→ actinodromous		<b>paraphyly</b>	پراتباری
<b>palmatified</b>	بریده‌پنجه‌ای	<b>parasite</b>	انگل
<b>palmatisect</b>	چاک‌پنجه‌ای	<b>passive transport</b>	تراژرد غیرفعال
<b>palynology</b>	گرده‌شناسی	<b>paratype</b>	پرامونه
<i>syn. pollen analysis</i>		<b>parenchyma</b>	نرم‌آکنه
<b>Pandanaceae</b>	پیچ‌کاجیان	<b>parietal</b>	جداری
<b>Pandanales</b>	پیچ‌کاجی‌سانان	<b>parietal-axile</b>	جداری - محوری
<b>Pandanus</b>	پیچ‌کاجی	<b>parietal-septate</b>	جداری دیواره‌دار
<b>pandurate</b>	قلبیانی	<b>Parrotia</b>	آنجیلی
<b>panduriform</b>	قلبیانی‌شکل	<b>parthenocarpic</b>	بکر بارده
<b>panicle</b>	چندخوشه	<b>parthenocarpy</b>	بکر باردهی
<b>panicled</b> → paniculate		<b>parthenogenesis</b>	بکرزایی
<b>paniculate</b>	چندخوشه‌ای	<b>parthenogenetic</b>	بکرزا
<i>syn. panicled</i>		<b>Passiflora</b>	گل ساعتی
<b>pannose</b>	پتویی	<b>Passifloraceae</b>	گل ساعتیان

<b>patroendemic</b>	پدربوم‌ویژه، پدرانحصاری	<b>petiolulate</b>	دُمبرگچه‌دار
<b>peat</b>	پوده	<b>petiolule</b>	دُمبرگچه
<b>Pedaliaceae</b>	کنجدیان	<b>Phanerogams</b>	پیدازادان
<b>pedicel</b>	دُمگُل	<b>phase shift mutation</b>	
<b>pedigree breeding</b>	به‌نژادی شجره‌ای	→ frame shift mutation	
<b>peduncle</b>	دُمگُل‌آذین	<b>phelloderm</b>	چوب‌پنبه‌پوست
<b>Pelargonium</b>	شمعدانی	<b>phellogen</b>	چوب‌پنبه‌زا
<b>pelleted seed</b> → coated seed		<b>phenetic</b>	رُخمانی، رُخمان‌بندشی
<b>peltate</b>	سپری	<b>phenetic classification</b>	
<i>syn.</i> shield-shaped			رده‌بندی رُخمانی
<b>pendulous</b>	آویخته	<b>phenetics</b>	رُخمان‌بندی
<b>pentamerous</b>	پنج‌پار	<b>phenogram</b> → dendrogram	
<b>pepo</b>	کدوبی	<b>phenon</b>	رُخمان
<b>peptidomics</b>	پپتیدگان‌شناسی	<b>phenotype</b>	رُخ‌نمود
<b>perennial plant</b>	گیاه چندساله	<b>phenotypic</b>	رُخ‌نمودی
<b>perfoliate</b>	ساقه‌پوش	<b>phloem</b>	بافت آبکش، آبکش
<b>perianth</b>	گُل‌پوش	<b>phloem cell</b>	باخته آبکش
<b>perianth segment</b>	قطعه گُل‌پوش	<b>phloem loading</b>	بارگیری آبکش
<b>pericarp</b>	پیراثر	<b>phloem ray</b>	اشعه آبکش
<b>periderm</b>	پیراپوست	<b>phloem sap</b>	شیره پرورده
<b>perigenous</b>	پیراتخم‌دانی	<b>phloem unloading</b>	تخلیه آبکش
<b>peripatric speciation</b>		<b>Phlox</b>	گُل آتشی
	گونه‌زایی پیراجا	<b>Phoenix</b>	خرما
<b>perisperm</b>	پیرادانه	<b>photoautotroph</b>	نورخودپرورد
<b>peristome</b>	پیرادهانه	<b>photolithotroph</b>	نورکافی‌پرورد
<b>petal</b>	گُلبرگ	<b>photolysis</b>	نورکافت
<b>petalostemonous</b> → epipetalous		<b>photolytic</b>	نورکافتی
<b>petalous</b>	گلبرگ‌دار	<b>phototroph</b>	نورپرورد <sup>۱</sup>
<b>petiole</b>	دُمبرگ	<b>phototrophic</b>	نورپرورد <sup>۲</sup>
<i>syn.</i> leafstalk			



<b>phototrophy</b>	نورپروردگی	<b>Phytolacca</b>	سرخاب کولی
<b>phototropic</b>	نورگرا	<b>Phytolaccaceae</b>	سرخاب کولیان
<b>phototropism</b>	نورگرایی	<b>piliferous</b>	مودار
<b>phyllotaxis</b> → <b>phyllotaxy</b>		<b>pilose</b>	نرم مو
<b>phyllotaxy</b>	برگ آذین	<b>Pinaceae</b>	کاجیان
<i>syn.</i> <b>phyllotaxis</b>		<b>Pinales</b>	کاج سانان
<b>phylocode</b>	تبارشناسه	<b>pinnate</b>	شانه‌ای
<b>phylogenetic</b>	تبارزایی‌شناسی، تبارشناختی	<b>pinnatifid</b>	بریده‌شانه‌ای
<b>phylogenetics</b>	تبارزایی‌شناسی، تبارشناسی	<i>syn.</i> <b>pinnisected</b>	
<b>phylogenetic systematics</b>	سازگان‌شناسی تبارشناختی	<b>pinnatisect(ed)</b>	چاک‌شانه‌ای
<b>phylogenetic tree</b>	درخت تبارشناختی	<b>pinnisected</b> → <b>pinnatifid</b>	
<b>phylogeny</b>	تبارزایی	<b>pinocytosis</b>	قطره‌خواری
<b>phylogram</b>	تبارنگاره	<b>pioneer stage</b>	مرحلهٔ پیش‌گام
<b>phylum</b>	شاخه	<i>syn.</i> <b>gap stage</b>	
<b>physiologic(al)</b>	کاراندام‌شناختی	<b>Piper</b>	لفل سیاه
<b>physiological race</b>	نژاد کاراندام‌شناختی	<b>Piperaceae</b>	لفل سیاهیان
<b>physiologist</b>	کاراندام‌شناس	<b>Piperales</b>	لفل سیاه‌سانان
<b>physiology<sup>1</sup></b>	کاراندام	<b>Pistacia</b>	پسته
<b>physiology<sup>2</sup></b>	کاراندام‌شناسی	<b>pistil</b>	مادگی
<b>phytocenology</b>		<i>syn.</i> <b>gynoecium, pistillum</b>	
→ <b>phytocoenology</b>		<b>pistilate</b>	مادگی‌دار
<b>phytocoenosis</b> → <b>phytocoenosis</b>		<b>pistillode</b>	مادگی‌واره
<b>phytocoenology/phytocoenology</b>	گیاسازندشناسی	<b>pistillum</b> → <b>pistil</b>	
<b>phytocoenosis/phytocoenosis</b>	گیاسازند	<b>pit</b>	لان
<i>syn.</i> <b>plant community, plant formation, plant groupment</b>		<b>pith wood</b> → <b>juvenile wood</b>	
		<b>pitted</b> → <b>punctate</b>	
		<b>Pittosporaceae</b>	میخک‌درختیان
		<b>Pittosporum</b>	میخک‌درختی
		<b>placenta</b>	جفت

<b>placentation</b>	تَمَکَن	<b>plicate</b>	چین‌دار <sup>۲</sup>
<b>plaited</b> → plicate		<i>syn.</i> plaited	
<b>Planta</b>	گیاهان، سلسله گیاهی	<b>Plumbaginaceae</b>	کلاه‌میرحسینیان
<b>Plantaginaceae</b>	بارهنگیان	<b>plumose</b>	پُرسان
<b>Plantago</b>	بارهنگ	<b>Poaceae</b>	گندمیان
<b>plant breeding</b>		<i>syn.</i> Gramineae	
	به‌نژادی گیاهی، اصلاح نباتات	<b>Poales</b>	گندم‌سانان
<b>plant community</b> →		<b>point</b> → apex	
phytocoenosis		<b>Polemoniaceae</b>	کُل آتشیان
<b>plant formation</b> →		<b>pollen</b>	گَرده
phytocoenosis		<b>pollen analysis</b> → palynology	
<b>plant groupment</b> →		<b>pollen grain</b>	دانه گَرده
phytocoenosis		<b>pollen sac</b>	کیسه گَرده
<b>plant population</b>	جمعیت گیاهی	<b>pollination</b>	گرده‌افشانی
<b>plasmic membrane</b>	غشای یاخته	<b>polyadelphian</b>	
<b>plasmogamy</b>	میان‌یاخته‌کامی	→ polyadelphous	
<b>plastid</b>	دپسه	<b>polyadelphous</b>	چنددسته‌ای
<b>Platanaceae</b>	چناریان	<i>syn.</i> polyadelphian	
<b>Platanus</b>	چنار	<b>polycarpic</b>	چندبارثمر
<b>platelet</b>	گَرده	<b>polycentric</b>	چندمیان
<b>pleiotropism</b> → pleiotropy		<b>polycentric chromosome</b>	
<b>pleiotropy</b>	چندنمودی		فام‌تن چندمیان
<i>syn.</i> pleiotropism, polypheny		<i>syn.</i> polycentromeric	
<b>plesiomorphic</b>	نخست‌ریخت	chromosome,	
<b>plesiomorphy</b>	نخست‌ریختی	holocentric chromosome,	
<b>pleurotropic</b>	کنارگرا	holocentric	
<b>pleurotropic-dorsal</b>		<b>polycentromeric chromosome</b>	
	کنارگرای پشتی	→ polycentric chromosome	
<b>pleurotropic-ventral</b>		<b>polyclave key</b>	کلید بس‌شناسه‌ای
	کنارگرای شکمی		

polypheny → pleiotropy		population ecology	
<i>Polygala</i>	شیرآور		بوم‌شناسی جمعیت
<b>Polygalaceae</b>	شیرآوریان	<b>population genetics</b>	
syn. Diclidantheraceae,			ژن‌شناسی جمعیت
Moutabeaceae,		<b>population growth</b>	رشد جمعیت
Xanthophyllaceae		<b>population pyramid</b>	هرم جمعیت
<b>polygamous</b>	چندکام	<b>population size</b>	اندازهٔ جمعیت
<b>polygamy</b>	چندکامی	<b>population structure</b>	
<b>Polygonaceae</b>	علف‌هفت‌بندیان		ساختار جمعیت
<i>Polygonum</i>	علف‌هفت‌بند	<b>pore</b>	منفذ
<b>polypetalous</b> → apopetalous		<b>poricidal</b>	منفذشکاف
<b>polyphyletic</b>	چندتبار	<b>poricidal capsule</b>	پوشینهٔ منفذشکاف
<b>polyphyly</b>	چندتباری	<i>Portulaca</i>	خُرْفه
<b>polyploid</b>	چندلاد	<b>Portulacaceae</b>	خُرْفه‌ایان
<b>polyploidy</b>	چندلادی	<b>position<sup>1</sup></b>	جایگاه
<b>Polypodiaceae</b>	بسپایکیان	<b>position<sup>2</sup></b>	موقعیت
<b>Polypodiales</b>	بسپایک‌سانان	<b>post-climacteric stage</b>	مرحلهٔ پس‌اوج
<i>Polypodium</i>	بسپایک	<b>posture</b>	حالت
<b>polysepalous</b> → aposepalous		<i>Potamogeton</i>	گوشاب
<b>polytene chromosome</b>	فام‌تن بس‌رشته	<b>Potamogetonaceae</b>	گوشابیان
<b>polytomic</b>	بس‌شاخه	<b>potato seed</b>	بذر سیب‌زمینی
<b>polytomy</b>	بس‌شاخگی	<b>praemorse/premorse</b>	نوک چوبیده
<b>pome</b>	سببی	syn. bitten off	
<b>Pontederiaceae</b>	پوته‌دریائیان، غلافیان	<b>preclimacteric stage</b>	مرحلهٔ پیش‌اوج
<b>population</b>	جمعیت	<b>prefloration</b> → aestivation <sup>1</sup>	
<b>population biology</b>	زیست‌شناسی جمعیت	<b>prevernal</b>	سر‌بهاری
		<b>prickle</b>	تیغ
<b>population cycle</b>	چرخهٔ جمعیت	<b>prickly</b> → aculeate	
		<b>primary growth</b>	رشد نخستین

<b>primary meristem</b>	سرلاد نخستین	<b>propagation</b>	تکثیر
<b>primary phloem</b>	آبکش نخستین	<b>propagative</b>	تکثیری
<b>primary tissue</b>	بافت نخستین	<b>propagator</b>	تکثیر گر
<b>primary vein</b>	رگبرگ اولین	<b>propagule</b> → <b>propagulum</b>	
<b>primary xylem</b>	بافت چوبی نخستین، چوب نخستین	<b>propagulum</b>	قطعه تکثیر
<b>primordia</b>	آغازها	<i>syn.</i> <b>propagule</b>	
<b>primordial</b>	آغازهای	<b>proplast</b>	پیش دیسه
<b>primordium</b>	آغازه	<b>proposed species</b>	گونه پیشنهادی
<b>Primula</b>	پامچال	<b>Prosopis</b>	کهور
<b>Primulaceae</b>	پامچالیان	<b>Proteales</b>	چنارسانان
<b>Proboscidea</b>	مارتینی، شاخ بزی	<b>prothallial</b>	پیش ریشه ای
<b>procambial</b>	پیش بُن لادی	<b>prothalliform</b>	پیش ریشه ریخت
<b>procambium</b>	پیش بُن لاد	<b>prothallium</b> → <b>prothallus</b>	
<b>proembryo</b>	پیش رویان	<b>prothalloid</b>	پیش ریشه سا
<b>proembryonic</b>	پیش رویانی	<b>prothallus</b>	پیش ریشه
<b>prokaryon</b> → <b>prokaryote</b>		<i>syn.</i> <b>prothallium</b>	
<b>prokaryosis/procaryosis</b>	پیش هستگی	<b>protoderm</b>	پیش پوست
<b>Prokaryotae/Procaryotae</b>	پیش هسته ای ها	<b>protodermal</b>	پیش پوستی
<b>prokaryote</b>	پیش هسته ای <sup>۱</sup>	<b>protoplast</b>	درون یاخته
<i>syn.</i> <b>prokaryon</b>		<b>protoplast</b>	پیش یاخته
<b>prokaryotic/procaryotic</b>	پیش هسته ای <sup>۲</sup>	<b>prototroph</b>	تک کانی پرورد <sup>۱</sup>
<b>proleptic shoot</b>		<b>prototrophic</b>	تک کانی پرورد <sup>۲</sup>
→ <b>Lammas shoot</b>		<b>prototrophy</b>	تک کانی پروردگی
<b>promeristem</b>	پیش سرلاد	<b>protoxylem</b>	پیش چوب
<b>propagate</b>	تکثیر کردن	<b>psammophyte</b>	شن رُست
		<b>pseudocarp</b>	میوه کاذب
		<i>syn.</i> <b>accessory fruit, false fruit</b>	
		<b>Psilotaceae</b>	برهنه ساقیان
		<b>Pteridaceae</b>	پرسر خسیان

<b><i>Pteridium</i></b>	سرخس عقابی	<b>quiescence</b>	خמוש
<b>Pteridophyta</b>	سرخس تباران	<b>quiescent</b>	خמוש
<b>puberulent</b>	ریز کرک آلود	<b>race</b>	نژاد
<i>syn. minutely pubescent</i>		<b>raceme</b>	خوشه
<b>pubescent<sup>1</sup></b>	کُرک آلود	<b>racemose</b>	خوشه‌ای
<b>pubescent<sup>2</sup></b>	کُرک دار	<b>rachilla<sup>1</sup></b>	محور برگچه
<b>pulveraceous</b> → pulverulent		<b>rachilla<sup>2</sup></b>	محور سنبلچه
<b>pulverulent</b>	گردآلود	<b>rachis<sup>1</sup></b>	محور برگ
<i>syn. pulveraceous</i>		<b>rachis<sup>2</sup></b>	محور گل آذین
<b>pulvinus</b>	بالشتک	<b>racial</b>	نژادی
<b>punctate</b>	منقوط	<b>radial</b>	شعاعی
<i>syn. dotted, pitted</i>		<b>radical</b> → basal <sup>2</sup>	
<b>punctuated equilibrium</b>	تعادل منقطع	<b>Rafflesia</b>	رافلیزا
		<b>Rafflesiaceae</b>	رافلیزیائیان
<b>pungent</b>	گزنده	<b>rambutan</b>	مژکی
<b><i>Punica</i></b>	انار	<b>rank</b>	رتبه
<b>Punicaceae</b>	اناریان	<b>Ranunculaceae</b>	آلاله‌ایان
<b>pure line</b>	رگهٔ خالص	<b>Ranunculales</b>	آلاله‌سانان
<b>pyrenoid</b>	دانک	<b>Ranunculus</b>	آلاله
<b>pyriform</b>	گلابی‌شکل	<b>raphe</b>	نقش بند
<b><i>Pyrola</i></b>	برگ‌آمرودی	<b>rare species</b>	گونهٔ کمیاب
<b>Pyrolaceae</b>	برگ‌آمرودیان	<b>ratoon/ratoon</b>	وارویش
<b>pyxidium</b> → pyxis		<b>ray</b>	اشعه، پره
<b>pyxis</b>	پوشینهٔ میجری	<b>ray cell</b>	یاختهٔ اشعه
<i>syn. pyxidium</i>		<b>ray initial</b>	پیش‌آغازۀ اشعه
<b>quantum evolution</b>	تکامل ناگهانی، فرگشت ناگهانی	<b>reading frame shift mutation</b>	
		→ frame shift mutation	
<b>quantum speciation</b>	گونه‌زایی ناگهانی	<b>recalcitrant seed</b>	بذر کم‌عمر
		<i>syn. unorthodox seed</i>	

<b>receptacle</b> → thalamus		<b>revegetation</b>	بازرویش
<b>recipient parent</b>	والد گیرنده	<b>Rhamnaceae</b>	عنابیان
<b>red-top</b>	مرحله سوزن قرمزی، سوزن قرمزی	<b>rhizomatous</b>	زمین ساقه‌ای
<b>registered seed</b>	بذر ثبت شده	<b>rhizome/rhizoma</b>	زمین ساقه
<b>regular</b>	منظم	<b>rhizomorph</b>	زمین ساقه ریخت
<b>reniform</b>	کلیوی شکل	<b>Rhizophora</b>	چندل
	<i>syn. kidney-shaped</i>	<b>Rhizophoraceae</b>	چندلیان
<b>repand</b> → undulate		<b>rhomboid</b>	لوزی وار
<b>repetitive simple sequence</b>		<b>rhytidome</b> → outer bark	
	→ short tandem repeat	<b>rhizogenesis</b> → rooting	
<b>replication</b>	همتاسازی	<b>ribbed</b>	رگه دار
<b>reproduce</b>	تولیدمثل کردن، زادآوری کردن، زاد آوردن		<i>syn. costate</i>
<b>reproduction</b>	تولیدمثل، زادآوری	<b>ribosome</b>	رِناتَن
<b>reproductive</b>	تولیدمثلی، زادآوردی	<b>ripening</b>	مرحله رسیدن
<b>Reseda</b>	اسپرک	<b>R-line</b>	رگه آر
<b>Resedaceae</b>	اسپرکیان	<b>rolled back</b> → revolute	
<b>resin</b>	آنْگْم، رزین	<b>root collar</b> → root crown	
<b>resolved phylogeny</b>	تبارزایی تفکیکی	<b>root crown</b>	یقه ریشه
<b>resting potential</b>	پتانسیل استراحت		<i>syn. root collar</i>
<b>restorer line</b>		<b>rooted tree</b>	درخت ریشه دار
	→ fertility restorer line	<b>rooting</b>	ریشه زایی
<b>reticulate</b>	مشبک		<i>syn. rhizogenesis</i>
	<i>syn. netted</i>	<b>root primordium</b>	آغازة ریشه
<b>reticulodromous</b>	مشبک رو	<b>Rosa</b>	گل سرخ
<b>retuse</b>	نوک تورفته	<b>Rosaceae</b>	گل سرخیان
<b>reversal</b>	برگشت	<b>Rosales</b>	گل سرخ سانان
<b>revolute</b>	برون پیچ	<b>rosette</b>	طوقه
	<i>syn. rolled back</i>	<b>rostrate</b>	منقاری
			<i>syn. beaked</i>

<b>rosulate</b>	طوقه‌ای	<b>Santalales</b>	صندل سانان
<b>rotund</b>	نوک گرد	<b>Santalum</b>	صندل
<i>syn. rounded</i>		<b>Sapindaceae</b>	ناترکیان
<b>rough</b> → <b>rugose</b>		<b>Sapindales</b>	افراسانان
<b>rounded</b> → <b>rotund</b>		<b>sapling<sup>1</sup></b>	خال
<b>RSS</b> → short tandem repeat		<b>sapling<sup>2</sup></b>	شل
<b>Rubia</b>	روناس	<b>sapling<sup>3</sup></b>	نهال
<b>Rubiaceae</b>	روناسیان	<b>Sapota</b>	چیکو
<b>rugose</b>	پُرچروک	<b>Sapotaceae</b>	چیکوئیان
<i>syn. rough, wrinkled</i>		<b>saprophyte</b>	پوده‌رُست
<b>runcinate</b>	چپ‌اره‌ای	<b>saprophytic</b>	پوده‌رُستی
<b>Ruppia</b>	شورابی	<b>sapstain</b>	لکهٔ برون چوب
<b>Ruppiaceae</b>	شورابیان	<b>sapwood</b>	برون چوب
<b>Ruscaceae</b>	کوله‌خاسیان	<b>sarcotesta</b>	دانه‌پوش گوشتی
<b>Ruscus</b>	کوله‌خاس	<b>saurochory</b>	خزنده‌برافشانی
<b>Ruta</b>	سُداب	<b>Saxifraga</b>	خاراشکن
<b>Rutaceae</b>	سُدابیان	<b>Saxifragaceae</b>	خاراشکنیان
<b>sagittate</b>	پیکانی	<b>Saxifragales</b>	خاراشکن سانان
<b>sagittiform</b>	پیکانی شکل	<b>scabrous</b>	زُبر
<i>syn. arrow-shaped</i>		<b>scalariform</b>	نردبانی
<b>Saintpaulia</b>	بنفشهٔ آفریقایی	<b>scalelike</b> → <b>scaley</b>	
<b>Salicaceae</b>	بیدیان	<b>scaley</b>	فلس مانند
<b>Salix</b>	بید	<i>syn. scalelike</i>	
<b>Salvadora</b>	مسواک	<b>scape</b>	گل ستاک
<b>Salvadoraceae</b>	مسواکیان	<b>scapose</b>	گل ستاکی
<b>Salviniaceae</b>	سرخس آبیان	<b>scarified seed</b>	بذر خراشیده
<b>samara</b>	فندقهٔ بال دار	<b>schizocarp</b>	چاک‌بَر
<b>Sambucus</b>	آقطی	<b>schizoendemic</b>	واگر ابومویژه،
<b>Santalaceae</b>	صندلیان		واگر انحصاری

<b>scion</b>	پیوندک	<b>self-pollination</b>	خودگرده‌افشانی
<i>syn. cion</i>		<b>semicraspedodromous</b>	نیم‌لبه‌رو
<b>sclerenchyma</b>	سخت‌آکنه	<b>semifalcate</b>	نیمه‌داسی
<b>scorpioid cyme</b>	گرزن کژدمی	<b>semifalciform</b>	نیمه‌داسی‌شکل
<i>syn. cincinnus</i>		<b>semispecies</b>	نیم‌گونه
<b>Scrophulariaceae</b>	گل‌میمونیان	<i>syn. incipient species,</i>	
<b>secondary cortex</b>	پوستِ پسین	<i>allospecies</i>	
<b>secondary growth</b>	رشد پسین	<b>semi-strict consensus tree</b>	درخت اجماع نیمه‌قاطع
<b>secondary meristem</b>	سرلاد پسین	<b>sensitive species</b>	گونه حساس
<b>secondary phloem</b>	آبکش پسین	<b><i>sensu lato</i></b>	با دید وسیع
<b>secondary shoot</b>	جست ثانویه	<b><i>sensu stricto</i></b>	با دید باریک
<b>secondary vein</b>	رگبرگ دومین	<b>sepal</b>	کاسبرگ
<b>secondary xylem</b>	بافت چوبی پسین، چوب پسین	<b>sepalous</b>	کاسبرگ‌دار
<b>secrete</b>	ترشح کردن	<b>septal</b>	دیواره‌ای
<b>secretion</b>	ترشح	<b>septicidal capsule</b>	پوشینه تیغه‌شکاف
<b>secretor</b>	ترشح‌ساز	<b>septifragal capsule</b>	پوشینه تیغه‌شکند
<b>secretory</b>	ترش‌حی	<i>syn. valvular capsule</i>	
<b>section<sup>1</sup></b>	بخشه	<b>septum</b>	دیواره
<b>section<sup>2</sup></b>	بُرش	<b>sequence alignment</b>	
<b>seed</b>	دانه <sup>۲</sup>	→ alignment	
<b>seed coat</b>	پوسته دانه	<b>seriseous</b>	ابریشمی
<i>syn. testa</i>		<b>serotinal</b>	بُن تابستانی
<b>seed plants</b>	گیاهان دانه‌دار	<b>serrate</b>	اره‌ای
<b>seed stock</b>	بذر ذخیره	<b>serrulate</b>	ریزازه‌ای
<b>Selaginellaceae</b>	علف‌خوکیان	<i>syn. finely serrate</i>	
<b>selected seed</b>	بذر گزیده	<b>Sesamum</b>	کنجد
<b>selection</b>	گزینش، انتخاب	<b>sessile</b>	بی‌پایک
<b>self-pollinated</b>	خودگرده‌افشان	<b>setose</b>	موریشی
		<i>syn. bristly</i>	



<b>setulose</b>	ریز موریشی	<b>short tandem repeat</b>	
<i>syn.</i> finely setose		<i>abbr.</i> STR	تکراری‌های پیاپی کوتاه
<b>sex</b>	جنس	<i>syn.</i> repetitive simple sequence,	
<b>sex chromosome</b>	فام‌تن جنسی	RSS, simple sequence	
<b>sex determination</b>	تعیین جنسیت	repeat, SSR	
<b>sex ratio</b>	نسبت جنسی	<b>shortwood</b>	کوتاه‌چوب
<b>sex(ual) cell</b>	یاخته جنسی	<b>shot berry</b>	سته ساچمه‌ای
<b>sex(ual) differentiation</b>	تمایز جنسی	<b>shrub</b>	درختچه
<b>sexual dimorphism</b>	دوربختی جنسی	<b>sibling species</b>	گونه‌های همزاد
<b>sexual reproduction</b>	تولیدمثل جنسی	<i>syn.</i> aphanic species,	
<b>sexual selection</b>	گزینش جنسی	twin species, cryptic species	
<b>shade demanding</b>		<b>sieve element</b>	عنصر آبکش،
→ shade tolerant			عنصر غربالی
<b>shade intolerant species</b>		<b>sieve plate</b>	صفحه آبکش،
	گونه نوری‌پسند		صفحه غربالی
<b>shade intolerant tree</b>	درخت نوری‌پسند	<b>sieve tissue</b>	بافت غربالی
<b>shade tolerance</b>	سایه‌پسندی	<b>silicula</b>	خورجینک
<b>shade tolerant</b>	سایه‌پسند	<b>siliqua/silique</b>	خورجین
<i>syn.</i> shade demanding		<b>Simaroubaceae</b>	غرغریان
<b>shade tolerant tree</b>	درخت سایه‌پسند	<b>simplifiedromous</b>	
<b>shaggy</b> → villous		→ craspedodromous	
<b>shallowly oblong</b>	مستطیلی پخشیده	<b>simple fruit</b>	میوه ساده
<b>shallow-rooted</b>	ریشه‌سطحی	<b>simple sequence repeat</b>	
<b>sheath</b>	غلاف	→ short tandem repeat	
<b>sheathing</b>	غلافی <sup>۲</sup>	<b>single cross</b>	دورگه ساده
<b>shield-shaped</b> → peltate		<b>sinuate</b>	سینوسی
<b>shoot</b>	ستاک	<b>siphonogamic</b>	
<b>short-day plant</b>	گیاه روز کوتاه	→ siphonogamous	
		<b>siphonogamous</b>	ماشوره کام
		<i>syn.</i> siphonogamic	

<b>siphonogamy</b>	ماشوره کامی	<b>soya bean</b>	لوبیاروغنی، سویا
<b>sister group</b>	گروه خواهری	<i>syn. soya</i>	
<b>site-directed mutagenesis</b>	جهش‌زایی جهت‌دار	<b>spadix</b>	میل چمچه
<i>syn. site-specific mutagenesis,</i>		<b>spatulate</b>	قاشقی
directed mutagenesis,		<b>speciation</b>	گونه‌زایی
targeted mutagenesis,		<b>species</b>	گونه
localized mutagenesis,		<b>species at risk</b>	گونه درمخاطره
oligonucleotid directed		<i>syn. at risk species</i>	
mutagenesis		<b>species of concern</b>	گونه نگران‌کننده
<b>site-specific mutagenesis</b>		<b>specific</b>	گونه‌ای
→ site-directed mutagenesis		<b>specimen</b>	نمونه
<b>small vein</b> → veinlet		<b>sperm</b> → spermatozoid	
<b>Smilacaceae</b>	آزملکیان	<b>spermatid</b>	زام‌باختک
<b>Smilax</b>	آزملک	<b>spermatocyte</b>	زام‌باخته
<b>smooth</b> → glabrous		<b>spermatogenesis</b>	زآم‌زایی
<b>smother crop</b>	گیاه خفه‌کننده	<b>spermatogenetic</b>	زآم‌زایشی
<b>snag</b>	خشکه‌دار	<b>spermatogonium</b>	زآم‌زا
<b>soft</b> → velutinous		<b>spermatophytes</b>	دانه‌داران
<b>soft dough stage</b>	مرحله نرم‌خمیری	<b>spermatozoid</b>	زامه <sup>۱</sup>
<b>softwood</b>	نرم‌چوب	<i>syn. sperm</i>	
<b>Solanaceae</b>	بادنجانیان	<b>spherosomal</b>	گوی‌تنی
<b>Solanales</b>	بادنجان‌سانان	<b>spherosome</b>	گوی‌تن
<b>Solanum</b>	بادنجان	<i>syn. oleosome</i>	
<b>solitary</b>	تک‌گل	<b>spike</b>	سنبله
<b>sorrel-top</b>	مرحله سوزن‌نارنجی،	<b>spikelet</b>	سنبلچه
	سوزن‌نارنجی	<b>Spinacia</b>	اسفناج
<b>source-sink</b>	رابطه مبدأ - مقصد	<b>spine</b>	خار
<b>soya</b> → soya bean		<b>spontaneous generation</b>	زایش خودبه‌خودی

sporangium	هاگدان	STR → short tandem repeat
spore	هاگ	strap-shaped → ligulate <sup>2</sup>
sporocyte	یاخته هاگزا	strict consensus tree
sporophyte	هاگ رُست	درخت اجماع قاطع
sporophytic	هاگ رُستی	strigose
sport → bud sport		زُرمو
sprig	برخه	stump
spring wood	چوب بهاره	کُنده
squamous	فلسی	stumpwood
SSR → short tandem repeat		کُنده چوب
stamen	پرچم	style
stand age distribution		خامه
	پراکنش سن توده	stylopodium
status unknown species		پایک خامه
	گونه وضعیت ناشناخته	suberic → suberous
stellate	ستاره‌ای	suberification → suberization <sup>1</sup>
stem group	ساق گروه	suberin
stemless → acaulescent		چوب پنبه
stem stage	مرحله ساقه‌ای	syn. cork
stemwood	ساقه چوب	suberization <sup>1</sup>
Sterculiaceae	کاکائوئیان	چوب پنبه‌ای شدگی،
steriglose	زُرموی کوتاه	چوب پنبه‌ای شدن
stigma	کُلاله	syn. suberification
stipe	پایک	suberization <sup>2</sup>
stipel	گوشوارک	چوب پنبه‌شدگی،
stipule	گوشواره	چوب پنبه شدن
stoma	روزنه هوایی	suberose → suberous
stone fruit → drupe		suberous
stool	کُنده جَست‌زا	چوب پنبه‌ای
		syn. suberic, suberose
		subspecies
		زیرگونه
		subspecific
		زیرگونه‌ای
		subtruncate
		نیم‌نوک بریده
		subulate
		درفشی
		subuliform
		درفشی شکل
		syn. awl shape
		succession
		توالی
		succulent
		میوه گوشتی
		syn. fleshy fruit

<b>sucker</b>	پاجوش	<b>synpetalous</b>	پیوسته گلبرگ
<b>suckering</b>	پاجوش دهی	<i>syn. gamopetalous</i>	
<b>sudation</b> → <b>guttation</b>		<b>synsepalous</b>	پیوسته کاسبرگ
<b>sulcate</b>	شیاردار	<i>syn. gamosepalous</i>	
<i>syn. furrowed, grooved</i>		<b>syntepalous</b>	پیوسته گلپار
<b>summer dormancy</b>		<b>syntype</b>	هم‌مونه
→ <i>aestivation</i> <sup>2</sup>		<b>systematics</b>	سازگان‌شناسی
<b>summer wood</b>	چوب تابستانه	<b>Tamaricaceae</b>	گزیان
<b>superior ovary</b>	تخمدان فوقانی	<b>Tamarix</b>	گز
<b>superspecies</b>	آبرگونه	<b>Tamus</b>	تمیس
<b>superspecific</b>	آبرگونه‌ای	<b>targeted mutagenesis</b>	
<b>supraspecific</b>	فراگونه‌ای	→ <i>site-directed mutagenesis</i>	
<b>supraspecific level</b>	تراز فراگونه‌ای	<b>tautonym</b>	هم‌تنام
<b>supraspecific rank</b>	رتبه فراگونه‌ای	<b>Taxaceae</b>	سرخ‌داریان
<b>sword-shaped</b> → <b>ensiform</b>		<b>Taxodiaceae</b>	دارتالابیان
<b>sympatric</b>	همجا	<b>Taxodium</b>	دارتالاب
<b>sympatric speciation</b>	گونه‌زایی هم‌جا	<b>taxon</b>	آرایه
<b>symplesiomorphy</b>	هم‌نخست‌ریختی	<b>taxonomic key</b>	کلید آرایه‌شناختی
<b>symport</b>	هم‌بری	<b>taxonomic revision</b>	
<b>symporter</b>	هم‌بر		بازنگری آرایه‌شناختی
<b>synapomorphy</b>	هم‌جداریختی	<b>taxonomy</b>	آرایه‌شناسی
<b>syncarpous</b>	پیوسته‌برچه	<b>Taxus</b>	سرخ‌دار
<b>synergid</b>	هم‌کاره	<b>tegumentum</b>	جوانه‌پوش
<b>syngamic</b> → <b>syngamous</b>		<i>syn. cataphyll</i>	
<b>syngamous</b>	هم‌کام	<b>tegument</b> → <b>integument</b>	
<i>syn. syngamic</i>		<b>telomeric position effect</b>	
<b>syngamy</b>	هم‌کامی	→ <i>telomeric silencing</i>	
<b>syngenesious</b>	پیوسته‌بساک	<b>telomeric silencing</b>	
<b>synonym</b>	مترادف		خاموش‌سازی ته‌پاری
		<i>syn. telomeric position effect</i>	

<b>tension<sup>1</sup></b>	فشار	<b>thread-like</b> → filiform	
<b>tension<sup>2</sup></b>	کشش	<b>threatened species</b>	گونهٔ درتهدید
<b>tenuinucellate</b>	کم خورش	<b>three-pronged</b> → tridentate	
<b>tepal</b>	گلپار	<b>three-way cross</b>	سه‌رگه
<b>teploid</b>	گلپارواره	<i>syn.</i> three-way hybrid	
<b>terminal bud</b> → apical bud		<b>three-way hybrid</b>	
<b>Terminalia</b>	گاروم‌زنگی	→ three-way cross	
<b>terminal style</b>	خامهٔ انتهایی	<b>threshold</b>	
<i>syn.</i> apical <sup>3</sup>		→ threshold potential	
<b>ternate venation</b>		<b>threshold potential</b>	پتانسیل آستانه
→ actinodromous		<i>syn.</i> firing point, firing level,	
<b>tertiary vein</b>	رگبرگ سومین	threshold	
<b>testa</b> → seed coat		<b>thylakoid</b>	ریزکیسه
<b>tetrad</b>	چهارتایه	<b>Thymelaeaceae</b>	ماژریونیان
<b>tetramerous</b>	چهارپار	<b>thyrses</b>	خوشه‌گوزن
<b>thalamus</b>	نَهْتَج	<b>Tilia</b>	نمدار
<i>syn.</i> receptacle		<b>Tiliaceae</b>	نمداریان
<b>Thallobionta</b> → Thallophyta		<b>tillering stage</b>	مرحلهٔ پنجه‌زنی
<b>thalloid</b>	ریسه‌سا	<b>tip</b>	نوک
<b>Thallophyta</b>	ریسه‌داران	<b>tissue culture</b>	کشت بافت
<i>syn.</i> Thallobionta		<b>tolerance</b>	تحمل
<b>thallophyte</b>	ریسه‌رُست	<b>tomentose</b>	نمدی
<b>thallus</b>	ریسه	<b>tomentulose</b>	ریزنمدی
<b>Theaceae</b>	چاییان	<b>tongue-shaped</b> → ligulate <sup>2</sup>	
<b>theca</b>	خانک	<b>tonoplast</b>	کیش‌دیسسه
<b>Thelypteridaceae</b>	سرخس باتالقیان	<b>toothed</b> → dentate	
<b>Thelypteris</b>	سرخس باتالقی	<b>topology</b>	مکان‌شناسی
<b>Theobroma</b>	کاکائو	<b>topotaxis</b> → tropism	
<b>thorn</b>	خارشاخه	<b>torpidity</b> → aestivation <sup>2</sup>	

<b>total evaporation</b>		<b>Trapa</b>	سه کنجه خیز
→ evapotranspiration		<b>Trapaceae</b>	سه کنجه خیزیان
<b>tracheid</b>	نایدیس	<b>traumatic ring</b>	حلقهٔ آسیب‌زاد
<b>Tracheophytes</b>	آوندداران، گیاهان آوندی	syn. traumatic zone	
<b>transcellular transport</b>	ترابرد ترایاخته‌ای	<b>traumatic zone</b>	
		→ traumatic ring	
<b>transcription vector</b>		<b>tree</b> → arbor	
→ expression vector		<b>tree-like</b> → dendroid	
<b>transformation hypothesis</b>		<b>triangular</b> → deltoid	
	نظریهٔ دگرگونی انواع، دگرگونی انواع	<b>tribe</b>	طایفه
<b>transgene</b>	تراژن	<b>trichome</b>	کُرک
<b>transgenic</b>	تراژنی	<b>trichome-hydathode</b>	کُرک‌روزنه
<b>transgenic line</b>	رگهٔ تراژنی	<b>tridentate(d)</b>	سه‌دندان‌ه‌ای
<b>translocation</b>	تراسپاری	syn. three-pronged	
<b>transmembrane potential</b>		<b>Triglochin</b>	سه‌سیخک
→ membrane potential		<b>trimerous</b>	سه‌پار
<b>transmission</b>	تراگسیل	<b>trisomic</b>	سه‌فام‌تنه
<b>transpiration</b>	ترادمش، تعرق	<b>trisomy</b>	سه‌فام‌تنی
<b>transport</b>	ترابرد	<b>tritiale</b>	چاودُم
<b>transporter</b>	ترابر	<b>Triticum</b>	گندم
syn. carrier protein		<b>Triticum durum</b> → durum wheat	
<b>transudate</b>	تراز‌هه	<b>Triticum turgidum</b>	
syn. transudation <sup>2</sup>		→ durum wheat	
<b>transudation<sup>1</sup></b>	ترازهش	<b>Tropaeolaceae</b>	لادنیان
<b>transudation<sup>2</sup></b> → transudate		<b>Tropaeolum</b>	لادن
<b>transudatory</b>	ترازهشی	<b>trophic chain</b> → food chain	
<b>transverse dehiscence</b>	شکفتگی عرضی	<b>trophic level</b>	تراز تغذیه
		<b>trophic pathway</b> → food chain	
<b>transverse oblong</b>	مستطیلی عرضی	<b>tropic</b>	گرایشی

<b>tropism</b>	گرایش	<b>utricle</b>	کیسک
<i>syn. topotaxis</i>		<i>syn. utriculus</i>	
<b>truncate</b>	نوک بریده	<b>utricular</b>	کیسکی
<b>tuberculate</b> → papillate		<i>syn. utriculate</i>	
<b>twin species</b> → sibling species		<b>Utricularia</b>	علف‌انابانی
<b>type</b>	مونه	<b>utriculate</b> → utricular	
<i>syn. type specimen</i>		<b>utriculus</b> → utricle	
<b>type specimen</b> → type		<b>Valeriana</b>	سنبل‌الطیب
<b>Typha</b>	لوئی	<b>Valerianaceae</b>	سنبل‌الطیبیان
<b>Typhaceae</b>	لوئیان	<b>valvular capsule</b>	
<b>Ulmaceae</b>	نارونیان	→ septifragal capsule	
<b>Ulmus</b>	نارون	<b>valvular dehiscence</b>	شکفتگی کفه‌ای
<b>umbel</b>	چتر	<b>vascular cambium</b>	بُن‌لاد آوندی
<b>Umbellifera</b>	چتریان	<b>vascular cryptogams</b>	
<b>umbrella species</b>	گونه چتر		نهانزادان آوندی
<b>uncinate</b>	قلاب‌وار	<b>vascular plants</b>	گیاهان آوندی
<i>syn. hooked</i>		<b>vascular wilt</b>	پژمردگی آوندی
<b>undulate</b>	موج‌دار	<b>vein</b>	رگبرگ
<i>syn. wavy, repand</i>		<b>veining</b> → venation	
<b>unicarpellous</b>	تک‌برچهای	<b>veinlet</b>	رگبرگ فرعی
<b>uniseriate ray</b>	اشعه یک‌لایه	<i>syn. nerville, small vein</i>	
<b>unistomal</b>	تک‌روزنی	<b>velutinous</b>	مخملی
<b>unitegmic</b>	تک‌پوششی	<i>syn. velvety, soft</i>	
<b>unordered</b>	نامرتب	<b>velvety</b> → velutinous	
<b>unorthodox seed</b>		<b>venation</b>	رگ‌بندی
→ recalcitrant seed		<b>ventral</b>	شکمی
<b>unrooted tree</b>	درخت بی‌ریشه	<b>Verbena</b>	شاه‌پسند
<b>Urtica</b>	گزنه	<b>Verbenaceae</b>	شاه‌پسندیان
<b>Urticaceae</b>	گزنه‌ایان	<b>vernal</b> <sup>1</sup>	بُن‌بهار

<b>vernal</b> <sup>2</sup>	بهاری	<b>Viola</b>	بنفشه
<b>verrucate</b> → papillate		<b>Violaceae</b>	بنفشه‌ایان
<b>verticillaster</b>	فراهمه	<b>Viscaceae</b>	دارواشیان
<b>verticillate</b>	فراهم	<b>Viscum</b>	دارواش
<b>verticillate leaves</b>		<b>Vitaceae</b>	انگوریان
→ whorled leaves		<b>Vitales</b>	انگورسانان
<b>very broadly oblong</b>		<b>Vitis</b>	انگور
	مستطیلی بس پهن	<b>volunteer</b> → volunteer plant	
<b>very deeply ovoid</b>		<b>volunteer plant</b>	گیاه ناخواسته
	تخم مرغی بس کشیده	syn. volunteer	
<b>very depressed oblong</b>		<b>voucher specimen</b>	نمونه شاهد
	مستطیلی بس فروفشرده	<b>vulnerable species</b>	گونه آسیب‌پذیر
<b>very narrowly oblong</b>		<b>water loss</b>	
	مستطیلی بس باریک	→ evapotranspiration	
<b>very shallowly oblong</b>		<b>water sprout</b>	
	مستطیلی بس پخشیده	→ epicormic branch	
<b>vesicular</b> → vesiculate		<b>wavy</b> → undulate	
<b>vesiculate</b>	تاو لچه‌دار	<b>wax</b>	موم
syn. bladderly, vesicular		<b>waxy</b>	مومی
<b>vessel</b>	آوند چوبی، چوب‌آوند	<b>weed</b>	علف هرز
<b>vessel element</b>	عنصر چوب‌آوندی	<b>weighting</b>	
<b>vestiture</b>	گرک پوش	→ character weighting	
syn. indumentum		<b>whip</b>	درخت شلاق‌زن، شلاق‌زن
<b>vicariance</b>	جانیشینی	<b>whorl</b>	چرخه
<b>vicariant speciation</b>		<b>whorled</b>	چرخه‌ای
	گونه‌زایی جانیشینی	<b>whorled leaves</b>	برگ‌های فراهم
<b>Vicia</b>	ماشک	syn. verticillate leaves	
<b>villous</b>	پشم‌آلود	<b>windfirm</b>	بادمقاوم
syn. shaggy		<b>wooly</b> → lanate	



<b>woody root</b>	ریشه چوبی	<b>گیاهان دارویی</b>
<b>wrinkled</b> → rugose		
<b>Xanthophyllaceae</b>		<b>Abraham's balm</b>
→ Polygalaceae		→ <i>Vitex agnus-castus</i>
<b>xerophyte</b>	خشکی‌رست	<b>acacia gum</b> → gum arabic
<i>syn.</i> drought-enduring plant,		<b>ajwain/ajowan</b>
drought-persistent plant		→ <i>Trachyspermum copticum</i>
<b>xylarium</b>	چوبکده	<b>Aloe</b>
<b>xylem</b>	بافت چوبی، چوب	صبر
<b>xylem cell</b>	یاخته چوب	<b>Aloe barbadensis</b> → <i>Aloe vera</i>
<b>xylem ray</b>	اشعه چوب	<b>Aloe vera</b>
<b>xylem sap</b>	شیره خام	صبر حقیقی
<b>Zannichellia</b>	زانیشلیا، یال‌اسبی	<i>syn.</i> <i>Aloe vulgaris</i> ,
<b>Zannichelliaceae</b>	زانیشلیائیان،	<i>Aloe barbadensis</i>
	یال‌اسبیان	<b>Aloe vulgaris</b> → <i>Aloe vera</i>
<b>Zingiber</b>	زنجبیل	<b>Ammi copticum</b>
<b>Zingiberaceae</b>	زنجبیلیان	→ <i>Trachyspermum copticum</i>
<b>Zingiberales</b>	زنجبیل‌سانان	<b>Amygdalus</b>
<b>Ziziphus</b>	عناپ <sup>۲</sup>	بادام
<b>Zostera</b>	نواری	<b>Amygdalus communis</b>
<b>Zosteraceae</b>	نواریان	بادام رسمی
<b>zygomorphic</b>	تک‌تقارنی	<b>anise</b>
<i>syn.</i> zygomorphous		بادیان رومی <sup>۱</sup>
<b>zygomorphous</b> → zygomorphic		<b>anise oil</b>
<b>Zygophyllaceae</b>	قیچیان	<i>syn.</i> oil of anise
<b>Zygophyllales</b>	قیچ‌سانان	<b>balm</b> → common balm
<b>Zygophyllum</b>	قیچ	<b>balm mint</b> → common balm
<b>zygote</b>	زاگ، تخم	<b>black nightshade</b>
		تاجریزی
		<b>blond plantain</b>
		اسپرزه
		<i>syn.</i> ispaghula
		<b>blue gum</b> → <i>Eucalyptus globulus</i>
		<b>broadleaf plantain</b>
		→ <i>Plantago major</i>
		<b>calamint</b> → <i>Calamintha</i>

<b>Calamintha</b>	زیاننا	<b>decoction</b>	جوشانده
syn. calamint		<b>dehydrated castor oil</b>	
<b>Calamintha officinalis</b>			روغن کرچک آب‌زوده
	زیاننا دارویی	<b>Dracocephalum</b>	بادریشی <sup>۱</sup>
syn. <i>Melissa calamintha</i> ,		syn. dragonhead	
<i>Satureja calamintha</i>		<b>Dracocephalum moldavica</b>	
<b>camphor</b>	کافور		بادریشی دارویی
<b>camphor essential oil</b>		syn. <i>Moldavica punctata</i> ,	
→ oil of camphor		<i>Moldavica suaveolens</i> ,	
<b>Carum copticum</b>		Moldavian dragonhead	
→ <i>Trachyspermum copticum</i>		<b>dragonhead</b> → <i>Dracocephalum</i>	
<b>castorbean</b> → <i>Ricinus communis</i>		<b>Espand</b> → <i>Peganum harmala</i>	
<b>castor oil</b>	روغن کرچک	<b>Eucalyptus</b>	اکالیپتوس
<b>castor oil plant</b>		<b>Eucalyptus camaldulensis</b>	
→ <i>Ricinus communis</i>			اکالیپتوس کامالدول
<b>chaste tree</b> → <i>Vitex agnus-castus</i>		syn. river red gum	
<b>Christ's Thorn Jujube</b>		<b>Eucalyptus gillii</b>	اکالیپتوس پُرشاخه
→ <i>Ziziphus spina-christi</i>		syn. curly mallee	
<b>clary sage</b>	مَرموک	<b>Eucalyptus globulus</b>	اکالیپتوس نیلی
<b>clove oil</b> → oil of clove		syn. blue gum,	
<b>common balm</b>	بادرنجبویه	Tasmanian bluegum	
syn. balm mint, balm,		<b>extract</b>	عصاره
lemon balm		<b>felty germander</b>	
<b>common sage</b>	مریم‌گلی <sup>۲</sup>	→ <i>Teucrium polium</i>	
<b>crude plant extract</b>		<b>finished herbal product</b>	
	عصارهٔ خام گیاهی		محصول نهایی گیاه دارویی
<b>curly mallee</b> → <i>Eucalyptus gillii</i>		<b>flax</b> → <i>Linum</i>	
<b>Cuscuta</b>	سیس	<b>flaxseed oil</b> → linseed oil	
<b>deadnettle/dead nettle</b>		<b>Galeobdolon luteum</b>	
→ <i>Lamium</i>		→ <i>Lamium galeobdolon</i>	

<b>garden sage</b>		<b>Lallemantia</b>	بالنگو
→ <i>Salvia officinalis</i>		<b>Lallemantia iberica</b>	بالنگوی شهری
<b>germander</b>	مریم‌نخودی	<b>Lallemantia royleana</b>	بالنگوی شیرازی
<b>greater henbit</b>		<b>lamb's ear(s)</b>	چای کوهی
→ <i>Lamium amplexicaule</i>		<b>Lamium</b>	گزنه سفید
<b>greater plantain</b>		syn. deadnettle	
→ <i>Plantago major</i>		<b>Lamium album</b>	گزنه سفید رسمی
<b>gum</b>	صمغ	syn. white deadnettle,	
<b>gum arabic</b>	صمغ عربی	white nettle	
syn. acacia gum		<b>Lamium amplexicaule</b>	
<b>hedgenettle</b> → <i>Stachys</i>		گزنه سفید ساقه‌آغوش	
<b>henbit deadnettle</b>		syn. henbit deadnettle,	
→ <i>Lamium amplexicaule</i>		greater henbit	
<b>herbal materials</b>	مواد گیاهی	<b>Lamium galeobdolon</b>	گزنه سفید زردگل
<b>herbal preparations</b>	فرآورده‌های گیاهی	syn. <i>Galeobdolon luteum</i> ,	
		yellow archangel	
<b>high mallow</b> → <i>Malva sylvestris</i>		<b>latex</b>	شیرابه
<b>horse mint</b>	پونه	<b>lemon balm</b> → common balm	
<b>hyssop</b> → <i>Hyssopus</i>		<b>linseed oil</b>	روغن تخم کتان، روغن بزرک
<b>Hyssopus</b>	زوفا	syn. flaxseed oil	
syn. hyssop		<b>Linum</b>	کتان
<b>Hyssopus angustifolius</b>		syn. flax	
	زوفای برگ‌باریک	<b>maceration<sup>1</sup></b>	خیساندن
<b>Hyssopus officinalis</b>	زوفای دارویی	<b>maceration<sup>2</sup></b>	خیسانده
<b>infusion</b>	دم‌کرده	<b>major plantain</b> → <i>Plantago major</i>	
<b>ispaghula</b> → blond plantain		<b>Malva</b>	پنیرک
<b>jujuba</b> → jujube		<b>Malvaceae</b>	پنیرکیان
<b>jujube</b>	عناب <sup>۱</sup>	<b>Malva neglecta Wallr</b>	پنیرک رونده
syn. jujuba		syn. running mallow	

- Malva sylvestris** پنی‌رک پابلند  
syn. high mallow
- medicinal plants** گیاهان دارویی
- Melissa** وارنگ‌بو
- Melissa calamintha**  
→ *Calamintha officinalis*
- Melissa officinalis** وارنگ‌بوی دارویی
- Mentha** نعنا
- Mentha aquatica** نعناجویاری  
syn. *Mentha aquatica* var. *persica*,  
water mint
- Mentha aquatica** var. *persica*  
→ *Mentha aquatica*
- Mentha longifolia** نعناپونه  
syn. *Mentha spicata* var. *longifolia*,  
*Mentha sylvestris*
- Mentha nigricans**  
→ *Mentha x piperita*
- Mentha piperita** var. *sylvestris*  
→ *Mentha x piperita*
- Mentha pulegium** نعناخالواش  
syn. *Pulegium vulgare*
- Mentha spicata** نعناداشتی  
syn. *Mentha viridis*,  
*Mentha sylvestris* var. *viridis*,  
spearmint
- Mentha spicata** var. *longifolia*  
→ *Mentha longifolia*
- Mentha sylvestris**  
→ *Mentha longifolia*
- Mentha sylvestris** var. *viridis*  
→ *Mentha spicata*
- Mentha viridis** → *Mentha spicata*
- Mentha x piperita** نعنافللی  
syn. *Mentha piperita* var.  
*sylvestris*, *Mentha nigricans*,  
peppermint
- Moldavian balm** بادرشبی<sup>۲</sup>
- Moldavian dragonhead**  
→ *Dracocephalum moldavica*
- Moldavica punctata**  
→ *Dracocephalum moldavica*
- Moldavica suaveolens**  
→ *Dracocephalum moldavica*
- monk's pepper**  
→ *Vitex agnus-castus*
- narrowleaf plantain**  
→ *Plantago lanceolata*
- oil of anise** → anise oil
- oil of camphor** روغن کافور  
syn. camphor essential oil
- oil of cinnamon** روغن دارچین
- oil of clove** روغن میخک  
syn. clove oil
- oil of coriander** روغن گشنیز
- oil of dill** روغن شوید
- oil of peppermint** روغن نعنافللی  
syn. peppermint essential oil
- opium** تریاک

<b>Peganum</b>	اسپند	<b>Plantago ovata</b>	بارهنگ تخم‌مرغی
<b>Peganum harmala</b>	اسپند معمولی	<i>syn. Plantago ispaghula</i>	
<i>syn. persian rue, wild rue,</i>		<b>Plantago psyllium</b>	بارهنگ سیاه‌دانه
Espand		<b>preparation</b>	فراورده
<b>pennyroyal</b>	خالواش	<b>psyllium</b>	اسپرزه سیاه
<b>peppermint</b> → <i>Mentha x piperita</i>		<b>Pulegium vulgare</b>	
<b>peppermint essential oil</b>		→ <i>Mentha pulegium</i>	
→ oil of peppermint		<b>ribwort plantain</b>	
<b>Perovskia</b>	بِرَاژَمیل	→ <i>Plantago lanceolata</i>	
<b>persian rue</b> → <i>Peganum harmala</i>		<b>Ricinus</b>	کرچک
<b>Pimpinella</b>	بادیان رومی <sup>۲</sup>	<b>Ricinus communis</b>	کرچک رسمی
<b>Pimpinella anisum</b>		<i>syn. castor oil plant, castorbean</i>	
	بادیان رومی انیسون	<b>river red gum</b>	
<b>Plantago</b>	بارهنگ	→ <i>Eucalyptus camaldulensis</i>	
<b>Plantago eriophora</b>		<b>running mallow</b>	
→ <i>Plantago lanceolata</i>		→ <i>Malva neglecta Wallr</i>	
<b>Plantago ispaghula</b>		<b>sage</b> → <i>Salvia</i>	
→ <i>Plantago ovata</i>		<b>Salvia</b>	مریم‌گلی <sup>۱</sup>
<b>Plantago lanceolata</b>	بارهنگ نیزه‌ای	<i>syn. sage</i>	
<i>syn. Plantago eriophora,</i>		<b>Salvia hydrangea</b>	مریم‌گلی عقربان، عقربان
<i>Plantago orientalis Stapf var.</i>		<b>Salvia hypoleuca</b>	مریم‌گلی کوکل، کوکل
<i>lycia, ribwort plantain,</i>		<b>Salvia leriifolia</b>	مریم‌گلی نوروزک، نوروزک
<i>narrowleaf plantain</i>		<b>Salvia macrosiphon</b>	مریم‌گلی مَروی، مَرو
<b>Plantago major</b>	بارهنگ کبیر	<b>Salvia officinalis</b>	مریم‌گلی دارویی
<i>syn. major plantain,</i>		<i>syn. garden sage</i>	
<i>broadleaf plantain,</i>		<b>Salvia sclarea</b>	مریم‌گلی مَرموک
<i>greater plantain</i>			
<b>plantago orientalis stapf var. lycia</b>			
→ <i>Plantago lanceolata</i>			

**Satureja calamintha**→ *Calamintha officinalis***seed bank**

بانک بذر

**Solanum**

بادنجان

**Solanum nigrum**

بادنجان تاجریزی

**spearmint/spear mint**→ *Mentha spicata***Stachys**

سنبله‌ای

syn. hedgenettle

**Stachys lavandulifolia**

سنبله‌ای چای کوهی

**Tamarindus**

تمر هندی

**Tamarindus indica**

تمر هندی دارویی

syn. *Tamarindus officinalis***Tamarindus officinalis**→ *Tamarindus indica***Tamarix aphylla**

گز شاهی

**Tasmanian bluegum**→ *Eucalyptus globulus***Teucrium**

کلیپوره

**Teucrium polium**

کلیپوره پُرآذین

syn. felty germander

**thyme** → *Thymus***Thymus**

اویشن

syn. thyme

**Thymus arthroclados**→ *Thymus kotschyanus***Thymus eriophorus**→ *Thymus kotschyanus***Thymus hyrcanus**→ *Thymus kotschyanus***Thymus kotschyanus**

اویشن آزروربه

syn. *Thymus eriophorus*,*Thymus hyrcanus*,*Thymus arthroclados***Trachyspermum**

زنیان

**Trachyspermum copticum**

زنیان رومی

syn. *Ammi copticum*,*Carum copticum*, ajwain**Valeriana**

سنبل الطیب

**Vitex**

پنج‌انگشت

**Vitex agnus-castus**

پنج‌انگشت پاکدامن

syn. chaste tree,

Abraham's balm,

monk's pepper

**Vitex trifolia**

پنج‌انگشت هندی

**water mint** → *Mentha aquatica***white deadnettle**→ *Lamium album***white nettle** → *Lamium album***wild rue** → *Peganum harmala***yellow archangel**→ *Lamium galeobdolon***Zataria**

اویشن شیرازی

**Zataria bracteata**→ *Zataria multiflora*

<b>Zataria multiflora</b>		<b>Ziziphus</b>	عنب <sup>۲</sup>
	آویشن شیرازی پُرگل	<b>Ziziphora clinopodioides</b>	کاکوتی کوهی
	syn. <i>Zataria bracteata</i> ,	<b>Ziziphora persica</b>	کاکوتی ایرانی
	<i>Zataria multiflora</i> var. <i>elatior</i>	<b>Ziziphora tenuior</b>	کاکوتی نازک
<b>Zataria multiflora</b> var. <i>elatior</i>		<b>Ziziphus jujuba</b>	عنب رسمی
→ <i>Zataria multiflora</i>		<b>Ziziphus spina-christi</b>	عنب کُنار، کُنار
<b>Ziziphora</b>	کاکوتی	syn. Christ's Thorn Jujube	